



اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم

حلیه المتقین - علامه مجلسی (ره)

نام کتاب: حلیه المتقین

نویسنده: علامه مجلسی (ره)

موضوع: اخلاق و آداب و سنن اسلامی

تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ قمری

زبان: فارسی

تعداد جلد: 1

فهرست مطالب

مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) 41

ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتقین 45

نکاتی درباره کارهای انجام شده 47

نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمه الله 49

ولادت و خاندان 49

دوران تحصیل 50

اساتید و شیوخ اجازه 50

جانشینی پدر 51

شاگردان و راویان 51

تألیفات 52

حلیه المتقین 53

عَلَّامَه در سفر 53

عَلَّامَه مجلسی و سیاست 54

عَلَّامَه از منظر اهل نظر 55

وفات عَلَّامَه مجلسی رحمه الله 56

مقدمه عَلَّامَه مجلسی رحمه الله 59

فصل اول: آداب پوشیدن لباس و کفش / 63

فضیلت آراستن 65

اظهار نعمت های پروردگار 65

خود را برای خودی ها بیارایید 66

لباس خوب از مال حلال 66

لباس زیرین و رویین 67

آراسته بودن در بیرون خانه 68

فلسفه سختی های دنیا 68

ص:6

لباس های حرام 69

لباس ابریشمین 70

زیورآلات طلا و نقره 70

بهترین لباس 71

لباس پنبه ای و پشمین 71

لباس کتان و خز 73

رنگ لباس 73

لباس سفید و زرد 74

لباس قرمز و کبود 74

لباس سبز سیر و سیاه 75

برخی آداب لباس پوشیدن 76

حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران 78

عمامه بستن و کلاه پوشیدن 79

عمامه بر سر گذاشتن 79

کلاه پوشیدن 81

آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی) 81

آداب لباس نو بریدن و پوشیدن 82

دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو 82

پوشیدن لباس نو ورهایی یافتن از آفات 84

شکرانه پوشیدن لباس نو 84

دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس 85

هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید 85

ویژگی های پوشش بانوان 85

اسراف در پوشش 86

پاکیزگی و نظافت لباس 86

وصله زدن به لباس 87

رنگ کفش و ویژگی های دیگر آن 87

اهمیت پوشیدن کفش 88

چه کفشی بپوشیم 88

آداب پوشیدن کفش 90

استراحت دادن به پاها 91

دعای پوشیدن کفش 91

ص: 7

فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان / 93

فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن 95

استحباب انگشتر در دست راست کردن 95

انگشتر در کدام دست کنیم 97

انگشتر در کدام انگشت نکنیم 97

دعای انگشتر در دست کردن 97

جنس انگشتر 98

چگونگی انگشتر 98

انگشترهای نامناسب 98

فضیلت عقیق 99

اهمیت عقیق در دست کردن 99

آثار و خواص عقیق در دست کردن 100

فضیلت یاقوت وزبرجد وزمرد 103

انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی 103

انگشتر زمرد و راحتی و توانگری 104

انگشتر زبرجد در دست کردن 104

فضیلت فیروزه و جزع یمانی 104

خواص انگشتر فیروزه 104

خواص انگشتر جزع یمانی 105

فضیلت در نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها 106

نقش نگین 108

اهمیت نقش نگین انگشتر 108

نقش نگین انگشتر پیامبران 108

نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام 110

آثار و خواص نقش نگین 114

پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان 117

زیور کودکان 117

زیور زنان 117

آراستن دیگر چیزها با طلا 118

آداب سرمه کشیدن 119

اهمیت سرمه کشیدن 119

ص: 8

دعای هنگام سرمه کشیدن 120

آثار و فواید سرمه کشیدن 121

آداب نگاه کردن در آئینه 122

اهمیت و فواید نگاه کردن در آئینه 122

دعاهای هنگام نگاه کردن در آئینه 122

رنگ کردن موها 124

اهمیت رنگ کردن با حنا 124

فواید و آثار رنگ کردن 125

فلسفه رنگ کردن 125

چگونگی و آثار رنگ کردن 127

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن / 129

ظرف خوردن و آشامیدن 131

غذاهای مجاز و افراط در غذا 132

شریک کردن دیگران در غذای خود 133

از غذای حلال نمی پرسند 133

غذا خوردن در حال سیری 134

کم خوری و سلامت تن 135

کمترین اسراف در غذا خوردن 137

پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن 137

وعده های غذایی 138

غذای داغ نخورید 139

در غذا فوت نکنید 140

از جلوی خود شروع به خوردن کنید 140

روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله 141

بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن 141

سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن 142

سایر آداب غذا خوردن 143

تنها غذا خوردن 143

سهم نیازمندان از غذاها 144

موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن 144

ص:9

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن 146

آداب غذا خوردن 147

شستن دست ها پیش از غذا خوردن 147

شستن دست ها پس از غذا خوردن 148

شستن دهان پس از غذا خوردن 149

کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن 149

با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟ 149

دعای سفره و آثار آن 153

آغاز وانجام غذا با نام و حمد خدا 153

آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله» 154

آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن 155

دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمه اطهار علیهم السلام 156

آداب پس از غذا خوردن 158

غذاهای ریخته شده اطراف سفره 158

حرمت نان و آثار کفران نعمت 159

خوابیدن بعد از غذا 160

ترک خدمت کردن به احترام غذا 160

در فضیلت برخی غذاها 160

مواد غذایی 160

گوشت و انواع آن 164

غذاهای گوشتی 170

غذاهای غیر گوشتی 171

لبنیات 173

دیگر مواد غذایی 175

دعای پس از خوردن و آشامیدن 177

سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها 178

سبزی ها 178

میوه ها 185

آداب میوه خوردن 193

حبوبات 194

خوردن خاک و گل 196

ص:10

فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن 197

میهمانداری و فضیلت آن 197

قبول کردن دعوت مؤمنین 198

ولیمه ومیهمانی دادن 199

بی دعوت به میهمانی رفتن 199

آداب پذیرایی از میهمان 199

وظایف میزبان 200

میهمان سرزده ودعوت نشده 200

به خدمت گرفتن میهمان 201

وظایف میزبان در سر سفره 201

استقبال وبدرقه میهمان 202

وظایف میهمان 202

اندازه میهمانی 203

فضیلت خلال کردن وآداب آن 203

فضیلت وفایده خلال کردن 203

چوب خلال 204

آداب خلال کردن 205

فضیلت نوشیدن آب وانواع آن 205

فضیلت نوشیدن آب و خواص آن 205

آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده 206

آب زمزم 206

آب فرات 207

آب باران و آب ناودان کعبه 208

آب خنک 208

آب جوشیده 209

آب هایی که نوشیدن آن مذموم است 209

فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب 210

آداب خوردن آب 210

طرز نوشیدن آب 210

آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته 210

چگونگی آب خوردن 211

ص:11

ظرف آب 212

دعاهای قبل وبعد از نوشیدن آب 212

ابتدا به نام خدا وانتهایا به حمد او 212

سلام بر حسین شهید 214

دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب 214

مقدار نوشیدن آب 214

فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان / 217

فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت 219

ازدواج ودینداری 219

ترک ازدواج برای مسائل مالی 220

دوست داشتن همسر 220

لزوم آمیزش با همسر 221

رهبانیت ممنوع 221

صفات پسندیده و ناپسند زنان 222

اهمیت همسر 222

معیارهای معنوی همسر خوب 224

معیارهای جسمی همسر شایسته 225

بهترین و بدترین زنان 226

زنی که از کارکنان خداست 227

آداب خواستگاری و زمان مناسب آن 228

خواستگاری 228

زمان عقد و زفاف 228

ولیمه ازدواج 229

خواندن خطبه عقد 229

آداب زفاف و آمیزش 230

اوقات مکروه آمیزش 231

شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع 231

آمیزش در اول و وسط و آخر ماه 231

آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب 232

آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب 232

ص:12

اوقات حرام آمیزش 233

اوقات مستحب آمیزش 233

مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است 234

کارهای مکروه به هنگام آمیزش 235

حالت های مکروه به هنگام آمیزش 236

آداب پیش از آمیزش 237

آداب عروسی 238

آمیزش در حمام یا بدون روانداز 239

دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش 239

آداب شب زفاف 239

چگونه شیطان شریک نطفه می شود 241

دعای هنگام آمیزش 242

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر 243

حقوق شوهر بر زن 243

حقوق زن بر شوهر 244

دعاهای طلب فرزند وفضیلت آن 245

فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام 245

اهمیت و تعداد فرزند 245

تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین 246

پاداش زحمات پدر و مادر 246

ثواب دوران بارداری و شیردهی 247

دختر یا پسر 247

دعا برای فرزنددار شدن 248

دعاهای مخصوص 248

استغفار 249

تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد 251

نماز مخصوص، اذان و نام علی 252

احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن 253

پیش از زایمان 253

هنگام زایمان 253

پس از وضع حمل 256

ص:13

غذای مادر 256

تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد 256

برداشتن کام طفل 257

قطره ریختن در بینی، اذان واقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد 258

نامگذاری 259

نام های نیک 259

نام های نامناسب 261

عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن 261

عقیقه 261

اهمیت عقیقه 262

فلسفه وزمان عقیقه 262

عقیقه برای بزرگسالان 262

صدقه یا قربانی به جای عقیقه 263

عقیقه کودک هفت روزه 263

شرایط عقیقه 263

دعای هنگام ذبح گوسفند 264

حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد وهدیه دادن به قابله 266

آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه 266

چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟ 267

تراشیدن موی سر نوزاد 267

ختنه کردن 267

زمان ختنه کردن 267

فلسفه ختنه کردن 268

دعای ختنه کردن، تکرار ختنه واحکام ترک ختنه 268

آداب شیر دادن و تربیت فرزند 269

آداب شیر دادن 270

شیرهای ممنوع 271

حدّ اقل مدّت شیردهی 271

تعلیم و تربیت فرزند 271

اهمّیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت 271

آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند 272

ص:14

رختخواب مستقل و نظافت شبانه 273

اجتناب کردن از خرافات 273

حقوق فرزند بر والدین 274

نفقه فرزندان 277

چگونه آرامش پیدا کنیم 278

سنّ نامحرم شدن دختران و پسران 278

شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی 279

رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان 279

بخشی از حقوق والدین 280

احترام به والدین 280

احسان و نیکی به والدین 280

نیکی به مادر و حقّ پدر 281

پرداخت هزینه های والدین 282

عاقّ والدین 282

آثار وپاداش احسان به والدین 283

مجازات بی حرمتی به والدین 284

فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر / 287

مسواک زدن 289

فضیلت مسواک زدن 289

سنت پیامبران 289

سفارش جبرئیل 290

مسواک و نماز 290

سرزنش ترک کننده مسواک 291

فلسفه مسواک زدن 291

آثار و فواید مسواک زدن 292

زمان و مکان مسواک زدن 292

چگونگی مسواک زدن 293

ترک کردن مسواک 293

تراشیدن موی سر 294

اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن 294

ص:15

زمان تراشیدن موی سر و آداب آن 294

آداب نگهداری موی سر 295

آداب نگهداری موی سر مردان 296

آداب نگهداری موی سر زنان 296

فضیلت تراشیدن سبیل 297

فلسفه تراشیدن سبیل و فواید آن 297

وقت و مقدار گرفتن شارب 297

دعای هنگام گرفتن شارب 298

آداب ریش گذاشتن 298

درازای ریش 298

چگونگی اصلاح ریش 299

محاسن سبب زیبایی است 300

مجازات تراشیدن ریش 300

فضیلت موی سفید 300

نخستین موی سفید و فلسفه آن 300

فایده موی سفید و حکم کندن آن 301

بازی کردن با ریش و کندن موی بینی 302

فضیلت ناخن گرفتن 303

آداب واوقات ناخن گرفتن 304

زمان ناخن گرفتن 304

روز جمعه 304

روز پنجشنبه 305

سایر روزهای هفته 306

چگونه ناخن بگیریم؟ 307

دعای هنگام ناخن گرفتن 308

دفن مو و ناخن 308

فضیلت شانه کردن موی سر و صورت 309

آداب و اوقات شانه کردن 310

وقت شانه کردن 310

چگونگی شانه کردن 310

دعای هنگام شانه کردن 311

ص:16

فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل ها و کرم ها و روغن ها / 313

سبب پیدایش بوهای خوش در زمین 315

فضیلت بوی خوش و آداب آن 316

فضیلت بوی خوش 316

وقت استفاده از بوی خوش 317

بوی خوش برای زنان 318

فواید بوی خوش 318

کراهت ردّ عطریات 319

فضیلت مشک و عنبر و زعفران 320

مشک 320

فضیلت عنبر و زعفران و عود 321

خلوق 321

فضیلت غالیه 322

فضیلت و آداب روغن زدن 323

زمان روغن زدن 323

فواید روغن زدن 323

آداب روغن زدن 324

روغن بنفشه 325

فضیلت روغن بنفشه 325

فواید روغن بنفشه 325

روغن بان وزنبق 326

فضیلت روغن بان 326

فضیلت روغن زنبق 327

فواید سایر روغن ها 328

روغن زیتون و گل خیری 328

روغن کنجد 328

بخور وانواع وآداب آن 328

فضیلت بخور 328

بخور با عود 329

آداب ودعای بخور دادن 330

فضیلت گلاب، گل سرخ ودیگر گل ها 331

خواص گلاب 331

گل نرگس و گل مورد 331

گل سرخ 332

گل مرزنگوش 333

آداب بوییدن گل 333

فصل هفتم: نظافت شخصی / 335

فضیلت حمام کردن 337

اهمیت حمام رفتن 337

فواید حمام کردن 337

آداب ورود و خروج ودعاهای حمام 338

وقت حمام رفتن 338

پوشش عورتین 339

شستن پا به هنگام خروج از حمام 339

پوشش سر 340

دعاها واذکار حمام رفتن 340

بایدها ونبایدهای حمام 341

نبایدها 341

کارهای مجاز 343

فضیلت شستن سر و بدن وزدودن بوهای بد 343

شستن وخوشبو کردن بدن 343

شستن لباس 344

درمان کچلی 344

فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی 345

فواید شست و شو با گل خطمی 345

شست و شوی سر با سدر 345

فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار) 346

اهمیت و فواید دارو کشیدن 346

فلسفه دارو کشیدن 347

ازاله کردن موی زیر بغل 348

وقت دارو کشیدن 348

دعاهای هنگام دارو کشیدن 350

وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن 351

اوقات مناسب و نامناسب 351

دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته 352

روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو 352

فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره 353

آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها 354

غسل های واجب 354

غسل های مستحب 355

اول: غسل های زمانی 355

غسل جمعه 356

غسل شب های فرد ماه رمضان 357

غسل شب های دهه آخر ماه رمضان 358

غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر 358

غسل هشتم و نهم ماه ذوالحجّه 359

واوّل و وسط و آخر ماه رجب 359

غسل روز مبعث 359

غسل شب نیمه شعبان 359

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) 359

غسل روز مباحله (24 ذوالحجّه) و برخی معتقدند روز 25 ذوالحجّه است 360

غسل روز دحو الأرض (25 ذوالقعدة) 360

غسل روز نوروز 360

دوم: غسل های مستحبّ مکانی 360

سوم: غسل های مستحبّ مربوط به برخی اعمال 361

فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه / 365

اوقات خوابیدن 367

خواب بین الطلوعین 367

خواب قیلوله 369

وضو گرفتن قبل از خواب 370

فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب 370

شب زنده داری سالانه 370

مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب 372

مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد 372

اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد 373

رفتن به حاجتگاه پیش از خواب 373

دیگر آداب خوابیدن 373

آداب ودعاهای قبل از خواب 374

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله 374

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 375

از امام سجّاد علیه السلام 377

از امام باقر علیه السلام 377

از امام صادق علیه السلام 379

از امام رضا علیه السلام 382

برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن 382

راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب 382

دعاها و ذکرهای خاص 382

فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات 384

دعا برای محتلم نشدن و برطرف کردن بی خوابی 384

دعای برطرف کردن خواب های پریشان 385

دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب 386

چگونه به وقت بیدار شویم؟ 386

برطرف کردن بی خوابی 387

نماز ودعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن 388

چگونه اموات را در خواب ببینیم؟ 388

ذکر از یک پهلو به پهلو دیگتر شدن 389

آداب پس از بیدار شدن 390

سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب 391

اقسام خواب دیدن 391

خواب راست (رؤیای صادقه) 392

سرّ خواب های خوب و خواب های پریشان 393

خواب خود را به کسی نگویید 395

برای خوابتان تعبیر خوب کنید 395

تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله 395

تعبیر خواب امام صادق علیه السلام 396

تعبیر خواب امام رضا علیه السلام 398

تحقیقی در مورد حقیقت خواب ورؤیا 398

آداب بیداری و مذمت پر خوابی 403

عواقب پر خوابی 403

بیداری های مذموم 405

کسانی که خواب ندارند 405

رو به آفتاب خوابیدن و نشستن 406

آداب حاجتگاه رفتن 407

آداب تخلیه 407

مکروهات استنجا (تطهیر) 409

حاجتگاه و آداب آن 411

مستحبات تخلی 412

مکروهات تخلی 413

فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها / 415

ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن 417

پاداش بیماری 417

تب 419

فلسفه بلاها 420

آداب حجامت 422

اهمیت حجامت 422

زمان مناسب برای حجامت 423

اوقات نامناسب 425

محل حجامت 427

آداب حجامت 428

آداب قبل از حجامت 428

آداب هنگام حجامت 428

آداب پس از حجامت 429

فواید حجامت 430

ص: 21

سفارش های طبّی ائمه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبّا 432

ضرورت اقدام برای درمان 432

چه کسی شفا می دهد؟ 432

مراجعه به طبیب غیر مسلمان 432

زمان مراجعه به طبیب 433

مصرف دارو به مقدار ضرورت 433

پرهیز و امساک 434

انواع معالجات 435

معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن 435

معالجه با صدقه 436

436 معالجه با پیشگیری و آمیزش

437 معالجه با حقنه (اماله)

437 معالجه با حجامت و حمام رفتن

437 معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن

438 معالجات مختلف

438 چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد

438 دستورهای طبّی نه گانه

440 معالجه انواع تب و تعویذها

440 روش های مادّی درمان تب

440 آب سرد و سیب

قندآب 441

آب باران وبنفشه 442

سنجد وکباب 442

برنج 442

معالجه تب 443

معجون وپالوده مخصوص 443

روش های معنوی درمان تب 443

آب آیه الکرسی ویا د اهل بیت علیهم السلام 444

هفتاد مرتبه سوره حمد وده مرتبه یاالله 444

اذان واقامه وسوره حمد 445

صدقه ودعاهای مخصوص 445

ص:22

تعویذ تب 448

نشانه های فشار خون 451

دعای عیادت از بیمار 451

دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی 451

دعاهای جامع، یا دعادرمانی 451

درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی 453

درمان سردی، عقرب زدگی و مارزدگی 453

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه 454

درمان سردرد و سردی سر 455

درمان زکام 455

معالجه انواع بیماری های سر 456

درمان سردرد 456

درمان درد شقیقه و گوش 457

درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع 458

درمان بیماری های چشم و گوش و دندان 459

معالجه چشم درد 459

معالجه با آیات قرآن 459

معالجه با دعا 459

درمان ضعف چشم و شب کوری 460

درمان چشم درد با دارو 461

464 معالجه گوش

464 درمان گوش درد با قرآن

465 درمان گوش درد با داروی گیاهی

466 معالجه دندان

467 درمانی دیگر

468 درمان دندان درد با دارو

468 معالجه برخی از بیماری های پوستی

468 درمان پیسی

470 درمان خوره (جذام)

471 درمان بهق

درمان زگیل 472

ص:23

درمان دمل و طاعون 472

درمان خنازیر و ورم 473

درمان غده 474

معالجه بیماری های داخلی 475

درمان بیماری های شکم 475

معالجه درد شکم 475

معالجه ناراحتی شکم 475

درمان درد سینه 476

درمان درد طحال 477

درمان زخم جگر و بیماری های معده 478

درمان اسهال 479

درمان قولنج 479

درمان درد باسن 480

درمان درد پشت 482

درمان سرفه وسل ودردهای درونی 482

معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر 483

درمان بلغم 484

درمان لقوه 485

درمان بادهای بدن ودرد مفاصل 485

درمان درد پا 486

درمان درد ران وزانو 487

درمان درد ساق ومثانه 487

درمان حبس ادرار و بی اختیاری ادرار 488

درمان طَبّی یبوست مزاج وعرق النساء 489

دعا برای چاره جویی سحر وزهر گزندگان ودیگر بلاها 489

دعا برای از بین بردن چشم زخم 489

تعویذ برای از بین بردن سحر 490

دور کردن خیالات فاسد ووسوسه های شیطان وآرزوهای طولانی 492

از بین بردن ترس از تنهایی 493

گشودن کسی که او را بسته اند 494

فرو بردن خشم 495

ص:24

دعا برای از بین بردن فراموشی واندوه 496

دعا برای چاره جویی فقر وپیشانی وبدهی وضرر 497

دعا برای رسیدن به حج 498

دعا برای دور کردن سگ وحيوانات درنده وجانوران 498

دعا برای دور کردن ضرر گزندگان 499

دعا برای دور کردن حشرات موذی 500

دعای یافتن گمشده 501

حکم تعویذ همراه جنب وحائض 502

تعویدهای نامناسب 502

فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها 503

تربت امام حسین علیه السلام 503

محدوده تربت ودعای هنگام برداشتن آن 503

فواید وخواصّ تربت 504

تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس 505

مقدار خوردن تربت 506

تسبیح تربت 506

شرط اثربخشی تربت 507

آداب استفاده از تربت 507

خرید و فروش تربت 508

تربت گذاشتن در کفن 508

خواصّ برخی خوراکی ها و گیاهان 509

عنّاب 509

سیاهدانه 509

اسفند 510

انجیر 510

کُندر وهلیله زرد 511

خرفه و کرفس 511

بادروج و کاهو و سداب 511

اسفرزه و سنا و کاسنی 512

نمک و سرکه و آشنان 513

زنیان و گردو و آبشم 513

ص:25

زنیان و آبشم و سیاهدانه 514

عسل 514

فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان / 515

حقوق خویشاوندان و خادمان 517

اهمیت صله رحم و فواید آن در دنیا 517

فواید صله رحم برای آخرت 518

حق صله رحم 520

رعایت حقوق خادمان 520

حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله 521

رعایت حقوق همسایگان 521

اهمیت حق همسایه 521

حقوق همسایه و حدود همسایگی 521

بدترین بلاها 522

زیان های همسایه آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه 523

حقوق یتیمان 523

سرپرستی یتیمان 523

یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت 524

مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان 525

حقوق قبیله وعشیره 526

أخوت و صداقت 527

أخوت و برادری 527

اهمیت أخوت 527

انواع وآثار اخوت 528

حقوق وپاداش اخوت 529

دوستی 529

اهمیت دوستی 529

معیارهای دوستی 530

مراتب و حقوق دوستی 531

حدّ دوستی و مقدار توقّع از دوست 532

حرمت دوستان پدر و محبّت بیجا 533

ص:26

حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حُسن معاشرت با مردم 533

اهمّیت حقّ مؤمن 533

حقّ مؤمن بر مؤمن 534

حقّ مسلمان بر مسلمان 535

برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران 537

برآوردن حاجت مؤمن 537

اهمّیت برآوردن حاجت 537

پاداش دنیوی برآوردن حاجت 538

پاداش اخروی برآوردن حاجت 539

پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران 542

مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان 543

چگونگی رفتار با مردم 544

شاد کردن دیگران 545

اهمیت شاد کردن مؤمن 545

پاداش شاد کردن مؤمنان 545

دیدار مؤمن و عیادت از بیماران 547

دیدار مؤمن 547

اهمیت دیدار مؤمن 547

پاداش دیدار مؤمن 548

آثار دیدار مؤمن 549

عیادت بیماران 550

اعلان بیماری و اجازه ملاقات 550

آداب عیادت از بیمار 550

پاداش عیادت از بیمار 551

اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان 552

اطعام کردن مؤمنان 552

اهمیت اطعام کردن 552

پاداش های دنیوی اطعام کردن 553

پاداش های آخروی اطعام کردن 554

مجازات ترک اطعام کردن 554

سیراب کردن 555

ص: 27

پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی خانمان ها 555

برطرف کردن مانع سر راه مردم 556

هدیه دادن 556

حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان 557

فقرا و نیازمندان 557

حقیقت فقر 557

طرز رفتار با نیازمندان 557

وضعیت فقرا در جهان آخرت 558

پاداش صبر بر فقر ومجازات بی حرمتی به نیازمندان 559

بنده مؤمن 560

مقام مؤمن 560

چرا مؤمن را مؤمن گویند 561

ترسانیدن مسلمان ودشنام دادن مؤمن 561

مجازات تحقیر کردن مؤمن 561

مجازات آزار دادن مؤمن 562

مجازات ترک کردن یاری مؤمن 563

پاداش گرامی داشتن مؤمن 564

مجازات نپذیرفتن دیدارکننده 566

احترام به بزرگسالان 567

کمک به نابینایان و ناشنوایان 567

مبتلایان به بیماری های سخت 568

به اهل بلا زیاد نگاه نکنید 568

اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان 569

آداب رفتار با مبتلایان به خوره 569

رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان 570

غیبت 570

ماهیت غیبت 570

غیبت را ترک کنید 571

مجازات غیبت کننده 572

آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن 573

استثنائات غیبت 574

ص:28

حفظ الغیب 575

برادر مؤمن را تصدیق کن 575

سرزنش کردن و شماتت مؤمن 576

تهمت زدن و گمان بد بردن 576

سخن چینی 577

قهر و آشتی 577

آداب رفتار با ظالمان 578

وضعیت حاکمان ظالم 578

جایگاه حاکمان عادل 579

کیفیت رفتار با حاکمان 579

اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او 579

تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی 580

بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن 580

به در خانه ظالم نرو 581

همکاری با ظالمین 582

جبران کردن همکاری با ظالم 583

منزعه با حاکم و استفاده از اموال وی 584

نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او 585

مجازات ها و پبی امدها 585

مجازات مدح یا راهنمایی ظالم 585

مجازات درخواست از حاکم ظالم 586

گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم 586

مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور 587

مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن 588

مجازات جبّاران 589

مجازات ظالمان 589

آداب معاشرت با کافران و مخالفان 590

معاشرت با کافران 590

معاشرت کردن با مخالفان 591

حقوق مردگان بر زندگان 593

وظیفه محتضر 593

ص:29

وصیت کردن نیکو 595

دعای محتضر در حال احتضار 598

وظیفه اطرافیان محتضر 598

محتضری که جان کندنش دشوار است 599

دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید 599

تلقین 600

تلقین لا إله إلا الله 600

تلقین کلمات فرج 600

تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام 601

تلقین دعای خاص 602

پس از مرگ 603

آداب تشییع جنازه 603

خبردار کردن مؤمنان 603

ثواب حضور در تشییع جنازه 603

آداب شرکت جستن در تشییع جنازه 605

دعای هنگام دیدن جنازه 605

آداب غسل دادن میت 606

کفن کردن میّت 607

نماز خواندن بر میّت 607

آثار شهادت دادن برای میّت 607

آداب دفن کردن میّت 608

تسلّی دادن صاحبان عزا 609

زیارت اهل قبور 609

مردگان خیردار و شاد می شوند 609

ثواب زیارت اهل قبور 610

فصل یازدهم: آداب مجالس / 613

فضیلت سلام کردن و آداب آن 615

اهمیت سلام کردن 615

حکم سلام کردن و پاسخ آن 616

به چنین کسانی سلام نکنید 616

ص:30

آداب سلام کردن 617

سلام رخصت 619

پاداش سلام کردن 620

فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن 620

اهمیت مصافحه کردن 620

آداب مصافحه کردن 621

آثار دنیوی مصافحه کردن 621

پاداش آخروی مصافحه کردن 622

معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن) 623

روبوسی کردن 625

آداب نشستن در مجالس 626

رفتن به مجلسی بدون دعوت 626

آداب ورود به مجلس و نشستن 627

جایگاه صدر مجلس 628

آداب و روش های نشستن 628

آداب ملاقات میزبان با میهمان 630

اهمیت میهمان داری 630

وظایف میزبان 631

گرامیداشت بزرگسالان 631

ردّ احسان ممنوع 632

پاداش پذیرایی از مؤمن 632

مجالس مناسب و همنشینان شایسته 633

همنشینی 633

اهمّیت همنشین 633

همنشینان خوب 634

هر که عیب تو را گوید 634

همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند 634

همنشینی با اهل دین و معرفت 635

همنشینان بد 636

اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان 636

زینت دهنده گناه و انسان های بد 636

ص:31

توانگران خدانشناس 637

فاجر و پست 637

دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم 638

بی وفا، ناسپاس، رازندار، قدرشناس علم 639

همنشینان پدر 639

حدّ همنشینی و حقّ آن 639

مجالس خوب وبد 640

مجالس شایسته 640

مجالس ناشایست 640

آداب عطسه زدن 641

اهمیت عطسه زدن وفلسفه آن 641

آداب عطسه زدن 642

ذکر عطسه کننده 642

ذکر شنونده عطسه 643

پاسخ عطسه کننده 644

تکرار عطسه 645

حدیث جامع آداب عطسه 645

مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن 646

آداب سخن گفتن 646

رازداری مجالس 646

مزاح و شوخی کردن 647

اهمیت شوخی کردن 647

شوخی های ناروا 647

خنده های ناروا 648

قهقهه زدن 649

آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر 650

اهمیت همنشینی نیکو 650

حقّ مصاحبت 651

پرسش از نام وقبيله 651

ترک مجادله وفراموش کردن کينه 651

رفتار نیکو با همنشین 652

ص:32

روش های همنشینی نیکو 652

فواید وآثار همنشینی نیکو 653

اظهار محبتّ کردن ورعايت عدالت 654

همنشینان بد 654

این گونه سخن نگو 655

فضیلت یاد خدا در مجالس 655

اهمیت یاد خدا 655

یاد خدا در همه جا 656

ذکر پایان مجالس 656

حسرت ترک کردن ذکر خدا 657

رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمه علیهم السلام در مجالس 658

اهمیت ذکر محمد و آل محمد 658

فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام 659

همکاران فرشتگان وهمکاران شیطان 660

تحصیل ومباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام 661

مشورت وآداب آن 662

اهمیت مشورت 662

با چه کسانی مشورت کنیم 662

وظیفه مشاور 663

فایده مشورت 664

کسانی که نباید با آنها مشورت کرد 664

نامه نگاری 665

اهمیت نوشتن نامه 665

آداب نامه نگاری 665

جواب نامه و روش های از بین بردن نامه 666

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه / 669

خانه گشاده 671

خانه وسیع 671

خانه کوچک و تنگ 672

مذمت خانه به خانه شدن 673

ص:33

مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه 673

ساختن بنای اضافه بر نیاز 673

مجازات کسب پول حرام 673

بناهای گران قیمت و خانه های ریایی 674

ساختن سقف های بلند 674

مجسمه سازی و کشیدن نقاشی 675

مجسمه سازی 676

نقاشی های ممنوع 676

نقاشی های مجاز 676

آداب فرش کردن خانه 677

فرشی که بدان نیاز است 677

فرش جهیزیه همسران 677

چگونگی فرش 678

فرش حضرات معصومین علیهم السلام 678

فرش ابریشم و فرش های دارای نقش 678

آداب عبادت کردن در خانه 679

محلّ ویژه عبادت 679

فلسفه عبادت در خانه 680

نگهداری حیوانات در خانه 681

فضیلت نگهداری کبوتر 681

فواید نگهداری کبوتر 682

نگهداری خروس 683

اهمیت دامداری 684

نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر 685

پرندگان 685

فاخته 685

پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه 686

هدهد وچکاوک 687

طاووس 688

گنجشک 688

وقت شکار پرندگان 689

ص:34

کشتن، آتش زدن وشکنجه حیوانات 689

نگهداری سگ در خانه 690

کراهت ومجازات نگهداری سگ 690

موارد مجاز نگهداری سگ 691

چیزهایی که حیوانات می فهمند وما نمی فهمیم 692

آداب خانه خریدن 692

ولیمه خریدن وساختن خانه 692

آداب چراغ افروختن 692

سایر آداب خانه 694

مکروهات 694

سکونت در خانه بی در و پرده 694

تنها خوابیدن 694

نگهداری خاکروبه و دستمال آلوده در خانه 694

نگاه کردن به خانه همسایه 695

مستحبات خانه داری 696

جاروب کردن 696

پاک کردن تار عنکبوت ها 696

بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان 696

آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه 697

آداب وارد شدن به خانه 697

دعای هنگام بیرون رفتن از خانه 698

فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه 699

طلب حاجت کردن 701

فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت / 703

سوار شدن چهارپایان 705

آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان 705

آداب زین کردن ولجام زدن 707

دعاها و آداب سواری 707

ادعیه هنگام سوار شدن 707

آداب سواری 708

ص:35

آداب پیاده روی 709

چگونه باید راه رفت؟ 709

آداب راه رفتن 710

سفارش های جامع امام صادق علیه السلام 711

بهترین اموال 711

آداب خریداری و نگهداری حیوانات 712

بخشی از احوالات و اقسام حیوانات 713

سرّ تنوع و جدایی حیوانات 713

حیوانات و تسبیح خدا 713

فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن 714

تجارت و کار و تلاش کردن 714

ارزش و فضیلت تجارت 714

تجارت کردن یا عبادت کردن 715

سربار مردم نشوید 715

طلب کردن دنیا یا آخرت 716

استفاده نکردن از بیت المال 716

توانگری 717

وقت تجارت 717

کسب روزی حلال 717

روزی رسان خداست 718

آداب تجارت 719

فراگیری احکام تجارت واهمیت آن 719

کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد 720

آداب تجارت 721

دعای هنگام وارد شدن به بازار 722

خواندن دعا در بازار 724

دعای هنگام خرید و پس از آن 725

با چنین کسانی معامله نکنید 727

برخی معاملات مکروه 728

درآمد و اجرت معلّم قرآن 728

خرید و فروش و دستمزد کتابت قرآن 729

ص:36

فضیلت زراعت و درختکاری 729

ارزش و فضیلت زراعت 729

فضیلت درختکاری 731

باغ و باغداری 732

آداب زراعت ودرختکاری 732

آداب زراعت 732

آداب درختکاری 733

دعای هنگام درختکاری 733

بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر 734

فلسفه درختان بدون میوه ودرمان میوه های کرم زده 734

بریدن درخت 735

فصل چهاردهم: آداب سفر / 737

سفر کردن، روزها و ساعت های خوب و بد 739

هدف از سفر کردن 739

سفر کردن به مقدار ضرورت 739

روزهای نیک برای سفر کردن 740

روزهای نامیمون برای سفر کردن 741

اموری که نحوست های سفر را از بین می برد 742

صدقه دادن 742

خواندن دعا به هنگام سفر 743

کتاب های نجوم را بسوزان 745

آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر 745

غسل کردن پیش از سفر 745

نماز خواندن پیش از سفر 746

دعا خواندن پیش از رفتن به سفر 748

دعای سفر 752

همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر 753

انگشتر به دست کردن در سفر 754

خواندن سوره عبس در سفر 755

به همراه بردن تعویذ در سفر 755

ص: 37

وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله وسفارشات لقمان 756

توشه سفر 756

اهمیت به همراه بردن توشه سفر 756

توشه لازم برای سفر 757

اعتدال ومیانہ روی در ہزینہ های سفر 757

مراقبت از توشہ سفر 758

آداب معاشرت با ہمسفر 758

آداب سفر 758

تنہا سفر نکن 758

حقّ ہمسفر 759

ہزینہ های سفر 759

ہمسفران 760

اہمیت و تعداد ہمسفر 760

ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی ہمسفر 760

سایر آداب سفر 762

سفارشات لقمان در مورد سفر وهمسفران 762

مروّت در سفر وحضر 764

کمک کردن به مسافران 765

توشه سفر 765

همراهی با همسفران 766

آداب راه رفتن وفرود آمدن 766

آداب پیاده روی در سفر 766

آداب فرود آمدن 767

مدارا کردن با مرکب 767

دعاهای مسیر راه ومنازل 768

دعاها واذکار سفر 768

دعای ایمنی از دشمنان و دزدان 770

دعای منازل بین راه 771

دعا به هنگام رسیدن به مقصد 774

آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها 774

سفر دریا 774

ص:38

حکم سفرهای دریایی 774

آداب ودعای سوار شدن کشتی 775

دعا به هنگام ترس از غرق شدن 777

ذکر ودعای عبور کردن از پل 778

آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر 778

خواندن دعای سفر 778

مشایعت کردن و استقبال از مسافر 779

سوگاتی آوردن و آداب پس از سفر 780

آداب اسب سواری و تیراندازی 781

مسابقات 781

اسب سواری 781

تیراندازی 781

شترسواری 782

کشتی 782

دفاع و جهاد 783

تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری و تیراندازی 786

جایزه دهندگان و جایزه گیرندگان 786

شرایط مسابقه اسب سواری 787

نام اسب های مسابقه 788

شرایط تیراندازی 788

اقسام نشانه گیری 790

خاتمه: برخی آداب متفرقه و فواید سودمند / 791

آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن ان شاءالله 793

علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه 794

عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه 794

عوامل فقر و غنی 794

اشعار ممدوح و مذموم 795

مجازات لواط در دنیا و آخرت 796

پندهای امام صادق علیه السلام 797

برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله 797

ص: 39

محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت 799

مساحقه (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن 800

مسلمانان کافر! 800

مست همچون بت پرست است 800

موسیقی و قمار 800

مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد) 802

فهرست منابع 813

ص:40

ص:41

مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به کتاب ارزشمند حلیه المتقین

عَلَّامَه عالیقدر مجلسی رحمه الله

از افتخارات شیعه در اختیار داشتن گنجینه ای پر بار از احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و روایات اهل بیت علیهم السلام است که آن هم عموماً منتهی به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شود. (1)

در همه ابواب علوم اسلامی اعم از عبادات، معاملات، سیاسات، عرفان و اخلاق اسلامی - بحمدالله - دست پری از روایات معصومین علیهم السلام داریم، در حالی که دیگران از این نظر بسیار در تنگنا قرار دارند تا آنجا که معروف است «ابوحنیفه» در تمام ابواب فقه به بیش از هفده حدیث از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست نیافت. (2)

این سخن خواه حقیقت باشد یا مبالغه، نشان از تهی بودن دست کسانی دارد که از مکتب اهل بیت علیهم السلام فاصله گرفته و به «حدیث ثقلین» پشت کرده اند.

1- جامع احادیث الشیعه، ج 1، ص 179 به بعد، باب 4.

2- تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 796.

ص:42

ومی توان گفت یکی از عوامل پناه بردن به «قیاس» و «استحسان» و «ظنون غیر معتبر»، همین دست مایه ناچیز روایی است.

از کسانی که از گنجینه علوم محمد و آل محمد علیهم السلام بهره کافی و وافی برده اند، علامه مجلسی است که عالم بزرگ روزگار خود و دارای ابتکارات فراوان در علوم اسلامی، به ویژه «علم الحدیث» بود.

کتاب بحارالأنوار او که اقیانوسی عظیم از روایات اهل بیت علیهم السلام است، دلیل روشن این معناست. درست است که اراده علامه مجلسی بر این بوده که در این کتاب تمام احادیث را اعم از صحیح و ضعیف، گرد آورد و نقادی آن را به کتاب های دیگرش واگذارد، هرچه هست دایره المعارف عجیب و پرازشی است.

نشانه اهتمام علامه مجلسی رحمه الله به اسناد روایات در کتاب ارزشمندش مرآه العقول آشکار می شود که موشکافی و دقت بسیار فوق العاده در نقادی احادیث کتاب کافی - آن کتاب بسیار پراهمیت - به خرج داده است.

*

به هر حال، این مرد بزرگ و پرمایه و مؤید به تأییدات الهی و آگاه به نیازهای مختلف پیروان این مکتب، کتاب های گوناگون هر کدام را برای هدف خاصی و یا صحیح تر، پر کردن خلأ معینی نگاشته است.

از جمله همین کتاب پربار حلیه المتقین است که با زبان فارسی روان و ساده عصر خود، آداب زندگی را در تمام زمینه ها از دیدگاه اسلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام در چهارده باب به رشته تحریر درآورده و در هر باب هر چه را مناسب و باارزش یافته ذکر کرده است؛ به گونه ای که تمام زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان را پوشش می دهد.

ولی چون با گذشت زمان (حدود چهارصد سال)، ادبیات فارسی و نیازها

تغییر یافته، لازم بود ویرایش دقیقی در آن صورت گیرد وپاره ای از مسائل را که در زمان ما خارج از محدوده نیازهای مردم است کنار گذاشته شود و کتاب مزبور، با حفظ اصالت محتوا، در لباس تازه ای عرضه شود که همگان از آن بهره ببرند.

*

اینجانب مدت ها پیش این نیاز را احساس کرده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم انجام دادن آن را بر عهده دانشمند محترم حجّه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم علیان نژادی که عالمی خوش ذوق وپرکار وهوشیار است بگذارم وایشان با صرف وقت فراوان - بحمدالله - این کار را به سامان رساند.

امیدوارم روح مقدّس علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - از این کار خشنود باشد وهمگان توفیق یابند از زحمات آن مرد بزرگ بهره مند شوند.

درود خداوند بر روان پاکش باد.

والحمدلله ربّ العالمین

اول ربیع الثانی 1433

ناصر مکارم شیرازی

ص:44

ص:45

ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتقین

هرچند از قبل با این کتاب نفیس آشنایی داشتیم، اما هر چه مطالعاتم درباره آن بیشتر شد و کار تحقیق و بررسی روایات کتاب جلوتر می رفت، اهمیّت و ارزش مطالب کتاب و مقام علمی نویسنده عالیقدر آن بر من روشن تر می شد.

با مطالعه این کتاب انسان درمی یابد که در هر موضوعی به طور جامع سخن رفته است و این دلیل بر احاطه وسیع علامه مجلسی بر روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام است.

موضوع این کتاب چندان ارزشمند و کاربردی است که بر همه خانواده ها لازم و ضروری است این کتاب را در کنار قرآن مجید، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان و رساله توضیح المسائل قرار دهند و هر از چندی از آن بهره ببرند.

در اهمیّت این کتاب همین بس است که علامه بحرالعلوم؛ (1) گفته :

ای کاش ثواب تمام تألیفات من در دیوان علامه مجلسی نوشته شود و در برابر آن، ثواب یکی از کتاب های فارسی او (مانند همین کتاب حلیه المتقین) که

1- مهدی بن المرتضی بن محمد الحسینی البروجردی، معروف به علامه بحر العلوم، در یکی از شب های جمعه ماه شوال سال 1155 ه. ق در کربلای معلی دیده به جهان گشود و در سال 1212 در نجف اشرف رخت از جهان بریست و در جوار شیخ طوسی رحمه الله آرام گرفت. از جمله کتاب های وی می توان به دوره سه جلدی مصابیح در فقه، فوائد رجالیه، الفوائد فی الاصول اشاره کرد. شرح بیشتر را در اعیان الشیعه، (ج 10، ص 158 به بعد) مطالعه فرمایید.

ص:46

ترجمه احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام است و در دسترس همگان قرار دارد، در نامه عمل من نوشته شود. (1)

از سوی دیگر با توجه به گذشت 352 سال از تألیف این کتاب گرانسنگ و تغییر و تحولات فراوانی که از جهات مختلف در زندگی بشر ایجاد شده است نیاز به بازنگری در کتاب مزبور احساس می شد.

نکته دیگر اینکه جلسات استفتاء مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی - مدظله - که این حقیر توفیق شرکت در آن را دارم، تنها پاسخگوی پرسش های فقهی نیست، بلکه به شبهه هایی که برای پرسشگران در مسائل مختلف به وجود می آید در این جلسات پاسخ داده می شود.

افزون بر این، اگر احساس شود شبهه یا مشکلی فراگیر شده است، اقدام عملی وسیع نظیر تألیف کتاب یا کتاب ها در آن زمینه، نامه نگاری با مسؤولین ذی ربط، طرح آن مسائل و راهکارهای آن در سخنرانی ها و خطابه ها و دادن بیانیه و رهنمود به رسانه ها و جز آن انجام می شود.

در این میان برخی احادیث کتاب ارزشمند حلیه المتقین برای بعضی از مردم سؤال برانگیز بود و نامه های مختلفی در مورد آن به جلسه استفتاء معظم له می رسید و ایشان پاسخ می دادند تا اینکه در یکی از جلسات، حضرت استاد فرمودند: «ای کاش کتاب حلیه المتقین بازنگری می شد». بنده برای این کار اعلام آمادگی کردم و پس از موافقت استاد، با توکل بر خداوند متعال و استعانت از ذات پاکش در تاریخ 1382/12/3 کار را شروع کردم و در تاریخ 1388/12/30 به پایان رسید، سپس تمام کتاب را با اصلاحات انجام شده به نظر استاد رساندم و راهنمایی ها و ارشادات معظم له را به کار بستم، آن گاه کتاب را برای ویرایش فنی به دست ویراستار محترم جناب حجه الاسلام احمد علی بابائی سپردم

1- فوائد الرضویه، ج 2، ص 669.

ص: 47

وایشان افزون بر ویرایش متن، برخی ترجمه ها را با متن روایت تطبیق و آن را اصلاح کردند و اکنون این کتاب با مزایای ذیل در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.

نکاتی درباره کارهای انجام شده

هرچند در مورد کتاب حلیه المتقین، پیش از این کارهای متعددی از سوی نویسندگان محترم صورت گرفته، اما ندیدیم در حدّ وسیع که شرح آن خواهد آمد، کسی روی این کتاب ارزشمند کار کرده باشد.

کارهایی که انجام گرفته را می توان در ده بند به شرح زیر بیان کرد :

1. تبدیل نثر کتاب به نثر روز (با حفظ اصالت کتاب).

2. حذف احادیثی که در عصر ما محلّ ابتلا نیست.

3. نوشتن آدرس آیات قرآن و منابع روایات معصومان علیهم السلام و مدرک دیگر مطالبی که علامه بزرگوار مجلسی از جای دیگر نقل کرده است.

4. شرح و توضیح روایاتی که در ابتدای نظر با هم تعارض دارد.

5. ترجمه آیات و دعاها.

6. موضوع بندی روایات هر فصل در زیر شاخه های محدودتر و انتخاب عنوان ها و تیتراهای مناسب و آموزنده برای آن.

7. تقطیع برخی روایات طولانی که مشتمل بر موضوعات مختلف بود و قرار دادن هر قسمت در جایگاه خاص خود.

8. ویرایش کامل و گسترده.

9. تطبیق برخی روایات با متن اصلی و اصلاح و ترجمه آن بر اساس

متن اصلی.

10. شرح و توضیح کلماتی که نیاز به توضیح داشته، در پاورقی کتاب.

امید است این خدمت مورد رضای درگاه خداوند متعال قرار گیرد و مایه

ص:48

خشنودی روح نویسنده عالی مقام کتاب حلیه المتقین را فراهم کند.

در پایان از همه کسانی که به نوعی در تکمیل این کار نقش داشته اند، به ویژه حجج اسلام آقایان عبدالمجید شفقت، سیدمحمدجواد بنی سعید، وحید علیان نژاد و بعضی اعضای خانواده تشکر می کنم و برای همه آنها خیر دنیا و آخرت را آرزو دارم.

خدایا، توفیق مطالعه آثار اهل بیت علیهم السلام و به کار بستن دستورهای آن بزرگواران را به همه ما عطا فرما!

آمین یا رب العالمین

قم - حوزه مقدّسه علمیّه

ابوالقاسم علیان نژادی

1390 /11/10

ص:49

نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمه الله

ولادت و خاندان

نام او محمدباقر و پدرش محمدتقی وجدش مقصودعلی است. مادرش از نزدیکان شیخ عبدالله بن جابر عاملی و دختر صدرالدین محمد عاشوری است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود. (1)

وی که به علامه مجلسی شهرت یافته، (2) در سال 1037 (وبه گفته برخی سال

1038 و به گفته علامه سیدمحسن امین در سال 1027) دیده به جهان گشود. (3)

محمدباقر آخرین فرزند پسر خانواده بود. پدرش در سال 1070، یعنی 67 سالگی، از دنیا رفت. (4) برادر بزرگ او مولا عزیزالله در سال 1159 و برادر دوم وی

مولا عبدالله در سال 1084 دار فانی را وداع گفتند. (5)

1- گلشن ابرار، ج 1، ص 249.

2- در مورد شهرت یافتن محمدباقر و پدرش محمدتقی به صفت «مجلسی»، در شرح حال پدرش آمده است که وی به ذوق و قریحه شعرا شهرت داشت و به «مجلسی» تخلص می کرد؛ گویی از همین رو، مجلسی نامگرفته بود. (گلشن ابرار، ج 1، ص 218).

3- بحار الأنوار، ج 0، ص 62.

4- بحار الأنوار، ج 0، ص 66.

5- سفینه البحار، ج 1، ص 632.

ص:50

خداوند به علامه مجلسی چهار پسر و پنج دختر عنایت فرمود. نام پسرانش محمدصادق و محمدرضا و میرزا جعفر و میرزا عبدالله است. (1)

دوران تحصیل

وی از چهار سالگی نزد پدر درس خواند و در دوران تحصیل در درس بیش از بیست استاد شرکت جست که در فصل بعد به آن اشاره می کنیم.

او در اندک زمانی بر علم صرف و نحو و معانی و بیان و لغت و ریاضیات و تاریخ و فلسفه و حدیث و رجال و درایه و اصول و فقه و کلام، احاطه کامل یافت. (2)

وی در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملاصدرا، اجازه روایت گرفت.

اساتید و شیوخ اجازه

علامه مجلسی سال ها نزد علمای بزرگ درس خواند و شاگردی کرد و از بعضی از آنها اجازه نقل روایت گرفت که از جمله می توان به دانشمندان زیر اشاره کرد :

1. شیخ المحدثین محمد بن الحسن الحرّ العاملی، نویسنده کتاب ارزشمند وسائل الشیعه.

2. عالم فاضل و محدث عارف، فیض کاشانی، نویسنده کتاب های وافیه و تفسیر صافی و مفاتیح الشرایع.

3. پدر بزرگوارش، عالم گرانسنگ علامه محمدتقی مجلسی، نویسنده کتاب

1- سفینه البحار، ج 1، ص 635.

2- گلشن ابرار، ج 1، ص 250.

ص:51

ارزشمند روضه المتقین.

4. فیلسوف نامدار مآصدرا.

5. مآ صالح مازندرانی، شارح اصول کافی. (1)

جانشینی پدر

علّامه مجلسی در مدرسه مآعبداللّه اقامه نماز و تدریس می کرد و پس از رحلت پدر بزرگوارش در مسجد جامع اصفهان این دو کار مهم را ادامه داد.

سید نعمت الله جزایری رحمه الله که از نامورترین شاگردان اوست، درباره علّامه مجلسی رحمه الله می گوید :

با آنکه جوان بود چنان در علوم تتبع کرده بود که کسی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بود. هنگامی که در مسجد جامع اصفهان به مردم پند می داد هیچ کس را فصیح تر و خوش کلام تر از او نیافتیم. حدیثی که شب مطالعه می کردم چون صبح از او می شنیدم چنان بیان می کرد که گویی هرگز آن را نشنیده ام. (2)

شاگردان و راویان

جمعی از بزرگان و علمای شیعه در محضر علامه مجلسی رحمه الله شاگردی کرده، یا از وی روایت نقل کرده اند.

در مجلس درس او، بنابر نقلی، هزار تن یا بیشتر شرکت می کرده اند که علامه نوری در کتاب فیض قدس نام آنها را ذکر کرده و در جلد صفر بحار الأنوار نام پنجاه تن از شاگردانش آمده است که به ذکر پنج تن از آنان بسنده می کنیم :

1. صدرالدین سید علی خان شیرازی، شارح کتاب صحیفه سجّادیه.

1- بحار الأنوار، ج 0، ص 52 - 55.

2- گلشن ابرار، ج 1، ص 250.

ص: 52

2. آغا میرزا عبدالله بن عیسی بن محمد صالح مشهور به آفندی، نویسنده کتاب ریاض العلماء و صحیفه ثالثه.

3. محمد بن علی الأردبیلی مؤلف کتاب جامع الرواه.

4. میرزا محمد مشهدی صاحب تفسیر کنز العرفان.

5. محدث نبیل، سید نعمت الله جزایری. (1)

تألیفات

عَلَّامه مجلسی رحمه الله از بزرگ ترین نویسندگان جهان اسلام است. وی کتاب های فراوانی در علوم مختلف به عربی و فارسی به رشته تحریر درآورده که معروف ترین و مهم ترین و ارزشمندترین آنها کتاب بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار است و می توان آن را بزرگ ترین موسوعه حدیثی شیعه، بلکه جهان اسلام شمرد.

نیز از ایشان سیزده کتاب به زبان عربی به ثبت رسیده که علاوه بر بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار می توان به مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول اشاره کرد که از کتاب های مشهور است.

نخستین کتابی که این مرد بزرگ نگاشته، رساله الأوزان نام دارد که آن هم به زبان عربی است.

کتاب تاریخ تشیع اصفهان، مجموع کتاب های عَلَّامه مجلسی را بالغ بر 245 جلد شمرده است. (2)

تعداد کتاب هایی که عَلَّامه مجلسی به زبان فارسی نوشته است تا پنجاه و سه جلد نوشته اند؛ البته برخی معتقدند تعداد تألیفات فارسی او بیش از اینهاست.

1- بحار الأنوار، ج 0، ص 56 - 61.

2- تاریخ تشیع اصفهان، ص 370.

ص: 53

از جمله کتاب های فارسی ایشان می توان به عین الحیاه، حیاه القلوب، زادالمعاد، حلیه المتقین وحقّ الیقین اشاره کرد؛ حقّ الیقین، آخرین کتاب عَلَّامه مجلسی رحمه الله است. (1)

حلیه المتّقین

حلیه المتّقین از کتاب های بسیار ارزشمند و پرمفعت علامه مجلسی است که احتمالاً بیش از سایر کتاب های چاپ و منتشر شده است.

علامه آقا بزرگ تهرانی معتقد است که علامه مجلسی در 26 ذوالحجّه سال 1081، در 44 سالگی، تألیف این کتاب ارزشمند را به پایان رساند و این کتاب به زبان هندی و عربی نیز ترجمه شده است. (2)

سیدمقبول احمد دهلوی، کتاب حلیه المتّقین را به زبان اردو ترجمه کرد و نام آن را تهذیب الإسلام نهاد. (3) و شیخ خلیل رزق عاملی و علی عبدالحسین

شبستری نیز آن را تعریب کردند. (4)

گزیده حلیه المتّقین به نام مختصر الأبواب فی السنن والآداب، به وسیله حاج شیخ عباس قمی (5) ، و چکیده آن به نام آداب الشریعه به وسیله ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی تنظیم شده است. (6)

علامه در سفر

علامه هیچ گاه قلم را حتی در سفر از خود جدا نمی کرد و جلد بیست و دوم

1- بحار الأنوار، ج 0، ص 46.

2- الذریعه إلی تصانیف الشیعه، ج 7، ص 83.

3- الذریعه إلی تصانیف الشیعه، ج 4، ص 508.

4- مجله مبلّغان، شماره 124، ص 160 به بعد.

5- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 20، ص 176.

6- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 1، ص 21.

ص: 54

بحار الأنوار را پس از مراجعت از سفر حج در نجف اشرف تألیف کرد و در بازگشت از سفر خراسان در بین راه، ترجمه خطبه امام رضا علیه السلام و رساله وجیزه رجب را نگاشت.

در روزهایی که این محدث شهیر به منظور زیارت در مشهد مقدّس به سر می برد، جمعی از علما و فضلا و طلباب برای استفاده از دانش او تقاضای درس حدیث کردند و او چهل حدیث (اربعون حدیث) را نگاشت.

هنگامی که شرح اربعین را به انجام رساند یکی از فضلاهی اهل سنت بعد از دیدن کتاب از راه انصاف و محبّت گفت :

گمان می کردم پایه علمی علامه مجلسی منحصر به ترجمه کتاب عربی به فارسی است تا آن که کتاب السماء والعالم بحار و شرح اربعین او را دیدم، دانستم علامه مجلسی دانایی است که مافوق او در علم متصوّر نیست. (1)

علامه مجلسی و سیاست

علامه پس از درگذشت ملا محمدباقر سبزواری در سال 1090 ه ق، به منصب «شیخ الاسلام» دست یافت (2) و در این مسند خدمات بسیاری در

زمینه های گوناگون سیاسی و اجتماعی به ایران و تشیّع کرد.

بزرگ ترین کار علامه مجلسی رحمه الله در صحنه سیاست که به نفع مکتب تشیع منتهی شد، مبارزه با صوفیان بود. علامه در دوایر دولتی و نیز نظام های مختلف اداری از قدرت آنها کاست. او در خصوص این گروه که فقط در اصفهان بیست و یک تکیه و خانقاه و زاویه داشتند، در رساله اعتقادات می نویسد :

اینک اجمالاً برای شما می نویسم و بیان می کنم چیزهایی را که برای خودم از

1- گلشن ابرار، ج 1، ص 254.

2- زندگینامه علامه مجلسی، ج 1، ص 161، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

ص:55

اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره و متواتره ظاهر شده، تا گمراه نشوید و به خدعه ها و فریب ها و غرورهای صوفیه فریب داده نشوید و حجت خدا را بر شما تمام می کنم. (1)

علامه علاوه بر صوفیان، کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسسات و شرکت های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت. روزی به وی خبر دادند که بت پرستان در شهر اصفهان در خانه ای بتی قرار داده و برای نیایش آن بت به آن خانه می روند. وی بعد از تحقیق و آگاهی از محل بت، فتوای خراب کردن آن را صادر کرد. (2)

علامه از منظر اهل نظر

دانشمندان مطالب ارزشمندی در مورد شخصیت علامه مجلسی گفته اند که به منظور رعایت اختصار به سه نمونه آن بسنده می کنیم :

1. محدث شهیر شیخ حرّ عاملی رحمه الله شخصیت آن عالم بزرگوار را چنین وصف کرده است :

آقا محمدباقر مجلسی عالم فاضل، محقق ماهر، علامه مدقق، اندیشمند فقیه، متکلم برجسته، محدث مورد اعتماد، دربردارنده محاسن و فضائل، استاد جلیل القدر و عظیم الشأن، دارای تألیفات بسیار وسوسمند است. بحار الأنوار فی أخبار الأئمه الأطهار، جلاء العیون، حیاة القلوب، عین الحیاة، مشکاه الأنوار وحلیه المتقین از جمله آثار اوست. (3)

2. علامه سید محسن امین رحمه الله می گوید :

1- ترجمه رساله اعتقادات علامه مجلسی، ص 78، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

2- روضات الجنّات، ج 2، ص 79، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

3- اعیان الشیعه، ج 9، ص 182 و 183.

ص: 56

ملا محمدباقر اصفهانی معروف به مجلسی ثانی، فرزند ملا محمدتقی (مجلسی اول)، از عالمان موقّعی است که در عالم اسلام کسی به درجه توفیقات ایشان نایل نگشته است. خدمات علامه به مذهب تشیع در آن پایه است که عالم متعصب اهل سنت، عبدالعزیز دهلوی صاحب التحفه الاثنی عشریه فی الردّ علی الامامیه گفته است: اگر شیعیان را مجلسی مذهب بنامند جا دارد، زیرا این مرد در رونق این مذهب نقش بسزایی داشته است. (1)

3. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی قدس سره، همکاری علامه مجلسی با سلاطین عصر را برای کنترل زمامداران دانسته، می فرماید :

مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویّه بود، صفویّه را آخوند کرد؛ نه خودش را صفویّه کرد؛ آنها را کشاند توی مدرسه وتوی علم وتوی دانش واینها، تا آن اندازه ای که البتّه توانستند. (2)

وفات علامه مجلسی رحمه الله

طبق آنچه در کتاب وقایع الأيام ولؤلؤه آمده، علامه مجلسی در روز 27 ماه رمضان سال 1111 در 73 سالگی از دنیا رفت.
(3)

علامه سیدمحسن امین معتقد است که علامه مجلسی در 1027 متولد شد و در سال 1110 رحلت یافت؛ بنابراین، عمر شریفشان 83 سال بوده است. (4)

شاعر در مورد تاریخ وفاتش چنین گفته است :

1- امل الأمل، ج 2، ص 248، شماره 733.

2- صحیفه نور، ج 8، ص 8.

3- بحار الأنوار، ج 0، ص 62. البتّه نویسنده کتاب الروضات از کتاب حدائق المقربین نقل کرده که تاریخدرگذشت ایشان 27 رمضان سال 1110 بوده است.

4- اعیان الشیعه، ج 9، ص 182.

ص: 57

ماه رمضان چو بیست وهفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد

پیکر پاک علامه مجلسی در مقبره ای که پدرش و جمعی دیگر از علمای بزرگ مدفون بودند آرام گرفت، تا قبرستان عتیق اصفهان به نور این بزرگان

منور شود.

عاش سعیداً ومات سعیداً

وسوف یبعث إن شاء الله سعیداً

ص:58

ص:59

مقدمه علامه مجلسی

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پیامبران و رسولانش را به زیباترین چیزی که متقین خود را به آن می آریند، آراست و گل سرسبد برگزیدگانش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به منظور تکمیل اخلاق مؤمنین مبعوث کرد و برترین خصلت های اخلاقی پیامبران را در اوصیا و امامان انتخاب شده، به اکمال رساند. پس صلوات و درود خداوند به تعداد نفس های تسبیح کنندگان از همه ملائکه و تمامی انسان ها بر محمد و اوصیایش باد و نفرین خدا به قدری که تمام آسمان ها و زمین ها را پر کند بر دشمنان محمد و آل محمد علیهم السلام. (1)

از آنجا که مهم ترین امتیاز انسان بر سایر موجودات، آراستگی وی به اخلاق پسندیده و استفاده از آداب و خلق و خوی نیکوست و به مقتضای حدیث نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که فرمود: **بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (2)** ، تمام خلق و خوهای

نیکو و اخلاق پسندیده در آیین اسلام جمع شده است. و چون بخشی از مکارم اخلاق را در کتاب عین الحیاه ذکر کرده ام، بدین رو جمعی از دوستداران راه سعادت و علاقه مندان به پیروی از اهل بیت رسالت از اینجانب درخواست

1- متن مزبور خطبه علامه مجلسی به زبان عربی است که ترجمه شده.

2- ترجمه: «مبعوث شدم تا اصول اخلاقی را کامل کنم». بحار الأنوار، ج 16، ص 210؛ میزان الحکمه، ج 3، باب 1176، ح 5457

ص: 60

کردند که کتابی در مورد آداب اسلامی که با اسناد معتبر از حضرات معصومین علیهم السلام به من رسیده، گردآوری کنم و برای این که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند به فارسی باشد. پس، علی رغم کمبود وقت و اشتغالات فراوان، چون اجابت این دعوت را لازم و انجام دادن آن را حقی بر گردن خود می دانستم و به امید آنکه مصداق حدیث شریف [نبوی]: **أَدَالُ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ (1)** شوم،

کتابی را که پیش روی شما خوانندگان محترم است، در چهارده فصل و یک خاتمه نوشتم :

فصل اول: آداب لباس پوشیدن.

فصل دوم: آداب پوشیدن زیورآلات و سرمه کشیدن و رنگ کردن و نگاه کردن در آینه.

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن.

فصل چهارم: فضیلت ازدواج و آداب آمیزش و معاشرت با زنان و چگونگی تربیت فرزندان و رفتار با آنها.

فصل پنجم: آداب مسواک زدن و ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب و اصلاح سر و صورت و شانه کردن و مانند آن.

فصل ششم: آداب استعمال بوی خوش و بوییدن گل خوش و روغن مالیدن.

فصل هفتم: آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و مانند آن.

فصل هشتم: آداب خوابیدن و بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه.

فصل نهم: آداب حجامت کردن و تنقیه و ذکر برخی دعاها و حرزها و خواص برخی داروها و چگونگی معالجه برخی بیماری ها.

1- ترجمه: «هر که دیگران را به کارهای خیر راهنمایی کند، همانند انجام دهنده آن است». بحار الأنوار، ج 96، ص 119،
ح 20؛ میزان الحکمه، ج 3، باب 1176، ح 5457.

ص: 61

فصل دهم: آداب معاشرت با مؤمنین و حقوق و اصناف مؤمنان.

فصل یازدهم: آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه کردن و مانند آن.

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن به خانه و بیرون رفتن از آن.

فصل سیزدهم: آداب سوار شدن و راه رفتن و به بازار رفتن و تجارت و زراعت کردن و نگهداری حیوانات.

فصل چهاردهم: آداب سفر.

خاتمه: بیان برخی فواید (ورویات) متفرقه.

و هر فصل دوازدهم بخش دارد.

این کتاب را «حلیه المتقین» نامیدم، به امید آنکه خوانندگان این کتاب ارزشمند و عمل کنندگان به روایاتش، نویسنده را از دعای خیر فراموش نکنند.

والله الموفق والمعین

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی

فصل اول: آداب پوشیدن لباس و کفش

اشاره

1. فضیلت آراستن

2. لباس های حرام

3. بهترین لباس

4. رنگ لباس

5. برخی آداب لباس پوشیدن

6. حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران

7. عمامه بستن و کلاه پوشیدن

8. آداب پوشیدن پاجامه

9. آداب لباس نو بریدن و پوشیدن

10. دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس

11. رنگ کفش و ویژگی های آن

12. آداب پوشیدن کفش

ص:64

ص:65

فضیلت آراستن

اشاره

(مقدمه:) از احادیث معتبر و فراوان استفاده می شود که پوشیدن لباس تمیز و خوب و آراستن و زینت کردن مناسب خویش، در صورتی که هزینه آن از راه حلال به دست آمده و در شأن انسان باشد، مستحب و موجب خشنودی پروردگار عالمیان است. اما اگر از راه حلال ممکن نباشد باید به قدر امکان بسنده کرد، تا زیاده خواهی های پوشاک مانع بندگی و عبادت نشود و چنانچه خداوند متعال درهای روزی را بر کسی گشود، هم خود او از آن به شایستگی بهره برد وهم دیگران را در آن سهیم کند و اگر بر او تنگ گرفت، قناعت پیشه سازد و خود را به حرام و حتی اموال مشتبه آلوده نکند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

اظهار نعمت های پروردگار

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده خود دهد و آثار آن نعمت بر آن بنده آشکار شود، او ذاکر (وشاکر) نعمت پروردگار و دوست خداوند نامیده می شود، اما اگر آثار نعمت در (گفتار و کردار) او ظاهر نشود، دشمن خدا و تکذیب کننده نعمت پروردگار شمرده خواهد شد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده اش کرامت کند،

1- کافی، ج 6، ص 438، ح 2؛ میزان الحکمه، ج 10، باب 3911، ح 20431.

ص:66

دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند». (1)

3. نیز در سخنی فرمود: «خداوند متعال زینت و اظهار و ابراز نعمت را دوست دارد و از ترک زینت و اظهار فقر و بدحالی بیزار است. دوست دارد آثار نعمت را در بنده اش ببیند. (مثل اینکه) لباس خود را خوشبو سازد، از منزلش به خوبی نگهداری کند، خانه اش را جاروب کرده، آن را تمیز نگاه دارد و حتی روشن کردن خانه پیش از غروب آفتاب (2) ، فقر را زایل می کند و بر روزی می افزاید». (3)

خود را برای خودی ها بیارایید

از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «همان گونه که به هنگام ملاقات با غریبه ها خود را می آرایید تا شما را در بهترین حال ببینند، برای برادران مؤمن نیز خود را بیارایید». (4)

لباس خوب از مال حلال

یوسف بن ابراهیم، از راویان حدیث، می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم در حالی که لباس هایی خوب (از خز) (5) پوشیده بودم. پرسیدم: نظرتان در مورد

این لباس ها چیست؟ فرمود: اشکالی ندارد زیرا امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت از همین لباس بر تن داشت و هنگامی که حضرت علی علیه السلام به عبدالله بن عباس

1- کافی، ج 6، ص 43، ح 1 و 4؛ مکارم الأخلاق، ص 98.

2- البته این بخش از روایت مربوط به زمان های گذشته است که مردم از نعمت برق محروم بودند و لازم بود پیش از تاریکی هوا وسایل روشن کننده را آماده سازند.

3- مکارم الأخلاق، ص 41؛ میزان الحکمه، ج 10، باب 3911، ح 20433.

4- کافی، ج 6، ص 439، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 98.

5- خز، پوست حیواناتی است که موهایی بلند و نرم و لطیف و پرپشت دارند. برخی حیوانات غیر اهلی نیز خزندارند. چنین حیواناتی در زمان های گذشته فراوان بود ولی امروزه بر اثر صید بی رویه، کمیاب یا نایاب است.

ص: 67

مأموریت داد تا با خوارج نهروان مذاکره کند، بهترین لباس ها را پوشید و با بهترین عطرها خود را خوشبو ساخت و بر بهترین اسبان سوار شد و رو به آنها رفت. خوارج چون او را در آن حال دیدند، گفتند: تو از بهترین مردمانی، پس چرا لباس جباران بر تن داری و بر مرکب آنان سوار شده ای؟ ابن عباس آیه زیر را تلاوت کرد: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ): «بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» (1) (و آنها جوابی در برابر او نداشتند).

سپس امام صادق علیه السلام به یوسف بن ابراهیم فرمود: لباس های خوب و ارزشمند بیوش و خود را پیرایش کن که خداوند زیباست و زیبایی ها را دوست می دارد؛ البته مشروط بر آنکه از راه حلال به دست آمده باشد (و در حد اسراف نباشد)». (2)

لباس زیرین و رویین

در روایتی معتبر آمده است که روزی سفیان ثوری از سران متصوفه به مسجد الحرام رفت. امام صادق علیه السلام را دید که در گوشه ای از مسجد نشسته و لباس هایی زیبا و ارزشمند بر تن دارد. با خود گفت: به خدا سوگند باید به نزدش بروم و او

را به خاطر این لباس ها سرزنش کنم. سپس خدمت حضرت رسید وبا سخنی اعتراض آمیز عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، به خدا قسم پیامبر و هیچ یک از پدران و چنین لباسی پوشیده اند.

امام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزگاری زندگی می کرد که عموم مردم در فقر و تنگدستی به سر می بردند (وبه همین علت چنین لباس هایی

1- سوره اعراف، آیه 32.

2- کافی، ج 6، ص 442، ح 8؛ بحار الأنوار، ج 65، ص 125.

ص:68

نمی پوشید)، اما امروز وضعیّت مالی شان بهتر است و سزاوارترین مردم به استفاده از نعمت های پروردگار، انسان های نیکوکار و پرهیزگاران هستند». سپس آیه 32 سوره اعراف را که در روایت پیشین گذشت، تلاوت کرد. آن گاه فرمود: «ما سزاوارترین مردم برای استفاده از نعمت های پروردگار هستیم». و در ادامه فرمود: «ای ثوری، این جامه رویین را که می بینی برای (حفظ آبرو در برابر) مردم پوشیده ام»، سپس دامن لباس را بالا زد و لباس زیرین را که لباس بسیار ساده و کم ارزش بود به وی نشان داد و فرمود: «این لباس را برای خود پوشیده ام». بعد حضرت لباس رویین سفیان ثوری را بالا زد و او لباس زیبا و ارزشمندی در زیر و لباس ساده و کم ارزشی روی آن پوشیده بود! حضرت فرمود: «ثوری، لباس زیرین را برای لذّت نفس و لباس رویین را برای فریب دادن مردم پوشیده ای». (1)

آراسته بودن در بیرون خانه

در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس (2) می نشست و در خانه لباس گشاد می پوشید، اما در

بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (3)

فلسفه سختی های دنیا

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر اثر علاقه ای که به برخی بندگان دارد، دنیا را بر آنها تنگ گرفته و محبت دنیا را از دل آنها برداشته است. از این رو آنان بر تنگی خوردنی ها و آشامیدنی ها

1- کافی، ج 6، ص 442، ح 7؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 151، ح 544.

2- گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، باب 44، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 117.

ص: 69

وسختی های دنیا شکیبایی ورزیده و به جهان آخرت و آنچه از کرامت ابدی که نزد خداست مشتاق و راغب اند و جان خود را در راه رضای خدایشان بر کف گرفته و سرانجام به شهادت می رسند و هنگام کوچیدن به جهان دیگر، خداوند از آنان خشنود است. چنین بندگان نیک می دانند که مرگ دامنگیر همه می شود (و باید دنیا و هر آنچه را در آن است بگذارند و بگذرند)؛ به همین علت، به فکر تهیه زاد و توشه برای جهان دیگرند. آنها به فکر گردآوری طلا و نقره نیستند، لباس های ساده می پوشند و بیش از ضرورت و نیاز غذا نمی خورند و اضافه بر آن را در راه خدا هزینه می کنند، تا توشه آخرتشان باشد. آنان برای جلب رضای خدا، با انسان های خوب دست دوستی داده و با دشمنان خدا قطع رابطه می کنند. این بندگان خوب خدا، چراغ های هدایت و غرق در نعمت های جهان آخرتند». (1)

یادآوری: بسیاری از روایات مناسب این فصل را در کتاب عین الحیاه آورده ام. (2)

لباس های حرام

اشاره

(مقدمه:) برخی لباس هایی که پوشیدن آن حرام است به شرح زیر است :

(اول:) پوشیدن لباس هایی که از ابریشم خالص است وهمچنین لباس های طلا باف (وهر آنچه زینت طلا دارد)، بر مردان حرام است. ونیز احتیاط آن است که عرقچین وکیف دستی وچیزهای کوچکی که نمی توان با آن عورت را پوشاند از ابریشم خالص نباشد. همان گونه که احتیاط آن است که اجزای لباس، حتی نوارهایی را که در حاشیه لباس می دوزند از ابریشم خالص نباشد. وچنانچه کسانی بخواهند لباس حریر بپوشند، بهترین راه آن است که چیزی با ابریشم مخلوط کنند؛ به هر نسبتی که باشد ولی سزاوار است نسبت آن ده به یک یا بیشتر

1- معانی الأخبار، ص 199؛ امالی طوسی، ج 2، ص 51.

2- عین الحیاه، ص 286، لمعه ششم.

ص:70

باشد. واگر مجموع تار یا مجموع پود (1) آن غیر ابریشم باشد بهتر است. وسزاوار است که ولی، پسران نابالغ خود را از پوشیدن لباس های ابریشمین وطلا باف منع کند.

(دوم:) لباس هایی که از پوست حیوان مرده تهیه شده، هر چند آن را دباغی کرده باشند.

(سوم:) لباس هایی که از پوست حیوانات حرام گوشت تهیه شده، هر چند حیوان را به طریق شرعی ذبح کرده باشند. حتی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در لباس یا بدن نمازگزار باشد حرام است. (در این زمینه به روایات زیر توجه کنید:)

لباس ابریشمین

1. در روایت معتبری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن و لباس ابریشمین نپوش که این هر دو، زینت و پوشش تو در بهشت است». (2)

2. و در سخنی دیگر، به آن حضرت فرمود: «لباس ابریشمین نپوش که اگر بیوشی، خداوند پوست تو را به آتش می سوزاند». (3)

زیورآلات طلا و نقره

1. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بر مرد جایز است خانواده اش را با زیورآلات طلا بیاراید؟ حضرت فرمود: «برای زنان و دختران»

1- نخ های عمودی پارچه «تار» و نخ های افقی آن «پود» نامیده می شود.

2- خصال، ج 2، ص 375؛ بحار الأنوار، ج 83، ص 248، ح 8.

3- علل الشرایع، ج 2، ص 348، باب 57، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 164، ح 774.

ص: 71

اشکال ندارد، ولی برای پسران جایز نیست». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام فرزندان (دختر) و همسران خود را به زیورآلات طلا و نقره می آراست و می فرمود: اشکالی ندارد». (2)

بهترین لباس

اشاره

(مقدمه:) بهترین لباس آن است که از پنبه بافته شده باشد و بعد از آن کتان است و کراهت دارد همواره لباس پشمین بپوشند، اما پوشیدن آن در برخی اوقات به منظور حفاظت از سرما و صرفه جویی در هزینه و مانند آن خوب است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید):

لباس پنبه ای و پشمین

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «لباس های پنبه ای بپوشید که پوشش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ما اهل بیت است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لباسی را که از مو یا پشم تهیه شده بود جز در موارد ضرورت نمی پوشید». (3)

2. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «لباسی که از مو یا پشم بافته شده، جز در موارد ضرورت نپوشید». (4)

3. حسین بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که پیراهنی گشاد بر تن داشت و جامه پشمینه ای بر روی آن پوشیده بود. عرض کردم: فدایت شوم، مردم

1- سرائر، ج 3، ص 636؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، ح 1. هدف اسلام از این کار، مبارزه با تجمل پرستی و خوی اشرافیگری است.

2- کافی، ج 6، ص 475، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 539، ح 49.

3- کافی، ج 6، ص 450، ح 2؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 153، ح 551.

4- کافی، ج 6، ص 449، ح 1؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 153، ح 551.

از پوشیدن لباس پشمین خودداری می ورزند شما چرا می پوشید؟ حضرت فرمود: «پدرم امام باقر و پدرش امام سجّاد علیهما السلام چنین لباسی می پوشیدند و هرگاه به نماز می ایستادند گشادترین (وساده ترین) لباس های خود را می پوشیدند و ما به پیروی از آنان چنین می کنیم». (1)

4. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چند کار را تا پایان عمر ترک نخواهم کرد تا پس از من سنت شود: هم غذا شدن با مستخدمان در حال نشسته بر روی زمین، سوار شدن بر مرکب ساده، پوشیدن شیر از حیوان با دستان خود، سلام کردن بر کودکان، پوشیدن لباس پشمین». (2)

(سؤال): در برخی روایات، پوشیدن لباس پشمین مکروه شمرده شده و طبق برخی روایات دیگر، برخی امامان معصوم آن را می پوشیدند. چگونه این روایات با هم سازگار است؟

(جواب): اگر از لباس پشمی برای همیشه و به منظور خودنمایی و جلوه گری استفاده شود کار مذموم و ناپسندی است، اما اگر به منظور قناعت در هزینه های زندگی، یا تواضع و فروتنی، یا حفاظت از سرما پوشیده شود اشکال ندارد. روایت زیر پاسخ بالا را تأیید می کند. توجه فرمایید :

5. طبق آنچه ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آن حضرت فرمودند : «در آخرالزمان گروهی در تابستان و زمستان لباس های پشمی می پوشند، به گمان آنکه با این کار بر دیگران فضیلت و برتری خواهند داشت. ملائکه آسمان ها و زمین آنها را لعنت می کنند». (3) (و شاید نامیدن آنها به صوفیه به علت پوشیدن همین

لباس های پشمی بوده که عرب به آن صوف می گوید. در ضمن لباس پشمی بر دو گونه

2- خصال، ج 1، ص 246؛ مکارم الأخلاق، ص 115.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 152؛ مکارم الأخلاق، ص 471.

ص:73

است: بخشی از آن نرم ولطیف که غالباً اشراف می پوشیدند و بخشی دیگر، خشن و درشت که زاهدان واقعی و گاهی ریاکاران می پوشیدند).

لباس کتان و خز

1. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پوشش پیامبران لباس کتان بوده است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لباس کتان انسان را فربه (ودارای تناسب اندام) می کند». (2)

3. در روایت دیگری می خوانیم که امام سجاد علیه السلام برای خرید لباس خز (3) هزار یا هزار و پانصد درهم می پرداخت و آن را در زمستان می پوشید و هنگام فصل بهار آن را فروخته، قیمتش را به فقرا صدقه می دادند. (4)

رنگ لباس

اشاره

(مقدمه:) بهترین رنگ برای لباس، سفید و سپس زرد، بعد سبز و پس از آن قرمز کم رنگ (صورتی) است. و پوشیدن لباس به رنگ کبود و عدسی و قرمز پررنگ، به ویژه هنگام نماز کراهت دارد. و پوشیدن لباس سیاه در همه حال کراهت شدید دارد؛ البته عمامه و عبا و کفش سیاه (5) از این حکم مستثناست،

هرچند که عبا و عمامه سیاه نباشد بهتر است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید):

1- مکارم الأخلاق، ص 104؛ کافی، ج 6، ص 449، باب کتان، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 449، باب کتان، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 357، باب 16، ح 1.

3- خز را پیشتر تفسیر کردیم.

4- مکارم الأخلاق، ص 106، ودعائم الاسلام، ج 2، ص 154، ح 552.

5- ونیز عبا و چادر زنان.

ص: 74

لباس سفید وزرد

1. در احادیثی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «لباس سفید بپوشید که نیکوترین و پاکیزه ترین رنگ هاست. و مردگان خود را با کفن سفید دفن کنید». (1)

2. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام در بیشتر اوقات، لباس سفید می پوشید. (2)

3. حفص مؤذن می گوید: امام صادق علیه السلام را در مسجد پیامبر در بین قبر و منبر در حال نماز دیدم. آن حضرت لباسی زرد همچون رنگ به بر تن داشت. (3)

4. زراره می گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و عبایی زردرنگ از خز پوشیده بود. (4)

لباس قرمز و کبود

1. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیینه خدمت امام باقر علیه السلام رسید. حضرت لباس سرخ تیره که با گل کافشه (5) رنگ شده بود بر تن داشت. به حکم

فرمود: نظر تو در مورد این لباس چیست؟ عرض کرد: چه گویم در مورد لباسی که اگر جوانان شوخ بپوشند ما آن را عیب می دانیم. حضرت فرمود: «چه کسی زینت الهی را بر بندگانش حرام کرده است؟» سپس فرمود: «چون تازه دامادم چنین لباسی پوشیده ام». (6)

1- کافی، ج 6، ص 445، ح 1 و 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 355، ح 1.

2- قرب الإسناد، ص 134؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 356، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 452، ح 10؛ قرب الإسناد، ص 30، ح 37.

4- کافی، ج 6، ص 450، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 104.

5- گیاهی است با برگ های بیضی شکل و گل های زرد رنگ که گل های آن را پس از خشک کردن نرم می کنند و روی نان می ریزند و گاه به جای زعفران به کار می برند (فرهنگ عمید).

6- کافی، ج 6، ص 446، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 105.

ص: 75

2. در روایت دیگری آمده است که پوشیدن لباس قرمز تیره، جز برای تازه داماد، کراهت دارد. (1)

3. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «جبرئیل در روز آخر ماه رمضان بعد از نماز عصر بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد. چون به آسمان رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را خواند که با شوهرت نزد من آید. هنگامی که خدمت حضرت رسیدند علی علیه السلام را در جانب راست و فاطمه علیها السلام را در جانب چپ خود نشانید و دست آنها را گرفت و بر دامان خویش نهاد. سپس فرمود: دوست دارید آنچه را که جبرئیل به من گفت به شما بگویم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمود: جبرئیل گفت: در روز قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خداوند دو لباس بر من می پوشاند که یکی به رنگ سبز و دیگری سرخ همچون رنگ گل است و تو ای علی، در

جانب راست عرش خواهی بود و بر تو نیز دو لباس همانند لباس های من می پوشانند». راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم رنگ سرخ را نمی پسندند. امام فرمود: «هنگامی که خداوند حضرت عیسی را به آسمان برد، آن حضرت دو لباس به همین رنگ بر تن داشت». (2)

4. در روایتی معتبر آمده است که یونس می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و بلند و کبودرنگ بر تن داشت. (3)

لباس سبز سیر و سیاه

1. محمد بن علی می گوید: امام هفتم علیه السلام را در لباس عدسی رنگ دیدم. (4)

1- کافی، ج 6، ص 447، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 105.

2- مکارم الأخلاق، ص 106؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 360، ح 16.

3- کافی، ج 6، ص 448، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 106.

4- کافی، ج 6، ص 448، ح 12؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 359، ح 9.

ص:76

2. ابوالعلا می گوید: حضرت صادق علیه السلام را در حال احرام با بُردِ یمنی سبزرنگ دیدم. (1)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: با کلاه سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: «لباس سیاه لباس اهل جهنم است با آن نماز نخوان». (2)

4. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «لباس سیاه کراهت دارد، مگر در سه چیز: عبا و عمامه و کفش». (3)

برخی آداب لباس پوشیدن

(مقدمه:) پیراهن های دراز و بلند پوشیدن و آستین پیراهن را بلند کردن و لباس را برای تکبر بر روی زمین کشیدن، مکروه و ناپسند است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفت و با یک دینار (اشرفی) سه قطعه لباس خرید: پیراهنی که بلندای آن تا نزدیک بند پا بود، لنگی که طول آن تا نیمه ساق پا بود، ازاری که از جلو تا روی سینه ها و از عقب تا پایین تر از کمر را می پوشاند. حضرت پس از خرید، دست به آسمان بلند کرد و پیوسته خدا را بر این نعمت شکر می کرد تا به خانه بازگشت». (4)

2. و در حدیثی دیگر فرمود: «آنچه از بلندای پیراهن از قوزک پا می گذرد در آتش جهنم است». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 105؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 215، ح 978.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 162؛ تهذیب الاحکام، ج 2، ص 227.

3- کافی، ج 6، ص 449، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 163. گفتنی است که چادر زنان در میان عرب، نوعی عبا محسوب می شود.

4- کافی، ج 6، ص 455، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 113.

5- کافی، ج 6، ص 456، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 109.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرش فرمود: (وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ)؛ ولباست را پاکیزه دار. (1) لباس های پیامبر صلی الله علیه و آله پاک و پاکیزه بود،

منظور خدا این بود که پیراهنت را کوتاه کن تا آلوده نشود». (2)

و در روایت دیگری آمده است که آن را بالا بزن تا به زمین کشیده نشود. (3)

4. در روایت حسنه ای از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مردی از بنی تمیم چنین وصیت کرد: مبادا پیراهن ولنگ خود را بلند و دراز کنی که نشانه تکبر است و خداوند متکبران را دوست نمی دارد». (4)

5. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام هرگاه پیراهن می پوشید آستین آن را می کشید و آنچه را که از سر انگشتانش می گذشت می بُرید. (5)

6. در حدیث آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: هر که از روی تکبر، جامه اش را بر زمین بکشد خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند. و ازار مرد تا نیمه ساق پاست؛ البته تا بند پا هم جایز است، اما افزون بر آن در آتش است». (6)

(یادآوری: به طور کلی همواره باید اهداف پوشش لباس را در نظر داشته باشیم و مطابق آن، لباس های خود را تهیه کنیم.

هدف از پوشیدن لباس سه چیز است :

نخست حفظ تن از سرما و گرما و صدمات احتمالی ناشی از برخورد با موانع طبیعی و غیر طبیعی؛ این هدف مربوط به جسم انسان است.

هدف دیگر، حفظ حرمت و کرامت انسانی در برابر دیدگان دیگر انسان هاست، زیرا

1- سوره مدثر، آیه 4.

2- کافی، ج 6، ص 456، ح 4.

3- کافی، ج 6، ص 455، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 103.

4- کافی، ج 6، ص 456، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 109.

5- کافی، ج 6، ص 457، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 111.

6- امالی طوسی، ج 2، ص 152؛ مکارم الأخلاق، ص 110.

ص: 78

اگر آدمی به صورت برهنه، همچون حیوانات، در برابر هموعان خود حاضر شود، از چشم آنان می افتد و حرمتش شکسته و کرامتش لگه دار می شود؛ این هدف مربوط به روح انسان است.

وهدف سوم، کمک به حفظ پاکدامنی و عفت هموعان در سطح جامعه و حتی خانواده است که این هدف بر خلاف دو هدف اول، مربوط به دیگران است؛ بنابراین، آنچه به هنگام تهیه لباس مهم است رعایت سه هدف مزبور است؛ ازاین رو لباس های تنگ و چسبان هر چند تمام بدن را بپوشاند، پسندیده نیست زیرا نه مایه آرامش جسم انسان است و نه روح و نه افراد جامعه.

همان گونه که لباس های آستین کوتاه که بیش از حد متعارف، آستین آن کوتاه است در انظار عمومی پسندیده نیست.

مختصر اینکه، لباس های واجد اهداف سه گانه بالا مورد تأیید اسلام است و آنچه فاقد آن سه هدف، یا برخی از آنها باشد در اسلام سفارش نشده است).

حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران

(مقدمه:) پوشیدن لباس ویژه بانوان، مانند روسری، مقنعه، چادر و برخی از لباس های زیر، بر مردان حرام است. چنانکه بر بانوان حرام است پوشیدن لباس های مخصوص مردان، مانند قبا، عمامه و دیگر لباس های ویژه آنان. و بر مرد وزن جایز نیست پوشیدن لباس های مخصوص کافران. (به دو روایت در این زمینه توجه کنید):

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست زنان شبیه مردان شوند، زیرا رسول خدا زانی را که شبیه به مردان می شوند و مردانی را که شبیه به زنان می شوند نفرین کرده است». (1)

1- خصال، ج 2، ص 374؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 256.

ص: 79

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال به پیامبری از پیامبرانش فرمود: به مؤمنین بگو: لباس های مخصوص دشمنان مرا را نپوشید و از غذای آنان نخورید و خود را شبیه آنان نکنید، وگرنه شما هم دشمن من خواهید بود». (1)

عمامه بستن و کلاه پوشیدن

اشاره

(مقدمه:) به دو روش می توان عمامه بست: بر سر وزانو. بستن عمامه بر روی سر مستحب است، چنانکه تحت الحنک (2) نهادن برای عمامه هم مستحب است. (3)

شهید اول رحمه الله اعتقاد دارد که ایستاده عمامه پیچیدن مستحب است. (4) (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

عمامه بر سر گذاشتن

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عمامه بر سر بپیچد و تحت الحنک (5) نبندد و به درد بی درمانی مبتلا شود، کسی را جز خودش

سرزنش نکند». (6)

2. و در روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دست (مبارک) خود بر سر حضرت امیرمؤمنان علیه السلام عمامه بست. یک

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 163، ح 769؛ مشکاه الأنوار، ص 325.

2- پیچی از عمامه که از زیر چانه می گذرانند و روی شانه می اندازند.

3- روایات مربوط به استحباب تحت الحنک فراوان است، ولی ظاهراً همه آنها مربوط به تمام حالات است و در خصوص حال نماز، فقط یک روایت داریم که آن هم ضعیف است. رک: اصول کافی، ج 6، ص 460، باب العمام.

4- دروس، ج 1، ص 152.

5- باید توجه داشت که «تحت الحنک» در گذشته در همه حال معمول بود، ولی اکنون متعارف نیست و گاه ممکن است لباس شهرت به شمار آید.

6- کافی، ج 6، ص 461. باب العمام، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 291، ح 1.

ص:80

طرف عمامه را از پیش صورت و طرف دیگر آن را چهار انگشت کوتاه تر، از پشت سر آویخت، سپس به علی علیه السلام فرمود: برو! رفت و فرمود: بیا! آمد و بعد فرمود: به خدا قسم، تاج ملائکه و فرشتگان چنین است». (1)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه را بر سر بست و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر آن را به پشت سر انداخت. چنانکه جبرئیل (در هیأتی که در برابر پیامبر آشکار می شد) نیز به این صورت عمامه می بست». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشتگان در جنگ بدر عمامه های سفید بر سر داشتند». (3)

5. در کتاب فقه الرضا خواندن این دعا به هنگام گذاشتن عمامه بر سر سفارش شده است: بِسْمِ اللّٰهِ اَرْفَعُ ذِكْرِيْ وَاَعْلِيْ شَانِيْ وَاَعِزِّيْ بِعِزَّتِكَ وَاُكْرِمُنِيْ بِكَرَمِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ تَوَجَّنِيْ بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ. (4)

6. در کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام گذاشتن عمامه این دعا خوانده شود: اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِيْ بِسِيْمَاءِ الْاِيْمَانِ وَتَوَجَّنِيْ بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلِّدْنِيْ حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيْمَانِ مِنْ عُنُقِيْ (5) و افزوده است که عمامه را باید در حال ایستاده بپچید. (6)

1- کافی، ج 6، ص 461، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 120.

2- کافی، ج 6، ص 461؛ مکارم الأخلاق، ص 460.

3- کافی، ج 6، ص 461؛ مکارم الأخلاق، ص 119.

4- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، ذکر مرا بالا بر ورتبه ام را بلند گردان و مرا در پیشگاه خود و در میان مخلوقات گرامی مدار. بار خدایا، تاج کرامت و عزت و پذیرش (اعمال) را بر سرم نه». فقه الرضا، ص 395؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 277، ح 8.

5- ترجمه: «خدایا، مرا به نشانه ایمان نشانه گذار و تاج کرامت بر سرم نه و بند اسلام و ایمان بر گردنم افکنوآن را از گردنم بیرون میاور».

6- مکارم الأخلاق، ص 120.

ص: 81

کلاه پوشیدن

در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کلاه های متعددی داشت که بر سر می نهاد. (1)

علما پوشیدن کلاه های دراز و بلند را که به آن «بُرطُل» گویند و یهودیان بر سر می گذاشتند، مکروه شمرده اند. (2) و از برخی روایات استفاده می شود که شکستن

پایین کلاه و برگردانیدن آن مکروه است. (3)

آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که زمین به سبب دیدن عورت تو به من شکایت می کند، میان زمین و عورت خود حجابی قرار ده تا زمین ناراحت نباشد (4) ، سپس حضرت ابراهیم پاجامه را اختراع کرد و پوشید». (5)

2. در کتاب جامع بزنتی روایت شده است که هر که پاجامه را ایستاده بپوشد، تا سه روز حاجتش برآورده نشود. (6)

3. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن پاجامه در حال ایستاده، موجب اندوه است». (7)

1- بحار الأنوار، ج 16، ص 121 و 122 و 125.

2- مکارم الأخلاق، ص 120 (با اندکی تفاوت).

3- بحار الأنوار، ج 47، ص 45، ح 62.

4- گفتنی است که عرب ها زیر پیراهن بلند (دشداشه) پاجامه نمی پوشیدند. اکنون هم کم و بیش برخی عرب ها چنین می کنند. روایت مزبور ناظر به پوشش پاجامه برای چنین کسانی است، زیرا در حرکات و حالات مختلف، ممکن است قسمت هایی از بدن انسان نمایان شود.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 585، ح 29؛ بحار الأنوار، ج 12، ص 77، ح 3.

6- السرائر، ج 3، ص 581؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 417، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 5.

7- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 2. (شاید بهاین خاطر که گاه ممکن است خطرهایی پیش آید).

ص: 82

4. در حدیثی دیگر فرمود: «پاجامه را ایستاده و رو به قبله و رو به انسان دیگری نپوشید». (1)

5. ودر سخنی دیگر فرمود: «پیامبران پیراهن را پیش از پاجامه می پوشیدند». (2)

6. در کتاب فقه الرضا آمده است: پاجامه را ایستاده نپوشید که موجب هلاکت و زردآب و غم و درد می شود، بلکه نشسته بیوشید و در وقت پوشیدن این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْنِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَأَعْفُ فَرْجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْإِيمَانِ. (3)

7. کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام پوشیدن پاجامه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَأَمِنْ رَوْعَتِي وَأَعْفُ فَرْجِي

وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا فَيَصْنَعَ لِي الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ. (4)

آداب لباس نو بریدن و پوشیدن

دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که لباس نو ببرد و ظرفی را پر از آب کند و سی و شش مرتبه سوره قدر بر آن بخواند و هر مرتبه که به آیه (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ) می رسد اندکی از آب را آرام بر پارچه بپاشد، سپس دو

1- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 4.

2- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 3.

3- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، عیوبم را بپوشان و در روز قیامت مرا رسوا مگردان و مرا پاکدامن قرار دهوزینت ایمان را از من سلب نفرما». فقه الرضا، ص 395، باب الزیّ والزینة؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 313، باب 44، ح 1.

4- ترجمه: «بار خدایا، عیوبم را بپوشان و هراسم را برطرف کن و مرا پاکدامن قرار ده و از برای شیطان در آنبهره ای و برای رسیدن به آن راهی قرار مده، تا برای من حيله ها سازد و بر گناهان تحریک ام کند». مکارم الأخلاق، ص 101.

رکعت نماز بخواند و دعا کند و بگوید: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَاُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاُصَلِّي فِيهِ لِرَبِّي (1)**
وآن گاه خدا را شکر کند، پیوسته در

و فور نعمت باشد تا آن لباس کهنه شود». (2)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام، خواندن این دعا را به هنگام پوشیدن لباس نو سفارش کرد: **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقَى وَبَرَكَهٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. (3)**

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که در ظرفی نو آب کند و بر آن سی و دو مرتبه سوره قدر بخواند و بر لباس نو بپاشد، با پوشیدن آن لباس همواره در و فور نعمت باشد تا وقتی که تازی از آن لباس باقی باشد». (4)

4. در روایتی معتبر آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: به هنگام پوشیدن لباس نو این دعا را بخوان: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهٍ، اُسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَاَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ**». (5) سپس فرمود: «ای علی، هر که این دعا را بخواند سپس لباس نو را بپوشد، خداوند او را می آمرزد». (6)

1- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که چیزی (لباسی) روزی ام کرد که با آن بتوانم خود را در میان مردم زینت کنم و با آن خود را بپوشانم و در آن برای پروردگارم نماز بگذارم».

2- ثواب الأعمال، ص 44؛ مکارم الأخلاق، ص 99.

3- ترجمه: «پروردگارا، این لباس نو را لباس میمنت و پرهیزگاری و برکت قرار ده. بار خدایا، پرستش نیکو انجام دادن دستورها و ادای شکر نعمت را در این لباس روزی ام کن. حمد و سپاس مخصوص خدایاست که لباسی به من عنایت کرد که خود را با آن بپوشانم و در میان مردم خود را زینت کنم». کافی، ج 6، ص 458، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 459، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 371، ابواب احکام الملابس، باب 26، ح 2.

5- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که بر اندام من لباسی پوشاند که با آن در میان مردم خود رامی آرایم. خدایا، آن را مایه برکت قرار ده تا در آن به سوی خشنودیت حرکت کنم و در مساجدت حضور یابم».

6- کافی، ج 6، ص 458، ح 2.

ص:84

5. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته است هر که لباس نو می پوشد دست بر آن بکشد و بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ كَسَانِیْ مَا اُوَارِیْ بِهٖ عَوْرَتِیْ وَاتَّجَمَلُّ بِهٖ فِی النَّاسِ وَاتَّزِیْنُ بِهٖ بَیْنَهُمْ». (1)

6. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام هرگاه می خواست لباس نو بپوشد، لباس ها را در طرف راست خود می نهاد و پس از پوشیدن لباس، ظرفی آب می طلبید و هر یک از سوره های توحید و کافرون و آیه الکرسی (2) را ده مرتبه

بر آن می خواند، سپس آب را بر لباس می پاشید و می فرمود: «هر که چنین کند، همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تار نخی از آن لباس باقی باشد». (3)

پوشیدن لباس نو ورهایی یافتن از آفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام پوشیدن لباس نو

«لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ» بگو، تا از آفت ها نجات یابی. و چیزی را که بسیار دوست داری فراوان یاد نکن که تو را در هم می شکند و اگر با کسی کاری داشتی در غیابش به او دشنام نده که در دلش اثر می کند». (4)

شکرانه پوشیدن لباس نو

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند لباس نو نصیب کسی کند، شایسته است وضو بگیرد و دو رکعت نماز (شکر) بگزارد و در هر رکعت سوره حمد و آیه الکرسی و سوره های توحید

1- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لباسی بر اندام من پوشاند که به وسیله آن عیوبم را پنهان کنم و با آن خود را در میان مردم زینت و آرایش دهم». کافی، ج 6، ص 459، ح 3.

2- سوره بقره، آیه 255.

3- عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 351؛ مکارم الأخلاق، ص 102.

4- کافی، ج 6، ص 459، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 373، ابواب احکام الملابس، باب 27، ح 4.

ص:85

وقدر بخواند، سپس از خداوندی که تن او را پوشانده و در میان مردم زینتش داده، تشکر کند و حمد و ستایش او را به جا آورد و بسیار ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید. هر که چنین کند، در آن لباس معصیت نکند. و پروردگار به عدد هر نخی که در آن لباس است، فرشته ای می آفریند که خداوند را به پاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند». (1)

دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس

هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید

1. در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از برهنه شدن (به طور کامل) در روز و شب نهی کردند. (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مردی (کاملاً) عریان شود، شیطان به او نظر کرده و طمع می کند که او را به گناه بکشاند». و نیز فرمود: «هنگامی که انسان در جمعی نشسته، سزاوار نیست که ران های خود را برهنه سازد». (3)

3. و در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه لباس خود را از تن بیرون می آورید، «بسم الله» بگویید». (4)

ویژگی های پوشش بانوان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری یا پیراهن بدن نما بپوشد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 459؛ خصال، ج 2، ص 416

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5

3- خصال، ج 2، ص 423؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 108

4- علل الشرایع، ج 2، ص 583؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 415، باب 67، ح 1

5- مکارم الأخلاق، ص 93؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 281، باب 21، ح 2

ص: 86

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام به قدری بود که تا نصف بازوی آن حضرت می رسید و زنان باید

چنین کنند». (1)

اسراف در پوشش

1. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمترین حدّ اسراف آن است که لباس داخل و بیرون از خانه یکی باشد». (2)

2. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر کسی ده پیراهن داشته باشد اسراف است؟ فرمود: «نه، بلکه به منظور حفاظت از لباس این کار بهتر است؛ اسراف آن است که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی». (3)
(واین

برای آن است که پیراهن ها دوام بیشتری پیدا می کند).

پاکیزگی و نظافت لباس

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن لباس نو، دشمن را منکوب می کند». (4)

2. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر لباسی که می پوشید باید پاکیزه باشد». (5)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست و شوی لباس،

2- زیرا لباس بیرون منزل معمولاً قیمت بیشتری دارد و اگر در داخل منزل همان پوشیده شود هزینه لباسانسان سنگین خواهد شد. کافی، ج 6، ص 460، ح 1 و 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 103.

3- مکارم الأخلاق، ص 98.

4- مکارم الأخلاق، ص 103.

5- کافی، ج 6، ص 441، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 346، باب 6، ح 3.

ص:87

اندوه را می زداید وموجب قبولی نماز می شود». (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کوتاه کردن پیراهن(های بلند)، سبب راحتی پوشیدن ودوام آن می شود». (2)

وصله زدن به لباس

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن قدر بر لباس خود وصله زدم که از وصله کننده آن خجالت کشیدم». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که یقه پیراهنش را وصله کند وکفش خود را پینه زند وآنچه برای خانه اش خریده با دست خود به خانه ببرد، از تکبر و خودبرتربینی در امان می ماند». (4)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید دید حضرت یقه لباسش را وصله زده، با تعجب به حضرت نگاه کرد. حضرت فرمود: «چرا تعجب می کنی؟» گفت: از وصله لباس شما شگفت زده شدم. کتابی در پیش روی

حضرت بود، به او فرمود: «این جملات را بخوان». نوشته بود: هر که حیا ندارد ایمان ندارد و کسی که به اندازه خرج نمی کند سرمایه ای برایش نمی ماند و هر که جامه کهنه ندارد لباس نو نخواهد داشت. (5)

رنگ کفش و ویژگی های دیگر آن

اشاره

(مقدمه): بهترین رنگ برای نعلین و دیگر کفش ها، رنگ زرد است و سپس

1- خصال، ج 2، ص 402؛ مکارم الأخلاق، ص 103.

2- مکارم الأخلاق، ص 103.

3- نهج البلاغه، خطبه 160؛ بحار الأنوار، ج 40، ص 346. این در زمانی است که مردم مشکلات مادی دارند.

4- خصال، ج 1، ص 127، ح 68.

5- کافی، ج 6، ص 460، ح 3.

ص:88

سفید. و بهترین رنگ برای چکمه، رنگ سیاه است. رنگ قرمز در سفر سفارش شده، ولی در وطن کراهت دارد. و در مورد نعلین سفارش شده است که جلو و عقبش بلند و قسمت میانی آن کوتاه و تهی باشد و تمام آن بر زمین نچسبد و غیر آن کراهت دارد؛ ظاهراً کفش نیز همین حکم را دارد. و (پوشیدن) کفش سرپایی (در بیرون از منزل) مکروه است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید)

اهمیت پوشیدن کفش

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پوشیدن کفش خوب، تن را از بلاها حفظ کرده، به انسان کمک می کند که وضو و نمازش را به صورت کامل به جا آورد». (1)

2. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «هر که دوست دارد عمرش طولانی شود، باید چهار کار کند: صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد، کفش خوب بپوشد، لباس سبک بپوشد، کمتر آمیزش جنسی کند». (2)

چه کفشی بپوشیم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن نعل هموار و صاف که همه اش بر روی زمین برسد، پوشش یهودیان است». (3)

و روایات فراوانی در مذمت چنین کفشی وارد شده است. (4)

2. در احادیث معتبر آمده است: «کفش سیاه نپوشید که: چشم را ضعیف می کند، از قدرت شهوت می کاهد، موجب اندوه می شود. و کفش زرد بپوشید که :

1- کافی، ج 6، ص 462، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 122.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 279؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 381، باب 32، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 463، ح 6.

4- برخی از این روایات در وسائل الشیعه، ج 3، ص 382، باب 33، باب کیفیّه النعل، آمده است.

ص: 89

چشم را جلا می دهد، بر قدرت شهوت می افزاید، اندوه را برطرف می سازد و پوشش پیامبران است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن کفش سیاه موجب غرور و تکبر است». (2)
4. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که کفش زرد رنگ بپوشد، تا وقتی در پای اوست در شادی و سرور باشد زیرا خداوند متعال در وصف گاو بنی اسرائیل می فرماید: (صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ) (3)». (4)
5. سُدیر صرّاف می گوید: با کفشی سفید رنگ خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: آیا دانسته چنین رنگی را انتخاب کرده ای؟ سپس فرمود: «هر که کفشی سفید از بازار بخرد کهنه نمی شود، مگر اینکه از جایی که گمان نمی برد مالی به او می رسد». سُدیر می گوید: هنوز آن کفش سفید کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی که گمان نداشتیم به دستم رسید. (5)
6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که کفش سفید یا زرد رنگ بپوشد، مال و فرزندان نصیب او شود». (6)
7. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن چکمه بر نور چشم می افزاید». (7)
8. ودر روایتی دیگر فرمود: «مداومت بر پوشیدن چکمه، انسان را از مرگ بد
- 1- کافی، ج 6، ص 465، مکارم الأخلاق، ص 125.
- 2- کافی، ج 6، ص 465، دنباله حدیث 1 و 4 با کمی تفاوت؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 385، باب 38، ح 1 و 2 و 3.
- 3- ترجمه: «گاوی باشد زرد یکدست که بینندگان را شاد و مسرور سازد». سوره بقره، آیه 69.
- 4- کافی، ج 6، ص 466، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 387، باب 40، ح 2 و 4.
- 5- کافی، ج 6، ص 465؛ ثواب الأعمال، ص 43.

6- کافی، ج 6، ص 466، ح 7؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 388، باب 40، ح 5.

7- کافی، ج 6، ص 466، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 121.

ص:90

وبیماری سل می رهند». (1)

9. در حدیث است که داوود رقی می گوید: امام صادق علیه السلام را در سفر دیدم که چکمه سرخی پوشیده بود. پرسیدم: این چکمه سرخ چیست؟ فرمود: «این کفش را برای سفر گرفته ام و برای گل و باران خوب است، اما در وطن هیچ رنگی بهتر از سیاه نیست». (2)

10. و در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام اول کسی بود که نعلین (3) پوشید». (4)

آداب پوشیدن کفش

اشاره

1. در روایاتی معتبر که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است، سفارش کرده اند به هنگام پوشیدن کفش از پای راست و بیرون آوردن آن از پای چپ

آغاز شود.

و نیز فرموده اند: «هر که یک پا در کفش کند و پای دیگرش برهنه باشد و با این حال راه رود، شیطان بر او دست می یابد».

(5)

2. در حدیث است که عبدالرحمن بن کثیر می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به جایی می رفتیم، بند کفش امام پاره شد. من بند دیگری که همراه داشتم درآوردم و جایگزین بند پاره کردم. حضرت که در این هنگام دست بر شانه من نهاده بود، فرمود: «هر کس کفش مؤمنی را اصلاح (ومشکل او را حل) کند، هنگامی که از قبر بیرون آید خداوند او را بر شتر پرسرعت سوار کند تا در بهشت را بکوبد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 466، ح 2 و 3 و 467، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 388، باب 41، ح 1 و 2 و 3.

2- محاسن، ص 378، ح 5؛ کافی، ج 6، ص 466، ح 4.

3- «تعلین» کفشی است که پشت ندارد و روی پا را به طور کامل نمی پوشاند.

4- کافی، ج 6، ص 462، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 381، باب 32، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 467، ح 1 - 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 390، باب 43، ح 1-4 و باب 44، ح 1-4.

6- کافی، ج 6، ص 464، ح 13؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 384، باب 35، ح 1.

ص: 91

3. در حدیث است که یعقوب سراج می گوید: در سفری در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. بند کفش حضرت پاره شد و به اجبار با پای برهنه به راه خود ادامه داد. عبدالله بن ابی یعفور بند کفش خود را درآورد و به حضرت داد، اما آن حضرت قبول نکرد و فرمود: «هر که گرفتار مشکلی شده، سزاوار است که بر مشکل خود صبر کند». (1)

استراحت دادن به پاها

1. در حدیث است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به دیدن کسی رفتیم. چون حضرت بر او وارد شد (گویا جمعی با کفش نشسته بودند)، کفش خود را از پا بیرون آورد و فرمود: «کفش هایتان را بیرون آورید که این کار موجب استراحت پا می شود». (2)

دعای پوشیدن کفش

1. در کتاب مکارم الأخلاق (3) به نقل از کتاب نجات آمده است: کفش را نشسته

بپوش و در وقت پوشیدن آن بگو: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَي الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. (4)

و در وقت بیرون آوردن، ایستاده کفش ها را درآور و بگو: بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَقْبَىٰ بِهِ قَدَمِي مِنَ الْأَقْدَامِ اللَّهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَي صِرَاطِكَ وَلَا تَزَلْهُمَا

1- کافی، ج 6، ص 464، ح 14؛ مکارم الأخلاق، ص 123.

2- کافی، ج 6، ص 464، ح 15؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 385، باب 37، ح 1.

3- مکارم الأخلاق، ص 123؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 63.

4- ترجمه: «به نام خدا. پروردگارا، بر محمد و خاندان پاکش درود بفرست و گام هایم را در دنیا و جهان آخرت استوار گردان و در روزی که همه قدم ها می لغزند، آنها را بر پل صراط محکم و ثابت گردان.»

ص:92

عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ. (1)

2. در کتاب فقه الرضا (2) آمده است: هرگاه بخواهی کفش یا چکمه بیوشی از

پای راست شروع کن و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ وَطِّئْ قَدَمِيْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلٰی الْاِيْمَانِ وَلَا تُرْزِلْهُمَا يَوْمَ زَلْزَلَةِ الْاَقْدَامِ اَللّٰهُمَّ وَقِنِيْ مِنْ جَمِيعِ الْاَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنْ الْاَذٰى. (3)

وهنگام بیرون آوردن کفش از پای چپ شروع کن و بگو: اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّيْ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّيْ حُلَّةَ الْاِيْمَانِ. (4)

1- ترجمه: «به نام خدا. حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که نعمتی به من داد تا بتوانم با آن پاهایم را از آزار و آذیت حفظ کنم. بار خدایا، پاهایم را بر صراط خود پایدار کن و از راه راست خود نلغزان.»

2- فقه الرضا، ص 397 و 398.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم.) و حمد و ستایش مخصوص خداست. بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. بار خدایا! قدم های مرا در دنیا و آخرت ثابت گردان، و در پیمودن راهایمان پایدارشان کن، و در روزی که قدم ها می لغزد آنها را ملغزان. خدایا! مرا از تمام آسیب ها و آفات و آزارها حفظ کن.»

4- ترجمه: «خدایا، هر اندوهی را از من برطرف کن و جامه ایمان را از تنم بیرون مکن.»

فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان

اشاره

1. فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن

2. جنس انگشتر

3. فضیلت عقیق

4. فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد

5. فضیلت فیروزه و جزع یمانی

6. فضیلت درّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها

7. نقش نگین

8. پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان

9. آداب سرمه کشیدن

10. آداب نگاه کردن در آئینه

11. رنگ کردن موها

12. چگونگی و آثار رنگ کردن

ص:94

ص:95

فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن

اشاره

(مقدمه): تأکید شده است که مردان و زنان انگشتر را در دست راست کنند. هر چند در برخی روایات، انگشتر در دست چپ کردن هم تجویز شده است. واگر نقش نگین یا خود نگین، شریف و باعظمت باشد باید به هنگام تطهیر کردن در حاجتگاه، آن را بیرون آورد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید)

استحباب انگشتر در دست راست کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد. (2)

3. در حدیث است که سلمان فارسی - که رضوان خدا بر او باد - می گوید: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، انگشتر را در دست راست کن تا از مقربان باشی. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، مقربان کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. علی علیه السلام پرسید: چه انگشتری در دست کنم؟ فرمود:

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 63، ح 268؛ علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 2.

2- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 285، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 397، ح 4 و 6.

ص: 96

عقیق سرخ، زیرا عقیق سرخ بر یگانگی خدا و پیامبری من و امامت و وصایت تو و امامت یازده فرزند از تو و استحقاق دوستان تو به بهشت و اختصاص جنت الفردوس به شیعیان تو اقرار کرده است». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر در دست راست کردن از سنت پیامبران است». (2)

5. در روایتی معتبر آمده است که از امام هفتم علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت علی علیه السلام انگشتر را در دست راست می کرد؟ فرمود: «زیرا آن حضرت در روز قیامت پیشوای اصحاب یمین است که نامه هایشان را به دست راستشان می دهند. افزون بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می کرد. افزون بر آنکه این کار نشانه ای برای شیعیان است که بدین سبب وبه پنج عمل زیر بر دیگران امتیاز دارند: مراقبت کردن بر وقت نمازهای پنجگانه، پرداختن زکات اموال (ووجوهات شرعیّه)، تقسیم کردن اموال وامکانات خود با برادران مؤمن، امر به معروف و نیکی ها کردن، نهی از منکر و زشتی ها کردن». (3)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: هر که انگشتر در دست راست کند وهدفش از این کار، پیروی از تو و سنت تو باشد، چنانچه او را در قیامت سرگردان بینم دستش را گرفته وبه تو وامیر مؤمنان می رسانم». (4)

1- علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 27، ص 280، ح 1.

2- دعائم الاسلام، ج 2، ص 164، ح 591؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 289، باب 30، ح 7، به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. البته از برخی روایات هم استفاده می شود که انگشتر به دست چپ کردن اشکال ندارد.

3- علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 396، باب 49، ح 3.

4- مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 303.

ص: 97

انگشتر در کدام دست کنیم

در حدیثی معتبر آمده که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر بخواهی انگشتر را در دست راست کن و اگر دوست داری در دست چپ، تفاوتی ندارد». (1)

ولی از برخی روایات استفاده می شود که هر کس انگشتری در دست چپ کند که نام خداوند بر آن نقش بسته، برای تطهیر کردن در حاجتگاه آن را به دست دیگر کند». (2)

انگشتر در کدام انگشت نکنیم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت از اینکه انگشتر را در انگشت شهادت یا انگشت میانی کنند نهی فرمود». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر را به بند پایین انگشت برسانید». (4)

3. شیخ صدوق از ابو سعید آدمی روایت کرده است: انگشتر به سر انگشتان کردن از کارهای قوم لوط است. (5)

دعای انگشتر در دست کردن

در کتاب فقه الرضا آمده است که هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اَللّٰهُمَّ سَمِّنِيْ بِسِمَاءِ الْاِيْمَانِ وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَاَجْعَلْ عَاقِبَتِيْ اِلَى خَيْرٍ، اَنْكَ

1- السرائر، ج 3، ص 574؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 395، باب 48، ح 6.

2- خصال، ج 2، ص 401؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 91.

3- مكارم الأخلاق، ص 93؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 408، باب 59، ح 1 و 2.

4- خصال، ج 1، ص 237، ح 120؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 212، ذیل روایت شماره 7.

5- خصال، ج 1، ص 237، ادامه حدیث 120؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 212، ذیل روایت 7.

ص:98

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ. (1)

سید بن طاووس سفارش کرده است که به هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيْمَاءِ الْاِيْمَانِ وَتَوَجِّنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيْمَانِ مِنْ عُنُقِي. (2)

جنس انگشتر

اشاره

(مقدمه:) انگشتر نقره در دست کردن مستحب و انگشتر طلا بر مردان حرام است. و انگشتر ساخته شده از آهن و برنج (برنز) و فولاد برای مردان و زنان کراهت دارد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

چگونگی انگشتر

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر پیامبر صلی الله علیه و آله از نقره بود». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، نگین نداشت و بر آن جمله «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» نقش بسته بود». (4)

انگشترهای نامناسب

1. در چندین روایت معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

1- ترجمه: «پروردگارا، بر من نشان ایمان بگذار و برایم به نیکی پایان ده و عاقبتم را ختم به خیر کن، زیرا تو عزیز و کریم هستی». فقه الرضا، ص 395؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 324، ح 25.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر من نشان ایمان بگذار و تاج کرامت بر سرم نه و ریسمان اسلام بر گردنم افکن و بندایمان را از گردنم برمدار». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 35؛ مکارم الأخلاق، ص 93.

3- کافی، ج 6، ص 468، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 393، باب 46، ح 1 و 2.

4- مکارم الأخلاق، ص 85؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 394، باب 46، ح 5.

ص: 99

فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن که زینت تو در آخرت است». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتری جز نقره در دست نکنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دستی که انگشتری از جنس آهن در آن باشد آلوده است». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند دستی را که انگشتر آهنی در آن باشد پاک نخواهد کرد». (3)

4. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هنگام نماز، انگشتر آهنی در دست نکنید و در هیچ حال، انگشتر برنز نپوشید». (4)

فضیلت عقیق

اهمیت عقیق در دست کردن

1. در حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «انگشتر عقیق با خود داشته باشید زیرا عقیق، نخستین کوهی است که به یگانگی خداوند و رسالت من و امامت علی بن ابی طالب اقرار کرد». (5)

2. در حدیثی معتبر آمده است که بشیر دهان می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم چه نگینی بر انگشترم بنشانم؟

فرمود: «چرا از عقیق سرخ وزرد و سفید غافلی؟ اینها سه کوه هستند در بهشت؛ عقیق سرخ نام کوهی است که مُشرف بر خانه رسول صلی الله علیه و آله است. کوه عقیق زرد مُشرف بر خانه فاطمه زهرا علیها السلام و عقیق سفید مُشرف بر خانه حضرت

1- کافی، ج 6، ص 468، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 86.

2- کافی، ج 6، ص 468، ح 6؛ خصال، ج 2، ص 401.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 164، ح 772؛ مکارم الأخلاق، ص 86.

4- مکارم الأخلاق، ص 85؛ بحار الأنوار، ج 83، ص 252، ح 16 و ج 76، ص 331.

5- مکارم الأخلاق، ج 1، ص 200؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 70، ح 324.

ص: 100

علی علیه السلام است و همه اینها یک خانه است. واز زیر هر کوهی نهری جاری است که آب آن از برف سردتر و از شیر سفیدتر است و هر سه نهر از کوثر سرچشمه می گیرد و به یک جا می ریزد. و جز آل محمد و شیعیانش از این نهرها نمی نوشند. این سه کوه (همواره) تسبیح و تقدیس و تمجید پروردگار کرده و برای محبان آل محمد آمرزش می طلبند. پس هر

کس از شیعیان آل محمد یکی از این عقیق ها را در دست داشته باشد، جز نیکی ووسعت روزی و سلامتی از بلاها وامان از شرّ پادشاهان وهر آنچه انسان از آن بیم دارد، به او نرسد». (1)

3. در حدیث است که ربیعہ الرأی می گوید: انگشتر عقیقی در دست امام سجّاد دیدم، پرسیدم: این چه نگینی است؟ فرمود: «این عقیق رومی است». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دستی که در آن انگشتر عقیق باشد، از تمام دست هایی که به آسمان بلند می شود در نزد پروردگار محبوب تر است». (3)

5. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در دست کردن مستحبّ است». (4)

آثار وخواصّ عقیق در دست کردن

1. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در کوه طور به هنگام مناجات با خداوند نگاهی به زمین کرد، خداوند عقیق را از نور صورت او آفرید، سپس فرمود: به ذاتم قسم، دستی را که انگشتر عقیق در آن

1- امالی طوسی، ج 1، ص 36 و 37؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 401، باب 52، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 470، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 4 و 5.

3- ثواب الأعمال، ص 208، ح 9؛ عدّه الدّاعی، ص 118.

4- ثواب الأعمال، ص 209، ح 11؛ عدّه الدّاعی، ص 119.

- باشد عذاب نمی کنم، مشروط بر اینکه به ولایت علی بن ابی طالب اقرار داشته باشد». (1)
2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نماز (جماعت) کسی که انگشتر عقیق در دست دارد، نسبت به نماز جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشد چهل درجه برتری دارد». (2)
3. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بسیار بهتر از نماز بدون آن است». (3)
4. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در سفر، پیام آور امنیت است». (4)
5. در حدیث است که کسی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از اینکه دزد در بین راه اموالش را برده بود شکایت کرد. حضرت فرمود: «چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که انسان را از بدی نگاه می دارد؟». (5)
6. در روایتی آمده است که حاکمی حکم جلب شخص بیگناهی را صادر کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق به او برسانید» این کار را کردند و گزندی به او نرسید. (6)
7. در حدیث است که مردی را از مقابل چشمان مبارک امام باقر علیه السلام عبور دادند که بسی تازیانه بر بدنش زده بودند. حضرت فرمود: «انگشتر عقیق او کجاست؟ اگر همراهش بود شلاق نمی خورد». (7)

1- ثواب الأعمال، ص 209، ح 11؛ عدّه الدّاعی، ص 119.

2- مکارم الأخلاق، ص 87؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 297، باب 34، ح 1. در مستدرک الوسائل به جایچهل، عدد هفتاد ذکر شده و در هیچ یک از این دو کتاب، سخنی از نماز جماعت نیست.

3- عدّه الدّاعی، ص 119؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 403، باب 53، ح 10.

- 4- کافی، ج 6، ص 470، ح 5؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 39.
- 5- کافی، ج 6، ص 471، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 88.
- 6- کافی، ج 6، ص 471، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 89.
- 7- ثواب الأعمال، ص 207، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 402، باب 53، ح 4.

ص:102

8. سلیمان اعمش می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم کسی را که تازیانه خورده بود از قصر منصور عباسی بیرون آوردند. حضرت فرمود: «سلیمان، بین نگین انگشترش چیست؟» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، نگین آن عقیق نیست. فرمود: «ای سلیمان، اگر عقیق بود تازیانه اش نمی زدند». عرض کردم: شرح بیشتری در مورد عقیق بفرمایید. فرمود: «نگین عقیق از قطع شدن دست انسان جلوگیری می کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق از خون انسان محافظت می کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «خداوند دوست دارد دستی را که به سوی او برای دعا بلند می شود انگشتر عقیق در آن باشد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «تعجب می کنم دستی که انگشتر عقیق در آن باشد، چطور از دینار و درهم خالی شود».

عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق انسان را از هر بلایی نگاه می دارد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انسان را از فقر نگاه می دارد». عرض کردم: اجازه می فرمایید این حدیث را به نقل از جدت امام حسین علیه السلام از پدرش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کنم؟ فرمود: «مانعی ندارد». (1)

9. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق، فقر ونداری را برطرف و نفاق و دورویی را زایل می کند». (2)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس قرعه بزند در حالی که انگشتر عقیق در دست دارد، شانس بیشتری خواهد داشت».

(3)

11. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق در دست کنید که میمون و مبارک است و امید می رود که دارنده آن، عاقبت به خیر شود». (4)

1- مکارم الأخلاق، ص 88؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 403، باب 53، ح 12.

2- کافی، ج 6، ص 470، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 470، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 208، ح 10.

4- کافی، ج 6، ص 470، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 3.

ص: 103

12. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس انگشتر عقیق به دست کند، پریشان خاطر نگردد و بی شک عاقبت به خیر می شود». (1)

13. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس انگشتر عقیق در دست داشته باشد، حاجتش برآورده می شود». (2)

14. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق به دست کنید، زیرا تا زمانی که در دست است اندوهی به صاحبش نمی رسد». (3)

15. در حدیث است که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چهار انگشتر در دست می کردند: انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش، فیروزه برای نصرت و یاری اش، حدید چینی برای قوتش، عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها. (4)

انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر یاقوت پریشانی را زایل می کند». (5)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر یاقوت در دست داشتن سنت است». (6)
3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود». (7)

- 1- کافی، ج 6، ص 471، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 207، ح 1.
- 2- کافی، ج 6، ص 470، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 4 و 5.
- 3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 47، ح 180؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 400، باب 51، ح 7.
- 4- علل الشرایع، ج 1، ص 157، باب 126، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 86.
- 5- کافی، ج 6، ص 471، ح 4؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.
- 6- کافی، ج 6، ص 471، ح 5؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 404، باب 54، ح 2.
- 7- مکارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 404، باب 54، ح 1 و 3 و 4. البته در روایات و سائلالشیعه، کلمه «زرد» وجود ندارد.

ص: 104

انگشتر زمرد و راحتی و توانگری

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرد به دست کردن چنان سهولت و آسانی به دنبال خواهد داشت که هیچ سختی در آن نباشد». (1)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرّد در دست داشتن، فقر را به توانگری مبدّل می سازد».
(2)

انگشتر زبرجد در دست کردن

در حدیثی می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در دست کردن انگشتر زبرجد، چنان سهولت و آسانی به دنبال دارد که هیچ سختی در آن نباشد».
(3)

فضیلت فیروزه و جزع

اشاره

فضیلت فیروزه و جزع (4) یمانی

خواص انگشتر فیروزه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که انگشتر فیروزه در دست کند، فقیر نمی شود».
(5)

2. در حدیث است که حسن بن علی بن مهران می گوید: خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم، آن حضرت انگشتری در دست داشت که نگینش فیروزه و نقش آن «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود. به انگشترش خیره شدم. امام فرمود: «به چه نگاه می کنی؟» عرض کردم: امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز انگشتر فیروزه ای داشته که نقش آن «اللَّهُ الْمَلِكُ»

1- کافی، ج 6، ص 471؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 405، باب 55، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 471، ح 3؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

4- «جَزَع» مهره یمانی، سنگی است سیاه و سفید دارای خال های سفید وزرد و سرخ و سیاه، که در معدن عقیق یافت می شود (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 472، باب الفیروزج، ح 1؛ ثواب الأعمال ص 209، باب التختم بالفیروزج، ح 1.

ص: 105

بوده، امام فرمود: «آن را می شناسی؟» عرض کردم: نه. فرمود: «این همان انگشتر است که جبرئیل آن را از بهشت برای رسول خدا هدیه آورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را به حضرت علی علیه السلام بخشید». (1)

3. علی بن محمد صیمری می گوید: با دختر جعفر بن محمود کاتب (2) ازدواج

کردم و او را بسیار دوست می داشتم، لیکن فرزندی از او به دنیا نیامد. خدمت امام هشتم علیه السلام رسیدم و مشکل را گفتم. حضرت تبسمی کرد و فرمود: «انگشتر فیروزه ای تهیّه و آیه شریفه (رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) (3) را بر آن

نقش کن تا مشکل حل شود. به فرمایش حضرت عمل کردم و یک سال نگذشت که از آن زن، پسری نصیبم شد. (4)

4. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال می فرماید: شرم می کنم از دستی که انگشتر فیروزه در آن است و برای دعا به سوی من بلند می شود، آن را ناامید برگردانم». (5)

خواص انگشتر جزع یمانی

1. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر جزع یمانی در دست کنید که شیاطین سرکش را دور می سازد». (6)

2. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که حضرت علی علیه السلام فرمود :

1- مکارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 405، باب 56، ح 1.

2- جعفر بن محمود الکاتب در دمشق مصاحب و همنشین متوکل عباسی بود و در سال 284 ه ق وزیرالمستعین و سپس وزیر المعتز بالله شد و در سال 286 ه ق از دنیا رفت (مختصر تاریخ دمشق، ج 6، ص 95).

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنهامگذار و فرزند برومندی به من عطا کن و توبهترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه 89.

4- امالی طوسی، ص 84، ح 30؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 406، باب 56، ح 4.

5- عدّه الدّاعی، ص 117؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 406، باب 56، ح 5.

6- کافی، ج 6، ص 471، باب الجزع الیمانی، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

ص: 106

«رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما نماز خواند، در حالی که انگشتر یمانی در دست داشت. پس از نماز، انگشترش را به من داد و فرمود: این انگشتر را در دست کن و با آن نماز بخوان که نماز در جزع یمانی برابر با هفتاد نماز است. و این انگشتر تسبیح و استغفار می کند و ثوابش برای صاحبش نوشته می شود». (1)

فضیلت درّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین ها

1. در حدیث است که مفضل بن عمر می گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که انگشتر فیروزه ای در دست داشتم. حضرت فرمود: «ای مفضل، فیروزه دورکننده دردها از دیدگان مؤمنان است. دوست دارم هر مؤمن پنج انگشتر در دست داشته باشد :

انگشتر یاقوت که فاخرترین همه است.

انگشتر عقیق که خالص ترین نوع انگشتر برای جلب رضایت خدا واهل بیت است.

انگشتر فیروزه که نور چشم را زیاد وسینه را گشاده وبر قوّت دل می افزاید واگر کسی که در پی انجام دادن کاری است آن را در دست کند به هدف می رسد.

انگشتر حدید چینی که دوست ندارم همیشه آن را در دست کند ولی بد نیست هنگامی که به دیدن کسی می رود که از شرّ او می ترسد آن را در دست کند تا از شرّ او در امان باشد. افزون بر اینکه این نگین، شیاطین را از انسان دور می کند و برای همین دوست دارم که مؤمن آن را داشته باشد.

درّی که خداوند آن را در نجف اشرف ظاهر می سازد چرا که هر کس آن را در

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 132، ح 18؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 407، باب 57، ح 2.

ص:107

دست کند در مقابل هر بار که به آن نگاه کند، خداوند ثواب زیارت حج یا عمره در نامه عمل او می نویسد که ثوابش ثواب پیامبران وصالحان باشد. واگر خدا بر شیعیان ما رحم نمی کرد، هر نگین آن به قیمت گرانی خرید و فروش می شد. لیکن آن را ارزان کرده تا ثروتمند و فقیر بتوانند از آن استفاده کنند». (1)

2. ابوطاهر می گوید: این حدیث را برای امام حسن عسکری علیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود: «این حدیث جدّم حضرت صادق علیه السلام است». عرض کردم: چرا شما هیچ انگشتری را بر عقیق سرخ ترجیح نمی دهید؟ فرمود: «فضایل

فراوانی در مورد آن وارد شده است؛ جدّم (امام محمد تقی علیه السلام) فرمود: اوّل کسی که انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود. او دید که در عرش نوشته شده است: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ عَلِيٍّ وَنَصَرْتُهُ» (2) تا آخر نام های پنجگانه آل عبا» پس چون حضرت را از بهشت راندند

وبه زمین آمد وبه آن نام های پنجگانه به خداوند توسّل جست و خداوند به برکت آن نام ها او را بخشود، حضرت انگشتری از نقره ساخت، نگینش را عقیق سرخ قرار داد و نام های پنجگانه مزبور را بر آن حک کرد و آن انگشتر را در دست راست خود نمود و از آن پس، انگشتر عقیق در دست راست کردن سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش به آن عمل کردند». (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگین بلور، نگین نیک و خوبی است». (4)

1- تهذیب، ج 6، ص 42، ح 75؛ فرحه الغری، ص 86 و 87.

2- ترجمه: «منم آن خدای یگانه ای که جز من خدایی نیست، محمد برگزیده من از میان مخلوقات است، او رابه وسیله برادرش علی علیه السلام تأیید کرده و یاری اش نمودم».

3- فرحه الغری، ص 87 - 89.

4- کافی، ج 6، ص 472، باب الجزع الیمانی، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 210 و 211.

ص: 108

نقش نگین

اهمیت نقش نگین انگشتر

1. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقل مردان را در سه چیز می توان آزمود: بلندی ریش، نقش انگشتر، کنیه آنها (1)». (2)

2. در حدیث است که حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا کسی که نقش نگین انگشترش «لا إلهَ إِلاَّ اللهُ» است جایز است با آن حال خود را تطهیر کند؟ حضرت فرمود: «این کار را برای او خوب نمی دانم». (3)

3. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند مسلمانان شکل حیوانات را بر نگین انگشتر خود حک نکنند. (4)

نقش نگین انگشتر پیامبران

1. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین انگشتر حضرت آدم علیه السلام «لا إلهَ إِلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» بود که از بهشت همراه خود آورده بود». (5)

2. در حدیث است هنگامی که حضرت نوح سوار بر کشتی شد خداوند به او وحی کرد: «هرگاه از غرق شدن ترسیدی هزار مرتبه «لا إلهَ إِلاَّ اللهُ» بگو، سپس دعا کن تا تو و مؤمنین را از غرق شدن نجات دهم». کشتی حرکت کرد، باد تندی وزیدن گرفت، حضرت نوح از غرق شدن ترسید و فرصت پیدا نکرد هزار مرتبه

1- اشاره به اینکه اگر نقش نگین اش پرمعنا باشد وکنیه خوب انتخاب کند و ریش او بیش از حد بلند نباشد، دلیل بر عقلائیّت اوست.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 107، ح 2؛ سفینه البحار، ج 7، ص 584.

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ امالی صدوق، ص 457، ح 5.

4- کتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 5؛ وسائل الشیعه، ج 4، ص 443، ح 5667؛ امالی صدوق، ص 426، ح 1.

5- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، پس به زبان سریانی گفت: «هَلُو لیا أَلْفاً یا مارا ثَقَنُ» سپس طوفان فرو نشست و کشتی به حرکت خود ادامه داد. آن گاه با خود گفت: «سخنی که خداوند مرا با آن نجات داد سزاوار است همیشه همراه من باشد». از این رو، جمله «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ یا رَبِّ أَصْلِحْنِي» (1) را به زبان عربی بر نگین انگشتر

خویش حک کرد. (2)

3. در حدیث است هنگامی که نمرودیان ابراهیم علیه السلام را در کفّه منجنیق (3) نهاده

تا در آتش افکنند، جبرئیل به خشم آمد. خداوند از جبرئیل پرسید: چه چیز تو را خشمگین ساخته است؟ عرض کرد: پروردگارا، ابراهیم خلیل (دوست) تو است چطور دشمن مشترکمان را بر وی که تنها یکتاپرست است مسلط فرموده ای؟ خداوند فرمود: ساکت باش، کسی در امور عجله می کند که همچون تو بنده است. من هر زمان اراده کنم او را از کام خطر نجات می دهم. جبرئیل خیالش راحت شد و به جانب ابراهیم رفت. از او پرسید: آیا در این هنگامه خطر حاجتی داری؟ حضرت فرمود: با تو کاری ندارم واز تو حاجتی نمی طلبم. پس از آن خداوند متعال انگشتری برای آن حضرت فرستاد که جملات زیر بر نگین آن نقش بسته بود: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضَّتْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسَدْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ» (4) ، سپس به او وحی کرد: «این انگشتر را در

دستت کن تا آتش را بر تو سرد و سالم گردانم». (5)

1- ترجمه: «هزار بار لا اله الا الله و گفتن یارب اصلحنی (پروردگارا کار مرا سامان بخش)».

2- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 69، ح 9.

3- «منجنیق نایق» آلتی است که در جنگهای قدیم برای پرتاب کردن سنگ یا گلوله های آتش به کار می رفت... درعربی منجلیق نیز می گویند. ودر فارسی منجنیک هم گفته شده است. (فرهنگ عمید)

4- ترجمه: «خدایی جز الله نیست، محمد رسول اوست، هیچ پناهگاه و قدرتی جز به ذات خداوند نیست، اموراتم را به خدا واگذار کردم، تکیه گاهم خداست و او برای من بس است».

5- همان ؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

ص:110

نقش نگین انگشتر حضرت موسی علیه السلام دو جمله برگرفته از تورات بود: «إِصْبِرْ تُوجِرَ أُصْدُقُ تَنْجَحُ» (صبر کن تا پاداشت دهند و راستگو باش تا نجات یابی). (1)

5. نقش نگین انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام این جمله بود: «سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ بِكَلِمَاتِهِ» (منزه است خداوندی که جن را با کلماتش مسخر و تحت فرمان گرفت). (2)

6. در حدیث است که نقش نگین انگشتر حضرت مسیح دو جمله برگرفته از انجیل بود: «طُوبَى لِعَبْدٍ ذُكِرَ اللهُ مِنْ أَجَلِهِ وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ نُسِيَ اللهُ مِنْ أَجَلِهِ» (خوشا به حال بنده ای که منشأ یاد خداست و بدا به حال بنده ای که سبب فراموشی یاد خداست). (3)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» بود». (4)

8. در حدیث است که عبدالله بن سنان گوید: حضرت صادق علیه السلام انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من نشان داد. نگین انگشتر آن حضرت سیاه و جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» در دو سطر بر آن حک شده بود. (5)

9. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین رسول خدا صلی الله علیه و آله

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» بود». (6)

نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللهُ المَلِکُ» بود». (7)

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

2- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 473، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 89.

5- کافی، ج 6، ص 474، ح 7؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 394، باب 47، ح 2.

6- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 409، باب 62، ح 1.

7- کافی، ج 6، ص 473، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 89.

ص: 111

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از نقره و نقش آن «نعمَ القادرُ اللهُ» بود». (1)

3. در برخی روایات نیز نقش آن «المَلِکُ لِلَّهِ» ذکر شده است. (2)

4. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام انگشتری از حدید چینی صاف داشت که جملات زیر در هفت سطر بر آن نقش بسته بود و آن را هنگام جنگ ها و کارهای سخت به دست می کرد :

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَلِكُلِّ كَرْبٍ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَازِلَةٍ «حَسْبِيَ اللَّهُ» وَلِكُلِّ ذَنْبٍ كَبِيرَةٍ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» وَلِكُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ قَادِحٍ «مَا شَاءَ اللَّهُ» وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» مَا بَعَلِيَ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ

فَمِنْ اللَّهِ». (3)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «العِزَّةُ لِلَّهِ» بود». (4)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». (5)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 90.

2- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 34؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، باب 62، ح 9.

3- ترجمه: «برای هر ترسی ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و برای هر اندوهی ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و برای هر مصیبتی که نازل می شود ذکر «حَسْبِيَ اللَّهُ» و برای هر گناه بزرگی ذکر «استغفر الله» و برای هر اندوه زیانباری ذکر «ما شاء الله» و برای هر نعمت تازه ای ذکر «الحمد لله» را آماده کرده ام؛ هر نعمتی که به علی ابن ابی طالب رسیده از ناحیه خداست». مکارم الأخلاق، ص 91. علامه مجلسی مطابق آنچه در بحار الأنوار، (ج 43، ص 19) نقل کرده، معتقد است که نقش نگین حضرت فاطمه علیها السلام «أمن المتوكلون» بوده است.

4- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، باب 62، ح 9.

5- کافی، ج 6، ص 473، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 408، باب 60، ح 1.

6- کافی، ج 6، ص 473، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 408، باب 60، ح 1.

8. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام

«إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» بود». (1)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین امام علی بن الحسین علیهما السلام «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ» بود». (2)

10. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام زین العابدین، همچون پدر بزرگوارش، «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» بود». (3)

11. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام سجّاد علیه السلام، جمله «خَزِيٌّ وَشَقِيٌّ قَاتِلُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» بود». (4)

12. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین پدرم «أَلْعِزَّةُ لِلَّهِ» بود». (5)

13. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام همچون جدش امام حسین علیه السلام، «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» بود». (6)

14. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام جمله «ظَنَنْتِي بِاللَّهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِيِّ الْمُؤْتَمَنِ وَبِالْوَصِيِّ ذِي الْمَنَنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَالْحَسَنِ» بود». (7)

15. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا کراهت دارد که انسان در نگین انگشترش غیر از نام خود و پدرش، چیز دیگری حک کند؟ فرمود :

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206.

2- کافی، ج 6، ص 473، ح 2.

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206.

4- کافی، ج 6، ص 473، ح 6؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 56.

5- کافی، ج 6، ص 473، ح 1.

6- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206.

7- ترجمه: «گمانم به خداوند و پیامبر امین اش و جانشین پربرکت پیامبرش و به امام حسن و امام حسین:، خوب و نیکوست». عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 27، ح 15، مکارم الأخلاق، ص 92.

ص:113

نقش نگین انگشتر من، جمله «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» است. (1)

16. در حدیثی معتبر آمده است که نقش نگین امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ» بوده است. (2)

17. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین انگشتر امام جعفر صادق علیه السلام «أَنْتَ ثَقْتِي فَأَعِصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» بوده است». (3)

18. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین انگشتر امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُ وَلِيِّي وَعِصْمَتِي مِنْ خَلْقِي» بود». (4)

19. اسماعیل بن موسی می گوید: انگشتر امام صادق علیه السلام به طور کامل از نقره بود و بر نگین آن، جمله «یا ثَقْتی قَنِی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ» نقش بسته بود». (5)

20. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت کاظم علیه السلام «حَسْبِیَ اللهُ» بود و در زیر آن گل و در بالایش هلالی نیز نقش بسته بود». (6)

21. در حدیث است که حسین بن خالد می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین امام کاظم علیه السلام «حَسْبِیَ اللهُ» بود». حسین بن خالد ادامه می دهد: سپس امام رضا علیه السلام دست مبارک را دراز کرد و انگشتر پدرش را که در دست داشت به من نشان داد. (7)

22. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که نقش نگین امام رضا علیه السلام، جمله «ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ» بود. (8)

1- کافی، ج 6، ص 473، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 473، ح 3، دعائم الاسلام، ج 2، ص 163، ح 592.

3- کافی، ج 6، ص 473، ح 4.

4- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206.

5- مکارم الأخلاق، ص 91.

6- کافی، ج 6، ص 473، ح 4، مکارم الأخلاق، ص 90.

7- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206.

8- کافی، ج 6، ص 473، ح 5، نقش نگین امام جواد علیه السلام «نعم القادر الله» (سفینه البحار، ج 2، ص 354) و نقش

نگین امام هادی علیه السلام «حفظالعهود من اخلاق المعبود» (بحار الأنوار، ج 50، ص 117) و نقش نگین امام حسن

عسکری علیه السلام «إِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ» (بحار الأنوار، ج 50، ص 238) بود. گفتنی است که برخی از آن بزرگواران، دو یا چند انگشتر با نقش ها و نگین های متفاوت داشتند.

ص: 114

آثار و خواص نقش نگین

1. سید بن طاووس به نقل از قاسم بن العلا از صافی، خادم امام هادی علیه السلام چنین نقل می کند: از امام محمد نقی علیه السلام اجازه گرفتم که به زیارت جدش امام رضا علیه السلام (در خراسان) بروم. حضرت فرمود: «انگشتری با نگین عقیق زرد که جمله «ما شاء الله لا قوة الا بالله، استغفر الله» بر آن نقش بسته و بر روی دیگر نگین، نام های محمد و علی حک شده باشد همراه داشته باش، زیرا اگر چنین انگشتری با خود ببری از شر دزدان و راهزنان در امان خواهی بود و برای سلامتی ات مؤثر و از دین تو حفاظت می کند».

صافی خادم می گوید: از خدمت حضرت بیرون شدم و انگشتری که وصف فرمودند تهیه کردم و برای خداحافظی نزد آن حضرت رفتم. پس از خداحافظی، مقداری از آن حضرت دور شدم، مرا صدا زد، خدمتشان رسیدم، فرمودند: «لازم است انگشتر فیروزه نیز همراه داشته باشی، زیرا در بین راه طوس و نیشابور، شیری سدّ راه تو و کاروان همراهت می شود. انگشتر فیروزه ات را به شیر نشان بده و بگو مولایم می گوید: از جلوی راه ما دور شو! بر یک روی نگین فیروزه جمله «اللَّهُ الْمَلِكُ» و بر روی دیگر آن جمله «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» را حک کن، چرا که نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود و چون خلافت آن حضرت برگشت، جمله «الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» را بر نگین انگشترش که از فیروزه بود حک کرد. و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده در امان می دارد و موجب پیروزی در جنگ ها می شود».

صافی خادم می گوید: به سفر رفتم. به خدا سوگند، در همان مکانی که

ص: 115

حضرت فرموده بود شیری بر سر راه ما ظاهر شد. به فرمایش حضرت عمل کردم و شیر بازگشت. هنگامی که از سفر برگشتم آنچه بر من گذشته بود خدمت حضرت گزارش دادم. حضرت فرمود: «مطلبی را نقل نکردی، می خواهی من

بگویم؟» عرض کردم: شاید فراموش کرده باشم. حضرت فرمود: «شبی که در طوس نزدیک ضریح مطهر امام رضا علیه السلام خوابیده بودی، گروهی از جنیان به زیارت قبر آن حضرت می رفتند. آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند، آن را از دست تو درآوردند، نزد بیماری که همراه داشتند بردند و آن را در آبی شسته، آب را به بیمار خود نوشاندند و بیمارشان شفا پیدا کرد. سپس انگشتر را بازگردانده و آن را در دست چپ شما کردند، در حالی که شما آن را در دست راست خود کرده بودید. هنگامی که از خواب برخاستی، از این مطلب تعجب کردی ولی علت آن را نفهمیدی و بر بالین خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی که اکنون همراه تو است، آن هدیه جنیان است که برای تو آورده اند. آن را به بازار ببر که به هشتاد اشرفی از تو خواهند خرید.»

صافی خادم می گوید: آن را به بازار بردم و به فرمایش حضرت به هشتاد دینار فروختم. (1)

2. سید بن طاووس می گوید: در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: می ترسم دشمنانم خشم حاکم شهرمان را علیه من برافروزند و در نتیجه جانم به خطر افتد. حضرت فرمود: انگشتری که نگین آن حدید چینی باشد تهیه کن و بر روی نگین آن سه جمله در سه سطر حک کن: در سطر اول «أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ» و در سطر دوم «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ» و در سطر سوم «أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ» و در زیر نگین نیز سه جمله به ترتیب زیر حک کن: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَكُتِبَ»، «أَنْتِ وَاثِقٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا» و آن را هنگامی که حاجتی

1- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 34 و 35.

ص: 116

داری و از دشمن ترسان هستی در دست کن که حاجات تو برآورده و ترس تو به آرامش و امنیت تبدیل می شود. و اگر آن انگشتر را در دست زنی که زایمان بر او سخت شده کنید، به خواست خدا به زودی وضع حمل می کند. همچنین اثر چشم زخم را از بین می برد. اما مراقب باش که نجاست و چربی به نگین آن نرسد و آن را همراه خود به حمام و حاجتگاه نبر و آن را به خوبی حفظ کن که از اسرار خداست. و شما شیعیان که از دشمنان خود ترسان هستید لازم است همراه این انگشتر را همراه داشته باشید و آن را از دشمنان خود پنهان سازید و آن را جز به کسانی که به آنها اعتماد دارید تعلیم ندهید». راوی می گوید: من تجربه کردم و آثار آن را دیدم. (1)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که شب را به صبح برساند در حالی که انگشتر عقیق در دست راست داشته باشد و پیش از آنکه نگاهش به کسی بیفتد نگین آن را به سمت کف دست بچرخاند و در حالی که به آن نگاه می کند سوره قدر را تا آخر بخواند، سپس بگوید: «أَمَّنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَأَمَّنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلائِقِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوْلِيهِمْ وَأَخْرِهِمْ» (2) خداوند دو جهان او را از شر آنچه در زمین

وآسمان است در آن روز نگه می دارد و تا شب در حمایت پروردگار باشد». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آیه ای از قرآن بر نگین انگشتر خود حک کند آمرزیده می شود». (4)

1- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 37 و 38.

2- ترجمه: «به خداوند یگانه ای که همتا ندارد ایمان آوردم و به جبت و طاغوت کافر شدم و به پنهان و آشکار آل محمد و ظاهر و باطنشان و اول و آخرشان ایمان آوردم».

3- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 39؛ عدّه الدّاعی، ص 118.

4- مکارم الأخلاق، ص 91.

ص: 117

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که انگشتری از عقیق بسازد و جمله «مُحَمَّدٌ نَبِيُّ اللَّهِ وَعَلَيٌّْ وَكَوَلِيُّ اللَّهِ» را بر نگین آن حک کند، خداوند او را از مرگ بد حفظ می کند و جز بر دین حق نمی میرد». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که جمله «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» را بر نگین انگشترش حک کند از فقر در امان خواهد بود». (2)

پوشیدن طلا ونقره برای زنان وکودکان

زیور کودکان

1. در روایتی معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بر پسران نابالغ زیور وطلا پوشاند؟ حضرت فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام زنان وکودکان (دختر) خویش را به زیور طلا ونقره سفارش می کرد». (3)

2. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق در پاسخ به این پرسش فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام به زنان وفرزندان (دختر) خویش اجازه می داد از زیور طلا ونقره استفاده کنند». (4)

زیور زنان

1. نیز در روایتی معتبر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا زنان می توانند زیورآلات طلا ونقره بپوشند؟ حضرت فرمود: «اشکال ندارد». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 208، ح 8.

2- ثواب الأعمال، ص 214، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 475، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 475، ح 2؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 163، ح 584.

5- کافی، ج 6، ص 475، ح 3.

ص:118

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنان همواره زیور (طلا) می پوشیده اند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست زن بدون زینت باشد، هر چند به گردنبندی (ساده) که بر گردن بیاویزد. وشایسته نیست دستش بدون رنگ باشد». (2)

آراستن دیگر چیزها با طلا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «زینت کردن قرآن ها وشمشیرها به طلا ونقره، اشکال ندارد». (3)

2. نیز در روایتی معتبر آمده است: «جایز است دندان ها را با طلا به یکدیگر ببندند». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام در وصف شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سر غلاف شمشیر آن حضرت ودسته اش از نقره بود. وبر روی غلاف، حلقه هایی از نقره وجود داشت. وزره آن حضرت سه حلقه نقره از جلو ودو حلقه در قسمت پشت سر داشت». (5)

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ذوالفقار را که جبرئیل از آسمان برای رسول خدا آورد، با نقره تزیین شده بود». (6)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «زینت کردن شمشیر با

1- کافی، ج 6، ص 475، ح 8.

2- مکارم الأخلاق، ص 94.

3- کافی، ج 6، ص 475، ح 7.

4- مکارم الأخلاق، ص 95.

5- کافی، ج 6، ص 475، ح 4

6- کافی، ج 1، ص 234، ح 5؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 50، ح 195.

ص: 119

طلا ونقره، اشکال ندارد». (1)

6. در روایتی دیگر فرمود: «زیور شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، هم دسته اش وهم سر دسته اش». (2)

7. در حدیثی معتبر آمده است که فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در خانه می توان کرسی ای که با طلا زینت شده، نگه داشت؟ حضرت فرمود: «اگر از طلا باشد جایز نیست، اما چنانچه آب طلا داده باشند اشکال ندارد». (3)

(یادآوری: سزاوار است مردان مطلقاً از طلا برای زینت استفاده نکنند؛ هر چند در شمشیر وقرآن باشد (وآنچه در بالا آمد مسأله جواز بود، نه استحباب).

آداب سرمه کشیدن

اهمیت سرمه کشیدن

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد، باید سرمه بکشد». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام میل وسرمه دانی به من داد وفرمود: این (یادگاری) از امام کاظم علیه السلام است، با آن سرمه بکش». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن در شب برای چشم سودمند و در روز زینت است». (6)

1- کافی، ج 6، ص 475، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 475، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 476، ح 10.

4- ثواب الأعمال، ص 40، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 46.

5- کافی، ج 6، ص 494، ح 2.

6- کافی، ج 6، ص 494، ح 3.

ص:120

4. و در حدیثی دیگر فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه سنگ به چشم می کشید و در وقت خواب به پشت می خوابید». (1)

5. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواب، سرمه می کشید؛ چهار میل بر چشم راست و سه میل بر چشم چپ. (2)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که سرمه می کشد تعداد سرمه کشیدن را فرد قرار دهد؛ هر چند این کار واجب نیست». (3)

1. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه بخواهی سرمه بکشی میل را به دست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بسم الله بگو و هنگامی که میل را بر چشم می کشی بگو: اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصْرِي وَأَجْعَلْ فِيهِ نُورًا أَبْصُرُ بِهِ حَقَّكَ وَأَهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَأَرْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي. (4)

2. در کتاب مکارم الأخلاق خواندن این دعا به هنگام سرمه کشیدن روایت شده است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. (5)

1- کافی، ج 6، ص 493، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 495، ح 12.

3- کافی، ج 6، ص 494، ح 9.

4- ترجمه: «بار خدایا، دیده ام را روشن گردان و در آن نوری قرار ده که به حق تو بینا باشم و مرا به راه حقرهنمون ساز و به راه راست ارشاد کن. بار خدایا، دنیا و آخرتم را بر من روشن فرما». فقه الرضا، ص 397.

5- ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که در دیده ام روشنایی و در دین ام بینایی و در دلم یقین و در کارم اخلاص و در بدنم سلامتی و به روزی ام وسعت بخشی و تا وقتی زنده ام توفیق سپاسگزاری عنایت فرمایی». مکارم الأخلاق، ص 47.

ص: 121

آثار و فواید سرمه کشیدن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز سیمای انسان را نورانی می کند: نگاه کردن به چهره انسان های خوش چهره، نگاه کردن به آب جاری، نگاه کردن به سبزه زار و سرمه کشیدن به هنگام خواب». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «سرمه کشیدن به هنگام خواب، از آب آوردن چشم جلوگیری می کند». (2)

3. ودر گفته ای دیگر فرمود: «هر که هر شب از سرمه سنگ بدون مُشک استفاده کند، هرگز چشمش آب سیاه نمی آورد». (3)

در روایتی معتبر آمده است که سرمه کشیدن دهان را شیرین می کند. (4)

4. در روایتی معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «استفاده از سرمه سنگ، دهان را خوشبو و مزگان را محکم می کند». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن، موی

مزگان را می رویاند و بینایی را قوی می کند و بر طولانی شدن سجده کمک می نماید». (6)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «سرمه سنگ چشم را جلا می دهد و موی مژه را می رویاند و آب ریختن چشم را شفا می دهد». (7)

1- خصال، ج 1، ص 221، ح 73؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 94، ح 2.

2- ثواب الأعمال، ص 40، ح 3، مکارم الأخلاق، ص 46.

3- کافی، ج 6، ص 494، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 494، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 46.

5- کافی، ج 6، ص 494، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 494، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 494، ح 7.

ص:122

آداب نگاه کردن در آئینه

اهمیت و فواید نگاه کردن در آئینه

1. در حدیثی معتبر آمده که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است : «خداوند عالمیان بهشت را واجب می کند بر جوانی که بسی در آئینه نگاه کند و حمد (وشکر) خدا بسیار گوید. و (نیز) بر کسی که خداوند او را به صورت نیکو آفرید و او را معیوب نگردانید». (1)

2. در برخی روایات آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را در آئینه نگاه می کرد و بر موی سر و صورتش شانه می زد. و خویش را برای هنگام روبه رو شدن با اصحاب یا همسرانش می آراست و می فرمود: «خداوند دوست می دارد بنده اش هنگام ملاقات با برادران مؤمن، خود را بیاراید». (2)

دعاهای هنگام نگاه کردن در آئینه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه در آئینه نگاه کنی بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ فَاحْسَنَ خَلْقِیْ وَصَوَّرَنِیْ فَاحْسَنَ صُوْرَتِیْ وَزَانَ مَنِّیْ مَا شَانَ مِنْ غَیْرِیْ وَاكْرَمَنِیْ بِالْاِسْلَامِ». (3)

2. در کتاب فقه الرضا آمده است که: «هرگاه بخواهی در آئینه نگاه کنی، آئینه را به دست چپ بگیر و بسم الله بگو و هنگامی که در آن نگاه کردی دست راست را بر پیش سر بگذار و بر صورت بکش و محاسن خود را به دست راست بگیر و در آئینه نگاه کن و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ بِشَرِّ اَسْوِیَّآ وَزَیَّنَنِیْ وَلَمْ یَشِئْنِیْ

1- ثواب الأعمال، ص 44، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 34.

3- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا آفرید و چهره ای زیبا و خلقتی نیکو به من بخشید و آنچه را که در دیگران زشت است در من نیکو گردانید و مرا به نعمت اسلام گرامی داشت». مکارم الأخلاق، ص 69 به نقل از امام صادق علیه السلام.

ص: 123

وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ خَلْقِهِ وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ وَرَضِيَهُ لِي دِينًا (1) ، سپس آئینه را

بر زمین بگذار و بگو: اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَّا مِنْ نِعْمِكَ وَاجْعَلْنَا لِإِنْعَامِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَاللَّائِكَةَ مِنَ الذَّاكِرِينَ». (2)

3. در حدیث دیگری آمده است: «آئینه را به دست چپ بگیر و هنگامی که چهره ات را در آن دیدی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَأَكْمَلَ خَلْقِي وَحَسَّنَ خُلُقِي وَخَلَقَنِي خُلُقًا سَوِيًّا وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي زَيَّنَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خُلُقِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خُلُقِي وَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَزَيِّنِي فِي عِيُونِ خَلْقِكَ وَجَمِّلْنِي فِي عِيُونِ بَرِيَّتِكَ وَارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (3)

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا علی، هرگاه در آئینه نظر کنی بگو: اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي وَرِزْقِي». (4)

1- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا بشری سالم و کامل آفرید و مرا آراسته ساخت و خوارنگردانید و بر بسیاری از مخلوقاتش برتری داد و به (گرویدنم به) اسلام بر من منت نهاد و خشنود شد که باسلام دین من باشد».

2- ترجمه: «بار خدایا، نعمت هایی را که بر ما ارزانی داشتی تغییر نده و ما را نسبت به نعمت هایت از شکرگزارانویادکنندگان قرار ده». فقه الرضا، ص 395؛ مکارم الأخلاق، ص 69.

3- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که مرا نیکو و کامل آفرید و اخلاق مرا خوب و نیکو گرداند و مرا مخلوقی سالم و کامل آفرید و ستمکار و بدبخت قرارم نداد و عیوبی که در بعضی مردم است در من قرار نداد. بار خدایا، همچنان که آفرینش مرا نیکو گردانیدی بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله درود بفرست و اخلاق مرا نیز نیکو گردان و نعمتت را بر من تمام کن و مرا در چشم مردم نیکو (وبا آبرو) گردان و در دیدگاه دیگران مرا زیبا قرار ده و پذیرش و هیبت و مهربانی و رحمت را روزی ام گردان، ای مهربان ترین مهربانان». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 24.

4- ترجمه: «بار خدایا، همان گونه که آفرینش مرا نیکو قرار دادی، اخلاق و روزی ام را نیکو گردان». مکارم الأخلاق، ص 69.

ص:124

رنگ کردن موها

اشاره

(مقدمه:) رنگ کردن موی سر و صورت برای مردان و موی سر برای زنان، مستحب مؤکد است. (به روایات زیر توجه کنید:)

اهمیت رنگ کردن با حنا

1. در احادیثی معتبر آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهار چیز از سنت های پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن، رنگ کردن با حنا». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رنگ کردن موی سر و صورت مستحب است؟ حضرت فرمود: «آری، (ولی) حضرت امیرمؤمنان علیه السلام خضاب نمی کرد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: یا علی، محاسن تو از خون سر تو خضاب خواهد شد. پس حضرت علی در انتظار آن خضاب بود». (2)

3. در حدیث است که حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام خضاب می کردند. (3)

4. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام در مورد علت ترک خضاب کردن چنین فرمود: «به خاطر اندوه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله خضاب نمی کنم». (4)

5. ابوالصباح می گوید: اثر حنا را در دست امام محمد باقر علیه السلام دیدم. (5)

6. در روایات بسیاری آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله موهای خود را

رنگ می کرد. (6)

1- خصال، ج 1، ص 224، ح 84؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 127، ح 9.

2- کافی، ج 6، ص 481، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 481، ح 7-9.

4- نهج البلاغه، کوتاه سخن 473.

5- مکارم الأخلاق، ص 80.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 69، ح 277؛ علل الشرایع، ج 1، ص 173، باب 138، ح 1.

ص: 125

فواید و آثار رنگ کردن

1. در حدیثی می خوانیم: «خضاب کردن چهارده اثر دارد: باد را از گوش ها بیرون می کند، غبار از چشم برطرف ساخته و آن را جلا می دهد، بینی را نرم می کند، دهان را خوشبو می سازد، ریشه دندان ها را محکم می کند، بوی بد زیر بغل را

از بین می برد، از وسوسه شیطان می کاهد، ملائکه با آن شاد می شوند، سبب شادی مؤمنان و خشم کافران می شود، هم زینت محسوب می شود و هم بوی خوش است، موجب خلاصی از عذاب قبر می شود، نکیر و منکر از آن

شرم می کنند». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مداوای ترک هایی که گاه در دست و پا پیدا می شود، در حمام بر آنها خلوق بمالید؛ اما دوست ندارم که همیشه این کار انجام شود». (2)

«خلوق» گیاهی است خوشبو که آن را با زعفران می آمیزند و رنگ آن بر بدن باقی می ماند.

فلسفه رنگ کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید خود را رنگ کنید و شبیه دشمنان نشوید». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که جمعی خدمت امام حسین علیه السلام رسیدند دیدند حضرت موهایش را رنگ مشکی کرده است. از علت آن پرسیدند. حضرت دست بر محاسن خویش نهاد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از

1- خصال، ج 2، ص 270، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 78.

2- کافی، ج 6، ص 517، ح 2.

3- خصال، ج 2، ص 271، ادامه ح 1؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 98، ح 3.

جنگ ها به مسلمان ها دستور داد که موهایشان را رنگ مشکی کنند، تا سبب غلبه آنها بر دشمنان شود». (1)

3. در حدیث است که حسن بن جهم می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، حضرت محاسن (ریش) خود را رنگ مشکی کرده بود. حضرت فرمود: «خضاب کردن پاداشی عظیم دارد. و آراستگی موجب بیشتر شدن عفت زنان می شود. و علت اینکه جمعی از زنان به بی عفتی گرایش پیدا کرده اند این است که شوهرانشان خود را برای همسرانشان نمی آراستند».

حسن بن جهم می گوید عرض کردم: شنیده ام که حنا بر موی های سفید می افزاید. حضرت فرمود: «موی سفید خود (به طور طبیعی) زیاد می شود، هر چند حنا نکنید». (2)

4. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید حضرت نگاهی به چهره اش کرد، موی سفیدی در محاسن او دید. فرمود: «هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او پیدا شود، بسان نوری در روز قیامت برای وی باشد». آن شخص پس از مدتی در حالی که موی صورت خود را خضاب کرده بود خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمود: «هم نور است وهم اسلام». آن شخص از خدمت حضرت مرخص شد و محاسن خود را به رنگ دیگری خضاب کرد و بازگشت. حضرت فرمود: «نور است و اسلام و ایمان و این کار، شما را نزد زنانتان محبوب می کند و ترس را در دل دشمنانتان می افکند». (3)

1- کافی، ج 6، ص 481، ح 4. از آنجا که در آن زمان تعداد مسلمانان کم بود، دستور داده شد موهایشان را رنگ کنند تا جوان به نظر برسند و در برابر دشمن، باشکوه جلوه کنند.

2- کافی، ج 6، ص 480، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 69، ح 276.

3- کافی، ج 6، ص 480، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 79.

چگونگی و آثار رنگ کردن

(مقدمه): در روایات اسلامی اقسام خضاب کردن و آثار آن بیان شده و بر رنگ های نیلی، قرمز، مشکی و خصوص حنا بیشتر تأکید شده است، و به برخی از آثار خضاب در ضمن روایاتی که خواهد آمد اشاره شده است.

1. در حدیثی معتبر و صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «رنگ کردن به وسمه (1) برای سالخوردگان اشکال ندارد». (2)

2. در چند روایت معتبر آمده است که به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام، آثار خضاب به وسمه در محاسن آن حضرت آشکار بود. (3)

3. در روایتی معتبر و صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام با حنا خضاب می کرد؛ خضاب به رنگ سرخ. (4)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خضاب به حنا بوهای بد را

از بین می برد و بر آبرو می افزاید و دهان را خوشبو می سازد و فرزند را نیکو می کند». (5)

5. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی که حیض نمی شود، سرش را به حنا خضاب کند که حیضش برخواهد گشت». (6)

6. در حدیث آمده است که امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام با ترکیبی از حنا و وسمه خضاب می کردند. (7)

1- «وَسْمَه»، برگ نیل یا رنگی شبیه نیل است که زنان در آب خیسانده و به ابروانشان می کشند. فرهنگ عمید

2- کافی، ج 6، ص 482، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 483، ح 5 و 6.

4- کافی، ج 6، ص 481، ح 10.

5- کافی، ج 6، ص 484، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 78.

6- کافی، ج 6، ص 484، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 481، ح 9.

ص: 128

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین رنگ ها نزد خداوند، مشکی است». (1)

8. امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به زنان اجازه داد موهای سرشان را با رنگ مشکی رنگ کنند. (2)

شایان ذکر است که میان علما مشهور این است که رنگ کردن در حال عادت ماهیانه (3) و جنابت (4) کراهت دارد، همان گونه که در حال خضاب کردن، جنب

شدن مکروه است. (5) البتّه از برخی روایات معتبر استفاده می شود هرگاه حنا اثر

خود را گذاشت، کراهت جنابت برطرف می گردد. (6)

1- ثواب الأعمال، ص 37، ح 2.

2- مکارم الأخلاق، ص 82.

3- مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ج 3، ص 262.

- 4- جواهر الکلام، ج 3، ص 77.
- 5- جواهر الکلام، ج 3، ص 78.
- 6- وسائل الشیعه، ج 1، ابواب الجنابه، باب 22، ح 4.

ص:129

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن

اشاره

1. ظرف خوردن و آشامیدن

2. غذاهای مجاز و افراط در غذا

3. پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن

4. سایر آداب غذا خوردن

5. دعای سفره و آثار آن

6. آداب پس از غذا خوردن

7. در فضیلت برخی غذاها

8. سبزی ها و میوه ها و دیگر خوراکی ها

9. فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن

10. فضیلت خلال کردن و آداب آن

11. فضیلت نوشیدن آب و انواع آن

12. آداب خوردن آب

ظرف خوردن و آشامیدن

(مقدمه:) خوردن و آشامیدن در ظرف طلا و نقره حرام است. و در مورد استفاده از چنین ظروفی در غیر خوردن و آشامیدن اختلاف نظر وجود دارد و احتیاط آن است که برای تزیین نیز نگهداری نشود. وضو گرفتن از ظروف طلا و نقره حرام است. و خوردن و آشامیدن از ظروف نقره کوب و طلا کوب کراهت دارد. استفاده از ظرفی که از پوست حیوان حلال گوشت که به روش شرعی ذبح شده، اشکال ندارد، اما اگر از پوست حیوان مرده باشد جایز نیست. (به روایاتی در این باره توجه کنید:)

1. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بنوشد، در بهشت از این ظروف محروم خواهد شد». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا علیه السلام درباره استفاده از ظروف طلا و نقره پرسید. حضرت فرمود: «کراهت دارد». راوی عرض کرد: شنیده ایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آئینه ای داشت که پوشش آن از نقره بود. امام فرمود: «خدا را سپاس، نه چنین نیست. آن آئینه اکنون نزد من است و تنها حلقه ای از نقره بر آن است». سپس اضافه فرمود: «هنگامی که عباس را ختنه کردند برایش عصایی ساختند که پوشش آن از نقره بود، از قبیل چیزهایی

1- خصال، ج 2، ص 93، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 527، ح 4.

ص:132

که برای کودکان می سازند که نقره آن در حدود ده درهم بود. چون پدرم آن را دید دستور داد آن را شکستند». (1)

3. عمرو بن ابی المقدام می گوید: ظرفی آب خدمت امام صادق آوردند که نقره ای بر آن چسبانده بودند. آن حضرت تگّه نقره را از ظرف جدا کرد، سپس آب نوشید. (2)

4. در حدیثی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «ظروف طلا و نقره کالای کسانی است که به جهان آخرت یقین ندارند». (3)

5. در حدیثی موثق از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا قسمتی از آن نقره باشد کراهت دارد. روغن مالیدن از چنین روغن دانی و شانه کردن با چنین شانه ای نیز مکروه است». (4)

غذاهای مجاز و افراط در غذا

اشاره

(مقدمه:) از احادیث و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که خوردن غذاهای لذیذ و خوراندن آن به مردم و به زحمت افتادن در پاکیزگی و خوبی غذا شایسته است. و سزاوار نیست انسان غذاهای لذیذ را بر خود حرام کند. البته بی شک، غذا باید حلال باشد و آن قدر نخورد که او را از عبادت و پرستش پروردگار بازدارد و نباید همانند حیوانات، پیوسته برای خوردن و آشامیدن بکوشد، بلکه باید هدفش از خوردن و آشامیدن، آمادگی برای اطاعت خداوند باشد و به گونه ای خرج کند که نسبت به شأن و جایگاه وی اسراف محسوب نشود که خداوند اسرافکاران را دوست نمی دارد. (به روایات زیر توجه کنید:)

1- محاسن، ص 582، ح 67؛ کافی، ج 6، ص 267، ح 2.

2- محاسن، ص 582، ح 64؛ کافی، ج 6، ص 267، ح 6.

3- محاسن، ص 582، ح 62؛ کافی، ج 6، ص 268، ح 7.

4- محاسن، ص 582، ح 66؛ کافی، ج 6، ص 267، ح 5.

ص:133

شریک کردن دیگران در غذای خود

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام بسی نان و غذای لذیذ

به مردم می داد تا بخورند و می فرمود: «هرگاه خداوند بر ما توسعه دهد وامکانات ما را وسیع گرداند، ما نیز بر مردم توسعه می دهیم. و چون خداوند بر ما تنگ

گیرد وامکانات محدود شود، ما نیز (به ناچار) دایره کمک به مردم را

محدود می کنیم». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «غذا را طبخ کن و یارانت را دعوت نما و با آنها بخور». (2)

از غذای حلال نمی پرسند

1. نیز در روایتی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «سه چیز است که خداوند متعال در قیامت مؤمن را در مورد آن بازخواست نمی کند: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، همسر شایسته ای که یاور اوست و او را از آلودگی ها بازمی دارد». (3)

2. در حدیث است که ابو خالد کابلی می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. حضرت دستور داد صبحانه آوردند. با حضرت غذایی خوردم که پاکیزه تر و بهتر از آن نخورده بودم. حضرت فرمود: «نظر تو در مورد غذای ما چیست؟» عرض کردم جانم به فدایت، هرگز غذایی به این خوبی نخورده بودم لیکن به یاد این آیه شریفه افتادم که می فرماید: (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ): «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». (4) حضرت فرمود:

1- محاسن، ص 400، ح 84؛ کافی، ج 6، ص 279، ح 1.

2- محاسن، ص 410، ح 137؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 6.

3- محاسن، ص 399، ح 80؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 2.

4- سوره تکوین، آیه 8.

ص: 134

«منظور از نعیم در آیه شریفه، ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در روز قیامت از شما می پرسند». (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال کریم تر از آن است که از مؤمن در مورد خوردنی ها و نوشیدنی هایی که در دنیا بر او حلال کرده سؤال کند». (2)

غذا خوردن در حال سیری

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا خوردن در حال سیری، عامل بیماری پیسی (برص) است». (3)
 2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند صاحب سه چیز را دشمن می دارد: خواب (بسیار) بدون شب زنده داری، خندیدن در غیر محل تعجب، خوردن به هنگام سیری». (4)
 3. در حدیث است که ابوجحیفه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید در حالی که از سیری، آروغ می زد. حضرت فرمود: «از آروغ زدن بپرهیز (کمتر بخور تا آروغ نزنی)، زیرا هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است». پس از این فرمایش رسول خدا، ابوجحیفه سیر غذا نخورد تا از دنیا رفت. (5)
 4. در روایتی آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ چیز را همچون شکم پر از غذا، دشمن نمی دارد». (6)
- 1- محاسن، ص 399، ح 82؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 5.
 - 2- محاسن، ص 399، ح 81؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 3.
 - 3- خصال، ج 1، ص 245، ح 8؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 334، ح 16.
 - 4- خصال، ج 1، ص 114، ح 21؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 332، ح 9.
 - 5- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 38، ح 113.
 - 6- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 36، ح 89.
- ص:135
5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شکم سیر شود، موجب طغیان و فساد می گردد». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «ریشه هر درد و بیماری پرخوری است، جز تب که ناگهانی ظاهر می شود». (2)

7. در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «ای بنی اسرائیل، تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و چون گرسنه شدید سیر نخورید، زیرا هرگاه سیر بخورید فربه می شوید و پروردگارتان را به دست فراموشی می سپارید». (3)

8. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پنج کار را موجب بیماری برص و پیسی برشمرده است: «نوره کشیدن در روزهای جمعه و چهارشنبه، وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد، خوردن در حال جنابت، آمیزش با زوجه حائض، غذا خوردن در حال سیری». (4)

9. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند هیچ چیز را مانند شکم پر از غذا دشمن نمی دارد». (5)

کم خوری و سلامت تن

1. از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسید که مرد وزنی با هم درگیر بودند و فریاد می کشیدند. جویای سبب آن شد. مرد گفت: این همسرم وزنی شایسته است و هیچ عیبی ندارد، اما او را دوست ندارم و می خواهم طلاقش دهم. حضرت پرسید: چرا؟

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 225، ح 1052.

2- محاسن، ص 447، ح 341؛ کافی، ج 6، ص 269، ح 8.

3- محاسن، ص 447، ح 342.

4- خصال، ج 1، ص 245، ح 8.

5- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 36، ح 89.

عرض کرد: چون صورتش طراوت ندارد، با آنکه پیر نشده است. حضرت عیسی رو به آن زن فرمود: می خواهی طراوت صورت تو بازگردد؟ زن گفت : آری. حضرت فرمود: شکم را از غذا پر نکن، زیرا طعام بسیار، آب صورت را از بین می برد و چهره را بی طراوت می سازد. آن زن به دستور حضرت عیسی عمل کرد و طراوت چهره اش بازگشت و محبوب شوهرش شد». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم در غذا خوردن زیاده روی نکنند بلکه میانه رو باشند، همیشه بدنشان سالم خواهد بود». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کفران نعمت الهی است اینکه کسی بگوید: فلان غذا را خوردم مرا آزار داد» (شاید این زیان بر اثر زیاده روی در خوردن غذا بوده نه خود غذا). (3)

4. در حدیث است که روزی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر و عسل آوردند. حضرت اندکی از آن تناول کرد و باقی را بر زمین نهاد. پرسیدند: ای رسول خدا، آیا خوردن این غذا حرام است؟ فرمود: «نه، اما برای رضای خدا فروتنی می کنم (و کم می خورم)». (4)

5. در حدیث است که پالوده خوشبویی نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند. حضرت از آن اندکی خورد، سپس فرمود: «خوردن آن حرام نیست، اما نمی خواهم خود را به چیزی که به آن عادت نکرده ام، عادت دهم».

و در روایتی دیگر فرمود: «خوردن آن حرام نیست، ولی هرگز چیزی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخورده، نمی خورم». (5)

1- علل الشرایع، ج 2، ص 497، باب 252، ح 1.

2- محاسن، ص 439، ح 296.

3- محاسن، ص 450، ح 362.

4- محاسن، ص 409، ح 133؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 114، ح 384.

5- محاسن، ص 409، ح 134.

ص: 137

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان برای کسب نیرو و تجدید قوا ناگزیر است غذا بخورد، ولی لازم است بخشی از شکم را به غذا و بخشی دیگر را به آب اختصاص دهد و بخش سوم را برای تنفس، خالی بگذارد. و برای فریه کردن خود نکوشید چنانکه حیوانات را برای کشتن،

فریه می کنند». (1)

کمترین اسراف در غذا خوردن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سرکه نان خورش خوبی است. و کمترین اسراف آن است غذایی را که نزد انسان می آورند (با بی اعتنایی) نخورد». (2)

پاره ای از آداب و اوقات غذا خوردن

اشاره

(مقدمه:) مستحب است صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد و ناهار نخورد و پس از نماز خفتن (نماز عشا)، بار دیگر غذا بخورد. و نیز مستحب است لقمه کوچک بگیرد و آن را خوب بجود و هنگام غذا خوردن، به چهره هم سفره ای ها نگاه نکند و غذای بسیار داغ نخورد و در غذای داغ فوت نکند، بلکه صبر کند تا سرد شود سپس آن را تناول کند. و نان را با کارد نبرد و استخوان را (کاملاً) پاک نکند و با کمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از غذایی که جلوی دیگران است نخورد. خوردن و

نوشیدن در حال جنابت کراهت دارد، ولی اگر پیش از آن وضو بگیرد، یا دست هایش را بشوید و مضمضه و استنشاق کند، یا دست و صورتش را بشوید و مضمضه کند، یا دست هایش را بشوید و مضمضه کند، کراهتش

1- محاسن، ص 440، ح 298؛ کافی، ج 6، ص 269، ح 9.

2- محاسن، ص 441، ح 303.

ص:138

برطرف می شود. فلسفه این حکم، مطابق آنچه در حدیث آمده، این است که : «اگر در حال جنابت چیزی بخورد بی آنکه یکی از اعمال مزبور را انجام دهد، بیم آن می رود که مبتلا به بیماری برص شود». (1) (به روایات زیر توجه فرمایید):

وعده های غذایی

1. در روایتی معتبر آمده است که کسی از درد سوء هاضمه به سبب پر بودن معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «صبح و شام غذا بخور و در میان آنها چیز دیگری نخور، زیرا خداوند دو جهان در وصف غذای بهشتیان می فرماید: (وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا): وهر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است. (2) « (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پیامبران غذای آخر روز را پس از نماز عشا می خوردند؛ پس غذا خوردن در آن وقت را ترک نکنید که ترک آن موجب بیماری تن می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شام نخوردن انسان را پیر می کند». (5)

4. نیز در گفتاری فرمود: «چون انسان پیر شد لازم است پیش از خواب شبانه چیزی بخورد که با این کار، بهتر خواب می رود و دهانش خوشبو یا خلّش

نیکو می شود». (6)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای شب را ترک نکنید، هر

1- کافی، ج 3، ص 51، ح 12؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ج 1، ص 46، باب 19.

2- سوره مریم، آیه 61.

3- محاسن، ص 42، ح 196؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 288، ح 1؛ خصال، ج 2، ص 411، ح 132.

5- کافی ج 6، ص 288 ح 3؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 142، ح 505.

6- محاسن، ص 422، ح 208؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 4.

ص: 139

چند به پاره نان خشکی باشد، که موجب قوت بدن و نیروی آمیزش می شود». (1)

6. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در بدن رگی است به نام عشا، هر که در شب چیزی نخورد آن رگ او را تا صبح نفرین می کند و می گوید : خداوند تو را گرسنه و تشنه بدارد که مرا تا صبح گرسنه و تشنه نگاه داشتی؛ پس غذای شب را ترک نکنید، هر چند به لقمه نان ولیوانی آب باشد». (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته نیست مؤمن از خانه بیرون رود، مگر آنکه صبحانه خورده باشد که این کار بر قدرتش می افزاید». (3)

غذای داغ نخورید

1. از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای گرم را بگذارید تا سرد شود (سپس آن را بخورید) زیرا غذایی گرم برای رسول خدا آوردند، حضرت فرمود: بگذارید تا سرد شود که خداوند، آتش را غذای ما قرار نداده و برکت در غذای سرد است». (4)
2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای داغ برکت ندارد و شیطان در آن بهره و نصیبی دارد». (5)
3. در حدیثی معتبر آمده است که سلیمان خالد می گوید: در یکی از شب های تابستان بر سر سفره امام جعفر صادق علیه السلام حاضر شدم. سفره گسترده بودند، مقداری

1- محاسن، ص 423، ح 211؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 5.

2- محاسن، ص 423، ح 12.

3- محاسن، ص 397، ح 72.

4- کافی، ج 6، ص 321، باب الطعام الحار، ح 1؛ خصال، ج 2، ص 403، ح 48.

5- محاسن، ص 406، ح 117.

ص: 140

نان و کاسه ای آبگوشت آوردند که در آن نان و گوشت بود. حضرت دست بر کاسه برد و برداشت، سپس فرمود: «امان می طلبیم از خدا از آتش جهنم، پناه می برم به خدا از آتش جهنم، خدایا تاب حرارت و گرمای این غذا را نداریم و بر آن صبر نمی توانیم کرد، چگونه بر آتش جهنم تاب آوریم و صبر کنیم؟» حضرت این جملات را چندان تکرار کرد که غذا سرد و آماده خوردن شد، سپس غذا را تناول فرمود و ما هم غذایمان را خوردیم». (1)

در غذا فوت نکنید

1. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دمیدن در خوردنی ها و آشامیدنی ها نهی کرد. (2)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام سه نوع دمیدن را مکروه شمرده است: «دمیدن در گره ها برای افسون کردن، دمیدن در غذا، دمیدن در محلّ سجده». (3)

3. در حدیثی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «فوت کردن غذای داغ اشکال ندارد». این روایت مربوط به حال ضرورت وزمانی است که شخص عجله دارد. (4)

از جلوی خود شروع به خوردن کنید

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از بالای غذا شروع نکنید، بلکه از کناره غذا (قسمتی که در جلوی شماست) آغاز کنید که برکت غذا

1- محاسن، ص 407، ح 122؛ کافی، ج 6، ص 322، ح 5.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 427.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 198؛ خصال، ج 1، ص 163، ح 175.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 518، باب 29، ح 1.

ص: 141

در بالای طعام است» (وبا خوردن بالای طعام در ابتدای کار، برکت را از سفره نبرید). (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید غذا بخورید از جلوی خود شروع به خوردن کنید». (2)

روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

1. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت به هنگام غذا خوردن دوزانو نشسته و یک دست بر زمین گذاشته و با دست دیگر و با سه انگشت، غذا تناول می کرد و می فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین غذا تناول می کردند، نه با دو انگشت که روش متکبران و جباران است». (3)

2. در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت به هنگام صرف غذا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ می گفت و از پیش دیگران چیزی بر نمی داشت و پیش از میهمانان شروع به خوردن نمی کرد و با سه انگشت و گاه چهار انگشت و گاه با تمام انگشتان غذا می خورد و هرگز با دو انگشت غذا نمی خورد و می فرمود: «با دو انگشت غذا خوردن، روش غذا خوردن شیطان است». (4)

بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بخواهد غذا زیانی به او نزند چهار کار کند: تا گرسنه نشده و معده اش پاک نگشته

1- محاسن، ص 403، ح 101؛ کافی ج 6، ص 296، ح 1، و ص 318، ح 9.

2- محاسن، ص 448، ح 348؛ کافی، ج 6، ص 297، ح 3.

3- محاسن، ص 441، ح 307؛ کافی، ج 6، ص 297، ح 6.

4- مکارم الأخلاق، ص 28.

ص: 142

چیزی نخورد، هنگام شروع به غذا خوردن بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، غذا را خوب بجود، پیش از آنکه کاملاً سیر شود دست از غذا خوردن بکشد». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «دوست داری چهار مطلب به تو بیاموزم که اگر انجام دهی نیاز به طیب نداشتی؟ عرض کرد: آری ای امیر مؤمنان. فرمود: تا گرسنه نشدی بر سر سفره نشین، پیش از سیر شدن کامل برخیز، خوب جویدن غذا را فراموش نکن، پیش از خواب به حاجتگاه برو». (2)

سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن

1. از امام حسن علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر سر هر سفره ای دوازده ویژگی لازم است که مسلمان نباید از آن غافل باشد. چهار ویژگی آن بسیار مهم و چهار ویژگی دیگر آن مهم تر و چهارتای باقی مانده مهم است. اما چهار ویژگی بسیار مهم عبارتند از :

کسی که این نعمت ها را به وی داده بشناسد و بداند که از جانب پروردگار است، به آنچه خداوند به وی ارزانی داشته راضی باشد، در آغاز بسم الله بگوید و در پایان خدا را شکر کند.

ویژگی های مهم تر به شرح زیر است: پیش از غذا دستانش را بشوید، بر طرف چپ بنشیند، با سه انگشت غذا بخورد، (هرگاه با دست غذا می خورد) به طور کامل غذا را از دست ها بگیرد.

و چهار ویژگی دیگر عبارتند از: از پیش خود غذا بخورد، لقمه را کوچک بردارد، غذا را بسیار بجود، به صورت دیگران نگاه نکند». (3)

1- طبّ الائمه، ص 29.

2- خصال، ج 1، ص 215، ح 60؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 415، ح 15.

3- خصال، ج 2، ص 255، ح 12؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 413، ح 13.

ص:143

سایر آداب غذا خوردن

اشاره

(مقدمه:) مستحبّ است با دست راست غذا بخورد و دوزانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد، اما اگر به دست چپ تکیه کند اشکال ندارد. و چهار زانو نشستن به هنگام غذا خوردن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو بگذارد کراهت آن شدیدتر است. تنها غذا خوردن کراهت دارد و مستحبّ است با خدمتکاران و بر روی زمین غذا بخورد. غذا خوردن به هنگام راه رفتن کراهت دارد. و شستن دست پیش و پس از غذا سفارش شده است. غذا خوردن بر سفره ای که شراب در آن خورده اند حرام است، بلکه برخی معتقدند غذا خوردن بر سر سفره ای که در آن مجلس، گناه مرتکب شده نیز حرام است. حتی غذا خوردن بر سفره جمعی که غیبت مسلمانان را کرده اند حرام است. و مستحبّ است با نمک، غذای خود را آغاز کند و به پایان برساند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

تنها غذا خوردن

1. در روایتی معتبر آمده که امام موسی کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت سه کس را نفرین کرد: «کسی که تنها خور باشد، کسی که تنها سفر کند، کسی که در خانه تنها بخوابد». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذایی کامل است که چهار چیز در آن جمع باشد: از راه حلال تهیه شده باشد، دست های بسیاری در آن سفره برود (جمع فراوانی از آن غذا استفاده کنند)، در ابتدای آن نام خدا گفته شود و در پایان، حمد الهی گویند». (2)

1- محاسن، ج 398، ح 76؛ خصال، ج 1، 117، ح 34.

2- محاسن، ص 398، ح 74؛ کافی، ج 6، ص 273، ح 2.

ص:144

سهم نیازمندان از غذاها

1. در روایتی معتبر می خوانیم که هرگاه ظرف غذایی خدمت امام رضا علیه السلام می آوردند، دستور می داد یک ظرف خالی هم بیاورند واز هر یک از بهترین غذاها، مقداری در آن ظرف می ریخت و دستور می داد به مساکین و بیچارگان بدهند. (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «علّت ابتلای حضرت یعقوب علیه السلام به جدایی از فرزندش حضرت یوسف علیه السلام این بود که روزی گوسفندی چاق کشت و بریان کرد. مرد نیکوکار روزه داری در همسایگی آن حضرت بود و بوی آن غذا را استشمام کرد. حضرت یعقوب علیه السلام غافل شد و چیزی از آن غذا به وی نداد. جبرئیل همان شب بر حضرت نازل شد و گفت: آماده بلایی (در برابر این ترک اولی) از سوی خدا باش و در همان شب، حضرت یوسف علیه السلام آن خواب را دید (و پس از آن، داستان حضرت یوسف اتفاق افتاد). پس از این حادثه، حضرت یعقوب به هنگام صبحانه تا یک فرسخ راه اعلان می کرد که هر کس اشتهای به غذا دارد بر سر سفره یعقوب حاضر شود. و این کار را در شب هم تکرار می کرد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه سفره بگسترند، هر نیازمندی آمد او را دست خالی رد نکنید». (3)

موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ملعون است آن

1- محاسن، ص 392، ح 39.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 45، باب 41، ح 1.

3- محاسن، 423، ح 213.

ص:145

که بر سفره ای بنشیند که در آن شراب می نوشند (هر چند خودش ننوشد)». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، از سفره ای که بر آن شراب می نوشند غذا نمی خورد». (2)

3. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: از سفره ای که پس از رفتن تو بر آن شراب می نوشند غذا نخور. (3)

4. در چندین حدیث آمده است که خوردن در حال جنابت، سبب فقر و تنگدستی می شود. (4)

5. در روایات فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن و آشامیدن با دست چپ، جز در حال اضطرار، نهی کردند. (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که توانایی استفاده از دست راست خویش دارد مکروه است با دست چپ غذا بخورد، یا چیزی بیاشامد، یا چیزی بردارد». (6)

7. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حال راه رفتن چیزی نخور، مگر اینکه مجبور باشی».

(7)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «در حالی که تکیه کرده اید، یا به رو خوابیده اید، چیزی نخورید». (8)

1- محاسن، ص 584، ح 76؛ کافی، ج 6، ص 268، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 268، ح 2؛ تهذیب، ج 9، ص 113، ح 420.

3- فقه الرضا، ص 281.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 47، ح 178.

5- دعائم الاسلام، ج 2، ص 117، ح 399. از امام صادق علیه السلام.

6- محاسن، ص 358، ح 397؛ کافی، ج 6، ص 273، ح 2.

7- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 223، ح 1044؛ مکارم الأخلاق، ص 145.

8- کافی، ج 6، ص 271، ح ؛ محاسن، ص 458، ح 393.

ص:146

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن

1. در روایات معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که: «آن حضرت هرگز در حال تکیه بر پهلوی چپ یا راست، چیزی نمی خورد و به هنگام غذا خوردن، دوزانو نشسته و با فروتنی غذا می خورد». (1)

2. در حدیث است که روزی عباد بصری که از مشایخ متصوفه و علمای اهل سنت است در حضور امام صادق علیه السلام نشسته بود. حضرت در حالی که دست چپ خویش را بر زمین گذاشته بود غذا می خورد. عباد به عنوان اعتراض به حضرت گفت: مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده است؟ حضرت دست را برداشت و دوباره روی زمین گذاشت. دوباره عباد اعتراض کرد و امام همان کار را کرد و این سه بار تکرار شد. سپس حضرت فرمود: «والله رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از این کار نهی نکرد (آنچه از آن نهی شده، خوردن در حال خوابیدن بر پهلوی راست یا چپ است، همان گونه که روش برخی مستکبران است)». (2)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا، دستان مبارک را می شست، آب در دهان می کرد و مضمضه می فرمود». (3)

4. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از صبحانه، دست های خود را می شست و پیش از آنکه با حوله خشک کند به سر و صورت می مالید و می فرمود: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ لَا يُرْهَقُ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ». (4)

1- محاسن، 457، ح 390؛ کافی، ج 6، ص 270، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 271، ح 5.

3- تهذیب الاحکام، تحقیق غفّاری، ج 1، ص 350.

4- ترجمه: «پروردگارا، مرا از کسانی قرار ده که گرد تنگی و خواری بر چهره اش نمی نشیند». محاسن، ص 426، ح 234.

ص: 147

5. در روایتی دیگر در مورد چگونگی غذا خوردن رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هرگاه بر سر سفره می نشست از پیش خود غذا می خورد و همانند حالت تشهد نماز می نشست و می فرمود: من بنده ام، به روش بردگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم». (1)

6. در حدیثی دیگر آمده است: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از شستن دستان خویش پس از غذا فارغ می شد، دست بر صورت کشیده و این دعا را می خواند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا وَاطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ اَوْلَانَا». (2)

آداب غذا خوردن

شستن دست ها پیش از غذا خوردن

1. در روایات متعددی از امیر مؤمنان علی علیه السلام وائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده است که هر که بخواد خیر وبرکت خانه اش افزون شود، دست خود را پیش از غذا خوردن بشوید. (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن دست ها پیش از

غذا خوردن وپس از آن فقر را برطرف، روزی را بسیار، لباس انسان را پاکیزه ودردها را از بدن دور می کند وچشم را جلا می دهد». (4)

3. در حدیث است که مرازم از یاران امام کاظم علیه السلام می گوید دیدم که امام پیش از غذا خوردن دستانش را می شست وآن را با دستمال خشک نمی کرد، ولی پس

1- مکارم الأخلاق، ص 27.

2- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را هدایت کرد و به ما آب و غذا داد وهر نعمت خوبی را به ما بخشید». مکارم الأخلاق، ص 140؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 363، ح 38.

3- محاسن، 424، ح 217؛ کافی، ج 6، ص 290، ح 4.

4- محاسن، ص 424، ح 217؛ کافی، ج 6، ص 290، ح 2 و 3.

ص:148

از غذا خوردن دستانش را می شست وآن را با دستمال خشک می کرد». (1)

4. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دست ها را بشوی و آن را خشک نکن، زیرا تا زمانی که رطوبت آن موجود است برکت در غذا خواهد بود. (2) و پس از شستن دست ها آن را بر صورت مالیدن،

کَلْف (3) را از چهره برطرف می کند و بر روزی می افزاید». (4)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که دستش پاکیزه است لازم نیست پیش از غذا خوردن آن را بشوید». (5)

شستن دست ها پس از غذا خوردن

1. در حدیث است که مفضل بن عمر از یاران ارزشمند امام صادق علیه السلام می گوید از درد چشم به حضرت شکایت کردم. فرمود: «پس از غذا خوردن دستان را بشوی و این جمله را سه بار بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ»

الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ»». (6) راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم و پس از آن هرگز

چشمانم درد نگرفت. (7)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه پس از غذا دست ها را بشویی و بارطوبت آن دیدگان را مسح کنی، این کار جلوی چشم درد را می گیرد». (8)

1- کافی، ج 6، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 140.

2- کافی، ج 6، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 139.

3- «کَلْف» لکه ای است که در چهره انسان پیدا می شود و آن را در فارسی کک مک می گویند (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 291.

5- محاسن، ص 428، ح 242؛ کافی، ج 6، ص 298، ح 13.

6- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که احسان کننده، نیکوکار، نعمت دهنده و فضیلت بخش است».

7- کافی، ج 6، ص 292، ح 5.

8- مکارم الأخلاق، ص 140.

ص: 149

3. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه پس از غذا خوردن دست ها را شستی، پیش از آنکه با دستمال خشک کنی بر دیدگان بکش و این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَهَ وَالْمَحَبَّهَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبَغْضَةِ». (1)

شستن دهان پس از غذا خوردن

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست ها را پس از خوردن غذا می شست، سپس آب در دهان کرده و آن را می شست». (2)

کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دوزانو بنشینید و یک پا را روی پای دیگر نیندازید و چهار زانو ننشینید، زیرا خداوند از چنین نشستن و صاحب آن بیزار است».

توجه: ظاهر روایت این است که منظور از چهار زانو نشستن آن است که به روش جباران باشد، یعنی یک پا را بر روی ران پای دیگر بگذارد. (3)

با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «در ابتدا وانتهای غذای خوردن مقداری نمک بخور که هر که چنین کند خدا او را از هفتاد بلا که آسان ترین آن بیماری جذام است، حفظ می کند». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، من از تو زینت و دوستی می خواهم و از گناه و دشمنی به تو پناه می برم». محاسن، ص 426، ح 234.

2- بحار الأنوار، ج 66، ص 355، ح 12.

3- کافی، ج 6، ص 272، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 141.

4- محاسن، ص 593، ح 109؛ کافی، ج 6، ص 351، ح 1.

ص: 150

2. در حدیثی دیگر آمده است که این کار انسان را از هفتاد و دو نوع بیماری که از جمله آن دیوانگی و جذام و بیماری پیسی است حفظ می کند. (1)

3. و در حدیثی دیگر آمده است که این کار از درد گلو و دندان درد و درد شکم جلوگیری می کند. (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت موسی علیه السلام امر کرد که به قومش بگوید: غذای خود را با نمک آغاز کنند و با آن پایان دهند وگرنه (چنانچه به بلایی مبتلا شوند،) کسی را جز خود سرزنش نکنند.» (3)

5. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «نمک شفای هفتاد نوع از انواع دردهاست و اگر مردم بدانند چه آثار و منافی در نمک هست، جز با آن امراض خود را مداوا نمی کنند.» (4)

6. در روایتی معتبر می خوانیم که هنگام غذا خوردن، ابتدا به سرکه خوب است. (5)

7. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ما غذا را با نمک شروع و با سرکه ختم می کنیم.» (6)

8. در سخنی دیگر فرمود: «هر که بر نخستین لقمه ای که می خورد نمک بپاشد، رو به توانگری خواهد آورد.» (7)

1- محاسن، ص 593، ح 108؛ کافی، ج 6، ص 326، ح 3.

2- محاسن، ص 593، ح 110 و 111؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

3- محاسن، ص 592، ح 103؛ کافی، ج 6، ص 326، ح 6.

4- محاسن، ص 590، ح 96؛ کافی، ج 6، ص 326، ح 3. این روایت اشاره به شروع غذا با اندکی نمک است.

5- محاسن، ص 487، ح 554؛ کافی، ج 6، ص 329، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 330، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

7- محاسن، ص 594، ح 113.

پای بر سفره نگذارید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی به مجلس سفاح از خلفای بنی عباس رفتم. سفره غذایشان گسترده بود. دست مرا گرفت و به سوی خود کشید. (ناخودآگاه) پای من بر کناره سفره قرار گرفت. آن قدر غمگین شدم که خدا می داند، زیرا این کار کفران نعمت پروردگار است». (1)

نشستن طولانی بر سر سفره

در حدیثی دیگر فرمود: «نشستن بر سر سفره را طولانی کنید (و غذا را آهسته بخورید) که این مدت جزء عمر شما به حساب نمی آید». (2)

غذا خوردن با زیردستان

در حدیث است که یاسر، خادم امام رضا علیه السلام در مورد سیره آن حضرت هنگام غذا خوردن چنین گوید: هرگاه آن حضرت بر سر سفره می نشست، کوچک و بزرگ، حتی حجامت کننده و بزرگ قوم را دعوت می کرد که بر سر سفره نشینند. (3)

ابراهیم بن عباس نیز در این باره می گوید: آن حضرت چون خلوت می شد و غذا می آوردند، همه دربانان و خدمتکاران را بر سفره ای که خود نشسته بود می نشاند». (4)

1- محاسن، ص 588، ح 88.

2- الاختصاص، 253؛ مکارم الأخلاق، ص 141.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 159، ح 24.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 184، ح 7.

ص: 152

بیرون کردن کفش به هنگام غذا خوردن

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن غذا، کفش خود را از پا بیرون کنید که سنت نیکو است و موجب استراحت بیشتر پاهای شماست». (1)

غذا خوردن با دست

در روایاتی معتبر آمده که یکی از امتیازات انسان بر حیوان آن است که غذایش را با دست می خورد؛ پس انسان باید غذای خود را با کمک دستانش بخورد. (2)

صاحبخانه پیش از میهمان شروع به غذا خوردن کند

در روایاتی معتبر آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از میهمانانش غذا می خورد، پیش از همه شروع می کرد و پس از همه دست می کشید، تا میهمانان غذای بیشتری بخورند. (3)

اول نماز خواندن یا غذا خوردن

در حدیث است که سماعه بن مهران می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وقت نماز رسیده و غذا حاضر است به کدام بپردازیم؟ امام فرمود: «اگر ابتدای وقت نماز است اول غذا بخورید و اگر بخشی از وقت نماز گذشته و بیم آن می رود که وقت فضیلت نماز بگذرد، نماز بخوانید». (4)

2- امالی طوسی، ج 2، ص 103 و 104.

3- محاسن، ص 448، ح 349؛ کافی، ج 6، ص 285، باب الأکل مع الضیف، ح 1.

4- محاسن، ص 423، ح 212؛ کافی، ج 6، ص 298، ح 9.

ص:153

دعای سفره و آثار آن

آغاز وانجام غذا با نام وحمد خدا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه سفره بگسترند بگو: بسم الله و چون شروع به غذا

کردی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَاٰخِرِهِ و چون سفره را جمع کردند بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و او برای

آنها گوساله ای بریان شده آورد و گفت بخورید! گفتند: نمی خوریم تا بگویی ارزش این نعمت الهی چقدر است؟ حضرت

فرمود: (قیمت آن این است که) چون شروع به خوردن کنید بسم الله بگویید و هنگامی که غذا تمام شد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگویید.

جبرئیل رو به سه فرشته دیگر کرد و گفت: می سزد که پروردگار چنین بنده ای را خلیل خود گرداند». (2)

3. و در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه چند نوع غذا بر سر سفره باشد برای هر کدام یک بسم الله بگویید». راوی پرسید: اگر

فراموش شود چه کنم؟ حضرت فرمود: «بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَاٰخِرِهِ». (3)

4. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه غذا حاضر شود، چنانچه یکی از حاضران

بسم الله بگوید از دیگران کفایت می کند». (4)

5. در سخنی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن غذا خدا را یاد کنید و بسیار سخن نگویید که آن طعام، نعمت و روزی خداست

و بر شما لازم است که در وقت غذا خوردن یاد خدا، سپاس او و شکرش را به جا آورید». (5)

1- کافی، ج 6، ص 292، ح 2.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 35، باب 32، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 259، ح 20؛ مکارم الأخلاق، ص 143.

4- کافی، ج 6، ص 293، ح 9.

5- کافی، ج 6، ص 296، ح 23.

ص: 154

6. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «غذا خورنده ای که شکر پروردگار را به جا می آورد، از روزه دار خاموش بهتر است». (1)

7. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به سماعه فرمود: «ای سماعه، بخور و سپاس خدا کن و نخور که خاموش (از یاد خدا) باشی». (2)

آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله»

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه سفره گسترده شود، چهار هزار فرشته آن را احاطه می کنند. اگر کسانی که می خواهند غذا بخورند بسم الله بگویند ملائکه می گویند: خداوند برکاتش را بر شما و غذای شما نازل کند. سپس به شیطان می گویند: ای فاسق، از اینجا خارج شو که تو بر این افراد سلطه ای نداری. و چنانچه پس از فراغت از غذا الحمد لله بگویند، فرشتگان می گویند: اینها بندگانی هستند که خداوند به آنها نعمت داده و شکر نعمت پروردگار را به جا آورده اند. و اگر غذای خود را با بسم الله آغاز نکنند

ملائکه به شیطان می گویند: ای فاسق، جلو بیا وبا اینها غذا بخور وچنانچه در پایان غذا حمد و سپاس الهی را به جا نیاورند، ملائکه می گویند: اینان گروهی هستند که خداوند به آنها نعمت داده، ولی پروردگار خویش را فراموش کردند.» (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر که نام خدا را در اول طعام ببرد و در پایان سپاس خدای را به جا آورد، هرگز از آن طعام از او سؤال نمی کنند.» (4)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مسلمانی به هنگام شروع غذا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» پیش از آنکه لقمه به

1- محاسن، ص 435، ح 271.

2- محاسن، ص 435، ح 275؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 224، ح 1049.

3- کافی، ج 6، ص 292، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

4- کافی، ج 6، ص 294، ح 14؛ ثواب الأعمال، ص 219.

ص: 155

دهانش برسد، خداوند متعال گناهانش را می آمرزد.» (1)

4. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس غذای خود را با بسم الله شروع کند، من ضمانت می کنم که آن غذا زبانی به او نرساند. ابن کوا گفت: دیشب غذا خوردم و بسم الله گفتم و غذا مرا اذیت کرد. حضرت فرمود: شاید چند نوع غذا خورده ای و بر برخی بسم الله گفته و بر برخی نگفته ای.» (2)

5. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: هرگاه غذا بخورم مرا اذیت می کند. امام فرمود: «مگر بسم الله نمی گویی؟» عرض کرد: آری می گویم، ولی باز غذا آزارم می دهد. امام فرمود: «پس از آنکه در وسط غذا سخن می گویی، بسم الله را تکرار می کنی؟» عرض کرد: نه. امام فرمود: «علت ناراحتی تو همین است؛ هرگاه سخنان تمام شد دوباره بسم الله بگو و به خوردن ادامه بده». (3)

آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که این دعا را هنگام خوردن غذا بخواند، ضمانت می کنم که آن غذا آسیبی به او نرساند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ مِلْءَ الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الَّذِی

لَا یَضُرُّ مَعَهُ دَاءٌ». (4)

2. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

1- محاسن، ص 435، ح 273؛ کافی، ج 6، ص 293، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 259، ح 18؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

3- محاسن، ص 438، ح 287؛ کافی، ج 6، ص 259، ح 19.

4- ترجمه: «بار خدایا، از تو به بهترین نام های تو که زمین و آسمان را پر کرده و به بخشندگی و مهربانی ات که با آن هیچ دردی زیان نمی رساند، تو را مسئلت می کنم». محاسن، 438، ح 289.

حضرت فرمود: «هرگاه از غذا خوردن فارغ شدی، دست بر شکم بکش و این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ هِنِّئْنِيْهِ، اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِيْهِ، اَللّٰهُمَّ اَمْرَانِيْهِ». (1)

دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام

1. در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا می فرمود: «اَللّٰهُمَّ اَكْثَرْتَ وَاَطْبَتَ وَبَارَكْتَ مَا شَبِعْتُ وَاَرْوَيْتُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ». (2)

2. در روایتی آمده است که هرگاه سفره را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می گستراندند چنین دعا می کرد: «سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ مَا اَحْسَنَ مَا تَبْتَلِيْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعْطِيْنَا، سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعَافِيْنَا. اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ». (3)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام سجّاد علیه السلام غذا خوردن را با این دعا

آغاز می کرد: «اَللّٰهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيْهِ وَسَوِّغْنَا وَاَرْزُقْنَا خَلْفًا اِذَا اَكَلْنَا وَرَبِّ مُحْتَاَجٍ اِلَيْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا

مِنَ الشَّاكِرِيْنَ». (4) وپس از غذا خوردن می فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ حَمَلْنَا فِي الْبَرِّ

وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيْرٍ مِّنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيْلًا». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، آن را بر من گوارا و کامل و خوش گردان». محاسن، ص 439، ح 291.

2- ترجمه: «بار خدایا، افزودی و پاکیزه گرداندی و برکت دادی آن چنان که سیر و سیراب شدم. سپاس ویژه خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص 436، ح 277؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 15.

3- ترجمه: «بار خدایا، تو منزّهی، چه نیک ما را می آزمایی، منزّهی تو چه بسیار به ما عطا می کنی، منزّهی تو چه بسیار از ما درمی گذری. بار خدایا، بر ما و بر نیازمندان از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات و سعتوگشایش ده». کافی، ج 6، ص 293، ح 2.

4- ترجمه: «بار خدایا، این (غذا) از تو واز فضل و بخشش تو است، پس برای ما در آن برکت ده و کامل گردان چون آن را خوردیم به جای آن به ما روزی ده و چه بسیار نیازمندی که به آنها روزی دادی و نیکی کردی. بار خدایا، ما را از شکرگزاران قرار ده». محاسن، ص 433، ح 263؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 12.

5- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در خشکی و دریا بر مرکب سوار کرد واز چیزهای پاکیزه به ما روزی داد و ما را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشید».

ص: 157

4. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَأَرْوَانَا فِي ظَامِئِينَ وَأَوَانَا فِي ضَاحِينَ وَحَمَلْنَا فِي رَاجِلِينَ وَأَمَّنَّا فِي خَائِفِينَ وَأَخْدَمَنَا فِي عَانِينَ*». (1)

5. در روایتی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: «*الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَيَّدَنَا وَأَوَانَا وَأَنْعَمَ عَلَيْنَا وَأَفْضَلَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ*». (2)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در ابتدای خوردن غذا نام خدا را ببرید و پس غذا خوردن بگویید: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ*». (3)

7. در روایتی معتبر آمده است که امام محمدباقر علیه السلام بعد از خوردن غذا چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». (4)

8. در روایتی معتبر آمده است که زراره می گوید با امام صادق علیه السلام

غذا می خوردم و حضرت جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ» را بسیار تکرار می کرد. (5)

1- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در میان گرسنگان سیر کرد و در میان تشنگان سیراب گردانید و در میان گرفتاران پناه داد و در میان پیادگان سوار کرد و در میان خائفان امنیت داد و در میان ضعیفان و زحمتکشانشان کمک کار برای ما قرار داد». محاسن، ص 436، ح 280؛ کافی، ج 6، ص 295، ح 12.

2- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت و تأیید نمود و ما را مأوی داد و نعمت بخشید و تفضل کرد. حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص 435، ح 277؛ مکارم الأخلاق، ص 143.

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص 434، ح 268؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 13.

4- ترجمه: «بار خدایا، طعامی که تناول کردیم از سوی تو و به واسطه محمد رسول تو است. بار خدایا، حمد و ثنا مخصوص تو است، بر محمد و آل محمد درود بفرست». کافی، ج 6، ص 296، ح 22.

5- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که میل به چنین غذایی را در من ایجاد کرد». محاسن، ص 437، ح 283؛ کافی، ج 6، ص 259، ح 12.

آداب پس از غذا خوردن

غذاهای ریخته شده اطراف سفره

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «غذایی را که از سفره بیرون می افتد بخورید که خوردن آن به اذن خدا شفای هر دردی است». (1) (البته با حفظ نظافت آن، این نهایت صرفه جویی در مواد غذایی است به

عکس این همه مواد غذایی که امروز به زباله دان ها ریخته می شود).

2. در حدیث است که کسی از درد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آنچه را که از سفره بر زمین می افتد بخور». او به فرمایش امام عمل کرد و ناراحتی اش از بین رفت. (2)

3. در حدیث است که معاویه بن وهب می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام غذا خوردیم و چون سفره را جمع کردند، حضرت آنچه را که از سفره بر روی زمین ریخته بود برمی داشت و تناول می کرد، سپس فرمود: «خوردن اینها فقر ونداری را برطرف می کند و بر فرزندان می افزاید». (3)

4. در حیث است که عبدالله ارجایی می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم دیدم آن حضرت جست و جو می کند تا آنچه را که از غذا بر روی زمین افتاده بردارد و بخورد، حتی کنجد و امثال آن. عرض کردم: فدایت شوم اینها را هم برمی دارید؟ فرمود: «اینها روزی تو است، آن را برای دیگری وانگذار که شفای دردهاست». (4)

5. در روایتی دیگر، اثر این کار برطرف شدن فقر از خورنده آن و فرزندان او تا هفت نسل بیان شده است. (5)

1- کافی، ج 6، ص 299، باب أكل ما يسقط عن الخوان، ح 1.

2- محاسن، ص 444، ح 325؛ کافی، ج 6، ص 300، ح 5.

3- محاسن، ص 444، ح 326؛ کافی، ج 6، ص 300، ح 4.

4- محاسن، ص 444، ح 321؛ کافی، ج 6، ص 301، ح 9.

5- محاسن، ص 445، ح 329؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 115.

ص: 159

6. در حدیثی دیگر آمده است: «هر که غذای اطراف سفره را بخورد از دیوانگی، خوره، پیسی، زردآب و حماقت مصون می ماند». (1)

7. در روایات معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنچه از سفره می ریزد مهر حورالعین است». (2)

8. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «هرگاه در خانه غذا می خورید و چیزی از غذا بیرون سفره می ریزد آن را بردارید و بخورید، اما اگر در صحرا باشید آن را برای پرندگان و حیوانات رها کنید». (3)

9. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در صحرا باشید بردارید، هر چند ران گوسفند باشد». (4)

حرمت نان و آثار کفران نعمت

عَلَمَه مجلسی در اینجا روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده است که غذاهایی را که از سفره بیرون می افتد (هرگاه آلوده نباشد و قابل خوردن باشد) بردارند و تناول کنند و برای آن آثار و فواید بسیاری ذکر شده است. ولی اگر در بیابان باشد برای پرندگان و حیوانات باقی بگذارد. همچنین در مورد غذاهایی که بر اثر سهل انگاری بر روی زمین افتاده، روایات فراوانی ذکر کرده است که باید آن را برداشت و پس از تمیز کردن، تناول کرد و این نشان می دهد که اسلام در مورد استفاده کردن از مواد غذایی و اسراف نکردن، اهمیّت بسیاری قائل است.

1- دعوات راوندی، ص 138، ح 343؛ مکارم الأخلاق، ص 146.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 34، ح 68.

3- محاسن، ص 445، ح 327؛ کافی، ج 6، ص 300، ح 8.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 225، ح 1054.

ص:160

خوابیدن بعد از غذا

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «پس از غذا بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ بگذار.» (1)

ترک خدمت کردن به احترام غذا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام به خادمان خود، یاسر و نادر، فرمود: «اگر به هنگام غذا خوردن من بالای سرتان ایستاده باشم، تا پایان غذا خوردن برنخیزید» و بسیار اتفاق می افتاد که یکی از ما را صدا می زد، وقتی

گفته می شد مشغول خوردن غذاست، می فرمود: «رهاش کنید تا غذایش

را بخورد.» (2)

2. در روایتی دیگر، همان دو خادم امام رضا علیه السلام گویند: سیره امام رضا علیه السلام این بود که هرگاه یکی از ما مشغول غذا خوردن بودیم دستوری به ما نمی داد تا غذایمان را کامل بخوریم. (3)

در فضیلت برخی غذاها

مواد غذایی

نان

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نان را گرمی بدارید که برای آماده شدن آن، فرشتگان پروردگار از عرش تا زمین وهمچنین بسیاری از اهل زمین تلاش کرده اند. سپس فرمود: روزی حضرت دانیال نزد

1- کافی، ج 6، ص 299، ح 21؛ مکارم الأخلاق، ص 147.

2- کافی، ج 6، ص 298، ح 10.

3- کافی، ج 6، ص 298، ح 11.

ص: 161

ناخدای کشتی ای رفت ونانی به او داد تا وی را از آب بگذرانند. کشتی بان نان را به دور انداخت وگفت: این نان را چه کنم؛ نزد ما آن قدر نان فراوان است که در زیر دست وپای مردم افتاده ومردم بر آن پا می نهند. حضرت دانیال دست به آسمان برد وعرض کرد: «پروردگارا، تو آگاهی این بنده ات با نان چه کرد ودر مورد آن چه گفت. خدایا، نان را گرمی دار». خداوند به آسمان دستور داد که بر آن مردم باران نبارد وبر زمین وحی کرد که برای آنها گیاهی نرویند (بر اثر قطع برکات آسمان وزمین) کار آن مردم به جایی رسید که از گرسنگی گوشت مردگانشان را می خوردند. هنگامی که حضرت دانیال علیه السلام از این مطلب باخبر شد دست به سوی آسمان برد وعرض کرد: «پروردگارا، فضل ورحمت وبرکات خود را بر این مردم بازگردان واطفال وبیگناهانشان را به گناه کشتی بان مجازات نکن». خداوند متعال دعای پیامبرش را اجابت کرد. به آسمان دستور باریدن وبه زمین فرمان روییدن داد وحتی دستور جبران گذشته را صادر کرد وفرمود: بر این قوم واطفال صغیر آنها رحم کردم». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را گرامی بدارید». پرسیدند: گرامی داشتن نان چگونه است؟ فرمود: «چون نان بر سر سفره حاضر شد بخورید ومنتظر غذای دیگری نباشید». (2)

3. در حدیثی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوندا، نان ما را پربرکت کن ومیان ما ونان جدایی نینداز که اگر نان نباشد نمی توانیم نماز بخوانیم وروزه بگیریم ودیگر فرائض خدا را به جا آوریم». (3)

4. و در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر سر سفره نان وگوشت حاضر شود،

1- کافی، ج 6، ص 302، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 303، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

3- کافی، ج 6، ص 287، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

ص:162

ابتدا نان بخورید تا گرسنگی شما برطرف گردد، سپس گوشت بخورید». (1)

5. در روایتی صحیح ومعتبر آمده که امام رضا علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اندازه نان ها را کوچک بگیرید که با هر قطعه نانی برکتی است». (2)

6. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «نان را زیر کاسه نگذارید». (3)

7. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نان را به روش درندگان بو نکنید که نان مبارک است. به کمک آن نماز می خوانید وروزه می گیرید وحجّ خانه خدا به جا می آورید». (4)

8. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را با کارد نبرید، بلکه آن را با دست تکه کنید» (مگر در مواردی که نبریدن نان، موجب اسراف و دور ریختن قسمت هایی از آن شود). (5)

نان جو

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد نان جو فرمود: «فضیلت نان جو بر نان گندم، مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم است. و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای خورنده نان جو و آش جو دعا کرده و خداوند بر آن برکت فرستاده است. و وارد شکم هر که شود، دردهای درون وجودش را بیرون می کند. نان جو غذای پیامبران و طعام نیکان است. خداوند غذای پیامبرانش را نان جو قرار داده است». (6)

1- الجعفریات، ص 160؛ کافی، ج 6، ص 303، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 303، ح 8.

3- محاسن، ص 589، ح 91؛ کافی، ج 6، ص 303، ح 3 و 4 و ص 304، ح 12.

4- کافی، ج 6، ص 303، ح 6.

5- محاسن، ص 589، ح 92؛ کافی، ج 6، ص 304، ح 13 و 14.

6- کافی، ج 6، ص 304، باب خبز الشعیر، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

ص: 163

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله همواره نان جو بود تا از دنیا رفت». (1)

1. و در حدیثی دیگر فرمود: «نان برنجی برای مبتلایان به اسهال و سل مفید است. نان برنجی دردها را از بدن می کشد».
(2)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مبتلایان به بیماری سل، چیزی نافع تر و مفیدتر از نان برنجی نیست».
(3)

سویق یا آرد تافته شده

1. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سویق (آرد تافته شده) غذای نیکویی است. گرسنه را سیر و غذا را هضم می کند».
(4)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سویق به وحی الهی ساخته شده است. گوشت بدن را می رویاند، استخوان را محکم می کند و خوراک پیامبران است. واگر مبتلایان به بلغم و صفرا، صبح ناشتا سه کف از سویق خشک بخورند بلغم و صفرای آنها برطرف می شود».

سپس در مورد قاووت (5) فرمود: «قاووت خشک، پیسی را برطرف می کند

واگر همراه با روغن زیتون خورده شود، گوشت بدن را می رویاند و استخوان را

1- مکارم الأخلاق، ص 29.

2- کافی، ج 6، ص 305، باب خبز الارز، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 305، باب خبز الارز، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

4- کافی، ج 6، ص 305، باب الأسوقه، ح 1.

5- «قاووت» یا «قاوت» واژه ای است ترکی، به معنای آرد نخود که با قهوه و شکر، یا قند کوبیده و مخلوط می کنند و بیشتر آن را در سوگواری ها می خورند (فرهنگ عمید).

ص: 164

محکم و پوست را لطیف و نازک و قدرت آمیزش را زیاد می کند». (1)

3. در سخنی دیگر فرمود: «سویق هفتاد بلا را از بین می برد و هر که چهل صبح آن را بخورد بازوانش پر قدرت خواهد شد». (2)

4. و در گفتاری دیگر فرمود: «سویق عطش تشنگی را زایل و معده را پر قدرت و پاک می کند و صفرا را فرو می نشاند و هیجان خون و حرارت را برطرف کرده و درمان هفتاد درد است». (3)

5. در روایتی صحیح آمده است که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «زنی که خون عادت ماهیانه اش قطع نمی شود سویق بخورد تا خون قطع گردد». (4)

گوشت و انواع آن

اشاره

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین غذاها در دنیا و آخرت گوشت (مخصوصاً گوشت سفید) است. مگر نشینده ای که خداوند در وصف بهشت فرماید: وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ؛ و گوشت پرنده از هر نوع که بخواهند». (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که عبدالاعلی و مسمع به امام صادق علیه السلام عرض کردند: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که خداوند دشمن می دارد خانه ای را که پر از گوشت است! حضرت فرمود: «روایت صحیح است، ولی معنای آن این نیست که فهمیده اند، بلکه منظور حضرت این است که خداوند دشمن می دارد خانه ای که گوشت مردم را به سبب غیبت کردن بخورند». (6)

1- محاسن، ص 488، ح 555، 557 و 559؛ کافی، ج 6، ص 305، باب الاسوقه، ح 2 الی 4؛ ص 306، ح 6-8.

2- محاسن، ص 489، ح 564؛ کافی، ج 6، ص 306، ح 11 و 12.

3- کافی، ج 6، ص 307، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

4- کافی، ج 6، ص 307، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

5- سوره واقعه، آیه 21. محاسن، ص 460، ح 405؛ کافی، ج 6، ص 308، ح 1.

6- محاسن، ص 460، ح 410؛ کافی، ج 6، ص 308، ح 5.

ص: 165

3. و در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار گوشت می خورد و آن را بسی دوست می داشت». (1)

4. و نیز در روایتی فرمود: «پدرم گوشت را بسیار دوست داشت و روزی که از دنیا رفت، سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود». (2)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ما قریشیان، گوشت را دوست می داریم». (3)

6. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خوردن گوشت موجب رویش گوشت در بدن می شود و هر که چهل روز گوشت نخورد بد اخلاق می شود و هر که بد اخلاق شود باید در گوشش اذان بگویند». (4)

7. در روایتی دیگر فرمود: «هر که چهل روز بر او بگذرد و گوشت نخورد، بر خدا توکل کند و قرض بگیرد و گوشت بخورد که قرضش ادا می شود». (5)

گوشت گوسفند

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: اهل خانه ما گوشت گوسفند نمی خورند زیرا معتقدند سودا را به حرکت درمی آورد و بر اثر آن، سردرد و دردهای دیگری تولید می شود. حضرت فرمود: «اگر گوشتی بهتر از گوشت گوسفند وجود داشت، خداوند فدای اسماعیل را گوسفند قرار نمی داد». (6)

1- محاسن، ص 461، ح 412؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 7.

2- محاسن، ص 461، ح 411؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 8.

3- محاسن، ص 461، ح 413؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 9.

4- محاسن، ص 465، ح 433؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 309، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

6- کافی، ج 6، ص 310، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

ص:166

2. در احادیث فراوانی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت دست و کتف گوسفند را دوست می داشت واز گوشت ران گوسفند کراهت داشت، زیرا نزدیک محلّ بول گوسفند است. (1)

3. در چندین روایت آمده است که: حضرت آدم علیه السلام گوسفندی برای پیامبران از فرزندان خود قربانی کرد. هر عضوی از گوسفند را به پیامبری اختصاص داد و دست آن را برای پیامبر آخرالزمان برگزید. بدین علت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله دست گوسفند را دوست می داشت و بر دیگر اعضای آن ترجیح می داد. (2)

گوشت گاو و گاومیش

1. از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بنی اسرائیل از بیماری پیسی که در میان آنها شایع شده بود به حضرت موسی علیه السلام شکایت کردند. خداوند به پیامبرش وحی کرد که به آنها دستور بده گوشت گاو را با چغندر بخورند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آبگوشت گاو پیسی را از بین می برد. (4) و شیر گاو دوا و روغن گاو شفا و گوشت گاو درد است» (شاید

منظور، زیاده روی در خوردن گوشت گاو است). (5)

3. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت و شیر و روغن به دست آمده از گاومیش اشکالی ندارد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 315، ح 3.

2- محاسن، ص 470، ح 459؛ کافی، ج 6، ص 315، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 310، باب لحم البقر، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 160.

4- کافی، ج 6، ص 311، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 160.

5- کافی، ج 6، ص 311، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

6- کافی، ج 6، ص 313، باب لحوم الجوامیس، ح 1.

ص: 167

گوشت کبوتر، درآج و کبک

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چرا از کبوتری که تازه به دنیا آمده باشد و فرد خوش سلیقه ای آن را خوب تربیت کرده باشد استفاده نمی کنید». (1)

2. در احادیث معتبر آمده است: «هر که می خواهد خشمش کم و اندوهش زایل شود، گوشت درآج بخورد». (2)

3. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت کبک، ساق پا را قوی و تب را از انسان دور می کند». (3)

گوشت اسفرو، هوبره و گورخر

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «گوشت اسفرو (4) مبارک است و پدرم آن را دوست می داشت و می فرمود: برای هر که

زردی دارد بریان کنید و به او بخورانید». (5)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت هوبره (6) اشکال ندارد و برای درمان بواسیر و درد پشت سودمند است و بر قدرت

آمیزش می افزاید». (7)

1- محاسن، ص 474، ح 475؛ کافی، ج 6، ص 312، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 312، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

3- کافی، ج 6، ص 312، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

4- «سُفْرود» پرنده ای است کوچک و سیاه رنگ که آن را سنگخوار هم می گویند، به عربی «قطاه» گفته می شود (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 312، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

6- «هُوْبَر» پرنده ای است وحشی و حلال گوشت، بزرگ تر از مرغ خانگی، دارای گردن دراز و بال های زرد رنگ خالدار که در عربی به آن «حباری» گویند و در بلاهت به آن مثل می زنند. در فارسی ابره، تودره، جرز، چرز، و جرد هم گفته شده و آن را برای گوشتش شکار می کنند (فرهنگ عمید).

7- کافی، ج 6، ص 313، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

ص: 168

3. در حدیث است که از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد گوشت گورخر پرسیدند. حضرت فرمود: «چون وحشی است (1) خوردن آن جایز، ولی نخوردنش بهتر است». (2)

گوشت خام

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن گوشت خام نهی کرد و فرمود: «این، کار حیوانات درنده است و تا با آفتاب یا آتش پخته نشده، نباید آن را خورد». (3)

2. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خوردن گوشت خام چه حکمی دارد؟ فرمود: «غذای درندگان است». (4)

گوشت خشک

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز خوردنی نیست، ولی انسان را فربه می کند: پوشیدن پیراهن کتان، استعمال بوی خوش، استفاده از نوره برای ازاله موهای زاید بدن. و سه چیز خوردنی است، ولی انسان را لاغر می کند: گوشت خشک، پنیر، شکوفه خرما. و دو چیز است که به همه چیز نفع می رساند و به هیچ چیز ضرر نمی زند: آب نیم گرم وانار». (5)

2. در روایات بسیاری از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند نهی شده، چرا که دردها را به حرکت درآورده و معده را سست می کند. (6) هر چند در

1- یعنی مانند الاغ اهلی نیست که گوشت آن مکروه باشد.

2- کافی، ج 6، ص 313، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 313، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 314، ح 2.

5- محاسن، ص 463، ح 426؛ کافی، ج 6، ص 315، ح 7.

6- کافی، ج 6، ص 314، ح 3 و 4.

ص: 169

برخی روایات خوردن آن جایز شمرده شده است. (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز بدن انسان را فاسد کرده و بسا موجب مرگ انسان شود: خوردن گوشت قدید بدبو، حمام رفتن با شکم پر و آمیزش با زنان پیر». (2)

گوشت ماهی و مرغ

1. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت ماهی بخورید که اگر بدون نان خورده شود کافی است و اگر با نان بخورید گواراست». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ماهی تازه چربی بدن را آب می کند». (4)

3. در حدیث است که کسی به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: اگر حجامت کنم صفرا به هیجان می آید و اگر آن را ترک کنم خون بدن آزارم می دهد چه کنم؟ فرمود: «حجامت کن و پس از آن ماهی تازه که با آب و نمک کباب کرده باشند بخور». او به دستور امام عمل کرد و همواره در عافیت و تندرستی بود. (5)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که هر شب ماهی بخورد و پس از آن خرما یا عسل نخورد، رگ فالج در بدنش تا صبح متحرک است». (6)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه ماهی تناول می کرد، می فرمود: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَابْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ». (7)

1- محاسن، ص 463، ح 423؛ کافی، ج 6، ص 314، ح 1 و 2.

2- کافی، ج 6، ص 314، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 160.

3- محاسن، ص 475، ح 479؛ کافی، ج 6، ص 323، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 323؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

5- کافی، ج 6، ص 323، ح 5.

6- محاسن، ص 477، ح 490؛ کافی، ج 6، ص 323، ح 1.

7- ترجمه: «پروردگارا، برکاتت را در این طعام (ماهی) بر ما نازل فرما و بهتر از آن به ما عنایت کن». کافی، ج 6، ص 323، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 162.

ص: 170

6. در حدیث است که عبدالاعلی می گوید: روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام غذا می خوردم، مرغی آوردند که شکمش را از خرما و روغن پر کرده بودند. (1)

غذاهای گوشتی

شیر گوشت و آبگوشت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشتی که با شیر پخته باشند آبگوشت پیامبران است». (2)

2. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ضعف بر مسلمانی غلبه کند، گوشت را با شیر بپزد و بخورد». (3)

3. پیامبری از ضعف و سستی بدنش به خداوند متعال شکایت کرد، به او وحی رسید که: «گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوی می کند». (4)

4. آبگوشتی که نان در آن ترید کنند در روایات بسیاری ستوده شده است. (5)

کباب و خوراک کله

1. احادیث معتبر بسیاری در مدح کباب آمده است که ضعف را زایل و رنگ بدن را سرخ می کند و تب را از بین می برد.
(6)

2. در روایتی معتبر آمده است که روزی اصبع بن نباته خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. گوشت بریانی نزد آن حضرت نهاده بودند. فرمود :

1- محاسن، ص 408، ح 127؛ کافی، ج 6، ص 321، باب الحلواء، ح 1.

2- محاسن، ص 468، ح 447؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 1 و 3.

3- محاسن، ص 467، ح 444؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 316، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

5- کافی، ج 6، ص 317، ح 3 و 4 و 5 و 8؛ مکارم الأخلاق، ص 164.

6- کافی، ج 6، ص 318، ح 2، ص 319، ح 3 و 4؛ مکارم الأخلاق، ص 164.

ص: 171

«نزدیک بیا واز این گوشت بخور». عرض کرد: یا امیرالمؤمنین برای من ضرر دارد. حضرت فرمود: «دعایی به تو تعلیم می دهم که اگر آن دعا را بخوانی هیچ چیز به تو ضرر نمی رساند. بگو: بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مَلَأَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ». (1)

3. مدح کله نیز در احادیث وارد شده، چرا که محلّ تذکیه و قربانی است واز همه اعضای بدن حیوان به چراگاه نزدیک تر واز کثافات دورتر است. (2)

غذاهای غیر گوشتی

آش انار و حلیم

1. در روایتی معتبر آمده است که: محبوب ترین غذاها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، آش انار بود. (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حلیم بخورید که تا چهل روز قوت و قدرت بر عبادت می دهد و از جمله غذاهایی است که خداوند جهانیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرو فرستاد». (4)

3. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از پیامبران از ضعف قدرت آمیزش به خداوند شکایت کرد. خداوند برای برطرف شدن این مشکل، به وی سفارش کرد حلیم بخورد». (5)

1- ترجمه: «به نام خدایی که نامش بهترین نامهاست؛ به اندازه ظرفیت زمین و آسمان. (خدای) بخشنده و مهربانی که با نام او هیچ درد و چیز دیگری به انسان زیان نمی رساند». محاسن، ص 469، ح 452؛ کافی، ج 6، ص 318، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 319، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 163.

3- محاسن، ص 401، ح 91؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 5.

4- محاسن، ص 404، ح 804؛ کافی، ج 6، ص 319، ح 1.

5- محاسن، ص 403، ح 102؛ کافی، ج 6، ص 319، ح 2.

ص: 172

مثلته و حلوا و پالوده

1. «مثلته» غذایی است که از یک پیمانۀ برنج و یک پیمانۀ نخود و یک پیمانۀ باقلا تهیه می شود؛ به این ترتیب که این هر سه را می کوبند و سپس می پزند و گاه به جای باقلا، دانه دیگری می نهادند؛ چنین غذایی در روایات اسلامی مدح

شده است. (1)

2. در حدیث است که هارون بن موقف می گوید: روزی امام موسی بن جعفر علیهما السلام مرا فراخواند تا در خدمتش غذا بخورم. حلوی فرآوانی آورده بودند. گفتم: چقدر حلوا! حضرت فرمود: «ما وشیعیان ما از شیرینی آفریده شده ایم، لذا حلوا را دوست داریم». (2)

3. «تلبین» نیز در روایات ستوده شده است و آن حلوی رومی است که از آرد و شیر و عسل ساخته می شود. (3)

4. در حدیث است که یونس بن یعقوب می گوید: ما در مدینه سکونت داشتیم. حضرت صادق علیه السلام کسی را نزد ما فرستاد که برای حضرتش پالوده درست کنیم و فرمود: «مقدار کمی بفرستید». ما ظرفی کوچک درست کردیم و برای حضرت فرستادیم. (4)

تخم مرغ

1. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تخم (مرغ) سبک است و خواص گوشت را دارد و ضررهای آن را ندارد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 320، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 163.

2- محاسن، ص 408، ح 126؛ کافی، ج 6، ص 321، ح 1.

3- محاسن، ص 405، ح 110؛ کافی، ج 6، ص 320، ح 2.

4- محاسن، ص 408، ح 830؛ کافی، ج 6، ص 321، ح 4.

5- محاسن، ص 481، ح 512 و 513؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 1.

2. کسی به امام رضا علیه السلام از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «استغفار کن و تخم مرغ را با پیاز بخور». (1)
3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی از کمی فرزند به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که تخم (مرغ) با گوشت بخور». (2)
4. در سخنی دیگر فرمود: «زرده تخم (مرغ) سبک و سفیده اش سنگین است». (3)
5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد تخم مرغ خوردن، فرزند را زیاد می کند». (4)

لبنیات

شیر

1. کسی به امام باقر علیه السلام از ضعف بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «شیر بخور که گوشت را می رویاند و استخوان را محکم می کند». (5)
2. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صاحب فرزند نمی شود شیر با عسل بخورد». (6)
3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر خوراک پیامبران است». (7)
4. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: با خوردن شیر اذیت شدم.

- 1- محاسن، ص 481، ح 509؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 2.
- 2- محاسن، ص 481، ح 508؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 3.
- 3- محاسن، ص 481، ح 514؛ کافی، ج 6، ص 325، ح 5.
- 4- محاسن، ص 481، ح 510؛ کافی، ج 6، ص 325، ح 4.
- 5- محاسن، ص 492، ح 582؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 7.
- 6- محاسن، ص 492، ح 583؛ کافی، ج 6، ص 337، ح 8.
- 7- محاسن، ص 491، ح 575؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 6.

ص:174

حضرت فرمود: «شیر آسیبی به بدن انسان نمی رساند، (شاید) با شیر چیز دیگری خورده ای که آن باعث آزار تو شده است». (1)

شیر گاو وشتر

1. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از شیر گاو استفاده کنید که از همه درختان تغذیه می کند و خاصیت همه گیاهان در شیر آن هست». (2)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر گاودواست». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شیر گاو برای ناراحتی های معده مفید است». (4)

4. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر شتر شفای همه دردهاست». (5)

5. در حدیثی آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر می خورد می فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَزِدْنَا مِنْهُ».
(6)

ماست و پنیر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد ماست به او آسیبی نرساند آن را با زنیان (7) تناول کند». (8)

1- کافی، ج 6، ص 336، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

2- محاسن، ص 493، ح 588؛ کافی، ج 6، ص 337، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 337، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

4- کافی، ج 6، ص 337، ح 2.

5- محاسن، ص 493، ح 587؛ کافی، ج 6، ص 338، ح 2.

6- ترجمه: «خدایا، آنچه را آشامیدیم بر ما مبارک گردان و از آن نعمت بر ما بیفز». محاسن، ص 491، ح 576؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 1.

7- «زنیان» تخمی است زرد رنگ و خوشبو و طعم آن اندکی تند و تلخ است. گاه آن را روی نان می ریزند. جوانی، نانخواه، زنیان، زنیان و ساسم هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

8- کافی، ج 6، ص 338، باب الماست، ح 1.

ص: 175

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنیر را دوست می دارم». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن پنیر به هنگام صبح مضر است، اما در شب نافع و سودمند است و موجب تولد فرزند می شود». (2)

4. در چندین حدیث آمده که: اگر پنیر و مغز گردو را با هم بخورید دواست، ولی هر یک به تنهایی درد است. (3)

دیگر مواد غذایی

سرکه

1. روایات بسیاری در مدح سرکه وارد شده (4) ، از جمله این که: سرکه خوراک

پیامبران است. و روایت شده است که: بهترین نان خورش ها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه بود؛ به همین علت فرمود: «خانه ای که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست». (5)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه نان خورش نیکویی است، صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده می کند». (6)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه ای که از شراب درست شده (یعنی شراب به سرکه تبدیل شده) باشد، کرم معده را می کشد و ریشه دندان را محکم و عقل را قوی و شهوت را قطع می کند». (7)

1- محاسن، ص 495، ح 596؛ کافی، ج 6، ص 339، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 340، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 340، باب الجبن والجوز، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

4- کافی، ج 6، ص 329، ح 1 - 4؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

5- کافی، ج 6، ص 329، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

6- محاسن، ص 486، ح 547؛ کافی، ج 6، ص 329، ح 7.

7- انگور معمولاً نخست تبدیل به شراب و پس از مدتی تبدیل به سرکه می شود. محاسن، ص 487، ح 550؛ کافی، ج 6، ص 330، ح 9.

ص:176

4. و در حدیثی دیگر فرمود: «بنی اسرائیل در ابتدا وانتهای غذای خود سرکه می خوردند و ما در اول غذا مقداری نمک و در آخر آن سرکه می خوریم». (1)

روغن زیتون

1. در احادیث بسیار، خوردن روغن زیتون و مالیدن آن بر بدن سفارش

شده است. (2)

2. در روایتی آمده است که: «زیتون نان خورش پیامبران و برگزیدگان است». (3)

3. مدح و ستایش میوه زیتون نیز در روایات بسیاری وارد شده است که میوه زیتون بادهای بدن را بیرون می کند. (4)

روغن گاو و عسل

1. در مدح روغن، به خصوص روغن گاو، احادیث بسیار است ولی برای بزرگسالان بالای پنجاه سال منع شده است. (5)
2. و نقل شده است که روغن گاو شفاست. (6)
3. به چند سند از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده است که فرمودند: «هیچ چیز مانند عسل شفابخش نیست. عسل شفای هر دردی است. خوردن عسل و تلاوت قرآن و جویدن گندر، بلغم را می گدازد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 320، ح 12.

2- محاسن، ص 484، ح 531، وص 485، ح 532؛ کافی، ج 6، ص 331، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 331، ح 4، ص 332، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 191.

4- محاسن، ص 483، ح 526 و ص 484، ح 527؛ کافی، ج 6، ص 331، ح 5.

5- کافی، ج 6، ص 335، ح 4.

6- محاسن، ص 498، ح 608؛ کافی، ج 6، ص 335، ح 1.

7- محاسن، ص 498، ح 610؛ کافی، ج 6، ص 332، ح 2.

ص: 177

شکر و گردو

احادیث فراوانی در مدح و وصف شکر وارد شده است. (1) منظور از شکر هر چیزی است که از شکر درست کنند مانند قند، نبات، نقل و جز اینها (البته شکر در زمان قدیم به صورتی سالم تر از امروز تهیه می شد).

1. روایت شده است که امام کاظم علیه السلام هنگام خواب، شکر تناول می فرمود. (2)

2. و در روایت آمده است که شکر برای هر چیزی سودمند است و بلغم را برطرف می کند. (3)

3. در حدیث آمده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و جز آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر خریداری کند، اسرافکار شمرده نمی شود. (4)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مغز گردو در تابستان، حرارت درونی انسان را به حرکت درآورده و باعث ایجاد دمل می شود و در زمستان، کلیه ها را گرم و سرما را از بین می برد». (5)

دعای پس از خوردن و آشامیدن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از هر خوردن و نوشیدن به پیشگاه خدا عرض می کرد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَابْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ». (6)

1- کافی، ج 6، ص 333، ح 2 و 3؛ مکارم الأخلاق، ص 167.

2- محاسن، ص 501، ح 624؛ کافی، ج 6، ص 332، باب السكر، ح 1.

3- محاسن، ص 501، ح 627؛ کافی، ج 6، ص 333، ح 4، ص 334، ح 10.

4- کافی، ج 6، ص 334، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 168.

5- محاسن، ص 497، ح 603؛ کافی، ج 6، ص 340، ح 1.

6- ترجمه: «خداوندا، آنچه را خوردیم بر ما مبارک گردان و بهتر از آن را به ما عطا فرما». محاسن، ص 491، ح 576؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 1.

ص: 178

سبزی ها

اشاره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگز غذایی نزد حضرت علی علیه السلام ننهادند مگر اینکه سبزی خوردن در کنار آن بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «دل های مؤمنان سبز است و به سبزی علاقه مند». (2)

کاسنی

1. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده اش باشد، آن شب از قولنج در امان است». (3)

2. نیز در سخنی فرمود: «کسی که دوست دارد مال و فرزندش زیاد شود، برگ کاسنی زیاد بخورد». (4)

3. در گفتاری دیگر فرمود: «کاسنی سبزی نیکویی است. هیچ برگی از کاسنی نیست مگر اینکه قطره ای از آب بهشت بر روی آن هست؛ پس، در هنگام خوردن آن را فشار ندهید که قطراتش بریزد». (5)

4. نیز در حدیثی فرمود: «کاسنی بهترین سبزی هاست. فرزندان را بسیار نیکو می کند و پسر می آورد». (6)

5. در گفته ای دیگر فرمود: «فضیلت کاسنی بر دیگر سبزی ها، مانند فضیلت ما بر سایر مخلوقات است». (7)

2- محاسن، ص 507، ح 652؛ کافی، ج 6، ص 362، باب البقول، ح 2.

3- محاسن، ص 509، ح 668؛ کافی، ج 6، ص 362، باب ما جاء فی الیهندباء، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 363، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 177.

5- کافی، ج 6، ص 363، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 177.

6- کافی، ج 6، ص 363، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

7- محاسن، ص 509، ح 670؛ کافی، ج 6، ص 363، ح 7.

ص: 179

6. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی شفای همه دردهاست. هیچ دردی در بدن انسان نیست مگر اینکه کاسنی آن را از بیخ و بن قطع می کند». (1)

7. در حدیث است که حضرت رضا علیه السلام در مورد کسی که تب و سردرد داشت فرمود: «کاسنی را بکوبند و بر کاغذی پهن کنند و بر روی آن روغن بنفشه بریزند، سپس بر پیشانی اش بگذارند که تب و سردرد را قطع می کند». (2)

بادروج

1. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی سبزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بادروج (3) سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام و برگ خرفه سبزی

حضرت فاطمه علیها السلام بوده است». (4)

2. در روایتی دیگر فرمود: «کاسنی و بادروج از ماست». (5)

3. در مورد بادروج احادیث بسیاری وارد شده است که باید اوّل غذا خورده شود و «سُدّه» (6) را باز می کند و بر اشتها می افزاید و سل را از بین می برد و آروغ را

خوشبو می کند و انسان را نسبت به خوره، ایمن می سازد و چون در شکم قرار گیرد همه دردها را برطرف می کند. (7)

1- کافی، ج 6، ص 365، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

2- کافی، ج 6، ص 363 ادامه حدیث 9؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

3- «بادروج» ریحان کوهی، نوعی ریحان، گیاهی است دارای برگ های ریز و گل های سرخ رنگ. به معنای گلستان افروز هم گفته اند. بادرویه و بورنگ و بوینگ هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 363، ح 10.

5- کافی، ج 6، ص 368.

6- «سُدّه» در اصطلاح طب به چیزی گفته می شود که در روده گیر کرده و سدّ راه می شود (فرهنگ عمید).

7- کافی، ج 6، ص 364، ح 3 و 4؛ مکارم الأخلاق، ص 179.

ص: 180

تره

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد کسی که طحالش دچار عارضه شده بود فرمود: «سه روز به او تره بخورانید خوب می شود». به فرمایش امام عمل کردند و او بهبود یافت. (1)

2. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تره بخورید

که چهار خاصیت در آن است: بوی بد دهان را برطرف، بادهای بدن را

بیرون، بواسیر را قطع می کند و هر کس مداومت بر آن کند از خوره در امان خواهد بود». (2)

3. در روایت آمده است که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمک ساییده تناول می فرمود. (3)

تره تیزک (سبزی شاهی) و کرفس

1. در حدیث است که خادم امام کاظم علیه السلام می گوید: هرگاه حضرت دستور می داد سبزی بخیریم می فرمود تره تیزک هم بخیرید و می فرمود: «برخی مردم چقدر احمق اند که می گویند تره تیزک در کنار رودخانه جهنم می روید، در حالی که خداوند فرماید: آتش افروز جهنم، مردم و سنگ بت ها یا سنگ کبریت است (4) ،

پس چگونه ممکن است سبزی در جهنم برآید». (5)

2. در روایتی معتبر آمده، امام صادق علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آورده

1- کافی، ج 6، ص 365، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

2- محاسن، ص 510، ح 678؛ کافی، ج 6، ص 365، ح 4.

3- کافی، ج 6، ص 336، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

4- سوره بقره، آیه 24؛ سوره تحریم، آیه 6.

5- برخی این روایت را حمل بر تقیّه کرده اند. محاسن، ص 518، ح 719؛ کافی، ج 6، ص 368، ح 4.

است که فرمود: «کرفس بخورید که خوراک حضرت الیاس ویوسع ویوشع بن نون : بوده است». (1)

گشنیز و برگ خرفه

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن سیب ترش و گشنیز حافظه را کم می کند». (2)

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سبزی ای شریف تر و سودمندتر از خرفه بر روی زمین نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است». (3)

کاهو و برگ چغندر

1. در حدیثی دیگر فرمود: «کاهو بخورید که خون را صاف می کند». (4)

2. از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به بیمارانتان برگ چغندر بخورانید که در آن شفاست. دردی در آن نیست و ضرری ندارد. بیمار را به خواب راحت می برد و ریشه چغندر، سودا را به حرکت درمی آورد». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «چیزی مانند برگ چغندر وارد شکم صاحب ذاتُ الجنب (6) نشده است». (7)

1- محاسن، ص 515، ح 705؛ کافی، ج 6، ص 366، باب الكرفس، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 366، باب الكزبره، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 367، باب الفرغخ، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 180.

4- محاسن، ص 514، ح 703؛ کافی، ج 6، ص 367، باب الخس، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 369، ح 4.

6- به ورم پرده درونی پهلو که باعث درد پهلو وتب وتنگی نفس وسرفه می شود، ذات الجنب می گویند(فرهنگ عمید) ودر فارسی امروز به آن سینه پهلو گفته می شود.

7- کافی، ج 6، ص 369، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 181.

ص:182

چغندر

1. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بیماری خوره را از یهودیان با خوردن چغندر و بیرون آوردن رگ های گوشت دور کرد». (1)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چغندر، سبزی نیکویی است». (2)

کدو و ترب

1. در چندین روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کدو را دوست می داشت (3) و به همسرانش سفارش می کرد که در غذا بسیار کدو بریزند». (4)

2. ودر حدیثی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام سفارش کرد: «کدو فراوان بخور که عقل انسان را بسیار می کند». (5)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ترب سه خاصیت دارد : برگش بادهای بدن را بیرون و تخمش غذا را هضم و ریشه اش بلغم را قطع می کند». (6)

4. ودر حدیثی دیگر فرمود: «برگش مدرّ است». (7)

5. ودر سخنی دیگر فرمود: «تخمش (نیز) مدرّ است». (8)

1- کافی، ج 6، ص 369، باب السلق، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 181.

2- محاسن، ص 520، ح 726؛ کافی، ج 6، ص 369، ح 2.

3- محاسن، ص 521، ح 734؛ کافی، ج 6، ص 370، باب الکماه، ح 2.

4- محاسن، ص 521، ح 736؛ کافی، ج 6، ص 371، ح 6.

5- محاسن، ص 521، ح 732؛ کافی، ج 6، ص 371، ح 7.

6- کافی، ج 6، ص 371، باب الفجل، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 182.

7- محاسن، ص 524، ح 748؛ کافی، ج 6، ص 371، دنباله ح 2.

8- کافی، ج 6، ص 371، ح 1.

ص: 183

گزر (هویج، زردک) وشلغم

1. در روایتی معتبر از امام ششم وهفتم علیهما السلام آمده است که فرمودند: «خوردن هویج بر قدرت آمیزش می افزاید واز قولنج امان می دهد وبواسیر را درمان می کند». (1)

2. در چهار حدیث صحیح ومعتبر آمده است که: شلغم بخورید وبر آن مداومت کنید، زیرا شلغم زمینه بیماری خوره را که در همه هست از بین می برد. (2)

خیار و بادمجان

1. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک

تناول می کرد. (3)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیار را از ته آن بخورید که باعث برکت می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بادمجان بخورید که درد را می برد و با آن

دردی نیست». (5)

احادیث فراوانی در مدح بادمجان و منافع آن وارد شده است. (6)

پیاز

1. در چندین روایت از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «پیاز بوی بد دهان را از بین می برد، بلغم را زایل می کند، سستی و واماندگی را برطرف می سازد،

1- کافی، ج 6، ص 372، باب الجزر، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 184.

2- کافی، ج 6، ص 372، باب السلجم، ح 1 - 4؛ مکارم الأخلاق، ص 181.

3- کافی، ج 6، ص 373، باب القثاء، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

- 4- کافی، ج 6، ص 373، باب القناء، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 185.
- 5- محاسن، ص 526، ح 757؛ کافی، ج 6، ص 373، باب الباذنجان، ح 1.
- 6- کافی، ج 6، ص 373، باب الباذنجان، ح 2 و 3؛ مکارم الأخلاق، ص 183 و 184.

ص:184

ریشه دندان ها را محکم می کند، بر قدرت آمیزش می افزاید، نسل را زیاد می کند، تب را قطع و پوست را لطیف می کند». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هر شهری سفر کردید پیاز همان شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور می کند». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیاز وتره را خام و پخته خوردن اشکالی ندارد، اما هر که آن را می خورد وارد مسجد نشود که کراهت دارد، زیرا کسی که نزد او می نشیند (از بوی دهانش) اذیت می شود». (3)

سیر و آویشن

1. در حدیثی امام محمد باقر علیه السلام آورده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس سیر بخورد به خاطر بوی بد آن به مسجد نرود. اما کسی که قصد ندارد به مسجد برود می تواند سیر بخورد». (4)

2. در احادیث در مدح آویشن آمده که: معده را تقویت می کند و اگر صبح ناشتا آن را نرم کنند و بر روی زبان بریزند و بخورند رطوبت معده را از بین می برد. (5)

قارچ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «قارچ جزء منّ (ترنجبین) است که بر بنی اسرائیل نازل شد. (6) ومنّ (ترنجبین) از بهشت آمده

وآبش شفای چشم است.» (7)

1- کافی، ج 6، ص 374، باب البصل، ح 1 - 4؛ مکارم الأخلاق، ص 182.

2- کافی، ج 6، ص 374، باب البصل، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 182.

3- کافی، ج 6، ص 375، باب الثوم، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 374، باب الثوم، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 375، باب اسعته، ح 1 و 2.

6- در آیه 57 سوره بقره به این موضوع اشاره شده است.

7- کافی، ج 6، ص 370، باب الکماه، ح 2؛ محاسن، ص 527، ح 761.

ص: 185

میوه ها

انگور

1. در روایتی آمده است که یکی از پیامبران از اندوه به خدا شکایت کرد. وحی آمد که انگور بخور. (1)

2. در احادیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد مشاهده استخوان مرده ها، اندوهی بزرگ در وجودش پدید آورد. از این غم به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که انگور سیاه بخور تا اندوه تو زایل شود.» (2)

3. در روایتی آمده است که امام سجّاد انگور را بسیار دوست می داشت. روزی روزه بود، هنگام افطار همسرش خوشه ای انگور برای آن حضرت آورد، در حالی که ابتدای فصل انگور بود. فقیری رسید و حضرت انگور را به او داد. زن به دنبال فقیر رفت و خوشه انگور را از وی خرید و نزد حضرت گذاشت. نیازمند دیگری از راه رسید و حضرت انگور را به او داد. بار دیگر آن زن در پی سائل رفت و انگور را از وی خرید و نزد حضرت نهاد. این کار چهار بار تکرار شد، تا امام در مرتبه چهارم انگور را تناول فرمود. (3)

4. در حدیث است که ابو عکاشه خدمت امام باقر علیه السلام رسید، انگوری نزد وی نهادند. حضرت فرمود: «کهنسالان و کودکان انگور را دانه دانه بخورند و هر که بترسد سیر نشود سه دانه و چهار دانه بخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحبّ است». (4)

1- کافی، ج 6، ص 351، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 174.

2- محاسن، ص 548، ح 870، کافی، ج 6، ص 350، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 350، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 174.

4- کافی، ج 6، ص 351، ح 6.

ص: 186

مویز (کشمش)

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح ناشتا (پیش از صبحانه) بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد، تمام بیماری هایش درمان می شود، جز مرگ». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کشمش طائف، عصب های بدن را محکم و انسان را شاد می کند و ملالت و ضعف را از بین می برد». (2)

انار

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «میوه صد و بیست نوع دارد و بهتر از همه انار است». (3)
2. در روایتی دیگر فرمود: «انار بخورید که گرسنه را سیر و غذای انسان سیر را هضم می کند». (4)
3. در سخنی دیگر فرمود: «هیچ میوه ای نزد پیامبر محبوب تر از انار نبود». (5)
4. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق فرمود: «انار شیرین بخورید که هیچ دانه ای از آن وارد معده مؤمن نمی شود مگر اینکه دردی را برطرف و وسوسه شیطان را از وی دور می کند». (6)
5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) یک انار بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد». (7)

1- محاسن، ص 548، ح 871؛ کافی، ج 6، ص 351، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 352، ح 4.

3- محاسن، ص 539، ح 821؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 2.

4- محاسن، ص 540، ح 823؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 1.

5- محاسن، ص 541، ح 833؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 3.

6- محاسن، ص 545، ح 853؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 10.

7- محاسن، ص 545، ح 847؛ کافی، ج 6، ص 353، ح 11.

6. در سخنی دیگر فرمود: «انار را با پیه آن (برگ نازکی که میان انبوه دانه های انار است) بخورید که معده را دباغی می کند و بر شعور آدمی می افزاید». (1)

7. و در گفتاری دیگر فرمود: «انار ترش و شیرین برای بدن شایسته تر است». (2)

سیب

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سیب معده را

جلا می دهد». (3)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب برای از بین بردن

اثر زهر، سحر، استیلائی اجنه، غلبه بلغم مؤثر است و هیچ چیز نفعش از آن

بیشتر نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سه چیز است که ضرری نمی رساند: انگور رازقی، نیشکر، سیب». (5)

4. در روایات معتبر آمده است که خوردن سیب، تب و رعاف (خون دماغ) و طاعون را درمان می کند. (6)

5. نیز در حدیثی معتبر آمده است که سویق سیب خشک، خون دماغ را

قطع می کند. (7)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ دوایی در از بین بردن

1- محاسن، ص 542، ح 839؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 12.

2- محاسن، ص 543، ح 841؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 14.

3- محاسن، ص 553، ح 900؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 1.

4- محاسن، ص 553، ح 898؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 2.

5- مکارم الأخلاق، ص 168.

6- محاسن، ص 551، ح 889 و 552؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 3 و ص 356، ح 4.

7- کافی، ج 6، ص 356، ح 6.

ص: 188

زهر، بهتر از خوراک آرد سیب نیست». (1)

7. در سخنی دیگر فرمود: «اگر مردم بدانند چه منفعت هایی در سیب است بیماران خود را جز با آن معالجه نمی کنند».

(2)

8. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب بخورید که معده را دباغی می کند». (3)

به

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن به، دل ضعیف را قوی، معده را پاکیزه و آدمی را زیرک و مرد ترسو را شجاع می کند». (4)

2. از حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «به، رنگ را صاف و فرزند را نیکو می کند». (5)

3. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک به بخورد، حق تعالی تا چهل روز حکمت را بر زبانش جاری می سازد». (6)

4. در سخنی دیگر فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه بوی به با او بوده است». (7)

و در ادامه فرمود: «به، اندوه اندوهگین را می برد همان گونه که دست، عرق جبین را می گیرد». (8)

1- کافی، ج 6، ص 356، ح 7.

2- محاسن، ص 551، ح 891، کافی، ج 6، ص 356، ح 10.

3- کافی، ج 6، ص 357، ح 11.

4- محاسن، ص 550، ح 883؛ کافی، ج 6، ص 357، ح 1.

5- محاسن، ص 549، ح 873، کافی، ج 6، ص 357، ح 2.

6- محاسن، ص 548، ح 875؛ کافی، ج 6، ص 357، ح 5.

7- کافی، ج 6، ص 358، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 172.

8- محاسن، ص 550، ح 884؛ کافی، ج 6، ص 358، ح 7.

5. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) به بخورد، نطفه اش پاکیزه و فرزندش خوشرو می شود». (1)

انجیر

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف و استخوان را محکم می کند و مو را می رویند. وبا وجود آن، نیاز به داروی دیگری نیست و شبیه ترین میوه به میوه های بهشت است». (2)
2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر، گرفتگی روده ها را درمان می کند و برای بادهای قولنج، سودمند است. در روز بسیار بخورید ولی در شب زیاد نخورید». (3)
3. نیز روایت شده است که: «انجیر، بواسیر (4) و نفرس (5) را درمان می کند و بر قوت آمیزش می افزاید». (6)

گلابی و آلو

1. در حدیثی با سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می دهد و دردهای درونی بدن را به امر و فرمان پروردگار ساکت می کند». (7)

1- محاسن، ص 549، ح 879؛ کافی، ج 6، ص 357، ح 3.

2- محاسن، ص 544، ح 903؛ کافی، ج 6، ص 358، ح 1.

3- طبّ الاثمه، ص 137.

4- «بواسیر» ورم دردناک رگ های مقعد است که گاه از آن خون می آید و بیشتر به سبب یبوست مزمن، یانشتن زیاد، به خصوص نشستن سر پا تولید می شود و با عمل جراحی معالجه می شود (فرهنگ عمید).

5- «نقرس» ورم و آماس و درد شدیدی است که در پا و بند انگشتان به خصوص شست پا بروز می کند (فرهنگ عمید).

6- مکارم الأخلاق، ص 174.

7- کافی، ج 6، ص 358، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 175.

ص:190

2. در حدیث معتبر دیگری آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «گلابی معده را دباغی می کند و به آن قوت و قدرت می دهد و پس از غذا، نافع تر است از ناشتا خوردن». (1)

3. در روایتی دیگر فرمود: «گلابی برای درمان قولنج نافع است». (2)

4. در حدیث است که زیاد قندی می گوید خدمت امام موسی کاظم علیه السلام رسیدم. ظرفی آب نزد حضرت بود که در آن آلوی سیاه ریخته شده بود. حضرت فرمود: «حرارتی بر من مستولی و غالب شده بود. آلوی تازه، حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن می کند. و آلوی خشک، خون را ساکن کرده و دردهای کهنه را از بدن می کشد». (3)

ترنج و سنجد

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام از کسی پرسید: «اطبای شما در مورد ترنج چه می گویند؟» عرض کرد: می گویند باید پیش از غذا خورد. حضرت فرمود: «من می گویم پس از غذا بخورید». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ترنج بخورید که آل محمد آن را می خوردند». (5)

ونان خشک، ترنج را هضم می کند». (6)

3. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله نگاه

1- کافی، ج 6، ص 358، ح 2.

2- روایتی به این مضمون یافت نشد؛ اما در کافی (ج 6، ص 358) حدیثی به شرح زیر هست که قابل تطبیق بر مضمون بالاست. امام صادق علیه السلام فرمود: گلابی بخورید که قلب را جلا می دهد و بیماری ها و دردهای داخلیرا تسکین می بخشد».

3- کافی، ج 6، ص 359، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 175.

4- محاسن، ص 555، ح 909؛ کافی، ج 6، ص 359، ح 2.

5- محاسن، ص 555، ح 907؛ کافی، ج 6، ص 360، ح 3.

6- کافی، ج 6، ص 360، ح 4.

ص: 191

کردن به ترنج سبز و سیب سرخ را دوست می داشت». (1)

نکته: عرب به لیمو و نارنج هم ترنج می گوید.

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن مغز سنجد گوشت، پوستش پوست و استخوانش استخوان را می رویاند. خوردن سنجد کلیه ها را گرم و معده را دباغی می کند. و انسان را از بواسیر و ریزش بول حفظ می کند و ساق پا را قوت می دهد و ریشه خوره را قطع می کند». (2)

خرما

1. در احادیث معتبر نقل شده که: «پنج میوه از بهشت آمده است: انار ملس، سیب شامی، به، انگور رازقی، رطب مشان».

(3)

2. در روایتی معتبر آمده است که هرگاه چند نوع غذا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود، خوردن را از خرما آغاز می کرد. (4)

3. در حدیث است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام خرما را دوست می داشت. (5)

4. در حدیث است که سلیمان بن جعفر می گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. ظرفی از خرمای برنی نزد آن حضرت بود و امام با اشتها و اشتیاق از آن تناول می کرد. فرمود: «سلیمان، نزدیک بیا واز این خرما بخور». عرض کردم: فدایت شوم بسیار جدی واز روی اشتها تناول می کنید! فرمود: «آری، دوست دارم چرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم امام کاظم : همگی

1- کافی، ج 6، ص 360، ح 6.

2- کافی، ج 6، ص 361، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 176.

3- کافی، ج 6، ص 349، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 170.

4- محاسن، ص 531، ح 780؛ کافی، ج 6، ص 345، باب التمر، ح 2.

5- محاسن، ص 531، ح 784؛ کافی، ج 6، ص 345، ح 3.

ص: 192

خرما را دوست داشتند. من نیز خرما را دوست دارم و شیعیان ما هم دوست دارند، زیرا شیعیان ما از طینت ما خلق شده اند. و دشمنان ما شراب را دوست دارند، زیرا آنها از آتش خلق شده اند». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روزی هفت دانه خرما می خورد، عجز او از طینت ما از خرماهای اطراف مدینه است، ناشتا (پیش از صبحانه) بخورد، هیچ زهر و سحر و شیطانی به او آسیب نمی رساند». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب، هفت دانه خرما می خورد، کرم های شکمش از بین می رود». (3)

7. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دود چوب درخت خرما، حشرات و گزندگان زمین را دور می کند». (4)

خریزه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خریزه بخورید که دارای ده ویژگی است: زیانی ندارد، خوردنی است (جنبه غذایی دارد)، آشامیدنی است (مایع مورد نیاز بدن را تأمین می کند)، میوه است، گل است (خاصیت میوه و گل را دارد)، نوعی مواد شوینده محسوب می شود و دهان را پاک می کند، نان خورش است، بر قدرت آمیزش می افزاید، مثانه را شسته و سنگ مثانه را از طریق ادرار دفع می کند». (5)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن خریزه پیش از

1- کافی، ج 6، ص 345، ح 6.

2- محاسن، ص 532، ح 789؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 19.

3- محاسن، ص 533، ح 791؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 20.

4- محاسن، ص 545، ح 857؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 18.

5- خصال، ج 2، ص 210، ح 26؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

ص:193

صبحانه موجب فلج شدن است». (1)

3. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خربزه را با رطب تناول می کرد و این کار را دوست می داشت. (2)

آداب میوه خوردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام میوه خوردن بسم الله بگوید آسیبی به وی نمی رسد». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میوه تازه (نوبر) می دید، آن را می بوسید و بر هر دو دیده می نهاد و می فرمود: اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَاهَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ». (4)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کنندن پوست میوه ها(بی که با پوست قابل خوردن است) کراهت دارد». (5)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «بر روی هر میوه ای زهری است، آن را پیش از خوردن بشویید». (6)

5. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند: انجیر و خرما و دیگر میوه های مانند آن را دو تا دو تا خوردن چه حکمی دارد؟ فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرد؛ پس اگر تنها باشید به هر صورت که بخواهید بخورید و اگر با جمعی از مسلمانان می خورید چنین نکنید

1- کافی، ج 6، ص 361، باب البطیخ، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

2- کافی، ج 6، ص 361، باب البطیخ، ح 1 - 5؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

3- مکارم الأخلاق، ص 170.

4- ترجمه: «پروردگارا، همان گونه که در ابتدای فصل، این میوه را در حال عافیت به ما دادی، تا انتهای فصل آنرا در حال عافیت به ما عنایت فرما». مکارم الأخلاق، ص 146 و 170.

5- محاسن، ص 556، ح 912؛ کافی، ج 6، ص 350، ح 3.

6- محاسن، ص 556، ح 913؛ کافی، ج 6، ص 350، ح 4.

ص: 194

ویک دانه یک دانه بخورید». (1)

6. در روایتی معتبر آمده است که روزی حضرت رضا علیه السلام دید خادمانش میوه ای را نیم خورده، دور انداخته اند. فرمود: «سبحان الله، اگر شما بی نیاز شده اید، دیگران بی نیاز نیستند، آن را به کسی که نیاز دارد بدهید». (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «باید انگور و انار را با دو دست خورد». (با یک دست بگیرند و با دست دیگر بخورند). (3)

حبوبات

برنج

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برنج غذای نیکو و خوبی است. روده ها را باز و بواسیر را درمان می کند». (4)

2. در چند حدیث آمده است که: ما بیماران خود را با برنج مداوا می کنیم. (5)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از درد شکم شکایت کرد. حضرت فرمود: «برنج را بشوی و در سایه خشک کن و اندکی از آن را بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف دست از آن بخور». (6)

4. در روایتی دیگر آمده است که: آن حضرت دل درد داشت، دستور داد برنج را با سماق بپزند و چون تناول کرد، درد برطرف شد. (7)

1- محاسن، ص 442، ح 311؛ علل الشرایع، ج 2، ص 519، باب 294، ح 1.

2- محاسن، ص 441، ح 304؛ کافی، ج 6، ص 297، ح 8.

3- محاسن، ص 556، ح 914؛ مکارم الأخلاق، ص 174.

4- محاسن، ص 503، ح 634؛ کافی، ج 6، ص 341، ح 2.

5- کافی، ج 6، ص 342، ح 5.

6- محاسن، ص 503، ح 633؛ کافی، ج 6، ص 342، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 342، ح 7.

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای سل چیزی سودمندتر از نان برنج نیست». (1)

6. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان برنج برای مبتلایان به اسهال وسل مفید است و دردهارا از بدن می کشد». (2)

نخود بریان و عدس

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام قبل وبعد از غذا، نخود بریان تناول می فرمود. (3)

2. در روایات معتبر و بسیاری آمده است که: خوردن عدس، دل را نرم و اشک را جاری می کند. (4)

باقلا و لوبیا و ماش

1. در حدیثی معتبر آمده است که: باقلا ساق پاها را پر مغز و قدرت مغز را زیاد و خون تازه تولید می کند. (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که: باقلا را با پوست بخورید که معده را

دبّاغی می کند. (6)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن لوبیا بادهای درونی را بیرون می کند». (7)

- 1- کافی، ج 6، ص 305، ح 1.
- 2- کافی، ج 6، ص 305، ح 2.
- 3- محاسن، ص 505، ح 644؛ کافی، ج 6، ص 342، ح 1.
- 4- کافی، ج 6، ص 343، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 188.
- 5- محاسن، ص 506، ح 647، کافی، ج 6، ص 344، باب الباقلی واللویبا، ح 1.
- 6- محاسن، ص 506، ح 650؛ کافی، ج 6، ص 344، باب الباقلی واللویبا، ح 3.
- 7- کافی، ج 6، ص 344، ح 4.

ص:196

4. کسی از بهق (1) به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود :

«ماش را پخته و به غذایت اضافه کن و آن را بخور». (2)

خوردن خاک و گل

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس گل بخورد و بمیرد، در خون خود شریک است». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت

آدم علیه السلام را از خاک آفرید، به همین علت خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرد». (4)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بزرگ ترین دام های شیطان، خوردن خاک و گل است که دردهایی در بدن ایجاد می کند و موجب خارش بدن و بواسیر می شود و دردهای سوداوی معلول آن است و قوت را از ساق پا می برد و هر چه از قوتش به سبب خوردن خاک و گل کم شده و در نتیجه از اعمال خیرش کاسته شده، در قیامت بازخواست خواهد شد و سپس عذاب می شود». (5)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گل، خرد کردن گل خشک شده با دست، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش». (6)

5. در احادیث معتبر آمده است که: «خوردن هر گلی حرام است (همان گونه

1- «بهق» لکه سفیدی است که بر اثر علّتی غیر از برص، روی پوست بدن پیدا می شود و در فارسی آن را بهکمی گویند (فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 314، باب الماش، ح 1.

3- دعائم الاسلام، ج 2، ص 148، ح 538.

4- کافی، ج 6، ص 265، ح 4؛ علل الشرایع، ج 2، ص 532، باب 317، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 266، ح 6؛ تهذیب، ج 9، ص 103، ح 377.

6- خصال، ج 1، ص 209، ح 40؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 246، ح 10.

ص: 197

که مردار و خون و گوشت خوک حرام است) مگر گل قبر امام حسین علیه السلام که خوردن آن به اندازه یک عدس، شفای هر درد و امان از هر ترسی است». (1)

(بهتر است آن را در استکان کوچکی از آب بریزند و میل کنند).

فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن

میهماننداری و فضیلت آن

1. در احادیث معتبر و بسیار آمده است که: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمان خود را گرامی بدارد. (2)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی هزار درهم برای تهیه غذایی هزینه کند و مؤمنی از آن بخورد، اسراف نکرده است». (3)
3. در روایات متعددی آمده است: هرگاه میهمان بیاید روزی اش همراهش می آید و هنگامی که غذا بخورد، خدا صاحب خانه را می آمرزد. (4)
4. و در روایتی دیگر می خوانیم: «چون میهمان بیرون رود، خداوند گناه تو و عیالت را بیرون می برد». (5)
5. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک لقمه غذایی که برادر مؤمن نزد من بخورد، از آزاد کردن برده ای نزد من محبوب تر است». (6)
6. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که صدای میهمانی را بشنود و با آن شاد گردد، گناهانش بخشوده می شود». (7)

1- کافی، ج 6، ص 266، ح 9؛ تهذیب، ج 9، ص 103، ح 376.

2- کافی، ج 6، ص 285، باب حق الضیف و اکرامه، ح 1 و 2.

3- مکارم الأخلاق، ص 134.

4- کافی، ج 6، ص 284، ح 1.

5- محاسن، ص 390، ح 28؛ کافی، ج 2، ص 201، ح 8.

6- محاسن، ص 393، ح 46؛ کافی، ج 2، ص 203، ح 13.

7- جامع الأخبار، ص 136.

ص:198

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر خانه ای که میهمان به آن نرود، فرشتگان وارد آن نمی شوند». (1)

8. از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به برادر مؤمنی برادری کنم او را سیر سازم، این کار برای من بهتر است از آنکه شکم ده مسکین را سیر کنم». (2)

9. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی را به سفره خود دعوت کن که برای رضای خدا او را دوست می داری». (3)

قبول کردن دعوت مؤمنین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را به میهمانی دعوت کرد قبول کند». (4)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سفارش می کنم به حاضران و غایبان از امتم که دعوت مسلمانان را قبول کنند، هر چند پنج میل (5)

فاصله باشد، چرا که پذیرش دعوت از نظر دین لازم است». (6)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی (که اندکی گوشت بر آن باشد) دعوت کند اجابت می کنم». (7)

4. و در سخنی دیگر فرمود: «بدترین عجزها آن است که شخصی برادرش را به غذایی دعوت کند و او قبول نکند». (8)

1- جامع الأخبار، ص 136.

2- محاسن، ص 392، ح 35.

3- محاسن، ص 391، ح 29.

4- محاسن، ص 391، ح 29.

5- هر «میل» یک سوم فرسخ است؛ پس پنج میل حدود دو فرسخ است.

6- محاسن، ص 411، ح 142؛ کافی، ج 6، ص 274، ح 4.

7- محاسن، ص 411، ح 143؛ کافی، ج 6، ص 274، ح 1.

8- محاسن، ص 411، ح 146.

ص: 199

ولیمه ومیهمانی دادن

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه ومیهمانی دادن در پنج چیز سنت است: عروسی، عقیقه، ختنه کردن پسر، خریدن یا ساختن خانه نو، بازگشت از سفر». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «در وقتی که از سفر حج بازگردد». (2)

3. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کردند از اینکه ولیمه مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا حضور نداشته باشند. (3)

بی دعوت به میهمانی رفتن

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هشت کس اگر خوار و ذلیل شود، جز خود کسی را سرزنش نکند: آن که بدون دعوت سر سفره ای حاضر شود، میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید، کسی که از دشمن خود طلب خیر کند، کسی که از انسان های پست و بخیل فضل و احسان بطلبد، کسی که خود را داخل در رازی کند که بین دو تن بوده است؛ البته بدون رضایت آنها، آن که به بزرگان توهین کند، کسی که در محلی از مجلس بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد، هر که با کسی سخن گوید که به سخنش گوش فرا ندهد». (4)

آداب پذیرایی از میهمان

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه برادر مؤمن به خانه ات آمد از او نپرس که چیزی خورده ای یا نه، بلکه هر چه در خانه

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 257؛ خصال، ج 1، ص 280، ح 84.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 257؛ خصال، ج 1، ص 280، ح 84.

3- کافی، ج 6، ص 282، ح 4.

4- خصال، ج 2، ص 175، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 256.

داری برایش بیاور که جواد وجوانمرد آن است که هر چه دارد برای میهمانش حاضر کند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برادر مؤمن میهمان تو شد او را دعوت به خوردن کن، اگر نخورد دعوت به نوشیدنی کن، اگر نپذیرفت دعوت به شست و شوی دست و صورت با آب کن، یا او را معطر ساز». (2)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله گرامی داشتن برادر مؤمن آن است که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته برایش هدیه بیاورد و نسبت به چیزی که نداشته باشد بر او تکلیف نکند». (3)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که امکانات موجود خود را در پذیرایی از میهمانی که برایش آمده کوچک بشمرد، به زحمت می افتد و هر کس هدیه ای را که مؤمن برایش می آورد کوچک و ناچیز بشمرد هلاک می شود». (4)

وظایف میزبان

میهمان سرزده و دعوت نشده

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادر مؤمن بدون دعوت و سرزده میهمان تو شد، آنچه در خانه داری برایش بیاور و خود را به زحمت نینداز. و اگر با دعوت قبلی آمد در پذیرایی از او تلاش کن». (5)

1- کافی، ج 6، ص 285، باب حق الضیف و اکرامه، ح 1 و 2.

2- محاسن، ص 417، ح 179؛ کافی، ج 6، ص 275، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 275، باب انس الرجل فی منزل أخیه، ح 1.

4- محاسن، ص 415، ح 167؛ کافی، ج 6، ص 276، دنباله حدیث 3.

5- تکلیف یعنی اضافه بر آنچه در خانه دارد از بیرون برای او چیزی فراهم کند؛ یعنی خود را به رنج انداختن. محاسن، ص 410، ح 138؛ کافی، ج 6، ص 276، ح 6.

ص: 201

به خدمت گرفتن میهمان

1. ابن ابی یعفر می گوید: میهمانی را در خانه امام صادق علیه السلام دیدم که برای انجام دادن کاری برخاست، حضرت او را منع کرد و خود برخاست و آن کار را انجام داد و فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خدمت کردن میهمان برای میزبان

نهی کرد». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که میهمانی در حضور امام رضا علیه السلام خواست چراغ را تمیز کند. حضرت او را از این کار نهی کرد و خود به اصلاح

چراغ پرداخت و فرمود: «ما اهل بیت اجازه نمی دهیم میهمان در خانه به ما خدمت کند». (2)

وظایف میزبان در سر سفره

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله میهمان داشت پیش از همه شروع به خوردن غذا می کرد و بعد از همه دست از غذا خوردن می کشید». (3)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که به جماعتی آب دهد، باید خودش پس از همه آب بنوشد». (4)

3. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که او را گرمی داشته و (حتی) برایش خلال حاضر سازد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 283، باب کراهیه استخدام الضیف، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 283، باب کراهیه استخدام الضیف، ح 2.

3- محاسن، ص 268، ح 349، کافی، ج 6، ص 285، باب الأکل مع الضیف، ح 1 و 2.

4- محاسن، ص 452، ح 368.

5- محاسن، ص 564، ح 964؛ کافی، ج 6، ص 285، ح 3.

ص: 202

استقبال و بدرقه میهمان

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله موارد ضعف و سستی انسان آن است که کسی به تو احسان کند و تو پاسخ احسان او را ندهی. و خدمت کردن میهمان به صاحب خانه بر خلاف آداب است، بلکه هرگاه میهمانی بر انسان وارد می شود باید به او (برای آوردن اسبابش) کمک کند و هنگامی که می خواهد برود به او کمک نکند که این کار دلیل بر خست نفس است. و در تهیه توشه همراهی اش کنی و توشه خوشبو و نیکویی برای وی فراهم آورید که این کار دلیل بر جوانمردی است». (1)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که تا در خانه همراهش بروید». (2)

اشاره

1. در حدیث است که ابن ابی یعفور می گوید میهمان امام صادق علیه السلام شدم. حضرت دستور داد غذا حاضر کنند. یکی دیگر از میهمانان به نام هشام گفت: من کمتر چیزی می خورم. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی که محبت مؤمن بر مؤمن به مقدار غذایی است که از او می خورد». این مطلب در احادیث فراوانی

آمده است. (3)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سخاوتمند و بلندهمت از طعام مردم می خورد تا مردم نیز از غذایش بخورند. و بخیل غذای مردم را نمی خورد تا از غذایش نخورند». (4)

1- کافی، ج 6، ص 283، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 659، ح 1؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 69، ح 323.

3- محاسن، ص 413، ح 160؛ کافی، ج 6، ص 278، ح 1.

4- کافی، ج 4، ص 41، ح 10؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 12، ح 26.

ص: 203

3. در احادیث معتبر آمده است که: هر کس وارد شهری شود میهمان برادران مؤمن و همکیشان خود در آن شهر است. وسزاوار نیست میهمان بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبدا صاحب خانه غذایی تهیه کند و خورده نشود. همان گونه که میزبان نباید بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبدا میهمان شرم کند و غذا نخورد. (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی میهمان دیگری شود، هر کجا که صاحب خانه امر کند بنشیند، زیرا صاحب خانه از امور پنهانی خانه اش بهتر خبر دارد». (2)

اندازه میهمانی

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حدّ ضیافت و میهمانی سه روز است و پس از سه روز، صدقه ای است که میزبان به میهمان می دهد». (3)

2. و در سخنی دیگر فرمود: «آن قدر نزد میزبان نمانید که او را در هم شکنید». عرض شد: ای رسول خدا، چگونه در هم می شکنند؟ فرمود: «آن قدر بمانید که برای پذیرایی از شما به زحمت بیفتد». (4)

فضیلت خلال کردن و آداب آن

فضیلت وفایده خلال کردن

اشاره

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ملائکه هیچ چیز

1- کافی، ج 6، ص 282، ح 1 و 2.

2- قرب الإسناد، ص 73، ح 212.

3- کافی، ج 6، ص 283، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 283، باب انّ الضیافه ثلاثه ایام، ح 2.

ص: 204

را دشمن ندارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده ای طعامی مانده (وخلال نکرده و سبب بدبویی دهانش شده) است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت آورد و فرمود: خلال ریشه دندان را اصلاح می کند و بر روزی می افزاید». (2)

چوب خلال

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با چوب گل و چوب درخت انار خلال نکنید که محرک بیماری خوره اند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با «نی» خلال نکنید که تا شش روز حاجاتتان برآورده نمی شود». (4)

3. نیز در سخنی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله با هر چوبی خلال می کرد، جز برگ درخت خرما و نی». (5)

4. در حدیثی آمده است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خلال کردن با چوب درخت انار و درخت مورد و نی نهی کرد و فرمود: اینها زمینه ساز بیماری خوره هستند». (6)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خلال کردن با چوب گز موجب فقر و بی چیزی است». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 152.

2- کافی، ج 6، ص 376، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 153.

3- کافی، ج 6، ص 377، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 152.

4- محاسن، ص 564، ح 968؛ کافی، ج 6، ص 377، ح 8.

5- کافی، ج 6، ص 377، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 153.

6- محاسن، ص 564، ح 968؛ کافی، ج 6، ص 377، ح 8.

7- مکارم الأخلاق، ص 152.

ص: 205

آداب خلال کردن

1. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «آنچه با خلال بیرون می آوری فرو نبر که موجب جراحت های داخلی می شود». (1)

2. در احادیث دیگر آمده است: «آنچه را با خلال بیرون می آوری (نخور، بلکه) بیرون بینداز». (2)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خلال می کنید آب نخورید، مگر اینکه سه نوبت مضمضه کنید و آب دهان را بیرون بریزید». (3)

4. در احادیث معتبر وارد شده است که داخل و خارج از دهان را بعد از غذا با «سُعد» (4) و «اشنان» (5) بشویید. (6)

فضیلت نوشیدن آب وانواع آن

فضیلت نوشیدن آب و خواص آن

1. در احادیث معتبر آمده است که بهترین آشامیدنی های دنیا و آخرت،

آب است. (7)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از آشامیدن آب دنیا لذت ببرد، خداوند متعال در آخرت او را از آشامیدنی های بهشت

1- کافی، ج 6، ص 378، ح 4.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 226، ح 1059.

3- مکارم الأخلاق، ص 153، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- «سعد» گیاهی از تیره جگن ها که قسمتی از ساقه های زیرزمینی آن غده ای شکل و دارای مواد غذایی چربوشیرین است که به مصرف خوراکی می رسد (لغت نامه متوسط دهخدا).

5- «اشنان» یا «اشنیان» یک ماده شوینده قدیمی است.

6- کافی، ج 6، ص 378، ح 1 و 3 و 379، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 191.

7- محاسن، ص 570، ح 2؛ کافی، ج 6، ص 380، ح 1.

ص: 206

بهره مند می سازد تا از آنها هم لذت ببرد». (1)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه طعمی دارد؟ حضرت فرمود: «طعم حیات، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ». (2)

4. در حدیث دیگری می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، در حالی که حضرت خرما تناول می کرد و پس از آن آب نوشید. عرض کرد: اگر بعد از خرما آب نخورید بهتر است. حضرت فرمود: «برای این خرما می خورم که لذت نوشیدن آب را ببرم». (3)

5. در حدیث است که ابن ابی طیفور خدمت امام کاظم علیه السلام رسید (ظاهراً این شخص طبیب بود و حضرت کسالتی داشت). حضرت را از نوشیدن آب برحذر داشت. حضرت فرمود: «نوشیدن آب اشکالی ندارد، زیرا غذا را در معده جابه جا می کند و غضب را فرو می نشاند و بر عقل می افزاید و از صفرا می کاهد». (4)

آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده

آب زمزم

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین آب روی زمین آب زمزم و بدترین آن آب برهوت است؛ برهوت سرزمینی است در یمن که ارواح کافران را شبانه به آنجا می برند و در عذاب هستند». (5)

1- کافی، ج 6، ص 381، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 219.

2- ترجمه: «وهر موجود زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟» (سوره انبیاء، آیه 30) کافی، ج 6، ص 381، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 151.

3- محاسن، ص 571، ح 7؛ کافی، ج 6، ص 381، ح 3.

4- محاسن، ص 572، ح 15؛ کافی، ج 6، ص 381، ح 2.

5- محاسن، ص 573، ح 18؛ کافی، ج 6، ص 386، ح 3.

ص: 207

2. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم دوای هر دردی است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب زمزم درمان هر بیماری است». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم را برای هر حاجتی بنوشند آن حاجت برآورده می شود». (3)

آب فرات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گمان نمی کنم کام کودکی را با آب فرات بردارند مگر اینکه دوستدار ما اهل بیت شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آب فرات

فرو می ریزد». (5)

3. در سخنی دیگر فرمود: «اگر هم فاصله بین من و آب فرات بسیار باشد، برای شفا به آنجا می روم و از آب فرات می نوشم». (6)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر نزدیک آب فرات بودم دوست می داشتم صبح وشام نزد آن بروم». (7)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند، همه آنها شیعه ما خواهند شد». (8)

1- محاسن، ص 573، ح 19؛ کافی، ج 6، ص 387، ح 5.

2- محاسن، ص 573، ح 20؛ کافی، ج 6، ص 386، ح 4.

3- بحار الأنوار، ج 57، ص 45، ح 17 از در المنثور.

4- کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

6- محاسن، ص 575، ح 26؛ کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

7- کافی، ج 6، ص 388، ح 4.

8- کافی، ج 6، ص 389، ح 5.

ص: 208

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشته ای هر شب سه مثقال از مشک بهشتی در آب فرات می ریزد. و هیچ نهری در شرق و غرب عالم پربرکت تر از نهر فرات نیست». (1)

آب باران و آب ناودان کعبه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از آب باران بنوشید که بدن را پاک و دردها و بیماری ها را از بدن بیرون می کند». (2)

2. در حدیث است که مصادف از یاران حضرت صادق علیه السلام می گوید: یکی از دوستان ما در مکه بیمار شد، بیماریش چندان شدت گرفت که به حال احتضار افتاد. وضعیّت او را به امام صادق علیه السلام عرض کردم. حضرت فرمود: «اگر من جای شما بودم از آب ناودان کعبه به او می دادم». ما در شهر مکه در جست و جوی آب ناودان کعبه رفتیم ولی نیافتیم. به ناگاه ابری در آسمان ظاهر و صدای رعد و برق بلند شد و باران شروع به باریدن کرد. ظرفی را زیر ناودان کعبه نهادیم، سپس ظرف پر از آب را نزد بیمار بردیم. از آن آب نوشید و همان ساعت شفا یافت. (3)

آب خنک

1. در روایتی آمده است که حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) (4) فرمود: «منظور از آن نعمت ها، رطب و آب سرد است». (5)

2. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن آب سرد

1- کافی، ج 6، ص 389، ح 6؛ کامل الزیارات، ص 48 و 49.

2- کافی، ج 6، ص 387، ح 2.

3- محاسن، ص 574، ح 24؛ کافی، ج 6، ص 387، ح 6.

4- ترجمه: «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». سوره تکوین، آیه 8.

5- مکارم الأخلاق، ص 157.

ص: 209

لذت بیشتری دارد». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب سرد حرارت بدن را فرو می نشاند و صفراراساکن می کند و غذا را در معده می گذارد و تب را پایین می آورد». (2)

آب جوشیده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده برای همه دردها سودمند است و هیچ ضرری ندارد». (3)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده ای که هفت بار بجوشد واز ظرفی به ظرف دیگر برگردانده شود، تب را زایل کرده وساق پا وقدم ها را قوت می بخشد». (4)

آب هایی که نوشیدن آن مذموم است

1. در احادیث فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شفا طلبیدن از آب های گرم که بوی گوگرد می دهد واز کوه ها می جوشد نهی کرد وفرمود : «گرمی آن آب ها از گرمی جهنم است». (5)

2. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از اینکه کسی از آب تلخ و آبی که بوی گوگرد می دهد طلب شفا کند، کراهت داشت ومی فرمود: «حضرت نوح علیه السلام به هنگام طوفان، آب ها را طلبید، همه اجابت کردند جز آب تلخ و آب گوگرد، پس هر دو را نفرین کرد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 382، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 156.

3- مکارم الأخلاق، ص 157.

4- مکارم الأخلاق، ص 157.

5- کافی، ج 6، ص 389، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 13.

6- کافی، ج 6، ص 390، ح 4.

ص: 210

فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب

از امام حسن و امام حسین علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: «ولایت ودوستی ما را بر همه آب ها عرضه کردند، هر آبی که آن را پذیرفت شیرین وگوارا شد وهر آبی که نپذیرفت تلخ و شور شد». (1)

آداب خوردن آب

طرز نوشیدن آب

(مقدمه:) در احادیث بسیاری آمده است که ایستاده آب خوردن خوب و آب را به یک نفس خوردن نیکو است، ولی بهتر است که به سه نفس خورده شود و در روز ایستاده و در شب نشسته بخورد. (به روایاتی در این باره توجه کنید:)

آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا می شود». (2)
2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخورید، زیرا موجب دردی می شود که درمان نداشته باشد، مگر آنکه خدا عافیت دهد». (3)
3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخور و بر گرد هیچ قبری نگرد و در آب راکد ادرار نکن، زیرا هر کس این کارها را انجام دهد و بلایی به او برسد، کسی جز خود را سرزنش نکند». (4)

1- کافی، ج 6، ص 389، دنباله حدیث 3.

2- کافی، ج 6، ص 383، دنباله ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 223.

3- خصال، ج 2، ص 429، ح 335؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 458، ح 1.

4- علل الشرایع، ج 1، ص 283، باب 200، ح 1.

صدوق رحمه الله فرمود: روایاتی که از آب خوردن در حال ایستاده نهی می کند منظور، آب خوردن در شب است.

4. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث قوت و صحت بیشتر بدن می شود». (1)

این روایت و مانند آن مربوط به آب خوردن در روز است؛ بنابراین، همان گونه که مراجع تقلید فرموده اند: ایستاده آب خوردن در روز اشکال ندارد، ولی در شب مکروه است.

چگونگی آب خوردن

1. در روایتی که با دو سند صحیح به امام صادق علیه السلام می رسد آمده است که حضرت فرمود: «آب را به سه نفس خوردن بهتر از یک نفس خوردن است». (2)

2. در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دمیدن در آب با دهان نهی کرد. (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در صورتی دمیدن در آب مکروه است که کس دیگری بخواهد از آن آب بخورد، مبدا که او از این کار ناراحت شود». (4)

4. در روایتی آمده است که حضرت صادق علیه السلام از خوردن آب با دست چپ نهی کرد. (5) و در سخنی دیگر فرمود: «آب را بمکید و اندک اندک بنوشید و دهان را

پر نکنید که باعث درد جگر می شود». (6)

1- محاسن، ص 581، ح 57.

2- کافی، ج 6، ص 383، ح 7 و 8؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 223، ح 1040.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 427.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 518، باب 290، ح 1.

5- محاسن، ص 455، ح 381؛ کافی، ج 6، ص 272، ح 1.

6- محاسن، ص 575، ح 27.

ص: 212

ظرف آب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله آب خوردن در «قدح شامی» را دوست می داشت و می فرمود: پاکیزه ترین ظرف های شما قدح های شامی است». (1) ولذا برای آن حضرت این گونه ظروف را از شام هدیه

می آوردند. (2)

2. در حدیث آمده است که حضرت باقر علیه السلام از کوزه سفالی آب می نوشید. (3)

3. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاه در قدح های آبگینه که از شام می آوردند و گاه در قدح چوبی آب می آشامید. (4)

4. در روایتی آمده است: حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که (به خاطر نداشتن ظرف) دهان بر آب گذاشته و می خوردند، فرمود: «با دست آب بخورید که بهترین ظرف های شماست». (5)

دعاهای قبل وبعد از نوشیدن آب

ابتدا به نام خدا وانتهایا به حمد او

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آداب آشامیدن آب به این شرح است: گفتن بسم الله در ابتدا والحمد لله در پایان ونوشیدن آب از جای دسته کوزه وجایی که شکسته یا رخنه داشته باشد که این دو موضع جای شیطان است». (6) (ممکن است اشاره به جمع شدن میکروب ها در این گونه جاها باشد).

1- محاسن، ص 577، ح 38؛ کافی ج 6، ص 386، ح 8.

2- محاسن، ص 577، ح 40؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 1.

3- محاسن، ص 583، ح 71؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 2.

4- مکارم الأخلاق، ص 31.

5- محاسن، ص 577، ح 37؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 7.

6- محاسن، ص 577، ح 41.

ص:213

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید ودمی بخورد والحمد لله بگوید، سپس بسم الله بگوید ومقداری بخورد والحمد لله بگوید واین کار را سه بار تکرار کند، مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید وثوابش از آن او باشد». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه شخصی با یک نوبت آب خوردن بهشتی می شود، بدین ترتیب که آب بخورد وهنوز سیراب نشده آب را از لب جدا کند وحمد خدای به جا آورد، سپس آب خوردن را ادامه دهد وهنوز سیراب نشده، آب را از لب جدا کند وحمد خدای گوید سپس آب بنوشد. خداوند به سبب این کار او را بهشتی می کند». (2)

4. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آب می آشامید این دعا را می خواند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زَلَالًا وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا اَجَااَ وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا». (3)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در وقت نوشیدن آب این دعا را بخوانید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانِي فَارُوَانِي وَاَعْطَانِي فَارُضَانِي وَعَافَانِي وَكَفَانِي. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَسْعِدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (4)

1- محاسن، ص 578، ح 45؛ کافی، ج 6، ص 384، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 384، ح 1؛ معانی الأخبار، ص 385.

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آبی گوارا و زلال نوشانید، نه شور و ناگوار و ما رابه گناهانمان نگرفت (ومؤاخذه نکرد)». قرب الإسناد، ص 36، ح 66؛ کافی، ج 6، ص 384، ح 2.

4- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب داد و سیرابم کرد و عطا کرد و راضی ام نمود و عافیتمبخشید و کفایتم کرد. بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که در قیامت از حوض (کوثر) محمد صلی الله علیه و آله به همراه آنحضرت به آنان آب می دهی و با همنشینی آن حضرت آنها را سعادتمند می کنی، به مهربانی خودت ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص 151؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 475.

ص: 214

سلام بر حسین شهید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس آب بنوشد و از تشنگی امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت یاد کند و قاتلین آن حضرت را نفرین نماید، خداوند متعال پاداش های بسیار زیادی برایش خواهد نوشت و در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد و با خیالی آسوده محشور می گرداند». (1) و اگر

چنین بگوید خوب است: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِ». (2)

دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی در شب آب بنوشی ظرف آب را بردار و آن را حرکت بده و بگو: یا ماء، ماء زَمْزَمٍ وَمَاءِ فُرَاتٍ يُقْرَأُكَ السَّلَامَ». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در شب آب بنوشد و سه مرتبه بگوید: «عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمٍ وَمَاءِ الْفُرَاتِ» آب به او ضرر نمی زند». (4)

مقدار نوشیدن آب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد آب نخور که هر دردی را به سوی تو جذب می کند و تا وقتی که طاقت درد داری از دارو استفاده

1- کافی، ج 6، ص 391، ح 6؛ کامل الزیارات، ص 106.

2- ترجمه: «درود و سلام خداوند بر حسین علیه السلام و خاندان و یارانش و لعنت خداوند بر کشتندگان حسین علیه السلام و دشمنانش».

3- ترجمه: «ای آب، آب زمزم و فرات بر تو درود می فرستند». کافی، ج 6، ص 384، ح 4.

4- ترجمه: «درود و سلام آب زمزم و فرات بر تو باد». مکارم الأخلاق، ص 157.

نکن». (1) (تا بدن با قدرت خود، بیماری را بیرون کند که گرفتار ضایعات داروها نشود).

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب خوردن زیاد پس از غذا ضرر ندارد، اما در غیر آن زمان زیاد آب نخور». (2)

1- کافی، ج 6، ص 382، ح 2.

2- محاسن، ص 572، ح 16؛ کافی، ج 6، ص 382، ح 3.

ص:216

ص:217

فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان

اشاره

1. فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت

2. صفات پسندیده وناپسند زنان

3. آداب خواستگاری و زمان مناسب آن

4. آداب زفاف و آمیزش

5. دعا و نماز در شب زفاف وهنگام آمیزش

6. حقوق زن وشوهر بر یکدیگر

7. دعاهای طلب فرزند وفضیلت آن

8. احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن

9. عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد وآداب آن

10. ختنه کردن

11. آداب شیر دادن و تربیت فرزند

12. رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان

ص:218

ص:219

فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت

ازدواج و دینداری

1. در حدیثی امام صادق علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس زنی را به عقد خود درآورد نصف دینش را حفظ کرده است، پس باید تقوای الهی را برای حفظ نصف دیگر آن به کار بندد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «بدترین مردان شما بی زن ها هستند. چه چیز مانع شما از ازدواج می شود؟ شاید خداوند فرزندی به شما بدهد که زمین را به گفتن لا إله إلا الله سنگین کند». (2)

3. ودر حدیثی دیگر فرمود: «هر کس می خواهد از سنت من پیروی کند، ازدواج کند». (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوش ندارم دنیا و آنچه در دنیاست را داشته باشم و یک شب بدون همسر بخوابم». سپس فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از عبادات شخص مجردی است که تمام شب ها

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 241، ح 1141 و 1142؛ مکارم الأخلاق، ص 196.

2- مکارم الأخلاق، ص 196.

3- کافی، ج 5، ص 329، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 196.

ص: 220

نماز بخواند و روزها را روزه باشد». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل برابر با هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است». (2)

6. به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «از دنیای شما همسران و بوی خوش را اختیار کردم و روشنی دیده من در نماز است». (3)

از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ازدواج را برای ترس از فقر ترک کند به خداوند بدگمان است، زیرا خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)». (4)

دوست داشتن همسر

1. در حدیثی به سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داشتن همسر از اخلاق پیامبران است». (5)

2. در روایتی فرمود: «گمان نمی کنم ایمان کسی بالا رود، مگر اینکه محبتش به همسرش زیاد شود». (6)

1- تهذیب، ج 7، ص 467، ح 576؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

2- کافی، ج 5، ص 328، باب کراهیه العزبه، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

3- خصال، ج 1، ص 167، ح 189؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 218، ح 7.

4- ترجمه: «اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد». (سوره نور، آیه 32) کافی، ج 5، ص 330، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 196.

5- کافی، ج 5، ص 320، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

6- کافی، ج 5، ص 321، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 242، ح 1151.

ص: 221

لزوم آمیزش با همسر

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سه چیز از سنت پیامبران است: بوی خوش، ازاله موهای زاید بدن و همخوابی با همسر». (1)

2. زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید واز شوهرش که نزد او نمی رفت شکایت کرد. حضرت فرمود: «خود را خوشبو ساز تا نزد تو آید». زن گفت: به هر عطری که داشتم خود را خوشبو ساختم ولی باز از من دوری می کند. حضرت فرمود: «اگر می دانست این کار چه ثوابی دارد از تو دوری نمی کرد». سپس فرمود: «هرگاه به سوی تو حرکت کند دو فرشته او را همراهی می کند و ثوابش چونان کسی است که سلاح به دست گرفته، در راه خدا جهاد می کند وزمانی که با تو درآمیزد گناهانش می ریزد همچون ریزش برگ درختان و هرگاه غسل کند از گناهان خارج می شود». (2)

رهبانیت ممنوع

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «همسر عثمان بن مظعون خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، شوهرم روزها را روزه می گیرد و شب ها به عبادت می پردازد و نزد من نمی آید. حضرت خشمناک شد و با همان حال نزد عثمان بن مظعون رفت و فرمود: «ای عثمان، خداوند مرا به رهبانیت نفرستاده، بلکه به دین مستقیم و آسان مبعوث کرده است. من نماز می خوانم، روزه می گیرم و با همسرانم نزدیکی می کنم؛ پس هر که مرا دوست دارد باید طبق سنت و روش من عمل کند و آمیزش با همسران از

1- کافی، ج 5، ص 320، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 66، ح 568.

2- کافی، ج 5، ص 496، ح 4.

ص:222

سنت من است». (1)

2. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «سه زن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند. یکی گفت: شوهرم گوشت نمی خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند. و سومی گفت: شوهرم نزد همسرانش نمی رود. حضرت به سوی مسجد حرکت کرد، در حالی که از شدت خشم عباى وی بر زمین کشیده می شد. بر فراز منبر رفت،

حمد و ثنای الهی گفت و فرمود: چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزد همسرانشان نمی روند؟ در حالی که من گوشت می خورم و بوی خوش می بویم و نزد همسرانم می روم. هر کس از سنت من پیروی نکند از من نیست». (2)

3. در روایتی معتبر آمده است که سکین نخعی بوی خوش و غذاهای لذیذ و آمیزش با همسرانش را ترک کرده و به عبادت پرداخته بود. در این موضوع نامه ای به حضرت صادق علیه السلام نوشت و آن حضرت در پاسخ نوشتند: «اما در مورد زنان، می دانی حضرت رسول چند همسر داشت و نزد آنها می رفت. و اما غذای لذیذ، حضرت رسول گوشت و عسل تناول می کرد». (3)

صفات پسندیده و ناپسند زنان

اهمیت همسر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن همچون گردنبند (وقلاده ای) است که به گردن خود می افکنی، دقت کن که چگونه گردنبندی برای خود انتخاب می کنی». (4)

1- کافی، ج 5، ص 494، باب کراهیه الرهبانیه و ترک الباه، ح 1.

2- کافی، ج 5، ص 496، ح 5.

3- کافی، ج 5، ص 320، ح 4.

4- کافی، ج 5، ص 332، باب اختیار الزوجه، ح 1، تهذیب، ج 7، ص 464، ح 561.

ص: 223

2. و در حدیثی دیگر فرمود: «زنان صالحه و غیر صالحه هیچ یک قابل قیمت گذاری نیستند. اگر زن صالحه باشد هیچ طلا و نقره ای معادل ارزش او نخواهد بود، بلکه از طلا و نقره بهتر است. و اگر غیر صالحه باشد به خاک هم نمی ارزد، بلکه خاک از او بهتر است». (1)

3. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند جهانیان فرماید: هرگاه اراده کنم که خوبی های دنیا و آخرت را به کسی دهم این نعمت ها را نصیبش می کنم: دل شکسته خاشع، زبان ذاکر، بدن صبور بر بلا، زن مؤمن که هرگاه به او نگاه کند شاد شود و چون شوهر غایب شود خود را نگاه دارد و اموال شوهر را ضایع نکند». (2)

4. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «شخص عاقل و بسیار ثروتمندی در بنی اسرائیل زندگی می کرد که دارای دو همسر بود. یک فرزند از همسر عقیفه اش داشت که در شکل و شمایل شبیه پدر بود و دو فرزند از همسر دیگر که عفتی نداشت. به هنگام مرگ وصیت کرد که همه اموال من از آن یکی از شماهاست. چون پدر مرد هر کدام ادعا کرد که تمام اموال به وی می رسد. نزد قاضی رفتند، گفت: نزد آن سه برادر که به عقل و درایت در بین مردم مشهورند بروید تا در میان شما حکم کنند. نزد یکی از آنها رفتند که ظاهراً از همه بزرگ تر بود و آثار پیری در چهره اش نمایان بود. او گفت: نزد فلان برادرم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که نزد او رفتند وی نه پیر و نه جوان بود، بلکه میانسال به نظر می رسید. او گفت: نزد برادر سوم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که او را ملاقات کردند با کمال تعجب دیدند او از همه آنها جوان تر است. پرسیدند: چطور برادر کوچک تر از همه پیرتر و تو که از همه بزرگ تری از

1- کافی، ج 5، ص 332، باب اختیار الزوجه، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 464، ح 561.

2- کافی، ج 5، ص 327، ح 2.

ص: 224

آنها جوان تری؟ پاسخ داد: اما برادر کوچک تر ما، همسر بسیار بدی دارد که برادرمان بر بدی های او صبر می کند، مبادا که به بلای دیگری مبتلا شود که نتواند صبر کند، بدین جهت از همه پیرتر نشان می دهد. و اما برادر دیگر همسری دارد که گاه خوشحالش می کند، بدین جهت میانسال مانده است. و اما من، همسری دارم که همواره مرا خوشحال می کند و هرگز خاطر من را نمی آزارد، بدین سبب جوان مانده ام. به هر حال آن سه برادر داستان خود را نقل کردند و از او داوری خواستند. وی گفت: نخست بروید استخوان های پدر را از قبر خارج کرده و آتش بزنید، سپس بیایید تا در میان شما حکم کنم. چون از نزد آن شخص رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگ برداشتند. هنگامی که به سر قبر رسیدند و قصد داشتند قبر پدر را با کلنگ بشکافند، پسر کوچک در مقابل آنها شمشیر کشید و گفت: اجازه نمی دهم قبر

پدرم را بشکافید، من از سهم خود گذشتم و اموال پدر را به شما واگذار کردم. آنها نزد قاضی بازگشته و ماجرا را شرح دادند. قاضی اموال را به پسر کوچک واگذار کرد و خطاب به آن دو گفت: اگر شماها هم فرزند او بودید، مهر و عاطفه فرزندی مانع بیرون آوردن استخوان های پدرتان می شد». (1)

معیارهای معنوی همسر خوب

1. در روایتی معتبر آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هر کس زنی را برای زیبایی یا اموالش بخواهد از هر دو محروم خواهد شد. و اگر به خاطر دین و ایمانش با وی ازدواج کند، خداوند زیبایی و ثروت نیز روزی او کند». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به کفو وهم شأن خود

1- راوندی، قصص الانبیاء، ص 182.

2- کافی، ج 5، ص 333، باب من تزوج ذات دین، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 203.

ص: 225

دختر بدهید و از کفو وهم شأن خود دختر بگیرید. و برای نطفه خود زنی پیدا کنید که شایسته فرزنددار شدن باشد». (1)

معیارهای جسمی همسر شایسته

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با دختر باکره ازدواج کنید که فرزند بسیار آورد. و به سراغ زنی که از هر جهت مورد قبول شماست ولی فرزند نمی آورد نروید که من به تعداد مسلمانان نسبت به امت های دیگر در روز قیامت مباحثات می کنم. مگر نمی دانید که فرزندان در زیر عرش الهی برای پدران خود طلب آمرزش می

کنند. و حضرت ابراهیم علیه السلام از آنها نگهداری کرده و حضرت ساره آنها را بر فراز کوهی از مشک و عنبر و زعفران تربیت می کند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با دختران باکره ازدواج کنید که دهانشان خوشبوتر و رحم هایشان خشک تر و پستان هایشان پرشیرتر و فرزندان بیشتری می آورند. مگر نمی دانید که من در روز قیامت به فزونی جمعیت مسلمانان افتخار می کنم؟ حتی فرزندی که پیش از موعد سقط شده باشد خشمناک بر در بهشت می ایستد. خداوند فرماید: وارد شو، می گوید: نمی روم تا پدر و مادرم پیش از من وارد بهشت شوند. سپس خداوند به فرشتگان دستور می دهد که

پدر و مادرش را وارد بهشت کنید. پس از ورود آنها به بهشت، به آن طفل می فرماید: به خاطر رحمت زیادی که نسبت به تو داشتم پدر و مادر تو را هم وارد بهشت کردم». (3)

1- کافی، ج 5، ص 332، ح 3؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 192، ح 704.

2- کافی، ج 5، ص 334، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 334، باب فضل الأبکار، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 462، ح 555.

ص: 226

3. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت انسان است که زنی سفیدرو داشته باشد». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که قصد خواستگاری از زنی داشتید از موهایش بپرسید، همان گونه که از چهره اش

سؤال می کنید». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنی را خواستگاری کن که گندمگون، فراخ چشم، سیاه چشم، بزرگ سر، میانه بالا باشد. اگر نپسندید بیایید مَهر او را از من بگیرید.» (3)

6. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوبی زن آن است که مَهرش کم وزاییدنش آسان باشد. وشومی زن آن است که مَهرش سنگین وزاییدنش دشوار باشد.» (4)

بهترین و بدترین زنان

1. در روایتی با سند معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که: فرزند بسیار آورد، شوهر دوست، عقیف، در میان خویشاوندانش عزیز، نزد شوهرش فروتن باشد، برای شوهرش زینت کند، از دیگران شرم کرده و عفت پیشه سازد، هر چه شوهرش گوید اطاعت کند، با شوهر گلاویز نشود و او را وادار بر آمیزش نکند.» (5) سپس فرمود: «بدترین زنان

1- کافی، ج 5، ص 335، ح 7.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 245، ح 1164 از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ مکارم الأخلاق، ص 200 از امام سجّاد علیه السلام.

3- کافی، ج 5، ص 335، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 199.

4- کافی، ج 5، ص 564، ح 37؛ مکارم الأخلاق، ص 198.

5- کافی، ج 5، ص 324، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 200.

ص: 227

شما زنی است که: در میان قومش خوار، بر شوهر مسلط باشد، فرزند نیاورد، کینه توز باشد، از کارهای زشت و قبیح اجتناب نرزد، هنگامی که شوهرش نیست آرایش کند، خود را به دیگران عرضه نماید، هرگاه شوهر به منزل می آید خود را از وی پنهان سازد، از شوهر اطاعت نکند، در خلوت با شوهر از او مضایقه کند، از تقصیر شوهر درنگذرد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «زنان قریش بهترین زنان مسلمان و مهربان ترین زنان نسبت به شوهران و فرزندانشان و امین ترین همسران نسبت به شوهران و باعفت ترین زنان نسبت به غیر شوهرانشان هستند». (2)

و مصداق قریش در روزگار ما سادات هستند.

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین زنان امت من زنی است که از دیگران خوش روتر و مهرش سبک تر باشد». (3)

زنی که از کارکنان خداست

در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: زنی دارم که هرگاه به خانه روم از من استقبال و چون بیرون آیم بدرقه ام می کند و هنگامی که مرا غمگین بیند می گوید: چرا ناخوشی؟ اگر برای رزق و روزی غمگین هستی خداوند متکفل روزی ما و دیگران است و اگر برای آخرت محزونی، دعا می کنم که خدا اندوه تو را بزدايد. حضرت فرمود: «خداوند کارکنانی دارد و این زن از کارکنان خداست و نیمی از ثواب شهید را دارد». (4)

1- کافی، ج 5، ص 325، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 202.

2- کافی، ج 5، ص 326، باب فضل نساء قریش، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 466، ح 573 از امیرالمؤمنین علیه السلام.

3- کافی، ج 5، ص 324، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 201.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 246، ح 1169؛ مکارم الأخلاق، ص 200.

آداب خواستگاری و زمان مناسب آن

خواستگاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی به خواستگاری بروی دو رکعت نماز بگزار و حمد و ستایش پروردگار را به جا آور، سپس این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَنَ فَرَجًا وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَمَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً وَقَدِّرْ لِي وَكِدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است». (2)

3. در حدیث است که به حضرت باقر علیه السلام خبر رسید شخصی در گرمای هوا و در وسط روز به خواستگاری زنی رفته است. حضرت فرمود: «گمان نمی کنم محبت و الفت در میان آنها استوار شود». آنها به زودی از هم جدا شدند. (3)

زمان عقد و زفاف

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عقد یا زفاف کند در حالی که قمر در عقرب باشد، عاقبت به خیر نمی شود». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، می خواهم ازدواج کنم. همسری برایم مقدر کن که پاکدامن ترین زنان و نگاه دارنده ترین آنها در حفظ و نگهداری خود و مال، از نظر روزی گسترده تر و از جهت برکت عظیم تر باشد و فرزند پاکروزی ام گردان که جانشین شایسته ای در حیات و پس از مرگ من باشد». کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 205.

2- علل الشرایع، ج 3، ص 598.

3- کافی، ج 5، ص 366، باب الوقت الذی یکره فیہ التزوید، ح 1.

4- تهذیب، ج 7، ص 470، ح 585؛ مکارم الأخلاق، ص 198.

ص: 229

2. در روایتی معتبر آمده است که عقد کردن در ماه شوال خوب است. (1)

3. در حدیثی معتبر آمده است که ازدواج در شب مستحب است. (2)

ولیمه ازدواج

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا دادن به هنگام ازدواج از سنت پیامبران است».

(3)

2. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون با میمونه ازدواج کرد به مردم ولیمه داد و غذای آن روز

چیزی به نام «جلس» بود که از خرما و روغن و کشک تهیه می شد. (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه روز اول ازدواج لازم و در روز دوم نیک و در روز

سوم، ریا و سمعه است». (5)

خواندن خطبه عقد

در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام برای عقد کردن دختر مأمون چنین خطبه خواند: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ إِفْرَارًا
بِنِعْمَتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصًا لِيُوحِدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَالْأَصْفِيَاءِ مِنْ عَتَرَتِهِ. أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيَّ

الْأَنَامِ أَنْ أَعْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)». (6)

1- کافی، ج 5، ص 563، ح 29.

2- کافی، ج 5، ص 366، باب ما يستحبّ من التزويج بالليل، ح 1؛ تهذيب، ج 7، ص 482، ح 632.

3- کافی، ج 5، ص 367، ح 1؛ تهذيب، ج 7، ص 472، ح 590.

4- کافی، ج 5، ص 368، باب الإطعام عند التزويج، ح 2؛ تهذيب، ج 7، ص 471، ح 589.

5- الجعفریات، ص 164؛ کافی، ج 5، ص 368، ح 4.

6- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به نعمت او اعتراف دارم و خدایی جز الله که خالصانه به وحدانیت او اعتراف می کنم وجود ندارد و درود خداوند بر سرور مخلوقاتش و برگزیدگان از ذریه اش. اما بعد، از فضل خداوند بر مردم این است که آنان را با حلال از حرام بی نیاز گردانید و فرمود: مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است». (سوره نور، آیه 32) مکارم الأخلاق، ص 206.

ص: 230

سایر خطبه های طولانی در کتاب های مبسوط و مفصل ذکر شده است (1)

و این کتاب گنجایش آن را ندارد و در مورد آداب صیغه نکاح کتابی جداگانه نوشته ام.

آداب زفاف و آمیزش

اشاره

(مقدمه:) انجام دادن مراسم عروسی (زفاف) به هنگامی که قمر در عقرب است، یا تحت الشعاع (2) باشد، کراهت دارد. و آمیزش در حال عادت ماهیانه، یا

هنگامی که زن خون نفاس دیده حرام است، اما تمتعات دیگر (غیر از آمیزش) جایز است هر چند نسبت به بین ناف وزانو کراهت دارد. و برخی فقها آمیزش پس از پاک شدن و پیش از غسل را حرام دانسته اند و احتیاط در اجتناب است مگر اینکه ضرورتی باشد وزن مستحاضه اگر غسل و دیگر وظایفش را انجام دهد آمیزش اشکال ندارد. آنچه گفته شد در مورد آمیزش از طریق متعارف بود، اما در آمیزش با همسر از طریق غیر متعارف (از پشت) بین فقها اختلاف نظر است؛ عده ای آن را حرام و بیشتر علما آن را مکروه می دانند و احوط اجتناب است و بهتر است به هنگام آمیزش با همسر، نطفه را بیرون نریزد و برخی علما این کار را بدون اجازه همسر حرام می دانند.

1- به کتاب بحارالانوار، ج 103، ص 263، باب 6 مراجعه فرمایید.

2- کنایه از دو یا سه روز آخر هر ماه که جرم قمر (ماه) در آن ایام بر اثر باریکی زیاد، دیده نمی شود. (لغت نامه خدا).

ص: 231

اوقات مکروه آمیزش

شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرد نباید در شب چهارشنبه با همسرش آمیزش کند». (1)

2. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در تحت الشعاع با همسرش آمیزش کند، (بیم آن می رود که) موجب سقط جنین شود». (2)

آمیزش در اول و وسط و آخر ماه

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اوّل ووسط وآخر ماه آمیزش نکن که موجب سقط فرزند می شود. و اگر سقط نشود دیوانه به دنیا می آید، یا مبتلا به بیماری صرع خواهد شد. و نطفه کسانی که بیماری صرع دارند اکثر در اوّل یا آخر ماه منعقد شده است.» (3)

2. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در اوّل ووسط ماه آمیزش نکن که زمینه بیماری های جنون، خوره وفساد عقل را در همسر و فرزندت به وجود می آورد.» (4)

3. همچنین فرمود: «ای علی، در شب نیمه شعبان آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید شوم و نامیمون باشد. و در روز آخر ماه شعبان نیز این کار را ترک کن، چرا که اگر فرزندی به وجود آید یاور ستمکاران شود.» (5)

1- کافی، ج 5، ص 366، باب الوقت الّذی یکره فیہ التّزوِج، ح 3.

2- کافی، ج 5، ص 499، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 474، ح 60.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 255، ح 1208.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

ص: 232

آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جنب شدن به هنگام طلوع آفتاب و نیز هنگام زردی آفتاب که خورشید غروب می کند کراهت دارد.» (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که: «آمیزش میان سپیده صبح تا طلوع آفتاب و از هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن سرخی مغرب و در روزی که آفتاب می گیرد و در شبی که ماه می گیرد و در شب یا روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد می

وزد کراهت دارد. به خدا قسم، اگر در این اوقات آمیزش کنند و فرزندى به دنیا آید آنچه را دوست دارند در آن فرزند نخواهند یافت، زیرا نشانه های خشم الهی را سبک شمرده اند». (2)

آمیزش در شب عید فطر وعید قربان ودر برابر آفتاب

1. در حدیث است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب عید فطر با همسر خود هم بستر نشو که اگر نطفه فرزندى در آن شب منعقد شود، منشأ شرور فراوانی خواهد شد». (3)

2. نیز فرمود: «ای علی، در شب عید قربان با زوجه خود آمیزش نکن که اگر فرزندى منعقد شود، نقص عضو خواهد داشت». (4)

3. نیز فرمود: «ای علی، در برابر تابش مستقیم نور آفتاب آمیزش نکن، مگر اینکه پرده ای میان خود و آفتاب قرار دهی، زیرا اگر در چنان حالتی فرزندى به وجود آید همواره پریشان وبدحال باشد». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 47، ح 182، ج 3، ص 255، ح 1209.

2- محاسن، ص 311، ح 26؛ کافی، ج 5، ص 498، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

ص:233

اوقات حرام آمیزش

(مقدمه): آمیزش با همسر در پاره ای از اوقات حرام است که علامه مجلسی رحمه الله فقط به یک مورد آن اشاره کرده است. (توجه کنید):

در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هر کس با همسرش در حال حیض همبستر گردد ونطفه فرزندی در آن حال بسته شود، سپس آن فرزند به دنیا آید در حالی که مبتلا به بیماری پیسی باشد، جز خود هیچ کس را سرزنش نکند». (1)

اوقات مستحب آمیزش

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آمیزش در شب اول ماه مبارک رمضان مستحب است». (2)

2. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی به وجود آید، (امید است) حافظ قرآن وراضی به قسمت خدا باشد». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، اگر در شب سه شنبه آمیزش کنی و خداوند فرزندی نصیب تو کند، سعادت اسلام نصیب وی شود ودهانش خوشبو ودلش مهربان ودستش سخاوتمند وزبانش از غیبت وتهمت پاک باشد». (4)

4. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، اگر در شب پنجشنبه آمیزش کنی ونطفه

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 256، ح 1213.

2- کافی، ج 4، ص 108، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 112، ح 481.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

ص: 234

فرزندی منعقد شود، حاکمی از حاکمان دینی، یا دانشمندی از دانشمندان خواهد شد». (1)

5. نیز در سخنی فرمود: «ای علی، اگر در شب جمعه آمیزش کنی و فرزندى از آن به وجود آید، خطیب و سخنگو باشد. و چنانچه در شب جمعه بعد از نماز عشا باشد، امید است که آن فرزند از ابدال (شریف و صالح و نیکوکار) باشد». (2)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی زنی را ببیند و از او خوشش بیاید، با همسرش آمیزش کند زیرا او هم زنی است مانند آن زن؛ شیطان را بر دل خود مسلط نکند. و اگر همسری ندارد دو رکعت نماز بگزارد و حمد و ستایش خدا فراوان گوید و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، سپس از خداوند تقاضای همسر کند تا او را از حرام بی نیاز سازد». (3)

7. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، هرگاه در عصر جمعه آمیزش کنی و فرزندى به وجود آید، از داناىان مشهور خواهد بود». (4)

مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است

1. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، زیر درخت دارای میوه آمیزش نکن که اگر فرزندى به وجود آید، (بیم آن می رود که) جلاّد و قاتل مردم، یا رئیس و سرکرده ستمکاران باشد». (5)

2. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، بر پشت بام آمیزش نکن که اگر فرزندى

- 1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.
- 2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.
- 3- خصال، ج 2، ص 433؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 287، ح 19.
- 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.
- 5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

ص: 235

به وجود آید، (بیم آن می رود که) منافق وریاکار و بدعتگذار باشد». (1)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست ندارم کسی که در سفر برای غسل کردن آب در اختیار ندارد آمیزش کند، مگر اینکه بترسد

به او زبانی برسد». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اتافی که کودکی در آن باشد آمیزش نکنید که آن کودک یا فرزندی که از آن آمیزش به وجود می آید، عقیف نباشد». (3)

5. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حق خداوندی که جانم در دست اوست، هرگاه کسی با همسر خود آمیزش کند و در آنجا کسی بیدار باشد که ایشان را ببیند، یا سخن و نفس آنها را بشنود، فرزندی که از این آمیزش به وجود آید رستگار نشود و عقیف نباشد». (4)

کارهای مکروه به هنگام آمیزش

1. در حدیثی معتبر و صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام آمیزش سخن نگوئید، زیرا بیم آن می رود که اگر فرزندی به وجود آید لال باشد. (5) و شوهر در آن وقت به عورت زوجه نگاه نکند، زیرا بیم نابینایی فرزند می رود». (6)

توجه: این سخن در روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

2- تهذیب، ج 7، ص 482، ح 634.

3- کافی، ج 5، ص 499، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 612.

4- کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

5- کافی، ج 5، ص 498، ح 7؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 608.

6- تهذیب، ج 7، ص 477، ح 613.

ص: 236

علی علیه السلام نیز آمده است. البته نگاه کردن به عورت زوجه، در برخی دیگر از روایات جایز شمرده شده است. (1) و این نشان می دهد که آنچه در روایت بالا

آمده، حکم تحریم نیست بلکه دلالت بر کراهت این کار دارد.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، با علاقه زن دیگر با همسر خود آمیزش نکن که اگر در این حال فرزندی نصیب تو شود، (بیم آن می رود که) آلوده دامن باشد». (2)

3. در گفته ای دیگر فرمود: «ای علی، هنگامی که همسرت حامله است، بدون وضو با او آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، کوردل و بخیل باشد». (3)

4. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زن وشوهر به هنگام آمیزش کاملاً عریان نشوند، زیرا این کار موجب دوری فرشتگان از آنها می شود». (4)

حالت های مکروه به هنگام آمیزش

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که محتلم شده، پیش از آنکه غسل جنابت کند با همسر خود آمیزش نکند و اگر آمیزش کرد و فرزند عقب افتاده ای نصیبش شد، جز خود کسی را سرزنش نکند». (5)

2. در چندین روایت معتبر آمده است که زن وشوهر در حالتی که خضاب به حنا یا غیر آن بسته باشند، آمیزش نکنند. (6)

1- کافی، ج 5، ص 497، ح 5؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 608.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 518، ح 8.

5- طبّ الائمه، ص 138.

6- کافی، ج 5، ص 498، ح 8؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 611.

ص: 237

3. در روایتی آمده است که اگر کسی انگشتی در دست داشته باشد که نام خدا در آن باشد، جماع نکند. (1)

4. در حدیثی امام رضا علیه السلام از جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام آورده است که : «هر کس پس از آمیزش و پیش از غسل بخواهد بار دیگر آمیزش کند، وضو بگیرد». (2)

آداب پیش از آمیزش

1. در چندین روایت معتبر آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید با همسر خود آمیزش کنید به روش مرغان نزد او نروید، بلکه نخست با زبان و دست وبا گفتار ولمس، او را آماده سازید سپس آمیزش کنید». (3)

2. در روایتی می خوانیم که: «هرگاه امام زین العابدین علیه السلام می خواست با همسرش آمیزش کند، خدمتکاران را از آن محل دور می کرد و درها را می بست و پرده ها را می انداخت». (4)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه کار را از کلاغ بیاموزید: آمیزش کاملاً پنهانی و به دور از چشم دیگران، بامداد به سراغ کار و کسب رفتن، و احتیاط فراوان». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردان به هنگام آمیزش عجله نکنند، زیرا زنان پیش از آمیزش کارهایی دارند که می خواهند انجام دهند». (6)

1- استبصار، ج 1، ص 48، ح 133.

2- کشف الغمّه، ج 2، ص 822؛ بحار الانوار، ج 49، ص 63، ح 80.

3- کافی، ج 5، ص 497، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 475، ح 65.

4- کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 257، ح 10؛ خصال، ج 1، ص 121، ح 47.

6- خصال، ج 2، ص 433.

ص:238

آداب عروسی

1. در حدیثی معتبر آمده است: «خداوند متعال در روز عقد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به سدره المنتهی دستور داد که آنچه داری برای نثار فاطمه فرو ریز! سدره المنتهی آنچه از مروارید و مرجان و جواهر داشت بر اهل بهشت نثار کرد. حوریان بهشتی آنها را بردند و تا روز قیامت به آن افتخار می کنند و برای یکدیگر هدیه می فرستند و می گویند: این نثار (هدیه شب عروسی) فاطمه (به حاضران) است.» (1)

2. در حدیث آمده است که: «در شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام، مرکب حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله را آوردند و قطیفه ای بر روی آن انداختند، سپس حضرت به دخترش فاطمه فرمود: «سوار شو!» سلمان افسار آن را می کشید و پیامبر از پشت سر حرکت می کرد. در اثنای راه، صدای ملائکه به گوش حضرت رسید. جبرئیل با هزار فرشته و میکائیل با هزار فرشته فرود آمدند و به حضرت عرض کردند: خداوند ما را برای عروسی فاطمه فرستاده است. سپس جبرئیل و میکائیل تکبیر گفتند و ملائکه نیز الله اکبر گفتند و از آنجا سنّت شد که در شب زفاف، الله اکبر بگویند.» (2)

3. در احادیث و روایات معتبر در مورد عروسی در شب سفارش شده، از این رو عروسی در شب سنّت است، همان گونه که پختن غذا در صبحگاهان. (3)

4. در برخی احادیث معتبر آمده است که نثار (4) عروسی را می توان برداشت،

اما چون از یکدیگر غارت می کنند و می ربایند کراهت دارد.

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 253، ح 1202.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 253، ح 1202.

3- کافی، ج 5، ص 366، باب ما يستحبّ من التّزویج باللیل، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 482، ح 633.

4- «نثار» چیزی است که شب عروسی بر سر عروس می ریزند.

ص: 239

وعلماً فرموده اند: در صورتی برداشتن آن جایز است که از قراین وشواهد معلوم شود که صاحبان آن رضایت دارند. (1)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما غذاهای بسیار خوب و خوشبویی درست می کنیم، ولی بوی غذای عروسی در هیچ غذایی یافت نمی شود. حضرت فرمود: «علّت آن این است که نسیم بهشتی بر طعام عروسی می وزد، زیرا غذایی است که برای کار حلالی آماده می شود». (2)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به عروسی دعوت شدید دیر بروید، زیرا شما را به یاد دنیا می اندازد. و چون به تشییع جنازه دعوتتان کردند زودتر بروید که شما را به یاد آخرت می اندازد». (3)

آمیزش در حمام یا بدون روانداز

1. در روایتی صحیح آمده است که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آمیزش با همسر در حمام چه حکمی دارد؟ فرمود: «جایز است». (4)

2. در روایتی آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر در حال آمیزش، روانداز از روی زن وشوهر کنار رود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد». (5)

دعا ونماز در شب زفاف وهنگام آمیزش

آداب شب زفاف

1. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «پیش از

1- جواهر الکلام، ج 29، ص 51.

2- محاسن، ص 418، ح 186؛ کافی، ج 6، ص 282، ح 6.

3- قرب الإسناد، ص 87، ح 268؛ تهذیب، ج 1، ص 490، ح 1510.

4- تهذیب الأحکام، ج 1، ص 394، ح 1135.

5- کافی، ج 5، ص 497، ح 3؛ تهذیب الأحکام، ج 7، ص 475، ح 606.

ص: 240

آنکه عروس را نزد تو آورند بگو وضو بگیرد، تو نیز وضو بگیر، سپس هر کدام دو رکعت نماز بگزارید. بعد حمد و ثنای الهی را به جا آورده، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده اند تقاضا کن که آمین بگویند. آن گاه این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِيَّهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا وَأَرْضِنِي بِهَا وَأَجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَأَنْسَ اثْتِلَافٍ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ». (1) سپس فرمود: «الفت ومحبت از سوی خدا و دشمنی از جانب

شیطان است و او می خواهد آنچه را خدا حلال کرده، در نظر مردم زشت

جلوه دهد». (2)

2. در روایتی حسنه آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در شب زفاف نزد عروس رفتی، موی پیشانی اش را بگیر و او را رو به قبله کن و بگو :

اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءٌ وَلَا نَصِيبًا». (3)

3. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «داماد در شب زفاف این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَلُودًا وَدُودًا لَا تَفْرَكُ تَأْكُلُ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَحَ». (4)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود این دعا را بخواند :

1- ترجمه: «بار خدایا، الفت ودوستی وخنودیش را روزی ام کن ومرا (نیز) با او خشنود ساز ومیان ما بهبهترین سازگاری وخو گرفتن وهمدم بودن جمع کن، زیرا تو حلال را دوست وحرام را دشمن می داری».

2- کافی، ج 5، ص 500، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 472، ح 593.

3- ترجمه: «بار خدایا، به امانت تو او را به همسری گرفتم وبا کلمات تو وی را بر خود حلال کردم، پس اگر برایمن از او فرزندی مقدر کرده ای او را مبارک وپرهیزگار واز شیعیان آل محمد قرار ده واز برای شیطان در اوشراکت وبهره ای قرار مده». کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

4- ترجمه: «بار خدایا، او را با کلمات تو بر خود حلال کردم وبه امانت تو وی را به همسری گرفتم. بار خدایا، از اوفرزندان بسیاری به من عطا کن وبر محبتش بیفزا، به گونه ای که دشمنی نکند وبه آنچه برایش آوردهمی شود قناعت کند واز آنچه ندارد نپرسد». کافی، ج 5، ص 501، ح 4.

ص:241

«بِكَلِمَاتِ اللَّهِ اسْتَحْلَلْتُ فُرْجَهَا وَفِي أَمَانَةِ اللَّهِ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ بَارَأً تَقِيًّا وَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكَاءٌ لِلشَّيْطَانِ». (1)

چگونه شیطان شریک نطفه می شود

1. در روایتی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که در مورد دعای شب زفاف فرمود: «دست بر بالای پیشانی اش بگذارد و بگو: اَللّهُمَّ عَلٰی کِتَابِکَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِکَ اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا، فَاِنْ قَضَيْتَ لِيْ فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاَجْعَلْهُ سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شَرِکَ شَيْطَانٍ». (2)

راوی پرسید: چگونه شیطان شریک نطفه می شود؟ امام فرمود: «اگر به هنگام آمیزش، نام خدا را ببرند شیطان دور می شود و اگر نبرند شریک نطفه می شود». آن شخص پرسید: چگونه می توان فهمید شیطان در نطفه کسی شریک شده است؟ فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد شیطان در نطفه اش شریک نشده و هر کس دشمن ما باشد شیطان در نطفه اش شرکت جسته است». (3)

و به این مضمون، احادیث بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد.

2. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هر کس بخواهد شیطان در نطفه اش شریک نشود، بسم الله بگوید و سپس از شر شیطان به خداوند پناه ببرد». (4)

1- ترجمه: «با کلمات خدا او را بر خود حلال و بر امانت خدا با وی ازدواج کردم. بار خدایا، اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای او را نیکوکار و پرهیزگار قرار ده و مسلمانی راست اندام (وسالم) گردان و از برای شیطان در او شراکتی قرار مده». کافی، ج 5، ص 502، ح 2.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر طبق کتاب تو او را به ازدواج خود در آوردم و با امانت تو او را به همسری گرفتم و با کلمات تو او را بر خود حلال کردم. اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای خلقتش را کامل گردان و برای شیطان در آن شراکتی قرار مده». کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 470، ح 584.

3- کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 407، ح 584.

4- کافی، ج 5، ص 502، ح 1.

ص: 242

3. در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام چگونگی شرکت شیطان در نطفه انسان را بیان فرمود و آن را بسیار مهم شمرد. راوی پرسید: چه باید کرد که این اتفاق نیفتد؟ حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی آمیزش کنی بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاً وَلَا نَصِيباً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرَجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ». (1)

دعای هنگام آمیزش

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی با همسرت آمیزش کنی این دعا را بخوان. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَكِدَاً وَاجْعَلْهُ تَقِيّاً زَكِيّاً لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی بخواهد آمیزش کند این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبِنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي. در این صورت اگر فرزندی نصیبش شود، شیطان هرگز به او ضرری نمی رساند». (3)

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایی که جز او خدایی نیست. همو که آفریننده آسمان ها و زمیناست. بار خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی مقدر کردی، برای شیطان در او شراکت و بهره ای قرار مدهو او را مؤمنی با اخلاص و پاکیزه از شیطان و پلیدی شیطان قرار ده، تو مستحق ستایش بزرگی». کافی، ج 5، ص 503، ح 4؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 300، ح 106.

- 2- ترجمه: «بار خدایا، فرزندی روزی ام کن و او را پرهیزگار و پاک قرار ده، در خلقتش زیاد و کمی نباشد و عاقبت او را نیک گردان». تهذیب، ج 7، ص 473، ح 598.
- 3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). بار خدایا، شیطان را از من و فرزندی که نصیب من می کنی دور کن». کافی، ج 5، ص 503، ح 598.
- ص: 243

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر

حقوق شوهر بر زن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «زنی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: لازم است از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از اموالش صدقه ندهد، بدون رضایت شوهر روزه مستحبی نگیرد، هرگاه نیاز به آمیزش داشت مضایقه نکند، بی اجازه شوهر (جز برای کار ضروری) از خانه بیرون نرود که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان وزمین و ملائکه غضب و رحمت همگی او را نفرین می کنند. آن زن دوباره پرسید: حق چه کسی بر مرد از همه عظیم تر است؟ فرمود: حق پدر. عرض کرد: حق چه کسی بر زن از همه عظیم تر است؟ فرمود: حق شوهر».
2. در روایتی دیگر می خوانیم: «زنی خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن پرسید. حضرت فرمود: بیش از آن است که بتوان گفت، از جمله
- اینکه بدون اجازه اش روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود، به بهترین بویها خود را خوشبو سازد، زیباترین لباس ها را برای او بپوشد، خود را به بهترین صورت برای شوهر بیاراید». (1)
3. در حدیثی دیگر فرمود: «بی اجازه شوهر چیزی از اموالش را به کسی ندهد که اگر چنین کند گناهش برای زن و ثوابش برای شوهر است. و هیچ شب سر بر بالین نگذارد مگر اینکه شوهر از او راضی باشد». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی شب را به صبح برد

1- کافی، ج 5، ص 508، ح 7.

2- کافی، ج 5، ص 508، ح 8.

ص: 244

در حالی که شوهرش از او آزرده خاطر باشد، نمازش قبول نمی شود تا شوهر از او راضی گردد. و هر زنی که برای غیر شوهر بوی خوش استفاده کند نمازش قبول نیست تا آنکه بوی خوش را از خود بزدايد». (1)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «عمل سه گروه به آسمان بالا نمی رود؛ یک گروه زنانی اند که شوهرانشان از آنها راضی نباشند». (2)

6. در احادیث معتبر آمده است: «جهاد مردان آن است که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته (یا پیروز) شوند و جهاد زنان آن است که با شوهر خود مدارا کنند». (3)

7. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر زنی به شوهرش بگوید: من هرگز از تو نیکی ندیده ام، ثواب اعمالش از بین می رود». (4)

حقوق زن بر شوهر

1. در روایاتی معتبر و بسیار آمده است: «حقّ زن بر مرد این است که نیازهای او را در تغذیه و لباس تأمین کند و اگر بدی کرد او را ببخشايد». (5)

2. در حدیثی دیگر در مورد (بخشی از) حقوق زن، علاوه بر آنچه در بالا

ذکر شد، چنین آمده است: «با وی بداخلاقی نکنند، به مقدار نیاز برایش مواد آرایشی و غذایی و لباس تهیه کند، خانه اش را از مواد مورد نیاز خالی نگذارد، میوه های فصل را برایش بخرد، در اعیاد بیش از ایام دیگر برایش مواد خوراکی

1- کافی، ج 5، ص 507، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 278، ح 1320 و 1322.

2- کافی، ج 5، ص 507، ح 3.

3- کافی، ج 5، ص 507، ح 3.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 278، ح 1325؛ مکارم الأخلاق، ص 215.

5- کافی، ج 5، ص 510، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 279، ح 1327.

ص: 245

تهیه کند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از خدا درباره حق دو گروه بترسید: یتیمان و زنان». (2)

4. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین شما کسی است که با همسر خود رفتار بهتری داشته باشد». (3)

5. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «خلاف مروّت است که انسان در شهری که همسرش آنجاست، شب را نزد همسرش نرود و جای دیگر بخوابد». (4)

6. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «اگر مردی به همسر خود بگوید دوستت دارم، همسرش هرگز آن را فراموش نمی کند». (5)

دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن

فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام

اهمیت و تعداد فرزند

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است». (6)

2. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزند صالح از سعادت انسان است». (7)

3. و در روایتی دیگر فرمود: «هر که بدون فرزند بمیرد گویا هرگز در میان

1- کافی، ج 5، ص 511، ح 5.

2- کافی، ج 5، ص 511، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 248، ح 1179.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 281، ح 1339.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 362، ح 1719.

5- کافی، ج 5، ص 569، ح 59.

6- کافی، ج 6، ص 3، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 218.

7- کافی، ج 6، ص 3، ح 11.

ص: 246

مردم نبوده و کسی که از خود فرزندی به جا گذاشته، گویی نمرده است». (1)

4. و در سخنی دیگر فرمود: «فرزند بسیار داشته باشید که من به جمعیت فراوان مسلمانان در روز قیامت مباحثات می کنم». (2)

تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی از کنار قبری گذشت که صاحبش را عذاب می کردند. سال دیگر از کنار همان قبر عبور کرد اما خبری از عذاب نبود. در این مورد از پروردگار سؤال کرد. وحی رسید: امسال فرزند صاحب قبر به سن بلوغ رسید و جاده ای را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، بدین سبب او را آمرزیدم. سپس فرمود: میراثی که از برای خدا از بنده می ماند، فرزندی است که پس از او خدا را عبادت کند». (3)

پاداش زحمات پدر و مادر

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون بیماری گریبانگیر فرزند می شود، کفاره گناهان والدین اوست». (4)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم: «روزی جبرئیل نازل شد و دید حضرت رسول و علی علیهما السلام ناله می کنند. علت را پرسید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: دو طفل ما گریه کردند و بر اثر گریه آنها ما اذیت شدیم. جبرئیل گفت: خداوند متعال فرموده است: گریه کودکان تا هفت سال همچون ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» واز هفت تا

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 309، ح 1493.

2- کافی، ج 6، ص 2، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 3، ح 12؛ عدّه الدّاعی، ص 77.

4- کافی، ج 6، ص 52، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 230، ثواب مرض الصّبی، ح 1.

ص: 247

چهارده سالگی، طلب آمرزش برای پدر و مادر است و چون به سنّ بلوغ برسند، پدر و مادر در ثواب اعمال آنها شریک اند و در گناهانشان شریک نیستند». (1)

ثواب دوران بارداری و شیردهی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از هنگامی که زن باردار می شود تا زمانی که وضع حمل کند و فرزندش را از شیر می گیرد، مانند کسی است که در مرزهای کشور اسلامی با کافران جهاد کرده و شرّ آنها را از سر مسلمانان کوتاه می کند. و اگر در این بین بمیرد، ثواب شهیدان را دارد». (2)

دختر یا پسر

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بر دختران مهربان تر از پسران است. و هر مردی که شاد کند زنی را که با او خویشاوندی دارد و محرم اوست، خداوند او را در قیامت شاد می گرداند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دختران حسنات هستند و پسران نعمت و خداوند بر حسنه ثواب می دهد و از نعمت سؤال می کند». (4)

3. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: «شنیده ام خداوند دختری به

تو عنایت کرده ولی او را نمی خواهی؟ مگر چه ضرری برای تو دارد؟ دختر

گلی است که اورامی بویی و روزیش را خدا می دهد و پیامبر پدر دختران بود». (5)

1- کافی، ج 6، ص 52، ح 5.

2- مکارم الأخلاق، ص 234.

3- کافی، ج 6، ص 6، ح 7.

4- کافی، ج 6، ص 6، ح 8؛ ثواب الأعمال، ص 239، ثواب اب البنات، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 6، ح 9.

ص:248

4. ودر سخنی دیگر فرمود: «هر کس آرزوی مرگ دختران را کند و آنها بمیرند، ثوابی در کارنامه اعمالش نخواهد بود و در روز قیامت نزد خداوند گناهکار باشد». (1)

5. در حدیثی دیگر آمده است: «کسی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، به وی خبر دادند خداوند دختری به تو داد، رنگش تغییر کرد. حضرت فرمود: زمین گهواره او و آسمان سایبانش و خداوند روزیش را می دهد. وگلی است که او را می بویی (از چه چیز ناراحتی؟) سپس رو به یارانش کرد و در مورد کسانی که یک یا چند دختر دارند سفارش هایی فرمود». (2)

6. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس نفقه سه دختر یا سه خواهر را دهد بهشت بر او واجب می شود. سپس فرمود: بلکه هر کس دو یا یک تن از آنان را نفقه دهد، بهشت بر او واجب می شود». (3)

دعا برای فرزنددار شدن

دعاهای مخصوص

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسانی که دیرهنگام صاحب فرزند می شوند این دعا را بخوانند:
 اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيدًا وَحِشًا، فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقًا ذُكُورًا وَأَنَاثًا، أَنْسُ
 بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ، يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْظِمُ. ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ
 شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ

1- کافی، ج 6، ص 5، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

2- کافی، ج 6، ص 5، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

3- کافی، ج 6، ص 6، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

ص: 249

فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ بِالْعَهْدِ». (1)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس این دعا را بخواند، خداوند دعاهایش را در مورد ثروت
 و فرزند و خیر دنیا و آخرت مستجاب می کند: رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي
 حَيَاتِي وَيَسْتَعْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَأَجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَنْتَ
 الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (2) و برای فرزنددار

شدن، هفتاد مرتبه آن را بخواند». (3)

3. در حدیث است که کسی از نداشتن فرزند به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنْ رَزَقْتَنِيْ ذَكَرًا سَمِيْتُهُ مُحَمَّدًا». (4)

استغفار

1. ابرش کلبی به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: صاحب فرزند نمی شوم.

1- ترجمه: «بار خدایا، مرا تنها وامگذار و تویی بهترین وارثان، تنهای ترس آوری که تفکرم از شکرگزاریممی کاهد، بلکه مرا عاقبتی صادقانه با پسران و دخترانی ببخش که از تنهایی به آنان مأنوس بوده و آرام گیرمودر هنگام کامل شدن، نعمت تو را شکر کنم ای بخشنده، ای بزرگ، ای بزرگ کننده. سپس در هر عافیتیتوفیق شکر و سپاس به من عطا کن تا مرا در راستگویی و ادای امانت و وفای به پیمان، به خشنودی و بهشتتو برساند». کافی، ج 6، ص 7، ح 1.

2- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار. و تویی بهترین وارثان و از نزد خود برای من یآوری (فرزندی) قرار ده که در زندگی به من کمک کند و پس از مرگ برایم طلب مغفرت نماید و او را خلقتی موزون قرار ده و از برایشیطان در او بهره ای قرار مده! بار خدایا، من از تو طلب مغفرت می کنم و به سوی تو بازمی گردم، زیرا توبخشنده و مهربانی».

3- مکارم الأخلاق، ص 224.

4- ترجمه: «خدایا، اگر فرزند پسری روزی ام کنی او را محمد نامیدم». کافی، ج 6، ص 11، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 225.

ص: 250

حضرت فرمود: «هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار کن». (1)

و بهتر آن است که «اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيْ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ» بگوید.

2. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که برای حلّ مشکل نداشتن فرزند چنین بگویند: هر صبح و شام هفتاد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»، سپس ده بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، بعد نُه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و به دنبال آن، یک بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». راوی می گویند: جمع بسیاری به این دستور عمل کردند و بر آن مداومت نمودند و فرزندان فراوانی روزی آنها شد. و در هر یک از اینها می توان به یک «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» اکتفا کرد. (2)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه روز پس از نماز صبح و عشا هفتاد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» بگو و پس از آن این آیات شریفه را تلاوت کن: (إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا). (3) سپس در شب سوم با همسر خود آمیزش کن، خداوند پسری سالم به تو خواهد داد». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که برای فرزنددار شدن سفارش کرد: «هر شب سحر صد بار استغفار کن و اگر شیی فراموش شد در وقت دیگر قضای آن را به جا آور». (5)

1- کافی، ج 6، ص 8، ح 4.

2- کافی، ج 6، ص 8، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 224.

3- ترجمه: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است - تا باران های پربرکت آسمان را پیدر پی بر شما فرو فرستد - و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد».
سوره نوح، آیات 10 - 12.

4- طبّ الائمه، ص 129.

5- کافی، ج 6، ص 9، ح 6.

ص: 251

5. از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزند بخواهد، بسیار استغفار کند». (1)

تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد

1. در حدیث است که حارث نصری می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم از خاندانی هستم که منقرض شدند و فرزند ندارم. حضرت فرمود: «در حال سجود چنین دعا کن: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ. (2) رَبِّ لَا تَذَرْنِي

فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ». (3) این کار را کردم و خداوند متعال به من علی و حسین

را عطا فرمود. (4)

2. مردی از اینکه صاحب فرزند نمی شد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی، این سه آیه را از قرآن بخوان، این شاء الله خداوند فرزندی روزی تو کند: (وَذَالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ

أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ * وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ)». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 226.

2- ترجمه: «پروردگارا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش، که تو شنونده دعایی». سوره آل عمران، آیه 38.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار (و فرزند بی برومند به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه 89.

4- کافی، ج 6، ص 8، ح 2.

5- ترجمه: «و(به یاد آر) صاحب ماهی (یونس) را در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چینی می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت ؛ (اما وقتی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمت ها(یمتراکم) صدا زد: «(خداوندا،) جز تو معبودی نیست ؛ منزهی تو! من از ستمکاران بودم». ما دعای او را بهاجابت رساندیم ؛ واز آن اندوه نجاتش بخشیدیم ؛ واین گونه مؤمنان را نجات می دهیم. و(به یاد آر) زکریا رادر آن هنگام که پروردگارش را خواند (وعرض کرد): «پروردگار من، مرا تنها مگذار (وفرزندی برومند به منعطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی». (سوره انبیاء، آیات 87 - 89) کافی، ج 6، ص 10، ح 10.

ص:252

نماز مخصوص، اذان و نام علی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد همسرش حامله شود، پس از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجودش را طولانی کند و پس از نماز بگوید : اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلْتَ بِهِ زَکَرِیَّا : رَبِّ

لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ، رَبِّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاِ» اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَفِیْ اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا، فَاِنْ قَضَیْتَ فِیْ رَحْمِهَا وَاَدَا فَاَجْعَلْهُ غُلَامًا مُّبَارَکًا زَکِیًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شِرْکًا وَلَا نَصِیْبًا». (1)

2. در حدیث است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: همواره بیمارم و صاحب فرزند نمی شوم. حضرت فرمود: «در خانه ات با صدای بلند اذان بگو» آن شخص به دستور امام عمل کرد، بیماریش برطرف و فرزندان بسیاری نصیبش شد. (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی روزی اش نشده، اگر نیت کند که نام فرزندش را علی بگذارد، خداوند پسری به او عطا کند». (3)

4. در روایت دیگری می خوانیم: «نام فرزند را علی بگذارید تا عمرش درازتر شود». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم آنچه را که زکریّا از تو خواست «پروردگارا، مرا تنها وامگذار و تو بهترینوارثانی. بار خدایا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش زیرا تو شنونده دعایی»، بار خدایا، با نام تو او را بر خود حلال کردم و به امانت تو او را گرفتم، پس اگر در رحم او فرزندی مقدر کرده ای او را مبارک و پاک گردانواز برای شیطان در او شریک و بهره ای قرار مده». کافی، ج 6، ص 8، ح 3؛ تهذیب، ج 3، ص 348، ح 974.

2- کافی، ج 6، ص 9، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 189، ح 903.

3- کافی، ج 6، ص 10، ح 11.

4- کافی، ج 6، ص 11، ح 2.

ص:253

احکام دوران حمل وزایمان وپس از آن

پیش از زایمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به زن حامله به بخورانید تا فرزندش خوشبوتر ورنگش صاف تر شود». (1)

2. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به زنان حامله کُنْدَر بخورانید که اگر کندر غذای جنین شود، دلش محکم و عقلش زیاد می شود؛ اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد نزد شوهرش عزیز است». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نام فرزندان را پیش از ولادت انتخاب کنید. اگر نمی دانید پسر است یا دختر از نامی مشترک بین پسر و دختر بگذارید، زیرا اگر این کار را نکنید و فرزند سقط شود، در روز قیامت به شما گوید: چرا بر من نام نگذاشتید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله، محسن فرزند فاطمه علیها السلام را هنگامی که در شکم مادر بود نام نهاد». (3)

هنگام زایمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بر زن حامله درد زایمان سخت شود، این آیات را بر روی پوستی نوشته، بر ران راستش ببندید و پس از زایمان آن را باز کنید: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ (4) كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيهَا (5) إِذْ

1- کافی، ج 6، ص 22، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 506، ح 711.

2- کافی، ج 6، ص 23، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 18، ح 2.

4- ترجمه: «هنگامی که وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند». سوره احقاف، آیه 35.

5- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقفشان (در دنیاوبرزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». سوره نازعات، آیه 46.

ص:254

قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا». (1)

2. نویسنده کتاب طب الائمه می گوید: «کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و گفت: همسرم بر اثر شدت درد زایمان نزدیک است بمیرد. حضرت فرمود: این آیات را بر او بخوان: (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا * فَنَادَيْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَنْ لَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا * وَهَزِي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا) (2) سپس با صدای بلند این آیه را بخوان:

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (3) كَذَلِكَ أَيُّهَا
الطَّلِقُ أَخْرَجُ بِإِذْنِ اللَّهِ. (4) اگر آنچه را که گفته

شد بخوانی، به یاری خداوند فوراً زن نجات می یابد». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه زن حامله وارد ماه وضع حمل شد این آیات را در کاغذی بنویسد و چیزی بر آن بپیچید (اما گره نزنید) و بر کمر آن زن ببندید. در این صورت درد زایمان او را نیازارد و پس از وضع حمل آن را باز کنید و بیش از یک ساعت همراهش نباشد.

أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ

1- ترجمه: «(به یاد آرید) آن گاه که همسر عمران گفت: خداوندا، آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، کهمحرر
(وآزاد، برای خدمت خانه تو) باشد». (سوره آل عمران، آیه 35) السرائر، ج 3، ص 598.

2- ترجمه: «درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیشاز این مرده
بودم و به کلی فراموش می شدم». ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو
چشمه آبی (گوارا) قرار داده است. و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطبتازه ای بر تو فرو می ریزد». سوره مریم،
آیات 23 - 25.

3- ترجمه: «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شما گوش و چشم و
عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید». سوره نحل، آیه 78.

4- ترجمه: «ای درد، به اذن خداوند این چنین خارج شو».

5- طبّ الأئمه، ص 69.

ص: 255

الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ. (1) (وَأَيُّهَا لَهُمْ اللَّيْلُ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ *

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ * وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ * إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ. (2) (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ). (3)

ودر پشت کاغذ این آیات زیر را بنویسید: (کَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ). (4) (کَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ

يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا). (5)

- 1- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند وما آنها را از یکدیگر باز کردیم وهرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟!» سوره انبیاء، آیه 30.
- 2- ترجمه: «شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکیانان را فرا می گیرد. وخورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است ؛ اینتقدیر خداوند توانا وداناست. وبرای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (وهنگامی که این منازل را طی کرد)سرانجام به صورت «شاخه کهنه قوسی شکل وزردرنگ خرما» درمی آید. نه خورشید را سزاست که به ماهبرسد ونه شب بر روز پیشی می گیرد؛ وهر کدام در مسیر خود شناورند. نشانه(ای دیگر از عظمت پروردگار)برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتی هایی پر (از وسایل وبارها) حمل کردیم. وبرای آنها مرکب های دیگری همانند آن آفریدیم. واگر بخواهیم غرقشان می کنیم به طوری که نه فریادرسی داشتهباشند ونه نجات داده شوند. مگر اینکه رحمت ما (شامل آنان شود)، وتا زمانی معین از این زندگی بهرهگیرند». سوره یس، آیات 37 - 44.

- 3- ترجمه: «(بار دیگر) در صور دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشانمی روند». سوره یس، آیه 51.

4- ترجمه: «هرگاه وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز(در دنیا) توقّف داشتند». سوره احقاف، آیه 35.

5- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیاوبرزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». (سوره نازعات، آیه 46) طبّ الأئمّه، ص 95.

ص:256

پس از وضع حمل

غذای مادر

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اول چیزی که زن پس از وضع حمل باید بخورد رطب است، همان گونه که خداوند متعال به حضرت مریم علیها السلام پس از وضع حمل دستور داد رطب بخورد. و اگر فصل رطب نباشد (یا رطب در دسترس نباشد) نه عدد از خرماهای مدینه بخورد. و اگر آن هم موجود نبود، نه عدد از خرماهای دیگر که در اختیار دارد بخورد، زیرا خداوند متعال می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، اگر هر زنی که تازه زاییده رطب بخورد فرزندش را بردبار می گردانم». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بهترین میوه های شما خرماهای برنی است؛ پس به زنانتان بعد از وضع حمل، خرماهای برنی بخورانید تا فرزندش زیرک و بردبار شود». (2)

3. در روایتی آمده است که هرگاه به حضرت سجّاد علیه السلام بشارت ولادت فرزند می دادند نمی پرسید پسر است یا دختر، بلکه از سلامتی مولود سؤال می کرد

وهنگامی که خبر سلامتی اش را می دادند، می فرمود: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئًا مُشَوَّهًا». (3)

تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد

1. در حدیثی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که خداوند به وی پسر داده

1- کافی، ج 6، ص 22، ح 4.

2- محاسن، ص 534، ح 800؛ کافی، ج 6، ص 22، ح 3.

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که از من، فرزند معیوب و زشتی نیافرید». کافی، ج 6، ص 21، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 506، ح 710.

ص: 257

بود چنین تبریک گفت: «رَزَقَكَ اللهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَبَلَغَ بِهِ أَشَدَّهُ وَرَزَقَكَ بِرَّهُ» (1)

2. از حدیث هایی که در مورد ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام وارد شده است استفاده می شود که پیچیدن نوزاد در پارچه زرد، کراهت دارد و در پارچه سفید مستحب است. (2)

برداشتن کام طفل

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که این کار، نوزاد را در برابر دردها و بلاها بیمه می کند». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل را با آب فرات بردارید و در گوشش اقامه بگویید». (4)

3. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «کام نوزاد را با آب

فرات و تربت امام حسین علیه السلام بردارید و اگر آب فرات نباشد با آب باران». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با خرما بردارید، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امام حسن و حسین علیهما السلام چنین کرد». (6)

1- ترجمه: «خداوند توفیق شکر کسی که این فرزند را به تو بخشیده عنایت فرماید و در آن فرزند به تو برکت دهد و او را به کمال قوت برساند و خوبی های او را روزی تو کند». کافی، ج 6، ص 17، باب التهیه بالولد، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 699.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 73، ح 145.

3- کامل الزیارات، ص 278، ح 2؛ تهذیب، ج 6، ص 84، ح 142 و 143.

4- کافی، ج 6، ص 24، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 502، ح 696.

5- کافی، ج 6، ص 24، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 229.

6- کافی، ج 6، ص 24، ح 5؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 697.

ص: 258

قطره ریختن در بینی، اذان و اقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نوزاد به دنیا آمد به مقدار یک عدس از جاوشیر (1) در آب حل کنید، سپس دو قطره از آن را در بینی

راست و یک قطره را در بینی چپ نوزاد بریزید». (2)

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از آنکه ناف نوزاد را قطع کنید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویید، در این صورت ترسی بر آن فرزند نیست و امّالصّبیان (نوعی بیماری کودکان) به او

ضرر نمی زند». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی از او متولد شود باید در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید که او را از شرّ شیطان حفظ می کند». (4)

4. از جمله اعمال مستحب در وقت ولادت، غسل دادن نوزاد است (5) ، حتی

برخی علما آن را واجب می دانند. (6) و احتیاط آن است که چنین نیت کند: غسل

می دهم این طفل را برای رضای خدا، سپس سرش را بشوید و بعد سمت راست و در آخر سمت چپ بدنش را بشوید.

1- «جاوشیر» صمغی است بدبو به رنگ سرخ تیره که از بیخ و ساقه گیاهی گرفته می شود. گیاه آن دارای ساقه‌بلند و پرزدار و برگ هایش شبیه برگ انجیر و گل های آن زرد و خوشبو است. جاوشیر و جواشیر و کوشیر همگفته شده است (فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 23، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 502، ح 695.

3- کافی، ج 6، ص 23، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 502، ح 695.

4- کافی، ج 6، ص 24، ح 6؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 698.

5- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

6- جواهر الکلام، ج 31، ص 251.

نامگذاری

اشاره

1. در فقه الرضا آمده است که: «نام نوزاد را در روز هفتم تعیین کنید». (1)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نخستین نیکی پدر به فرزند، انتخاب نام نیک است». (2)

نام های نیک

1. از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راست ترین نام ها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند، مانند عبدالله و بهترین نام ها نام پیامبران است». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس چهار فرزند نصیبش شود و هیچ یک را به نام من نهد، بر من جفا کرده است». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه ای که در آن نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد، فقر و بینوایی وارد آن خانه نمی شود». (5)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی برای مشورت جمع شوند و در میان آنها کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد، رأی آنها بر آنچه خیر است قرار می گیرد». (6)

5. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزندی که نام محمد را برای او انتخاب

- 1- فقه الرضا علیه السلام، ص 239.
 - 2- کافی، ج 6، ص 18، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 701.
 - 3- کافی، ج 6، ص 18، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 703.
 - 4- کافی، ج 6، ص 19، ح 6؛ عدّه الدّاعی، ص 77.
 - 5- کافی، ج 6، ص 19، ح 8؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 704.
 - 6- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 30؛ مکارم الأخلاق، ص 220.
- ص: 260

کرده اید، گرامی بدارید و در مجلس برایش جا باز کنید و بر او رو ترش نکنید». (1)

6. و در روایتی دیگر فرمود: «هر خانواده ای که نام پیامبری در میان آنها باشد، خداوند متعال هر صبح و شام فرشته ای می فرستد که برایشان به قداست و پاکی دعا کند». (2)

7. در روایتی می خوانیم که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند به من پسری داده است. امام فرمود: «مبارک باشد چه نامی برایش انتخاب کرده ای؟» عرض کرد: محمد. امام سر را به پایین خم کرد، نام محمد را تکرار می کرد به حدّی که صورت ایشان به زمین نزدیک شد. سپس فرمود: «جان خود و فرزندان و همسران و پدر و مادر و تمام ساکنان زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله باد! اکنون که چنین نام مبارکی برایش انتخاب کرده ای به او دشنام نده و او را کتک نزن و در حقش بدی نکن و توجّه داشته باش که هیچ خانه ای نیست که در آن نام محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را تطهیر و تقدیس می کنند». (3)

8. در حدیث است که جابر می گوید همراه امام باقر علیه السلام به منزل یکی از شیعیان برای عیادت از وی رفتیم. کودکی بیرون آمد. حضرت پرسید: «نام تو چیست؟» گفت: محمد. فرمود: «کنیه ات چیست؟» عرض کرد: ابوعلی. فرمود: «خود را

در برابر شیطان در قلعه محکمی قرار داده ای؛ هرگاه شیطان بشنود کسی این کودک را به نام محمد یا علی صدا می زند دور می شود و اگر نام کسی همنام دشمنان ما باشد او را با آن نام صدا زنند شیطان شاد می شود». (4)

9. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد :

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 29.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 69.

3- کافی، ج 6، ص 39، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 20، ح 12.

ص: 261

خداوند پسری به من داده است چه نامی بر او بگذارم؟ حضرت فرمود: «بهترین نام ها نزد من حمزه است، این نام را برایش انتخاب کن». (1)

نام های نامناسب

1. در چندین حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از انتخاب نام های حکم، حکیم، خالد، مالک نهی کرد و فرمود: «دشمن ترین نام ها نزد خدا، حارث و مالک و خالد است». (2) و نیز از کنیه های ابوعیسی، ابوالحکم، ابومالک و همچنین

ابوالقاسم برای کسی که نامش محمد است نهی کرد، تا نام و کنیه یک شخص هر دو همسان نام و کنیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نباشد. (3)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم: نام «یاسین» را برای فرزندان انتخاب نکنید که مخصوص حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. (4)

عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن

عقیقه

(مقدمه:) عقیقه برای فرزند مستحب مؤکد است، البته برای کسانی که قادر بر آن باشند و بعضی از علما آن را واجب می دانند و بهتر آن است که در هفتمین روز تولد فرزند انجام شود و اگر انجام نشود تا زمان بلوغ فرزند بر پدر و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحب است.

1- کافی، ج 6، ص 19، ح 9؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 705.

2- علت عدم انتخاب این نام ها ظاهراً این است که موجب غفلت انسان از موقعیت خویش و گاه از خدا می شود. کافی، ج 6، ص 20، ح 14؛ تهذیب، ج 7، ص 505، ح 702.

3- کافی، ج 6، ص 21، ح 15؛ تهذیب، ج 7، ص 505، ح 708.

4- کافی، ج 6، ص 20، ح 13.

ص: 262

اهمیت عقیقه

در احادیث معتبر فراوانی آمده است که: عقیقه بر کسی که صاحب فرزندی شود واجب است (1) (ولی حق آن است که جزء مستحبات مؤکد است).

فلسفه و زمان عقیقه

1. در احادیث بسیاری آمده است که فرزند در گرو ورهن عقیقه است. (2) یعنی

اگر عقیقه نشود در معرض انواع بلاها خواهد بود.

2. در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هرگاه پسر یا دختری متولد شد روز هفتم برایش گوسفند یا شتری عقیقه کن و همان روز برایش نام (نیکی) انتخاب بنما و موهای سرش را بتراش و به وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بده». (3)

3. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنان اذان گفت و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم ولادت آن بزرگواران برایشان عقیقه کرد و ران گوسفند را به همراه یک اشرفی به قابله داد». (4)

عقیقه برای بزرگسالان

در روایتی معتبر آمده است که عمر بن یزید می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: نمی دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا نه، (چه کنم؟) امام فرمود: «عقیقه کن». سپس عمر بن یزید در پیروی برای خود عقیقه کرد. (5)

1- کافی، ج 6، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 226.

2- کافی، ج 6، ص 24، ح 2 و ص 25، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 226.

3- کافی، ج 6، ص 28، ح 7.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 46، ح 170.

5- کافی، ج 6، ص 25، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 508، ح 719.

صدقه یا قربانی به جای عقیقه

1. در حدیثی آمده است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: گوسفندی برای عقیقه نیافتم آیا می توانم قیمتش را صدقه دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «کفایت نمی کند، جست و جو کن تا گوسفندی بیابی، زیرا خداوند دوست دارد گوسفندی قربانی و اطعام داده شود». (1)

2. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه برای کسانی که غنی هستند لازم است و کسی که فقیر باشد هرگاه توانایی یافت انجام می دهد و اگر توانایی نیافت چیزی بر او نیست. و اگر عقیقه نکرد تا زمانی که قربانی برای او کنند همان قربانی برای او کافی است». (2)

عقیقه کودک هفت روزه

1. در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا فرزندی که روز هفتم می میرد عقیقه دارد؟ فرمود: «چنانچه قبل از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر از دنیا برود عقیقه دارد». (3)

شرایط عقیقه

(مقدمه): عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا بیشتر و اگر گوسفند باشد حداقل شش ماهه یا بیشتر و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می بایست بیضه اش را نکشیده بلکه نکوبیده باشند. و مغز شاخش شکسته نباشد و گوشش را نبریده باشند و کور و زیاد لاغر نباشد و لنگ نباشد به

1- کافی، ج 6، ص 25، ح 6 و 8؛ تهذیب، ج 7، ص 508، ح 720.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 312، ح 1517؛ مکارم الأخلاق، ص 226.

3- کافی، ج 6، ص 39، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 314، ح 1525.

ص: 264

حدی که راه رفتن برایش مشکل باشد.

(ولی) در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه همچون قربانی نیست و شرایط آن را ندارد، بنابراین هر گوسفندی باشد کفایت می کند (1) ،

زیرا هدف گوشت آن است هر چند اگر چاق تر باشد بهتر است». (و این نشان می دهد که بیان اول به جنبه های مستحبی نظر دارد). (2)

دعای هنگام ذبح گوسفند

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام ذبح گوسفند این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ (به جای فلان، نام کسی را بگویند که برایش عقیقه می کنند) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُّهَا بِدَمِّهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ». (3)

2. در حدیثی دیگر آمده است که خواندن این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اِيْمَانًا بِاللَّهِ، وَتَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ، وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ، وَالْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». (4)

سپس اگر فرزند پسر باشد بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ ذَكَرْنَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا

1- کافی، ج 6، ص 29، باب أن العقیقه لیست بمنزله الأضحیه، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 29، باب أن العقیقه لیست بمنزله الأضحیه، ح 2.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). بار خدایا این عقیقه از طرف فلانی است، گوشتش را در برابر گوشت او و خونش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر استخوان او (حفظ کن) بار خدایا، آن رامایه حفظ خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار ده». کافی، ج 6، ص 30، باب القول علی العقیقه، ح 1.

4- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). و حمد و ثنا مخصوص خداست و خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید (این عقیقه را همراه با) ایمان به خدا و ستایش بر رسول خدا و گردن نهادن به فرمان او و سپاس برای روزی دادن او و شناختن فضل خداوند بر ما اهل بیت (انجام می دهیم)». کافی، ج 6، ص 30، باب القول علی العقیقه، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 511، ح 730.

ص: 265

وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَكُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلَهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخْسَأَ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سَفَكْتُ الدِّمَاءَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لِحُمِّهَا بِلَحْمِهِ وَدَمِّهَا بِدَمِهِ وَعَظْمِهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَبِهِ جَاى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ نَامِ كَسَى كَه بَرَايشِ عَقِيْقَه شَدَه وَبَدْرَشِ رَا بِيْرِدْ». (1)

3. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق علیه السلام این دعا را به هنگام ذبح کردن عقیقه سفارش کرد: «يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ اِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ (2) اِنَّ صَلَاتِي

وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ اَمَرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (3) اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ وَبِهِ جَاى فُلَانِ، نَامِ فَرْزَنْدِ رَا بِيْرِدِ سِپِسِ گَوْسْفَنْدِ رَا

سر ببرد». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، تو پسری به ما دادی در حالی که تو داناتری به آنچه داده ای و این بخشش از جانب تو است و آنچه را که ما انجام داده ایم بر سنت تو و پیامبر تو است از ما بپذیر و شیطان رانده شده را از ما دور کن، از برای (فرمان) تو عقیقه کردم، تو شریکی نداری و حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، گوشتش را در برابر گوشت او و خونش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر استخوان او و مویش را در مقابل موی او و پوستش را در برابر پوست او (حفظ کن). پروردگارا، این عقیقه رامایه حفظ و سلامتی فلان کس فرزند فلان کس قرار بده».

2- ترجمه: «ای قوم، من از شریکانی که شما (برای خدا) می سازید بیزارم. من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم». سوره انعام، آیات 78 و 79.

3- ترجمه: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست ؛ و به همین مأمور شده ام ؛ و من نخستین مسلمانم». سوره انعام، آیات 162 و 163.

4- ترجمه: «بار خدایا، از تو و برای تو است، به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود. بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و از فلانی بپذیر». کافی، ج 6، ص 31، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 227.

ص: 266

حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله

1. در احادیث بسیار از مالیدن خون عقیقه بر سر نوزاد نهی شده و این کار از خرافات جاهلیت شمرده شده است. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک چهارم گوسفند عقیقه را به قابله بدهید و اگر زایمان بدون قابله صورت گرفته، آن را به مادر نوزاد دهید تا به هر که بخواهد بدهد و لااقل ده فقیر مسلمان را با آن اطعام کنید و هر چه زیادتر باشد بهتر است. و خود مادر از آن نخورد». (2)

3. در روایت دیگری آمده است که یک سوم گوسفند را به قابله بدهند. (3)

آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه

مستحبّ است که استخوان ها را نشکنند بلکه از بندها جدا سازند (4) ، چنانکه مستحبّ است آن را نپخته و خام تقسیم نکنند و حدّاقل با آب و نمک بپزند. (5)

بلکه این روش احتمالاً روش خوبی باشد و اگر خام هم صدقه دهند خوب است و لازم نیست کسانی را که برای خوردن عقیقه دعوت می کنند فقیر باشند، هر چند بهتر است صالحان و فقیران دعوت شوند. و مشهور آن است که اول سر نوزاد را بتراشند سپس برای او عقیقه کنند. (6)

1- کافی، ج 6، ص 33، ح 2 و 3؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 25، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 28، ح 9؛ تهذیب، ج 7، ص 510، ح 727.

3- کافی، ج 6، ص 32، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 29، ح 11.

5- وسائل الشیعه، ج 15، ابواب احکام الأولاد، باب 44، ح 16.

6- وسائل الشیعه، ج 15، ابواب احکام الأولاد، باب 44، ح 4.

ص: 267

چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟

مستحبّ است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند. و نیز بهتر است از غذایی که با گوشت عقیقه پخته شده نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنکه عیال و نانخور پدر و مادر نیز که در خانه ایشان هستند از آن گوشت و طعام نخورند. (1)

تراشیدن موی سر نوزاد

1. در حدیثی آمده است که: «عقیقه کردن و تراشیدن موی سر و صدقه دادن طلا یا نقره هموزن آن، همه در یک زمان و مکان باشد». (2)

2. در مورد تراشیدن سر مستحبّ است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند. (3)

3. در روایتی آمده است که مستحبّ است پس از تراشیدن سر نوزاد، بر سرش زعفران بمالند. (4)

ختنه کردن

زمان ختنه کردن

1. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مستحبّ است پسران را در روز هفتم ولادتشان ختنه کنند و اگر قبل از آن باشد نیز

اشکال ندارد». (5)

1- وسائل الشیعه، ج 15، ابواب احکام الأولاد، باب 47، ح 1 و 2 و 3.

2- کافی، ج 6، ص 27، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 40، باب کراهیه القنازع، ح 1 و 2؛ تهذیب، ج 7، ص 515، ح 746.

4- مکارم الأخلاق، ص 228.

5- کافی، ج 6، ص 36، ح 7؛ تهذیب، ج 7، ص 513، ح 736.

2. در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی که مسلمان شود ختنه اش می کنند، هر چند هشتاد سال داشته باشد». (1)

فلسفه ختنه کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید که باعث پاکیزگی بیشتر بدن و رویش بهتر گوشت آنها می شود. و زمین از ادرار کسی که ختنه نشده باشد ناراحت می شود». (2)

در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، تا چهل روز نجس می شود». (3)

و در حدیثی دیگر فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، به خدا شکایت می کند». (4)

دعای ختنه کردن، تکرار ختنه و احکام ترک ختنه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام ختنه کردن پسر این دعا را بخوانید و اگر آن زمان خوانده نشد، تا زمان بلوغ هر زمان امکان داشت بخوانید که حرارت و صدمات ناشی از آهن، مانند کشته شدن و جز آن را از وی دور می کند و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

وَالِهٖ وَاتَّبَاعٍ مِّنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ، بِمَشِيَّتِكَ وَبِإِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرِ أَرَدْتَهُ وَقَضَائِهِ حَتْمَتَهُ وَأَمْرِ أَنْفَذْتَهُ وَأَدْفَتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ، بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ

1- کافی، ج 6، ص 37، ح 10؛ تهذیب، ج 7، ص 513، ح 737.

2- کافی، ج 6، ص 34، باب التطهیر، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 512، ح 733.

3- کافی، ج 6، ص 35، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 230.

4- کافی، ج 6، ص 35، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 229.

ص:269

مِنِّي. اللَّهُمَّ فَطِّهْرَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعْ الْأَفَاتَ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَلْوَجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ، فَاتَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ». (1)

2. از حضرت امام زمان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر پسری را ختنه کنند دوباره قسمت بریده شده برود به طوری که سر حشفه پنهان شود، باید دوباره ختنه کنند زیرا زمین از ادرار کسی که ختنه (کامل) نکرده باشد تا چهل روز ناله می کند». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که ختنه نکرده امام جماعت نشود، شهادتش قبول نیست و هر زمان مرد بر او نماز نخوانید، زیرا بزرگ ترین سنت های پیامبر را ترک کرده است، مگر اینکه به خاطر (عذری مثلاً ترس از) مرگ آن را ترک کرده باشد». (3)

آداب شیر دادن و تربیت فرزند

اشاره

(مقدمه:) انتهای شیر دادن پایان دو سالگی است. (4) و برخی علما معتقدند که بدون عذر بیش از دو سال شیر دادن جایز نیست (5) ، مگر آنکه باعث اذیت و آزار

1- ترجمه: «بار خدایا، این سنت تو و سنت پیامبر تو است که درود تو بر او و بر آل او باد، (واین مراسم) پیرویما از تو واز پیامبرت به خواست و اراده و قضای تو برای امری که اراده کردی و قضایی که واجب کردی و امریکه انفاذ نمودی و در ختنه کردن و حجامت او سوزش آهن را به او چشانیدی، به خاطر مصالحی که تو از من به آن عارف تری. بار خدایا، او را از گناهان پاک گردان و بر عمرش بیفزا، آسیب را از بدنش و دردها را از جسمش بازدار و بر توانگریش بیفزا و تنگدستی را از او بازدار، زیرا تو می دانی و ما نمی دانیم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 315، ح 1530؛ مکارم الأخلاق، ص 229.

2- کمال الدین، ج 2، ص 520؛ احتجاج، ج 2، ص 559.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه ج 1، ص 248، ح 1107 از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- جواهر الکلام، ج 31، ص 276.

5- جواهر الکلام، ج 31، ص 277.

ص: 270

کودک گردد و حالت اضطراری ایجاد شود.

از سوی دیگر، کمتر از بیست و یک ماه شیر ندهند، مگر در صورت ضرورت، مثل اینکه مادر شیر نداشته باشد، یا شیر مادر برای کودک مضر باشد، یا دایه ای یافت نشود، یا قادر بر پرداخت اجرت دایه نباشد. و جمعی از علما معتقدند که بر مادر واجب است نخستین شیرینی که به پستانش می آید به نوزادش بخوراند (1) ، شیری که اگر به بچه ندهد زنده نخواهد ماند، یا قدرت کافی نخواهد

داشت.

آداب شیر دادن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سودمندترین و مبارک ترین شیرها برای فرزند، شیر مادر است». (2)

2. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام مشاهده کرد ام اسحاق به فرزندش شیر می دهد، به او فرمود: «ای مادر اسحاق، از یک پستان به کودک شیر نده بلکه از هر دو پستان بده که یکی به جای غذا و دیگری به جای آب است». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دایه ای انتخاب کنید که هم صورتی زیبا و هم سیرتی نیک داشته باشد، زیرا در نوزاد تأثیر دارد و کودک در صورت وسیرت شبیه به دایه می شود». (4)

1- جواهر الکلام، ج 31، ص 277.

2- کافی، ج 6، ص 40، باب الرضاع، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 305، ح 1465.

3- کافی، ج 6، ص 40، باب الرضاع، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 305، ح 1466.

4- کافی، ج 6، ص 44، ح 12 و 13؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 307، ح 1479.

ص: 271

شیرهای ممنوع

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به حکم ضرورت فرزند خود را به دایه یهودی یا مسیحی سپردید (اولاً): اجازه ندهید که فرزندتان

رابه خانه خود ببرد و (ثانیاً): سفارش کنید از خوردن شراب و گوشت خوک و دیگر چیزهایی که در آیین آنها حلال (ولی در اسلام حرام) است اجتناب ورزد». (1)

2. در احادیث معتبر استفاده کردن از شیری که از زنا به وجود آمده نهی

شده است. (2)

3. (نیز) در احادیث از شیر زنی که خود متولد از زناست نهی شده است. (3)

4. حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شیر زن احمق و همچنین زنی که چشمش معیوب است نهی کرد، زیرا شیر در شیرخوار اثر می کند. (4)

حدّافل مدّت شیردهی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مدّت شیر دادن به نوزاد بیست و یک ماه است و هر چه کمتر باشد ظلم بر نوزاد است». (5)

تعلیم و تربیت فرزند

اهمیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 308، ح 1482؛ تهذیب، ج 8، ص 191، ح 397.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 307، ح 1480.

3- کافی، ج 6، ص 44، ح 11؛ الاستبصار، ج 3، ص 321، ح 1144.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 34، ح 67.

5- کافی، ج 6، ص 40، باب الرضاع، ح 3؛ تهذیب الاحکام، ج 8، ص 178، ح 353.

ص: 272

رحم کند کسی که به فرزندش بر نیکی ها کمک کند. راوی سؤال کرد: چگونه؟ فرمود: کار آسانی که از او برمی آید قبول کند و کارهایی که برایش دشوار باشد و انجام نمی دهد از او درگذرد. و کارهای سخت از او نخواهد و با وی سفاقت و تندی نکند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزندت را تا هفت سالگی رها کن که بازی کند و پس از آن تا هفت سال دوم در مورد تربیتش تلاش کن». (2)

3. و در حدیثی دیگر فرمود: «هفت سال اول برای بازی، هفت سال دوم برای تعلیم علم و هفت سال سوم برای آموختن احکام حلال و حرام خداست». (3)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کودک تا هفت سالگی به تربیت بدنش بپردازد و هفت سال دوم آداب را بیاموزد و باید هفت سال سوم به او خدمت کرد و تا بیست و سه سال قدش بلند می شود و تا سی و پنج سال عقلش رشد می کند و پس از آن تجربه هایش اندوخته می گردد». (4)

آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «احادیث ما را زود به فرزندانان تعلیم دهید، تا مخالفان آنها را گمراه نکنند». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که پسر سه ساله شود به او می گویند هفت بار «لا إله إلا الله» بگو. چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد به او می گویند هفت مرتبه «محمد رسول الله» بگو.

1- کافی، ج 6، ص 50، ح 6؛ تهذیب، ج 8، ص 187، ح 386.

2- کافی، ج 6، ص 46، باب تأدیب الولد، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 222.

3- کافی، ج 6، ص 47، ح 3؛ تهذیب، ج 8، ص 184، ح 375.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، 319، ح 1551؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

5- کافی، ج 6، ص 47، ح 5؛ تهذیب، ج 8، ص 185، ح 377.

ص: 273

وزمانی که چهار سالش تمام شود به او می گویند هفت بار «صلی الله علی محمد وآله» بگو. و پس از تمام شدن پنج سالگی او را وادار بر سجده می کنند. با تکمیل پنج سالگی و ورود به شش سال به وی نماز بیاموزند و سفارش به انجام دادن آن کنند. و چون نه سالش کامل شد وضو و نماز را به خوبی به وی تعلیم دهند و چنانچه نماز را ترک کرد او را تنبیه کنند. هنگامی که وضو و نماز را فرا گرفت خداوند پدر و مادرش را بیامرزد». (1)

رختخواب مستقل و نظافت شبانه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پسران که شش ساله شدند نباید در رختخواب مشترک وزیر یک پتو بخوابند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چربی وچرک های دست و صورت اطفال را پیش از خواب بشوید که شیطان به هنگام خواب او را می بوید وکودک در خواب می ترسد وفرشتگان نویسنده اعمال (پدر ومادر) اذیت می شوند». (3)

اجتناب کردن از خرافات

حضرت علی علیه السلام مشاهده کرد زیر سر کودکی تیغی گذارده اند (گویا خرافه ای برای حفظ کودک بوده است)، حضرت آن را برداشت وبه کناری انداخت. سیره امام علی علیه السلام این بود که گذاردن تیغ را در اختیار کودکان ناپسند می شمرد. (4)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 182، ح 863.

2- مکارم الأخلاق، ص 223.

3- مکارم الأخلاق، ص 223.

4- قرب الإسناد، ص 127، ح 492.

ص: 274

حقوق فرزند بر والدین

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پدر ومادر ممکن است عاقّ فرزندان خود شوند، چنانکه امکان دارد فرزندان عاقّ والدین گردند». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خدا رحم کند به پدر ومادری که فرزندان خود را بر نیکی کردن به ایشان یاری کنند». (2)

3. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وپرسید: به چه کسی نیکی کنم؟

امام فرمود: «به پدر و مادرت». عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند. فرمود :

«به فرزندان». (3)

4. در احادیث معتبر آمده است که فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنید. (4)

5. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند غضب نمی کند برای چیزی مانند غضب برای ظلم به زنان و کودکان». (5)

6. در روایتی آمده است که سکونی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد : غمگین ام. امام فرمود: «چرا؟» عرض کرد: خداوند به من دختری داده است. امام فرمود: «زمین بستر زندگی اوست و روزیش بر خداست و عمری جدا از عمر تو دارد و روزی تو را نمی خورد (پس جای نگرانی نیست)». سپس فرمود: «چه نامش گذارده ای؟» عرض کرد: فاطمه. فرمود: «آه آه» (گویا حضرت به یاد جدّه اش فاطمه زهرا علیها السلام و مصائب او افتاد)، سپس دست بر پیشانی نهاد و فرمود : «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند اگر پسر باشد حقتش بر پدر آن است که به مادرش

1- کافی، ج 6، ص 48، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 220.

2- کافی، ج 6، ص 48، ح 3؛ تهذیب، ج 8، ص 186، ح 381.

3- کافی، ج 6، ص 49، ح 2.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 319، ح 1551؛ مکارم الأخلاق، ص 323.

5- کافی، ج 6، ص 50، ح 8.

ص: 275

احترام بگذارد و نام نیکی برایش انتخاب کند و قرآن به او بیاموزد و ختنه اش کند و به او شنا آموزش دهد و اگر دختر باشد به مادرش نیکی کند و نام نیکی بر او بگذارد و سوره نور را به او بیاموزد و... و او را زود به خانه شوهر بفرستد». سپس فرمود: «به فرزندی که نامش را فاطمه نهاده ای دشنام نده و نفرینش نکن و او را کتک نزن». (1)

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیکی انتخاب کند و نیکی تربیتش نماید و او را به کسب شایسته ای بگمارد». (2)

8. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است: «شنا کردن و تیراندازی را به فرزندانان تعلیم دهید». (3)

9. از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنها رحم کنید و اگر وعده ای دادید وفا کنید، زیرا آنها گمان می کنند که شما روزی رسان آنها هستید». (4)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او همچون کودکان بازی کند». (5)

11. در حدیثی صحیح و معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه ای برای او می نویسد و هر کس فرزندش را شاد کند خدا او را در قیامت شاد می کند و هر کس به فرزند خود قرآن

1- کافی، ج 6، ص 48، ح 6؛ تهذیب، ج 8، ص 186، ح 383.

2- کافی، ج 6، ص 48، ح 1؛ تهذیب، ج 8، ص 186، ح 380.

3- کافی، ج 6، ص 47، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 49، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 311، ح 1505.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 312، ح 1510.

ص: 276

بیاموزد، در قیامت پدر و مادر او را می طلبند و دو لباس فاخر بر آنها می پوشانند که از نور آن دو لباس، سیمای اهل بهشت روشن گردد». (1)

12. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: هرگز فرزندان خود را نبوسیده ام. حضرت فرمود: «به نظر من این مرد جهنمی است (چرا که قلب او از محبت و عاطفه خالی است)». (2)

13. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به بنده ای که فرزند خود را بسیار دوست داشته باشد رحم می کند». (3)

14. روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را دید که یک پسرش را بوسید و دیگری را نبوسید. فرمود: «چرا نسبت به هر دو یکسان مهربانی نکردی؟» (4)

بهتر آن است که در میان فرزندان تبعیض قائل نشود، مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر باشد و به این علت او را بر دیگری ترجیح دهد.

15. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که به بازار برود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد و به خانه ببرد، همچون کسی است که به جمعی از فقرا صدقه داده است. و باید هدیه دختران را پیش از پسران بدهد، چرا که هر کس دختری را شاد و خوشحال کند گویا بنده ای از فرزندان اسماعیل پیامبر را آزاد کرده است. و شخصی که دیده پسری را روشن سازد و او را شاد کند، همچون کسی است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا گریان شود خدا او را وارد بهشت می کند». (5)

1- کافی، ج 6، ص 49، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 50، ح 7؛ تهذیب، ج 8، ص 188، ح 387.

3- کافی، ج 6، ص 50، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 380، ح 1498.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 311، ح 1507؛ مکارم الأخلاق، ص 220.

5- مکارم الأخلاق، ص 221.

ص: 277

نفقه فرزندان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نفقه پنج کس بر انسان واجب است: فرزند، پدر، مادر، زوجه، برده». (1)

و فرزند شامل فرزند فرزندان (نوه ها) هر قدر که پایین روند می شود و پدر و مادر نیز شامل جدّ و جدّه پدری و مادری هر چند بالا روند می شود (ولی بعضی از مراجع بزرگ واجب النفقه را فقط پدر و مادر و فرزندان بی واسطه می دانند).

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درجه ای در بهشت وجود دارد که کسی به آن دست نمی یابد مگر سه گروه: امام عادل، کسی که به خویشان خود احسان کند، کسی که بر هزینه خانواده و آزار آنها صبر کند». (2)

3. از حضرت امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیال انسان همچون اسیران اویند؛ پس هرگاه خداوند نعمتی به او داد بر اسیران خود توسعه دهد که اگر چنین نکند، به زودی آن نعمت از وی زایل می شود». (3)

4. در حدیثی معتبر آمده است: «کسی که عیال خود را ضایع کند و خرج آنها را (علی رغم توانایی مالی) ندهد، رانده درگاه خداست». (4)

5. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمّه را بدهد، این کار سپری در برابر آتش جهنّم خواهد بود». (5)

1- تحف العقول، ص 336؛ بحار الأنوار، ج 96، ص 167.

2- خصال، ج 1، ص 117، ج 35؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 90، ج 9.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 287، ج 863؛ مکارم الأخلاق، ص 287.

4- کافی، ج 4، ص 12، ج 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 103، ج 487.

5- خصال، ج 1، ص 81، ج 12؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 70، ج 3.

ص: 278

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به کودکان خویش قاووت (1)

بخورانید که باعث رشد گوشت واستحکام استخوان های آنها می شود». (2)

7. در روایت دیگری فرمود: «به کودکان انار بخورانید که زودتر به جوانی وقوّت و قدرت می رسند». (3)

چگونه آرامش پیدا کنیم

در کتاب طبّ الائمه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که هرگاه کودکی بسیار بگرید، یا زنی در خواب بترسد، یا کسی از درد به خواب نرود، این آیات شریفه را تلاوت کند :

فَضْرَبْنَا عَلَىٰ ءَاذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاَهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا. (4)

سنّ نامحرم شدن دختران و پسران

1. در حدیثی آمده است که: چنانچه دختر شش ساله شود، نباید مرد نامحرم او را ببوسد و بر دامن خود بنشاند. (5)

2. در حدیثی دیگر آمده است: دختری که شش ساله شد پسران او را نبوسند

1- «قاووت» واژه ای ترکی است. آرد نخود که با قهوه و شکر یا قند کوبیده مخلوط کنند و بیشتر در عزاداری های خورند (فرهنگ عمید).

2- محاسن، ص 489، ح 564؛ مکارم الأخلاق، ص 192.

3- محاسن، ص 546، ح 760.

4- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم و سال ها در خواب فرو رفتند. - سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند». (سوره کهف، آیات 11 و 12) طبّ الأئمّه، ص 36.

5- کافی، ج 5، ص 533، ح 1 و 2؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

ص: 279

و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند. (1)

3. در روایتی دیگر می خوانیم که: امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند که دختر بچه ای را به آن مجلس آوردند. حاضران در مجلس یکی پس از دیگری او را به دامن نشانده و می بوسیدند. چون نوبت به حضرت رسید از سنّ وی پرسید. گفتند: پنج سال دارد. حضرت او را نبوسید و در دامن نشانند. (2)

4. در روایت دیگری آمده است که هرگاه شش سال دختر تمام شد، مادر او را در رختخواب خود برهنه ن خواباند. (3)

شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی و شیطنت و کج خلقی کودک در خردسالی نشانه آن است که در بزرگی، دانا و بردبار می شود». (4)

رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان

اشاره

(مقدمه): رعایت کردن حرمت پدر و مادر از مهم ترین دستورهای دینی و جلب رضایت آنها از اشرف طاعات و عبادات و عاق والدین شدن و آزرده خاطر ساختن آنها از جمله گناهان کبیره است. خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است که: «اگر پدر و مادرت کافر باشند و به تو دستور دهند که کافر شو، در این مسأله از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا با آنها رفتار و مصاحبت نیکو داشته باش». (5) (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 276، ح 1311؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

2- کافی، ج 5، ص 533، ح 3.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 275، ح 1306؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

4- کافی، ج 6، ص 51، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 319، ح 1553.

5- سوره لقمان، آیه 15.

ص: 280

بخشی از حقوق والدین

احترام به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساده ترین مرحله عاقّ والدین، اُف گفتن به آنهاست (کمترین اهانتی به آنها روا ندارید)». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت فرمایید. حضرت فرمود: «تو را سفارش می کنم که به خدا شرک نوری هر چند تو را به آتش بسوزانند، مگر اینکه به زبان سخنی بگویی ولی قلبت بر ایمان ثابت و استوار باشد. و تو را به اطاعت از پدر و مادر و نیکی به آنها سفارش می کنم؛ زنده باشند یا مرده... که این نشانه ایمان است». (2)

احسان و نیکی به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در مورد سه چیز به هیچ وجه اجازه مخالفت نداده است: پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار یا بدکار، وفای به عهد و پیمان خواه از نیکوکاران باشد یا بدکاران، نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، علاقه فراوانی به جهاد در راه خدا دارم. حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن که اگر شهید شوی نزد خدا زنده خواهی بود و در بهشت روزی خواهی داشت و اگر بمیری پاداش تو با خداست. و اگر زنده برگردی همانند روزی که از مادر متولّد شدی از گناه پاک می شوی.

1- کافی، ج 2، ص 349، ح 9؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 285، ح 38 به نقل از امام صادق علیه السلام.

2- کافی، ج 2، ص 158، ح 2؛ مشکاه الأنوار، ص 159.

3- کافی، ج 2، ص 162، ح 15؛ خصال، ج 1، ص 139، ح 98.

ص:281

عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته اند و نمی خواهند از آنها جدا شوم (آنها سخت به زحمت می افتند، چه کنم؟) فرمود: در خدمت پدر و مادر خود باش؛ قسم به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، انسی که آنها (در آن وضعیّت) یک شبانه روز با تو داشته باشند از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چه مانعی دارد که به پدر و مادر خود چه در حالت حیات و چه پس از مرگ، احسان کنید؛ به این گونه که پس از مرگ برایشان نماز بخوانید و به نیابت از آنان حج به جا آورید و برایشان روزه بگیرید که هم ثوابش به آنها می رسد و هم خداوند ثواب این اعمال را به خودتان می دهد». (2)

نیکی به مادر و حق پدر

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. راوی سه مرتبه این سؤال را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان جواب را تکرار فرمود و در مرتبه چهارم فرمود: به پدرت». (3)

2. در حدیث است که کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: حق پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را به اسم صدا نزنند (بلکه او را پدر خطاب کنند)، جلوتر از او راه نرود، قبل از پدر ننشینند، کاری نکنند که مردم به پدرش دشنام دهند». (4)

1- کافی، ج 2، ص 160، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 159، ح 7؛ عدّه الدّاعی، ص 76.

3- کافی، ج 2، ص 159، ح 9؛ مشکاه الأنوار، ص 159.

4- کافی، ج 2، ص 158، ح 5؛ مشکاه الأنوار، ص 158 و 159.

ص: 282

پرداخت هزینه های والدین

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی واجد چهار خصلت باشد خداوند او را در بلندترین غرفه های عزّت و شرف بهشت جای می دهد: کسی که یتیمی را پناه دهد و مراقب احوال او باشد و برایش پدری کند، کسی که بر شخص ضعیف و دل شکسته ای رحم کند و او را یاری دهد و عهده دار کارهای وی شود، کسی که هزینه زندگی پدر و مادر (از کارافتاده اش) را بدهد و با آنها مدارا کند و به ایشان نیکی نماید و هرگز آنها را آزرده خاطر نسازد، کسی که خادم خود را یاری کند و با او تندی نکند و در مورد وظایفش به او کمک کند و کاری که بر او دشوار است به عهده اش نگذارد.» (1)

عاقّ والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگاه تند به پدر و مادر موجب عقوق (2) والدین می شود.» (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه کسی در حیات والدین خود به آنها خدمت و وظیفه اش را ادا کرده، ولی پس از مرگشان قرض آنها را ادا نمی کند و برایشان آمرزش نمی طلبد، لذا خداوند او را عاقّ والدین محسوب می کند. و گاه کسی در زمان حیات پدر و مادر عاقّ والدین است، ولی پس از مرگ (از خواب غفلت

1- ثواب الأعمال، ص 161. حدیث را به طور اختصار نقل کرده است.

2- منظور از «عقوق» والدین آن است که فرزند، ادب را در محضر آنها رعایت نکند و سخنی بگوید یا کاری کند که موجب ناراحتی آنها شود و در مسائلی که از نظر عقل یا شرع مشروع و مجاز است با آنها مخالفت کند. عقوق والدین از گناهان کبیره است و قرآن و روایات دلالت بر حرمت آن دارد و تمام علمای اسلام از شیعه و اهل سنت، بر حرمت آن اتفاق نظر دارند (مرآت العقول، ج 10، ص 371).

3- کافی، ج 2، ص 349، ح 7، مشکاه الأنوار، ص 164.

ص: 283

بیدار می شود و) قرض های آنان را ادا می کند و برایشان استغفار می نماید و خداوند او را نسبت به والدین نیکوکار محسوب می کند». (1)

آثار و پاداش احسان به والدین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند و از زنان دیگران چشم بپوشید تا دیگران نیز از زنان شما چشم بپوشند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد خداوند سكرات مرگ (سختی های لحظات جان دادن) را بر وی آسان سازد، باید بر خویشان خود و به پدر و مادرش نیکی کند؛ در این صورت، خداوند سختی های مرگ را بر وی آسان سازد و هرگز در زندگی دچار پریشانی نشود». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سه دعا قطعاً مستجاب می شود: دعای پدر و مادر

برای فرزند نیکوکار و نفرین آنها به فرزندى که عاق شده است، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقامش را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن در حق مؤمنی که به خاطر ما اهل بیت برادر مؤمنش را در مالش شریک کرده است و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش به او احتیاج پیدا کرده و می تواند کمک کند و نکرده است». (4)

4. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت ومهربانی به پدر ومادر نگاه کند، برای هر نگاهش

1- کافی، ج 2، ص 163، ح 21.

2- کافی، ج 5، ص 554، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 13، ح 18.

3- مشکاه الأنوار، ص 162.

4- امالی طوسی، ج 1، ص 286.

ص: 284

ثواب یک حجّ مقبول نوشته می شود. گفتند: ای رسول خدا، هر چند روزی صد مرتبه نگاه کند؟ فرمود: خداوند بزرگ تر و کریم تر است». (1)

5. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نگاه به چهره سه گروه عبادت است: عالم، پدر ومادر از روی مهربانی ومؤمنی که برای خدا دوستش داری». (2)

مجازات بی حرمتی به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا شود پرده ای از پرده های بهشت را بگشایند (عطر خوش بهشت همه جا را فرا گیرد به گونه ای که) هر جاندار بوی آن را از پانصد سال راه استشمام می کند، مگر کسی که عاقّ پدر ومادر باشد». (3)

2. در حدیث دیگری فرمود: «کسی که از روی خشم به پدر و مادرش نظر کند به هنگامی که بر او ظلم می کنند، خداوند هیچ نمازی از او قبول نمی کند». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم امام سجاد علیه السلام شخصی را مشاهده کرد که با پسرش راه می رود و پسر بر دست پدر تکیه زده بود. پدرم تا زنده بود با آن پسر سخن نگفت». (5)

4. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه گناه است که عقوبتش در دنیا به سرعت دامنگیر صاحبش می شود: عقوق والدین، ظلم بر مردم، کفران نعمت خدا و خلق خدا». (6)

1- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 204، ح 23.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 71.

3- کافی، ج 2، ص 348، ح 3؛ مشکاه الأنوار، ص 164.

4- کافی، ج 2، ص 349، ح 5؛ مشکاه الأنوار، ص 164.

5- کافی، ج 2، ص 349، ح 8؛ مشکاه الأنوار، ص 165.

6- امالی مفید، ص 237، ح 1

ص: 285

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی به نام جریح از عابدان بنی اسرائیل پیوسته در صومعه اش در حال عبادت بود. روزی مادرش به دیدن او آمد و جریح مشغول نماز بود. او را صدا زد ولی عابد پاسخ مادرش را نداد. سه روز این داستان تکرار شد. پس از آن، مادر دست به نفرین بلند کرد و گفت: از خدای بنی اسرائیل می خواهم که تو را به این گناه بگیرد. روز بعد زنی زناکار کنار صومعه آن عابد زایمان کرد و فرزندش را به عابد نسبت داد و مدعی شد که با وی زنا کرده است. این شایعه در میان بنی اسرائیل پخش شد که: آن کس که مردم را بر زنا سرزنش می کرد خود مرتکب آن شده است. پادشاه دستور داد او را به دار بیاویزند. مادر عابد از این حادثه ناراحت شد و بر سر و صورت خود می زد. جریح گفت: مادر خود را کنترل کن این بلایی است که بر اثر نفرین تو دامنگیر من شده است. هنگامی که مردم این سخن را

شنیدند از چگونگی آن پرسیدند و جریح تمام داستان را بیان کرد. گفتند: از کجا بدانیم راست می گویی؟ گفت: آن کودک را بیاورید. جریح از کودک پرسید: تو فرزند کیستی؟ طفل به فرمان پروردگار به سخن آمد و گفت: من فرزند فلان کس هستم که چوپانی گوسفندان می کند. و بدین ترتیب جریح از مرگ نجات یافت و سوگند یاد کرد که تا زنده است به مادرش خدمت کند و از او جدا نشود». (1)

1- راوندی، قصص الانبیاء، ص 177.

ص:286

ص:287

فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر

اشاره

1. مسواک زدن

2. تراشیدن موی سر

3. آداب نگهداری موی سر

4. فضیلت تراشیدن سبیل

5. آداب ریش گذاشتن

6. فضیلت موی سفید

7. بازی کردن با ریش و کندن موی بینی

8. فضیلت ناخن گرفتن

9. آداب واوقات ناخن گرفتن

10. دفن مو و ناخن

11. فضیلت شانه کردن موی سر و صورت

12. آداب و اوقات شانه کردن

ص: 288

ص: 289

مسواک زدن

فضیلت مسواک زدن

سنت پیامبران

1. در احادیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مسواک زدن از سنت پیامبران است». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از سنت پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن و خضاب کردن

با حنا». (2)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام فرمودند: «سنت های حنفیه حضرت ابراهیم علیه السلام ده چیز است که پنج قسمت آن مربوط به سر و پنج قسمت دیگر آن در بدن است. آنچه مربوط به سر است عبارتند از: مسواک زدن، کوتاه کردن شارب، موی سر را دو قسمت کردن تا جای مسح گشوده شود، مضمضه کردن (آب در دهان گرداندن و بیرون ریختن)، استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن). و آنچه مربوط به بدن است عبارتند از: ختنه کردن، تراشیدن موهای بالای عورت، ازاله کردن موهای زیر بغل، استنجا (3) کردن،

1- کافی، ج 6، ص 495، ح 2.

2- خصال، ج 1، ص 224، ح 84؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 142، ح 10.

3- «استنجا» یعنی پاک کردن محلّ ادرار یا غائط (فرهنگ عمید).

ص: 290

گرفتن ناخن». (1)

4. در حدیثی دیگر می خوانیم که سنت های مربوط به سر عبارتند از: کوتاه کردن شارب، نتراشیدن ریش، تراشیدن موی سر، مسواک زدن، خلال کردن، و سنت های مربوط به بدن عبارتند از: از بین بردن موهای زاید بدن، ختنه کردن، ناخن گرفتن، غسل جنابت، استنجا با آب. (2)

سفارش جبرئیل

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته به مسواک زدن سفارش کرد، تا آنجا که ترسیدم دندان هایم ساییده شود یا بریزد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «جبرئیل آن قدر به مسواک زدن سفارش کرد که گمان کردم آن را بر امت من واجب خواهد کرد». (4)

مسواک و نماز

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز که با مسواک باشد، بهتر از هفتاد رکعت نماز بی مسواک است». (5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر بر امتم سخت و دشوار نبود، واجب می کردم که قبل از هر نماز مسواک بزنند». (6)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 66.

2- خصال، ج 1، ص 246، ح 10؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 67، ح 1، با اندکی تفاوت.

3- کافی، ج 6، ص 495، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 48.

4- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 360، باب 1، ح 5.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 33، ح 118؛ مکارم الأخلاق، ص 50، از امام باقر و امام صادق 8.

6- علل الشرایع، ج 1، ص 293، باب 221، ح 1.

ص: 291

سرزنش ترک کننده مسواک

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چرا دندان های شما را زرد می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟» (1)

فلسفه مسواک زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برای نماز شب برمی خیزید مسواک بزنید، زیرا فرشته ای فرود می آید و دهان بر دهانتان می گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر خدا بخوانید به آسمان می برد، پس باید دهانتان خوشبو باشد.» (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه کعبه از نفس بدبوی کافران به خداوند شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که: ای کعبه، نگران نباش به جای این کافران که دهانشان بدبو است، جماعتی را به سوی تو خواهم فرستاد که دهانشان را با چوب درختان پاک کنند. هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل برای آن حضرت مسواک و خلال آورد.» (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی همراه با وضو مسواک بزند و به نماز بایستد، فرشته ای می آید و دهان بر دهانش می گذارد و آنچه را می گوید به خاطر می سپارد. و اگر مسواک نزند در کناری می ایستد و قرائت نمازش را می شنود.» (4)

1- محاسن، ص 561، ح 934؛ کافی، ج 6، ص 496، ح 9.

2- کافی، ج 3، ص 22، ح 1؛ علل الشرایع، ج 1، ص 293، باب 222، ح 1.

3- محاسن، ص 558، ح 924؛ کافی، ج 4، ص 546، ح 32.

4- محاسن، ص 561، ح 948.

ص: 292

آثار و فواید مسواک زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوازده ویژگی در مسواک زدن وجود دارد: سنت پیامبران است، پاک کننده دهان، جلادهنده چشم، مایه خشنودی پروردگار، دفع کننده بلغم، تقویت کننده حافظه، سفیدکننده دندان ها، مضاعف کننده حسنات، مانع پوست انداختن و پوسیدن دندان می شود، ریشه دندان ها را محکم می سازد، بر اشتها می افزاید، ملائکه به آن خشنود می شوند». (1)

1. در روایت دیگری فرمود: «مسواک از آبریزش چشم جلوگیری می کند و بر نور آن می افزاید». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز حافظه را زیاد و دردهای بدن را زایل می کند: جویدن کندر، مسواک زدن، قرآن خواندن». (3)

زمان و مکان مسواک زدن

1. در حدیثی می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای هر نمازی مسواک بزن». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که کسی از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مسواک زدن بعد از وضو پرسید. حضرت فرمود: «باید پیش از وضو مسواک زد و اگر کسی فراموش کند، پس از وضو مسواک بزند و بعد سه مرتبه دهان

را بشوید». (5)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حمام باعث

1- کافی، ج 6، ص 495، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

2- کافی، ج 6، ص 496، ح 7.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 264؛ مکارم الأخلاق، ص 440.

4- محاسن، ص 561، ح 945؛ کافی، ج 6، ص 496، ح 10.

5- محاسن، ص 561، ح 947؛ کافی، ج 3، ص 23، ح 6.

ص: 293

ریزش دندان ها می شود». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حاجتگاه موجب بدبو شدن دهان است». (2)

چگونگی مسواک زدن

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک را به عرض دندان ها می کشید. (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک را در هر سه روز ترک نکن، اگرچه به یک بار کشیدن باشد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مسواک بزند، پس از آن باید دهانش را با آب بشوید». (5)

4. در حدیثی آمده است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید : کسی که برای نماز شب برمی خیزد آیا می تواند با انگشت مسواک بزند، در حالی که وسایل کافی مسواک در اختیار دارد؟ حضرت فرمود: «اگر می ترسد وقت نماز شب بگذرد اشکال ندارد». (6)

ترک کردن مسواک

در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام دو سال پیش از شهادتش مسواک را

1- مکارم الأخلاق، ص 49.

2- مکارم الأخلاق، ص 48.

3- مکارم الأخلاق، ص 35.

4- کافی، ج 3، ص 23، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

5- محاسن، ص 563، ح 961.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 34، ح 122؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

ص: 294

ترک کرد، زیرا دندان های مبارک آن حضرت بسیار ضعیف شده بود (و تاب مسواک نداشت). (1)

تراشیدن موی سر

اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن

1. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که هر کس لذت آن را بچشد ترک نخواهد کرد، یکی از آنها تراشیدن (موی سر) است». (2)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سر را بتراشید تا چرک نگیرد، جانوران در آن جا خوش نکنند، گردن انسان چاق شود، چشم جلا یابد، بدن استراحت کند». (3)
3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون موی سر بلند شود چشم راضعيف ونورش را کم می کند و تراشیدن موی سر دیده را جلا می دهد». (4)

زمان تراشیدن موی سر و آداب آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «من سرم را هر جمعه می تراشم». (5)
2. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگام تراشیدن سر رو به قبله شو واز جلوی سر (از پیشانی) شروع کن و به نزدیکی گوش ها که رسیدی این دعا را بخوان: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ، سُنَّةَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنْ

- 1- علل الشرایع، ج 1، ص 295، باب 228، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 50.
- 2- کافی، ج 6، ص 484، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 75، ح 326.
- 3- کافی، ج 6، ص 485، ح 8.
- 4- السرائر، ج 3، ص 575.
- 5- کافی، ج 6، ص 485، ح 7؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 71، ح 286.

الْمُشْرِكِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1) وپس از تراشیدن

تمام موی سر بگو: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشْرِي الْمَعَاصِي وَجَمِيعَ مَا تَكْرَهُ مِنِّي، فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا». (2)

3. در روایت دیگری آمده است که: «هنگام تراشیدن سر این دعا خوانده شود: بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (3) وپس از اتمام بگوید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى». (4)

آداب نگهداری موی سر

اشاره

(مقدمه:) بر زنان حرام است بدون عذر و ضرورت، موی سرشان را بتراشند ولی در مورد مردان مستحب است به یکی از دو روش عمل کنند: موی سرشان را بتراشند و این کار بهتر است، موی سرشان را نتراشند ولی از آن نگهداری کنند؛ آن را به وقت بشویند و شانه بزنند و دو قسمت کنند به گونه ای که بیخ موهای میانه جلوی سر ظاهر شود. و چون در صدر اسلام تراشیدن سر در میان عرب عیب بزرگی محسوب می شد و پیامبر و امام نباید کاری کنند که در نظر مردم زشت جلوه کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی خویش را به مقدار چهار انگشت بلند می کرد و در حج و عمره می تراشید. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). و بر آیین رسول خدا و بر سنت و روش او و در دین خود خالص و مسلمانم و از مشرکان نیستم. بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در قیامت نوری آشکار به من عطا کن.»

2- ترجمه: «بار خدایا، مرا به تقوا زینت ده و از هلاکت حفظ کن و مو و پوست مرا از گناهان و از تمام آنچه که برای من نمی پسندی دور نگاه دار، زیرا من از برای خود مالک هیچ سود و زبانی نیستم». فقه الرضا علیه السلام، ص 394؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 85، ح 9.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). و بر آیین رسول خدا، که درود خدا بر او و آتش باد (سرم را می تراشم). بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در روز قیامت نوری به من عنایت فرما».

4- ترجمه: «بار خدایا، مرا با تقوا زینت بخش و از پستی ها دورم بدار». بحار الأنوار، ج 76، ص 83.

ص: 296

آداب نگهداری موی سر مردان

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس موی سرش را بلند می کند باید نیکو نگاه بدارد، یا آن را از ته بترشد و بلند نکند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله موی سر خویش را دو قسمت کرده و وسط سر را باز می کرد؟ حضرت فرمود: «آن حضرت موی سر خویش را به حدی بلند نمی کرد که احتیاج به این کار شود، بلکه به اندازه ای بلند می کرد که به نرمه گوش می رسید و هیچ یک از پیامبران موی سر را زیاد بلند نمی کردند». (2)

آداب نگهداری موی سر زنان

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از کاکل گذاشتن و مو را در جلو سر گره زدن و کف دست را با حنا رنگین ساختن نهی کرد. (3)

2. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی که موی صورت و بالای پیشانی خود را می زداید چه حکمی دارد؟ امام فرمود: «اشکال ندارد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که موی دیگری را به موی می بافت پرسیدند؟ فرمود: «اشکال ندارد». (5)

4. در حدیث دیگری فرمود: «اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن باشد اشکال ندارد، اما با موی زن دیگر نبافد و موی زن دیگر را به موی خود پیوندنکند». (6) (باتوجه به این دو خبر معلوم می شود این کار جایز است ولی کراهت دارد).

1- کافی، ج 6، ص 485، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 75، ح 328.

2- کافی، ج 6، ص 485، ح 3، ص 486، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 519، ح 1؛ السرائر، ج 3، ص 610، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- مکارم الأخلاق، ص 85.

5- مکارم الأخلاق، ص 85.

6- مکارم الأخلاق، ص 85.

ص: 297

فضیلت تراشیدن سبیل

فلسفه تراشیدن سبیل و فواید آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «شارب (1) را کوتاه کنید

و ریش را بلند کنید تا شبیه یهودیان و زردشتیان نشوید». (2)

2. در حدیث دیگری فرمود: «هر که شارب خود را نگیرد از ما نیست». (3)

3. در روایت دیگری فرمود: «شارب خود را بلند نکنید که شیطان در آن جا خوش می کند و پنهان می شود». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب، رفع غم و وسواس را به ارمغان می آورد». (5)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن خود را بگیرد، از درد دندان و چشم عافیت یابد». (6)

وقت و مقدار گرفتن شارب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحب است موی شارب را به قدری کوتاه کند که به جلوی لب بالا برسد». (7)

2. در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام شارب خود را از ته می تراشید. (8)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب و ناخن از

1- «شارب» قسمت بلند سبیل است که روی لب را می پوشاند و هنگام نوشیدن آب وارد ظرف آب می شود.

2- معانی الأخبار، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

3- مکارم الأخلاق، ص 67.

4- کافی، ج 6، ص 487، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

5- الخصائص الفاطمیّه، ج 2، ص 255.

6- ثواب الأعمال، ص 41، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 65.

7- کافی، ج 3، ص 418، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

8- کافی، ج 6، ص 487، ح 9؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

ص: 298

جمعه تا جمعه بعد، انسان را از بیماری خوره حفظ می کند». (1)

4. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت دعایی خواست که باعث فزونی رزق و روزی اش شود. حضرت فرمود: «شارب و ناخن خود را در روز جمعه بگیر». (2)

دعای هنگام گرفتن شارب

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هر جمعه ناخن و شاربش را بگیرد و در هنگام گرفتن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خداوند به تعداد هر تار مو و قطعه ناخن، ثواب آزاد کردن یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام را به او می دهد و جز در آخر عمر بیمار نشود». (3)

آداب ریش گذاشتن

اشاره

(مقدمه:) میان علما مشهور است که تراشیدن ریش حرام است، اما تراشیدن روی گونه ها و دو سمت لب پایین اشکال ندارد. و نیز احتیاط آن است که محاسن را بسیار کوتاه که شبیه تراشیدن است نکنند. ضمناً مستحب است ریش را نه بسیار بلند و نه کوتاه کنند، بلکه در حدّ میانه بگذارند. و بلند کردن آن بیش از یک قبضه، کراهت دارد بلکه احتمال حرمت می رود. (به روایاتی در این زمینه

توجه فرمایید:)

درازای ریش

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن مقدار از ریش که

1- کافی، ج 3، ص 418، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 64.

2- کافی، ج 6، ص 491، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 65.

3- کافی، ج 3، ص 417، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 153.

ص: 299

بیش از یک قبضه باشد در آتش است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «دست بر ریش خود بگذار و آنچه اضافه بر یک قبضه است را کوتاه کن». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی گذشت که ریش درازی داشت. فرمود: چه می شد اگر این مرد ریش خود را اصلاح می کرد؟» چون این خبر به آن شخص رسید ریش خود را اصلاح و آن را به شکل متعادلی کوتاه کرد، سپس خدمت حضرت رسید. حضرت فرمود: «ریش خود را چنین اصلاح کنید». (3)

چگونگی اصلاح ریش

1. در حدیث است که محمد بن مسلم می گوید دیدم آرایشگر ریش حضرت باقر علیه السلام را اصلاح می کرد. حضرت به او فرمود: «ریشم را مدور کن». (4)

2. در حدیث دیگری آمده است که آن حضرت ریش را باریک می کرد وانبوه نمی گذاشت. (5)

3. در حدیث است که علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از روی ریش می توان گرفت؟ حضرت فرمود: «از پهلوهایی صورت مانعی ندارد، اما از جلوی صورت نه». (6) (از این روایات استفاده می شود که مردم در میان این اشکال مختلف مخیر هستند).

1- کافی، ج 6، ص 486، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

2- کافی، ج 6، ص 487، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

3- کافی، ج 6، ص 488، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

4- کافی، ج 6، ص 487، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

5- کافی، ج 6، ص 487، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

6- مکارم الأخلاق، ص 48.

ص:300

محاسن سبب زیبایی است

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت سر به سجده نهاد و چون سر برداشت رو به آسمان کرد و گفت: پروردگارا، بر حُسن و جمال من بیفزا. پس از آن ریش بسیار سیاهی بر صورتش ظاهر شد و چون تا آن وقت ریش نداشت از خداوند پرسید: این چیست؟ وحی آمد: این زینت تو وزینت مردان فرزندان تو تا قیامت است». (1)

مجازات تراشیدن ریش

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در زمان های گذشته گروهی بودند که ریش خود را تراشیده و سبیلشان را می تابیدند. خداوند آنها را مسخ کرد». (2)

فضیلت موی سفید

نخستین موی سفید و فلسفه آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اول کسی که موی سفید در محاسنش ظاهر شد حضرت ابراهیم علیه السلام بود. به ریش سفید خود نگاهی کرد و گفت: پروردگارا، این چیست؟ وحی آمد که این باعث وقار انسان است. عرض کرد: پروردگارا، بر وقار من بیفزا». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در محاسن خود دید گفت: حمد و سپاس شایسته خداوندی است که مرا به این سن رساند، در حالی که به اندازه یک چشم

1- علل الشرایع، ج 2، ص 380.

2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 536، باب 49، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 492، ح 4 و 5؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

ص: 301

برهم زدن معصیت او را نکردم». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سر و صورت سفید نمی شد؛ از این رو، هرگاه پدر و فرزندی در مجلسی حضور داشتند کسی متوجه نمی شد کدام فرزند و کدام یک پدر

است، پس ناچار بود بپرسد. حضرت ابراهیم علیه السلام چنین دعا کرد: «خداوندا، برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم» خداوند دعایش را اجابت کرد و موی سر و صورتش (تدریجاً) سفید شد». (2)

فایده موی سفید و حکم کردن آن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید را نکنید که نور مسلمانی است. هر مسلمانی موی سفیدی در ریش او پیدا شود، همچون نوری برای او در قیامت باشد». (3)

2. در حدیثی امام رضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «موی سفید در پیش سر میمون و مبارک است و در عارض ها علامت سخاوت و جوانمردی و در جای زلف علامت شجاعت و در پشت سر شوم است». (4)

(ظاهراً منظور شروع و ابتدای سفید شدن است).

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نمی گوید و به آنها نگاه رحمت نمی افکند و اعمالشان را نمی پذیرد و عذابی دردناک برایشان آماده کرده است: کسی که موی سفید (سر و صورتش)

1- مکارم الأخلاق، ص 68.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 104، باب 95، ح 3.

3- خصال، ج 2، ص 402؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 91.

4- کافی، ج 6، ص 493، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

را بکنند، هر که استمنا کند، هر کس که دیگران با او لواط کنند». (1)

توضیح: شاید منظور از گروه اوّل کسانی است که برای هدف نامشروعی، مثلاً تدلیس و فریب در ازدواج و جوان نشان دادن خود (برای مقاصد نامشروع) چنین کاری می کنند، زیرا در حدیثی معتبر از امام رضا علیه السلام می خوانیم که فرمود: «چیدن و کندن موی سفید جایز است، اما چیدن آن را بیشتر از کندنش دوست می دارم». و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است که: «کندن و چیدن موی سفید هر دو جایز است». (2) و در روایت سوم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل

شده که آن حضرت چیدن موی سفید را جایز و کندنش را مکروه دانسته است. (3)

(از مجموع این روایات استفاده می شود که باقی ماندن موی سفید از همه بهتر و چیدن آن مکروه و از آن مکروه تر کندن آن است).

بازی کردن با ریش و کندن موی بینی

1. در روایتی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «مسلمان باید موی شارب و موی بینی را بگیرد و به احوال بدن خود پردازد که این امور باعث زیبایی او می شود». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن موی بینی، صورت را زیبا می کند». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «زیاد دست بر ریش خود نگذارید که صورت را معیوب و بدنما می کند». (6)

2- کافی، ج 6، ص 492، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 343، از امام صادق علیه السلام.

3- کافی، ج 6، ص 492، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 342.

4- قرب الإسناد، ص 71، ح 205.

5- کافی، ج 6، ص 488، باب أخذ الشعر من الأنف، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 71، ح 289.

6- علل الشرایع، ج 2، ص 559، باب 351، ح 1.

ص:303

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گِل، خُرد کردن گِل خشک شده، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش و جویدن آن». (1)

فضیلت ناخن گرفتن

1. در روایتی آمده است که مدتی وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل نشد، علت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: «چگونه وحی قطع نشود در حالی که شما ناخن های خود را نمی گیرید و چرک انگشتانتان را برطرف نمی کنید». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن مستحبّ

مؤکد است». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مردان ناخن خود را از ته بگیرند و زنان اندکی بلندتر بگذارند که زینت آنهاست». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «ناخن گرفتن دردهای بزرگ را دور می کند و بر روزی انسان می افزاید». (5)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علت و فلسفه گرفتن ناخن آن است که چون بلند شود شیطان در آن لانه می کند و موجب فراموشی است». (6)

1- خصال، ج 1، ص 209، ح 40؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 246، ح 10.

2- کافی، ج 6، ص 492، ح 17.

3- کافی، ج 6، ص 490، ح 5.

4- کافی، ج 6، ص 491، ح 15؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 316.

5- کافی، ج 6، ص 490، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 42، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 490، ح 6.

ص: 304

آداب واوقات ناخن گرفتن

زمان ناخن گرفتن

روز جمعه

1. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: اصحاب و دوستان ما معتقدند ناخن را باید در روز جمعه گرفت. حضرت فرمود: «اگر بخواهید در روز جمعه بگیرید و اگر نمی توانید تا جمعه صبر کنید، هرگاه بلند شد بگیرید».

(1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز جمعه انسان را در برابر بیماری های خوره، کوری و پیسی بیمه می کند. و اگر در روز جمعه نیاز به گرفتن ناخن ها نباشد آن را سوهان بکش تا ریزه هایی از آن

جدا شود». (2)

3. در چند حدیث دیگر فرمود: «هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرد و اگر ناخن هایتان کوتاه است در روز جمعه آن را سوهان بکشید، تا مبتلا به دیوانگی و خوره و پیسی نشوید». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد، تا جمعه دیگر پیوسته با طهارت باشد». (4)

5. در روایتی دیگر فرمود: «گرفتن ناخن و شارب در هر جمعه و شستن سر با گیاه خطمی (5) در جمعه، فقر را برطرف و روزی را زیاد می کند». (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 314؛ تهذیب، ج 3، ص 260، ح 626.

2- کافی، ج 6، ص 490، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 42، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 490، ح 3؛ تهذیب، ج 3، ص 260، ح 628.

4- کافی، ج 6، ص 490، ح 8؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 73، ح 307.

5- «خطمی» (به کسر خاء و میم و تشدید یاء) گیاهی است دارای ساقه ضخیم و بلند و برگ های پهن و ستبر و گل های شیپوری به رنگ سفید یا سرخ که گل و ریشه آن در علم پزشکی به کار می رود (فرهنگ عمید).

6- کافی، ج 6، ص 491، ح 10.

ص: 305

6. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده ام اشتغال به تعقیبات نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب، سودمندتر از سفر به شهرها برای گشایش و افزایش رزق و روزی است. فرمود: «دوست داری چیزی به تو بیاموزم که از همه اینها نافع تر باشد؟» گفت: آری. فرمود: «ناخن و شارب خود را در هر جمعه بگیر، هر چند به ساییدن باشد». (1)

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را در روز جمعه بگیرد، خداوند دردهایش را از سر انگشتانش بیرون کرده، دمای درد را جایگزین آن می کند». (2)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روز جمعه ناخن بگیرد، ناراحتی ریشه ناخن ها از وی برطرف می شود». (3)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن در روز جمعه هر دردی را برطرف می کند». (4)

روز پنجشنبه

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خداوند پریشانی را از وی زایل می کند». (5)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز پنجشنبه بر روزی می افزاید». (6)

1- کافی، ج 6، ص 491، ح 11 و 12.

2- ثواب الأعمال، ص 41، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 73، ح 309.

4- طبّ الأئمّه، ص 138.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 310؛ ثواب الأعمال، ص 41، ح 3.

6- طبّ الأئمّه، ص 138.

ص: 306

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانش بسیار شوند و درد چشم نبیند». (1)

واگر بخواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را ببرد، در روز پنجشنبه ناخن ها را بگیرد و یکی را برای جمعه نگاه دارد، یا همه را در روز پنجشنبه بگیرد و در روز جمعه سوهانی بر آن بکشد که ریزه هایی از آن جدا شود.

4. در حدیث است که امام رضا علیه السلام کسی را دید که مبتلا به چشم درد بود. فرمود: «می خواهی چیزی به تو بیاموزم که با انجام دادن آن هرگز چشم درد نگیری؟» گفت: آری. فرمود: «هر پنجشنبه ناخن هایت را بگیر». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و هرگز به درد چشم مبتلا نشد. (2)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همواره در روز پنجشنبه ناخن های خود را بگیرد هرگز چشم درد نگیرد». (3)

سایر روزهای هفته

1. در روایتی آمده است که هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و از انگشت کوچک دست راست شروع کرده و به انگشت کوچک دست چپ ختم کند، این کار او را از چشم درد حفظ می کند. (4)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرید». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب خود را بگیرد از درد دندان و چشم عافیت پیدا می کند». (6)

- 1- کافی، ج 6، ص 491، ح 14؛ بسیاری فرزندان در مصدر نیست.
 - 2- کافی، ج 6، ص 491، ح 13.
 - 3- کافی، ج 6، ص 491، ح 14.
 - 4- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 437، ح 1104.
 - 5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 279، ح 20.
 - 6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 313؛ ثواب الأعمال، ص 41، ح 2.
- ص: 307

(از مجموع این روایات استفاده می شود که هر هفته باید ناخن ها را گرفت. روز جمعه افضل است، سپس روز پنجشنبه و بعد سایر روزهای هفته. در ضمن باید توجه داشت هرگاه ناخن ها بلند شود انواع میکروب ها زیر آن لانه می کند؛ میکروب هایی که سرچشمه بسیاری از بیماری هاست).

چگونه ناخن بگیریم؟

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که هنگام ناخن گرفتن از انگشت کوچک دست چپ شروع کرده و به انگشت کوچک دست راست ختم کنید. (1)

2. در روایت دیگر چنین آمده است: اگر روز پنجشنبه از ناخن انگشت کوچک دست راست شروع و به انگشت بزرگ آن دست ختم کرده و سپس از انگشت کوچک دست چپ شروع و به انگشت بزرگ همان دست ختم کند، از درد چشم امان خواهد یافت. (2)

وبعید نیست اگر روز چهارشنبه ناخن بگیرد بهتر است از انگشت دست چپ شروع کند و اگر در روز پنجشنبه ناخن بگیرد در هر دستی با انگشت کوچک آن دست شروع کند. (3) و اگر روز جمعه یا دیگر روزها باشد از انگشت کوچک

دست چپ شروع و به انگشت کوچک دست راست ختم کند. (4) و به طور کلی هر

زمان از انگشت کوچک دست چپ شروع کند خوب است همان گونه که صدوق، علی بن بابویه گفته است. (5)

3. در اخبار اهل سنت چگونگی ناخن گرفتن به این شرح است: در دست

1- کافی، ج 6، ص 492، ح 16.

2- طبّ الأئمّه، ص 84.

3- طبّ الأئمّه، ص 84.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 73، ح 81.

5- المقنن، ص 145.

ص: 308

راست اول انگشت شهادت، سپس انگشت کوچک و بعد انگشت بزرگ و پس از آن انگشت وسط و در آخر انگشت دیگر را می گیرد و در دست چپ با انگشت پس از انگشت کوچک شروع می کند، سپس انگشت وسط را می گیرد و سوم به سراغ انگشت بزرگ می رود، سپس انگشت کوچک را می گیرد و در آخر ناخن انگشت شهادت را خواهد گرفت. (1)

ولی توجه داشته باشید که عمل به آنچه در روایات قبل ذکر کردیم که از منابع اهل بیت علیهم السلام نقل شد، سزاوارتر است.

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از گرفتن ناخن با دندان نهی کرد. (2)

دعای هنگام ناخن گرفتن

در روایتی آمده است که به هنگام گرفتن ناخن و شارب این دعا را بخوانید : «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»
(3)

دفن مو و ناخن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده که در تفسیر آیه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا * أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا) (4) فرمود: «منظور از دفن کردن در حال زندگی، دفن مو و ناخن است». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت

1- المغنی، ج 1، ص 102، فصل 104. البته آنچه در این روایت آمده با آنچه علامه مجلسی رحمه الله از اهل سنت نقل کرده متفاوت است.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 424.

3- کافی، ج 3، ص 417، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 53.

4- ترجمه: «آیا زمین را مرکز اجتماع انسان ها قرار ندادیم، هم در حال حیاتشان وهم مرگشان؟!» سورهمرسلات، آیات 25 و 26.

5- کافی، ج 6، ص 493، باب دفن الشعر والظفر، ح 1.

رسول صلی الله علیه و آله امر کردند که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم: مو، ناخن، دندان، خون». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هفت چیز است که هرگاه از انسان جدا شود باید دفن کنند: مو، ناخن، خون، عادت ماهیانه، بچه دان، دندان، نطفه که تبدیل به خون شده باشد». (2)

فضیلت شانه کردن موی سر و صورت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سر را بسیار شانه کنید که تب را دور و روزی را زیاد می کند و بر قدرت آمیزش می افزاید». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن لباس پاکیزه دشمن را منکوب و مالیدن روغن بر بدن پریشانی و بدحالی را زایل و شانه کردن سر تب را برطرف و شانه کردن محاسن دندان ها را محکم می کند». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شانه کردن فقر را برطرف و دردها را درمان می کند». (5)

4. در روایت دیگری فرمود: «شانه زدن روزی را زیاد، مو را نیکو و شاداب، حاجت را روا، پشت را محکم و بلغم را قطع می کند». (6)

5. در سخنی دیگر از آن حضرت آمده است که این کار موجب فزونی فرزند می شود. (7)

- 2- خصال، ج 2، ص 93، ح 1؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 125، ح 2.
- 3- کافی، ج 6، ص 489، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 40، باب ثواب تسریح الرأس، ح 3، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.
- 4- کافی، ج 6، ص 488، باب التمشط، ح 1.
- 5- مکارم الأخلاق، ص 71.
- 6- خصال، ج 1، ص 244، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 117، ح 4 و 6.
- 7- بحارالأنوار، ج 76، ص 117، ح 4 و 6.
- ص: 310

6. ودر گفته ای فرمود: «شانه کردن دو طرف موی صورت، دندان ها را محکم و شانه کردن پایین محاسن، طاعون را دور و شانه کردن پیش، و سواس سینه را دور و شانه کردن پشت سر، بلغم را قطع می کند». (1)

آداب و اوقات شانه کردن

وقت شانه کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه (خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (2) فرمود: «شانه کردن قبل از هر نماز، جزء همین زینت محسوب

می شود». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام هر نماز واجب و مستحبی، جزء زینت مذکور در آیه است». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که: در سجاده امام صادق علیه السلام شانه ای بود که هرگاه نمازشان تمام می شد از آن استفاده می کردند. (5)

چگونگی شانه کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه نکن که باعث ضعف دل می شود، نشسته شانه کن که دل را قوی و پوست را محکم می کند». (6)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده شانه

1- طبّ الأئمّه، ص 19.

2- ترجمه: «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید». سوره اعراف، آیه 31.

3- کافی، ج 6، ص 489، ح 7.

4- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 13، ح 25.

5- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 13، ح 26؛ کافی، ج 6، ص 488، ح 2.

6- مکارم الأخلاق، ص 72.

ص: 311

کند بدهکار می شود». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه کردن موجب فقر و پریشانی می شود». (2)

4. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره موهای خود را شانه می کرد و بیشتر اوقات به هنگام شانه کردن، موهایش را تر می کرد». (3)

دعای هنگام شانه کردن

1. مستحب است به هنگام شانه کردن این دعا خوانده شود :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْسِنِي جَمَالاً فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَصْرِي وَلَا تَبْتَلْنِي بِالنِّفَاقِ وَأَرْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد شانه کند، شانه را به دست راست گرفته، در حالی که نشسته، آن را بر بالای سر بگذارد و جلوی سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي وَبَشِّرِي وَطَيِّبِيهِمَا وَأَصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ (5) ، سپس پشت سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ لَا تُرَدَّنِي عَلَى عَقْبِي

1- مکارم الأخلاق، ص 70، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

2- خصال، ج 2، ص 277؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 117، ح 5.

3- مکارم الأخلاق، ص 96؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 617، ح 156.

4- ترجمه: «بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و در میان خلق خود بر من زیبایی و در میان بندگان تزیینی بپوشان و مو و دیده مرا نیکو گردان و مرا به نفاق و دورویی دچار مکن و هیبت در میان مخلوق تو رحمت از ناحیه بندگان را روزی من کن، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 24.

5- ترجمه: «بار خدایا، مو و پوست مرا نیکو گردان و آنها را پاکیزه کن و بیماری های واگیردار را از مندور گردان».

وَأَصْرَفُ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقْبِي (1) ، بعد ابروها

را شانه کند و بگوید: اَللّٰهُمَّ زَيِّنِيْ بِزِيْنَةِ الْهُدٰى (2) آن گاه ریش را از بالا به پایین شانه

کند، سپس شانه را بر سینه بمالد و بگوید: اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْغُمُوْمَ وَالْهُمُوْمَ وَوَحِّشْهُ الصُّدُوْرَ وَوَسَّوْسَةَ الشَّيْطَانِ (3) ، سپس ریش را از پایین به بالا شانه کند

وسوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را تلاوت کند». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، مرا به عقب برمگردان و مکر و حيله شيطان را از من دور کن و به او فرصت نده که مرا بهبند پیروی خود درآورد و به عقب بازگرداند».

2- ترجمه: «بار خدایا، مرا به زینت هدایت، زینت بخش».

3- ترجمه: «بار خدایا، غم ها و وحشت ها و وسوسه شيطان را از من برطرف کن».

4- مکارم الأخلاق، ص 71.

ص:313

فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل ها و کرم ها و روغن ها

اشاره

1. سبب پیدایش بوهای خوش در زمین

2. فضیلت بوی خوش و آداب آن

3. کراهت ردّ عطریات

4. فضیلت مشک و عنبر و زعفران

5. فضیلت غالیه

6. فضیلت و آداب روغن زدن

7. روغن بنفشه

8. روغن بان و زنبق

9. فواید سایر روغن ها

10. بخور و انواع و آداب آن

11. فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها

12. آداب بوییدن گل

ص:314

ص:315

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که آدم وحوّا از بهشت به زمین آمدند، حضرت آدم بر کوه صفا و حضرت حوّا بر کوه مروه قرار گرفت. حوّا هنگامی که در بهشت بود از بوی خوش آنجا به موهای خود زده بود و گیسویش را شانه کرده و بسته بود. هنگامی که به زمین آمد با خود گفت: حال که خدا از من در خشم است، آرایش وزینتی که در بهشت کرده ام چه سودی دارد؟ سپس گیسوان خود را باز کرد. آن گاه بوی خوشی را که از موهای او منتشر شد نسیم باد به مشرق و مغرب برد؛ البته بیشتر آن به سرزمین هند ریخت، لذا بیشتر بوهای خوش در آن دیار است». (1)

2. در روایت دیگری فرمود: «هنگامی که حضرت آدم از درخت ممنوع استفاده کرد و تمام لباس ها و زیورهای بهشتی اش فرو ریخت، برگی از برگ های بهشتی را گرفت و با آن خویش را پوشاند. هنگامی که به زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ بهشتی را به سرزمین هند رساند. بدین جهت گیاهان خوشبو در هندوستان فراوان است. واول حیوانی که از آن برگ بهشتی یا از آن گیاهان خوشبو خورد، آهوی مشک بود که با این کار بوی خوش در گوشت و خونش جاری و سپس در پیش نافش گرد آمد و از آن مشک تولید شد». (2)

1- کافی، ج 6، ص 513، باب اصل الطّیب، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 514، ح 3.

ص: 316

فضیلت بوی خوش و آداب آن

فضیلت بوی خوش

1. در احادیث معتبر آمده است که استعمال عطر و بوی خوش از جمله اخلاق پسندیده پیامبران است. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرانش سه چیز داده است: بوی خوش و همسر و مسواک». (2)

3. در حدیثی می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام بر موضعی سجده می کرد، مردم جای سجده امام را از بوی خوش آن حضرت که در آنجا مانده بود می شناختند. (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه خصلت در حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود داشت که در دیگران نبود: سایه نداشت، از هر مسیری عبور می کرد تا مدتی بوی خوش آن حضرت در آن مسیر بود به گونه ای که هر کس از آنجا عبور می کرد درمی یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن راه عبور کرده است، از کنار هر سنگ و درختی که می گذشت برای آن حضرت تعظیم می کردند». (4)

5. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوشبو کردن خود و زدن شارب از اخلاق پیامبران و گرامی داشتن ملائکه ای است که اعمال انسان را می نویسند، زیرا آنها از بوی خوش، خوششان می آید». (5)

6. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای بوی خوش بیش از غذا

هزینه می کرد. (6)

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

2- کافی، ج 6، ص 511، ح 9؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 119.

3- کافی، ج 6، ص 511، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

4- مکارم الأخلاق، ص 34.

5- کافی، ج 6، ص 510، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

6- کافی، ج 6، ص 512، ح 18؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

ص: 317

وقت استفاده از بوی خوش

1. در حدیث صحیح و معتبری آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سزاوار مردان نیست هر روز بوی خوش را ترک کنند. و اگر قادر نباشند یک روز در

میان عطر بزنند. و اگر این هم ممکن نباشد هر جمعه این کار را انجام داده و آن را ترک نکنند». (1)

2. از حضرت رسول روایت شده که فرمود: «جبرئیل گفت: یک روز در میان خود را خوشبو ساز و این کار را در روز جمعه حتماً انجام بده و ترک نکن». (2)

3. و در روایتی دیگر فرمود: «روز جمعه حتماً خود را خوشبو کنید، اگرچه از بوی خوش متعلق به زنان باشد». (3)

4. در حدیث است که روزی عثمان بن مظعون خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: می خواهم بوی خوش و چند چیز دیگر از لذت ها را ترک کنم. حضرت فرمود: «بوی خوش را ترک نکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را می بویند و (لااقل) هر جمعه این کار را انجام بده (4) که هر چه صرف بوی خوش کنی اسراف نیست». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر انسان بالغی لازم است هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرد و چیزی از بوی خوش استفاده کند و هر زمان جمعه فرا می رسد و بوی خوش نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نبود، دستمال برخی همسرانش را که معطر بود می طلبید و آن را مرطوب کرده و بر سر و صورت خویش می مالید». (6)

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

2- کافی، ج 6، ص 511، ح 12 و 13؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 181.

3- کافی، ج 6، ص 510، ح 12 و 13؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 181.

4- کافی، ج 6، ص 511، ح 14.

5- کافی، ج 6، ص 512، ح 16؛ مکارم الأخلاق، ص 41.

6- کافی، ج 6، ص 11، ح 10.

ص: 318

6. از امام کاظم روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرد، روز چهارشنبه حمام بروید، روز پنجشنبه حجامت کنید و روز جمعه به بهترین بوها خود را معطر سازید». (1)

بوی خوش برای زنان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید رنگ بوی خوش زنان، آشکار و بوی پنهان باشد. و در مورد مردان باید بوی آشکار و رنگش پنهان باشد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن مسلمان باید پیوسته خود را برای شوهرش خوشبو کند». (3) (ولی در بیرون خانه در برابر نامحرمان از بوی

خوش بپرهیزد).

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر زنی که خود را معطر سازد و از خانه بیرون رود، پیوسته مشمول نفرین الهی باشد تا به خانه بازگردد». (4)

فواید بوی خوش

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش قلب را قوی می کند و بر قدرت آمیزش می افزاید».
(5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس هر روز از بوی خوش استفاده کند تا شب

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 279، ح 20؛ خصال، ج 2، ص 153.

2- کافی، ج 6، ص 512، ح 17؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 166.

3- خصال، ج 2، ص 413، ح 172؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 245، ح 23.

4- مکارم الأخلاق، ص 43.

5- کافی، ج 6، ص 510، ح 3.

ص: 319

عقلش با او باشد». (1)

3. و در روایتی دیگر فرمود: «یک نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز بدون بوی خوش». (2)

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می گشاید و غم را زایل می کند: بوی خوش، خوردن عسل، سواری کردن، نگاه به سبزه». (3)

کراهت ردّ عطریات

1. در حدیث است که حضرت رسول بوی خوش و شیرینی که برایش هدیه می آوردند، رد نمی کرد. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن خوشبویی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه آوردند، حضرت آن را گرفت و با اینکه آن روز بر بدنش روغن مالیده بود، از آن روغن هم بر بدن خود مالید. سپس فرمود: هرگز بوی خوش را رد نمی کنم.» (5)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا کسی که بوی خوشی برای او آورده اند می تواند آن را رد کند؟ فرمود: «سزاوار نیست که انسان کرامت را نپذیرد و آن را رد کند.» (6)

4. در حدیث است که حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت ظرفی را که در آن مشک بود برایم آورد و فرمود: «بردار و به خود بمال»

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 510، ح 7.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 126؛ مکارم الأخلاق، ص 42، با اندکی تفاوت.

4- کافی، ج 6، ص 513، ح 4.

5- کافی، ج 6، ص 512، ح 2.

6- کافی، ج 6، ص 512، ح 1.

ص: 320

قدری برداشتم و خود را معطر ساختم. حضرت فرمود: «مقداری دیگر بردار و در گودی پایین گردنت بمال» این کار را کردم. مقداری دیگر ماند. حضرت فرمود: «این را هم به همان جا بمال» مالیدم. سپس فرمود: «حضرت علی علیه السلام فرمود: کرامت را جز درازگوش رد نمی کند.» پرسیدم کرامت چیست؟ فرمود: «بوی خوش و بالشی که برای تکیه زدن و نشستن می دهند و مانند آن.» (1)

فضیلت مشک و عنبر و زعفران

مشک

1. در حدیثی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر مشک بر خود می مالید که رنگ آن بر فرق مبارک حضرت آشکار بود. (2)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم: حضرت مشک دانی داشت که هرگاه وضو می ساخت با دست تر آن را می گرفت و هنگامی که بیرون می آمد از بوی خوش آن می فهمیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. (3)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام زین العابدین علیه السلام مشک دانی از جنس قلع داشت، هرگاه می خواست لباس بپوشد آن را می طلبید و خود را معطر می ساخت. (4)

4. در حدیثی دیگر آمده است که آن حضرت شیشه ای از مشک داشت که در سجاده اش می گذاشت و هرگاه به نماز می ایستاد به خود می مالید. (5)

5. در حدیث است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا

1- کافی، ج 6، ص 512، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 514، باب المسک، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 33.

3- کافی، ج 6، ص 515، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

4- کافی، ج 6، ص 514، باب المسک، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

5- کافی، ج 6، ص 515، ح 6.

می توان مشک را با روغنی که به بدن می مالند مخلوط کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد ومن این کار را انجام می دهم». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «اشکال ندارد که مشک را با غذا مخلوط کنند». (2)

7. در روایتی می خوانیم: امام رضا علیه السلام قوطی کوچکی که از چوب درخت آبنوس (3) ساخته شده و دارای خانه های متعددی بود از جیب خود بیرون آورد که

در هر خانه آن بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود. (4)

فضیلت عنبر وزعفران وعود

1. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را به مشک و عنبر معطر و خوشبو می کردند. (5)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش عبارت است از : مشک و عنبر و زعفران و عود». (6)

خلوق

احادیث متعددی در وصف و فضیلت «خلوق» (7) وارد شده است. (8) و آن بوی

2- کافی، ج 6، ص 515، دنباله حدیث 8.

3- «آبنوس» از کلمه یونانی ابانس گرفته شده و نام درختی است که در هند و حبشه می روید و مانند درختگردو، بزرگ و تناور می شود. چوب آن سنگین و سخت و دارای لگه های سیاه است و آن را پس از بریدنمندی در آب می اندازند تا سیاه شود. در عربی نیز به آن آبنوس می گویند و در فارسی «شیز» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 515، ح 4.

5- مکارم الأخلاق، ص 33 و 34.

6- کافی، ج 6، ص 513، باب انواع الطیب، ح 1.

7- «خُلُوق» بوی خوش، ترکیبی خوشبو که قسمت عمده آن زعفران است. خِلاق هم می گویند (فرهنگ عمید).

8- کافی، ج 6، ص 517، ح 4.

ص: 322

خوشی است که از چند چیز به عمل می آید که یک جزء آن زعفران است. البته در بعضی روایات سفارش شده که مداومت بر استفاده از خلوق نکنید، بلکه گاه از آن استفاده نمایید.

و در روایتی آمده است که شب تا به صبح آن را بر بدن نگذارید (1) و شاید علت آن این باشد که رنگش بر بدن زیاد نماند.

فضیلت غالیه

فضیلت غالیه (2)

1. در روایتی موثق و معتبر آمده است که اسحاق بن عمّار خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من با تاجران داد و ستد دارم و برای اینکه مرا فقیر نپندارند غالیه بر خود می مالم. حضرت فرمود: «غالیه کم و زیادش مساوی است. کسی که گاهی اندکی غالیه بر خود بمالد کافی است».

اسحاق می گوید: به فرموده حضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه می خرم و تمام سال خود را با آن خوشبو می کنم.
(3)

2. در حدیث دیگری می خوانیم: حضرت سجّاد علیه السلام شبی از خانه بیرون آمد، در حالی که لباس خز پوشیده و ریش خود را به غالیه خوشبو کرده بود. پرسیدند: در این وقت شب با این وضعیت به چه منظور بیرون آمده اید؟ فرمود: «می خواهم عبادت کرده و حوریان بهشتی را از خدا خواستگاری کنم». (4) یعنی زینت و بوی خوش برای عبادت، مستحبّ است.

1- کافی، ج 6، ص 518، ح 6.

2- «غالیه» دارویی است بسیار خوشبو که از ترکیب مشک و عنبر و حصی لبان (حسن لبه) می ساخته اند. «حصی لبان» نوعی صمغ سفزی شبیه به کندر که بسیار خوشبو و به رنگ سرخ یا مایل به سیاهی است. از درختی که در نواحی گرم می روید به دست می آورند و در طبّ قدیم برای تقویت مغز و معده و معالجه امراض سینه به کار می رفته و در فارس حسن لبه می گویند (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 6، ص 516، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 516، ح 3.

ص: 323

3. در حدیثی صحیح می خوانیم: امام رضا علیه السلام دستور داد روغنی برای آن حضرت تهیه کنند که در آن مشک و عنبر مخلوط شده بود و دستور داد در کاغذی آیه الکرسی و سوره ناس و فلق و چند آیه دیگر از آیات حفظ و محافظت را نوشتند و در میان غلاف آن شیشه روغن گذاشت و پیوسته از آن بر محاسن خود می مالید. (1)

فضیلت و آداب روغن زدن

زمان روغن زدن

1. در روایتی آمده است که (مردان) ماهی یک بار روغن بزنند (2) و در حدیث دیگر، هفته ای یک یا دو مرتبه سفارش شده است. (3) اما این کار برای زنان هر روز

خوب است. (4)

2. در چند روایت از مداومت بر روغن زدن در هر روز (برای مردان) نهی شده است. (5)

فواید روغن زدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن پوست را نرم، عقل را زیاد و مجاری آب بدن را آسان، خشونت و سختی پوست و بدحالی و تنگی روزی را برطرف و صورت را نورانی می کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 516، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 520، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 520، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 520، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 520، ح 1.

6- کافی، ج 6، ص 519، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 47.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن توانگری و بی نیازی را آشکار می کند». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «فقر را زایل می کند». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن در شب، عروق بدن را باز و پوست را سیراب و صورت را سفید می کند». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که روغن بزند، حق تعالی به عدد هر مویی برای او نوری بنویسد که در قیامت به او عطا کند». (4)

آداب روغن زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روغن را بر کف دست می ریزی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ (5) ، سپس از بالای سر شروع به مالیدن آن کن». (6)

2. در روایتی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «چون روغن را بر کف دست ریختی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ فِي الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (7)

1- کافی، ج 6، ص 519، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 519، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 519، ح 5.

4- کافی، ج 6، ص 520، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 48، و به جای مؤمن، مسلم وارد شده است.

5- ترجمه: «بار خدایا، من از تو آراستن و زینت و دوستی می طلبم و از زشتی و خواری و گناه به تو پناه می برم».

6- کافی، ج 6، ص 519، ح 6.

7- ترجمه: «پروردگارا، زینت در دنیا را از تو می خواهم و از زشتی و خواری در دنیا و آخرت به تو پناه می برم» مکارم الأخلاق، ص 47.

ص: 325

روغن بنفشه

فضیلت روغن بنفشه

در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام در مورد روغن بنفشه فرمود :

1. «روغن بنفشه بهترین روغن های شماست». (1)

2. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مثل فضیلت ما (اهل بیت) بر سایر مردم است». (2)

3. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مانند فضیلت شیعیان بر دیگر مردم است». (3)

4. «دوست داشتنی ترین هدیه ای که از شما به ما می رسد روغن بنفشه است». (4)

فواید روغن بنفشه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه روغن خوبی است، از آن بر بدن بمالید که درد را از سر و چشم زایل می کند». (5)

2. در حدیث است که کسی به نام عقبه از قاطر افتاد و بینی اش صدمه دید. امام صادق علیه السلام فرمود: «روغن بنفشه در بینی اش بچکانید». این کار را کردند و شفا یافت. سپس به عقبه فرمود: «روغن بنفشه در زمستان گرم و در تابستان خنک... اگر مردم فضیلت آن را بدانند یک اوقیه (6) از آن یک دینار (یک مثقال شرعی طلا)

قیمت پیدا می کرد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 521، ح 1؛ طبّ الأئمّه، ص 93.

2- طبّ الأئمّه، ص 93.

3- کافی، ج 6، ص 522، ح 10، با تفاوت در عبارت.

4- کافی، ج 6، ص 521، ح 3.

5- کافی، ج 6، ص 521، ادامه حدیث 5.

6- «اوقیه» معادل هفت مثقال است (فرهنگ عمید).

7- کافی، ج 6، ص 521، ح 2.

ص:326

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه را در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم فواید آن را بدانند همواره از آن استفاده کنند». (1)

4. ودر حدیث دیگر فرمود: «حرارت تب را با روغن بنفشه بشکنید». (2)

5. ودر حدیث سوم فرمود: «روغن بنفشه سردرد را زایل می کند و باعث آرامش مغز سر است». (3)

روغن بان وزنبق

فضیلت روغن بان

فضیلت روغن بان (4)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان روغن خوبی است». (5)

2. در حدیث است که کسی از ترک هایی که در دست و پایش به وجود آمده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری پنبه را با روغن بان آغشته کن و بر ناف بگذار، یا مقداری روغن در ناف بریز». آن شخص یک مرتبه چنین کرد، آن آزار از او زایل شد. (6)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان انسان از هر دردی حفظ می کند، از آن به خود بمالید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن استفاده می کرد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 522، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 522، ح 11؛ خصال، ج 2، ص 411، ح 136.

3- کافی، ج 6، ص 522، ح 8 و 9.

4- «بان» درختی است دارای برگ های سبز و لطیف و خوشبو که از دانه هایش که شبیه پسته است، روغنیمعطر می گیرند و دانه اش را حبّ البان می گویند (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 523، ح 3.

6- کافی، ج 6، ص 523، ح 2.

7- طبّ الأئمّه، ص 94.

ص: 327

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس روغن بان بر خود بمالد، حتی اگر پیش روی شیطان بخوابد، به قدرت پروردگار شیطان نمی تواند ضرری به او برساند». (1)

فضیلت روغن زنبق

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست». (2)

2. در حدیث است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روغن زنبق را در بینی می چکاندند. (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق منافع فراوانی دارد و شفای هفتاد درد است». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق شفای هفتاد درد است». (5)

نکته: ظاهراً مراد، زنبق سفید باشد که آن را رازقی می گویند و در بسیاری از روایات به لفظ رازقی وارد شده است. (6) از کلام برخی استفاده می شود که زنبق، یاسمن سفید است.

1- طبّ الأئمّه، ص 94.

2- کافی، ج 6، ص 523، باب دهن الزنبق، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الزنبق، ح 2.

4- طبّ الأئمّه، ص 94.

5- طبّ الأئمّه، ص 94.

6- طبّ الأئمّه، ص 86.

ص:328

فواید سایر روغن ها

روغن زیتون و گل خیری

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، روغن زیتون بخور و بر بدنت بمال، زیرا شیطان تا چهل روز به کسی که این کار را کند نزدیک نمی شود». (1)

2. در برخی روایات آمده است که روغن گل خیری، روغن لطیفی است. (2)

3. در حدیثی می خوانیم که حضرت امام کاظم علیه السلام روغن گل خیری بر بدن خود می مالید. (3)

روغن کنجد

1. در حدیثی معتبر آمده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مبتلا به سردرد می شد، روغن کنجد در بینی خود می چکاند. (4)

2. نیز در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که آن حضرت دوست داشت روغن کنجد در بینی خود بچکاند. (5)

بخور وانواع و آداب آن

فضیلت بخور

1. در روایتی آمده است که مردم از حضرت رضا علیه السلام بسیار بوی بخور استشمام می کردند. (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 48.

2- کافی، ج 6، ص 522، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 522، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الحل، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الحل، ح 2.

6- کافی، ج 6، ص 518، ح 3.

ص: 329

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است که مرد هرگاه توانست لباس خود را با بخور کردن خوشبو سازد». (1)

3. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: «تحفه مرد روزه دار آن است که ریشش را روغن بمالند ولباسش را بخور دهند و تحفه زن روزه دار آن است که موهایش را شانه کرده ولباسش را بخور دهند». (2)

بخور با عود

1. در حدیث است که مرازم می گوید با امام کاظم علیه السلام به حمام رفتیم. هنگامی که حضرت از حمام بیرون آمد در رختکن عودسوز طلبید و خود را خوشبو کرد، سپس فرمود: «مرازم را نیز خوشبو کنید». (3)
 2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی عود خالص تا چهل روزوبوی عودی که بابوهای دیگر ترکیب شده باشد تاییست روزدربدن می ماند». (4)
 3. در روایتی آمده است که امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور کرده، سپس گلاب و مشک بر خود می مالید. (5)
 4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از عود هندی استفاده کنید که هفت نوع شفا در آن است». (6)
 5. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عود قماری (7) بخور می کرد. (8)
- 1- کافی، ج 6، ص 518، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 43.
 - 2- مکارم الأخلاق، ص 43.
 - 3- کافی، ج 6، ص 518، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 43.
 - 4- کافی، ج 6، ص 518، ح 1.
 - 5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 179، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 43.
 - 6- مکارم الأخلاق، ص 43.
 - 7- «عود قُماری» نوعی عود است منسوب به شهری در هندوستان به نام قمار یا کُمار (فرهنگ عمید).
 - 8- مکارم الأخلاق، ص 34.

آداب ودعای بخور دادن

1. در روایتی می خوانیم: هرگاه همسران امام کاظم علیه السلام می خواستند بخور کنند اول هسته خرما می صیجانی را که نوعی از خرماهای مدینه است می گرفتند، سپس در آتش می انداختند و چون اندکی دود می کرد بوی خوش را درون آتش می ریختند ولباسشان را بخور می دادند و معتقد بودند این کار باعث خوشبویی بیشتر می شود. (1)

2. سید بن طاووس نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بخور کردن این دعا را می خواند :

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْفَنَا وَزَكِّ رَوَائِحَنَا وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَأَجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ أَيُّهَا وَكَرَامَتِكَ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (2)

3. سید بن طاووس گفته است در روایت دیگری این دعا به هنگام بخور دادن و بوی خوش استعمال کردن آمده است :

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَمْتَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، فَلَا تَسْلُبْنِي مَا خَوَّلْتَنِي، وَأَجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ ذِكْرِي بَيْنَ خَلْقِكَ، كَمَا طَيَّبْتَ بَشْرِي وَنَشَوَيْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي». (3)

1- کافی، ج 6، ص 518، باب البخور، ح 5.

2- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که با نعمت او نیکی ها کامل می شود. بار خدایا، عرق ما را پاکیزه

و بوی ما را پاک و بازگشت ما را (به سوی خود) نیکو کن و تقوا را توشه ما و بهشت را منزلگاه آخرت ماقرار ده و میان ما و عافیتی که از سوی تو است جدایی مینداز و کرامت را از ما دریغ مدار که تو بر هر چیز توانایی». الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 23.

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، به آنچه مرا روزیداده ای بهره مند

گردان و آنچه را عطا کرده ای از من مگیر و آن را مایه رحمت قرار ده و بر من سخت و دشوار مگردان. بار خدایا، مرا در میان

بندگان خوشنام کن، همان گونه که جسم و زندگی ام را به فزونی نعمت بر من پاکیزه گردانیدی». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 23.

ص: 331

فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل ها

خواص گلاب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ریختن گلاب به صورت، آبرو را زیاد و پریشانی را برطرف می کند». (1)

2. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس به صورت خود گلاب بپاشد، در آن روز پریشانی و بدحالی به او نمی رسد. و هنگام مالیدن گلاب بر صورت و دست ها، حمد و ثنای خدا را گوید و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز اول ماه مبارک رمضان به اندازه یک کف دست گلاب بر صورت خود بریزد، (امید است) در آن روز از خواری و پریشانی در امان باشد. و هر کس در آن روز مقداری گلاب بر سرش ریزد در آن سال از بیماری سرسام (3) و ذات الجنب در امان باشد». (4)

گل نرگس و گل مورد

گل نرگس و گل مورد (5)

1. در حدیث است که بوییدن گل نرگس ومالیدن روغنش آثار فراوانی دارد. وهنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند و خداوند آتش را بر او سرد کرد، در میان آتش گل نرگس را برای آن حضرت رویانید. از آن پس گل

1- مکارم الأخلاق، ص 44.

2- مکارم الأخلاق، ص 44 و 45.

3- «سَرَسام»، به فتح سین، ورم سر یا دماغ، همچنین حالت آشفتگی شبیه دیوانگی است. در عربی نیز سَرَسام (به کسر سین) می گویند (فرهنگ عمید).

4- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 22.

5- «مُؤرَد» (به ضمّ میم وسکون واو وراء) درختی است شبیه به درخت انار، برگ هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

ص: 332

نرگس در میان مردم فراوان شد. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیست ویک نوع گل داریم که بهتر از همه گل مورد است». (2)

گل سرخ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو کف دست خود را پر از گل سرخ کرد و به من داد. و چون نزدیک مشام خود برد فرمود: پس از گل مورد، این بهترین گل های بهشت

است». (3)

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مرا به آسمان بردند چند قطره از عرق من بر روی زمین ریخت و گل سرخ از آن رویید. سپس آن گل به دریا افتاد. ماهی و دموع (4) برای خوردن آن با هم درگیر شدند،

خداوند فرشته ای را فرستاد تا در میان آنها قضاوت کند. آن فرشته نصف گل سرخ را به ماهی و نصف دیگر را به دموع داد. بدین جهت پنج برگ سبزی که در زیر گل وجود دارد، دو برگ آن به شکل دم ماهی است که از هر طرف پری دارد و دو تای دیگر به شکل دم دموع باریک است و از هیچ طرف پری ندارد و یک عدد دیگر یک طرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصف آن به شکل دم ماهی و نصف دیگر به شکل دم دموع است.» (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 45.

2- کافی، ج 6، ص 525، ح 3.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 128.

4- «دموع» جانور یا کرمی است سیاه(رنگ) که در غدیرها هنگام خشک شدن آب آن به وجود می آید. برخی می گویند کرمی است دو سر که هنگام اندک شدن آب دیده می شود. به فارسی «کفلچیز» گفته می شود(فرهنگ عمید).

5- علل الشرایع، ج 2، ص 601، ح 58.

ص:333

3. در حدیثی می خوانیم هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به معراج بردند زمین از رفتن آن حضرت محزون شد و بدین جهت «کَبَر» (1) در زمین رویید.

و چون برگشت، زمین شاد شد و گل سرخ در آن رویید. بدین جهت هر کس بخواهد بوی پیامبر را استشمام کند گل سرخ را ببوید. (2)

گل مرزنگوش

گل مرزنگوش (3)

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «گل مرزنگوش نیکو گلی است، در زیر عرش می روید و آب آن باعث شفای چشم است.» (4)

2. در حدیث است که گل مرزنگوش را فراوان ببویید که حسّ بویایی را تقویت می کند. (5)

آداب بوییدن گل

1. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه گلی به شما دادند آن را ببویید و بر دیدگان خود نهدید که از بهشت آمده است.» (6)

1- «کَبَر» گیاهی است خاردار و پرشاخ و برگ که بیشتر شاخه های آن روی زمین گسترده می شود. برگ هایش پهن، گل هایش سفید و در وسط آن تارهایی قرار دارد. میوه آن به اندازه خیار کوچکی است که بعد از رسیدن می شکفت و مغز آن سرخ رنگ است؛ بیشتر در ویرانه ها و سنگلاخ ها می روید (فرهنگ عمید).

2- مکارم الأخلاق، ص 44.

3- «مرزنگوش» گیاهی است خوشبو و دارای شاخه های بلند. برگ های آن باریک و شبیه گوش موش و تخم آن شبیه تخم ریحان و در طب از آن استفاده می شود. در عربی آن را «آذان الفار» می گویند و در فارسی «مرزنجوش»، «مرزه گوش» و «انجرک» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

4- مکارم الأخلاق، ص 45.

5- مکارم الأخلاق، ص 45.

6- کافی، ج 6، ص 524، باب الریاحین، ح 1 و 2.

ص:334

حدیث مزبور طبق سند معتبری از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است.

2. در روایتی معتبر آمده است که مالک جهنی گوید: به حضرت صادق علیه السلام گلی دادم. حضرت گل را گرفته، بویید و بر دیدگان خود نهاد. سپس فرمود: «هر کس گلی را بگیرد و ببویید و بر دیده اش نهد و بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، قبل از آنکه گل را بر زمین بگذارد گناهانش آمرزیده می شود». (1)

3. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس گلی را ببویید و بر دیدگان خود بگذارد، سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند متعال برایش حسنه فراوان می نویسد و گناهانش را محو می کند». (2)

1- امالی صدوق، ص 266، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 525، ح 5.

ص:335

فصل هفتم: نظافت شخصی

اشاره

1. فضیلت حمام کردن

2. آداب ورود و خروج ودعاهای حمام

3. بایدها ونبایدهای حمام

4. فضیلت شستن سر و بدن وزدودن بوهای بد

5. فضیلت شستن سر با سدر وگل خطمی

6. فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)

7. ازاله کردن موی زیر بغل

8. وقت دارو کشیدن

9. دعاهای هنگام دارو کشیدن

10. وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن

11. فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

12. آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها

ص:336

ص:337

فضیلت حمام کردن

اهمیت حمام رفتن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حمّام، خانه نیکی است زیرا جهنّم را به یاد می آورد و چرک را از بدن می زداید».

و عمر گفت: حمّام جای بدی است، زیرا عورت را ظاهر و حیا را می درد. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین درمان برای شما حقنه (اماله کردن)، حجامت، ریختن دارو در بینی و حمّام کردن است». (2)

فواید حمّام کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک روز در میان حمّام کردن، گوشت بدن را زیاد می کند. و هر روز حمّام رفتن، چربی های بدن را گداخته و انسان را لاغر می کند». (3)

2. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید: بیمار شدم به حدّی که همه گوشت بدنم تحلیل رفت. خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «دوست داری

1- کافی، ج 6، ص 496، ح 1.

2- طبّ الأئمّه، ص 55.

3- کافی، ج 6، ص 496، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 65، ح 247.

ص: 338

گوشت بدنت برگردد؟» عرض کردم: آری. فرمود: «یک روز در میان حمّام برو و مبادا هر روز حمّام بروی که زمینه ساز بیماری سل است». (1)

3. در روایت دیگری می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد چاق شود یک روز در میان حمام رود و هر کس گوشت بدنش زیاد است وعلاقه دارد لاغر شود هر روز به حمام رود». (2)

آداب ورود و خروج ودعاهای حمام

وقت حمام رفتن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه به حمام بروید». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان اندک غذایی در معده تو باشد به حمام برو که حرارت معده را فرو می نشاند وموجب قوت بیشتر بدن است. وهرگاه معده پر از غذاست حمام نرو». (4)

3. در حدیث دیگری می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام قصد حمام رفتن داشت اندک چیزی می خورد. راوی عرض کرد: می گویند حمام رفتن با شکم خالی بهتر است. فرمود: «باید اندک چیزی بخوری که صفرا را فرو نشاند وحرارت درون بدن را ساکن سازد». (5)

4. در روایت دیگری فرمود: «ناشتا حمام رفتن بلغم را پاک می کند وحمام رفتن پس از خوردن مقداری غذا، صفرا وسودا را پاک می سازد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 497، ح 4؛ تهذیب، ج 1، ص 399، ح 1162.

2- کافی، ج 6، ص 499، ح 11.

3- خصال، ج 2، ص 153؛ مکارم الأخلاق، ص 55.

4- کافی، ج 6، ص 497، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 53.

5- کافی، ج 6 ، ص 497، ح 6.

6- طبّ الأئمّه، ص 66.

ص: 339

5. نیز فرمود: اگر بخواهی به گوشت بدنت اضافه شود، پس از خوردن مقداری غذا حمّام برو و اگر بخواهی از وزن خود کم کنی ناشتا حمّام برو. (1)

پوشش عورتین

1. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید بدون لنگ وارد حمّام شود. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با لنگ حمّام رود، خداوند گناهانش را می پوشاند». (3)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از چند کار نهی کرد: «غسل کردن در زیر آسمان بدون لنگ، بدون لنگ وارد شدن در نهر آب زیرا نهرها ساکنانی از ملائکه دارند، وارد شدن در حمّام بدون لنگ». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس وارد حمّام شود و نگاه خود را از عورت دیگران بازدارد، خداوند او را از حمیم جهنّم حفظ می کند». (5)

شستن پا به هنگام خروج از حمّام

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه از حمّام بیرون آمدی (قبل از پوشیدن لباس)، آب سرد بر پایت بریز که درد را از بدنت می کشد». (6)

- 1- کافی، ج 6، ص 499 ح 11.
 - 2- کافی، ج 6، ص 497 ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 60، ح 325.
 - 3- ثواب الأعمال، ص 35، ثواب دخول الحمام بمئزر، ح 1.
 - 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 258.
 - 5- بحار الأنوار، ج 76، ص 74، ح 15.
 - 6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 62، ح 232؛ مکارم الأخلاق، ص 52.
- ص: 340

2. در حدیثی دیگر فرمود: «پس از خارج شدن از حمام پاها را بشویید که درد شقیقه را زایل می کند». (1)

پوشش سر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خروج از حمام عمامه بر سر ببندید». (2)

2. در حدیث دیگری آمده است که هرگاه امام باقر و امام صادق علیهما السلام از حمام بیرون می آمدند، در زمستان و تابستان، عمامه بر سر می بستند و می فرمودند: «این کار از سردرد جلوگیری می کند». (3)

دعاها و اذکار حمام رفتن

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در رختکن حمام لباس را درمی آوری بگو: اللَّهُمَّ إِنزَعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ (4) و هنگامی که از حمام خارج شدی به هنگام پوشیدن لباس بگو: اللَّهُمَّ

أَلْبَسَنِي التَّقْوَى وَجَنَّبَنِي الرَّدَى». (5)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که از حمام خارج شدی کسی که تو را می بیند بگوید: طابَ حَمَامُكَ وَحَمِيمُكَ (6) و تو در

1- مکارم الأخلاق، ص 55.

2- کافی، ج 6، ص 500، ح 17.

3- مکارم الأخلاق، ص 55.

4- ترجمه: «بار خدایا، ریسمان نفاق و دورویی را از من برکن و مرا بر ایمان ثابت قدم بدار».

5- ترجمه: «بار خدایا، جامه تقوا را بر من بپوشان و مرا از هلاکت دور گردان». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 62، ح 232؛ مکارم الأخلاق، ص 52.

6- ترجمه: «خوش باد حمام و گرمابه ات».

ص: 341

جوابش بگو: أَنْعَمَ اللَّهُ بِأَلْكَ». (1)

3. در حدیث دیگری می خوانیم: «به کسی که از حمام بیرون می آید بگوئید: أَنْقَى اللَّهُ غُسْلَكَ (2) و او در جواب بگوید: طَهَّرَكُمُ اللَّهُ». (3)

4. در حدیث است که روزی امام حسن علیه السلام از حمام خارج شد. شخصی به آن حضرت عرض کرد: طابَ اسْتِحْمَامُكَ. حضرت او را از گفتن این جمله منع کرد. وی گفت: طابَ حَمَامُكَ. حضرت این جمله را نیز نپسندید. آن

شخص برای بار سوم گفت: طابَ حَمِيمُكَ. حضرت فرمود: «چنین نگو». گفت: پس چه بگویم؟ فرمود: «بگو: طابَ ما طَهَّرَ مِنْكَ وَطَهَّرَ ما طابَ مِنْكَ». (4) یعنی خداوند پاکیزه

ونیکو گرداند به نیکی معنوی به سبب مغفرت گناهان وتوفیق طاعات، آنچه در حمام از اعضای بدن تو پاک شده است واز لوث گناهان وجهالت وضلالت آنچه پاکیزه ونیکو است از تو پاک گرداند که آن دل ونفس وعقل وسایر قوا واعضای شریفه است.

(ظاهراً نهی حضرت از سه مورد گذشته برای آن است که در دو مورد اول، دعا به شخص نیست بلکه دعا به حمام است ودر مورد سوم واژه «حمیم» به کار رفته که آب سوزان جهنم را تداعی می کند. ضمناً نهی مزبور نهی کراهتی است وبا روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت منافاتی ندارد).

بایدها ونبایدهای حمام

نبایدها

1. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

1- ترجمه: «آسوده خاطر باش». خصال، ج 2، ص 430، ح 349.

2- ترجمه: «خداوند شست وشویت را پاکیزه گرداند».

3- ترجمه: «خداوند شما را پاک گرداند». کافی، ج 6، ص 500، ح 20.

4- کافی، ج 6، ص 500، ح 21؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 72، ح 297.

ص:342

«در حمام بر پشت نخوابید که پیه گرده ها را آب می کند». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ادرار کردن در حمام پیام آور فقر و پریشانی است». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای پدر و مادر جایز نیست که به عورت فرزند خود نگاه کنند، همان گونه که برای فرزند جایز نیست به عورت پدر و مادر نگاه کند». (3)

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرد کسی را که در حمام به عورت دیگری نگاه کند، یا بدون لنگ به حمام رود تا دیگران به عورتش

نگاه کنند. (4)

5. در روایتی معتبر آمده است که روزی امام صادق علیه السلام به حمام رفت. حمامی گفت: اگر بخواهید حمام را برای شما خلوت کنم. امام علیه السلام فرمود: «نیازی به این کار نیست، مؤمن کارش سبک تر از این است که حمام را برای او قرق کنند». (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حمام بر پهلو نخواب که پیه گرده ها را آب وانسان را لاغر می کند. و موهایت را شانه نکن که کم پشت می شود». (6)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «مبادا در حمام موهایت را شانه کنی که می ریزد و مسواک نزن که دندان ها را می ریزد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 500، ح 19.

2- خصال، ج 2، ص 277؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 74، ح 13.

3- کافی، ج 6، ص 503، ح 36.

4- کافی، ج 6، ص 503، دنباله حدیث 36.

5- کافی، ج 6، ص 503، ح 37؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 65، ح 249.

6- کافی، ج 6، ص 501، ح 24.

7- علل الشرایع، ج 1، ح 24؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 64، ح 243.

ص:343

کارهای مجاز

1. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمام نهی کرد؟ حضرت فرمود: «نه، زمانی نهی می کرد که کسی عریان باشد. اگر لنگ بسته باشد اشکالی ندارد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی برای رضای خدا، نه تمرین صدا، در حمام قرآن بخواند اشکال ندارد». (2)

3. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: قرآن خواندن و آمیزش کردن در حمام چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد». (3)

4. در روایتی آمده است که هرگاه کسی وارد حمام شد و حرارت بر او غلبه کرد، آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش فرو نشیند. (4)

فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد

شستن و خوشبو کردن بدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «برای خوشبو کردن بدن، آب کافی است». (5)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با آب خود را از بوی بد که مردم را می آزارد، پاکیزه کنید و در پی اصلاح بدن خود باشید، زیرا خداوند کسانی از بندگان را که کثیف و بدبو هستند و اگر کسی نزد آنها بنشیند اذیت می شود دشمن می دارد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 502، ح 32.

2- کافی، ج 6، ص 505، ح 33.

3- کافی، ج 6، ص 502، ح 31.

4- مکارم الأخلاق، ص 55.

5- قرب الإسناد، ص 71، ح 206.

6- خصال، ج 2، ص 411، ح 142؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 99.

ص:344

3. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب را سبب خوشبویی خود قرار دهید (وبوهای بد را با آن از خود دور کنید)». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر، چرک آن را زایل و بیماری چشم را برطرف می کند». (2)

شستن لباس

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس لباسی می پوشد، باید تمیز و پاکیزه باشد». (3)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن لباس، اندوه را از میان می برد و سبب پاکیزگی است». (4)

درمان کچلی

1. در حدیث آمده است که جابر جعفی از ریزش موهایش که باعث کثیفی لباس هایش هم می شد به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «(برگ) درخت مورد (5) را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه ای که از شراب ساخته شده

و بسیار تند باشد مخلوط کن و آن قدر به هم بزن که کف کند، پس سر و ریش را با قدرت تمام بمال و بشوی، سپس با روغن شیر تازه، سر و ریش را چرب کن که آن مرض زایل شود». (6)

1- خصال، ج 2، ص 427، ح 306؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 110.

2- خصال، ج 2، ص 400؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 90.

3- کافی، ج 6، ص 441، ح 142.

4- خصال، ج 2، ص 402؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 90.

5- «مورد» درختی است شبیه درخت انار که برگ هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگعمید).

6- مکارم الأخلاق، ص 61.

ص: 345

فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی

فواید شست و شو با گل خطمی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن و شارب (سییل) و شستن سر با گل خطمی، فقر

و ناداری را زایل می کند و بر روزی می افزاید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر با خطمی، دل را می گشاید و سودا و اندوه را برطرف می سازد». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی، باعث برطرف شدن چرک و حشرات موجود در سر می شود». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی (سه فایده دارد): سر را از سردرد حفظ می کند، پریشانی را از انسان دور می سازد، کچلی را از بین می برد». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سر خود را در روز جمعه با گل خطمی بشوید، از پیسی و دیوانگی در امان خواهد بود». (5)

6. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس در روز جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد و سرش را با گل خطمی بشوید، ثواب آزاد کردن یک برده را می برد». (6)

شست و شوی سر با سدر

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست و شوی سر با سدر،

1- کافی، ج 6، ص 504، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 64.

2- مستدرک سفینه البحار، ج 3، ص 305.

3- کافی، ج 6، ص 504، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 61.

4- ثواب الأعمال، ص 36، ثواب غسل رأس بالخطمی، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 504، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 71، ح 290.

6- کافی، ج 6، ص 504، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 61.

ص: 346

رزق و روزی را فراوان می کند». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی

که خداوند متعال به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دستور داد دعوت خود را آشکار کند، حضرت تعداد اندک مسلمانان و جمعیت انبوه کافران را دید و بسیار غمگین شد. خداوند متعال جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدره المنتهی به سوی وی فرستاد، تا سر مبارک حضرت را با آن بشوید. با این کار اندوه آن حضرت برطرف شد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با برگ سدر می شست و می فرمود: سر خود را با برگ سدر بشوید که هر ملک مقرب و پیامبر مرسل از آن به نیکی یاد کرده است. هر کس سرش را با آن بشوید، خداوند متعال هفتاد روز وسوسه شیطان را از وی دور می کند. و هر کس هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور باشد، معصیت نمی کند و هر کس گناه نکند، به بهشت می رود». (3)

فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)

اهمیت و فواید دارو کشیدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن پاک کننده بدن است». (4)

2. در روایتی صحیح آمده است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: همراه امام صادق علیه السلام به حمام رفتم. حضرت فرمود: «دارو بکش!» عرض کردم: چند

1- کافی، ج 6، ص 504، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 72، ح 295.

2- کافی، ج 6، ص 505، ح 7.

3- ثواب الأعمال، ص 36، ثواب غسل الرأس بورق السدر، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 505، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 254.

ص: 347

روز پیش کشیدم. فرمود: «بار دیگر این کار را تکرار کن که دارو کشیدن، پاک کننده بدن است.» (1)

روایات دیگری نیز به این مضمون آمده است.

3. در حدیثی دیگر آمده است که حضرت به کسی دستور استفاده از داروی نظافت حمام داد. عرض کرد: سه روز پیش کشیده ام. فرمود: «تکرار کن که تو را پاک می کند.» (2)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن، دلگیری و پیریشانی خاطر را برطرف کرده و بدن را پاک می کند.» (3)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: «بوی خوش، تراشیدن سر، دارو کشیدن، آمیزش با همسر.» (4)

فلسفه دارو کشیدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «موی شارب (سبیل) وزهار (زیر شکم) وزیر بغل را بلند نگذارید که جایگاه شیطان است». (5)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرگاه موی بدن بلند شود آب پشت را قطع می کند (یعنی فرزندی به وجود نمی آید) وبندها را سست می کند وضعف و تنبلی به دنبال می آورد. ودارو کشیدن، آب پشت را فراوان و بدن را قوی وپیه گرده ها را بسیار و بدن را فربه می کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 505، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 505، ح 4.

3- کافی، ج 6، ص 506، ح 7؛ ثواب الأعمال، ص 39، ثواب التنور، ح 1.

4- مکارم الأخلاق، ص 63.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 519، باب 292، ح 1.

6- السرائر، ج 3، ص 575.

ص: 348

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زاید بدن را برطرف کنید که سبب آلودگی است». (1)

ازاله کردن موی زیر بغل

1. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می افتاد که امام صادق علیه السلام برای ازاله کردن موی زیر بغل به حمام می رفت وآن موضع را دارو می کشید و سپس از حمام بیرون می آمد. (2)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر زیر بغل دارو می گذاشت و می فرمود: «کندن موی زیر بغل، شانه ها را سست می کند». (3)
3. در حدیثی دیگر می خوانیم: «دارو کشیدن زیر بغل بهتر از تراشیدن و تراشیدن بهتر از کندن آن است». (4)
4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ازاله کردن موی زیر بغل، بوی بد آن موضع را برطرف می کند و پاک کننده و سنت رسول خداست». (5)
5. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «موهای زیر بغل را بلند نکنید که محلّ پرورش میکروب هاست». (6)

وقت دارو کشیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر هفته

- 1- کافی، ج 6، ص 505، ح 5؛ تهذیب الأحکام، ج 1، ص 398، ح 1158.
- 2- کافی، ج 6، ص 508، ح 6 و 7؛ مکارم الأخلاق، ص 63.
- 3- کافی، ج 6، ص 507؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 262.
- 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 263.
- 5- خصال، ج 2، ص 400، ح 11؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 90.
- 6- کافی، ج 6، ص 507، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 265.

روز جمعه، موهای زیر شکم و میان پاها را با دارو زایل می کرد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زیر شکم را بیش از یک هفته رها نکنید و هر کس دارو کشیدن را بیش از یک ماه ترک کند، نمازش مقبول نیست». (2)

(معنای این حدیث باطل بودن نماز نیست، بلکه به معنای کم شدن ثواب آن است).

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست دارم مؤمن هر پانزده روز یک بار موهای زاید بدن را زایل کند». (3)

4. در حدیثی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سنت در دارو کشیدن آن است که هر پانزده روز یک مرتبه انجام شود. و اگر کسی بیست و یک روز (و طبق روایتی بیست روز) بر او بگذرد و دارو نکشد، پول قرض کند و این کار را انجام دهد». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بیش از چهل روز موهای زاید بدن را رها نکند و اگر چهل روز گذشت و پولی نداشت قرض کند و این کار را تأخیر نیندازد». (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که چهل روز بر او بگذرد و موهای زاید را زایل نکند، مؤمن و مسلمان (واقعی) نیست و در نزد خدا کرامتی ندارد». (6)

7. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مردی که ایمان به

1- کافی، ج 6، ص 507، ح 14.

2- مکارم الأخلاق، ص 59.

3- کافی، ج 6، ص 506، ح 8؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 258.

4- خصال، ج 2، ص 275، ح 5؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 89، ح 3.

5- خصال، ج 2، ص 316، ح 5؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 89، ح 4.

6- خصال، ج 2، ص 275، ح 5؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 89، ح 3.

ص: 350

خدا وروز قیامت دارد نباید موهای زاید بدن را بیش از چهل روز رها کند. و برای زن مؤمن به خدا وروز قیامت حلال نیست که ازاله کردن موهای زاید بدن را بیش از بیست روز ترک کند». (1) (روشن است که تعیین زمان های مختلف برای این

کار، در واقع ناظر به درجات مختلف استحباب است).

دعاهای هنگام دارو کشیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پیش از آنکه موهای زاید را زایل کند، اندکی دارو بردارد و بپوید... و بگوید: صَلَّى اللهُ عَلَى سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ كَمَا أَمَرْنَا بِالنُّورَةِ (2) در این صورت، دارو وی را نسوزاند». (3)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام استفاده از داروی نظافت دعا بخواند، خداوند وی را از چرک ها و کثافت های دنیوی و گناهان پاک می کند و در مقابل موهایی که زایل می شود، موهایی به او کرامت می کند که با آن گناه نکند و به تعداد موهای بدنش فرشتگانی خلق می کند که تا روز قیامت برای او حمد و تسبیح الهی گویند و یک تسبیح ملائکه معادل هزار تسبیح زمینیان است و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهَّرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَأَبْدِلْنِي شِعْرًا طَاهِرًا لَا يَعْصِيكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، فَحَرِّمْ شِعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خُلُقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُلْقَاكَ عَلَى الْحَنَفِيَّةِ السَّمْحَةِ، مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ، عَامِلًا بِشْرَائِعِكَ، تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَخِذْ بِهٖ، مُتَابِدًا

1- کافی، ج 6، ص 506، ح 11؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 67، ح 260.

2- ترجمه: «درود خداوند بر حضرت سلیمان بن داوود علیهما السلام، همان گونه که او ما را امر به استفاده از داروینظافت کرد».

3- کافی، ج 6، ص 506، ح 13.

ص: 351

بِتَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ عَدَّوْهُمْ بِأَدَبِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ عِلْمِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ». (1)

وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن

اوقات مناسب و نامناسب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مرتبه دارو کشیدن در تابستان، ده برابر انجام دادن این کار در زمستان فضیلت دارد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه از داروی نظافت استفاده نکنید که روز نحس مستمر است (3)؛ جهنّم در روز چهارشنبه آفریده شده است.» (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که به امام صادق علیه السلام عرض شد: مردم می گویند استفاده از داروی نظافت در روز جمعه مکروه است. حضرت فرمود: «این سخن صحیح نیست؛ چه چیز پاک کننده تر از داروی نظافت در روز جمعه است؟!» (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، پاکیزه گردان آنچه را که از من پاک شد و پاک گردان آنچه را که از من پاکیزه شد و به جای آن، مویی عنایت کن که معصیت تو را نکند. بار خدایا، به خاطر پیروی از سنت پیامبران و درخواست بهشت و آمرزش تو، خود را پاکیزه کردم، پس مو و پوست مرا بر آتش حرام و خلقتم را پاک و اخلاقم را پاکیزه و عملم را ستوده گردان و مرا از کسانی قرار ده که بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله حبیب و رسولت، تو راملاقات کند، در حالی که به دستورهای تو عمل کرده باشد و پیرو سنت پیامبرت (ص) و گیرنده آن باشد. مؤدّب به آداب تو و رسول و اولیایت شده باشد. همان کسانی را که با آداب خود مؤدّب نمودی و بذرحکمتت را در سینه هایشان کاشتی و آنها را گنجینه های دانش خود قرار دادی، درود تو بر ایشان باد.» کافی، ج 6، ص 507، ح 15.

2- کافی، ج 6، ص 506، ح 12.

3- اشاره به آیه 19 سوره قمر دارد.

4- خصال، ج 2، ص 434، ح 9؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 88، ح 2.

5- کافی، ج 6، ص 506، ح 10.

ص: 352

دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته

1. در حدیث است که علی بن یقطين در ضمن نامه ای که خدمت امام کاظم علیه السلام نوشت می خواست بپرسد آیا می توان در حال جنابت از داروی نظافت استفاده کرد، ولی فراموش کرد. حضرت در جواب نامه اش پاسخ این پرسش ننوشتند را چنین نگاشتند: «اشکالی ندارد. نوره باعث پاکیزگی بیشتر انسان

جنب است». (1)

2. نیز در حدیث است که امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش فرمود: «اشکالی ندارد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در وقت دارو کشیدن بنشیند، بیم آن می رود که به بیماری فتق (3) مبتلا شود». (4)

روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو

1. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد با روغن زیتون مخلوط کرد و بر آن محل مالید تا بوی دارو برطرف شود؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (5)

2. در روایتی آمده است که امام کاظم علیه السلام چنین می کرد. (6)

3. نیز در حدیثی می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد بر آن محل مالید؟ فرمود: «اشکالی ندارد». راوی گفت :

1- تهذیب، ج 1، ص 399، ح 1164.

2- کافی، ج 3، ص 51، ح 12؛ الإستبصار، ج 1، ص 116، ح 391.

3- «فتق» نوعی بیماری است که بر اثر پاره شدن پرده صفاق و ریختن پیه شکم یا بعضی از امعا به پایین تولید می شود (فرهنگ عمید).

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 257؛ مکارم الأخلاق، ص 62.

5- کافی، ج 6، ص 499، ح 12.

6- کافی، ج 6، ص 505، ح 13.

ص: 353

مردم می گویند این کار اسراف است. حضرت فرمود: «چیزی که بدن را اصلاح کند و فایده ای برای جسم داشته باشد اسراف نیست، لذا بسیار اتفاق می افتد که سفارش می کنم مقداری آرد پخته شده را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر بدنم می مالیم؛ اسراف در جایی است که مالی تلف شود و به بدن ضرر برساند». (1)

فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حنا بوی بد را برطرف، آبرو را زیاد، دهان را خوشبو و فرزندان را نیکو می کند. (2) و هر کس بعد از دارو کشیدن

تمام بدن خود را حنا بمالد، فقر و پریشانی از وی برطرف می شود». (3)

2. در حدیث است که حسین بن موسی، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، می گوید: هرگاه پدرم می خواست به حمام برود دستور می داد آن را بسیار گرم کنند و نمند بر زمین حمام بیندازند، سپس وارد حمام می شد. روزی از حمام بیرون آمد، شخصی از آل زبیر به آن حضرت رسید و آثار حنا را در دست ایشان دید. پرسید: این چه رنگی است که در دستانت شماس؟ حضرت فرمود: «رنگ حنا است، پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر کس به حمام رود و داروی نظافت بزند و سپس از سر تا قدم حنا بمالد، تا نوبت بعد که حمام برود از دیوانگی، خوره، پیسی و آکله (4) در امان باشد». (5)

3. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیثه گوید: حضرت صادق علیه السلام را دیدم که بر ناخن های خود حنا گذاشته بود. پرسید: حکم، نظر تو چیست؟

- 1- کافی، ج 6، ص 499 ح 14.
- 2- کافی، ج 6، ص 484 ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 69، ح 273.
- 3- کافی، ج 6، ص 509 ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 270.
- 4- «آکله» واژه ای است عربی و نام بیماری است که در فارسی به آن جذام می گویند (فرهنگ عمید).
- 5- کافی، ج 6، ص 509 ح 1.

ص:354

عرض کردم: من در مورد کاری که شما می کنید چه می توانم بگویم؟ اما این کار را در عرف ما فقط جوانان انجام می دهند. حضرت فرمود: «ای حکم، پس از کشیدن داروی نظافت، ناخن ها شبیه ناخن مردگان می شود و ما با حنا رنگ آن را برمی گردانیم». (1)

آداب غسل جمعه و دیگر غسل ها

غسل های واجب

غسل های واجب، بنا بر مشهور فقها، شش غسل است :

غسل جنابت، غسل استحاضه، غسل حیض، غسل نفاس، غسل مسّ میّت، غسل میّت. (2)

1. مستحبّ است به هنگام غسل جنابت این دعا خوانده شود :

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي وَتَقَبَّلْ سَعْيِي وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.
(3)

واگر این دعا را بخواند بهتر است :

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَأَشْرَحْ صَدْرِي وَأَجْرِ عَلَي لِسَانِي مَدْحَكَ وَالشَّانَاءَ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ طَهُورًا وَشِفَاءً وَنُورًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (4)

ولی برخی علما این دعا را برای پس از تمام شدن غسل ذکر کرده اند.

2. در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: هر کس پس از وضو یا غسل

1- کافی، ج 6، ص 509، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 62؛ در هر دو مصدر از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

2- غسل مستحبی که با نذر و قسم ومانند آن واجب شده نیز از غسل های واجب است.

3- ترجمه: «بار خدایا، قلب مرا پاک و عملم را ستوده گردان و کوششم را بپذیر و آنچه را در نزد تو است برایمخیر قرار ده. بار خدایا، مرا از توبه کنندگان و پاکیزه گان قرار ده.»

4- ترجمه: «خداوندا، قلب مرا پاک و سینه ام را گشاده گردان و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری کن. بار خدایا، آن(غسل من) را پاکیزگی و شفا و نور قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانایی.»

جنابت این دعا را بخواند، گناهان او همچون برگ درختان می ریزد و در مقابل هر قطره از قطرات وضو و غسل او، فرشته ای خلق شود که تسبیح و تهلیل و تقدیس پروردگار کند و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد و ثوابش از آن صاحب غسل یا وضو باشد و گناهانش آمرزیده شود. و دعا این است :

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَائِكَ وَأَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاءُكَ. (1)

غسل های مستحب

اشاره

غسل های مستحب شصت و دو غسل است (2) که می توان آنها را در سه بخش بیان کرد :

غسل های زمانی، غسل های مکانی، غسل های فعلی.

اول: غسل های زمانی

اشاره

و منظور غسل هایی است که به خاطر زمان خاصی مستحب شمرده شده که به ترتیب اهمیت بیان می شود :

1- ترجمه: «پروردگارا، تو از هر عیب و نقصی منزهی و من به ثنای تو مشغولم. معبودی جز تو نیست، از تو طلب بخشش کرده و به سوی تو توبه می کنم. و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده تو است. و گواهی می دهم که علی علیه السلام

ولیّ و خلیفه بعد از پیامبر تو بر خلق تو است و اولیای او، خلفای تو و جانشینان او، جانشینان تو هستند». تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 521؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 279، ح 21.

2- سید یزدی در عروه الوثقی، در ابتدای بحث «الأغسال المندوبه» می گوید: غسل های مستحب بسیار است. برخی آن را 47 وعده ای پنجاه و گروهی بیش از شصت و جمعی آن را 87 و بعضی تا صد غسل شمرده اند. ولی مشهور همان گونه که در جواهر الکلام (ج 5، ص 2) آمده، 28 غسل است.

ص: 356

غسل جمعه

غسل جمعه از غسل های مستحبّ مؤکّد است، بلکه برخی علما آن را واجب می دانند. (1) و احتیاط آن است که در صورت امکان ترک نشود.

وقت غسل جمعه از اذان صبح روز جمعه تا هنگام نماز ظهر است. (2) و مشهور

آن است که هر چه به ظهر نزدیک تر باشد بهتر است. (3) و اگر خوف داشته باشد که

در روز جمعه آب یافت نشود، می تواند روز پنجشنبه غسل کند. (4) و چنانچه قبل

از ظهر روز جمعه موقت بر غسل نشود، می تواند بعد از ظهر تا شام روز جمعه بدون نیت قضا (به نیت ما فی الذمه) غسل کند. (5) و اگر در آن زمان هم توفیق بر

غسل نیافت می تواند از صبح روز شنبه تا شام آن روز، قضای آن را به جا آورد. (6)

1. در احادیث معتبر وارد شده که غسل جمعه بر مردان و زنان در سفر و حضر واجب است. البته به زنان اجازه داده شده که به خاطر کمبود آب در سفر این غسل را ترک کنند. (7) (منظور از وجوب، استحباب مؤکد است).

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهان تا جمعه دیگر است». (8)

3. در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس روز جمعه غسل کند و به هنگام غسل بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ

1- جواهر الکلام، ج 5، ص 3.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 11، ص 950.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 3.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 2.

5- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 10، ص 649.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 3.

7- وسائل الشیعه، ج 2، ص 943، باب 6، ح 1 و 2 و 3 و 6 و 17 و 19 و 20.

8- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 229.

ص: 357

التَّوَابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ (1) این غسل و دعا او را تا جمعه دیگر پاک

می گرداند». (2)

وبهتر است این دعا را بخواند :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ عُسْلِي وَأَجْرِ عَلِي لِسَانِي مَحَبَّةً مِنْكَ». (3)

و نیز بگوید :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمُحِقُ بِهَا دِينِي وَتَبْطُلُ بِهَا عَمَلِي». (4)

4. در فقه الرضا آمده است: بعد از فراغت از غسل جمعه بگو: اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ عُسْلِي وَأَجْرِ عَلِي لِسَانِي ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَطَهِّرِينَ». (5)

غسل شب های فرد ماه رمضان

غسل در شب های فرد ماه مبارک رمضان به خصوص شب های: اول، (6)

پانزدهم، (7) هفدهم (8) (شبی که مؤمنین و کافران در منطقه بدر جمع شدند و روز

1- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز ذات پاک خدای یکتا نیست، او یگانه است و شریکی ندارد. و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرادر زمره توبه کنندگان و پاکیزگان قرار ده».

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 228.

3- ترجمه: «بار خدایا، مرا پاک و قلب مرا پاکیزه گردان و غسل مرا پاک و طاهر قرار ده و چشمه ای از محبتت را بر زبانم جاری فرما».

4- ترجمه: «بار خدایا، مرا تطهیر کن و قلبم را از هر آفتی که دین مرا نابود سازد و عملم را باطل کند پاکیزه گردان».

5- ترجمه: «خدایا، قلب مرا پاک و غسلم را پاکیزه گردان و یاد خودت و یاد پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را بر زبانم جاری ساز و مرا از توبه کنندگان و پاکان قرار ده». فقه الرضا علیه السلام، ص 175.

6- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 1، ح 3 و 6.

7- وسائل الشیعه، ج 2، ص 953، ح 9.

8- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

ص: 358

بعد بزرگ ترین فتوحات اسلامی رخ داد (1)، نوزدهم (2) (شبی که طبق برخی

روایات، تقدیر یک سال در آن نوشته می شود (3)، بیست و یکم (4) (شبی که اوصیای

پیامبران در آن شب به شهادت رسیدند و حضرت عیسی در آن شب به آسمان رفت و حضرت موسی رحلت کرد (5) و به احتمال قوی شب قدر است)،

بیست و سوم (6) (که به احتمال قوی شب قدر است (7) و این شب دو غسل دارد :

یکی هنگام غروب آفتاب و دیگری در انتهای شب (8) مستحب است. (9)

غسل شب های دهه آخر ماه رمضان

در برخی روایات آمده است که در شب های دهه آخر ماه مبارک رمضان، هر شب غسل کنید. (10)

غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر

1. غسل شب و روز عید فطر و روز عید قربان مستحب است. (11) و بیشتر به نظر می رسد که غسل روز را تا شب می توان انجام داد، ولی بهتر قبل از نماز عید است.

1- بحار الأنوار، ج 81، ص 5، ح 6.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

3- وسائل الشیعه، ج 7، ص 259، ح 2 و 7.

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

5- بحار الأنوار، ج 81، ص 5، ح 6.

6- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

7- بحار الأنوار، ج 97، ص 16 ذیل ح 16.

8- وسائل الشیعه، ج 2، ص 942، باب 5، ح 1.

9- جواهر الکلام، ج 5، ص 25.

10- وسائل الشیعه، ج 2، ص 953، ح 10.

11- الإستبصار، ج 1، ص 451، ح 1746.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل عید فطر را در زیر سقف به جای آور و به هنگام شروع این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَّوْبَةً بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (1) وپس از تمام شدن غسل

بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَطَهْرًا لِذَنْسِي، اَللّٰهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الرَّجْسَ». (2)

غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه واول ووسط وآخر ماه رجب

غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه (3) واول ووسط وآخر ماه رجب

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ماه رجب را درک کند ودر اول ووسط وآخر ماه غسل کند، از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است». (4)

غسل روز مبعث

بیشتر علما غسل روز مبعث (27 رجب) را مستحب می دانند، هر چند حدیث خاصی در این باره نیافتیم. (5)

غسل شب نیمه شعبان

غسل شب نیمه شعبان (6)

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه)

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) (7)

- 1- ترجمه: «بار خدایا، (این غسل را برای اینکه) به تو ایمان دارم و کتاب تو را تصدیق می کنم و از سنت پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله پیروی می کنم (به جا می آورم)».
 - 2- ترجمه: «بار خدایا، آن (غسل) را کفاره گناهانم و پاکیزه کننده آلودگیم قرار ده. بار خدایا، پلیدی را از منبر طرف کن».
 - الإقبال بالأعمال الحسنه، ص 279؛ بحار الأنوار، ج 81، ص 21، ح 26.
 - 3- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 1، ح 4.
 - 4- الإقبال بالأعمال الحسنه، ص 628؛ بحار الأنوار، ج 81، ص 17، ح 24.
 - 5- نویسنده کتاب الفقه از علامه وصیمری نقل کرده است که آن دو بزرگوار غسل روز مبعث را استناد به روایت داده اند (ج 15، ص 394).
 - 6- وسائل الشیعه، ج 2، ص 959، باب 23، ح 1.
 - 7- بلد الأمين، ص 259.
- ص: 360

غسل روز مباحله (24 ذوالحجّه)

غسل روز مباحله (24 ذوالحجّه) (1) و برخی معتقدند روز 25 ذوالحجّه است. (2)

غسل روز دحو الأرض (25 ذوالقعدّه)

غسل روز دحو الأرض (25 ذوالقعدّه) (3)

در مورد این روز نیز حدیثی یافت نشد.

غسل روز نوروز

برخی با استناد به روایت معلی بن خنیس (4) معتقد به استحباب غسل در این روز هستند و آن روز اول فروردین است.

دوم: غسل های مستحب مکانی

ومنظور از آن غسل هایی است که برای ورود به مکان خاصی سفارش شده است :

1. غسل ورود به مکه معظمه. (5)

2. غسل ورود به داخل خانه کعبه. (6)

3. غسل ورود به حرم مدینه منوره. (7)

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3؛ وج 5، ص 287، ح 2.

2- در اینکه مباحله در چه روزی از ماه ذوالحجه اتفاق افتاده، اختلاف نظر وجود دارد و در جواهر الکلام، (ج 5، ص 40) علاوه بر دو قول مزبور، روز بیست و هفتم و بیست و یکم ذی الحجه نیز ذکر شده است. ولی همان گونه که صاحب جواهر گفته، اقوی همان قول اول (24 ذی الحجه) است.

3- در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که بیست و پنجم ماه ذوالقعدة روز «دحو الأَرْض» است و آن روزی است که نخستین خشکی ها از زیر آب - که تمام روی زمین را فرا گرفته بود - سر برآورد و مطابق بعضی از روایات، نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد و خشک شد و سپس گسترش یافت، سرزمین مکه و به خصوص خانه کعبه بود؛ از این رو، مکه «أمّ القری» = مادر همه آبادی ها [نام گرفت (مفاتیح نوین، ص 804).

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 960، باب 24، ح 1.

5- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

6- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

7- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 44، باب 18، ح 1.

ص: 361

4. غسل ورود به شهر مدینه مشرفه. (1)

5. غسل ورود به مسجد الرسول صلی الله علیه و آله. (2)

سوم: غسل های مستحبّ مربوط به برخی اعمال

و منظور از آن غسل هایی است که برای کاری که انجام شده یا انجام خواهد شد، سفارش شده است :

1. غسل احرام حج یا عمره (3) و برخی آن را واجب دانسته اند (4) و احوط عدم

ترک آن است.

2. غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نزدیک و دور. (5)

3. غسل زیارت ائمه معصومین علیهم السلام از نزدیک و دور. (6)

4. غسل استخاره به طور مطلق (7) ، به ویژه نمازهای مخصوص استخاره. (8)

5. غسل نمازهای حاجت. (9)

6. غسل توبه از گناهان. (10)

7. غسل قضای نماز کسوف، چنانچه عمداً ترک کرده و تمام قرص ماه گرفته باشد. (11) و برخی معتقد به وجوب این غسل هستند (12) و احتیاط آن است که ترک

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 938، ح 7.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 940، ح 12.

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 121، باب 35.

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

5- مصباح المتهجد، ص 12.

6- فقه الرضا، ص 4، و شرح آن را در کتاب الفقه، ج 15، ص 429 به بعد مطالعه فرمایید.

7- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

8- وسائل الشیعه، ج 2، ص 958، باب 21، ح 1.

9- وسائل الشیعه، ج 2، ص 958، باب 20، ح 1 و 2.

10- وسائل الشیعه، ج 2، ص 957، باب 18، ح 1.

11- وسائل الشیعه، ج 2، ص 960، باب 25، ح 1.

12- جواهر الکلام، ج 5، ص 49 و 50.

ص: 362

نشود. بعضی نیز معتقدند: در صورت قضا شدن نماز کسوف، غسل مستحبّ است، هر چند تمام ماه نگرفته باشد (1) و این نظریه قوی است.

8. غسل برای طواف. (2)

9. غسل ذبح قربانی حج. (3)

10. غسل فرزندى که متولد می شود. (4)

11. غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله طبق عقیده برخی علما که در روز هفدهم ربیع الأول است. (5)
ولی به نظر می رسد که غسل برای زیارت آن حضرت

در آن روز مستحبّ است، نه خصوص این روز.

12. غسل نماز باران. (6)

13. غسل کشتن سوسمار کوچک. (7)

14. غسل تماشای کسی که به دار آویخته شده است. (8) و برخی علما معتقد به وجوب آن هستند. (9) و بیشتر علما گفته اند: هرگاه انجام دادن این کار پس از سه روز به دار آویختن باشد غسل کردن مستحبّ است (10) ، خواه به حق کشته شده باشد یا ناحق و خواه به طریق شرعی کشته شده باشد یا غیر شرعی.

15. اعاده غسل های ناقص؛ برخی علما معتقدند که هرگاه بنا بر ضرورت،

- 1- جواهر الکلام، ج 5، ص 49.
- 2- وسائل الشیعه، ج 9، ص 319، ج 2.
- 3- وسائل الشیعه، ج 2، ص 962، باب 31، ج 1.
- 4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 961، باب 27، ج 1.
- 5- الفقه، ج 15، ص 398.
- 6- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 498، باب 1، ج 2.
- 7- وسائل الشیعه، ج 2، ص 957، باب 19، ج 1 و 2.
- 8- وسائل الشیعه، ج 2، ص 958، باب 19، ج 3.
- 9- جواهر الکلام، ج 5، ص 68.
- 10- الفقه، ج 15، ص 467.

غسل ناقص انجام شده باشد، مثل غسل جبیره و تقیه، اعاده آن مستحب است. (1)

16. هرگاه لباسی را دو تن به طور مشترک بپوشند و آثار منی در آن یافت شود و مشخص نباشد از کدامین آن دو تن است، غسل برای هر دو مستحب است. (2)

17. هر که میّت را کفن کند مستحب است غسل کند. (3) ظاهراً این غسل همان

غسل مسّ میّت است که مستحب است پیش از کفن کردن به جا آورد (هر چند اصل غسل مسّ میّت از واجبات است).

18. مسّ میّت پس از غسل های سه گانه. (4)

19. هرگاه کسی در حال جنابت بمیرد مستحب است قبل از غسل میّت یا پس از آن، او را غسل جنابت دهند. (5)

البته تفصیل این غسل ها و احکام آن در این کتاب نمی گنجد و ان شاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد. (6)

1- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

2- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

3- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

5- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

6- ر.ک: بحارالأنوار، ج 81.

ص:364

ص:365

فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه

اشاره

1. اوقات خوابیدن

2. وضو گرفتن قبل از خواب

3. مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب

4. دیگر آداب خوابیدن

5. آداب ودعاهای قبل از خواب

6. برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن

7. دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب

8. نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن

9. سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب

10. آداب بیداری و مذمت پر خوابی

11. آداب حاجتگاه رفتن

12. حاجتگاه و آداب آن

اوقات خوابیدن

اشاره

(مقدمه:) خوابیدن پس از اذان صبح تا طلوع آفتاب (که به آن بین الطلوعین می گویند) و بین نماز مغرب و عشا (در صورتی که آنها را با فاصله بخوانند) و بعد از نماز عصر کراهت دارد و پیش از ظهر به هنگام گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر مستحب است و آن را خواب «قیلوله» می گویند.

خواب بین الطلوعین

1. در حدیث آمده است که امام سجّاد علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: «پیش از طلوع آفتاب نخواب که این کار را برای تو دوست نمی دارم، زیرا خداوند متعال روزی بندگان را در این وقت قسمت می کند و هر که در این وقت خواب باشد از روزی محروم می شود». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمین از سه چیز نزد خدا ناله سر می دهد: از خون حرامی که روی آن ریخته می شود، غسلی که بر اثر زنا بر روی زمین صورت می پذیرد، خواب پیش از طلوع آفتاب». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بامداد (نزدیک

1- بصائر الدرجات، ص 343، ح 9.

2- خصال، ج 1، ص 151، ح 135؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 184، ح 1.

ص:368

طلوع آفتاب) شوم است و روزی را منع و رنگ را زرد و چهره را زشت می کند و این خواب شومی است. به درستی که خداوند متعال روزی بندگان را بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می کند، پس مبدا که در این زمان بخوابید». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «مرغ بریان و ترنجبین (2) بین الطلوعین

بر بنی اسرائیل نازل می گشت و هر کس در این وقت خواب بود سهم او

نازل نمی شد». (3)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در جای نماز خود بنشیند (وبه تعقیبات نماز و دعا و تلاوت قرآن پردازد) خداوند متعال او را از آتش جهنم حفظ می کند». (4)

6. ودر حدیثی دیگر فرمود: «ثواب چنین کسی همانند ثواب کسی است که حجّ خانه خدا به جا آورده باشد وگناهانش آمرزیده می شود». (5)

نکته: در چندین روایت آمده است که اگر نماز صبح را بخواند و قدری تعقیبات نماز را به جای آورد و قبل از طلوع آفتاب بخوابد اشکال ندارد، از جمله :

7. در حدیثی صحیح آمده است که امام رضا علیه السلام به کسی فرمود: «فردا پس از طلوع آفتاب بیا که من پس از نماز صبح (و تعقیبات) می خوابم». (6)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نماز صبح خواندی

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1453.

2- «تُرْجَبِین» دارویی است شبیه ریزه نبات که طعمش شیرین است. از شیرابه یا شبنمی که بر رویشاخه های گیاهی به نام خارشتر جمع و منعقد می گردد تولید می شود و در طبّ به عنوان ملین به کار می رود؛ از شیر خشت بهتر و لطیف تر است (فرهنگ عمید).

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1453.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1456.

5- الإستبصار، ج 1، ص 350، ح 1321.

6- الإستبصار، ج 1، ص 350، ح 1323.

ص:369

و ذکر خدا گفتی، باکی نیست که پیش از طلوع آفتاب بخوابی». (1)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بعد از نماز مغرب و قبل از نماز عشا و خواب قبل از طلوع آفتاب، پریشانی و فقر می آورد». (2)

خواب قیلوله

خواب قیلوله (3)

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب اول روز (بین الطلوعین) سفاهت، خواب قیلوله نعمت، خواب بعد از عصر حماقت و خواب بین نماز مغرب و عشا باعث محرومیت از روزی است». (4)

2. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: حافظه ای قوی داشتم ولی اکنون فراموشی بر من غالب شده است (چه کنم؟) حضرت فرمود: «آیا قبلاً خواب قیلوله داشتی و اکنون ترک کرده ای؟» عرض کرد: آری. فرمود: «دوباره آن کار را انجام بده». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد، حافظه اش برگشت. (5)

3. در روایتی آمده است: «قیلولة کنید که شیطان قیلولة نمی کند». (6)

4. و نیز روایت شده است: «قیلولة برای بیداری و عبادت در شب، کمک خوبی است». (7)

1- الإستبصار، ج 1، ص 351، دنباله حدیث 1324.

2- بحار الأنوار، ج 76، ص 184، ح 2.

3- «قیلولة» خواب نیم روز، خواب و استراحت در نیمه روز یا پیش از ظهر است (فرهنگ عمید).

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 318، ح 1446.

5- قرب الإسناد، ص 74، ح 219؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 318، ح 1449.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1452.

7- امالی طوسی، ج 2، ص 111.

ص: 370

وضو گرفتن قبل از خواب

فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با وضو به رختخواب برود، رختخواب برای او حکم مسجد را دارد. و اگر در میان رختخواب به یاد آورد که وضو ندارد، بر روانداز تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد، تا زمانی که به یاد خداست گویی نماز می خواند». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مسلمانی (بدون ضرورت) در حال جنابت و همچنین بدون وضو نخوابد. و اگر آب برای غسل و وضو نیابد تیمم کند زیرا روح مؤمن را به هنگام خواب به آسمان می برند و خداوند آن را قبول کرده، بر آن برکت می فرستد؛ پس اگر اجلش رسیده باشد او را در گنجینه ای از رحمت خود می سپارد و اگر وقت آن نرسیده باشد با امینان خود از ملائکه به بدن او باز می گرداند». (2)

شب زنده داری سالانه

در حدیثی معتبر آمده است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب و یارانش فرمود: «کدام یک از شما تمام سال را روزه می گیرد؟» سلمان گفت: من.

فرمود: «کدام یک از شما (تمام) شب را احیا می دارد؟» سلمان پاسخ داد: من.

فرمود: «کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند؟» سلمان گفت: من.

پس عمر از پاسخ های پی در پی سلمان به خشم آمد و رو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : این مردی است از فارس، می خواهد بر ما که از قریش هستیم فخر بفرشد و دروغ می گوید. در اکثر روزها روزه نیست، بیشتر شب را در خواب و قسمت

1- محاسن، ص 47، ح 64.

2- خصال، ج 2، ص 402؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 91.

ص: 371

زیادی از روز را خاموش است.

حضرت فرمود: «سلمان مانند لقمان حکیم است، (سخنان او بی حکمت نیست) از او سؤال کن تا جوابت دهد.

عمر پرسید، سلمان فرمود: اما در مورد روزه تمام سال، من هر ماه سه روز روزه می گیرم و چون خداوند هر حسنه ای را به ده برابر پاداش می دهد، این کار برابر با روزه تمام سال می شود. علاوه بر اینکه ماه شعبان را روزه گرفته، آن را با ماه مبارک رمضان پیوند می کنم. و اما در مورد بیداری شب، هر شب با وضو می خوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر کس با وضو بخوابد، گویی تمام شب را به عبادت احیا کرده باشد. و اما در مورد ختم قرآن، هر روز سه مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را می خوانم، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، مثل تو در میان امت من، مثل سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ) است. هر کس سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ) را یک بار بخواند، چنان است که یک سوم قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند، چنان است که دوسوم قرآن را خوانده و هر که سه بار بخواند، گویی قرآن را ختم کرده است؛ پس هر کس تو را به زبان دوست دارد یک سوم ایمان در او کامل شده است و هر کس تو را به زبان ودل دوست دارد، دوسوم ایمان در او کامل شده است و هر که تو را به زبان ودل دوست دارد و با دست خود تو را یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است. ای علی، به حق خداوندی که مرا به راستی به سوی مردم فرستاده است سوگند، که اگر تو را اهل زمین دوست می داشتند چنانکه اهل آسمان تو را دوست می دارند، خداوند هیچ کس را به آتش جهنم عذاب نمی کرد.»

پس (از سخنان سلمان) عمر ساکت شد که گویا سنگی بر دهانش گذاشتند. (1)

1- معانی الأخبار، ص 234؛ امالی صدوق، ص 33، ح 5.

ص: 372

مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب

اشاره

(مقدمه:) مشهور میان علما آن است که خوابیدن در مساجد کراهت دارد. اما ظاهر احادیث آن است که مکروه نیست، مگر در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، ولی در این دو مسجد نیز تجویز شده است.

مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد

1. در حدیث آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را از خوابیدن بر سر راه نهی فرمود. (1)

2. و در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوابیدن بر پشت بامی که دیوار نداشته باشد نهی کرد. (2) و فرمود: «هر کس بر بامی بخوابد که دیوار نداشته

باشد، از امان خدا بیرون رود». (3)

3. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مکروه است انسان تنها بر بامی بخوابد، یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد». و فرمود: «مرد وزن در این حکم یکسانند». (4) کسی پرسید: اگر سه طرف آن دیوار داشته باشد چه

حکمی دارد؟ فرمود: «باید هر چهار طرف آن دیوار داشته باشد». (5)

در برخی روایات حدّ بلندی دیوار پشت بام، دو ذراع (6) و در برخی دیگر یک

ذراع و یک وجب بیان شده است. (7)

1- محاسن، ص 364، ح 103، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

2- محاسن، ص 622، ح 63؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 258.

4- کافی، ج 6، ص 530، ح 4 و 5.

5- محاسن، ص 621، ح 62؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 6.

6- محاسن، ص 622، ح 66؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 5.

7- محاسن، ص 621، ح 62؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 6.

ص: 373

اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد

1. در احادیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گروه را نفرین کرد :

«کسی که تنها چیزی بخورد، کسی که تنها به سفر رود و کسی که در خانه اش تنها بخوابد». و فرمود: «اگر کسی تنها

بخوابد بیم آن می رود که دیوانه شود». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در خانه یا بیابان تنها بخوابد این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ اَنِسْ وَحَشْتِيْ وَاعْنِيْ عَلٰى وَحْدَتِيْ». (2)

3. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از اینکه کسی با دست چرب و آلوده به موادّ خوراکی بخوابد نهی کرد. و فرمود: «هر کسی چنین کند و شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود، کسی را جز خود سرزنش نکند». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «دست و دهان کودکان را به هنگام خوابیدن بشوید، در غیر این صورت شیطان آنها را می بوید و در خواب می ترسند». (4)

رفتن به حاجتگاه پیش از خواب

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از خواب به حاجتگاه بروید، سپس بخوابید». (5)

دیگر آداب خوابیدن

(مقدمه): مستحبّ است انسان بر دست راست و رو به قبله بخوابد و دست راست را زیر صورت بگذارد. و بر دست چپ و به رو خوابیدن کراهت دارد.

1- خصال، ج 1، ص 105، ح 139؛ مکارم الأخلاق، ص 259.

2- ترجمه: «بار خدایا، به هنگام وحشت مونسیم باش و در تنهایییم یاریم کن». محاسن، ص 370، ح 122.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 3؛ مکارم الأخلاق، ص 425.

4- خصال، ج 2، ص 426، ح 294.

5- خصال، ج 1، ص 215، ح 60؛ میزان الحکمه، باب 3978، ح 20943 (ج 10، ص 456).

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بر چهار قسم است: پیامبران بر پشت می خوابند و چشمانشان به خواب نمی رود و در انتظار وحی پروردگار هستند، مؤمن بر دست راست و رو به قبله می خوابد، پادشاهان و فرزندانشان بر دست چپ می خوابند تا آنچه خورده اند گوارا باشد، شیاطین و برادران او و هر دیوانه و مبتلایی به رو می خوابد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به رو نخوابید و هر کس را ببینید که به رو خوابیده، او را بیدار کنید و بر آن حال نگذارید». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه خواستید بخوابید دست را زیر جانب راست صورت بگذارید، زیرا انسان نمی داند از این خواب بیدار خواهد شد

یا نه». (3)

گفتنی است که احادیث متعددی در مورد فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ وارد شده است. (4)

آداب و دعاهای قبل از خواب

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه به رختخواب می رفت آیه الکرسی می خواند (و بهتر است که تا (هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ) خوانده شود) و بعد از آن می فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ، اَمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ. اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ فِيْ مَنَامِيْ وَفِيْ يَقْظَتِيْ». (5)

- 1- خصال، ج 1، ص 239، ح 126؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 186، ح 4.
 - 2- خصال، ج 2، ص 402، ح 38؛ سفینه البحار، ج 8، ص 370.
 - 3- خصال، ج 2، ص 432؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 114.
 - 4- ر.ک: بحار الأنوار، ج 42، ص 281؛ وج 76، ص 190، ح 21؛ سفینه البحار، ج 8، ص 371، وص 375.
 - 5- ترجمه: «به نام خدا، به خدا ایمان آوردم و به طاغوت کافر شدم. پروردگارا، مرا در خواب و بیداری حفظ کن». کافی، ج 2، ص 536، ح 4.
- ص: 375

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره (أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ) را به هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر نجات پیدا می کند». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سوره (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ) را به هنگام خواب بخواند و پس از آن چهار مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (2)، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد که

نزد حضرت رسول روند و سلامش را به حضرت برسانند و حضرت جواب سلامش را خواهد داد». (3)

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد بخوابد، قبل از آنکه پهلو را بر زمین بگذارد بگوید: أَعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوْلَانِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ وَعَظَمَةِ اللَّهِ وَجَبْرُوتِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَعَفْوانِ اللَّهِ وَقُوَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَجَلَالِ اللَّهِ وَبِصْنَعِ اللَّهِ وَأَرْكَانِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ

صلى الله عليه و آله و يقدره الله على ما يشاء، من شر السامه والهامه ومن شر الجن والانس ومن شر ما يدب في الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل دابة ربى أخذ بناصيتها، إن ربى على صراط مستقيم وهو على كل شىء قدير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم (4) واین تعویذی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای امام حسن

1- کافی، ج 2، ص 623، ح 14. در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هرکس «قل هو الله» را هنگام خواب سه مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می بخشد (کافی، ج 2، ص 620، ح 4).

2- ترجمه: «ای خدایی که پروردگار سرزمین مکه و بیرون آن هستی، از جانب من به روح محمد صلی الله علیه و آله تحیتودرود فرست.»

3- بحار الأنوار، ج 73، ص 214.

4- ترجمه: «پناه می دهم نفسم و دینم و اهلم و مالم و پایان کارهایم و آنچه را که پروردگارم روزی ام کرده و بهمن بخشیده است، به عزت و عظمت و جبروت و سلطنت و رحمت و غفران و قوت و قدرت و جلال و صنعوارکان الله و همه صفات خداوند و به رسول خدا و قدرت خدا بر هر چه که اراده کند، از شر جانوران سمیوخزنده گزنده و از شر جن و انس و از شر آنچه بر روی زمین حرکت می کند و آنچه از آن خارج می شود و از شر آنچه از آسمان نازل می شود یا به سمت آسمان بالا می رود و از شر هر جنبنده ای که زمام امور آن به دست پروردگارم است. بی شک (کار) پروردگارم در مسیر صحیح و مستقیم است و او بر هر چیزی تواناست. و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند بزرگ و والامرتبه نیست.»

ص: 376

و امام حسین علیهما السلام می خواند». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه بخواهید بخوابید، دست راست را زیر گونه راست صورت نهاده، بگویید: بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ (2) هر

کس این دعا را به هنگام خواب بخواند، از دزد و غارت اموالش و فرود آمدن خانه محفوظ خواهد ماند و ملائکه برایش استغفار کنند». (3)

3. نیز در حدیثی فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن سوره توحید را بخواند، خداوند به پنجاه هزار ملک مأموریت می دهد که در آن شب از او حفاظت کنند». (4)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس این آیات را به هنگام خواب بخواند، از شرّ دزد در امان باشد: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا * وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا)». (5)

1- خصال، ج 2، ص 425؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 109.

2- ترجمه: «به نام خدا، پهلویم را به خاطر خدا و بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایت کسی که خداوند اطاعت او را واجب فرموده، بر زمین نهادم. آنچه خدا بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود».

3- بحار الأنوار، ج 76، ص 191.

4- خصال، ج 2، ص 425؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 109.

5- ترجمه: «بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان»، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است ؛ و) برای او بهترین نام هاست. و نمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان ؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) برگزین. - و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات 110 و 111) فلاح السائل، ص 283.

ص: 377

از امام سجّاد علیه السلام

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «هر کس در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از وی برطرف می شود و هیچ گزنده ای به او زیان نمی رساند: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ. اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، أَنْكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (1)

از امام باقر علیه السلام

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر فرمود: «هر کس در وقت خواب، دست راست را زیر سر بگذارد بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ وَبِسَبِيحِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامِ بگویند». (2)

1- ترجمه: «بار خدایا، تو اولی هستی که پیش از تو چیزی نیست و تو ظاهری هستی که چیزی برتر از تونیست، و تو باطنی هستی که چیزی غیر از تو نیست، و تو آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست. بار خدایا، ای پروردگار آسمان ها و زمین های هفتگانه، پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن حکیم، به تو پناه می برماز شرّ هر جنبنده ای که زمام آن به دست تو است. بی شک (کار) تو در مسیر صحیح و مستقیم است». فلاح السائل، ص 285.

2- ترجمه: «به نام خدا، خدایا جان خود را تسلیم تو می کنم و به تو روی می آورم و کارم را به تو وامی گذارم و تورا تکیه گاه خویش ساخته و بر تو توکل می کنم به خاطر رغبتی (که در ثواب تو) و ترسی که در (عقاب) تو دارم، پناه و نجاتی جز تو نیست. به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی ایمان دارم». کتاب منلائحضره الفقیه، ج1، ص 296، ح 1354؛ مکارم الأخلاق، ص 288.

ص: 378

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت خواب این دعا را ترک نکنید: أَعِيدُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي، بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ» که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با این دعا، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را تعویذ می کرد». (1)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس هر شب پیش از خواب سوره (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ) را تلاوت کند، در قیامت صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد». (2)

4. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره هایی را که اول آن با «سَبَّحَ لِلَّهِ» یا «يُسَبِّحُ لِلَّهِ» (3) شروع می شود بخواند، قبل از مرگ به خدمت حضرت

ولی عصر(عج) می رسد و هر زمان از دنیا رود او را در همسایگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله جای دهند». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این دعا را هر شب بخواند، تا صبح عقرب و هیچ گزنده دیگری به او آسیبی نرساند: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (5)

1- ترجمه: «خودم و ذریه و خانواده و مالم را از شرّ هر شیطان مودی و حشتناک و از زخم چشم هر ملامتگریه فرمان های کامل الهی می سپارم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 297، ح 1355؛ مکارم الأخلاق، ص 289.

2- ثواب الأعمال، ص 144، ح 3.

3- سوره های حدید، حشر، صف با «سَبَّحَ لِلَّهِ» و سوره های جمعه و تغابن با «يُسَبِّحُ لِلَّهِ» شروع شده است.

4- کافی، ج 2، ص 620، ح 3.

5- ترجمه: «پناه می برم به کلمات تامّه خداوند که هیچ انسان نیک و گناهکاری از آن عبور نمی کند، از شرّ آنچه که خلق کرده و از شرّ هر جنبنده ای که زمام امورش به دست اوست. بی شک (کار) پروردگارم بر صراط مستقیم است». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 298، ح 1360.

از امام صادق علیه السلام

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْكَ أَفْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعَفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ودر آن شب بمیرد، وارد بهشت شود». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب یازده مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را بخواند، خداوند متعال یازده فرشته بر او بگمارد تا او را از شرّ شیطان تا به صبح حفظ کند». (2)

3. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و سوره (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) را پیش از خواب بخوان که اولی معرفت نامه پروردگار و دومی بیزاری از شرک است». (3)

4. نیز در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس پس از قرار گرفتن در رختخواب سه مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَّرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَّرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد

شده است». (4)

1- ترجمه: «پروردگارا، تو را به شهادت می طلبم که تو بر من اطاعت حضرت علی و یازده فرزندش: را واجب کردی درود و صلوات خداوند بر او و فرزندانش باد». فلاح السائل، ص 275؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 206.

2- فلاح السائل، ص 281.

3- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 297، ح 1356؛ مکارم الأخلاق، ص 288.

4- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که بلندپایه و پیروز و غالب است. و سپاس مخصوص خداوندی است که از چشم ها پنهان و بر پنهانی ها آگاه است. و سپاس از آن خداوندی است که مالک و تواناست. و سپاس ویژه خداوندی است که مردگان را زنده می سازد و زندگان را می میراند، و او بر همه چیز تواناست». کتاب منلایحضره الفقیه، ج 1، ص 297، ح 1357؛ مکارم الأخلاق، ص 289.

ص: 380

5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره یاسین را بخواند، خداوند به هزار فرشته مأموریت می دهد که او را از شرّ شیاطین و هر بلائی حفظ کنند». (1)

6. در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتید چنین دعا کنید: اللَّهُمَّ إِنِّي إِحْتَبَسْتُ نَفْسِي، فَأَحْتَبِسْهَا فِي مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَإِنْ رَدَدْتَهَا فَأَرُدُّهَا مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى تَتَوَقَّأَهَا عَلَيَّ ذَلِكَ». (2)

7. در گفته ای دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتی، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو، سپس آیه الکرسی، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، ده آیه اول و ده آیه آخر سوره صافات را بخوان». (3)

8. در حدیثی صحیح آمده است که سفارش کرد به هنگام خواب چنین دعا کنید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، بَلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». (4)

2- ترجمه: «بار خدایا، من نفس خود را بازداشته ام (و به خواب می روم)، پس تو آن را در محلّ خشنودی و آمرزش خویش بازدار. و اگر بازگردانی، آن را بر ایمان و شناخت حقّ اولیای خود بازگردان، تا اینکه آن را بر همین اعتقاد بمیرانی». کافی، 2، ص 536، ج 2.

3- کافی، ج 2، ص 536، ج 6.

4- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز معبودی یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. پناهی بر من به عظمت و عزّت و شکوه و قدرت و جلال و سلطنت خدا، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. و پناهی بر من بر بخشش و رحمت خدا از شرّ جانوران سمّی و خزنده گزنده و از شرّ هر جنبنده کوچک یا بزرگ، در شب یا روز و از شرّ فاسقان جنّ و آدمی و از شرّ فاسقان عرب و عجم و از شرّ صاعقه ها و تگرگ. بار خدایا، بر محمد بنده و رسولت و اهل بیت طاهرینش درود فرست». کافی، ج 2، ص 537، ج 8.

ص: 381

9. در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب صد بار سوره توحید بخواند، گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده می شود». (1)

10. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب سه مرتبه آیه الکرسی (2) ،

یک مرتبه آیه «شَهِدَ اللهُ» (3) و آیه «سخره» (4) و آیه آخر سوره حم سجده (سوره

فصلت) را بخواند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد تا شیاطین را از وی دور گردانند و به سی ملک دستور می دهد که تا هنگام بیدار شدنش مشغول تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا باشند و استغفار کنند و ثواب همه این اعمال از آن او باشد». (5)

11. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب صد مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا کند. و هر کس صد مرتبه استغفار کند، گناهانش همچون برگ درختان می ریزد». (6)

12. نیز در گفتاری فرمود: «هر کس یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را پیش از خواب بخواند، گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلاها

محفوظ می مانند و اگر صد بار بخواند، گناه پنجاه ساله از آینده عمرش آمرزیده شود». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 288.

2- سوره بقره، آیه 255.

3- سوره آل عمران، آیه 18.

4- علامه مجلسی در مرآت العقول، در ذیل حدیث مزبور می گوید: ... مشهور آن است که منظور از آیه سخرهدو آیه آخر سوره حم سجده (سوره فصلت) است. و شیخ بهایی گفته است: این آیه را سخره نامیده اند زیرا دلالت بر تسخیر و تسلط خداوند بر همه چیز دارد.

5- کافی، ج 2، ص 539، ح 16.

6- خصال، ج 2، ص 380، ح 37؛ ثواب الأعمال، ج 18، ح 2.

7- فلاح السائل، ص 275؛ ثواب الأعمال، ص 456، ح 5 و 7.

ص: 382

از امام رضا علیه السلام

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن آیه الکرسی را بخواند، از فلج در امان خواهد بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در وقت خواب این آیه را بخواند، خانه بر سرش خراب نمی شود: إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا». (2)

(تذکر: البته منظور این نیست که تمام آنچه در بالا آمد در یک شب خوانده شود که این کار بسیار طولانی و دشوار است، بلکه از میان آنها بر حسب نیاز خود انتخاب کند و یا در هر شبی بعضی از آنها را بخواند).

برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن

راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب

دعاها و ذکرهای خاص

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب می ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَسِيسِ تَسْبِيحِ حَضْرَتِ زَهْرَا بَكْوَيْدِ». (3)

در کتاب طبّ الائمه آمده است که «آیه الكرسي» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نیز بخواند. (4)

1- ثواب الأعمال، ص 131، ح 1.

2- ترجمه: «خداوند آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و آمرزنده است». (سوره فاطر، آیه 41) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 298، ح 1362.

3- ترجمه: «معبودی جز الله وجود ندارد، او یگانه است و شریکی ندارد، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده است و هرگز نمی میرد». فلاح السائل، ص 282.

4- طبّ الأئمّه، ص 64.

ص:383

2. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب می ترسد، به هنگام خوابیدن، سوره های (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و آیه الکرسی بخواند». (1)

3. در روایت دیگر چنین آمده است: «برای (برطرف کردن) ترس (هنگام خواب)، شب ها این دعا را ده مرتبه بخواند: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ (2) ، سپس آیه الکرسی

بخواند و در پایان بگوید: إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَهُ مِنْهُ (3) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا». (4)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که شهاب بن عبد ربّه خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می آید و می ترساندم. حضرت فرمود: «تسبیح بردار و در رختخواب 34 مرتبه الله اکبر و 33 مرتبه سبحان الله و 33 مرتبه الحمد لله بگو، سپس این دعا را ده مرتبه بخوان: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (5)

و ظاهراً در تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در وقت خواب، مخیر است میان آنکه بعد از الله اکبر، الحمد لله بگوید یا سبحان الله.

1- مصباح المتهدّج، ص 121؛ و مکارم الأخلاق، ص 289؛ بحار الأنوار، ج 87، ص 176.

- 2- ترجمه: «پناه می برم به کلمات خدا از خشم و عقوبت او و از شرّ بندگان (شرور)ش و از وسوسه های شیاطینو اینکه بر بالین من حاضر شوند».
- 3- ترجمه: «(به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت.»سوره انفال، آیه 11.
- 4- ترجمه: «و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم». (سوره نبأ، آیه 9) مکارم الأخلاق، ص 289.
- 5- ترجمه: «معبودی جز خدای یکتا نیست، او تنهاست و شریکی ندارد. مُلک و سلطنت از آن اوست و تنها او استحقاق ستایش دارد، (زیرا) زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند. تمام خیرات به دستاوست و رفت و آمد شب و روز از ناحیه اوست و او بر همه چیز تواناست». کافی، ج 2، ص 536، ح 7.
- ص: 384

فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات

فصد (رگ زدن) (1) و پرداخت زکات

1. در حدیثی می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در شب و روز بسیار می ترسد، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن». (2)
2. در حدیثی دیگر آمده که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در خواب بسیار می ترسد و گاه حالش بسیار بد و اعضای بدنش سست و بی حس می شود، گویند که بر اثر تصرف جن است و قابل علاج نیست، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن، سپس آب شوید (یا رازیانه) را با غسل بپز و سه روز به او بده تا بخورد». راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم و دخترم شفا یافت. (3)

3. کسی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می آید و مرا می ترساند. حضرت فرمود: «مگر زکات نمی دهی؟» عرض کرد: می دهم. حضرت فرمود: «به مستحق نمی دهی». پس از آن، زکات را خدمت امام فرستاد و آن حالت از او برطرف شد. (4)

دعا برای محتمل نشدن و برطرف کردن بی خوابی

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس می ترسد محتمل شود، این دعا را هنگام خواب بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقُظَةِ وَالْمَنَامِ». (5)

1- یکی از راه های معالجه در طب قدیم، گرفتن خون از رگ ها بود که برای معالجه هر نوع بیماری، رگ خاصیرا می زدند و آن را «فصد» می گویند.

2- طبّ الأئمه، ص 108.

3- طبّ الأئمه، ص 110؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 190، ح 20.

4- محاسن، ص 87، ح 27.

5- ترجمه: «بار خدایا، از احتلام و خواب های بد و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من بازی کند، به تو پناهی برم». کافی، ج 2، ص 536، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 290.

ص: 385

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب بترسد، یا بر اثر درد، بی خوابی بر او چیره شود، این دو آیه را بخواند: (فَضْرَبْنَا عَلَىٰ ءَادَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا). (1) این آیه برای کودکی که بسیار گریه می کند نیز مؤثر است». (2)

دعای برطرف کردن خواب های پریشان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی خواب پریشانی ببیند، از آن پهلوی که خوابیده به پهلوی دیگر شود و بگوید: **إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ** (3) ، سپس بگوید :

عُدْتُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَأَنْبِيََاءُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

(4)

2. در روایتی معتبر نیز می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خواب پریشان ببیند و(بر اثر آن) بیدار شود، بگوید: **أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَأَنْبِيََاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأَلِئْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّنِي وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** (5) ، سپس سه بار آب

1- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم و سال ها در خواب فرو رفتند - سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (واین امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند». سوره کهف، آیات 11 و 12.

2- طبّ الأئمه، ص 36.

3- ترجمه: «نجوا فقط از سوی شیطان است ؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز به فرمان خدا». سوره مجادله، آیه 10.

4- ترجمه: «پناه می برم (به خدا) از آنچه که فرشتگان مقرب و انبیای مرسل و بندگان شایسته اش از آن پناهربردند. و از شرّ آنچه دیدم و از شرّ شیطان رانده شده (به خدا پناه می برم)». فلاح السائل، ص 289.

5- ترجمه: «پناه می برم به خداوند از آنچه که فرشتگان مقرب خداوند و پیامبران مرسل الهی و بندگان صالح پروردگار و امامان هدایت یافته به آن پناه برده اند، از شر آنچه در خواب دیدم که ضرری به من بزند و از شر شیطان رانده شده (از درگاه خداوند، به خدا پناه می برم)».

ص: 386

دهانش را به سمت جانب چپ خود (در دستمالی) بیندازد». (1)

دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب

چگونه به وقت بیدار شویم؟

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر وقت از شب که بخواهد بیدار می شود: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)». (2)

2. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دوست دارد آخر شب از خواب برخیزد، هنگامی که به رختخواب رفت بگوید: اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّيْ مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، اَقُوْمُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا» (3) (وبه جای کذا و کذا ساعت مورد نظر را بگوید) چنانچه این دعا را بخواند، خداوند به فرشته ای مأموریت می دهد که در ساعت مورد نظر او را بیدار کند». (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس می خواهد

2- ترجمه: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتانمعبود یگانه است، پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد؛ باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند» (سوره کهف، آیه 110). کافی، ج 2، ص 540، ح 17؛ کتاب من لا یحضرها الفقیه، ج 1، ص 298، ح 1359.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا از مجازات خود ایمن و مطمئن مگردان و یاد خود را فراموشم مکن و مرا جزء غافلان مگردان، (تا) در فلان ساعت از خواب برخیزم».

4- کافی، ج 2، ص 540، ح 18؛ فلاح السائل، ص 287.

ص: 387

(در ساعت خاصی از) شب بیدار شود، به هنگام خوابیدن چنین دعا کند: اَللّهُمَّ

لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي لِإِحْبَابِ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِينِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1) چنانچه این دعا را بخواند خداوند

متعال دو فرشته می فرستد تا او را بیدار کنند و اگر بیدار نشد به آن دو ملک فرمان می دهد که برای او استغفار کنند و اگر آن شب بمیرد، ثواب شهید را دارد و اگر بیدار شود و هر حاجتی بطلبد خداوند حاجتش را برآورده می کند». (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس اراده کند که

در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خداوند بداند که اراده او

صادق است، بی شک دو ملک می فرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود». (3)

برطرف کردن بی خوابی

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بی خوابی دامنگیر کسی شود و خوابش نبرد، چنین دعا کند: سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ، دَائِمِ السُّلْطَانِ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». (4)

2. در روایتی معتبر آمده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از بی خوابی به

1- ترجمه: «بار خدایا، یادت را فراموشم مکن و از مجازات خود مرا مطمئن مگردان و مرا از غفلت کنندگان قرارمده و مرا در بهترین ساعات در نزد خودت بیدار گردان تا تو را بخوانم و تو خواست هایم را اجابت کنی و از توبخواهم تا به من عطا کنی و از تو طلب مغفرت کنم تا مرا ببخشایی، زیرا کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد، ای مهربان ترین مهربانان».

2- فلاح السائل، ص 287.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 303، ح 1387؛ فلاح السائل، ص 287.

4- ترجمه: «منزه است خداوند دارای مرتبت، که سلطنت او همیشگی است و هر روز در کار تازه ای است». فلاح السائل، ص 284.

ص: 388

رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجِيُوبِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ وَأُذِّنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا». (1)

نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن

چگونه اموات را در خواب ببینیم؟

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در عالم خواب ببیند، پس از نماز عشا چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت پس از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و بعد از نماز، هزار مرتبه صلوات بفرستد، سپس بر پارچه پاکیزه ای که بر روی آن با حلال و حرام آمیزش نکرده باشد بخوابد و دست راست را زیر جانب راست صورت بگذارد و یکصد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (2) و در پایان، صد مرتبه ما شاء الله بگوید. اگر به این روش عمل

کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس بخواهد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در خواب ببیند، به هنگام خواب چنین دعا کند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَأَيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي، أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كَفَىٰ أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنَامِي». (4)

1- ترجمه: «ای سیرکننده شکم های گرسنه، وای پوشاننده سینه های برهنه، وای تسکین دهنده رگ هایزنده، وای خواب کننده چشمان بیدار، رگ های زنده مرا آرام بخش و بر چشمان من خوابی فوری مسلطگردان». فلاح السائل، ص 284.

2- ترجمه: «منزه است خدا و حمد و ستایش ویژه اوست و هیچ معبودی جز الله نیست و خداوند بزرگ تر از آنست که توصیف شود و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند نیست».

3- فلاح السائل، ص 285.

4- ترجمه: «بار خدایا، ای کسی که لطفش پنهان و نعمت هایش گسترده است، از تو می خواهم، به لطف خاص پنهانت که هر بنده ای را کفایت می کند، مولایم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در خواب به منبمای». فلاح السائل، ص 286.

ص: 389

3. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر کسی بخواهد خواب یکی از مردگان را ببیند، با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید، سپس چنین دعا کند :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَأَتِ الْأَشْيَاءُ وَالْيَكْتُوبَةُ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْكَ كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، فَاسْأَلُكَ بِإِلَهِ إِلَهِ الْأَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرَبِّئَنِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا». (1)

ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب از یک پهلوی به پهلوی دیگر بگردد
«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید». (2)

2. از حضرت هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که در وسط

1- ترجمه: «بار خدایا، تو آن زنده ای هستی که به وصف درنیاید وایمان از آن شناخته می شود، هر چیزی از توبه وجود آمده و به سوی تو بازمی گردد، هر آنچه به سوی تو روی آورد تو پناهگاه و نجات دهنده او هستی و هر چه رویگردان شود، پناهگاه و نجات دهنده ای جز تو ندارد، پس از تو می خواهم به حقّ «لا إله إلاّ الله» و به حقّ «بسم الله الرحمن الرحيم» و به حقّ محمد صلی الله علیه و آله حبیب تو سید پیامبران و به حقّ علی علیه السلام بهترین جانشینان و به حقّ فاطمه سرور زنان در دو جهان و به حقّ امام حسن و امام حسین علیهما السلام سرور جوانان بهشت، بر محمد و آل محمد صلوات و درود بفرستی و فلان فرد فوت شده مرا در همان حالی که به سر می برد به من نشان بدهی». فلاح السائل، ص 286.

2- فلاح السائل، ص 288.

شب بیدار می شوی، تا از یک پهلوی به پهلوی دیگر گردی، این دعا را بخوان :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَاللَّهُ الْمُرْسَلِينَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (1)

آداب پس از بیدار شدن

1. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به رختخواب می رفت می فرمود: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ» (2) وزمانی که بیدار می شد

می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان پس از برخاستن از خواب بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَاللَّهُ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (4) ، خداوند

می فرماید: بنده ام راست گفت و شکر مرا به جا آورد». (5)

3. در حدیثی دیگر آمده است که هرگاه امام صادق علیه السلام در آخر شب از خواب

1- ترجمه: «معبودی نیست جز الله که زنده و نگهدارنده است و او توانا بر هر چیزی است. منزّه است خداوندیکه پروردگار جهانیان و خدای پیامبران است و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است و درود بر پیامبران، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». مصباح المتهجد، ص 127؛ بحار الأنوار، ج 87، ص 178.

2- ترجمه: «خدایا، به نام تو و به نام تو می میرم».

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا زنده کرد پس از آنکه میراند و به سوی او بازمی گردم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1391.

4- ترجمه: «منزّه است خداوندی که پروردگار پیامبران مرسل و خاندان آنان و پروردگار مستضعفین است. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرده را زنده می کند و توانا بر هر کاری است».

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1391.

ص: 391

برمی خاست با صدای بلند می فرمود: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ». (1)

4. و در روایتی دیگر می خوانیم: «هرگاه از خواب بیدار شود بگوید: سُبُوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ». (2)

5. نیز در روایتی آمده است که چون از خواب برخیزد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِاحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ». (3)

توجه: دعای نگاه کردن به عقیق در آداب انگشتر به دست کردن گذشت. وسایر دعا‌های این باب، چون از مقدمات نماز شب است، این شاء الله به همراه سایر دعا‌های وقت خواب در کتاب عبادات بیان خواهد شد، زیرا این کتاب بیش از این گنجایش ندارد.

سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب

اقسام خواب دیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رؤیا و خواب دیدن بر سه قسم است: بشارت خدا برای مؤمن، ترسانیدن شیطان، خواب های پریشان». (4)

2. در روایت دیگری فرمود: «خواب دروغ که اثرش ظاهر نمی شود خوابی

1- ترجمه: «بار خدایا، بر ترس از قیامت یاری ام کن و قبر مرا گشاده گردان و خیر و نیکی قبل از مردن و بعد از آن را روزی ام فرما». کافی، ج 2، ص 538، ح 13؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1392.

2- ترجمه: «بسیار منزّه و پاک است پروردگار فرشتگان و روح، رحمت تو بر خشم ات پیشی گرفته است، معبودی جز تو نیست، بر خود ستم کردم؛ پس مرا بیامرز و بر من رحم کن، زیرا تو توبه پذیر مهربانبخشاینده ای». تفسیر عیاشی، ج 1، ص 41، ح 26.

3- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که روح مرا بازگرداند، تا او را سپاس گویم و پرستشکنم». کافی، ج 3، ص 455، ح 12.

4- کافی، ج 8، ص 76، ح 61.

ص: 392

است که در اوّل شب دیده می شود، همان زمانی که وقت سلطه و استیلای شیطان است و آن خواب، خیالاتی است که شیاطین نزد انسان جلوه می دهند و ریشه ای ندارد. اما خواب راست خوابی است که در یک سوم آخر شب، هنگام نزول

ملائکه دیده می شود. خوابی که به هنگام سحر می بیند خواب راست است و این شاء الله تخلّف نمی کند، مگر آنکه در حال جنابت بوده یا بی وضو خوابیده باشد، یا آنچه از ذکر و یاد خدا که سزاوار است پیش از خواب بگوید، به جا نیاورده باشد که در این صورت، خوابش یا تحقق نمی یابد و یا با تأخیر محقق می شود». (1)

خواب راست (رؤیای صادق)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب های مؤمن صحیح است، زیرا نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش از بدن مفارقت کند با ملائکه ملاقات می کند، پس خواب او به منزله وحی است». (2) (این حدیث

مربوط به مؤمنانی است که در درجه والای ایمان هستند).

2. در حدیثی دیگر فرمود: «وحی پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله قطع شد، اما خواب های بشارت دهنده وجود دارد». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «خواب های راست، یک هفتادم پیغمبری است». (4)

4. نیز در روایتی فرمود: «رأی مؤمن و خواب او در آخر الزمان، دلالت یک جزء از هفتاد جزء پیغمبری است». (5)

5. در روایتی صحیح از امام رضا علیه السلام می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله صبح

1- کافی، ج 8، ص 76، ح 62.

2- جامع الأخبار، ص 172.

3- جامع الأخبار، ص 172.

4- جامع الأخبار، ص 172.

5- کافی، ج 8، ص 90، ح 58.

ص: 393

هنگام به اصحابش می فرمود: آیا کسی خواب بشارت دهنده ای دیده است؟» (1)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمی شود و هر که راستگوتر باشد خوابش درست تر است.» (2)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند چنان است که مرا در بیداری دیده، زیرا شیطان نمی تواند به شکل و صورت من، بلکه به صورت شیعیان خالص درآید. وبی شک خواب های راست یک جزء از هفتاد جزء پیامبری است.» (3)

8. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال کرد: (لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ) (4) ، حضرت فرمود: بشارت زندگانی دنیا، خواب های نیکو است که

مؤمن در دنیا می بیند و به آن بشارت می یابد و شاد می شود.» (5)

(باید توجه داشت که خواب غیر معصومین علیهم السلام به هر صورت که باشد حجت نیست؛ هر چند ممکن است در آن اشاره و دلالتی به طور اجمال بوده باشد).

سرّ خواب های خوب و خواب های پریشان

1. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: چرا گاهی اوقات مؤمن خوابی می بیند ولی اثری از آن در بیداری آشکار نمی شود؟ فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود، روحش به سوی آسمان حرکت می کند. آنچه را روح او در ملکوت آسمان می بیند حقّ است و اثرش در محلّ تقدیر و تدبیر آن

1- کافی، ج 8، ص 90، ح 59.

2- بحار الأنوار، ج 58، ص 172، ح 31.

3- جامع الأخبار، ص 172.

4- ترجمه: «در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (ومسرور)ند». سوره یونس، آیه 64.

5- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 38، ح 4926؛ تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 309، ح 95.

ص:394

ظاهر می شود. و آنچه را در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است». راوی پرسید: آیا روح مؤمن به طور کامل به آسمان می رود و چیزی از آن در بدن نمی ماند؟ حضرت فرمود: «اگر چنین باشد که می میرد، بلکه مثل آن مثل خورشید است که خودش در آسمان و روشنی و شعاع آن در زمین است؛ بنابراین، اصل روح در بدن است و پرتوی از آن به آسمان می رود». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود روح او را نزد عرش پروردگار می برند. آنچه را در آنجا ببیند حقّ است و آنچه را به هنگام بازگشت در هوا ببیند خواب پریشان است». (2)

روایات به این مضمون بسیار است.

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «شیطانی است که هزاع نام دارد که هر شب از شرق تا غرب عالم را با بدن خود پر می کند و به خواب مردم می آید و بدین جهت مردم خواب پریشان می بینند». (3)

4. دو مرد مسیحی نزد ابوبکر آمدند و از او سؤالاتی کردند که نتوانست جواب بدهد. (4) حضرت علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت، به پرسش های او پاسخ داد. از جمله پرسش ها این بود که علت خواب های راست و دروغ چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند روح را خلق کرد و برای آن سلطه ای قرار داد که نفس است، هنگامی که انسان به خواب می رود روح خارج می شود و سلطه اش در بدن می ماند. روح به گروهی از ملائکه و جنیان برخورد می کند، خواب های راست از ملائکه و خواب های دروغ از جنیان است». (5)

1- امالی صدوق، ص 145، ح 15.

2- امالی صدوق، ص 146، ح 17.

3- امالی صدوق، ص 146، دنباله حدیث 17 از امام باقر علیه السلام.

4- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 357.

5- علامه مجلسی رحمه الله پس از نقل روایات بالا، در مورد روح و نحوه تعلق آن به بدن و خواب هایی که انسان می بیند سخن گفته، که در ادامه خواهد آمد.

ص: 395

خواب خود را به کسی نگویید

1. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خواب مؤمن بر بالای سرش در میان زمین و آسمان پرواز می کند تا خودش آن را

برای خود تعبیر کند، یا دیگری این کار را انجام دهد، سپس به همان شکلی

که تعبیر شده واقع می شود؛ بنابراین، خواب خود را جز برای شخص عاقل

بازگو نکنید». (1)

2. از امام باقر علیه السلام رواست شده است که فرمود: «خواب را جز برای مؤمنی که دارای حسادت و عداوت و طغیان نباشد، نباید بازگو کرد». (2)

برای خوابتان تعبیر خوب کنید

در حدیث آمده است: زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنی که شوهرش در سفر بود خواب دید ستون خانه اش شکسته است. خوابش را برای حضرت بیان کرد. حضرت فرمود: «شوهرت به سلامت از سفر بازمی گردد». همان طور شد. بار دیگر شوهرش به سفر رفت و آن زن همان خواب را دید و برای پیامبر بازگو کرد و حضرت همان گونه تعبیر کرد و شوهرش به سلامت بازگشت. برای بار سوم شوهرش به سفر رفت و همان خواب را دید و آن را برای مردی شوم نقل کرد، او گفت: شوهرت می میرد و شوهرش مُرد. وقتی خبر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: «چرا برای خواب آن زن، تعبیر خوبی نکرد؟» (3)

تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در خواب دیدم ظرف

1- کافی، ج 8، ص 277، ح 529.

2- کافی، ج 8، ص 277، ح 530.

3- کافی، ج 8، ص 276، ح 528.

شیری به دستم دادند، آن قدر خوردم که شیرها از میان ناخن هایم بیرون آمد». پرسیدند: چگونه تعبیر کردید؟ فرمود: «به علم و دانش». (1)

تعبیر خواب امام صادق علیه السلام

1. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: خواب دیدم آفتاب فقط بر سرم می تابد نه بدنم. حضرت فرمود: «نور ساطع و دین کاملی نصیب تو می شود. اگر آفتاب همه وجودت را فرا می گرفت در دین حق غوطه ور می شدی». آن شخص گفت: دیگران خواب مرا به پادشاهی تعبیر می کنند. حضرت فرمود: «کدام یک از پدران پادشاه بودند که چنین خیالی برای تو پدید آمده است؟ و کدام پادشاهی بهتر از دین حق که با آن امید رفتن به بهشت را داشته باشی!». (2)

2. در حدیثی می خوانیم که محمد بن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم وارد خانه شدم و همسرم گردهای فراوانی شکسته و بر سرم ریخت. حضرت فرمود: «از دواج موقت خواهی کرد و همسرت خبردار می شود و لباس های نو را بر بدنت پاره می کند، چرا که پوست گردو به منزله لباس است». محمد بن مسلم می گوید: چون صبح جمعه شد لباس های نو خود را که در اعیاد می پوشیدم بر تن کردم و بر در خانه نشستیم. زنی از آنجا می گذشت، او را به خانه آوردم و (پس از توافق) متعه کردم. همسرم متوجه شد و به سراغ ما آمد. آن زن گریخت و من در خانه ماندم، لباس های نو را بر بدنم پاره پاره کرد». (3)

3. در حدیث آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خوابی دیدم که

1- بحار الأنوار، ج 58، ص 175، ح 35.

2- کافی، ج 8، ص 243، ح 445.

3- کافی، ج 8، ص 243، ح 447.

ص: 397

از آن بسیار می ترسم. دامادی داشتم که از دنیا رفته، خواب دیدم دست در گردن من انداخته، می ترسم بمیرم. حضرت فرمود: «هر صبح وشام در انتظار مرگ باش واز آن گریزان مباش، ولی معانقه (وروبوسی) با مردگان نشانه طول عمر است. دامادت چه نام داشت؟» گفت: حسین. حضرت فرمود: «زیارت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد، زیرا هر کس با همنام آن حضرت در خواب معانقه کند، توفیق زیارت آن حضرت نصیبش می شود». (1)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب ببیند که در حرم است، اگر ترسان باشد آرام ودر امان گردد». (2)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم چوب نیزه در دست دارم. حضرت فرمود: «آیا آهنی بر سر آن بود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «اگر آهن می داشت، خداوند به تو پسری می داد ولی چون آهن نداشت، خداوند به تو دختری خواهد داد». سپس اندکی صبر کرد و فرمود: «آن نیزه چند بند داشت؟» عرض کرد: دوازده بند. فرمود: «خداوند دوازده دختر به تو خواهد داد». محمد بن یحیی می گوید من این حدیث را برای شخصی نقل کردم، او گفت: من فرزند یکی از آن دختران هستم و بازده خاله دارم. (3)

6. در روایتی آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم از شهر کوفه بیرون رفته، در مکانی معروف کسی را سوار بر اسب چوبی دیدم که شمشیری در دست داشت وآن را حرکت می داد؛ او را که می دیدم می ترسیدم. حضرت فرمود: «تعبیر آن این است که می خواهی با فریب و نیرنگ روزی شخصی را قطع کنی. از خدا بترس و مرگ را به خاطر داشته باش و این کار

1- کافی، ج 8، ص 244.

2- قرب الإسناد، ص 84، ح 258.

3- الخرائج، ج 2، ص 638، ح 43.

را نکن». سؤال کننده گفت: گواهی می دهم که خداوند دانش عظیم و فراوانی به تو داده و تو علم را از معدن و جایگاه آن گرفته ای. آری، همسایه ای دارم که می خواست مزرعه اش را به من بفروشد. چون دیدم مشتری دیگری ندارد به فکر افتادم که به قیمت بسیار ارزانی از او بخرم. (1)

تعبیر خواب امام رضا علیه السلام

1. در روایتی معتبر و صحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «بسیاری از اوقات خوابی می بینم و آن را برای خود تعبیر می کنم و خواب به همان صورتی که تعبیر کرده ام واقع می شود». (2)
2. نیز در روایتی صحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «دیشب خادم علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود، چنین تعبیر کردم که به دین حق درخواهد آمد». (3)
3. در حدیث است که یاسر خادم به امام رضا علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم هفده شیشه در میان قفسه ای بود، ناگاه آن قفسه افتاد و شیشه ها شکست (تعبیر آن چیست؟) حضرت فرمود: «اگر خواب تو راست باشد باید یکی از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود، سپس بمیرد». راوی گوید: محمد بن ابراهیم در کوفه به همراه ابوالسرایا قیام کرد و پس از هفده روز مرد. (4)

تحقیقی در مورد حقیقت خواب و رؤیا

هنگامی که خداوند متعال روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرد و او را با

1- کافی، ج 8، ص 244، ح 448.

2- کافی، ج 8، ص 276، ح 527.

3- بحارالأنوار، ج 58، ص 160، ح 8.

4- مناقب ابن شهرآشوب، ج 4، ص 352.

ص: 399

ارواح انبیا و اوصیا ارتباط داد و در عالم ارواح با آنها محشور بود (چنانچه در روایات فراوانی آمده است که ارواح در عالم ارواح، لشکر به هم پیوسته ای در گروه ها و فوج های مختلف بودند). (1) پس ارواحی که در آن عالم با یکدیگر آشنا

بودند در این جهان هم آشنا می شوند و آنها که در آن عالم از یکدیگر بیگانه جدا بودند در این عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند و از هم دوری می کنند و از آنجا که با توجه به مصالح غیر قابل شمارش، آن ارواح مقدسه را در زندان های بدن های مادی ظلمانی قرار دادند و به انواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساختند، به این سبب روح انسان (که از عالم قدس آمده) بعد و غفلتی نسبت به عالم قدس پیدا کرده است؛ البته همه انسان ها در این جهت مساوی نیستند بلکه اختلاف بسیار است :

1. گروهی که مقربان درگاه الهی اند ارواحشان به ملا اعلی درآویخته و با آن آمیخته شده و لذا این تعلقات جسمانی آنها را از آن عالم دور نکرده و بیگانه نساخته، بلکه با بدن خاکی با مردم محشورند و ارواحشان پیوسته با قدسیان ملا اعلی مشغول مکالمه و گفت و گو هستند و روح القدس با آنان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربّانی همواره بر ارواحشان فیض می رساند.

2. گروه دیگر که از اشقیاء هستند و به طور کلی عالم قدس را فراموش کرده اند و به غیر از این دنیای فانی ولذات پست آن چیزی به خاطر نمی آورند و حتی برخی از آنها بر اثر کثرت شقاوت و گمراهی، جهان آخرت را باور ندارند و پیامبران را در مسأله معاد تکذیب می کنند، مگر بر دیده و گوش و دل آنها زده و راه های خیر و سعادت را بر آنان بسته اند.

3. گروه سوم کسانی اند که علی رغم گرفتار شدن در وابستگی های دنیوی ولذات پست آن، دست از تحصیل کمالات برنداشته و نفس لوّامه خود را زنده

1- بحارالأنوار، ج 61، ص 135، ح 9 و ص 139، ح 17 و 19 و ص 149، ح 27.

ص:400

نگاه داشته اند. گاه گوش و دل به شیطان می سپارند و گاه پای نصیحت فرشتگان می نشینند. زمانی با واعظان و راهنمایان بشر محشورند و در برخی اوقات با شیاطین انسی مشغول فسق و فجورند. گاه به رنگ گناه خود را آلوده می سازند و گاه با آب تضرّع و توبه خویش را تطهیر می نمایند و چون روح این گروه از انسان ها به خاطر اشتغالات و تعلقات و خطاها و سیئات و گناهان فاصله بسیاری با قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و فرشتگان آسمان پیدا کرده، لذا به هنگام خواب که روح اجمالا از اشغال بدنی خلاص می شود و راه خیال های فاسد که از روزنه های مشاعر بدنی بر نفس داخل می شود مسدود می گردد، فی الجمله آشنایان قدیم به یادش می آید و با دوستان روحانی طرح رفت و آمد می اندازد و به آسمان صورت و معنی عروج می کند و با روحانیان و قدسیان همزبان می گردد.

اما چون در اوّل شب پاره ای از تصاویر خیالات بیداری در ذهنش حاضر است، هنوز در هوای تعلقات خود پرواز می کند و ارتباطش با آن عالم ناقص است، لذا شیاطین بر او مسلط می شوند و خیالات و علایق باطل او را به صورت های گوناگون در نظرش می آورند و هر چه از اوّل شب فاصله می گیرد و نقش خیالات بیداری بیشتر می شود، پرواز به عالم بالا رساتر می شود تا آنکه چون وقت سحر شود از بین آسمان و زمین وهوی ها و خواهش ها و زینت های رنگارنگ خارج شده و به زیر عرش الهی به همنشینی مقربان توفیق می یابد.

استیلا و تسلط شیاطین ضعیف گشته و لطف ربانی، ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن در خواب غفلت رفتگان و دور کردن لشکریان شیاطین و جنیان فرو می فرستد. ولذا در آن وقت، خواب های رحمانی و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان واصل می شود و آنها را برای نماز و تضرّع و زاری و توبه و پیشیمانی آنچه در روز از روی غفلت انجام داده اند، بیدار می کنند.

ص:401

و بدین جهت نماز شب را در آن زمان مقرر ساخته اند و آیه شریفه (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً) (1) در شأنش فرستاده اند که حاصل مضمونش به این شرح است :

عبادت‌تی که در شب انجام می شود موافقت دل با زبان در آن بیشتر و گفتار در آن درست تر است.

پس خوشا به حال سعادت‌مندی که قدر آن وقت را بداند و اندازه آن نعمت های بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دور کردن وساوس شیطانی یار و یاور خود گرداند و روح مقدس خود را از آلودگی تعلقات پست پاک کند و به ساحت قرب پروردگار خود برساند و در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است، با خداوند بی نیاز خود را هم‌اواز ایشان گرداند و قدری قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را به یاد آورد و آن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشد و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند (وَقَفْنَا اللَّهُ تَعَالَى وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ مَسَالِكِ الْمُقْرَبِينَ وَلِتَنْبِيهِ نَوْمِ الْغَافِلِينَ). (2)

و بدان که چون این پرده های رنگارنگ تعلقات جسمانی و شیشه های الوان وزینت های دنیوی به هنگام خواب در پیش دیده دل آویخته است و با وجود عروج به مراتب بالای روحانی باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است، لذا در خواب، اشیاء به صورت های دیگر دیده می شود و هر چیزی را به اعتبار مناسبات، شکل ها و صورت هایی است که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقل های ضعیف و بصیرت های آفت زده محبوسان سرای غرور، به آنها مثل زده اند. یعنی با توجه به اینکه آنها خود را از معقولات معزول ساخته و مدار

1- ترجمه: «به یقین نماز و عبادت شبانه، گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است». سوره مزمل، آیه 6.

2- ترجمه: «خداوند ما و دیگر مؤمنان را در پیمودن راه مقربان درگاهش و بیدار کردن غافلان از خواب غفلتموقق بگرداند».

ص: 402

و ملاکشان بر محسوسات است، لذا معقولات را در لباس محسوسات به آنها نشان می دهند.

چنانچه فرموده اند: «دنیا مانند ماری است که خطّ وخال نیکو دارد وکودک نادان، فریب آن را می خورد در حالی که در درونش زهر کشنده ای است». (1)

وهمان گونه که علم را که باعث حیات دل هاست (2) به آب که باعث حیات

بدن هاست (3) تشبیه کرده و فرموده اند: «چنانچه سبزی زمین به آب است سرسبزی

دل ها به علم است» و همان گونه که علم را بار دیگر به نور آفتاب (4) و چراغ (5) تشبیه

کرده اند زیرا نور، تاریکی های ظاهر را برطرف می کند و علم، ظلمت های شبهات و شک و تردیدها و حیرت های جهل و ضلالت را زایل می سازد.

آری، کلام حق تعالی وانبیا و اوصیا مملو از این مثال هاست و سرّش همان است که گذشت. از این رو، در عالم خواب نیز به دلیل ضعف بصیرتشان هر چیزی به صورت و شکلی جلوه می کند و به همین علّت، خواب نیاز به تعبیر دارد و کار تعبیرکننده آن است که از آن شکل و صورت به حقیقت برسد. مثلاً کسی که در خواب مشاهده می کند در میان فضله افتاده، یا دستش به فضله آلوده شده، معبر می داند که این صورت و شکل دنیاست که در نزد مردم آگاه از فضله و مردار گندیده تر است و می داند که مالی به دست او می آید. یا اگر در خواب ببیند ماری متوجّه او شده، مالی به او رو می کند.

یا اگر دید که در میان آب است، علم و دانش نصیبش می شود. و این (علم تعبیر خواب) دانش عظیمی است و مخصوص پیامبران و جانشینان آنهاست

2- امالی صدوق، ص 616.

3- نهج الفصاحه، ص 847.

4- مجمع البحرين، ج 2، ص 1260 .

5- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص 82 .

ص:403

ومعجزه حضرت یوسف علیه السلام محسوب می شد.

البته تحقیق این موضوع نیاز به بحث مبسوط و گسترده ای دارد که اینجا جای آن نیست و این شاء الله در کتاب های دیگر که در نظر دارم - اگر خداوند بخواهد - به طور کامل بیان خواهد شد. (1)

آداب بیداری و مذمت پر خوابی

عواقب پر خوابی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند سه چیز را دشمن می دارد: خوابیدن بی آنکه نیاز به خواب داشته باشد، خندیدن بدون تعجب، خوردن در حال سیری». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین معصیتی که انجام شد به شش چیز بود: محبت دنیا، محبت ریاست، محبت طعام، محبت زنان، محبت خواب، محبت راحتی (راحت طلبی)». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مادر حضرت سلیمان به او می گفت: مبدا زیاد بخوابی که زیاد خوابیدن در شب، آدمی را در قیامت

فقیر می کند». (4)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مستی چهار نوع است : مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، مستی سلطنت». (5)

1- علامه در بحارالأنوار (ج 61 ص 151 - 234) بحثی را ذیل عنوان «حقیقه الرؤیا وتعبیرها وفضل الرؤیا الصادقه وعلتها وعلّه الکاذبه» مطرح کرده که 75 روایت در آن باب ذکر شده واز صفحه 195 - 334 به شرحوتفصیل مباحث مربوط به رؤیا پرداخته است.

2- خصال، ج 1، ص 114، ح 21؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 332، ح 9.

3- خصال، ج 1، ص 293، ح 24؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 313، ح 1.

4- خصال، ج 1، ص 77، ح 94؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 179، ح 3.

5- خصال، ج 2، ص 432، ح 365؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 180، ح 7.

ص:404

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدگانت را به خواب عادت نده که هیچ عضوی در بدن کمتر از چشم، شکر خدا نمی کند». (1)

6. در روایتی آمده است که چهار چیز اندکش بسیار است: آتش، خواب، دشمنی، بیماری. (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تعجب می کنم از کسی که ادعای عشق الهی می کند و شب ها تا صبح می خوابد». (3)

8. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شبیخون عذاب خدا بترسد، باید کم بخوابد». (4)

9. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با پروردگار از او پرسید: کدام یک از بندگان را دشمن می داری؟ خطاب آمد: آن کس که شب تا صبح همچون مردار بیفتد و روز را به بطالت به شب برساند». (5)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «شیطان سرمه ای دارد که در چشمان مردم می کشد و لعوقی (6) دارد که در حلق آنان می ریزد و سعوطی (7) دارد که در بینی

انسان ها می چکاند؛ سرمه شیطان خواب و کسالت، لعوقش دروغ و سعوطش تکبر و غرور است». (8)

1- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 115، ح 149.

2- خصال، ج 1، ص 222، ح 76؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 179، ح 2.

3- امالی صدوق، ص 356، ح 1.

4- امالی صدوق، ص 394.

5- قصص الأنبياء راوندی، ص 163، ح 185.

6- «لعوق» لیسیدنی. داروی لیسیدنی. هر چیز آبدار با قوام، مثل حلواهای رقیق که با انگشت یا قاشق کم کم (آن را) بلیسند (فرهنگ متوسط دهخدا).

7- «سعوط» دارویی که در بینی می چکانند (فرهنگ متوسط دهخدا).

8- معانی الأخبار، ص 139.

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند مخالف پر خوابی و بیکاری زیاد است و فرمود: خواب بسیار، دنیا و آخرت انسان را تباه می کند». (1)

بیداری های مذموم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سخن گفتن و مصاحبت داشتن پس از نماز عشا، مکروه است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شب زنده داری خوب نیست، مگر برای سه چیز: قرائت قرآن، طلب علم، بردن عروس به خانه شوهر». (3)

3. بیداری بسیار (وافراطی) نیز مذموم و ناپسند است و در غیر شب هایی که روایاتی در خصوص احیای آن وارد شده، تمام شب را بیدار بودن کراهت دارد. از این رو، در روایتی آمده است: دیدگان بر انسان حقی دارند که بسیار بیدار بودن، حق آنها را ضایع می کند. (4)

کسانی که خواب ندارند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج نفر به خواب نمی روند: کسی که قصد کشتن شخصی را داشته باشد، کسی که دارای مال بسیار است و امینی ندارد که بر او اعتماد کند، کسی که برای به دست آوردن حیثیت اجتماعی در میان مردم دروغ و بهتان فراوان گفته باشد، کسی که مال بسیاری از او طلب

2- خصال، ج 2، ص 297، ح 6؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 178، ح 2.

3- خصال، ج 1، ص 127، ح 88؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 178، ح 3.

4- فتوحات مکیه، ج 2، ص 22. شبیه این حدیث در کافی، ج 5، ص 127، ح 6 و 7 و تهذیب الأحکام، ج 6، ص 422، ح 180 نیز آمده است.

ص:406

کنند و پولی نداشته باشد، کسی که محبوبش را دوست دارد و می ترسد از او جدا شود». (1)

پدرم (محمد تقی مجلسی رحمه الله) می گفت: ممکن است منظور از روایت این باشد که همان گونه که گروه های پنجگانه بالا به خاطر اهداف باطل بی ارزش، خواب را بر چشمان خود حرام کرده اند، گروهی که اهداف صحیح و مشروع بزرگی دارند سزاوار نیست به خواب (غفلت) فرو روند. مثلاً کسی که دشمن خطرناکی چون نفس اماره دارد که در حال نبرد با اوست و کمر به نابودی او بسته و کسی که انواع سرمایه های معنوی طاعت و عبادت را دارد و سارق زبردستی چون شیطان در کمین سرقت دارایی معنوی وی و درصدد ممانعت از تحصیل سرمایه بیشتر طاعت و عبادت است و کسی که کلمات و جملات حقّی - همچون (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) - را مکرر به زبان می آورد و می خواهد آنها را در عمل به کار بندد و به کمالات غیر متناهی دست یابد و کسی که از او عبادات و طاعات فراوان می خواهند و توشه ای برنگرفته و کسی که مأموریت دارد به خداوند و خلق خداوند عشق بورزد، چگونه از این امور غافل می شود و در خواب (غفلت) فرو می رود؟! (2)

رو به آفتاب خوابیدن و نشستن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام نشستن در آفتاب، پشت به آفتاب کنید که رو به آفتاب نشستن دردهای پنهانی را آشکار می کند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «رو به آفتاب نکنید که موجب هیجان بخار (در

1- بحار الأنوار، ج 76، ص 179، ح 4 و ج 70، ص 15، ح 5؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 145.

2- روضه المتقین، ج 2، ص 737.

3- خصال، ج 2، ص 408؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 96.

ص: 407

درون جسم انسان) است، صورت را متغیّر، لباس را کهنه، دردهای اندرونی را آشکار می کند». (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «آفتاب چهار پی امد دارد: رنگ را تغییر می دهد، انسان را بدبو می کند، لباس را کهنه می کند، باعث درد می شود». (2)

آداب حاجتگاه رفتن

آداب تخلیه

1. هنگام ورود به حاجتگاه، سرش را بیوشاند (3) و بسم الله بگوید (4) ، سپس این

دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخَبَّثِ، الرَّجْسِ النَّجَسِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (5) همچنین بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، رَبِّ

أَخْرِجْ عَنِّي الْأَلَّذِي سَرَحًا بَغَيْرِ حِسَابٍ وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، فِيمَا تَصَرَّفُهُ عَنِّي مِنَ الْأَلَّذِي، أَوْ الْغَمِّ الَّذِي لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّي هَلَكَتُ لَكَ الْحَمْدُ أَعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَخْرِجْنِي مِنْهَا سَالِمًا وَحَلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (6)

وینابر نظر مشهور، پای چپ را مقدّم بدارد و چون عورتش کشف شد

1- خصال، ج 1، ص 120، ح 40؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 183، ح 1.

2- خصال، ج 1، ص 229، ح 97؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 183، ح 2.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 1.

4- وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 2.

5- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، بار خدایا به تو پناه می برم از بدسرشتِ بدپرورشِ پلیدِ ناپاک، شیطانِ مطرود». وسائل الشیعه، ج 1، ص 216، ح 1.

6- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او. و معبودی جز الله نیست. پروردگارا، (عوامل) اذیت و آزار را از من خارج کن؛ خارج کردنی بدون حساب. و مرا از سپاسگزاران قرار ده در آنچه که از آزار از من دور کردی، یا از اندوهی که اگر آن را باز نمی داشتی هلاک می شدم، حمد و سپاس از آن تو است، از شرّ این مکان مرا پناه ده مرا از آن با سلامت بیرون بر و میان من و پیروی از شیطان مطرود فاصله انداز». وسائل الشیعه، ج 1، ص 217، ح 7.

ص: 408

بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بر عورت او نیفتد. (1)

و هنگامی که در حاجتگاه نشست بگوید: اَللّٰهُمَّ اَذْهَبْ عَنِّي الْقَذِي وَالْاَذَى وَاَجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ. (2)

و جمعی معتقدند که تکیه دادن بر پای چپ و پای راست را گشاده گذاردن سنت است (ولی مستند آن یافت نشد). و اگر ادرار یا مدفوع به دشواری بیرون آید (و برخی معتقدند در هر حال)، این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ كَمَا اطْعَمْتَنِيْهِ طَيِّبًا فِى عَافِيَةٍ، فَاَخْرِجْهُ مِنِّيْ حَبِيْثًا فِى عَافِيَةٍ. (3)

2. در حدیث آمده است که شایسته است انسان به هنگام تخلی این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ. (4)

وهنگامی که نگاهش به آب استنجا (که می خواهد خود را با آن تطهیر کند) افتاد بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا. (5)

وهنگامی که خواست خود را تطهیر کند بگوید: اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِيْ وَاَسْتُرْ عَوْرَتِيْ وَحَرِّمْنِيْ عَلٰى النَّارِ وَوَقِّفْنِيْ لِمَا يُقْرَبُنِيْ مِنْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ. (6)

وهنگامی که برخاست، دست بر شکمش بمالد و بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَنَّاْنِيْ طَعَامِيْ وَشَرَابِيْ وَعَافَانِيْ مِنَ الْبَلْوٰى. (7)

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 217، ح 4.

2- ترجمه: «بار خدایا، آلودگی و کثافت را از من دور کن و مرا از پاکیزگان قرار ده.» وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 5.

3- ترجمه: «بار خدایا، همچنان که پاک و با تندرستی به من خوراندیدی، پس آنچه را که ناپاک است با تندرستی از من خارج کن.» وسائل الشیعه، ج 1، ص 217، ح 5.

4- ترجمه: «بار خدایا، رزق حلال روزی ام کن و از حرام مرا دور نگهدار.»

5- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب را پاک و پاک کننده قرار داد و آن را نجس و ناپاک ساخت.»

6- ترجمه: «بار خدایا، شهواتم را کنترل کن و عورتم را بپوشان و آتش را بر من حرام کن و مرا بر آنچه که به تونزدیک می کند موفق گردان، ای صاحب جلالت و بخشش.»

7- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که خوراک و نوشیدنی مرا گوارا ساخت و مرا از مصیبتورنج عافیت بخشید.»

وزمانی که می خواهد بیرون آید پای راست را مقدّم بدارد (بنابر مشهور) و دست بر شکمش بمالد و بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَدَيْتَهُ وَابْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَآخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ، يَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا. (1)

و در برخی کتاب های حدیث، جمله «یا لها نِعْمَةٌ» سه مرتبه تکرار شده است. (2)

و مستحبّ است که با آب سرد استنجا کند، که بواسیر را برطرف می کند. (3)

مکروهات استنجا (تطهیر)

1. زیاد نشستن در حاجتگاه کراهت دارد. از جناب لقمان نقل شده است که دستور داد در حاجتگاه بنویسند: بسیار نشستن در حاجتگاه باعث بواسیر می شود. (4)

2. تطهیر کردن با دست راست مطلقاً کراهت دارد. (5)

3. استنجا کردن با دست چپ در صورتی مکروه است که انگشتری در دست باشد که در آن اسم خدا باشد. (6) و علما، اسامی انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام را نیز به

آن ملحق کرده اند.

4. به هنگام حاجتگاه رفتن، همراه داشتن انگشتری که در آن نام خدا (7)

1- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لذت غذایش را به من چشاند و نیروی آن را در بدنم باقی گذاشت و آلودگی آن را از من بیرون کرد، چه بسیار نعمت هایی (وجود دارد) که (حتی) انسان های قدرتمند قدر آن را نمی شناسند».

2- مصباح المتهدّج، ص 7.

3- تهذیب الأحکام، ج 1، ص 376، ح 1056.

4- تهذیب الأحکام، ج 1، ص 374، ح 1041؛ مجمع البیان، ج 8، ص 82.

5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 226، باب 12.

6- وسائل الشیعه، ج 1، ص 233، ح 3.

7- وسائل الشیعه، ج 1، ص 232، ح 1.

ص: 410

و پیامبران و ائمه علیهم السلام باشد کراهت دارد.

5. نیز همراه داشتن قرآن (1) و تعویذ و دعا کراهت دارد.

6. و مکروه است مسواک زدن در حاجتگاه، که باعث بوی بد دهان می شود. (2)

7. و مکروه است سخن گفتن در حال استنجا (3) ، مگر گفتن ذکر خدا (4)

و دعاهای خاص و آیه الکرسی و حمد و سپاس الهی (5) و تکرار آنچه را که

مؤذّن می گوید. (6)

در حدیث است که حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با خداوند گفت: «حالاتی بر من می گذرد که تو را بزرگ تر از آن می دانم که در آن حال تو را یاد کنم. خداوند فرمود: ای موسی، در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است». (7)

و جواب سلام دادن حتی در آن حال واجب است. (8) و اگر اسم حضرت

رسول صلی الله علیه و آله را بشنود مستحب است صلوات بفرستد. (9) (و جمعی آن را - در همه

جا - واجب می دانند). (10) و اگر عطسه کند، حمد خدا گوید. (11) و صلوات بفرستد. (12)

و چنانچه با کسی کاری داشته باشد و بترسد که تا بیرون آمدن، وقت آن فوت

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 234، ح 10.

2- وسائل الشیعه، ج 1، ص 237، ح 1.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 218، ح 1 و 2.

4- وسائل الشیعه، ج 1، ص 219، ح 1 و 2 و 3 و 4 و 5.

5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 220، ح 7.

6- وسائل الشیعه، ج 1، ص 221، ح 1 و 2 و 3.

7- اصول کافی، ج 2، ص 497، ح 8؛ عدّه الدّاعی، ص 239؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 220، ح 5.

8- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 55.

9- وسائل الشیعه، ج 4، ص 1217، باب 142.

10- عروه الوثقی، ج 1، کتاب الصلاه، فصل 37، ص 599.

11- وسائل الشیعه، ج 1، ص 221، ح 9.

12- وسائل الشیعه، ج 4، ص 1221، ح 12.

ص:411

شود می تواند با اشاره و دست زدن شخص را متوجه کند و اگر ممکن نباشد می تواند سخن بگوید. (1)

و نقل شده است که هر کس در حاجتگاه سخن بگوید حاجتش برآورده نمی شود. (2)

8 و 9. و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال ادرار و مدفوع کردن. (3)

10. و مکروه است همراه داشتن نقره سگّه دار، مگر اینکه در کیسه ای باشد. (4)

(زیرا ممکن است بر آن اسامی مقدّس حک شده باشد و در دستشویی بیفتد).

حاجتگاه و آداب آن

اشاره

(مقدمه:) پوشاندن عورت (محلّ خروج ادرار و مدفوع و کمی اطراف آن) از ناظر محترم واجب است. (5) ولی از همسر و اطفالی که به حدّ تمیز نرسیده اند و همچنین غیر انسان ها واجب نیست. و مستحبّ است که در حال تخلّی، تمام بدن خود را بپوشاند یا به صورتی از محلّ دید ناظر محترم خارج شود. و اگر در صحرا و بیابان است به قدری دور شود که کسی بدنش را نبیند. (6) و بیشتر علما معتقدند که در حال ادرار و مدفوع کردن، رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است؛ چه در صحرا و بیابان باشد و چه در ساختمان. (7)

- 1- جواهر الکلام، ج 2، ص 74.
- 2- وسائل الشیعه، ج 1، ص 218، ح 2.
- 3- جواهر الکلام، ج 2، ص 70؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 254، ح 1 و 2.
- 4- تهذیب الأحکام، ج 1، ص 353، باب 15، ح 1046.
- 5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 211، ح 2.
- 6- وسائل الشیعه، ج 1، ص 215، ح 1 و 2.
- 7- جواهر الکلام، ج 2، ص 8.

ص: 412

مستحبات تخلی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سهواً وبر اثر فراموشی رو به قبله ادرار کند، سپس به یاد آورد و برای تعظیم و تکریم قبله به سمت دیگری بنشیند، قبل از برخاستن از آن حالت، خداوند او را می آمرزد». (1)

2. مستحب است هنگام تخلی رو به مشرق یا مغرب کند (2) و احتیاط آن است

که از ما بین مشرق و مغرب اجتناب کند. و احتیاط آن است که اگر قبله را نداند، برای شناخت جهت قبله بکوشد تا مطمئن شود رو به قبله یا پشت به آن نیست. (3)

و اگر مجبور شد اشکالی ندارد و در این صورت بهتر است پشت به قبله بنشیند. (4)

3. (در مواردی که در بیابان به حاجتگاه دسترسی ندارد) مستحبّ است هنگام تخلّی بر جای بلند یا مکانی که خاک بسیار داشته باشد برود، تا مطمئن شود چیزی به وی ترشّح نمی کند. از این رو، در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر از ادرار اجتناب می کرد، به گونه ای که هنگام

بول کردن (در صحرا و بیابان) به جای بلند یا زمین نرم می رفت تا مبادا بول ترشّح کند. (5)

و در احادیث فراوانی آمده است که بیشتر عذاب قبر از بی مبالاتی هنگام ادرار کردن و اخلاق بد است. (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 18، ح 48.

2- وسائل الشیعه، ج 1، ص 213، ح 5.

3- جواهر الکلام، ح 2، ص 12.

4- جواهر الکلام، ح 2، ص 12.

5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 238، ح 2.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 16، ح 36.

ص: 413

مکروهات تخلّی

1. ادرار کردن در آب کراهت دارد و چنانچه آب روان نباشد کراهت آن بیشتر است. و در روایات آمده که بول کردن در آب راکد باعث تسلّط شیاطین و جنیان می شود و دیوانگی و فراموشی می آورد. (1)

2. ایستاده ادرار کردن و نیز در حال ایستاده مدفوع کردن کراهت دارد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده ادرار کند بیم آن می رود که دیوانه شود». (2)

3. از جای بسیار بلند ادرار کردن. (3)

4. ادرار کردن در سوراخ جانوران. (4)

5. ادرار کردن ومدفوع کردن در مجرای آب، هر چند آب نداشته باشد. (5)

6. در راه ها ومحلّ عبور ومروور مردم. (6)

7. کنار آب ها. (7)

8. در کنار مساجد. (8)

9. در خانه ها (خارج از دستشویی). (9)

10. در جایی که مردم به خاطر این کار دشنام دهند ونفرین کنند. (10)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 16، ذیل حدیث 35؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 240، ح 4 و 5.

2- تهذیب، ج 1، ص 374، ح 1044.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 248، باب 33، ح 1.

- 4- السنن الكبرى، ج 1، ص 99.
- 5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 2.
- 6- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 1.
- 7- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 3.
- 8- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 2.
- 9- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 1.
- 10- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 1.

ص: 414

11. زیر درختان میوه هنگامی که میوه دارد؛ زیرا ملائکه در آن هنگام با آن درختان هستند (1) و میوه ها را از ضرر جانوران حفظ می کنند. وعده ای معتقدند که

در غیر زمان میوه داشتن هم مکروه است. (2)

12. در محل استقرار مسافران. (3)

13. جایی که باعث اذیت مردم شود، هر چند به سبب بوی آن باشد.

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال چند گروه را نفرین کرده است: کسی که در محل استراحت مسافران تخلی کند، کسی که مردم را از آب مباحی که در چاه ها و چشمه هاست و مردم به نوبت از آن استفاده می کنند ممنوع سازد، یا در روز و شبی که نوبت اوست مانع استفاده صاحب آب شود، کسی که راه عبور و مرور مردم را به شکلی مسدود سازد.» (4)

- 1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 230، ح 8.
 - 2- جواهر الکلام، ج 2، ص 60.
 - 3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 2.
 - 4- کافی، ج 3، ص 16، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 18، ح 45.
- ص:415

فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها

اشاره

1. ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن

2. آداب حجامت

3. سفارشات طبّی ائمّه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبّا

4. معالجه انواع تب و تعویذها

5. دعا های جامع همه دردها و دارو های ترکیبی

6. معالجه انواع بیماری های سر

7. درمان بیماری های چشم و گوش و دندان

8. معالجه برخی از بیماری های پوستی

9. معالجه بیماری های داخلی

10. معالجه درد مفاصل، بواسیر، بیماری های مثانه و دیگر امراض

11. دعا برای چاره جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها

12. فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها

ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن

پاداش بیماری

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر به سوی آسمان کرد و تبسم نمود. اصحاب از علت آن پرسیدند. حضرت فرمود: تعجب کردم از دو فرشته ای که به زمین فرود آمدند، بنده مؤمن صالحی را در مکان نمازش نیافتند، به آسمان رفتند و گفتند: پروردگارا، فلان بنده تو را در محل خواندن نمازش نیافتیم، او در بند بیماری است. خداوند فرمود: برای این بنده تا زمانی که بیمار است مثل آنچه را که در حال سلامت از کارهای خیر در شب و روز انجام می داد بنویسید». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که ضعف پیری بر مؤمن غلبه کند، خداوند متعال دستور می دهد که آنچه را در حال جوانی و نشاط انجام می داده است اکنون نیز برایش بنویسند. همچنین فرشته ای را مأمور می کند که کارهای خیری را که مؤمن بیمار در حال سلامتی انجام می داده است به هنگام بیماری نیز برایش بنویسند. و کارهای بدی را که کافر در حال سلامتی به جا آورده است، در حال مرض نیز برایش منظور دارند». (2)

1- کافی، ج 3، ص 113، ح 1.

2- کافی، ج 3، ص 113، ح 2.

ص: 418

3. در حدیث است که: «خداوند متعال به فرشته سمت چپ دستور می دهد در آیام بیماری، گناهی برای مؤمن بیمار ننویسد». (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب بیداری به خاطر بیماری و درد، بهتر از یک سال عبادت است». (2)

5. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک شب بیماری را تحمل کند و از تحمل درد ورنج هایش به کسی خبر ندهد و چون صبح شود خدا را شکر کند، خداوند به فضل و کرمش ثواب عبادت شصت سال را به او می دهد». (3)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدنی که مبتلا به بیماری نشود طغیان می کند و در چنین بدنی خیری نیست». (4)

7. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیماری، گناهان مؤمن را

پاک می کند و رحمت الهی را شامل او می سازد و برای کافران عذاب و نفرین است». (5)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب سردرد هر گناهی را برطرف می کند، مگر گناهان کبیره». (6)

9. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هر کس سه شب بیماری را تحمل کند و به هیچ کس از عیادت کنندگانش شکایت نکند، گوشت و خون (بدن بیمارش) را به گوشت

1- کافی، ج 3، ص 114، ح 7.

2- کافی، ج 3، ص 114، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 358.

3- کافی، ج 3، ص 116، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 359، از امام صادق علیه السلام.

4- کافی، ج 3، ص 114، ح 8.

5- مکارم الأخلاق، ص 415.

6- مکارم الأخلاق، ص 414.

ص: 419

و خونی بهتر تبدیل می کنم. واگر او را شفا دهم از گناهان پاکش می کنم واگر بمیرانم وی را به سوی رحمت خود می برم». (1)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «منظور از شکایت این نیست که بگوید دیشب نتوانستم بخوابم، بلکه منظور این است که بگوید به بلایی مبتلا شدم که هیچ کس به آن مبتلا نشده. آنچه به من رسیده به هیچ کس نرسیده. ومثل این سخنان».

(2)

تب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «تب فرستاده مرگ وزندان خدا در زمین و بهره مؤمن از جهنم است. و گرمی تب از جهنم است». (3)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب درد نیکویی است که به هر عضوی بهره ای از بلا می رساند. وخیری نیست در کسی که به (هیچ) بلا (ومشکلی) مبتلا نشود». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند هر بنده ای را دوست داشته باشد یکی از سه تحفه را برایش می فرستد: تب، درد چشم، سردرد». (5)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب تب کردن برابر با

یک سال عبادت و دو شب برابر با دو سال و سه شب برابر با هفتاد سال عبادت است». (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 415.

2- کافی، ج 3، ص 116، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 415.

3- کافی، ج 3، ص 112، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 357.

4- مکارم الأخلاق، ص 357.

5- مکارم الأخلاق، ص 358.

6- مکارم الأخلاق، ص 358.

ص: 420

5. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک شب تب کردن کفّاره گناهان گذشته و آینده است». (1)

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن تب کند گناهانش مانند برگ درختان می ریزد. و اگر بستری شود ناله اش ثواب «سبحان الله» و فریادش ثواب «لا إله إلا الله» دارد. و هنگامی که از پهلویی به پهلوی دیگر می شود، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می زند». (2)

(توجه به این روایات انسان را از ناشکیبایی به هنگام مبتلا شدن به این گونه بیماری ها که جنبه عمومی دارد، بازمی دارد. در ضمن مفهوم این روایات این نیست که انسان به سراغ بیماری ها برود یا از بهداشت و پیشگیری خودداری کند که برخلاف نصّ روایات است، بلکه مفهوم آن دلداری و تسلی خاطر، و دادن روحیه به بیماران است که تسریع در بهبودی آنها خواهد بود).

فلسفه بلاها

1. در روایات معتبر می خوانیم که بلای پیامبران : از همه شدیدتر است، پس از آنها اوصیا و جانشینان پیامبران و در مرتبه سوم هر کس نیکوتر و فاضل تر است بلایش بزرگ تر است. به مؤمن مطابق ایمان و اعمال نیک او بلا می رسد؛ بنابراین، هر کس ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر باشد بلایش بیشتر و هر کس ایمانش ضعیف تر و عمل نیک وی کمتر باشد، بلایش کمتر است. (3)

2. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ثواب عظیم به همراه بلای عظیم است. خداوند هیچ گروهی را دوست نمی دارد، مگر آنکه آنها

1- کافی، ج 3، ص 115، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 358.

2- مکارم الأخلاق، ص 357.

3- کافی، ج 2، ص 252، ح 2.

را مبتلا به مشکلاتی می گرداند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بندگان خالصی دارد که هر تحفه آسمانی را از آنها بازمی دارد و هیچ بلایی نمی فرستد، مگر آنکه از دیگران به سوی آنها هدایت می کند». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون خداوند بنده ای را دوست بدارد او را غرق در بلا می کند، پس اگر خدا را برای دور کردن بلا بخواند در پاسخش می گوید: لبیک ای بنده من، اگر خواست تو را زود به جا آورم قادر بر آن هستم و اگر ثوابش را برای روز قیامت ذخیره کنم، موهبت بیشتری به تو داده ام». (3)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهل شب بر مؤمن نمی گذرد مگر اینکه حادثه ای برایش رخ می دهد که اندوهگین شده و به سبب آن هوشیار و آگاه می شود». (4)

6. در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «درجه و منزلتی در بهشت وجود دارد که هیچ کس به آن نمی رسد، مگر آن کس که بلایی به بدنش رسیده باشد». (5)

7. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را با تحفه بلا یاد می کند، همانند کسی که از سفر برای خانواده اش هدیه می آورد. و او را از (لذات) دنیا پرهیز می دهد همان گونه که طبیب، بیمارش را از چیزهای مضر پرهیز می دهد». (6)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی حضرت

1- کافی، ج 2، ص 252، ح 3؛ و ص 253، ح 8 و 10.

2- کافی، ج 2، ص 253، ح 5.

3- کافی، ج 2، ص 253، ح 7.

4- کافی، ج 2، ص 254، ح 11.

5- کافی، ج 2، ص 255، ح 14.

6- کافی، ج 2، ص 255، ح 17.

ص: 422

رسول صلی الله علیه و آله را به خانه اش دعوت کرد. چون حضرت وارد منزل او شد دید مرغی بر روی دیوار تخم کرده و تخمش از بالای دیوار افتاد و بر روی میخی که در میانه دیوار نصب شده بود قرار گرفت و نشکست. حضرت تعجب کرد. صاحب خانه گفت: از این تعجب می فرمایید؟ قسم به خدایی که تو را به راستی به سوی مردم فرستاد، هرگز بلا وحادثه ای به من نرسیده است. هنگامی که حضرت این جمله را شنید برخاست و فرمود: هر کس بلایی به او نرسد امید خیری در او نیست. سپس بی آنکه غذا بخورد آنجا را ترک کرد». (1)

9. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند مؤمن را به هر بلایی گرفتار و به هر مرگی می میراند، اما عقلش را نمی گیرد. مگر نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان و خانواده حضرت آیوب علیه السلام مسلط شد، ولی بر عقل آن حضرت تسلط نیافت؛ عقلی که خدا را به یگانگی می شناسد». (2)

آداب حجامت

اهمیت حجامت

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «دارو و درمان چهار چیز است: حجامت، چکاندن دارو در بینی، حقنه کردن، قی کردن». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بیماری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بروز می کرد به حجامت پناه می برد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و حجامت را به ارمغان آورد». (5)

1- کافی، ج 2، ص 256، ح 20.

2- کافی، ج 2، ص 256، ح 22؛ ج 3، ص 112، ح 10.

3- خصال، ج 1، ص 229، ح 99؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 108، ح 1.

4- طبّ الأئمّه، ص 56.

5- کافی، ج 6، ص 376، ح 2. در مصدر «خلال» نیز آمده است.

ص: 423

زمان مناسب برای حجامت

1. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بعد از نماز عصر حجامت می کردند. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت را در آخر روز به جا آورید». (2)

3. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می افتاد که حضرت رضا علیه السلام در اثنای شب احساس می کرد که خون اضافه دارد، همان زمان حجامت می کرد. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهتر است در ماه رمضان در شب حجامت کنند». (4)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد حجامت کند، روز شنبه حجامت کند». (5)

6. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام بر گروهی که حجامت می کردند عبور کرد فرمود: «چه می شد اگر این کار را تا عصر روز یکشنبه به تأخیر می انداختید که درد را بیشتر از بدن می کشد». (6)

7. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت کردن در روز یکشنبه، دواي هر دردی است». (7)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت ما در روز یکشنبه و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است». (8)

1- خصال، ج 2، ص 150؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 114، ح 16.

2- مکارم الأخلاق، ص 75.

3- مکارم الأخلاق، ص 73.

4- مکارم الأخلاق، ص 73.

5- مکارم الأخلاق، ص 74.

6- خصال، ج 2، ص 147، ح 47؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 108، ح 2.

7- مکارم الأخلاق، ص 74.

8- مکارم الأخلاق، ص 73.

ص: 424

9. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عصر روز دوشنبه حجامت می کرد و به حجامت کننده به عنوان اجرت، گندم می داد». (1)

10. نیز در روایتی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می کردومی فرمود: حجامت در آخر روز دوشنبه، در دراز بدن می کشد». (2)

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه روز خون گرفتن است». (3)

12. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند، از همه دردها در آن سال شفا پیدا می کند». (4)

13. در حدیث است که کسی مشاهده کرد امام هادی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت می کند. عرض کرد: اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر کس در روز چهارشنبه حجامت کند و مبتلا به پیسی شود، کسی را جز خود ملامت نکند. حضرت فرمود: این روایت جعلی است و نقل کنندگان آن «دروغ می گویند». (5)

14. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در چهارشنبه آخر ماه برای ردّ بر کسانی که فال بد می زنند حجامت کند، از هر بلائی محفوظ مانده و محلّ حجامتش سبز نشود». (6)

15. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ابتدای روز پنجشنبه آخر ماه حجامت کند، دردها را از بدنش می کشد». (7)

1- خصال، ج 2، ص 148، ح 48؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 109، ح 3.

2- خصال، ج 2، ص 148، ح 48؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 109، ح 4 و 5.

3- علل الشرایع، ج 2، ص 598، باب 385، ح 44.

4- خصال، ج 2، ص 149، ح 49؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 110، ح 7.

5- خصال، ج 2، ص 149، ح 50؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 110، ح 7.

6- خصال، ج 2، ص 150، ح 50؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 114، ح 15.

7- خصال، ج 2، ص 151، ح 51؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 111، ح 10.

ص:425

16. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز پنجشنبه حجامت کنید». (1)

17. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در روز پنجشنبه خون در محلّ حجامت جمع می شود و به هنگام ظهر در بدن متفرّق می شود؛ بنابراین، پیش از ظهر حجامت کنید». (2)

18. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت کرد تب برطرف نشد، لذا در روز جمعه حجامت کرد و تب برطرف شد. (3)

19. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس در نخستین سه شبه آذرماه رومی (که مصادف با اول بهار است) حجامت کند، باعث صحت بدن او می شود». (4)

20. و در روایتی دیگر فرمود: «در روز هفتم ماه حزیزان رومی که در اوایل تابستان است حجامت کنید، اگر نشد در چهاردهم آن ماه». (5)

(توضیح اینکه: مفهوم روایات بالا این است که حجامت کردن در هر یک از روزهای هفته، تأثیر خاصی دارد).

اوقات نامناسب

1. در روایتی آمده است که هرگاه روز چهارشنبه قمر در عقرب باشد نباید حجامت کرد. (6)

- 1- خصال، ج 2، ص 153؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 116، ح 23.
 - 2- مکارم الأخلاق، ص 75؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 125، ح 73.
 - 3- خصال، ج 2، ص 149، ح 50؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 113، ح 14.
 - 4- طبّ الأئمّه، ص 56.
 - 5- مکارم الأخلاق، ص 75.
 - 6- مکارم الأخلاق، ص 75.
- ص: 426

2. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه

نهی کرد. (1)

3. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام از حجامت کردن در هنگام ظهر روز جمعه نهی کرد. (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ظهر روز جمعه حجامت کند و بلایی به او برسد، کسی را جز خود ملامت نکند».

(3)

5. نیز در روایتی فرمود: «حجامت در روز شنبه باعث ضعف می شود». (4)

توجه: روایاتی که زمان های مناسب و نامناسب حجامت را بیان کرده، هیچ کدام جنبه لزوم و وجوب ندارد بلکه روایاتی که سفارش به حجامت کرده، جنبه استحباب و روایات نهی کننده، جنبه کراهت دارد؛ بنابراین، حجامت در هر زمان و ساعتی از شبانه روز جایز است؛ هر چند ممکن است در برخی روزها یا ساعات بهتر باشد. از این رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «آیه الکرسی را بخوان و در هر روزی که بخواهی حجامت کن». (5)

و در حدیث دیگری آمده است: کسی امام کاظم علیه السلام را دید که در روز جمعه حجامت می کند. عرض کرد: فدایت شوم روز جمعه حجامت می کنی؟ فرمود: «هر زمان خون اضافه داشتی، خواه شب باشد یا روز، آیه الکرسی را بخوان و حجامت کن». (6)

و در روایت است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم حجامت در

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5.

2- مکارم الأخلاق، ص 75.

3- کافی، ج 8، ص 166، ح 225.

4- طبّ الأئمّه، ص 136.

5- مکارم الأخلاق، ص 75؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 126، ح 76 و ص 131، ح 99.

6- خصال، ج 2، ص 152، ح 52؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 109، ح 6.

ص: 427

روز شنبه و چهارشنبه را بد می دانند (نظر شما چیست؟) فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: انسان هر زمان با اضافه خون روبه رو شد، باید همان وقت حجامت کند تا منتهی به مرگش نشود». (1)

نتیجه اینکه تعارضی بین روایات مورد بحث وجود ندارد.

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قسمت سر و میان هر دو کتف و در پشت گردن، حجامت می کرد. یکی را نافع (سودمند) و دیگری را مغيثه (به فریادرسنده) و سومی را منقذه (خلاص کننده از بلاها) می نامید».

در روایتی دیگر فرمود: «منقذه آن است که از سر بینی به سمت بالا یک وجب کرده، به هر جا که رسید همان جا را حجامت کنید». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حجامت در گودی پشت سر، موجب غلبه فراموشی است». (3)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر به فریاد رسنده و برای هر دردی جز مرگ، مفید است؛ بنابراین، از دو طرف ابرو به سمت پشت سر یک وجب کرده و آنجا را که هر دو انگشت به هم می رسد حجامت کنید». (4)

4. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخست پشت گردن را حجامت می کرد، سپس جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و به وی امر کرد که میان دو کتف را حجامت کند. (5)

1- طبّ الأئمّه، ص 56.

2- معانی الأخبار، ص 247؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 112، ح 12.

3- مکارم الأخلاق، ص 76.

4- کافی، ج 8، ص 141، ح 160.

5- طبّ الأئمّه، ص 58.

5. در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام طبیبی طلبید و از وی خواست که رگ کف دستش را بگشاید. (1)

آداب حجامت

آداب قبل از حجامت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا ناشتا حجامت کنید، بلکه اندک چیزی بخورید که خون بیشتری از بدن بیرون آید و قوت بدن بیشتر شود، زیرا هرگاه پس از غذا خوردن حجامت کنید، خون بدن جمع شده و خون فاسد را بیرون می کند و اگر قبل از خوردن غذا حجامت کند، خون سالم بیرون رفته و خون فاسد در بدن می ماند». (2)

2. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه قصد حجامت کردی چهار زانو نزد حجامت کننده بنشین و این دعا را بخوان:
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَعْلَالٍ وَأَمْرَاضٍ وَأَسْقَامٍ وَأَوْجَاعٍ
 وَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. (3)

آداب هنگام حجامت

همان گونه که در حدیثی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام گذشت، خواندن آیه الکرسی به هنگام حجامت کردن سفارش شده است. (4)

2. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «هرگاه حجامت کردی و خون از محلّ

2- مکارم الأخلاق، ص 73.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه می برم به خداوند در این حجامتم از چشم زخم واز هر بدیواز بیماری ها و ناراحتی ها و دردها واز تو عافیت وشفای از هر دردی را خواهانم». فقه الرضا، ص 394.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 394؛ خصال، ج 2، ص 152، ح 52.

ص: 429

حجامت خارج شد، قبل از آنکه بر زمین بریزد این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي، مِنْ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ

سوءٍ (1) ، زیرا هنگامی که این دعا را بخوانی همه خیرات را جمع کرده ای، چون خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ)». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حجامت کردی و خون از محلّ حجامت بیرون آمد، پیش از آنکه حجه (3) را بریزند بگو: بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنْ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ». (4)

آداب پس از حجامت

1. در حدیث است پس از آنکه امام صادق علیه السلام حجامت کرد، سه دانه قند با نبات طلبید و تناول کرد و فرمود: «خونی صاف تولید و حرارت را قطع می کند». (5)

2. در حدیث است که زید شحام می گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودم که حجّام را طلبید و فرمود: «مجمه خود را بشوی و آویزان کن!» سپس اناری تناول فرمود و حجامت کرد. پس از حجامت، انار دیگری تناول کرد و فرمود: «خوردن انار در این وقت، صفرا را فرو می نشاند». (6)

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامتم از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناه می برم». مکارم الأخلاق، ص 82.

2- ترجمه: «اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم و هیچ بدی (وزیانی) به من نمی رسید». سوره اعراف، آیه 188.

3- «جمه» ظرفی است که خون را در آن جمع می کنند.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامت از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناهی برم». مکارم الأخلاق، ص 74.

5- طبّ الأئمّه، ص 59؛ مکارم الأخلاق، ص 74.

6- مکارم الأخلاق، ص 74.

ص: 430

3. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از حجامت با آب سرد غسل می کرد تا حرارت خون فرو نشیند». (1)

4. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انار شیرین بعد از حجامت، خون را ساکن و صاف می کند». (2)

5. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسید: مردم پس از حجامت چه می خورند؟ گفت: برگ کاسنی و سرکه. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (3)

فواید حجامت

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، بدن را صحیح و سالم و عقل را تقویت می کند». (4)
2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر در چیزی شفا باشد، در شیشه حجام و خوردن عسل است». (5)
3. نیز در حدیثی فرمود: «حجامت، عادت پسندیده ای است که دیده را جلا می دهد و دردها را از میان می برد». (6)
4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به نخستین حجه ای که از خون او بریزند نگاه کند، تا حجامت بعدی از درد چشم امان می یابد». (7)

1- طبّ الأئمّه، ص 58.

2- طبّ الأئمّه، ص 59.

3- مکارم الأخلاق، ص 74.

4- خصال، ج 2، ص 400، ح 1؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 114، ح 18.

5- مکارم الأخلاق، ص 165.

6- معانی الأخبار، ص 247.

7- طبّ الأئمّه، ص 58.

ص: 431

5. و در گفتاری فرمود: «حجامت انسان را از سردرد، دندان درد، خوره، دیوانگی و پیسی شفا می بخشد». (1)
6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر شفای همه دردها جز مرگ است». (2)
7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر برای بیماری های دیوانگی، خوره، پیسی و دندان درد سودمند است». (3)
8. در حدیثی دیگر فرمود: «حجامت سر برای تاریکی چشم و درد سر و جلوگیری از پر خوابی مؤثر است». (4)
9. کسی از درد جگر به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت به وی سفارش کرد پایش را فصد کند (رگ بزند). کسی دیگر از خارش بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن، قسمت پشت پا، یا میان کعب و بند پا». (5)
10. کسی از کچلی به حضرت موسی علیه السلام شکایت کرد، فرمود: «پای راست را فصد کن (رگ بزن) و به مقدار دو درهم روغن بادام شیرین به روی آب کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه نخور». (6)
11. در حدیث است که کسی از کچلی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، حضرت سفارش کرد که رگ اکحل (7) را بگشاید. (8)

1- خصال، ج 2، ص 149، ح 49؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 127، ح 85.

2- طبّ الأئمّه، ص 57.

3- مکارم الأخلاق، ص 76.

4- مکارم الأخلاق، ص 76.

5- مکارم الأخلاق، ص 77.

6- مکارم الأخلاق، ص 77.

7- «اکحل» نام رگی است در ذراع که آن را فصد می کنند. در فارسی رگ چهار اندام را گویند (فرهنگ عمید).

8- مکارم الأخلاق، ص 77.

ص:432

سفارش های طبّی ائمّه علیهم السلام وحکم رجوع به اطبّا

ضرورت اقدام برای درمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی بیمار شد، با خود گفت: مداوا نمی کنم تا همان کس که درد را داده شفا می دهد. خداوند به او وحی کرد: تا معالجه نکنی تو را شفا نمی دهم». (1)

2. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض شد: شخصی دارو می خورد، گاه او را شفا می دهد و گاه برایش ضرر دارد، اما بیشتر اوقات شفا می دهد. حضرت فرمود: «خداوند دارو را فرستاده و شفا را هم همراه آن می فرستد. و هیچ دردی را خلق نکرده، مگر اینکه دوا برای آن آفریده است؛ دوا را بخور و به هنگام خوردن، نام پروردگار را ببر». (2)

چه کسی شفا می دهد؟

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند پرسید: چه کسی درد و بیماری را می دهد؟ خداوند فرمود: من. دوباره پرسید: دوا و شفا از کیست؟ خطاب آمد از من است. پرسید: پس حکیمان و طبیبان با مردم چه می کنند؟ فرمود: باعث آرامش دل مردم (و وسیله درمان) می شوند». (3)

مراجعه به طبیب غیر مسلمان

1. در حدیث است که کسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: نیاز به طبیب مسیحی پیدا

1- مکارم الأخلاق، ص 362.

2- طبّ الأئمّه، ص 63.

3- کافی، ج 8، ص 74، ح 52.

ص:433

می کنم. برای معالجه نزد او رفته، بر او سلام کرده و برایش دعا می کنم چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد (اگر آدم خوبی نباشد) چیزی از سلام و دعای تو عاید او نمی شود». (1)

2. نیز از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می توان به دستورهای طبّی طبیب یهودی و مسیحی عمل کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد، شفا به دست خداست». (2)

زمان مراجعه به طبیب

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسلمان زمانی اقدام به معالجه می کند که بیماری بر سلامتی اش غلبه پیدا کند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش بر بیماری غالب باشد و معالجه کند و بر اثر معالجه بمیرد، من از او بیزارم». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا ممکن است برای معالجه نزد اطبا نروید، زیرا رجوع به آنان همانند ساختن یک خانه است که مقدار کم آن منتهی به زیاد می شود». (5)

مصرف دارو به مقدار ضرورت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هیچ دوايي نیست مگر اینکه دردی را تحریک می کند. و هیچ چیز برای بدن سودمندتر از آن نیست که تا ضرورتی نباشد در بدنت تصرف نکنی». (6)

1- السرائر، ج 3، ص 569.

2- طبّ الأئمّه، ص 63.

3- خصال، ج 2، ص 411؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 70، ح 24.

4- خصال، ج 1، ص 76، ح 86؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 64، ح 5.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 465، ح 17.

6- کافی، ج 8، ص 228، ح 409.

ص:434

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش

بر بیماری غالب باشد وبا این حال دارو مصرف کند، به کشتن خود کمک کرده است». (1)

پرهیز وامساک

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در منطقه ما اطبّا بیماران را به امساک وپرهیز سفارش می کنند. حضرت فرمود: «ما اهل بیت فقط از خرما امساک می کنیم و خود را با سیب و آب سرد معالجه

می نمایم». آن شخص پرسید: چرا فقط از خرما؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی را به هنگام بیماری اش از خرما پرهیز داد». (2)

2. در حدیث است که در مورد مدت پرهیز از خرما پرسیدند؟ فرمود: «تا ده روز». (3)

3. و در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «تا هفت روز و پس از آن سودی ندارد». (4)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «امساک این نیست که هیچ نخوری، بلکه آن است که کمتر بخوری». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راه رفتن باعث بازگشت بیماری و شدت آن می شود (وبه هنگام بیماری باید استراحت کرد)». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 61.

2- طبّ الأئمّه، ص 59.

3- معانی الأخبار، ص 238، از امام صادق علیه السلام.

4- طبّ الأئمّه، ص 59.

5- مکارم الأخلاق، ص 362.

6- کافی، ج 8، ص 242، ح 444.

ص:435

معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن

1. در حدیث است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: دردی دارم که اطباً برای معالجه آن شراب تجویز کرده اند، آیا می توانم بنوشم؟ حضرت فرمود: «چرا آب درمانی نمی کنی؛ آبی که همه چیز به آن زنده است؟» (1)

عرض کرد: آب با مزاج من سازگار نیست. حضرت فرمود: «چرا از عسل استفاده نمی کنی که شفای دردهای مردم است؟» (2) عرض کرد: به عسل دسترسی ندارم.

حضرت فرمود: «چرا شیر نمی خوری که گوشت و استخوان بدنت از آن روئیده است؟» عرض کرد: شیر با طبع من نمی سازد. حضرت فرمود: «می خواهی اجازه شراب خواری به تو بدهم! والله هرگز چنین اجازه ای نمی دهم.» (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی بیمار شد حضرت علی علیه السلام به او فرمود: یک درهم از مهر همسرت را که به او داده ای مطالبه کن و با آن عسل بخر و با آب باران بخور. آن شخص چنین کرد و شفا یافت. از حکمت این دستور پرسیدند. حضرت فرمود: خداوند در مورد مهر زنان فرماید: اگر زنان از مهر خود چیزی با رضایت خاطر به شما بخشیدند گوارای وجودتان، آن را بخورید با عافیت نیک (4) و در مورد عسل فرموده است: در عسل برای مردم

شفاست (5) و در مورد آب باران فرماید: آب مبارکی از آسمان فر فرستادیم (6)؛ بنابراین،

در این نسخه، گوارایی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شده است.» (7)

1- منظور آیه 30 سوره انبیاء است.

2- سوره نحل، آیه 69.

3- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 264، ح 45.

4- سوره نساء، آیه 4.

5- سوره نحل، آیه 69.

6- سوره ق، آیه 9.

7- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 288، ح 15؛ مکارم الأخلاق، ص 407.

ص:436

معالجه با صدقه

1. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: من وده تن از خانواده ام همه بیماریم (چه کنیم؟) حضرت فرمود: «آنها را با صدقه درمان کن که هیچ چیز بیشتر وزودتر از صدقه مؤثر نیست». (1)

2. در احادیث به سندهای معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بیماران خود را با پرداخت صدقه معالجه کنید». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «صدقه بلاهای قطعی را دور می کند». (3)

4. نیز در روایتی فرمود: «صدقه مرگ های بد را از صاحبش برطرف می کند». (4)

معالجه با پیشگیری و آمیزش

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیشتر دردها و بیماری ها بر اثر غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم بسیار است، پس انسان باید قبل از آنکه این عوامل بر او غلبه و هلاکش کند مراقب حال خود باشد». (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردهایی در بدن خود داشته باشد و حرارت را بر مزاجش غالب یابد، با همسرش آمیزش کند که حرارت را فرو می نشاند». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 123.

2- طبّ الأئمّه، ص 123.

3- طبّ الأئمّه، ص 123.

4- طبّ الأئمّه، ص 123.

5- طبّ الأئمّه، ص 110.

6- طبّ الأئمّه، ص 94.

ص: 437

معالجه با حقنه (اماله)

معالجه با حقنه (1) (اماله)

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین نوع معالجه، مداوا کردن با حقنه است که شکم را شستشو داده، و دردهای داخلی را برطرف و بدن را تقویت می کند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقنه از جمله داروهای عظیم است و شکم را شستشو می دهد». (3)

3. نیز در حدیثی فرمود: «معالجه چهار چیز است: حجامت کردن، دارو مالیدن، قی کردن، حقنه کردن». (4)

معالجه با حجامت و حمام رفتن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طبّ عرب در حجامت وحقنه است و آخرین دوی آنان داغ کردن».
(5)

توجه:روایاتی درمورداهمیت وفوایدحجامت گذشت وروایاتی خواهد آمد.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین دوی شما حقنه کردن ودارو در بینی چکاندن و حجامت کردن و حمام رفتن است».
(6)

معالجه با چکاندن دارو در بینی ودارو کشیدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه در بینی بچکانید».
(7)

1- «حقنه» داروی مایعی است که از راه مقعد وارد روده ها می کنند (فرهنگ عمید).

2- خصال، ج 2، ص 434؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 114، ح 19.

3- طبّ الأئمّه، ص 54.

4- کافی، ج 8، ص 167، ح 226.

5- طبّ الأئمّه، ص 55.

6- طبّ الأئمّه، ص 57.

7- خصال، ج 2، ص 434؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 115، ح 19.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، نوره کشیدن و دارو در بینی چکاندن از دواى پیامبران است». (1)

معالجات مختلف

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درد سه چیز است و دوا نیز سه چیز: درد ناشی از صفرا، بلغم و خون است. دواى خون، حجامت و دواى صفرا و سودا، مسهل و دواى بلغم، حمّام است». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طبّ عرب در هفت چیز است : حجامت، حقنه، ریختن دارو در بینی، حمّام رفتن، قی کردن، خوردن عسل، و آخرین دواى آنها داغ کردن است». (3)

چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد

در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: از چشم زن یا مردی آب می آید. پزشکان گویند که باید چشمش را میل بزنیم و سی تا چهل روز بر پشت بخوابد و حرکت نکند و در آن حال نماز را با اشاره بخواند. نظر شما چیست؟ فرمود : «اشکالی ندارد». (4)

دستورهای طبّی نه گانه

در کتاب فقه الرضا علیه السلام دستورهای نه گانه طبّی به این شرح سفارش شده است :

2- مکارم الأخلاق، ص 76.

3- طبّ الأئمّه، ص 55.

4- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 74، ح 153.

ص: 439

1. امساک برترین داروهاست و معده خانه دردها و استفاده از غذاهای خوبی را که عادت داری ترک نکن. (1)

2. تا زمانی که بدنت تحمل دارد از مصرف دارو خودداری کن. (2)

3. هر زمان گرسنه شدی غذا بخور و هر وقت تشنه شدی آب بنوش و هرگاه نیاز به دستشویی داشتی دستشویی برو و تا ضرورتی نباشد (با همسرت) آمیزش مکن و هر زمان نیاز به خواب داشتی بخواب؛ اگر به این دستورها عمل کنی همواره بدنت سالم خواهد بود. (3)

4. خداوند متعال تا زمانی که مقدر کرده بیماری ادامه داشته باشد به دارو اجازه تأثیر نمی دهد. پس از آن، اجازه تأثیر داده و با آن دارو شفا عنایت می کند. مگر اینکه قبل از انقضای آن مدت، دعایی کنی یا صدقه ای بدهی، یا کار خیری انجام دهی که خداوند نیز به دارو اجازه تأثیر می دهد. (4)

5. شفای هر دردی در عسل است. هر کس ناشتا یک انگشت عسل بخورد بلغم و سودا را برطرف می کند و چنانچه با کُندر خورده شود، ذهن را صاف می کند. آب سرد حرارت صفرا را فرو می نشاند و غذا را هضم می کند و اخلاط موجود در دهانه معده را ذوب کرده و تب را برطرف می کند. (5)

6. اگر چیزی بدن را فربه کند ماساژ دادن و لباس های نرم پوشیدن و حمام رفتن و استعمال بوی خوش است. و اگر مرده را ماساژ دادند و زنده شد

بعید نیست. و صدقه دادن بلاهای آسمانی را دور می کند و قضای حتمی را برطرف می سازد. (6)

1- فقه الرضا، ص 340.

2- مکارم الأخلاق، ص 362.

3- فقه الرضا، ص 340.

4- فقه الرضا، ص 341.

5- فقه الرضا، ص 346.

6- فقه الرضا، ص 346.

ص: 440

7. چیزی مانند دعا و صدقه دادن و آب سرد، بیماری را برطرف نمی کند. (1)

8. حداکثر پرهیز و امساک چهارده روز است. و پرهیز این نیست که چیزی نخوری، بلکه به معنای کمتر خوردن است، زیرا سلامتی و بیماری در بدن انسان در حال درگیری و مبارزه اند. پس هر زمان سلامتی بر بیماری غلبه کند بیمار به غذا اشتها پیدا می کند؛ بنابراین، هر زمان به غذا اشتها داشت غذایش دهید که شاید شفایش در آن طعام باشد. (2)

9. شفای هر دردی در قرآن است؛ پس بیماران خود را با صدقه مداوا کنید و از قرآن شفا بطلبید که هر کس را قرآن شفا ندهد هیچ چیزی سبب شفای

او نمی شود. (3)

معالجه انواع تب و تعویذها

روش های مادی درمان تب

آب سرد و سیب

1. در احادیث فراوانی از حضرات معصومین علیهم السلام می خوانیم که فرمایند: ما تب را جز با ریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب، معالجه نمی کنیم. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب از بوی جهنم است، آن را با آب سرد فرو نشانید». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای از بین بردن تب، سودمندتر از دعا و آب سرد نیست». (6)

1- فقه الرضا، ص 346.

2- فقه الرضا، ص 346.

3- فقه الرضا، ص 342.

4- محاسن، ص 551، ح 890؛ مکارم الأخلاق، ص 173.

5- طب الأئمه، ص 49.

6- طب الأئمه، ص 50.

ص: 441

4. در حدیث آمده است که مفضل گوید: در ایام تابستان خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. آن حضرت تب داشت. دیدم ظرفی پر از سیب سبز نزد حضرت است. عرض کردم: مردم سیب را برای تب مفید نمی دانند. حضرت فرمود: «سیب تب را برطرف می کند و حرارت را فرو می نشاند». (1)

قندآب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مقدار ده درهم قند با آب سرد قبل از صبحانه برای از بین بردن تب، نافع و سودمند است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام از کسی پرسید: «شما بیمارانتان را با چه دارویی معالجه می کنید؟» عرض کرد: با داروهای تلخ. حضرت فرمود: «هرگاه کسی از شما بیمار شد مقداری قند سفید بکوبید و با آب سرد مخلوط کنید و به بیمار بخورانید، زیرا خداوندی که با داروی تلخ شفا می دهد، قادر است با داروی شیرین هم شفا دهد». (3)

3. در حدیث است که ابراهیم جعفری گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از تب ربع (4) شکایت کردم. حضرت فرمود: «نبات یا قند را بساب و در آب بریز

و ناشتا بخور و هر زمان تشنه شدی از آن استفاده کن». به این دستور عمل کردم و زود شفا یافتم. (5)

1- محاسن، ص 551، ح 893؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 3.

2- طبّ الأئمّه، ص 50.

3- محاسن، ص 501، ح 626.

4- «تب ربع» تبی است که یک روز عارض می شود و دو روز رها می کند، سپس در روز چهارم بازمی گردد.

5- طبّ الأئمّه، ص 51.

آب باران و بنفشه

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب باران بخورید که بدن را پاک و دردها را برطرف می کند». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «گرمی تب را با بنفشه و آب سرد بشکنید. (2) و در

تابستان بر بدن بیمار تب دار، آب سرد بریزید». (3)

سنجد و کباب

1. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ملاقات حضرت علی علیه السلام که تب داشت رفت و به او فرمود: سنجد بخور». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کباب، تب را برطرف می کند». (5)

برنج

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «دو سال یا بیشتر از بیماری شدیدی رنج می بردم، خداوند به من الهام کرد که از برنج استفاده کنم. مقداری برنج شسته، خشک کرده، سپس آن را بر روی آتش تافته، آسیاب کردم، بعد مقداری را به همان صورت و مقداری دیگر را با آب مخلوط و تناول کردم» (6) (ونتیجه گرفتم).

1- کافی، ج 6، ص 387، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 156.

2- خصال، ج 2، ص 411؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 97، ح 13 و ص 415، ح 197.

3- خصال، ج 2، ص 415؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 97، ح 13.

4- مکارم الأخلاق، ص 176.

5- کافی، ج 6، ص 319، ح 4.

6- بحارالأنوار، ج 62، ص 98، ح 17.

ص:443

معالجه تب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب در میان اولاد پیامبران، دو برابر دیگران است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «معالجه تب با سه چیز ممکن است: قی (استفراغ غذاهای نامناسب)

کردن، عرق کردن، مسهل». (2)

معجون وپالوده مخصوص

1. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می خوانیم که در مورد چگونگی معالجه تب غبّ کهنه (3) فرمود: «عسل

وسیاهدانه را با هم مخلوط کن و سه انگشت از آن را

بخور که این هر دو مبارک است و خداوند در قرآن فرماید: در عسل شفاست (4)

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: سیاهدانه شفای هر دردی است جز مرگ». (5)

2. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین داروها برای تب «ربع» آن است که پالوده ای (6) با عسل بسازی و زعفران فراوانی در آن بریزی و یک روز

درمیان از آن بخوری و در آن روز که از آن پالوده می خوری چیز دیگری نخوری». (7)

روش های معنوی درمان تب

اشاره

یادآوری: دعاها و ذکرها و روش های معنوی معالجه دردها و بیماری ها نباید

1- بحار الأنوار، ج 62، ص 99، ح 19.

2- طبّ الأئمّه، ص 50.

3- «عَبَّ» دیر به دیر ملاقات کردن، یک روز در میان کاری را انجام دادن و «حُمِّي الغَبِّ» تب نوبه، تب هر سه روز یک بار، تب یک روز در میان است (فرهنگ معاصر).

4- سوره نحل، آیه 69.

5- بحار الأنوار، ج 62، ص 100، ح 23.

6- پالوده حلوایی است که از عسل و بادام و نشاسته درست می کردند و با شربت قند می خوردند. (فرهنگمتوسط دهخدا).

7- طبّ الأئمّه، ص 51.

ص: 444

جایگزین عمل و مراجعه به پزشکان حاذق و متعهد شود؛ بلکه هر دو در عرض هم مورد توجه قرار گیرد.

آب آیه الكرسي و یاد اهل بیت علیهم السلام

1. در حدیث است که کسی از تب به امام صادق علیه السلام شکایت کرد که بسیار طولانی شده است. حضرت فرمود: «آیه الكرسي را در ظرفی بنویس و با آب حل کن و بخور». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما اهل بیت، شفای تب و همه دردها و وسوسه های شیطان است». (2)

هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یاالله

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «بر هیچ بیمار و صاحب دردی هفتاد مرتبه سوره حمد خوانده نمی شود، مگر آنکه دردش آرام می گیرد». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مبتلا به بیماری شد، هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشد هفتاد مرتبه بخواند، من ضمانت می کنم که برطرف شود». (4)

3. در روایتی دیگر آمده است: «یکی از فرزندان حضرت بیمار شد، فرمود: ده مرتبه «یاالله» بگو؛ هیچ مؤمنی آن را نمی گوید مگر آنکه خداوند فرماید: «لبیک، حاجتت را بگو». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 370.

2- خصال، ج 2، ص 418، ح 220.

3- طبّ الأئمّه، ص 53.

4- مکارم الأخلاق، ص 363.

5- طبّ الأئمّه، ص 121.

ص:445

اذان واقامه وسوره حمد

1. در حدیثی می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد : یک ماه است که تب می کنم، آنچه اطبّا گفته اند به کار بستم اما نتیجه نداشت. حضرت فرمود: «دکمه های پیراهنت را باز و سر را در گریبان پیراهنت کن و اذان واقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان». راوی می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم.

(1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بیمار سر در گریبان خود کند، اذان واقامه بگوید، سپس هر یک از سوره های حمد، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را سه مرتبه بخواند و پس از آن بگوید: أُعِيدُ نَفْسِي بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَعَظْمَةِ اللهِ وَسُلْطَانِ اللهِ وَبِجَمَالِ اللهِ وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ وَبِعِزَّتِهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِوَلَاةِ أَمْرِ اللهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ». (2)

صدقه ودعاهای مخصوص

1. در حدیث است که داوود بن زربی می گوید در مدینه مبتلا به بیماری شدیدی شدم. هنگامی که خبر به امام صادق علیه السلام رسید، برای من چنین نسخه نوشت: «سه کیلو گندم بخر و بر پشت بخواب و گندم ها را بر روی سینه ات بگذار

1- طبّ الأئمّه، ص 52؛ مکارم الأخلاق، ص 370.

2- ترجمه: «خود را پناه می دهیم به عزّت و قدرت و عظمت و سلطنت و جمال و جلال خدا و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت او و اولیای خدا (ائمّه علیهم السلام) از شرّ آنچه در بیم و هراسم. و گواهی می دهیم که خدا، توانا بر همه چیز است

وهیچ قدرتی نیست مگر از خدای علیّ عظیم و درود خداوند بر محمد و خاندان او. خدایا، بهشفای خود شفایم ده و به داروی خود درمانم کن و از بلای خود عافیتم بخش». مکارم الأخلاق، ص 427؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 24.

ص: 446

وبگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُظْتَرُّ كَشَفْتَهُ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي (1) ، سپس بنشین و گندم ها را جمع

کن، دوباره آن دعا را بخوان. بعد گندم ها را چهار قسمت کن و هر قسمت آن را به یک فقیر بده و برای بار سوم آن دعا را بخوان».

داوود می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. و بسیاری از افراد دیگر نیز به آن عمل کردند، شفا گرفتند. (2)

2. در روایتی معتبر آمده است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام بیمار شد. حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ». (3)

3. در حدیث است که سلمان فارسی رحمه الله می گوید ده روز پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمدم. در راه حضرت علی علیه السلام را ملاقات کردم. فرمود: «به نزد فاطمه علیها السلام برو که تحفه ای از بهشت برایش آمده، می خواهد به تو عطا کند». با عجله خدمت آن حضرت رسیدم، فرمود: «روز گذشته همین جا نشسته بودم، در خانه بسته بود و من غمگین بودم؛ در مورد قطع وحی الهی و نیامدن فرشتگان به سوی ما، فکر می کردم که ناگهان در گشوده شد و سه دختر وارد شدند؛ دخترانی که به آن زیبایی و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبویی، هرگز کسی ندیده است. هنگامی که آنان را دیدم برخاستم و پرسیدم: شما از اهالی مدینه هستید؟ گفتند: ای دختر رسول خدا، ما از ساکنان زمین نیستیم،

1- ترجمه: «بار خدایا، به آن نامی تو را می خوانم که اگر شخص مضطر به آن نام تو را بخواند مشکل او را برطرفخواهی کرد و او را پیروز و مسلّط و خلیفه بر خلق خویش خواهی نمود، بر محمّد و خاندان او درود فرست و از بیماریم عافیت بخش.»

2- طبّ الأئمّه، ص 53.

3- ترجمه: «خدایا، به شفایتم شفایم ده و به دوایت مداوایم کن و از بلایت عافیتم بخش، زیرا من بنده تو و فرزند بنده توام.» کافی، ج 2، ص 565، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 392.

ص: 447

پروردگارت ما را از بهشت جاوید به سوی تو فرستاده است و ما بسیار مشتاق دیدار تو بوده ایم. از یکی از آنها که از همه بزرگ تر بود پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: چرا این نام را برای تو انتخاب کرده اند؟ گفت: زیرا برای مقدار بن اسود آفریده شده ام. از دیگری نامش را پرسیدم. گفت: من ذره هستم. گفتم: علّت نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای ابوذر غفاری خلق شده ام. نام سومین آنها را پرسیدم: گفت: سلمی هستم. گفتم: راز نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای سلمان فارسی، آزاد کرده پدرت آفریده شده ام. سپس پرسیدم: برای من چه آورده اید؟ مقداری رطب بیرون آوردند که مانند گرده های نان بزرگ و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر بود. سلمان گوید: حضرت زهرا علیها السلام یکی از آن رطب ها را به من داد و فرمود: امشب با این رطب افطار کن و فردا هسته آن را برای من بیاور. رطب را گرفته، از خانه آن حضرت خارج شدم و به سوی منزل حرکت کردم. در بین راه به هر یک از اصحاب پیامبر رسیدم می پرسیدند: سلمان، مگر مشک همراه داری (که چنین بوی خوشی از تو به مشام می رسد)؟ می گفتم: آری. به هنگام افطار آن خرما را خوردم، اما هیچ هسته ای نداشت. روز بعد خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و عرض کردم: آن خرما هسته نداشت. حضرت فرمود: «چگونه چنین خرمایی هسته داشته باشد در حالی که خداوند متعال به سبب دعایی که پدرم به من آموخته و هر صبح و شام آن را می خوانم، آن درخت را در بهشت کاشته است.» سلمان گفت: ای سیّده من، آن دعا را به من بیاموز. فرمود: «اگر می خواهی در دنیا مشکلات تب را نبینی، بر این دعا مواظبت کن :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدْبَرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرِّاءِ

ص: 448

وَالضَّرَاءِ مَشْكُورٍ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». (1) سلمان می گوید

این دعا را به بیش از هزار تن از اهالی مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم، همه از تب نجات یافتند. (2)

تعویذ تب

1. در بعضی از کتاب های معتبر آمده است که برای (معالجه) تب این تعویذ را بر بازوی راست بیمار ببندید: سوره حمد کاملاً نوشته شود، سپس بنویسد :

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الْأَهَامَةِ وَالسَّامَةِ وَالْعَامَةِ وَالْأَلَامَةِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ). (3) يَا

نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ * وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ) (4) بَرْدًا

وَسَلَامًا عَلَىٰ فُلَانِ ابْنِ فُلَانِهِ (به جای فلان نام بیمار و به جای فلان نام مادر بیمار نوشته شود) (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدای نور، به نام خداوندی که نور ما فوق نور است، به نام خداوندی که تدبیرکننده امور است. به نام خداوندی که نور را از نور آفریده است. حمد و سپاس مخصوص خدایی است که نور را از نور آفرید و نور خود را بر (کوه) طور تابید. در کتابی که نوشته شده، در صفحه ایگسترده، به اندازه ای معین، بر پیامبری عالم و

آگاه. حمد و سپاس ویژه خداوندی است که به عزت یادمی شود و به فخر مشهور است و در خوشی ها و تنگدستی ها سپاسگزاری می شود و درود خدا بر آقای مامحمد و خاندان پاک او».

2- مهج الدعوات، ص 5؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 66، ح 59.

3- سوره ممتحنه، آیه 4 .

4- سوره انبیاء، آیات 69 و 70.

ص: 449

مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (1) حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَلِيًّا وَتَوَكَّلْ

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) (2) (إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْغَالِبُونَ) (3) (وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (4) وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». (5)

1- سوره بقره، آیه 286.

2- سوره مجادله، آیه 21.

3- سوره مائده، آیه 56.

4- سوره آل عمران، آیه 101.

5- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). پناه می برم به تمام کلمات کامل خدا که نیکوکار و بدکار از آنها نمی تواند بگذرد. از شر آنچه آفریده و خلق کرده و پدید آورده است و از شر هر گزنده و هر جانور زهردار و هر سوء نیت دار و از

شرّ حوادث روزگار که هنگام شب یا روز فرود آید و از شرّ فاسقان عربوعجم و از شرّ فاسقان جنّ و انس و از شرّ شیطان و دامش و از شرّ هر شروری و از شرّ هر جنبنده ای که زماماختیارش به دست اوست، (امر) پروردگار من بر راه راست است. پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت همه به سوی تو است. «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می خواستند ابراهیم را با این توطئه نابود کنند، ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم.» ای تب، بر فلان کس فرزند فلان کس سرد و سالم باش! «پروردگارا، اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن.» «پروردگارا، تکلیف سنگینبر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی.» «پروردگارا، آنچه طاقت تحمل آن را نداریم بر ما مقرر مدار؛ و آثار گناه را از ما بشوی؛ و ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.» خداوند مرا بس است، معبودی جز او نیست، او را وکیل خویش برگیر و بر زنده ای که نمی میرد توکل کن و به حمد او تسبیح گوی و کافی است که او به گناهان بنده اش آگاه و بینا باشد و هیچ معبودی جز الله نیست. یکتاست و شریکی برای او نیست. وعده اشر است و بنده خود را یاری کرد و به تنهایی گروه های مشرک را شکست داد. آنچه را خدا می خواهد انجام خواهد شد. هیچ نیرویی نیست جز برای خدا. «خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم، چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است»، «به راستی حزب خدا پیروز است»، «وهر کس به (ذیل عنایت) خدا چنگ زند به راهی راست هدایت شده است»، و درود خدا بر محمد و خاندان طاهرینش». مکارم الاخلاق، ص 403.

ص: 450

2. در حدیث است که برای معالجه تب این آیه شریفه را نوشته، بر بدن بیمار تب دار ببندید: (يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ
إِبْرَاهِيمَ). (1)

3. در روایتی دیگر آمده است که این دعا را نوشته، بر بازوی راستش ببندید :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، (وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سِيرَتْ بِهِ الْجِبَالِ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلَّ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا).
(2)

یا شافی یا کافی یا معافی، (وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ) (3) بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ

(نام بیمار و پدرش نوشته شود) بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَلَاغَالِبَ إِلَّا اللَّهُ». (4)

و برای معالجه تب و سوز این آیات را بنویسند و بر بازوی بیمار ببندند: بِسْمِ اللَّهِ (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ) (5) (وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا

مَحْجُورًا) (6) (يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبرهیم) (7) ، (أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (8) ،

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ). (9)

1- مکارم الأخلاق، ص 372.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. اگر با قرآن، کوه ها به حرکت درآیند، یا زمین ها قطعه قطعه شوند، یا با آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد). ولی همه کارها در اختیار خداست». سوره رعد، آیه 31.

3- سوره اسراء، آیه 105.

4- ترجمه: «ای شفا دهنده، ای کفایت کننده، ای تندرستی بخش. و قرآن را به حق نازل کرده ایم و به حق نازل شد. به نام فلانی فرزند فلانی (این دعا را می نویسم) به نام خدا و به ذات پاک (خدا) شروع می کنم. و از خدا و به سوی خدا (باز می گردم) و هیچ غلبه کننده ای جز خداوند نیست». مکارم الأخلاق، ص 371.

5- ترجمه: «به نام خدا، خداوند دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد در حالیکه با هم تماس دارند، در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند و به هم نمی آمیزند». سوره رحمن، آیات 19 و 20.

6- ترجمه: «و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید): دور باشونزدیک نیا». سوره فرقان، آیه 53.

7- ترجمه: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش». سوره انبیاء، آیه 69.

8- ترجمه: «حزب و جمعیت خدا پیروز است». سوره مائده، آیه 56.

9- ترجمه: «وعدده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده، که آنان یاری شدگانند و لشکر ما پیروزند». سوره صافات، آیات 171 - 173.

ص: 451

نشانه های فشار خون

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «علامت های فشار خون چهار چیز است: اول خارش بدن، دوم جوش های پوستی، سوم خواب آلودگی، چهارم سرگیجه». (1)

دعای عیادت از بیمار

در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید، این جمله را هفت مرتبه بخوانید: أُعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَقَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ». (2)

دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی

دعاهای جامع، یا دعادرمانی

1. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در بدنش احساس کند این دعا را بخواند تا دردی به سراغش نیاید: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در خود احساس کند بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُّ». (4)

1- خصال، ج 1، ص 229، ح 102؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 97، ح 12 .

2- ترجمه: «به خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ تو را پناه می دهم، از شرّ رگ بیماری زا واز شرّ آتشسوزان». کافی، ج 2، ص 566، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 392.

3- ترجمه: «پناه می برم به عزّت و قدرت خداوند بر همه اشیاء، پناه می دهم خود را به حاکم بر آسمان، پناهمی دهم خود را به کسی که با نامش درد ضرر نمی رساند. پناه می دهم خود را به کسی که نامش برکتوشفاست». طبّ الأئمه، ص 17.

4- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). درود خدا بر پیامبر خدا و اهل بیتش باد، پناه می برم به عزّت و قدرت خدا بر آنچه اراده می کند از شرّ آنچه می یابم». کافی، ج 2، ص 567؛ طبّ الأئمه، ص 40.

ص: 452

3. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام آمد واز بیماری بسیار و پریشانی خاطر شکایت کرد. حضرت خواندن این دعای را به وی سفارش فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا». (1)

4. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر دردی که داشته باشی دست را بر محلّ درد بگذار و سه مرتبه بگو: اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، اَللّهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ، فَفَرِّجْهَا عَنِّي». (2)

5. نیز در حدیثی معتبر فرمود: «پس از گفتن بِسْمِ اللّٰهِ، دست بر محلّ درد بمال و هفت مرتبه بگو: اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰی نَفْسِي». (3)

6. در روایتی دیگر فرمود: «دست را بر محلّ درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اَمْسَحْ عَنِّي مَا اَجِدُ (4) و سه مرتبه دست بر موضع درد بکش». (5)

- 1- ترجمه: «هیچ توان و نیرویی جز بر خداوند و الامر تبه و بزرگ نیست. بر خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد توکل می کنم. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که فرزندی ندارد و در سلطنت و حکومتش هیچ‌گه‌م‌تایی برای خود برنگزید و هرگز به سبب ضعف و ناتوانی یار و مددکاری نداشته است و (چنین خدایی را) بزرگ بدار». کافی، ج 8، ص 79، ح 65.
- 2- ترجمه: «خداوند، خداوند، خداوند، پروردگار من است و او بر حقّ است، هیچ چیز را همتای او قرار نمی دهم. تو می توانی هر درد و بلایی را از بین ببری، آن را از من دفع کن». کافی، ج 2، ص 565، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 389.
- 3- ترجمه: «به عزّت و قدرت و جلال و عظمت و بزرگی خدا و تمام صفات پروردگار و رسول خدا صلی اللّٰهُ علیه و آله و بهنام های خدا، پناه می برم از شرّ آنچه حذر دارم و از شرّ آنچه بر خود می ترسم». کافی، ج 2، ص 566، ح 8.
- 4- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). محمّد فرستاده خداست و هیچ توان و قدرتی جز برای خدا نیست. خدایا، دردم را درمان کن».
- 5- کافی، ج 2، ص 566، ح 10.

ص: 453

7. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «برای درمان هر دردی این دعا را بخوان: يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ، اَنْزِلْ عَلٰی مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً». (1)

8. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به دردی شد، اگر دستش را بر موضع درد بگذارد وبا اخلاص بگوید: وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (2) حتماً عافیت پیدا می کند؛ هر دردی که باشد». (3)

9. در گفته ای دیگر فرمود: «هر کس سوره حمد و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) او را شفا ندهد، هیچ چیز دیگر او را شفا نمی دهد». (4)

10. نیز در گفتاری فرمود: «شخص دیگری دست بر محلّ درد بگذارد وهفت مرتبه و حدّ اقل سه مرتبه بگوید: أَيُّهَا الْوَجَعُ أَسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقِرْ بِوَقَارِ اللَّهِ وَأَحْجِزْ بِحَاجِزِ اللَّهِ وَأَهْدَأْ بِهَدَاءِ اللَّهِ، أَعِيدُكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَادَ اللَّهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلَائِكَتَهُ، يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلَازِلِ». (5)

درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی

درمان سردی، عقرب زدگی و مارزدگی

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی علیه السلام از

1- ترجمه: «ای نازل کننده شفا وازبین برنده درد، برای درد من شفا نازل کن». کافی، ج 2، ص 567، ح 14.

2- ترجمه: «واز قرآن، آنچه شفا ورحمت است برای مؤمنان نازل می کنیم ؛ وستمکاران را جز خسران(وزیان) نمی افزایشد». سوره اسراء، آیه 82.

3- طبّ الأئمّه، ص 28.

4- طبّ الأئمّه، ص 39.

5- ترجمه: «ای درد، به فرمان سکونت الهی آرام شو و به قرار خداوند قرار گیر و به ممانعت خدا متوقف شو و به آرامش الهی آرام گیر. ای انسان، تو را پناه می دهم به آنچه که خداوند عرش و فرشتگان خود را در روز لرزه زمین و زلزله ها پناه داد». کافی، ج 2، ص 567، ح 17.

ص: 454

غلبه رطوبت و سردی در بدنش به خداوند متعال شکایت کرد. خداوند به وی دستور داد که هلیله (1) و بلبله (2) و آمله (3) را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد».

سپس فرمود: «این دارو همان است که شما به آن اطریفل می گوید». (4)

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه (5)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر مردم منافع و خواص سنا (6) را بدانند بی شک قیمت هر مثقال آن معادل دو مثقال طلا می شود؛ سنا انسان

را از بیماری های بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فلج و لقوه حفظ می کند. اگر با مویز سرخ بی دانه و هلیله سیاه که از هر کدام به مقدار مساوی برداشته شده ساخته شود و هر روز ناشتا به مقدار سه درهم (حدود نیم مثقال) و در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند، خواص مزبور را خواهد داشت و بهترین دارو هاست». (7)

- 1- «هليلة» میوه درختی است که در هندوستان می روید. رنگش زرد یا سیاه و در طب به کار می رود. در عربیه آن اهلیج گفته می شود (فرهنگ عمید).
 - 2- «بليلة» میوه درختی است (هندی) که شبیه هليلة است، دارای پوستی زرد یا خاکستری رنگ است و به آنبليلج هم می گویند (فرهنگ عمید).
 - 3- «أمله» درختی هندی به بزرگی درخت گردو است. برگ هایش ریز وانبوه ومیوه آن به اندازه آلو وترش مزهوبر دو قسم است: سیاه وزرد ودر طب به کار می رود وبه آن آملج هم گفته می شود (فرهنگ عمید).
 - 4- کافی، ج 8، ص 167، ح 228.
 - 5- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود ولب ودهان یا فک به طرفی کج می گردد(فرهنگ عمید).
 - 6- «سنا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ ودانه های آن ریز ودر غلافیشبیه غلاف باقلا جا دارد. این گیاه بیشتر در حجاز می روید وبهترین نوع آن سنای مکی است. برگ آن درطب مانند مسهل استفاده می شود. در معالجه بیماری های تنگی نفس وقولنج وعرق النسا نیز به کار می رود(فرهنگ عمید).
 - 7- مکارم الأخلاق، ص 188.
- ص:455

درمان سردرد وسردی سر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چنانچه روغن گشنیز را در بینی بچکانید سردرد خوب می شود». (1)
 2. در حدیث است که کسی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: در سرم احساس سرمای شدید می کنم، به گونه ای که اگر باد به سرم بوزد می ترسم غش
- کنم. حضرت فرمود: «پس از غذا خوردن، روغن عنبر وزعفران در بینی ات بچکان». (2)

درمان زکام

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چنانچه یک دانک (3) شونیز

(سیاهدانه) ونیم دانک دانه کُندُس (4) را نرم بکوبند و در بینی مبتلا به زکام بریزند،

زکام را برطرف می کند». (5)

2. امام صادق علیه السلام فرمود: «زکام از لشکرهای الهی است که دردهای بدن را برطرف می سازد». (6)

3. در چندین حدیث آمده است که زکام را نباید (با سرعت) معالجه کرد (بلکه با استراحت و دفاع بدن معالجه شود). (7)

1- قرب الإسناد، ص 105، ح 370.

2- طبّ الأئمّه، ص 87.

3- یک ششم مثقال است که چهار نخود می شود.

4- «کُندُس» گیاهی است دارای برگ های بیضی شکل دندانه دار و بیخ آن دارای مادّه سمّی است (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمّه، ص 65.

6- طبّ الأئمّه، ص 64.

7- طبّ الأئمّه، ص 65.

معالجه انواع بیماری های سر

درمان سردرد

1. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، این آیه را بر ظرفی از آب بخواند و بخورد: (أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ)». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، دست را بر سر بمالد و هفت مرتبه بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «برای برطرف شدن سردرد، دست را بالای سر بگذارد و بگوید: (لَوْ كَانَ مَعَهُ آلهةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (3) ، وَإِذَا

قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا)». (4)

4. در حدیث است که کسی از سردرد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو و پیش از آنکه وارد آب شوی، هفت ظرف آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو». (5)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای برطرف شدن درد تمام سر و نصف آن، این دعا را بنویسد و بر قسمتی که درد می کند بیاویزد: اَللّهُمَّ اَنْتَ

1- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه 30) طبّ الأئمّه، ص 19.

2- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان ها و زمین است برای او آرام می گیرد و او شنوا و داناست». طبّ الأئمّه، ص 18.

3- ترجمه: «اگر آن چنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند». سوره اسراء، آیه 42.

4- ترجمه: «وهنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید! منافقانرا می بینی که از (قبول دعوت) تو، اعراض می کنند». سوره نساء، آیه 61.

5- طبّ الأئمّه، ص 71.

ص: 457

لَسْتُ بِإِلَهِ اسْتَحْدِثْنَاهُ وَلَا بِرَبِّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعَكَ شُرَكَاءٌ يَقْضُونَ مَعَكَ وَمَا كَانَ قَبْلَكَ إِلَهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَنَدْعُكَ وَلَا أَعَانِكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ فَنَشْكُ فَيْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، عَافِ فُلَانَ بَنَ فُلَانِهِ وَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ». (1)

6. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سردرد داشته، یا بیماری حبس البول (پروستات) داشته باشد، دست خود را بر جای

درد بگذارد و بگوید: اُسْكُنْ، سَكَنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (2)

7. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله سردرد یا غیر آن عارض می شد، دست ها را بلند می کرد (همانند حالت قنوت) و سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) می خواند، سپس دست ها را به صورت می کشید». (3)

درمان درد شقیقه و گوش

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حبیب سیستانی از درد شقیقه به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه

1- ترجمه: «بار خدایا، تو خدایی نیستی که تازه او را پیدا کرده باشیم و پروردگاری نیستی که یادش کهنه شده باشد و با تو همتیانی نیستند که همراه تو حکم کنند و پیش از تو خدایی نبوده که او را بخوانیم و به او پناه ببریم و به سویش زاری کنیم و تو را واگذاریم و بر خلقت ما کسی تو را کمک نکرده تا درباره تو به تردید افتیم. معبودی جز تو نیست. تو یکتایی و همتایی برای تو نیست. فلانی فرزند فلانی را عافیت بخش و بر محمد و خاندانش درود فرست». مکارم الأخلاق، ص 404.

2- ترجمه: «آرام گیر، آرام ساختم تو را به یاری آن که آنچه در شب و روز است برای او آرام گیرد و او شنوا و داناست». مکارم الأخلاق، ص 373.

3- بحار الأنوار، ج 10، ص 368، ح 9 به نقل از امام رضا علیه السلام.

ص: 458

چنین دعا کن، إن شاء الله برطرف می شود: یا ظاهراً موجوداً و یا باطناً غیر مفقود، اَرُدُّ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ اَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَاذْهَبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذَى، اِنَّكَ رَحِيمٌ وَّ دُوْدٌ». (1)

2. نیز در روایتی فرمود: «برای درمان درد گوش، دست را بر گوش بمالد و هفت مرتبه بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (2)

درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع

1. در روایتی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که دچار اختلال مغزی شده بود سفارش کرد که هر شب این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي، أَعُوذُ بِعِزِّهِ اللَّهُ وَجَلَالِهِ، مِمَّا أَجِدُّ وَأَحْذَرُ». (3)

2. روایت شده است امام رضا علیه السلام شخصی را دید که مبتلا به صرع بود. ظرفی آب طلبید و سوره حمد و ناس و فلق را بر آن خواند و بر سر و روی او پاشید، آن شخص به هوش آمد. (4)

1- ترجمه: «ای پدیدارِ موجود وای پنهان غیر مفقود، نعمت های نیک که در نزد تو است را به این بنده ناتوان خود که آن نعمت ها را داشت برگردان و آنچه از ناراحتی هایی را که دامنگیر او شده از او ببر، زیرا تو بسیار مهربانی». طبّ الأئمه، ص 20؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 52، ح 9.

2- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان ها و زمین است برای او آرام گیرد و او شنوا و داناست». طبّ الأئمه، ص 18.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). ایمان به خدا آوردم و به طاعت کافر شدم. خدایا، در خواب و بیداریم مرا حفظ فرما. پناه می برم به عزت و جلال خداوند از آنچه می یابم و از آن در هراسم». طبّ الأئمه، ص 107.

4- طبّ الأئمه، ص 111؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 149.

درمان بیماری های چشم و گوش و دندان

معالجه چشم درد

معالجه با آیات قرآن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه چشم کسی آزرده باشد و با اعتقاد صحیح آیه الکرسی بخواند، شفا می یابد». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «شفای چشم در خواندن سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و آیه الکرسی و کشیدن سرمه قُسط (2) و مرو (3) و کندر است». (4)

معالجه با دعا

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: «دوست داری دعایی به تو بیاموزم که برای دنیا و آخرت تو سودمند باشد و درد چشم از تو زایل کند؟» عرض کرد: آری. فرمود: «این دعا را همواره پس از نماز صبح و شام بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.» (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 374.

2- «قُسط» بیخ گیاهی است بی ساقه که روی زمین می خوابد و دارای برگ های پهن است و به فارسی آن راکوشنه می گویند (فرهنگ عمید).

3- «مرو» نوعی ماهی بزرگ است که در دریا‌های شمالی، مخصوصاً بین ارض جدید و ایسلند زندگی می کند. آن را در تابستان شکار می کنند و گوشتش را تازه یا نمک سود به مصرف می رسانند. از کبد آن روغنمی گیرند که معروف به روغن ماهی است و در طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 503، ح 38.

5- ترجمه: «بار خدایا، به حقی که تو به محمد و خاندان محمد داده ای، بر محمد و خاندانش درود فرست و در دیده ام نور و در دینم بینایی و بصیرت و در قلبم یقین و در علمم اخلاص و در وجودم سلامتی و در روزی اموسعت و گشایش قرار ده و تا زمانی که زنده ام توفیق شکرگزاریم ده». مکارم الأخلاق، ص 393.

ص: 460

2. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را برای درد چشم تجویز فرمود: «اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَأَجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي». (1)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و چشم آن حضرت بیماری مهمی داشت. روز دیگر به محضرش شرفیاب شد، هیچ اثری از آن بیماری ندید. علت را پرسید؟ حضرت فرمود: «این دعا را خواندم: اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِحُكْمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِذِكْرِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، مَا أَجِدُ فِي عَيْنِي وَمَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ. اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ، أَذْهِبْ ذَلِكَ عَنِّي، بِحَوْلِكَ وَقُدْرَتِكَ». (2)

درمان ضعف چشم و شب کوری

1. ابن شهر آشوب می گوید: مردی نابینا شنید که امیرالمؤمنین علیه السلام چنین دعا می کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُلتَمِّمَةِ إِلَى أَعْضَائِهَا

وَبِأَنْشِقَاقِ الْقُبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ فِيهِمْ وَأَخَذِكَ بِالْحَقِّ بَيْنَهُمْ، إِذَا بَرَزَ الْخَلْقُ يُنظَرُونَ قَضَاءَكَ وَيَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَيَخَافُونَ بِطُشْكِكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ يَوْمَ

1- ترجمه: «بار خدایا، از گوش و چشمم مرا بهره مند ساز و آنها را وارث من قرار ده و بر کسی که به من ستمکرده یاری ام کن و انتقامم را از وی بگیر و به من نشان ده». طب الأئمه، ص 83.

2- ترجمه: «در مورد بیماری چشمم و آنچه از آن بیم و خوف و وحشت دارم، به عزت و قدرت و عظمت و جلال و جمال و کرم و بهاء و غفران و حکم و ذکر خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان رسول خدا پناهمی برم. پروردگارا، ای خدای پاکان، به حول و قوتت این ناراحتی را از من زایل کن». مکارم الأخلاق، ص 405.

ص: 461

لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَيَوْمَ لَا يُعْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا. وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، أَسْأَلُكَ يَا رَحْمَنُ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (1) به خانه رفت، وضو ساخت و نماز گزارد، سپس این دعا را خواند.

هنگامی که به جمله «أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي» رسید، دیده اش بینا شد. (2)

2. روایت شده است کسی از ضعف نور چشم که به شب کوری انجامیده بود، به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آیه (اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (3) را تا آخر در ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را با آب بشوی و آن آب

را در شیشه ای نگهداری کن و با میل به چشم خود بکش». آن شخص می گوید: کمتر از سه میل کشیدم، بینایی ام برگشت. (4)

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دمبلان (شلغم) از گیاه بهشت و آویشن برای درد چشم سودمند است». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم ای پروردگار جهان فانی و پروردگار جسدهای فرسوده، از تو می خواهم به اطاعت روح ها در بازگشت به جسدهایشان و به طاعت جسدهای به هم پیوند خورده و شکافته شدن قبرها از اهل آن و به دعوت راستین تو در مورد آنان و گرفتن تو آنان را به حق آن هنگام که خلائق از قبور خارج می شوند و منتظر حکم تو هستند و حاکمیت تو را می بینند و از مجازات تو می ترسند و به رحمت تو امیدوارند. روزی که مال و فرزندان سودی نمی رسانند و روزی که هیچ کس دیگری را بی نیاز نمی کند و آنانیاری نمی شوند، مگر آن کس که خداوند به او رحم کند. او عزیز و رحیم است. ای رحمان، از تو می خواهم که در دیده ام نور و در قلبم یقین قرار دهی و تا زنده ام ذکر و یادت را شب و روز بر زبانم جاری سازی، زیرا تو بر هر چیزی توانایی.»

2- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 287.

3- سوره نور، آیه 35.

4- مکارم الأخلاق، ص 375.

5- کافی، ج 6، ص 370؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 145.

ص: 462

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن، آب ریزش چشم را درمان می کند و چشم را جلا می دهد». (1)

3. در روایتی صحیح می خوانیم که شخصی از درد چشمش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دارویی از جدوار (2) و کافور بساز و از هر کدام به

مقدار مساوی استفاده کن». (3)

4. نیز در حدیثی فرمود: این دارو ضعف چشم و خیالات را برطرف می کند. (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «دهنه فرنک (5) برای زایل کردن سفیدی که روی

چشم ظاهر می شود مفید است». (6)

6. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «صبر (7) سقوطری (8) و کافور رباحی (9) (از هر کدام به مقدار مساوی) بسایند، سپس آن را از پارچه ابریشم بیرون کنند و هر ماه یک مرتبه در چشم بکشند؛ این کار دردهای چشم و سر را می کشد». (10)

1- کافی، ج 6، ص 496، ح 7.

2- «جدوار» ریشه گیاهی است که در کوه های تبت و هند می روید و در بعضی نواحی خراسان هم یافت می شود. طعمش تلخ و در طب قدیم برای از بین بردن سم به کار می رفته است (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 8، ص 383، ح 80.

4- کافی، ج 8، ص 383، ح 81.

5- «فرنک» قطره های سفیدی است که از کوهی در نزدیکی طنجه یا طبنه آفریقا می ریزد و برای سفیدی چشم خوب است و معروف به دهنه فرهنگ است. (ر.ک : کافی، ج 8، ص 383، ح 582).

6- کافی، ج 8، ص 383، ح 582.

7- «صبر» شیره یا صمغ گیاهی است به رنگ زرد، طعمش تلخ و در فارسی به آن صبر زرد می گویند. الوا همگفته اند. گیاه آن از نوع زنبق و دارای برگ هایی پهن و تیغ دار است و در وسط آن ساقه بلندی می روید و گل هایش در سر ساقه قرار دارد (فرهنگ عمید).

8- «سقوطری» یا «اسقطری» جزیره ای است در دریای هند که در سمت راست شهر جایی از شهرهای زنج قرارداد (کافی، ج 8، ص 386، پاورقی حدیث 83).

9- «رَبَّاح» سود، فایده ونیز به معنای خمر، می ونام شهری است که از آنجا کافور خوب می آورده اند «کافوررباحی» (فرهنگ عمید).

10- کافی، ج 8، ص 383، ح 583.

ص: 463

7. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید واز سفیدی که در چشمش ظاهر شده بود ودرد دندان ومفاصل شکایت کرد. حضرت فرمود: «دو درهم فلفل ودو درهم دار فلفل ویک درهم نشادر پاکیزه صاف تهیه کن وهر سه را خوب بسای واز پارچه ابریشم بیرون کن ودر هر چشمی سه میل بکش وساعتی صبر کن. این کار سفیدی روی چشم را قطع، گوشت چشم را پاک ودرد را ساکن می کند. سپس چشم را با آب سرد بشوی وبعد از آن سرمه سنگ بکش». (1)

8. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به سلمان وابوذر فرمود: «هنگامی که چشمتان درد می کند، بر پهلوی چپ نخوابید وخرما نخورید». (2)

9. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن ماهی برای درد چشم زیان دارد». (3) و دست بر چشم مالیدن بعد از شستن دست در پایان غذا،

انسان را از درد چشم حفظ می کند. (4) همان گونه که گرفتن ناخن وشارب در

پنجشنبه وجمعه چنین خاصیتی دارد. (5)

10. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد دید صورت مردم آن شهر زرد وچشمانشان کبود است. آنان از بیماری به آن حضرت بسیار شکایت کردند. حضرت فرمود: شما گوشت را بدون آنکه بشویید می پزید ومی خورید، در حالی که هر حیوانی که ذبح می شود جنابتی همراه اوست. آنها به فرمایش حضرت عمل کردند وبیماریشان برطرف شد». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 87.

2- طبّ الأئمّه، ص 85.

3- طبّ الأئمّه، ص 84؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 8 و 9.

4- کشف الغمّه، ج 2، ص 699؛ بحار الأنوار، ج 62، ص 148، ح 19.

5- کافی، ج 6، ص 498، ح 14؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 311 و 312.

6- علل الشرایع، ج 2، ص 575، باب 377، ح 1.

ص: 464

معالجه گوش

درمان گوش درد با قرآن

1. در حدیثی می خوانیم که کسی از سنگینی گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر گوش خود بکش و این آیات را بخوان: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که این آیات را بخواند: (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (2) * يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (3) * يَا أَرْضُ أَبْلِعِي مَاءَكَ ... وَقِيلَ بَعْدَ لَلْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ (4) * وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

1- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدای شکافد. اینها مثال هایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشند. او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، او رحمان و رحیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نام های نیک است؛ آنچه در آسمان ها و زمین است تسبیح او می گویند و او عزیز و حکیم است». (سوره حشر، آیات 21 - 24) طَبَّ الْأُئْمَةِ، ص 23.

2- ترجمه: «ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛ و در آن باز می گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم». سوره طه، آیه 55.

3- ترجمه: «در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی کرده و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند) و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی». سوره طه، آیه 108.

4- ترجمه: «ای زمین، آبت را فرو بر... و گفته شد: «قوم ستمگر از رحمت خدا دور باد». سوره هود، آیه 44.

ص: 465

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (1) * وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. (2)

درمان گوش درد با داروی گیاهی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درد گوش هفت مرتبه آیه شریفه (كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أذْنَيْهِ وَقَرَأَ (3) * إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ

كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (4) را بر روغن یاسمن یا روغن بنفشه بخواند، سپس آن را در

گوشش بچکانند». (5)

2. در روایت دیگری در مورد درد گوش آمده است: «یک کف کنجد پوست نکنده و یک کف خردل، هر کدام را جدا بکوبند سپس با یکدیگر مخلوط کرده، روغن آن را بگیرند و روغن را در شیشه کرده، در شیشه را با سرپوشی آهنی ببندند و هرگاه که بخواهند دو قطره از آن را در گوش چکانند و پنبه ای در گوش بگذارند و این کار را سه روز ادامه دهند تا بهبود یابد».

(6)

3. در روایتی دیگر می خوانیم: «سداب را با روغن زیتون بیزند و چند قطره در گوش بچکانند». (7)

1- سوره طلاق، آیه 2 و 3، ترجمه: «وهر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است».

2- ترجمه: «و در پیش روی آنها سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی و چشمانشان را پوشانده ایم و لذانمی بینند».

مکارم الأخلاق، ص 377، ح 9.

3- ترجمه: «گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش هایش سنگین است». سوره لقمان، آیه 7.

4- ترجمه: «گوش و چشم و دل، همه مسؤولند». سوره اسراء، آیه 36.

5- مکارم الأخلاق، ص 375.

6- طبّ الأئمّه، ص 22.

7- طبّ الأئمّه، ص 73.

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سداب برای درد گوش سودمند است». (1)

معالجه دندان

اشاره

1. در حدیث است که ابوبصیر از درد دندان به حضرت باقر علیه السلام شکایت کرد و گفت: شب ها بر اثر این درد خواب ندارم. حضرت فرمود: «هرگاه اثر درد ظاهر شد دست را بر موضع درد بگذار و سوره حمد و توحید بخوان، سپس این آیه را قرائت کن: (وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا لَهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ)». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را که در روایت بالا ذکر شد به همراه سوره (أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) بخوان». (3)

3. در روایتی (4) دیگر این دستور برای درمان درد دندان سفارش شده است :

«سوره حمد و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را بخواند، سپس بگوید: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (5) ، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ * وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (6) ، نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

2- ترجمه: «کوه ها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکت اند؛ این صنوع آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده ؛ به یقین او از کارهایی که شما انجام می دهید آگاهاست». (سوره نمل، آیه 88) طبّ الأئمّه، ص 24.

3- طبّ الأئمّه، ص 24.

4- طبّ الأئمّه، ص 25.

5- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. برای اوست آنچه در شب و روز قرار داد؛ او شنوا و داناست». سوره انعام، آیه 13.

6- ترجمه: «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم». سوره انبیاء، آیات 68 و 69.

ص: 467

الْعَالَمِينَ) (1) اللَّهُمَّ يَا كَافِيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِيَّ مِنْكَ شَيْءٌ، اكْفِ عَبْدَكَ وَأَبْنَ أُمَّتِكَ،

مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ». (2)

درمانی دیگر

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد دندان، دست را بر محلّ سجده بکش، سپس آن را بر موضع درد بمال و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (3)

2. در روایت است که کسی از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر دهان بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ، قُدُّوساً قُدُّوساً قُدُّوساً، بِاسْمِكَ يَا رَبِّ الظَّاهِرِ الْمُبَارَكِ، الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أُعْطِيَتْهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أُجِبْتَهُ، أَسْئَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي رَأْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي ظَهْرِي وَفِي يَدِي وَفِي رِجْلِي وَفِي جَمِيعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا». (4)

1- ترجمه: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است. [= فرشتگان و موسی] و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است». سوره نمل، آیه 8.

2- ترجمه: «بار خدایا، ای که از هر چیزی بی نیازی و هیچ چیز از تو بی نیاز نیست. از بنده ات و فرزند کنیز خود شر آنچه را که می هراسد و شرّ دردی را که به تو شکایت می کند بازدار».

3- ترجمه: «به نام خدای شفادهنده، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست». طبّ الأئمه، ص 24.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدایی که با نام او هیچ بیماری ضرر نمی رساند، پناه می برم به کلمات خداوند که با وجود آنها هیچ چیز ضرر نمی رساند و خدایا! تو پاک هستی، پاک هستی، پاک هستی. ای پروردگار، به نام ظاهر و مقدّس و مبارکت که هر کس به آن تو را بخواند به او عطا می کنی و هر کس دعا کنده را اجابت می کنی. از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله که بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از دردهایی که در دهانم و سرم و گوشم و دیده ام و شکمم و پشتم و دستم و پایم و همه اعضا و جوارح بدنم می یابم، عافیت بخشی». طبّ الأئمه، ص 23.

ص: 468

درمان دندان درد با دارو

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان دندان درد، سعد (نوعی گیاه معطر) را بر روی آن بگذارید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سرکه ای که از شراب ساخته شده، بن دندان را محکم می کند». (2)

3. در حدیث است که حمزه بن الطیار در حالی که از درد آه می کشید خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «تو را چه می شود؟» عرض کرد: دندانم درد می کند. فرمود: «حجامت کن، درمان می شوی». حجامت کرد و شفا یافت. سپس حضرت فرمود: «هیچ دارویی به حجامت کردن و خوردن عسل نمی رسد». (3)

معالجه برخی از بیماری های پوستی

درمان پیسی

درمان پیسی (4)

1. در حدیث است که یونس بن عمار از پیسی که در بدنش ظاهر شده بود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هنگامی که یک سوم آخر شب فرا می رسد وضو بگیر و مشغول نماز شب شو و این دعا را در آخرین سجده نماز بخوان: یا عَلِيُّ یا عَظِيمُ، یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ، یا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ، یا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ (ونام آن بیماری را ببر) فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَأَحْزَنَنِي (5) ودر تضرع و دعا اصرار کن». یونس بن

1- کافی، ج 6، ص 379، ح 6.

2- طبّ الأئمّه، ص 24.

3- کافی، ج 8، ص 168، ح 231.

4- «پیسی» (برص)، مرضی است که بر اثر آن لکه های سفید روی پوست بدن ظاهر می شود (فرهنگ عمید).

5- ترجمه: «ای خداوند بلند مرتبه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنونده خواسته ها، ای دهنده نیکی ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت مطابقت کرمت به من عطا کن و شر دنیا و آخرت را مطابق کرمت از من دور کن و این درد را از من برطرف فرما، زیرا مرا به رنج انداخته و محزونم ساخته است».

عمّار گوید: به سفارش امام عمل کردم، قبل از آنکه به کوفه برسم پیسی از من برطرف شد. (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که اسحاق بن اسماعیل و دیگران نیز از این بیماری به امام صادق علیه السلام شکایت کردند. حضرت فرمود: «وضو بگیرید و دو رکعت نماز بگزارید و حمد و ثنای الهی کنید و بر محمد و اهل بیت او صلوات بفرستید، سپس این دعا را بخوانید: یا الله یا الله یا الله، یا رحمن یا رحمن یا رحمن، یا رحیم یا رحیم یا رحیم، یا واحد یا واحد یا واحد، یا احد یا احد یا احد، یا صمد یا صمد یا صمد، یا ارحم الراحمین، یا اقدر القادرین، یا اقدر القادرین، یا رب العالمین، یا رب العالمین، یا سامع الدعوات، یا منزل البرکات، یا معطي الخیرات، صل علی محمد و آل محمد و اعطنی خیر الدنیا و الآخره و اصرف عنی شر الدنیا و الآخره و اذهب ما بی، فقد غاظنی الامر و احزننی». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «سوره یاسین را با عسل بر ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب حاصل از آن را بنوش تا پیسی برطرف شود». (3)

1- عدّه الدّاعی، ص 257؛ بحار الأنوار، ج 67، ص 223، ح 30.

2- ترجمه: «ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای رحمان، ای رحمان، ای رحمان، ای رحیم، ای رحیم، ای رحیم، ای یکتا، ای یکتا، ای احد، ای احد، ای احد، ای صمد، ای صمد، ای صمد، ای مهربان ترین مهربانان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای پروردگار دوجهان، ای پروردگار دو جهان، ای پروردگار دو جهان، ای شنونده دعاها، ای نازل کننده برکات، ای عطاکننده نیکی ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن و شرّ دنیا و آخرت را از مندور کن و بیماریم را شفا بخش که این بیماری مرا به رنج انداخته و محزونم کرده است». مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 234؛ بحار الأنوار، ج 67، ص 223، ح 30.

3- مکارم الأخلاق، ص 384.

ص: 470

4. در حدیثی دیگر فرمود: «سوره انعام را با عسل در ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب آن را بنوش». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن چغندری که با گوشت گاو پخته شده باشد، پیسی را برطرف می کند». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای پیسی سودمندتر از تربت امام حسین علیه السلام نیست، (مقدار کمی) از آن ربا آب باران بخور و بر محل بیماری بمال». (3)

درمان خوره (جذام)

1. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «آیات زیر را برای درمان خوره و پیسی بر ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را بشوی و آب آن را بخور و این آیات را همراه خود داشته باش: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (4). اَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي

أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرَبَاعَ) (5) بِاسْمِ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ. و به جای فلان بن فلان، نام بیمار و پدرش برده شود». (6)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت گاو، خوره و پیسی را برطرف می سازد». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 384.

2- محاسن، ص 519، ح 724؛ مکارم الأخلاق، ص 384.

3- مکارم الأخلاق، ص 384.

4- ترجمه: «خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد ثابت نگاه می دارد؛ و «امّ الكتاب» = لوح محفوظ [نزد اوست]. سوره رعد، آیه 39.

5- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوند است، آفریننده آسمان ها و زمین که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه». سوره فاطر، آیه 1.

6- مکارم الأخلاق، فی الإستشفاء بالقرآن، ص 443.

7- بحار الأنوار، ج 62، ص 212، ح 5.

ص: 471

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی بینی از مبتلا شدن به خوره جلوگیری می کند». (1)

4. نیز در حدیثی فرمود: «تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خوره را برطرف می سازد». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب در هر روز جمعه، باعث حفظ از بیماری خوره می شود». (3)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمینه ابتلای به بیماری خوره در همه وجود دارد و خوردن شلغم، زمینه آن را از بین می برد». (4)

درمان بهق

درمان بهق (5)

1. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «برای درمان بیماری بهق، این آیات را بر موضع بیماری بنویسد: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ. (6) هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ)». (7)

2. در حدیث است که کسی از پیسی و بهق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو، حنا و نوره را با هم مخلوط کن و بر محل آن بمال، اثری از آن نخواهد ماند». (8)

1- بحار الأنوار، ج 62، ص 212، ح 8.

2- بحار الأنوار، ج 62، ص 212، ح 9.

3- بحار الأنوار، ج 62، ص 213، ح 10.

4- بحار الأنوار، ج 62، ص 213، ح 11.

5- «بَهْک» لکه سفیدی که بر اثر علّتی غیر از بیماری برص روی پوست پیدا می شود. در عربی به آن بهقمی گویند (فرهنگ عمید).

6- ترجمه: «وخزاین همه چیز، تنها نزد ماست ؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی کنیم». سوره حجر، آیه 21.

7- ترجمه: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟! - یا سود وزیانی به شما می رسانند؟!» (سوره شعرا، آیات 72 و 73) مکارم الأخلاق، ص 384.

8- طبّ الأئمّه، ص 71.

ص: 472

درمان زگیل

درمان زگیل (1)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر زگیل بمال و این دعا را سه نوبت بخوان: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، اَللّٰهُمَّ امْحُ عَنِّي

ما أجدُّ». (2)

درمان دمل و طاعون

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای دانه ها و دمل های ریزی که در بدن ظاهر می شود، در ابتدای ظهورش انگشت شهادت را بر دور آنها بگرداند و هفت مرتبه ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ» بگوید و در مرتبه هفتم انگشت را با (کمی) فشار بر روی آن بگذارد». (3)
2. در روایتی دیگر فرمود: «بیشتر دمل ها و دانه های ریز از خون فاسدی است که در وقت طغیان آن را از بدن بیرون نمی کنند؛ بنابراین، هر که این مشکل در بدنش پدید آید هنگامی که به رختخواب می رود این دعا را بخواند: أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ (4) تا از این دردها و سایر دردها عافیت یابد». (5)
- 1- «آزخ» دانه کوچک سفت و سخت که روی پوست بدن پیدا می شود اما درد ندارد. ازخ، آژخ، زگیل، وردانوبالو هم گفته می شود (فرهنگ عمید).
- 2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. بار خدایا، مشکلی را که در بدن من هست از من محو کن». طبّ الأئمّه، ص 60.
- 3- طبّ الأئمّه، ص 38.
- 4- ترجمه: «از شرّ هر صاحب شرّی، به خداوند بزرگ و کلمات تامّه او که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن عبور نمی کند، پناه می برم».
- 5- طبّ الأئمّه، ص 108.

3. در حدیثی دیگر فرمود: «برای کری و دمل و قوبا (1) ، این آیات را بنویسد و با

خود نگاه دارد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) (2) ،
(مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً

أُخْرَى) (3) اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ لَا تَكْبُرُ وَاللَّهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (4)

4. در حدیث است که کسی به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ماده طاعون در بدن من ظاهر شده (وعلامت های آن آشکار گشته، چه کنم؟) حضرت فرمود: «سیب بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت. (5)

درمان خنازیر

درمان خنازیر (6) وورم

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در خانه ما در گردن دختری خنازیر ظاهر شد. کسی در خواب به من گفت: دعای «یا رَوْوْفُ یا رَحِيمُ یا رَبِّ یا سَيِّدِي» را مکرر بخواند». (7)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برای درمان هر ورمی که در بدن پدید آید و می ترسی به حالتی بد منتهی شود، در زمانی که برای نماز واجب وضو داری

1- «قوبا» نوعی بیماری پوستی است.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. و کلمه خبیثه (وسخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثبات ندارد». سوره ابراهیم، آیه 26.

3- ترجمه: «ما شما را از زمین آفریدیم ؛ و به آن بازمی گردانیم و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرونمی آوریم». سوره طه، آیه 55.

4- ترجمه: «خداوند بزرگ تر از آن است که وصف شود و تو (ای درد) بزرگ نیستی، خداوند باقی می ماند و تو (ای درد) باقی نمی مانی و خداوند توانا بر هر چیزی است». مکارم الأخلاق، ص 384.

5- محاسن، ص 552، ح 895.

6- «خنزیر» به معنای غده های سختی است که در گردن وزیر گلو پیدا می شود و گاه تبدیل به زخم و جراحی می گردد و از آنها چرک می آید (فرهنگ عمید).

7- دعوات راوندی، ص 197، ح 541؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 100، ح 3.

ص: 474

قبل از نماز برای شفای آن ورم این سوره را از آیه: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ) (1)، (تا آخر) بخوان. اگر چنین کنی آن ورم به

زودی آرام گیرد». (2)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر ورمی، آیات آخر سوره حشر را از: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ)، تا پایان سوره سه مرتبه بخوان». (3)

درمان غده

در حدیث است که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: در بدنم غده ای ظاهر شده (چه کنم؟) حضرت فرمود: «سه روز روزه بگیر و روز چهارم به هنگام ظهر غسل کن و به صحرا یا پشت بام ساختمان بلندی برو و چهار رکعت نماز با هر سوره ای که بخواهی بگزار و در حد امکان در گریه و تضرع و حضور قلب تلاش کن و هنگامی که از نماز فارغ شدی لباس از تن درآور و لباس کهنه پاکیزه ای به مانند لنگ بر خود ببند و بر خاک سجده کن و پهلوی راست خود را بر خاک بگذار و با خشوع و گریه این دعا را بخوان: یا واحد یا احد، یا کریم یا جبار، یا قریب یا مجیب، یا ارحم الراحمین، صلّ علی محمد و آل محمد و اکتف ما بی من مرضی و البسني العافیة الکافیة الشافیة، فی الدنیا و الآخرة و امنن علیّ بتمام النعمه و اذهب ما بی، فقد اذانی و غمّنی». (4) سپس فرمود: «هنگامی عمل به

1- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدای شکافد». سوره حشر، آیه 21.

2- طبّ الأئمه، ص 110؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 100.

3- طبّ الأئمه، ص 48 (با ترجمه).

4- ترجمه: «ای خداوند یگانه، ای یکتا، ای کریم، ای جبار، ای نزدیک، ای اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان، بر محمد و آل محمد درود فرست و بیماری مرا شفا ده و لباس عافیت کامل و شفا در دنیا و آخرت بر من بپوشان و با تمام و کامل کردن نعمتت بر من منت بگذار و آنچه را که از بیماری ها در وجود من استزایل فرما که مرا آزار داده و غمگین ساخته است».

ص: 475

این دستور سودمند خواهد بود که یقین به تأثیرش داشته باشی». آن شخص عمل کرد و به زودی شفا گرفت. (1)

معالجه بیماری های داخلی

درمان بیماری های شکم

معالجه درد شکم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و گفت: برادرم را درد شکم آزار می دهد، چه کند؟ حضرت

فرمود: «به او بگو: اندکی عسل با آب گرم بخورد». روز دیگر آمد و عرض کرد: خورد ولی برطرف نشد. فرمود: «برو باز هم به او عسل بده تا بخورد و سوره حمد را نیز هفت مرتبه نزد او بخوان». چون آن شخص رفت، حضرت فرمود: «برادرش منافق است، بدین علت خوردن عسل سودی برای او ندارد». (2)

2. در حدیث است که کسی از درد شکم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب بخور و این دعا را بخوان: یا الله یا الله یا الله، یا رحمن یا رحیم، یا ربّ الأرباب، یا اله الألهه، یا ملک الملوک، یا سید السادات، اشفنی بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ، أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ». (3)

معالجه ناراحتی شکم

1. در حدیث است که کسی از پیچش شکم به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آبی به دست بگیر و این آیه را سه مرتبه بر آن بخوان: (یُرِيدُ اللهُ

1- طبّ الأئمّه، ص 109؛ بحار الأنوار، ج 91، ص 377، ح 36.

2- طبّ الأئمّه، ص 28.

3- طبّ الأئمّه، ص 28. ترجمه مشابه دعای مذکور قبلا گذشت.

بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ) (1) ، سپس بگو: (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ). (2) سپس آب را بنوش و با دو دست بر شکم بمال». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «این آیات را بر روغن بخواند، (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ * وَحَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرِ) (4) ، ف «فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ» (5)

بِاسْمِ فَلانِ بْنِ فَلانِ، (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ). (6)

3. در حدیث است که کسی از درد پیچش شکم به امام رضا علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «گردویی بر روی آتش بگذار، هنگامی که مغزش بریان شد، از پوست جدا کن و بخور». (7)

درمان درد سینه

1. در حدیث است که شخصی از درد سینه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

1- ترجمه: «خداوند راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را». سوره بقره، آیه 185.

2- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟!» سوره نساء، آیه 30.

3- مکارم الأخلاق، ص 383، با اختلاف و اضافات.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پس درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم! وزمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند. و او را بر مرکبی از الواحومیخ هایی ساخته شده سوار کردیم». سوره قمر، آیات 11 - 13.

5- ترجمه: «درهای همه چیز (از نعمت ها) را به روی آنها گشودیم.» سوره انعام، آیه 44.

6- سوره انبیاء، آیه 30؛ ترجمه آیه شریفه گذشت. مکارم الأخلاق، ص 382.

7- طبّ الأئمه، ص 101.

ص: 477

حضرت فرمود: «از قرآن طلب شفا کن، زیرا خداوند فرماید: (شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ)». (1)

2. نیز کسی از درد ناف شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو: (وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ)». (2)

درمان درد طحال

1. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد طحال این آیات را با زعفران بنویسد، سپس با آب زمزم بشوید و بخورد: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا * وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا)». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از درد طحال به آن حضرت شکایت کرد و گفت: تمام روش های معالجه آن را به

1- ترجمه: «درمانی برای آنچه در سینه هاست ؛ (درمانی برای دل های شماست)». (سوره یونس، آیه 57) مکارم الأخلاق، ص 378.

2- ترجمه: «واین کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغان نمی آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است». (سوره فصلت، آیات 41 و 42) طبّ الأئمه، ص 28.

3- ترجمه: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را هر کدام را که بخوانید، (ذات پاکش یکی است ؛ و) برای او بهترین نام هاست. و نماز را زیاد بلند، یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن. و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات 110 و 111) طبّ الأئمه، ص 29 و 30.

ص: 478

کار بستم اما روز به روز درد آن بیشتر شده، تا جایی که مرا در آستانه مرگ قرار داده است. چه کنم؟ حضرت فرمود: مقداری تره خریداری کن و آن را با روغن حیوانی سرخ کن و تا سه روز از آن بخور، این شاء الله این کار باعث بهبودی

تو می شود». (1)

3. مرحوم کلینی با سند معتبر روایت کرده است که به امام کاظم علیه السلام خبر دادند یکی از خادمان شما درد طحال دارد. حضرت فرمود: «سه روز به او تره بخورانید. غلام به دستور حضرت عمل کرد و درمان شد». (2)

درمان زخم جگر و بیماری های معده

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت حزقیل به زخم جگر مبتلا شد. دعا کرد که عافیت یابد. وحی آمد: شیره انجیر را بگیر و بر سینه ات بمال. این کار را کرد و خوب شد». (3)
 2. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «حُزَاء (4) را با آب سرد بخور». (5)
 3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خرمای ناشتا خوردن، کرم معده را می کشد». (6)
- 1- بحارالأنوار، ج 62، ص 171، ح 9.
 - 2- کافی، ج 6، ص 365، ح 1.
 - 3- محاسن، ص 553، ح 902.
 - 4- «حُزَاء» گیاهی است شبیه کرفس که بویی تلخ دارد و آن را به فارسی دینارویه گویند. از رستن های دارویی است و آن دو نوع است: صحرایی و باغی، صحرایی را سداب بری و تخم آن را به شیرازی برگ کازرونی خوانند و باغی آن را به شیرازی آهو دوستک نامند (معارف و معاریف، ج 2، ص 912).
 - 5- کافی، ج 8، ص 165، ح 220.
 - 6- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 48، ح 185.
- ص: 479
4. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سرکه ای که از شراب ساخته شده استفاده کنید که کرم های معده را می کشد». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب هفت دانه خرماى عجوه (2) بخورد کرم های معده اش از بین می رود». (3)

درمان اسهال

1. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای درمان اسهال مقداری برنج شسته، در سایه بخشکانند سپس آن را بر روی آتش تافته، نرم بکوبند و هر روز صبح به اندازه یک کف (تقریباً دو قاشق غذاخوری) دست بخورند». (4)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برای معالجه اسهال مقداری برنج در دیگ کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج قطعه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود، سپس پیه قلوه تازه را بگیر و با آن سنگ ها در میان کاسه ای بینداز و کاسه ای دیگر بر سرش بگذار تا بخارش خارج نشود و آن کاسه را تکان بده تا آن پیه آب شود، سپس برنج که پخته شد آن روغن را بر روی آن بریز و بخور». (5)

درمان قولنج

1. در چندین روایت آمده است که برای درمان قولنج و درد شکم، سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را با مشک

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 127.

2- از بهترین خرماهای مدینه است که در احادیث فواید بسیاری برای آن بیان شده است.

3- محاسن، ص 533، ح 791؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 20.

4- محاسن، ص 503، ح 632.

5- محاسن، ص 503، ح 633.

ص: 480

وزعفران بر ظرفی بنویس، سپس این دعا را نیز به آن اضافه کن: اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَيَقْدِرَتِهَا الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا أَحْدَرُ مِنْهُ (1) ، سپس آن را بشوی و آب آن را به هنگام خواب یا ناشتا بنوش. (2)

2. در روایتی دیگر می خوانیم که دستورالعمل مزبور برای فلج و درمان تمام بادها سودمند است. (3)

درمان درد باسن

1. در حدیث است که کسی از درد باسن به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز بر موضع سجده دست بکش، سپس دست خود را بر محلّ درد بکش و این آیات را بخوان: (أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ * فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ * وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ * وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ)». (4) راوی گفت: به دستور مزبور عمل کردم به زودی درد

برطرف شد. (5)

1- ترجمه: «پناه می برم به ذات پاک خداوند بزرگ و به عزّتش که هیچ کس به آن نرسد و به قدرتش که چیز یاز آن سر نتابد، از شرّ این درد و شرّ آنچه در آن است و از شرّ آنچه از آن در هر اسبم.»

2- طبّ الأئمّه، ص 65؛ مکارم الأخلاق، ص 382.

3- مکارم الأخلاق، ص 383.

4- ترجمه: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟! پس بلندمرتبه است خداوندی که فرمانروای حق است، معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است. و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و به یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت، حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ به راستی کافران رستگار نخواهند شد. و بگو: «پروردگارا، مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترینرحم کنندگانی». سوره مؤمنون، آیات 115 - 118.

5- طبّ الأئمّه، ص 28 و 29.

ص: 481

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر آن موضع بمال و سه مرتبه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي (1) و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکش». (2)

3. در چندین روایت آمده است: خوردن ریزه هایی که از سفره می ریزد، درد باسن را برطرف می کند. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجذان رومی (4) بخورید که

درد باسن را زایل می کند». (5)

5. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بیماری هایی که دامنگیر انسان ها می شد، به حضرت عیسی علیه السلام می رسید؟ فرمود: «آری، ایشان در دوران کودکی به بیماری های بزرگسالان مبتلا می شد؛ درد باسن از دردهای بزرگان است که در کودکی گاه دامنگیر آن حضرت می شد. در این هنگام به مادرش می گفت: غسل و سیاهدانه و روغن زیتون را با یکدیگر مخلوط کن و برابیم بیاور. هنگامی که مادر آن را آماده می کرد و برای حضرت می آورد، از خوردن آن کراهت داشت. حضرت مریم علیها السلام می گفت: تو خود این دارو را طلبیدی، چرا از خوردن آن کراهت داری؟ می فرمود: به علم پیامبری آن را طلبیدم، اما به طبع کودکی و به سبب بدمزگی دارو از آن کراهت دارم. سپس آن را گرفته و تناول می کرد». (6)

- 1- ترجمه: «به نام وبه ذات (پاک) خداوند (شروع می کنم.)، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. خداوندا، درد باسن مرا محو و نابود کن».
 - 2- مکارم الأخلاق، ص 407.
 - 3- محاسن، ص 444، ح 324.
 - 4- «أنجدان» معرب انگدان، گیاهی است دارای ساقه های ستبر و میان تهی، برگ هایش سوراخدار و گل هایش چتری، مانند گل شبت و میوه آن سیاه و بدبو است (فرهنگ عمید).
 - 5- طبّ الأئمّه، ص 60.
 - 6- قصص الأنبياء راوندی، ص 270، ح 315.
- ص: 482

درمان درد پشت

1. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام در سفر بود، فرزندش اسماعیل از درد شکم و پشت شکایت کرد. حضرت وی را طلبید و فرمود: «بر پشت بخواب و این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِصُنْعِ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ، إِنَّهُ خَبِيرٌ

بِمَا تَعْمَلُونَ، أَسْكُنُ يَا رِيحُ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (1)

2. نیز کسی از درد پشت به امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر محلی که درد می کند بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان: (وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ) (2) سپس هفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ)

را تلاوت کن». (3)

درمان سرفه وسل ودردهای درونی

1. در حدیث است که کسی از سرفه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری از انجندان رومی با همان مقدار از نبات سفوف کن (4) ویک یا دو

روز بخور». شخص بیمار می گوید: یک روز خوردم برطرف شد. (5)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا وبه آفرینش خداوند که هر چیزی را استوار کرده، همانا او آگاهاست به آنچه که انجام می دهد. ای درد، آرام شو به قدرتی که آسمان ها وزمین در برابر آن آرام شده واو شنواوداناست». طبّ الأئمّه، ص 79.

2- ترجمه: «هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد، سرنوشتی است تعیین شده، (بنابراین، مرگ پیامبر یادیگران یک سنّت الهی است) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (ودر زندگی خود در این راه گام بردارد) چیزی از آن به او خواهیم داد وهر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم ؛ وبه زودی سپاسگزاران را پاداشخواهیم داد». سوره آل عمران، آیه 145.

3- طبّ الأئمّه، ص 30.

4- «سَفُوف» داروی خشک کوبیده، داروی نرمی که روی زبان بریزند وفرو ببرند (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 8، ص 167، ح 227.

ص:483

2. نیز کسی از بیماری سل به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «سنبله، قاقله، زعفران، عاقرقرا (1) ، بذر البنج، خربق و فلفل سفید از هر کدام به

مقدار مساوی بگیر و دو برابر هر یک از اجزاء فرقیون به آن اضافه کن و همه را ساییده از حریر بیرون کن و به مقدار یک نخود در سه شب با آب گرم بخور». بیمار به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت. (2)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلایی بخورید که دل را جلا می دهد و دردهای درونی را التیام می بخشد». (3)

معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر

اشاره

1. در روایتی می خوانیم که برنج و خرما نارس (خارک)، بواسیر را زایل می کند. (4)

2. در حدیث است که امام رضا علیه السلام این معجون را برای درمان بواسیر سفارش فرمود: «مقداری از هلیله سیاه و بلبله و آمله را به طور مساوی گرفته، آن را کوبیده و از پارچه حریر بیرون کند، سپس مقداری مُقْل ازرق (5) تهیه کرده، آن را سه شب در آبِ تره خیس کند، بعد این دو را با هم مخلوط و خمیر کنند. آن گاه دست را با روغن بنفشه چرب کرده، خمیر را به اندازه یک عدس از هم جدا و در

1- «عاقرقرا» عربی واکراکه هندی، گیاهی است شبیه بابونه، دارای برگ های ریز و شاخه های نازک، بیخ آن دراز و به کلفتی انگشت، طعمش تند و تیز، به فارسی کاکره هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

2- طبّ الأئمّه، ص 85.

3- محاسن، ص 553، ح 901.

4- محاسن، ص 503 و 504، ح 634.

5- «مُقل» صمغ درختی است که در سواحل دریای عمان و هندوستان می روید. طعمش تلخ است و یک نوع آن که رنگش مایل به سرخی است مقل ازرق نامیده می شود. و به نوع دیگر آن که زرد رنگ است مقل الیهودی می گویند (فرهنگ عمید).

ص: 484

سایه خشک کند. سپس در تابستان روزی یک و در زمستان روزی دو مثقال بخورد. و در آیامی که این دارو را مصرف می کند از خوردن ماهی، سرکه و سبزیجات پرهیزد». (1)

درمان بلغم

درمان بلغم (2)

1. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام زیاد شدن بلغم، قندران رومی (3) ، کندر، آویشن (4) ، زنیان و سیاهدانه، از هر کدام به مقدار مساوی

بگیر و همه را نرم بکوب و بپز و با عسل مخلوط کن و هر شب هنگام خواب به مقدار یک فندق بخور». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مثقال هلیله زرد، دو مثقال خردل و یک مثقال عاقرقرا تهیه کن و آنها را نرم بکوب و صبح ناشتا بر داندن ها بمال که بلغم را درمان و دهان را خوشبو و داندان ها را محکم می کند». (6)

2- «بَلْعَم» ماده ای سفید و لزج است که از داخل بدن ترشح کرده و خارج می شود و در اصطلاح طبّ قدیم یکی از اخلاط چهارگانه بدن به شمار می رود (فرهنگ عمید).

3- «قندران» ، «قندرون» شیره شنگ، شیره ای که در ریشه شنگ وجود دارد. مارنه و مکرنه هم گفته شده است. «شنگ» گیاهی است بیابانی دارای برگ های دراز شبیه برگ گندم. آن را با سرکه می خورند، ریشه آنشیره چسبنده ای دارد که در مجاورت هوا سیاه می شود (فرهنگ عمید).

4- «آویشن» گیاهی است صحرایی و معطر، دارای برگ های کوچک و ساقه های کوتاه که آن را برای بویخوشی که دارد در ماست یا دوغ می زنند. «آوشین» و «آویشین» و «آوشین» و «آوشین» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمه ص 19.

6- طبّ الأئمه ، ص 66.

ص: 485

درمان لقوه

درمان لقوه (1)

در حدیث است کسی که مبتلا به لقوه بود خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «به حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله برو، دو رکعت نماز بخوان، سپس دست بر صورت بگذار و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِهَذَا أُخْرَجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ اِنْسٍ اَوْ عَيْنِ جِنٍّ اَوْ وَجَعٍ اُخْرَجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا وَكَلَّمَ مُوسٰى تَكْلِيْمًا وَخَلَقَ عِيسٰى مِنْ رُوْحِ الْقُدْسِ، لَمَّا هَدَاتَ وَطَفَعْتَ كَمَا طَفَعْتَ نَارُ اِبْرَاهِيْمَ، اِطْفِئِ يَادُنِ اللّٰهِ، اِطْفِئِ يَادُنِ اللّٰهِ». (2) آن شخص دو مرتبه این کار را کرد،

شفا یافت. (3)

درمان بادهای بدن و درد مفاصل

1. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: از سر تا پای مرا باد (دردهای موضعی و عصبی) فرا گرفته، چه کنم؟ فرمود: «صبح ناشتا عنبر و روغن در بینی بچکان». (4)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان قولنج، بادهای، درد مفاصل، سستی بدن و برودت داخلی، این دارو مفید است: یک کف انجیر خشک و یک کف شنبلیله در ظرفی بریز و قدری آب به آن اضافه کن که روی

1- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می گردد (فرهنگ عمید).

2- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، خارج شو. ای درد حاصل شده از چشم زخم انسان یا دیگر موجودات. تو را سوگند می دهم به آن کسی که ابراهیم را خلیل خود قرار داد و با موسی سخن گفت و عیسی را به وسیله روح القدس آفرید که خاموش شوی، همچنان که آتش بر ابراهیم خاموش شد، خاموش شو به اذن الله، خاموش شو به اذن الله».

3- رجال کشی، ص 199، ح 349؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 74.

4- رجال کشی، ص 199، ح 349.

ص: 486

آنها را بگیرد، سپس پخته و بعد صاف کن و یک روز در میان بخور، تا در مجموع روزها به مقدار یک ظرف خورده شود». (1)

3. در حدیث است که کسی از درد مفاصل به امام باقر علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَبِرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، إِلَّا أَذْهَبَتْ

عَنِّي شَرٌّ مَا أَجِدُ، بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ، بِحَقِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ» (2) هنگامی که این دعا را خواند فوراً درد ساکن شد. (3)

درمان درد پا

1. در حدیث است که شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر موضع درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (4) (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)». (5)

1- کافی، ج 8، ص 166، ح 221.

2- ترجمه: «بار خدایا، تو را می خوانم به نام ها و برکات و دعوت پیامبرت که پاکیزه و مبارک و در نزد تو دارايمرتبه والایی است. و به حق او و به حق دخترش فاطمه که خجسته است و به حق جانشین او امیرالمؤمنین علیه السلام و به حق دو آقا جوانان اهل بهشت (حسن و حسین 8)، به حق ایشان، به حق ایشان، به حق خودت ای خدای جهانیان آنچه را که در خود می یابم برطرف کن».

3- طبّ الأئمّه، ص 69 و 70.

4- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستم».

5- ترجمه: «و آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه (قدرت) اوست و آسمان ها پیچیده در دست او، خداوند منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند».(سوره زمر، آیه 67) طبّ الأئمّه، ص 33.

ص: 487

2. نیز شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «از اوّل سوره (إِنَّا فَتَحْنَا) تا (وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) را تلاوت کن». (1)

درمان درد ران وزانو

1. نیز شخصی از درد ران به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب گرم در طشت کن و در میان آب بنشین و دست بر موضع درد بگذار و این

آیه را بخوان: (أَوَلَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ)». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحمزه از درد زانو به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز این دعا را بخوان: يَا جَوَادَ مَنْ أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، إِرْحَمْ ضَعْفَى وَقَلِّهَ حَيْلَتَى وَأَعْفُنِي مِنْ وَجَعِي».

(3)

ابوحمزه به این دستور عمل کرد و فوراً شفا گرفت. (4)

درمان درد ساق و مثنانه

1. در حدیث است که سالم بن محمد از درد ساق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد و گفت: این درد مرا از انجام دادن هر کاری بازداشته است. امام فرمود: «این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان (وَأَنْتَلُ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ

2- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ و هرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه 30) طَبَّ الْأُتْمَه، ص 31.

3- ترجمه: «ای بخشنده ترین کسی که عطا می کند، ای بهترین کسی که درخواست می شود، ای رحیم ترین کسی که از او تقاضای رحم شده، بر ناتوانی و بیچارگی ام رحم کن و مرا از دردم نجات بخش.»

4- کافی، ج 2، ص 568، ح 19؛ مکارم الأخلاق، ص 394.

ص: 488

لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا» (1).

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن سنگ مثنانه، هلیله و بلبله و آمله و فلفل و دار فلفل و دارچین و زنجبیل و شقاقل (2) و انیسون (3)

و خولنجان (4) از هر کدام به مقدار مساوی گرفته، کوبیده و پخته، با روغن تازه گاو

مخلوط کرده و معادل تمام این اشیاء، عسل صاف کرده با شکر پنیر به آن اضافه کند و هر مرتبه به مقدار یک فندق بخورد» (5).

3. در حدیث است که کسی از درد مثنانه به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «این آیات را به هنگام خواب سه مرتبه و یک بار پس از بیدار شدن تلاوت کن: (أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)» (6)

درمان حبس ادرار و بی اختیاری ادرار

شخصی از حبس ادرار به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «اسپند را

1- ترجمه: «آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن ؛ هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی یابی». (سوره کهف، آیه 27) طبّ الأئمّه، ص 32.

2- «شقاقل» زردک صحرايي، بيخ گياهی است از نوع هويج (فرهنگ عميد).

3- «انیسون» مأخوذ از يونانی، باديان رومی، رازیانه رومی، گیاهی است به بلندی یک متر، برگ هایش سفید و تخم هایش ریز و سبز رنگ و معطر و در طب به کار می رود (فرهنگ عميد).

4- «خُولَنْجان» ریشه درخت تانبول است که در هندوستان می روید؛ ریشه ای است ضخیم و خوشبو به رنگ سرخ تیره و تند مزه و در طب به کار می رود. برای خوشبو ساختن لیکورها نیز استعمال می شود. و خالولنجان و خاولنجان و خسرو دارو هم گفته شده است (فرهنگ عميد).

5- طبّ الأئمّه، ص 72.

6- ترجمه: «آیا نمی دانستی که خداوند توانا بر هر چیزی است؟! آیا نمی دانستی که حکومت آسمان ها و زمین از آن خداست (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد)؟! و جز خدا، ولیّ و یاوری برای شمانیست. (واوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند)». (سوره بقره، آیات 106 و 107) طبّ الأئمّه، ص 32.

ص: 489

شش مرتبه با آب سرد و یک مرتبه با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن، سپس با روغن گل چرب و سفوف کن و بخور.»

(1)

درمان طبّی یبوست مزاج و عرق النّسا

درمان طبّی یبوست مزاج و عرق النّسا (2)

1. در حدیث است که شخصی از یبوست مزاج به امام هادی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «قبل از صبحانه و پس از آن خرمای برنی بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و بهبود یافت و رطوبت بر مزاجش غلبه یافت. دوباره از رطوبت مزاج شکایت کرد. فرمود: «خرمای برنی را صبح ناشتا بخور و پس از آن آب نخور». با به کار بستن این دستور مزاجش متعادل شد. (3)

2. نیز شخصی از عرق النّسا به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر زمان اثرش ظاهر شد دست بر آن محل بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَأَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ. (4) با این کار به اذن خدا شفا خواهی یافت». آن

شخص می گوید: بیش از سه بار جمله مزبور را نگفتم که خداوند شفایم داد. (5)

دعا برای چاره جویبی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها

دعا برای از بین بردن چشم زخم

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چشم بد (انرژی های خاص

1- طبّ الأئمّه، ص 68.

2- «عرق النّسا» یکی از بیماری های اعصاب است که غالباً در کمر بروز می کند و تا زانو می رسد (فرهنگ عمید).

3- محاسن، ص 533، ح 793.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا او (شروع می کنم). پناه می برم به نام خدای بزرگ و پناه می برم به نام خدای عظیم از شر هر رگی که خون از آن جوشد و از شر گرمی آتش».

5- طبّ الأئمّه، ص 37؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 73، ح 1.

ص: 490

بعضی از چشم ها) دارای تأثیر است». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «چه بسا چشم بد انسان را به قبر... وارد کند. بنابراین، هرگاه انسان از چیزی خوشش آمد الله اکبر بگوید». (2)

و در روایت دیگر آمده است که نام خدا را ببرد. (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی بترسد که چشم او در کسی، یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه «ما شاء الله [لا حولَ و] لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» بگوید». (4)

4. نیز در روایتی فرمود: «هرگاه کسی بخواهد با سر و وضع نیکو و مناسب از منزل خارج شود سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) بخواند، سپس بیرون رود تا چشم بد در وی اثر نکند». (5)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به چشم بد شده، دست ها را برابر صورت بلند کند و سوره های حمد، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را بخواند، سپس دستانش را بر پیش سر بکشد». (6)

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «برای از بین بردن سحر و جادو این تعویذ را بر پوست آهو بنویسید و همراه داشته باشید: بِسْمِ اللَّهِ

1- مکارم الأخلاق، ص 386؛ بحار الأنوار، ج 63، ص 25، ح 20.

2- طبّ الأئمة، ص 121.

3- طبّ الأئمة، ص 121؛ بحار الأنوار، ج 63، ص 25، ح 20.

4- مکارم الأخلاق، ص 386؛ بحار الأنوار، ج 63، ص 26، ح 23.

5- مکارم الأخلاق، ص 386.

6- مکارم الأخلاق، ص 413.

ص: 491

وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (1) (قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ) (2) ، (فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * فَغَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ)». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «چنانچه از ساحر یا ظالم ترسیدی، بعد از نماز شب و قبل از شروع نماز صبح، رو به خانه آن ساحر یا ظالم کن و هفت مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ (سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِإِذْنِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ)». (4)

3. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیاطین و جادوگران بترسد، آیه سخره را تلاوت کند: (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا

وَحُفْيَةٍ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ». (5)

- 1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا و به آنچه خدا می خواهد (شروع می کنم). به نام خدا. هیچ پناه‌وقدرتی جز برای ذات پاک خداوند نیست».
- 2- ترجمه: «موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است؛ که خداوند به زودی آن را باطل می کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند». سوره یونس، آیه 81.
- 3- ترجمه: «(در این هنگام) حق آشکار شد، و آنچه آنها ساخته بودند باطل گشت، و در آنجا (همگی) مغلوب شدند و خوار و کوچک گشتند». (سوره اعراف، آیات 118 و 119) طَبَّ الْأُئْمَّة، ص 35.
- 4- ترجمه: «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید». (سوره قصص، آیه 35) طَبَّ الْأُئْمَّة، ص 35.
- 5- ترجمه: «پروردگار شما خداوندی است که آسمان ها و زمین را در شش روز = شش دوران [آفرید، سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) از آن او (و به فرمان او) است. پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید (واز تجاوز دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکند و او را با بیم و امید بخوانید (بیم از مسؤولیت ها و امید به رحمتش و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (سوره اعراف، آیات 54 - 56) الْأَمَان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 118.

ص: 492

4. در روایت دیگری آمده است: «جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر داد که لبید بن اعصم یهودی آن حضرت را سحر کرده است. پیامبر علی علیه السلام را صدا زد و فرمود: به سراغ فلان چاه برو و جادو را بیرون آور. حضرت علی علیه السلام به آن مکان رفت و وارد چاه شد و از درون آب چاه ظرف در بسته ای بیرون آورد و خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورد. هنگامی که در ظرف را گشودند، زه کمانی را یافتند که یازده گره خورده بود. جبرئیل سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) را از آسمان آورد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، این دو سوره

را بر این گره ها بخوان. هر آیه ای که خوانده می شد یک گره باز می شد و هنگامی که هر دو سوره تمام شد همه گره ها گشوده شد». (1)

بنابراین، طبق روایت بالا و روایات معتبر دیگر، این دو سوره در رفع سحر و جادو تأثیر بسیاری دارند.

دور کردن خیالات فاسد و وسوسه های شیطان و آرزوهای طولانی

1. در حدیث است که شخصی از خیالات فاسد و وسوسه های شیطان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر روی قلب بگذار و سه مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اَللَّهُمَّ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِالْإِيْمَانِ وَاوَدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَاْمُنُّنُ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْعُفْرَانِ وَتَمَامَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ، يَا مَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَائِمُ يَا رَحْمَنُ، سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْكِرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُجَلِّيَ عَنِّي

1- مکارم الأخلاق، ص 413.

ص:493

قَلْبِي الْأَحْزَانَ (1) سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرست». (2)

2. در روایت دیگری آمده است: شخصی به آن حضرت از آرزوی بسیار و وسوسه های سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر سینه ات بکش و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ (3) ، سپس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را تکرار

کن». آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد و بهبود یافت. (4)

از بین بردن ترس از تنهایی

در حدیث است که شخصی از وحشت و اندوهی که به هنگام تنهایی به سراغش می آید به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر شکم بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ، سپس دست بر شکم بمال و بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي (5) سپس هفت مرتبه آن را تکرار کن.» (6)

1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) بار خدایا، به توفیق ایمان بر من منت گذاردی قرآن را به امانت به من دادی و روزه ماه رمضان را روزی ام کردی، پس به رحمت و خشنودی و مهربانی و آمرزش و کامل کردن نعمت و احسان بر من منت گذار. ای انعام کننده، ای انعام کننده، ای همیشگی، ایبخشننده، منزهی و جز تو کسی ندارم، منزهی، پس از این بزرگواری ها از خواری به تو پناه می برم و از تومی خواهم که غم ها را از دلم بزدایی.»

2- طبّ الأئمة، ص 27.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) محمد رسول و فرستاده خداست و هیچ پناهگاه و قدرتی جز برای خداوند نیست. پروردگارا، دردی را که حس می کنم از بین ببر.»

4- طبّ الأئمة، ص 117.

5- ترجمه: «پناه می برم به عزّت و قدرت و جلال و عظمت و ذات خدا و رسول خدا و اسماء خدا از شر آنچه از آن حذر می کنم و از شر آنچه بر نفس و جان خود می ترسم.»

6- طبّ الأئمة، ص 17.

ص: 494

گشودن کسی که او را بسته اند

شیخ احمد بن فهد در کتاب عدّه الدّاعی، برای گشودن کسی که او را نسبت به همسرش بسته باشند سفارش کرده است که این آیات را بنویسد و همراه داشته باشد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا. (1) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ * إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا. (2) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (3) أَدْخُلُوا

عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ. (4) فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا

الْأَرْضَ عَيْونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ. (5) رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

* وَأَحْلِلْ عُقْدَهُ مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي. (6) وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم، تا خداوند گناهانگذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (وحقانیت تو را ثابت کرده) و نعمتش را بر تو تمام کندوبه راه راست هدایت فرماید». سوره فتح، آیات 1 و 2.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی مردم گروهگروه وارد دین خدا می شوند، پروردگارت را تسبیح و حمد کن واز او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیراست». سوره نصر، آیات 1 - 3.

- 3- ترجمه: «واز نشانه های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانشان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». سوره روم، آیه 21.
- 4- ترجمه: «شما وارد دروازه شهر آنها شوید هنگامی که وارد شوید پیروز خواهید شد». سوره مائده، آیه 23.
- 5- ترجمه: «در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی در پی گشودیم ؛ وزمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم ؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند». سوره قمر، آیات 11 و 12.
- 6- ترجمه: «پروردگارا، سینه ام را گشاده کن ؛ و کارم را برایم آسان گردان، و گره از زبانم بگشای ؛ تا سخنان مرا بفهمند». سوره طه، آیات 25 - 28.

ص: 495

فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا). (1) كَذَلِكَ حَلَّتْ فُلَانُ بِنَ فُلَانِهِ عَلَى فُلَانِهِ بِنْتِ فُلَانِهِ (2)

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ * فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ بِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ). (3)

فرو بردن خشم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی خشمگین شود، اگر ایستاده است بنشیند تا غضبش فروکش کند و چنانچه بر یکی از بستگانش غضب کرده، بدن او را لمس کند تا خشمش برطرف شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام غضب این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاجْرِنِي مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ، اسْأَلُكَ رِضَاكَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاسْأَلُكَ جَنَّتَكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَاعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الْهُدَى وَالثَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ». (5)

1- ترجمه: «ودر آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که در هم موج می زنند؛ ودر صورت [شیپور ادمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم]. سوره کهف، آیه 99.

2- ترجمه: «گره فلانی پسر فلانی را نسبت زوجه اش فلانی دختر فلانی، بدین شکل باز کردم.» به جای «فلانین فلانه» نام شوهر و مادرش و به جای «فلانه بنت فلانه» نام عروس و مادرش گفته شود. ضمناً توجه داشته باشید که بسیاری از مواردی که مردم خیال می کنند در آنجا سحری واقع شده واقعییت چنین نیست؛ عوامل دیگری در کار بوده است.

3- ترجمه: «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است ؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است. اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست ؛ بر او توکل کردم ؛ و او صاحب عرش بزرگ است.» (سوره توبه، آیات 128 و 129) عده الداعی، طبع جدید، ص 339.

4- مکارم الأخلاق، ص 350.

5- ترجمه: «بار خدایا، خشم دلم را فرو نشان و گناه را بیامرز و از فتنه ها (امتحانات) گمراه کننده پناهم ده، خشنودی تو را می خواهم و از خشم تو به تو پناه می برم و بهشت تو را می خواهم و از آتش دوزخ تو به تو پناهمی برم و همه خوبی ها را از تو می خواهم و از همه بدی ها به تو پناه می برم. بار خدایا، مرا بر هدایت و ثواب ثابت قدم بدار، و راضی و خشنودم قرار ده و گمراه و گمراه کننده قرارم مده.» بحار الأنوار، ج 95، ص 338.

ص: 496

3. در روایتی دیگر فرمود: «روزی نزد منصور دوانقی رفتم، او در نهایت خشم بود. به هنگام ورود این دعا را خواندم، خشم منصور از بین رفت: يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا عَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، اُحْرَسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اَكْنِفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ.»

(1)

دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شیطان چیزی را از خاطرات محو کرد و بخواهی آن را به یاد آوری، دست بر پیشانی بگذار و بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْأَمْرِ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُذَكِّرَنِي مَا أُنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ.» (2)

2. در روایتی بسیار معتبر چنین آمده است: هر کس روزی یکصد مرتبه

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، هفتاد نوع بلا از او دور می شود که ساده ترین آن غم و اندوه است.» (3)

3. در احادیث فراوان آمده است که گفتن: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» اندوه را برطرف می کند. (4)

1- ترجمه: «ای پناه من به هنگام سختی، وای فریادرس من به هنگام رنج و مصیبت، مرا با دیده لطف که به خواب نمی رود حفظ کن و در پناه خود پناهم ده.» مکارم الأخلاق، ص 350.

2- ترجمه: «بار خدایا، ای به یادآورنده نیکی و انجام دهنده و امرکننده به آن، از تو می خواهیم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و آنچه را شیطان از خاطر من برده به یادم آوری.» مکارم الأخلاق، ص 356.

3- ثواب الأعمال، ص 195.

4- محاسن، ص 43، ذیل حدیث 56.

ص: 497

دعا برای چاره جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر

1. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس فقر بر او روی آورد، ذکر «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را بسیار بگوید، زیرا بی شک این جمله گنجی از گنج های بهشت است و در آن شفای هفتاد و دو درد است که کمترین آنها اندوه است». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای چاره جویی فقر و پریشانی، بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ». (2)

3. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن پریشانی، روزی صد مرتبه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) بخوان». (3)

4. در احادیثی معتبر، برای ادای قرض و بدهی، این دعا سفارش شده است: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». (4)

5. در حدیث است که شخصی به امام جواد علیه السلام نوشت: قرض بسیار دارم چه کنم؟ حضرت در پاسخ نوشت: «استغفار فراوان کن و زبانت را به قرائت سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) مداومت ببخش». (5)

6. در احادیث معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هرگاه این دعا را بخوانم اگر جنّ و انس جمع شوند که ضرری به من برسانند باکی ندارم. بِسْمِ اللَّهِ

1- امالی صدوق، ص 556، ح 13.

2- ترجمه: «منزه است خداوند بزرگ و من به حمد و ستایش او مشغولم. از خداوند طلب غفران و مغفرت می کنم و فضل و کرمش را خواستارم». کافی، ج 5، ص 315، ح 46.

3- کافی، ج 5، ص 316، ح 50.

4- ترجمه: «بارخدا یا، مرا با حلال خود از حرام و با بخشش خود از غیر خود بی نیاز گردان.» فقه الرضا، ص 399.

5- کافی، ج 5، ص 317، ح 51؛ به نقل از امام محمد باقر علیه السلام.

ص: 498

وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَسَلْتُ نَفْسِيْ وَ اِلَيْكَ وَجْهَتُ وَجْهِيْ وَ اِلَيْكَ فَوَضْتُ اَمْرِيْ وَ اَحْفَظُنِيْ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِيْ وَعَنْ يَمِيْنِيْ وَعَنْ شِمَالِيْ وَمِنْ فَوْقِيْ وَمِنْ تَحْتِيْ وَادْفَعْ عَنِّيْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ». (1)

دعا برای رسیدن به حج

در حدیثی معتبر آمده است که: هر کس در یک نوبت هزار مرتبه «ما شاء الله» بگوید، در آن سال حج نصیب او می شود
و اگر در آن سال به حج نرود آن قدر زنده بماند که توفیق حج نصیبش شود. (2)

دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سگی برای تو پارس کرد و به سوی تو حمله کرد این آیه شریفه را بخوان: (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنْ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوْا لَا تَنْفُذُوْنَ اِلَّا بِسُلْطٰنٍ)». (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از شرّ حیوانات درنده بر خود وگوسفندانش می ترسد، بر دور خود و آنها خطی بکشد و بگوید :

1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و از سوی خدا آمده ام و به سوی او باز می گردم و در راه خدا (گام برمی دارم). بار خدایا، خود را به تو سپردم و رو به سوی تو کردم و کارم را به تو واگذار نهادم. مرا باحفظ ایمان از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین حفظ کن و با توانایی و نیروی خود ضرر را از من بازدار و هیچ پناه و نیرویی مگر به قدرت خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست». امالی طوسی، ج 1، ص 212.

2- محاسن، ص 42، ح 55.

3- ترجمه: «ای گروه جنّ و انس، اگر می توانید از مرزهای آسمان ها بگذرید پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)». (سوره الرحمن، آیه 33) فقه الرضا علیه السلام، ص 400.

ص: 499

اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالٍ وَالْجُبِّ وَرَبِّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ، احْفَظْنِي وَاحْفَظْ غَمِّي». (1)

3. در حدیث است که امام باقر علیه السلام برای دور کردن ضرر جانوران این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (2)

دعا برای دور کردن ضرر گزندگان

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از عقرب می ترسد این آیات را بخواند: (سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ)». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان از عقرب بترسی، شب هنگام به ستاره «سهها» که نزدیک ستاره دوم «بنات النعش» است نگاه کن و سه مرتبه بگو: اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَسْلِمِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ». (4) راوی گوید: هر زمان که این دعا را خواندم عقرب

مرا نیش نزد. (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار دانیال وچاه، وای پادشاه هر شیر درنده، مرا وگوسفندانم را حفظ کن.» خصال، ج 2، ص 409؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 97.

2- ترجمه: «به نام خدای بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم)، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست. پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا بر هر چیزی که بخواهد از شر هر گزنده ای که در شب و روز می جنبد. همانا (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است.» طب الأئمه، ص 119.

3- ترجمه: «سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم، چرا که او از بندگانایمان ما بود.» (سوره صافات، آیات 79 - 81) خصال، ج 2، ص 409؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 97.

4- ترجمه: «پروردگارا، ای پروردگار ستاره اسلم (سهها) بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما و ما را از شر هر صاحب شری حفظ کن.»

5- مکارم الأخلاق، ص 291 الباب العاشر، الفصل الثانی.

ص: 500

3. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که از مار و عقرب می ترسد در ابتدای شب این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَخَذْتُ الْعُقَابَ وَالْحَيَاتِ كُلَّهَا، بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَفَوَاهَا عَنِّي وَعَمَّنْ أَحَبَّتْ إِلَيَّ ضَحْوَةَ النَّهَارِ». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ». (2)

دعا برای دور کردن حشرات موذی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در برخی جنگ ها از آزار فراوان کک (3) به آن حضرت شکایت کردند. حضرت

فرمود: هنگام خواب این دعا را بخوانید: أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلِقًا وَلَا بَابًا، عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِينِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ». (4)

1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و درود خدا بر محمد و آل او. به اجازه خدای متعالدهان و دم و گوش و دیده و نیروی عقرب ها و مارها را از خود واز کسانی که دوست دارم تا روشنی روز بازداشتم».

2- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). بر خدا توکل کردم و هر کس بر خدا توکل کند او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را به سرانجام می رساند. خدایا، مرا در پناه و جوار خویش و حفظوامان خود قرار ده». مکارم الأخلاق، ص 412.

3- «کک» حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای او بلند است به آسانی می جهد. خرطومیدارد که با آن خون انسان را می مکد (فرهنگ عمید).

4- ترجمه: «ای حشره سیاه حمله کننده که از هیچ در ودریسته ای باک نداری، بر تو سوره حمد خواندم و میدم که تا صبح به من و همراهانم آزار نرسانی». مکارم الأخلاق، ص 413.

ص: 501

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مال یا حیوانش گمشده این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اَنْكَ اِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَآلِهٌ مَنْ فِي الْاَرْضِ وَعَدْلٌ فِيهِمَا وَاَنْتَ الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَانْهَ مِنْ رِزْقِكَ وَعَطَيْتِكَ، اَللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنُ بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا تُغْنِ بِهَا كَافِرًا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ». (1)

2. امام رضا علیه السلام برای یافتن گمشده خواندن این دعا را سفارش فرمود: (وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقِهِ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (2) اَللّٰهُمَّ

اَنْتَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای یافتن ردّ گمشده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و پس از نماز دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید: اَللّٰهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ،

1- ترجمه: «بار خدایا، تو خدای موجودات آسمان ها و زمین و عدالت گستر در میان آنانی و تو هدایت کننده از گمراهی هستی و گمشده را بازمی گردانی، گمشده مرا به من بازگردان که این کار از روزی و هدیه تو است. بار خدایا، با آن مؤمنی را آزمایش مکن و کافری را بی نیاز مگردان. بار خدایا، بر محمد بنده و رسول تو و بر خاندانش درود فرست». محاسن، ص 363، ح 100.

2- ترجمه: «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. و جز او کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاستمی داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است». سوره انعام، آیه 59.

3- ترجمه: «بار خدایا، تو (گمراهان را) از گمراهی هدایت می کنی واز نابینایی نجات می دهی وگمشده را بازمی گردانی، بر محمد و آلش درود فرست و مرا بیامرز وگمشده ام را باز گردان و بر محمد و خاندانش درود فرست». مکارم الأخلاق، ص 386.

ص: 502

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ ضَالَّتِي وَأَرُدِّهَا إِلَيَّ سَالِمَةً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ، يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ». (1)

حکم تعویذ همراه جنب و حائض

در حدیث است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام پرسید: شخصی تعویذی همراه خود دارد سپس جنب می شود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، اما اگر زن حائض شود باید تعویذ را در میان پوستی نگهداری کند». (2) (چون در حائض آلودگی ظاهری استمرار دارد، برای جلوگیری از سرایت آن به تعویذ، چنین دستوری داده شده است).

تعویذهای نامناسب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هر چه از دعا و قرآن و تعویذ می خواهد برای چشم زخم و بیماری ها... بخواند، هنگامی که بداند چه می گوید (ودعاها محتوای صحیحی داشته باشد) و داخل نشود در تعویذها و دعای او چیزی که مفهوم آن را نمی فهمد». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «بسیاری از تعویذها و افسون ها کفر است». (4)

(مضمون های کفرآلود دارد).

1- ترجمه: «بار خدایا، ای بازگرداننده گمشده وای هدایت کننده از گمراهی، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و گمشده ام را حفظ کن و به من سالم باز گردان ای مهربان ترین مهربانان، زیرا این کار از فضلو بخشش تو است. ای بندگان خدا در زمین وای سیرکنندگان خدا در زمین، گمشده ام را به من بازگردانید، زیرا آن از فضل خدا و بخشش اوست». مکارم الأخلاق، ص 398.

2- طبّ الأئمّه، ص 49؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 5، ح 9.

3- طبّ الأئمّه، ص 48؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 4، ح 1.

4- طبّ الأئمّه، ص 48؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 5، ح 3 و 4.

ص: 503

فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها

تربت امام حسین علیه السلام

(بهترین راه برای استفاده از تربت آن حضرت این است که تربت کاملاً تمیزی انتخاب کنند، سپس به اندازه یک عدس یا یک نخود از آن را در یک استکان آب حل کنند و افراد مختلف با دعاها و آدابی که خواهد آمد، به قصد استشفای آن بنوشند).

محدوده تربت و دعای هنگام برداشتن آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت شفا را تا یک فرسخ و یک سوم فرسخ از اطراف قبر می توان برداشت». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «تربت شفا را تا فاصله هفتاد ذرع (حدود سی و پنج متر) از قبر می توان برداشت» (2) (اختلاف روایات ممکن است اشاره به

تفاوت تربت ها از نظر اهمیت باشد).

3. در حدیثی ابوحمزه ثمالی آورده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام برداشتن تربت از قبر، سوره های حمد و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) ویس و آیه الکرسی را بخوان و بگو: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَآخِي رَسُولِكَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَلِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْأَوْلِيَاءِ

الرَّاشِدِينَ وَبِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمِنَتْ وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ

1- کامل الزیارات، ص 280 و 281، ح 5.

2- مصباح المتهدج، ص 732.

ص: 504

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً لِي وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَفِّهِ وَعَاهِهِ وَجَمِيعِ الْأَلْوَجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سَپِسْ بِنَا اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةَ وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمْ وَأَنْفَعْنِي بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (1)

فواید و خواص تربت

1. در بسیاری از روایات معتبر آمده است که خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر درد و آن دوی بزرگ است. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت آن حضرت شفای هر درد و امان از هر ترسی است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به دردی دچار شود وبا تربت آن

1- ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد صلی الله علیه و آله بنده و دوست و پیامبر و رسول و امین ات و به حق امیرالمؤمنینعلی بن ابی طالب علیه السلام بنده تو و برادر رسول تو و به حق فاطمه علیها السلام دختر پیامبر و همسر ولیات و به حق حسن و حسین و به حق امامان هدایتگر و به حق این تربت و به حق فرشته ای که نگهبان آن است و به حق وصیتی که در آن مدفون است و به حق بدنی که در خود جای داده است و به حق سبطی که پذیرفته است و به حق تمام فرشتگان و پیامبران و رسولان، بر محمد و خاندانش درود فرست و این خاک را برای من و برایش هر کسی که از آن شفا می طلبد شفای از هر درد و بیماری و امن از هر ترس روزی گردان و شفای از هر درد و بیماری و آفت و تمام دردها قرار ده که تو توانا بر همه چیز هستی». سپس بگو: «بار خدایا، ای پروردگار، این خاک مبارک و فرشته ای که بر آن فرود آمده و وصیتی که در آن مدفون شده است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن ثمر بخش، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی». کامل الزیارات، ص 283 و 284، ح 12.

2- مصباح المتهدج، ص 732؛ مکارم الأخلاق، ص 167؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 123، ح 18.

3- کامل الزیارات، ص 278، ح 4؛ طب الأئمه، ص 52؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 130، ح 45.

ص: 505

حضرت خود را درمان کند بی شک شفا می یابد، مگر آنکه آن بیماری مرگ باشد». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود: «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای دردهاست، هر چند یک سوم فرسخ دورتر از قبر بردارند». (2)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زنی مقداری نخ به من داده که به خدمتکاران کعبه معظّمه بدهم تا پیراهن کعبه را با آن بدوزند. حضرت فرمود: «با آن مقداری عسل وزعفران بخر، سپس خاک قبر امام حسین علیه السلام را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل وزعفران بریز و به شیعیان ما بده تا بیماران خود را با آن مداوا کنند». (3)

6. در روایتی دیگر فرمود: «هیچ چیز در شفا بخشیدن مانند تربت نیست،

مگر دعا». (4)

تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که از بلاها امان می دهد». (5)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام هیچ کالایی به جایی نمی فرستاد مگر اینکه مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در میان آن می نهاد تا به برکت آن محفوظ بماند. (6)

1- کامل الزیارات، ص 275، ح 6.

2- کامل الزیارات، ص 275، ح 4.

3- کامل الزیارات، ص 274، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 165.

4- کامل الزیارات، ص 281، ح 5.

5- کامل الزیارات، ص 278، ح 2؛ مصباح المتهجد، ص 732؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 124، ح 24.

6- کامل الزیارات، ص 278، ح 1.

ص:506

3. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: بیماری های فراوان

دارم و هر دارویی مصرف کردم فایده نداشت. حضرت فرمود: «چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمی خوری که در آن شفای هر درد و امان از هر بیماری است؟ هنگامی که تربت را برمی داری بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ». (1)

آن شخص پرسید: شفای هر درد را فهمیدم، اما چگونه امان از هر خوفی است؟ حضرت فرمود: «هرگاه از ظالم یا بلایی پروا داشته باشی، هنگام خروج از خانه تربت آن حضرت را همراه داشته باش و هنگام برداشتن تربت بگو: اللَّهُمَّ هَذِهِ طَيْنَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَوَلِيِّكَ وَأَبْنِ وَوَلِيِّكَ اتَّخَذَتْهَا حِرْزًا لِمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ». (2)

مقدار خوردن تربت

مشهور میان علما آن است که می توان به مقدار یک نخود از تربت امام حسین علیه السلام (به قصد شفا) خورد، ولی از بعضی احادیث استفاده می شود که به مقدار یک عدس باشد؛ بنابراین، بهتر است بیش از یک عدس نباشد (وبهتر آن است که مقدار یک عدس را در کمی آب حل کنند و سپس آن را بنوشند).

تسبیح تربت

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمن باید همیشه پنج چیز

1- ترجمه: «بار خدایا، به حقّ این خاک و به حقّ فرشته ای که آن را برگرفته و به حقّ پیامبری که آن را قبضکرده و به حقّ وصیی که در آن آرمیده است از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در آنبرای من شفای از هر درد و امان از هر ترسی قرار دهی». کامل الزیارات، ص 282 و 283، ح 11.

2- ترجمه: «بار خدایا، این خاک قبر حسین علیه السلام ولیّ تو و فرزند ولیّ تو است، آن را گرفته ام تا حرزی باشد برای آنچه می ترسم و آنچه نمی ترسم».

ص: 507

همراه داشته باشد: مسواک، شانه، جانماز، انگشتر عقیق، تسبیحی از تربت که (لااقل) سی و چهاردانه داشته باشد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تسبیح تربت آن حضرت را بگرداند، برای هر استغفاری هفتاد استغفار و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و چیزی نگوید در مقابل هر دانه تسبیح هفت استغفار برای او نوشته می شود». (2)

شرط اثربخشی تربت

1. در حدیث است که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام پرسید: برخی مردم از تربت امام حسین علیه السلام استفاده می کنند و نتیجه می گیرند و برخی دیگر نتیجه نمی گیرند، علّت آن چیست؟ حضرت فرمود: «والله هر کس معتقد باشد که تربت سودمند است نتیجه می گیرد». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قرار دادن تربت در جای نامناسب و کم اعتقاد بودن به آن از برکتش می کاهد. اما کسی که یقین دارد تربت شفاست، هر وقت با آن معالجه کند بی شک نیاز به داروی دیگر نخواهد داشت». (4)

آداب استفاده از تربت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن تربت،

نخست آن را ببوس و بر هر دو دیده بگذار و بیش از یک نخود (یا عدس) نخور که هر کس بیش از آن بخورد گویا گوشت و خون ما را خورده است و هنگامی که

1- مصباح المتهدّج، ص 735؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 136، ح 76.

2- مصباح المتهدّج، ص 735؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 136، ح 77.

3- کامل الزیارات، ص 274، ح 1.

4- کامل الزیارات، ص 280 و 281، ح 5.

ص: 508

آن را از قبر برمی داری بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ، سپس تربت را در پارچه ای ببند و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را بر آن بخوان». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن تربت، این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ رَبَّ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَثَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ». (2)

خرید و فروش تربت

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کند، گویا گوشت امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کرده است». (3) (سزاوار است فروشندگان نیت هدیه کنند و خریداران نیز پول را به

نیت هدیه بدهند).

تربت گذاشتن در کفن

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را دفن کردند، در برابر صورتش مَهْری از خاک قبر امام حسین علیه السلام بگذارند». (4)

1- مصباح المتهدّج، ص 734؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 135، ح 73؛ دعوات راوندی، ص 186، ح 515. ترجمه آن گذشت.

2- مصباح المتهدّج، ص 733؛ بحار الأنوار، ج 101، ص 134، ح 70؛ دعوات راوندی، ص 187، ح 516. ترجمه شبیه آن گذشت.

3- کامل الزیارات، ص 286، ح 5.

4- مصباح المتهدّج، ص 735.

ص:509

خواصّ برخی خوراکی ها و گیاهان

عَنَاب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فضیلت عَنَاب بر سایر خوراکی ها، همچون فضیلت ما بر سایر مردم است.» (1)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عَنَاب تب را از بین می برد.» (2)

3. در حدیث است که ابن ابی الخضیب می گوید دیدگانم سفید شده بود و هیچ نمی دیدم. شبی حضرت علی علیه السلام را در خواب دیدم (ومشکلم را به حضرت عرض کردم) فرمود: «عَنَاب را بکوب و در چشم ات بکش.» هنگامی که از خواب بیدار شدم عَنَاب را به آرامی کوبیدم و در دیدگانم کشیدم و بینا شدم. (3)

سیاهدانه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شفای همه دردها، جز مرگ، در سیاهدانه است.» (4)

2. در حدیث است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونگی استفاده از سیاهدانه را پرسیدند. حضرت فرمود: «بیست و یک دانه آن را در پارچه ای قرار داده، یک شب آن را در آب خیس می کنی و صبح هنگام دو قطره در بینی راست و دو قطره در بینی چپ می چکانی، روز دوم نیز به همین ترتیب عمل می کنی، در روز سوم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره می چکانی و هر شب دانه ها را تازه می کنی.» (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 176.

2- مکارم الأخلاق، ص 175.

3- مکارم الأخلاق، ص 176.

4- طبّ الأئمّه، ص 68.

5- مکارم الأخلاق، ص 185.

ص: 510

3. در حدیث است که شخصی از تکرّر ادرار که موجب آزار واذیت وی شده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «در آخر شب، سیاهدانه بخور. من آن را برای مداوای تب، سردرد، چشم درد، درد شکم وهمه دردها می خورم و خداوند مرا شفا می دهد». (1)

اسفند

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بر هر یک از برگ ودانه وبوته اسفند تا زمانی که بیوسد، فرشته ای نگهبان است. ریشه وشاخه اسفند اندوه وسحر را برطرف می کند ودر دانه اش شفای هفتاد ودو درد است؛ بنابراین، خود را با اسفند وگندر معالجه کنید». (2)

2. در حدیث است که پیامبری از پیامبران الهی از ترسو بودن امت خود به خدا شکایت کرد. وحی آمد که به امت دستور بده اسفند بخورند که باعث شجاعت (آنها) می شود. (3)

انجیر

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بخورید که برای از بین بردن قولنج مفید است». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف واستخوان را محکم ودردها را زایل می کند وباعث رویش مو در بدن می شود». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 186.

2- مکارم الأخلاق، ص 186.

3- مکارم الأخلاق، ص 186.

4- طبّ الأئمّه، ص 137.

5- کافی، ج 6، ص 358، باب التین، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 173.

ص: 511

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوردن انجیر تازه و خشک، بواسیر را قطع و نقرس (1) را درمان می کند». (2)

کندر وهلیله زرد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کندر برگزیده پیامبران است وهیچ دردی زودتر از درد آن به آسمان بالا نمی رود (وبرطرف نمی شود) ودورکننده شیاطین وبرطرف کننده بلاهاست». (3)

2. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم بدانند هلیله زرد چه منافع وخواصی دارد، بی گمان هم وزن آن طلا خواهند داد». (4)

خرفه و کرفس

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برگ خرفه بر عقل می افزاید و هیچ گیاهی شریف تر و سودمندتر از آن نیست». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کرفس بخورید که غذای حضرت الیاس و یوشع بن نون بوده است». (6)

بادروج و کاهو و سداب

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بادروج (7) از ما وتره تیزک

1- «نقرس» ورم همراه با درد است که در مفاصل پا و بند انگشتان، به خصوص شصت پا بروز می کند.

2- مکارم الأخلاق، ص 174.

3- مکارم الأخلاق، ص 187.

4- طبّ الأئمه، ص 86.

5- مکارم الأخلاق، ص 180.

6- کافی، ج 6، ص 366، باب الكرفس، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 180.

7- «بادروج»، ریحان کوهی، گیاهی است دارای برگ های ریز و گل های سرخ رنگ. به معنای گل بستان افروز هم گفته اند. بادرویه و بورنگ و بوینگ نیز گفته شده (فرهنگ عمید).

ص: 512

از بنی امیه است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کاهو استفاده کنید، که کاهو خون را تصفیه می کند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سداب (3)

بخورد و شب هنگام بخوابد، در آن شب از دردهای داخلی و بیرونی و ذات الجنب در امان است». (4)

اسفرزه و سنا و کاسنی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تب کند و در شب اول معادل دو یا سه درهم (حدود نیم مثقال) اسفرزه بخورد، از سرسام

و ذات الجنب در آن بیماری حفظ می شود». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود «بیماری های خود را با سنا درمان کنید (6) که اگر چیزی مرگ را درمان کند آن چیز سنا است». (7)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز است که طبیعت ها را به اعتدال می آورد: انار سورانی (8) ، خارک پخته شده بنفشه و کاسنی». (9)

2- کافی، ج 6، ص 367، باب الخس، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 183.

3- معنای «سداب» در پاورقی صفحه 440 گذشت.

4- مکارم الأخلاق، ص 181.

5- مکارم الأخلاق، ص 188.

6- «سنا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ ودانه های آن ریز ودر غلافی شبیه غلاف باقلا جا دارد وبیشتر در حجاز می روید وبهترین آن، سنای مکی است. برگ آن در طب مانندمسهل استعمال می شود (فرهنگ عمید).

7- مکارم الأخلاق، ص 188.

8- «سورانی» منسوب به سوری (بر وزن طوبی) محلی در عراق است. شاهد بر این مطلب روایتی از امامصادق علیه السلام است که فرمود: «اگر من در عراق بودم هر روز یک دانه انار سورانی می خوردم ویک بار درآب فرات آب تنی می کردم». (خصال مترجم، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، چاپ انتشارات علمیهاسلامیه، ص 275).

9- خصال، ج 1، ص 229، ح 100؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 221، ح 1.

ص:513

نمک وسرکه وأشنان

نمک وسرکه وأشنان (1)

1. در چندین روایت آمده است که مالیدن نمک، زهر عقرب ودیگر گزندگان را از بین می برد. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه شراب، بُن دندان را محکم می کند وکرم های شکم را می کُشد وعقل را تقویت می کند». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن اشنان، زانوها را سست و آب پشت را فاسد و دهان را بدبو می کند». (4)

زنیان و گردو و آبشم

زنیان (5) و گردو و آبشم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنیان و گردو را با هم بخورید که بواسیر را می سوزاند و بادها را بیرون می کند و معده را محکم می سازد و کلیه ها را گرم می کند». (6)

1- «اشنان» گیاهی است دارای شاخه های باریک و ساقه ستبر که در شوره زارها می روید. طعم آن شور است و چهارپایان آن را می خورند. ریشه آن را پس از خشک کردن، نرم می کوبند و در شستن لباس به کار می برند (فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 327، ح 9 و 10.

3- کافی، ج 6، ص 330، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 378، ح 1 و 2.

5- زنیان (نانخواه) تخمی است زردرنگ و خوشبو، طعم آن اندکی تند و تلخ، گاه آن را روی نان می زنند. جوانی وزنیان وزنیان وزنیان و ساسم هم گفته شده (فرهنگ عمید، شرح واژه نانخواه).

6- مکارم الأخلاق، ص 191.

ص: 514

2. در حدیثی دیگر فرمود: «آبشم و نمک با هم، بادها را بیرون، دهان را خوشبو، معده را نرم، لقوه (1) را درمان، قوت جماع را بسیار می کند، سده (2) را

می گشاید، بلغم را می سوزاند و موجب ادرار می شود». (3)

زنیان و آبشم و سیاهدانه

در روایتی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنیان، سیاهدانه و آبشم را سفوف کرده و بعد از لبنیات و غذاهایی که بیم ضرر داشت می خورد و گاه با نمک ساییده مخلوط می کرد و پیش از غذا می خورد و می فرمود: «هنگامی که صبحگاهان این دارو را می خورم از خوردن هیچ چیز باکی ندارم. این دارو معده را تقویت می کند و بلغم را از بین می برد و از لقوه امان می دهد». (4)

عسل

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند با عسل برکت را فرستاد و شفای همه دردها در عسل است و در آن هفتاد برکت است». (5)

1- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می گردد (فرهنگ عمید).

2- «سُدّه» در اصطلاح طب، چیزی که در روده گیر کند و مانع خروج مدفوع شود (فرهنگ عمید).

3- مکارم الأخلاق، ص 191.

4- مکارم الأخلاق، ص 187.

5- مکارم الأخلاق، ص 166.

ص: 515

فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان

اشاره

1. حقوق خویشاوندان و خادمان

2. حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبيله

3. أخوت و صداقت

4. حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم

5. برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران

6. دیدار مؤمن و عیادت از بیماران

7. اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان

8. حقوق فقرا،ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان

9. رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان

10. آداب رفتار با ظالمان

11. آداب معاشرت با کافران ومخالفان

12. حقوق مردگان بر زندگان

ص:516

ص:517

حقوق خویشاوندان و خادمان

اهمیت صلّه رحم و فواید آن در دنیا

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ عملی ثوابش زودتر از صلّه رحم به صاحب آن نمی رسد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صلّه رحم و معاشرت نیکو با همسایگان، خانه ها را آباد و عمر انسان ها را زیاد می کند». (2)

3. در احادیث فراوانی آمده است که: نیکی به خویشاوندان باعث قبولی اعمال و زیاد شدن اموال و دور شدن بلاها و طولانی شدن عمر و آسان شدن حساب روز قیامت می شود. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چیزی مانند صلّه رحم بر عمر نمی افزاید، به گونه ای که گاه از عمر کسی سه سال بیشتر نمانده که به سبب صلّه رحم، سی و سه ساله می شود و گاه از عمر کسی سی و سه سال مانده که به سبب قطع صلّه رحم، سه ساله می شود». (4)

1- کافی، ج 2، ص 152، ح 15.

2- کافی، ج 2، ص 152، ح 14.

3- کافی، ج 2، ص 150، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 152، ح 17.

ص: 518

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من برای کسی که صله رحم کند چند چیز را ضمانت می کنم: خداوند او را دوست می دارد، روزی اش بسیار می شود، عمرش طولانی می شود، وارد بهشت می گردد».

(1)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خویشاوندان به یکدیگر بدی کنند، مالشان به دست بدکاران می افتد».

(2)

7. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «سه چیز است که هر کس مرتکب آن شود پیش از مردن سزای آن را می بیند: ظلم و قطع رحم و دروغ. و بسیار اتفاق می افتد که مال و فرزندان جماعتی بدکردار به سبب صله رحم بسیار می شود. و قسم دروغ و قطع صله رحم، خانه ها را از اهلیش خالی و نسل را نابود می کند».

(3)

فواید صله رحم برای آخرت

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «پیوند خویشاوندی در روز قیامت به عرش الهی چنگ می زند و می گوید: پروردگارا، هر که مرا در دنیا صله کرده، تو امروز او را به رحمت متصل فرما و هر که مرا در دنیا قطع کرده، تو امروز او را از رحمت خود قطع کن».

(4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو سمت پل صراط، امانت و صله رحم است. کسی که در امانت مردم خیانت نکرده و با خویشاوندانش نیکی کرده، به آسانی از صراط عبور می کند و زود وارد بهشت

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 37، ح 93.

2- کافی، ج 2، ص 348، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 347، ح 4؛ خصال، ج 1، ص 139، ح 99.

4- کافی، ج 2، ص 151، ح 7، 8 و 10.

ص: 519

می شود. و کسی که در امانت خیانت و قطع رحم کرده، اعمال دیگر سودی به حالش ندارد و صراط او را در آتش می افکند».

(1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس با پای خود به خانه خویشان برای دیدار با آنها برود، یا به آنها کمک مالی کند، خداوند متعال ثواب صد شهید به او کرامت می کند. و معادل هر قدمی که برمی دارد چهل هزار حسنه در نامه اعمالش می نویسد و چهل هزار گناه از گناهانش محو می کند و چهل هزار درجه در بهشت بر درجانش می افزاید. و چونان کسی است که صد سال خدا را با اخلاص عبادت کرده است».

(2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس حقّ خویشاوندانش را مراعات کند، خداوند متعال در بهشت هزار درجه به وی کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد. یک پله از نقره و دیگری از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزهایی که خداوند در بهشت خلق

کرده است».

(3)

5. نیز در حدیثی فرمود: «بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می رسد، ولی عاقّ پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار آن را استشمام نمی کنند».

(4)

6. در سخنی دیگر فرمود: «سه کس وارد بهشت نمی شود: شرابخوار، جادوگر، کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند».

(5)

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 9.

3- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 333، ح 202.

4- کافی، ج 7، ص 261، ح 5.

5- خصال، ج 1، ص 177، ح 208؛ بحارالأنوار، ج 79، ص 211، ح 6.

ص:520

حقّ صلّه رحم

1. در روایتی معتبر آمده است که شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: بستگانی دارم که شیعه نیستند، آیا حقّی بر من دارند؟ فرمود: «آری. حقّ رحم را هیچ چیز قطع نمی کند؛ اگر شیعه باشند دو حق دارند: یکی رحم و دیگری حقّ اسلام». و فرمود: «صلّه رحم و نیکی با برادران مؤمن، حساب قیامت را آسان می کند و انسان را از گناه حفظ می کند؛ پس صلّه رحم و نیکی با برادران خود را ترک نکنید، اگرچه به سلام کردن و نیکی جواب سلام دادن باشد». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در شب معراج دیدم که شخصی از یکی از خویشاوندان خود شکایت می کند. به اذن پروردگار از او پرسیدم: در چند پشت نسبت تو و او به هم می رسد؟ گفت: در چهل پشت». (2)

رعایت حقوق خادمان

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس دارای چهار صفت باشد خداوند او را در اعلیٰ علیین، در برترین غرفه های شرف، سکنی می دهد: یتیمی را پناه دهد و از او مراقبت کند و برایش همچون پدری مهربان باشد، بر ضعیفان ترحمّ و به آنها کمک کند، مال خود را صرف نیازهای پدر و مادرش کند و با آنها مدارا کند و به والدین خود نیکی کند و آنها را آزرده خاطر نسازد، با خدمتکار خود خشن رفتار نکند و در خدماتش او را یاری دهد و وادار بر کارهایی نکند که برایش سخت و دشوار است». (3)

2. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم که به اصحابش فرمود: «دوست

1- کافی، ج 2، ص 157، ح 31.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 254، ح 5.

3- امالی مفید، ص 167.

ص: 521

دارید بدترین مردم را به شما معرفی کنم؟» گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: «کسی که تنها سفر رود و عطای خود را از مردم منع کند و خادم خود را کتک بزند». (1)

حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله

رعایت حقوق همسایگان

اهمیت حق همسایه

1. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته مرا به رعایت حق همسایه سفارش می کرد به حدی که گمان کردم برای همسایه ارث قرار خواهد داد». (2)

2. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا حقی به غیر از زکات در اموال هست؟ فرمود: «آری، نیکی و احسان به خویشاوندانی که به تو بدی کرده اند و احسان به همسایه مسلمان؛ بی شک کسی که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است». (3)

حقوق همسایه و حدود همسایگی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق مالی، حقّ ماعون است (4) که خداوند در مورد آن تهدید به جهنّم کرده و آن وامی است که به

1- محاسن، ص 356، ح 60؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 181، ح 808.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 7؛ مکارم الأخلاق، ص 429.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 134.

4- «ماعون» از مادّه «مَعْن» (بر وزن شَأْن) به معنای چیز کم است و بسیاری از مفسّران معتقدند که منظور از آن در اینجا، اشیاء جزئی است که مردم به ویژه همسایگان به عنوان عاریه یا تملک می گیرند؛ مانند مقدارینمک، آب، آتش (کبریت) و جز اینها. تفسیر نمونه، ج 27، ص 361، ذیل تفسیر آیه 7 سوره ماعون.

ص:522

همسایه دهد، یا به آنها نیکی کند، یا ضروریات خانه را به آنها عاریت دهد». راوی عرض کرد: ما همسایگانی داریم که اگر چیزی به آنها امانت دهیم آن

را شکسته و ضایع می کنند، اگر ندهیم مرتکب گناه شده ایم؟ فرمود: «گناهی بر شما نیست». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «منع کردن همسایگان از نمک و آتش (واشیاء کوچک ضروری زندگی) جایز نیست». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایگان را از ماعون منع کند، خداوند متعال خیر و احسانش را از وی منع کرده و او را به حال خود وامی گذارد و کسی را که خداوند به حال خود واگذارد، وای به حال او». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از قرض دادن نان و همچنین دادن وسیله آتش افروزی به همسایه خودداری نکنید که این امور باعث فراوان شدن روزی بر اهل خانه می شود و از جمله مکارم اخلاق است». (4)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند». (5)

بدترین بلاها

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز از بدترین بلاهاست: پادشاه یا حکمرانی که اگر به وی احسان و نیکی کنی قدردانی نکند و اگر به او بدی کنی درنگذرد، همسایه ای که چشمش تو را ببیند و دلش مرگ تو

1- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 770، ح 11؛ مجمع البیان، ج 10، ص 457، ذیل آیه 7 سوره ماعون.

2- کافی، ج 5، ص 308، ح 19.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 8؛ مکارم الأخلاق، ص 430.

4- کافی، ج 5، ص 315، ح 47.

5- کافی، ج 2، ص 669، باب حدّ الجوار، ح 1.

ص: 523

را بخواهد، اگر کار خوبی از تو ببیند آن را بپوشاند و برای دیگران بیان نکند و هرگاه کار بدی ببیند آن را منتشر سازد، زوجه ای که اگر حاضر باشی تو را شاد نکند و اگر غایب باشی خاطر تو از او مطمئن نباشد». (1)

زیان های همسایه آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند و جایگاهش جهنّم باشد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به همسایه اش به اندازه یک وجب زمین خیانت کند، خداوند متعال آن زمین را تا طبقه هفتم به شکل طوقی درآورده و بر گردنش بیندازد و آن طوق تا هنگامی که او را برای حساب آورند در گردنش باشد، مگر آنکه توبه کند و آن زمین را به صاحبش بازگرداند». (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را به خاطر طمع در خانه او آزار دهد، خداوند خانه اش را به همسایه اش برساند». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آزارش را از همسایه اش بازدارد، خداوند در روز قیامت از گناهانش درگذرد». (5)

حقوق یتیمان

سرپرستی یتیمان

ولی یتیم که حق تصرف در اموال یتیم را - البته در چارچوب مصالح وی -

1- قرب الإسناد، ص 83، ح 253.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 7؛ مکارم الأخلاق، ص 429.

3- امالی صدوق، ص 427.

4- تفسیر قمی، ج 1، ص 368.

5- امالی صدوق، ص 552، ح 4.

دارد، پدر وجد پدری ووصی است که آنها تعیین کنند.

واگر هیچ یک از این سه تن نباشند، حاکم شرع یعنی امام معصوم یا منتخب امام معصوم است. ودر عصر غیبت، بیشتر علما معتقدند مجتهد جامع الشرایط یا کسی که از طرف او مأذون باشد این مسؤولیت را بر عهده می گیرد.

از روایات اسلامی استفاده می شود که مؤمنان نیکوکار می توانند برای رضای خدا عهده دار امور ایتم و حفظ اموالشان شوند تا آنچه را که به نفع و مصلحت و غبطه آنان باشد رعایت کنند. وچنانچه وضع مالی مناسبی نداشته باشند و تلاش برای نگهداری اموال یتیم، مانع کسب و کارشان شود می توانند به مقدار مخارج ضروری از مال یتیم استفاده کنند و احتیاط آن است که چیزی بیش از اجره المثل متعارف چنین کاری بردارند.

نیز پدر وجد پدری ووصی باید نهایت دقت را در رعایت غبطه و مصلحت یتیم مبذول دارند. و اگر توانایی بر پرداخت بدهی های خود نداشته باشند نمی توانند برای این منظور از اموال یتیم استفاده کنند. وچنانچه پدر وجد پدری وضع مالی خوبی نداشته باشند می توانند به مقدار مخارج ضروری خود از مال یتیم استفاده کنند. و اگر مادر هم نیازمند باشد، ولی می تواند نفقه اش را از مال یتیم بپردازد. وچنانچه مقدار هزینه های یتیم را محاسبه کرده، با مخارج خویش مخلوط سازد و با هم از آن استفاده کنند اشکالی ندارد.

یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از سنگدلی و قساوت قلب خویش آزرده باشد و بخواهد قلبش نرم شود، یتیمی را نزد خود آورد و با او مهربانی کند و بر سر سفره اش بنشاند و از روی مهربانی دست بر سرش بکشد، چرا که یتیم بر مردم حقی بزرگ دارد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از یتیمی نگهداری کند و نفقه اش را بپردازد، من و او در بهشت مانند این دو انگشت (اشاره به انگشت اشاره و وسط) در کنار هم خواهیم بود». (1)

3. نیز در روایتی فرمود: «هر کس یتیمی را به خانه اش آورد و هزینه اش را تا زمانی که بی نیاز شود بپردازد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند، همان گونه که جهنم را بر خورنده مال یتیم واجب کرده است». (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر مرد وزن مؤمنی از روی ترحم و مهربانی دست بر سر یتیمی بکشد، خداوند متعال به عدد هر تار موئی که از زیر دستانش عبور کند، برایش حسنه ای می نویسد». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند در مقابل هر تار موئی، در قیامت نوری به وی می دهد». (4)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه یتیمی بگرید، عرش پروردگار بر اثر گریه او به لرزه درمی آید و خداوند فرماید: چه کسی

این بنده ام را که پدر و مادرش را از او گرفته ام به گریه آورده است؟ به عزت و جلالم سوگند که هیچ بنده ای او را ساکت و آرام نکند، مگر آنکه بهشت را برایش واجب می کنم». (5)

مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند

1- قرب الإسناد، ص 92، ح 302.

2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 224، ح 44؛ کافی، ج 5، ص 128، ح 2.

3- ثواب الأعمال، ص 237، ح 1.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 119، ح 569.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 119، ح 573؛ ثواب الأعمال، ص 237، ح 1.

ص: 526

متعال برای کسی که مال یتیم را به ناحق بخورد دو مجازات در نظر گرفته است : یکی عذاب جهنم در آخرت و دو دیگر آنکه مردم با یتیمانش (در دنیا) همان کاری کنند که او با یتیمان دیگران کرده است.» (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت گروهی را از قبر مبعوث می کند که آتش از دهانشان شعله ور است و آنها کسانی هستند که مال یتیم خورده اند، همان گونه که خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت) فقط آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (2) « (3)

3. در احادیث معتبر آمده است: خوردن مال یتیم به ناحق، از جمله گناهان کبیره است. (4)

حقوق قبیله و عشیره

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بپرهیزید از اینکه حقوق دیگران را تباه کنید و بر مشکلات شکیبایی کنید و اگر کسی از قبیله شما از شما چیزی بخواهد که ضررش برای شما بیش از نفع آن است قبول نکنید.» (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام در بیماری صعصعه بن صوحان که از بزرگان اصحاب آن حضرت بود، به عیادت وی رفت و به صعصعه فرمود: «اینکه من به عیادت تو آمدم بر قوم خود فخر نکن و اگر مشکلی برای

آنها به وجود آمد خود را کنار نکش که انسان از قوم و قبیلۀ اش بی نیاز نیست،

1- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 223، ح 38.

2- سوره نساء، آیه 10.

3- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 225، ح 47.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 332.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 71.

ص: 527

بلکه به آنها محتاج است. اگر آنها را کمک نکنی کمکی را از آنها دریغ داشته ای و در مقابل، کمک های فراوانی را از خود دریغ کرده ای؛ بنابراین، اگر آنها را در حال خوشی ببینی در آن خوشی به آنها کمک کن و اگر در بلا و مشکلی دیدی آنها را به خودشان وانگذار. البته کمک های متقابل شما باید در مسیر اطاعت خدا باشد. اگر در مسیر اطاعت خدا و دوری از معصیت به هم کمک کنید همیشه در رفاه و نعمت خواهید بود». (1)

3. در حدیثی معتبر آمده است که: چند اسیر از کفار را (که مرتکب جرایم سنگینی شده بودند) نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند. یکی از آنها را خواستند گردن بزنند که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، این اسیری را که می خواهی گردن بزنی به مردم غذا می داد و میهمان داری می کرد و هزینه هایی را که بر قبیلۀ اش تحمیل می شد پرداخت می کرد و بارهای سنگین خانواده را خود به دوش می کشید. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن اسیر فرمود: «خداوند چنین وحی فرستاده است و من به سبب این خصلت ها از کشتن تو صرف نظر کردم». اسیر گفت: پروردگار تو این صفات را دوست دارد؟ حضرت فرمود: «آری». اسیر شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد و سپس گفت: به حقّ خدایی که تو را به راستی فرستاده، هرگز کسی را از مال خود برنگردانده ام. (2)

أخوت و صداقت

أخوت و برادری

اهمیت أخوت

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت، به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین وصیت کرد:
«برای رضای خدا با برادران (دینی) برادری کن

1- امالی طوسی، ج 1، ص 357.

2- محاسن، ص 388، ح 14.

ص: 528

وانسان های نیکوکار را به خاطر صلاح (وایمانشان) دوست بدار». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پس از اسلام، سودمندتر از برادری که انسان برای رضای خدا برای خود انتخاب می کند وجود ندارد». (2)

3. در احادیث معتبر می خوانیم که: اخوت و برادری و آشنایی مؤمنین، در عالم ارواح ایجاد شده و هنگامی که یکدیگر را در این دنیا می بینند به سوی یکدیگر جذب می شوند. (3)

انواع و آثار اخوت

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادران بر دو نوع اند: برادری که در دوستی و یاری مورد اعتماد باشد، برادری که برای سرگرمی و گفت و گو مورد اعتماد باشد. اما گروه اول به منزله دست وبال و اهل و مال هستند و هنگامی که بر چنین برادری اعتماد کردی برای او از جان و مال خود هزینه کن و با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کن. رازش را بپوشان و عیوبش را پنهان و نیکی هایش را آشکار کن. این گونه برادران همچون کبریت احمر (4) کمیاب هستند. اما گروه دوم از همنشینی با آنها لذت می بری، این را از

آنان دریغ نکن و بیش از این از آنها توقع نداشته باش.» (5)

2. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: بسیار اتفاق می افتد که بی سبب به حدی اندوهگین و ناراحت می شوم که اهل و عیال و دوستانم آثار

1- امالی طوسی، ج 1، ص 7.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 46.

3- علل الشرایع، ج 1، ص 84، باب 79، ح 1 و 2؛ وج 2، ص 426، باب 161، ح 7 با اندکی اختلاف.

4- گوگرد معمولاً زردرنگ است و گوگرد سرخ بسیار کمیاب است. در عربی از اشیاء کمیاب به «کبریت احمر» یاد می کنند.

5- خصال، ج 1، ص 89، ح 49؛ بحار الأنوار، ج 67، ص 193، ح 3.

ص: 529

آن را در چهره ام می بینند، علت آن چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود در آنان جاری کرده است؛ بدین سبب، مؤمنین برادر پدری و مادری یکدیگرند و هنگامی که اندوهی به روح یکی از مؤمنان برسد دیگر مؤمنان به سبب اندوه او محزون می شوند.» (1)

حقوق و پاداش اخوت

1. در احادیث معتبر می خوانیم که: مؤمن برادر مؤمن و دیده وی و راهنمای اوست، به او خیانت و ظلم نمی کند، فریبش نمی دهد، اگر به او وعده دهد تخلف نمی کند، به او دروغ نمی گوید و غیبتش را نمی کند. (2)
2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای خود، برادر مؤمنی انتخاب کند خانه ای در بهشت یافته است». (3)
3. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کردن به چهره امام عادل و شخص عالم و پدر و مادر از روی مهربانی، عبادت است و نظر کردن بر چهره برادر مؤمنی که او را برای خدا دوست داری عبادت است». (4)

دوستی

اهمیت دوستی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «محبّت و دوستی بیست ساله، به منزله خویشاوندی است. و علم، اهلش را با یکدیگر بیشتر ربط می دهد تا رابطه پدری». (5)

1- کافی، ج 2، ص 166، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 166، ح 3 و 5.

3- ثواب الأعمال، ص 182؛ امالی مفید، ص 316، ح 8.

4- امالی طوسی، ج 2، ص 69.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 131، ح 12.

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین عیش و خوشی دنیا، منزل وسیع و دوستان بسیار است».

(1)

3. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با صد تن همنشینی و دوستی داشته باش، ولی با یک تن هم دشمنی نکن. و راضی باش که غلام نیکان باشی، اما فرزند بدان نه». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز در هر کس نباشد زندگی بر او گوارا نخواهد بود: سلامتی، امنیت، توانگری، قناعت، دوست موافق و خوب». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس را پنددهنده ای از درونش و زجرکننده ای از نفسش و همنشین و دوستی که او را به راه خیر بدارد نباشد، شیطان بر وی مسلط می شود». (4)

معیارهای دوستی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر یک از برادران مؤمن سه مرتبه بر تو خشم گیرد و در هیچ مرتبه سخن زشتی در حق تو نگوید، سزاوار دوستی است». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر می خواهی نعمت (پروردگار) بر تو تمام شود و مردی و مروت در حق تو کامل گردد و امور زندگی به کام تو باشد، مردم پست را شریک کارهایت نکن که اگر آنها را امین خود کنی

1- بحار الأنوار، ج 71، ص 177، ح 16.

2- معانی الأخبار، ص 253.

3- امالی صدوق، ص 291، ح 15.

4- امالی صدوق، ص 441، ح 2.

5- امالی صدوق، ص 669، ح 7.

ص:531

به تو خیانت می کنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ می گویند و اگر بلایی دامنگیر تو شود به یاری تو نمی شتابند. (بلکه) با عاقل همنشینی و دوستی کن، هر چند کریم نباشد (بدین صورت که) از عقلش استفاده کنی و از اخلاق زشت وی دوری گزینی. و با کریم همنشینی و دوستی کن هر چند عاقل نباشد، تا به

عقل خود از کرمش سودمند شوی و به طور جدی از احمقی که بخیل باشد

دوری کن». (1)

مراتب و حقوق دوستی

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صداقت و یاری و دوستی مراتب مختلفی دارد. هر کس تمام مراتب آن را دارا نباشد او را به کمال صداقت و دوستی نسبت نده و کسی که هیچ مرتبه ای از مراتب آن را ندارد، هیچ یک از مراتب صداقت را برای او قائل نشو (مراحل صداقت این است که): آشکار و پنهانش با تو یکی باشد، خوبی های تو را خوبی های خود و عیوب تو را عیوب خود بداند، به هنگام دسترسی به مال یا مقام تغییر روش ندهد، آنچه

از امکانات به او برسد از تو منع نکند، به هنگام بلاها وسختی ها تو را

تنها نگذارد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را در موقعیت تهمت و اتهام قرار دهد، کسی را که گمان بد به او می برد سرزنش نکند. و هر که رازش را پنهان دارد زمام امورش به دست خودش باشد. و هر سخنی که از دو تن گذشت فاش می شود. و هنگامی که با کسی برادری کردی آنچه را از او می بینی حمل بر صحت کن، تا جایی که دیگر احتمال صحیحی ندهی و مبادا

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 356.

2- خصال، ج 1، ص 250، ح 16؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 173، ح 1.

ص: 532

گمان بد ببری بر سخنی که از برادر دینی ات شنیده ای تا آنجا که امکان حمل بر صحت باشد. و به هنگام خوشی، دوستان نیک فراوانی تهیه کن که به هنگام بدی و بلا، سپری در مقابل دشمنان هستند. و با کسانی مشورت کن که خداترس باشند. و برادران مؤمن را به قدر پرهیزگاریشان دوست مدار. و از زنان بد بپرهیز و از نیکانشان برحذر باش». (1)

حدّ دوستی و مقدار توقّع از دوست

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به برادر و دوست آن قدر اعتماد نکن که رازهای خود را به وی بسپاری، زیرا هنگامی که از تو برگردد چاره ای نتوانی کرد». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «دوستانت را از رازها و اسرار خود آگاه نکن، مگر رازی که اگر دشمنت هم بداند به تو ضرری نمی رسد، زیرا گاهی دوست دشمن انسان می شود». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان زیاده روی نکن، زیرا چه بسا دوست دشمن و دشمن دوست شود». (4)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دوستی داشتی که حاکم جایی شد (وبه پست و مقام مهمی رسید)، اگر یک دهم گذشته با تو دوستی کرد، دوست بدی نیست». (5)

1- الإختصاص، ص 226.

2- امالی صدوق، ص 669، ح 7.

3- امالی صدوق، ص 670، ادامه حدیث 7.

4- امالی طوسی، ج 1، ص 374.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 285.

ص: 533

حرمت دوستان پدر ومحبت بیجا

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دوستان پدر قطع رابطه نکن که روشنایی زندگی ات مبدل به تاریکی می شود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس محبتش را در غیر موردش صرف کند، خود عامل قطع محبت شده است». (2)

حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم

اهمیت حق مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ عبادتی نزد پروردگار، بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست». (3)

(3)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به زندگی روزمره خود ادامه دهد ولی به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست. کسی که صدای کمک خواهی مسلمانی را بشنود و به او یاری نرساند مسلمان نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که نفعش به مردم بیشتر می رسد». (5)

4. نیز در روایتی فرمود: «هر کس خطر آب یا آتش را از گروهی از مسلمانان دور کند، بهشت بر او واجب می شود». (6)

5. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از وی

1- علل الشرایع، ج 2، ص 581، ح 19.

2- محاسن، ص 266، ح 346.

3- کافی، ج 2، ص 170، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 164، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 164، ح 7.

6- کافی، ج 2، ص 164، ح 7.

ص: 534

پرسید: «برادران دینی ات در چه حالی هستند؟» عرض کرد: بر حال خوبی هستند. حضرت پرسید: «ثروتمندانشان به فقیران رسیدگی می کنند؟» عرض کرد: اندکی. فرمود: «ثروتمندان چقدر به دیدار نیازمندان می روند؟» عرض کرد: کم. فرمود: «توانگران چه مقدار به فقیران احسان می کنند؟» عرض کرد: اندکی. حضرت فرمود: «اینها چگونه ادعای تشیع می کنند!». (1)

حقّ مؤمن بر مؤمن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره برادر مؤمن خود را ببوشاند». (2)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب برادر مؤمنش خیرخواه او باشد». (3)
3. در حدیثی دیگر فرمود: «خیرخواهی مردم بر شما لازم است، زیرا هیچ عملی نزد خدا بهتر از این کار نیست». (4)
4. نیز در سخنی فرمود: «با یکدیگر برادر و نسبت به هم نیکوکار باشید. و برای رضای خدا با یکدیگر دوستی کنید. به دیدن هم بروید و با یکدیگر بنشینید و از معارف و احادیث ما یاد کنید». (5)
5. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «حقّ مؤمن بر مؤمن آن است که او را دوست بدارد، مال خود را از او دریغ نکند، اگر به سفر رود به احوال اهل و عیالش بپردازد، اگر کسی بر او ظلم کند یاریش نماید، اگر حقّی به

1- کافی، ج 2، ص 173، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 207، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 208، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 164، ح 3، و ص 208، ح 6.

5- کافی، ج 2، ص 175، باب التراحم والتعاطف، ح 1.

مسلمانان دهند و او غایب باشد بهره و سهم او را برایش کنار بگذارد، هنگامی که از دنیا رفت به زیارت قبرش برود، بر او ظلم نکنند، او را فریب ندهد، به او خیانت نکنند، در برابر او اظهار تنقّر نکنند که اگر چنین کند دوستی از میان آنها رخت برمی بندد، اگر به برادر مؤمنش بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر است زیرا اگر دروغ گفته باشد خود کافر است و اگر راست گفته باشد طرف مقابل کافر (یعنی صاحب گناه کبیره) است و چون او را متهم به تهمت می کند ایمان در دلش ذوب شود همان گونه که نمک در آب حل می شود». (1)

6. در روایتی دیگر فرمود: «وعدۀ ای که مؤمن به برادر مؤمن خود می دهد همچون نذر است، هر چند کفّاره ندارد. هر کس خُلف وعده کند در حقیقت به خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است». (2)

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده خود وفا کند». (3)

8. به سندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مؤمن هفت حق واجب بر مؤمن دارد: در حضورش او را تعظیم و تکریم کند، محبتش در دل او باشد، مال خود را از او دریغ نرزد، غیبت او را بر خود حرام بداند، هنگامی که بیمار شود به عیادتش رود، چون از دنیا برود در تشییع او حاضر شود، پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند». (4)

حقّ مسلمان بر مسلمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را برای عزیزترین

1- کافی، ج 2، ص 171، ح 7.

2- کافی، ج 2، ص 363، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 363، باب خلف الوعد، ح 2.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 284، ح 846.

ص: 536

کسان خود می خواهید برای برادر مسلمان خود بخواهید. و آنچه را برای عزیزترین کسان خود نمی خواهید برای برادر مسلمانتان نخواهید. دوستی او را از ناخالصی ها خالص گردانید به این صورت که در شادی او شاد و در اندوه وی اندوهگین باشید. در صورت امکان غم و ناراحتی اش را برطرف سازید و اگر نمی توانید، دعا کنید که خدا اندوهش را زایل کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادر مسلمان خود را دوست بدار و آنچه را برای خود می خواهی برای او بخواه و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسند. هرگاه نیازمند شدی از او کمک بگیر و چون از تو کمک خواست به وی عطا کن. نیکی را از او دریغ ندار تا او هم از تو دریغ نکند. یار و یاورش باش تا او نیز یاور تو باشد. هر زمان غایب شود حرمت او را در غیبتش نگاه دار و چون از سفر بازگردد به دیدنش برو و او را گرمی بدار، چرا که او از تو است و تو از او هستی. اگر با تو در مقام عتاب و سرزنش برآید از او جدا شو، تا کینه را از سینه اش به در کنی. اگر نعمتی به او برسد خدا را شکر کن و اگر بلایی بر او نازل شود یاورش باش و با او بیشتر مهربانی کن». (2)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی بر برادر مسلمان خود شش حق دارد: هرگاه به او رسد سلام کند، هر وقت بیمار شود به عیادتش رود، هرگاه عطسه کند او را دعا کند، چون از دنیا برود بر او نماز بگذارد، هرگاه او را دعوت کند بپذیرد، آنچه را برای خود دوست می دارد برای او دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای او نپسندد». (3)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام پرسید :

1- کافی، ج 2، ص 172، ح 9.

2- امالی صدوق، ص 323، ح 12.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 92.

ص: 537

حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ حضرت فرمود: «هفت حقّ است که همگی واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا خارج می شود». عرض کرد: آنها چیست؟ فرمود: «می ترسم که فرا نگیری و مراعات نکنی (اما می گویم). آسان ترین آنها این است که آنچه را برای خود دوست می داری برای او دوست بداری و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او پسندی. از غضبش بپرهیزی و در پی خشنودیش باشی و آنچه گوید اطاعت کنی. با جان و مال و زبان و دست و پا (وبا تمام وجود) یاریش کنی. دیده بان، راهنما و آیینه او باشی. تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، تو پوشیده نباشی و او عریان. اگر خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است خادم خود را بفرستی تا لباسش را بشوید، غذایش را بپزد و بستر را بگستراند. اگر تو را بر انجام دادن کاری قسم داد انجام دهی و اگر به خانه اش دعوت کرد اجابت کنی و اگر بیمار شد به عیادتش بروی و چون از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شوی و اگر دانستی که حاجت و نیازی دارد پیش از آنکه بپرسد حاجتش را برآورده سازی. اگر این کارها را انجام دهی محبت خود را به محبت او و محبت او را به محبت خود پیوند زده ای.» (1)

برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران

برآوردن حاجت مؤمن

اهمیت برآوردن حاجت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرموده است که مردم عیال من هستند و محبوب ترین مردم نزد من کسی است که با مردم مهربان تر باشد و برای برآوردن حاجات آنها تلاش بیشتری کند.» (2)

1- کافی، ج 2، ص 169، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 103، ح 20.

2- کافی، ج 2، ص 199، ح 10.

ص: 538

2. در حدیثی دیگر فرمود: «راه رفتن در مسیر برآورده کردن حاجت برادر مسلمان را از آزاد کردن هزار برده و فرستادن هزار رزمنده با اسباب و آلات نظامی به میدان جنگ بیشتر دوست می دارم». (1)

پاداش دنیوی برآوردن حاجت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از بیست حج که در هر حج صاحبش هزار درهم هزینه کند، بهتر است». (3)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «یک حج به جا آوردن از آزاد کردن هفتاد بنده بهتر است. و پرداختن هزینه یک خانواده مسلمان به گونه ای که بدن آنها را بپوشاند و آنها را سیر کند و آبروی آنها را حفظ کند، از هفتاد حج بهتر است». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس هفت شوط (دور) بر گرد خانه کعبه طواف کند، خداوند متعال برای او شش هزار حسنه می نویسد و از او شش هزار گناه محو می کند و شش هزار درجه بر درجاتش می افزاید و شش هزار حاجتش را برآورده می کند. (ولی) برآورده کردن حاجت مؤمن از ده طواف بهتر است». (5)

در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی برای انجام دادن خواست شخص

2- کافی، ج 2، ص 193، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 193، ح 4.

4- ثواب الأعمال، ص 170، ح 13.

5- کافی، ج 2، ص 194، ح 6.

ص:539

بایمانی حرکت کند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد که از راست و چپ برایش استغفار کرده و دعا کنند که حاجتش برآورده شود». (1)

5. در سخنی دیگر فرمود: «هر مؤمنی در مسیر برآوردن حاجت برادر مؤمن خود قدم بردارد، ده حسنه برای او نویسد و ده گناه از گناهانش محو کنند و ده درجه در بهشت بر درجاتش بیفزایند و این کار برابر با آزاد کردن ده برده و بهتر از یک ماه اعتکاف در مسجدالحرام است». (2)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند هفتاد و پنج هزار فرشته را مأمور می کند که بر او سایه بیفکنند و به هر قدمی برایش حسنه بنویسند و گناه او را محو سازند و درجاتش را بالا ببرند و چون از کار او فارغ شود و مشککش را حل کند، ثواب حج و عمره را در نامه عملش بنویسند». (3)

پاداش اخروی برآوردن حاجت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند در قیامت صد هزار حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت است و دو دیگر آنکه خویشان و آشنایان خود را وارد بهشت کند به شرط آنکه ناصبی (4) نباشد». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بندگانی دارد که برای

1- کافی، ج 2، ص 195، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 196، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 197، ح 3.

4- «ناصبی» به کسی گفته می شود که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام، دشمنی دارد و به آنها ناسزا می گوید و این مطلب جزء اعتقادات دینی اوست.

5- کافی، ج 2، ص 3 و 192، ح 1.

ص: 540

برآوردن حاجت مردم تلاش می کنند، آنها در روز قیامت در امان هستند و هر کس دل مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می کند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای جلب رضای خدا، در راه برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد، خداوند برایش یک میلیون حسنه می نویسد که به سبب آن خویشاوندان و آشنایان و همسایگان و هر کس را که به او نیکی کرده، می آمرزد. و در قیامت به او خطاب می شود: وارد جهنم شو و هر که را که در دنیا به تو نیکی کرده، از جهنم بیرون آور و وارد بهشت کن، مگر کسانی که دشمن اهل بیت پیامبر باشند». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سختی و مشکلات به فریاد برادر مؤمن غمگین مضطرّ خود برسد و اندوهش را برطرف و حاجتش را روا کند، خداوند متعال هفتاد و دو رحمت به وی اختصاص می دهد، یکی از آنها را در دنیا به او می دهد که کارهای دنیای او با آن انجام می شود و بقیه را برای ترس و مشکلات روز قیامت وی ذخیره می کند». (3)

5. نیز در روایتی فرمود: «هر کس غمی از دل مؤمنی بردارد، خداوند غم های آخرت او را بردارد و هنگامی که از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد. و هر کس به مؤمنی غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت سیر کند. و هر کس به مؤمنی آب دهد، خداوند او را از شراب (طهور) دست نخورده بهشت سیراب سازد». (4)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس غمی از مؤمنی بردارد، خداوند حاجت دنیا و آخرت او را برآورده سازد. و هر که عیب مؤمنی را بیوشاند، خداوند هفتاد عیب از عیب های دنیا و آخرت او را بیوشاند. و تا مؤمن در حال یاری برادر

1- کافی، ج 2، ص 197، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 197، ح 6.

3- کافی، ج 2، ص 199، ح 1؛ الاختصاص، ص 250.

4- کافی، ج 2، ص 199، ح 3.

ص: 541

مؤمن است خداوند یاور اوست». (1)

7. از زین العابدین امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند صد حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت باشد. و هر کس غمی از مؤمنی بردارد، پروردگار عالم غم های آخرت او را بردارد. و هر کس به مؤمنی در مقابل ظالمی کمک کند، خداوند او را در عبور از پل صراط - به هنگامی که قدم ها بلغزد - یاری خواهد کرد. و هر کس حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود، چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد. و هر کس مؤمنی را به هنگام تشنگی اش آب دهد، خداوند متعال او را از شراب (طهور) بهشت سیراب می کند. و هر کس مؤمنی را سیر کند، خداوند او را از میوه های بهشتی سیر می کند. و هر کس مؤمن برهنه ای را لباس بیوشاند، خداوند بر اندامش لباس ابریشم بهشتی می پوشاند. و هر کس بر مؤمنی که عریان نیست لباس بیوشاند، تا نخی از آن لباس باقی باشد پیوسته از بلاها در کفالت خدا باشد. و هر کس خادمی به مؤمنی بدهد، خداوند از پسران بهشتی به

وی خادم می دهد. و هر کس مؤمن پیاده ای را سوار کند، خداوند او را بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کند تا در قیامت بر ملائکه مباحث و افتخار کند. و هر کس بر بدن مؤمنی پس از مرگش کفن بپوشاند، گویا لباس وی را از هنگام ولادت تا وقت مردن تأمین کرده است. و هر کس برای مؤمنی همسری انتخاب کند که با او انس گیرد، خداوند فرشته ای را به صورت محبوب ترین نزدیکانش در قبر مونس او می کند. و هر کس به هنگام بیماری مؤمنی از وی عیادت کند، ملائکه او را از همه جهت احاطه کرده و به وی می گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارای وجودت! به خدا سوگند، برآوردن یک حاجت مؤمن در نزد پروردگار از دو ماه روزه داری و اعتکاف کردن در ماه های حرام (رجب،

1- کافی، ج 2، ص 200، ح 5.

ص: 542

ذی القعدة، ذی الحجّه و محرّم الحرام) بهتر است». (1)

8. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت، سائبانی قرار داده که هیچ کس در زیر آن قرار نمی گیرد، مگر پیامبر یا وصی پیامبر یا مؤمنی که برده مؤمنی را آزاد، یا مؤمنی را داماد، یا صاحب خانه کرده باشد». (2)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی را در روز قیامت به جهنّم می برند، مؤمنی از کنار او عبور می کند، شخص جهنّمی به آن مؤمن می گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی کردم و حاجتت را برآورده ساختم. مؤمن به فرشته مأمور او می گوید: دست از او بردار. خداوند می فرماید: چون بنده مؤمنم شفاعت او را کرد رهایش کن». (3)

10. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در قیامت سه گروه در سایه عرش الهی هستند؛ روزی که سایه ای جز سایه عرش پروردگار نباشد: کسی که برادر مسلمان خود را زن دهد، کسی که خادمی به او بدهد، کسی که راز او را پنهان کند». (4)

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورده کند، خداوند متعال به وی می گوید: ثواب تو بر من است و برای تو به غیر از بهشت راضی نمی شوم». (5)

پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی

1- ثواب الأعمال، ص 175 و 176.

2- قرب الإسناد، ص 231، ح 1171.

3- ثواب الأعمال، ص 206.

4- خصال، ج 1، ص 151، ح 137؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 356، ح 2.

5- کافی، ج 2، ص 194، ح 7؛ ثواب الأعمال، ص 223.

ص: 543

نزد وی آورد و قادر بر برآوردن حاجت او نباشد و برای مشکل وی غمگین شود، خداوند به خاطر این غم (وهمدلی) بهشت را بر او واجب می کند». (1)

مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد وی آید، رحمتی است که خدا به سوی بنده اش فرستاده است. اگر قبول کرد و در پی انجام دادن خواست او رفت، دوستی او به دوستی ما پیوند خورده و دوستی ما به دوستی خداوند متصل است. و چنانچه قادر بر انجام دادن خواست وی باشد او را رد کند، خداوند در

عالم قبر ماری آتشین بر او مسلط می کند که تا روز قیامت او را بگذرد، خواه در روز قیامت خداوند او را بیمارزد یا عذاب کند». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مسلمانی که مسلمان دیگری برای حاجتی نزد وی آید و او قادر بر انجام دادن خواست وی باشد و آن را انجام ندهد، خداوند در روز قیامت او را سرزنش کرده و به وی می گوید: برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد و من به تو توانایی دادم که خواست وی را انجام دهی، ولی تو آن را برآورده نکردی، چون ثواب آن را نخواستی. به عزتم سوگند که در هیچ حاجتی نظر رحمت به سوی تو نمی کنم، خواه تو را بیمارزم یا عذاب کنم». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که از مؤمن دیگری چیزی را که به آن محتاج است منع کند و او قادر است که آن را از خود یا دیگران به او برساند،

1- کافی، ج 2، ص 196، ح 14.

2- کافی، ج 2، ص 367، ح 4.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 96.

ص: 544

خداوند متعال او را با روی سیاه و دیدگانی کبود و دستانی با زنجیر در گردن بازداشت کرده و فرماید: «این خائنی است که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است». سپس دستور دهد که او را به جهنم ببرند». (1)

چگونگی رفتار با مردم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «آن گاه که می خواهی به هر کدام از مسلمانان ستم یا نفرین کنی، یا عیبتشان را آشکار سازی، آنان را به منزله اهل و نزدیکانت قرار ده، پیرانشان را همچون پدر، کودکانشان را

مانند فرزند و آنها که هم سنّ تو هستند به منزله برادر خود بدان. و هرگاه شیطان خواست تو را بفریبد که خود را بهتر از دیگران بدانی، اگر کسی را ببینی که بزرگ تر از تو است بگو: «او در ایمان و کارهای شایسته بر من پیشی گرفته، پس از من بهتر است» و اگر کوچک تر از تو است بگو: «من بیشتر از او گناه کرده ام، پس او از من بهتر است» و اگر همسان تو است بگو: «به گناهان و خطاهای خود یقین دارم و در مورد گناهان او تردید دارم؛ چرا یقین خود را رها کرده و شک را بگیرم» و هرگاه مشاهده کردی که مردم تو را تعظیم و تکریم می کنند، بگو: «از خوبی مردم است که به محاسن آداب عمل می کنند» و اگر از تو دوری می کنند و حرمت تو را نگاه نمی دارند، بگو: «این گناهی است که من کرده ام» اگر چنین رفتار کنی زندگی بر تو آسان و دوستان تو فراوان و دشمنان تو اندک می شوند. و از نیکی و خوبی آنها شادمان و از بدی و ناراحتی آنها دلتنگ و غمگین می شوی. بدان که گرمی ترین مردم کسی است که خیرش به آنها برسد و از مردم بی نیاز باشد و از آنها تقاضا نکند. و بعد از آن، گرمی ترین مردم کسی است که نیازمند باشد و درخواست نکند، چرا که اهل دنیا غالباً در پی مال هستند. هر کس با آنها در

1- محاسن، ص 100، ح 71؛ ثواب الأعمال، ص 286.

ص:545

مورد مال مزاحمتی نداشته باشد نزد آنها عزیز است. و هر کس مزاحمت ندارد و از مال خود هم به آنها کمک کند، عزیزتر و گرمی تر است». (1)

2. در حدیث است که حضرت عیسی علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «آنچه دوست نداری با تو رفتار کنند با هیچ کس انجام نده». (2)

شاد کردن دیگران

اهمیت شاد کردن مؤمن

1. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هر که مرا شاد گرداند، خداوند را خشنود

کرده است». (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «تبسم کردن به روی برادر مؤمن و غبار از صورتش گرفتن، حسنه است. و خداوند هیچ عبادتی را بیشتر از شاد کردن مؤمن دوست نمی دارد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را شاد گرداند او را شاد نکرده، بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد گردانیده است». (5)

پاداش شاد کردن مؤمنان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند متعال هزار هزار حسنه برای او می نویسد». (6)

1- احتجاج، ج 2، ص 158 و 159.

2- امالی صدوق، ص 366، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 188، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 188، ح 2.

5- کافی، ج 2، ص 189، ح 6.

6- کافی، ج 2، ص 192، ح 13.

ص: 546

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که هرگاه بنده ای از بندگانم حسنه ای نزد من آورد، بهشت را بر او مباح می کنم. حضرت داوود علیه السلام پرسید: کدام حسنه؟ خداوند فرمود: قلب بنده مؤمن مرا شاد کند، هر چند دانه خرمایی به او هدیه کند. حضرت داوود علیه السلام به خداوند عرض کرد: کسی که تو را بشناسد سزاوار نیست که از تو قطع امید کند». (1)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: «خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «بندگانی دارم که بهشت را برای آنها ارزانی داشته و آنان را حاکم بر بهشت می گردانم». عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسی که قلب مؤمنی را شاد گرداند». سپس حضرت موسی علیه السلام فرمود: مؤمنی در کشور پادشاهی جبار زندگی می کرد پادشاه در پی آزار واذیت آن مؤمن بود که از دست پادشاه گریخت و به سرزمین کفار رفت و به کافری پناه برد. مرد کافر به او جای داد و با او مهربانی کرد و از وی پذیرایی کرد. هنگامی که مرگ آن کافر فرا رسید خداوند متعال به او وحی کرد: «به عزت و جلالم سوگند که اگر برای تو در بهشت جایی بود حتماً تو را به بهشت می بردم، ولی بهشت بر کسی که کافر بمیرد حرام است». سپس به آتش جهنم خطاب کرد: «او را بترسان، ولی نسوزان» و دستور داد که در اول و آخر هر روز برای او روزی ببرند». (2)

4. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمن از قبر خارج می شود شخصی همراه اوست و به او می گوید: «از جانب خداوند به تو به کرامت و خوشحالی بشارت باد!» مؤمن به او می گوید: «خداوند به تو بشارت به نیکی دهد» آن شخص همواره همراه مؤمن هست و به هر خطری که می رسند به او می گوید: «این از آن تو نیست» و به هر نیکی گذر کنند می گوید :

1- کافی، ج 2، ص 189، ح 5؛ ثواب الأعمال، ص 163.

2- کافی، ج 2، ص 188، ح 3.

ص: 547

«این از آن تو است» و پیوسته چنین بشارت هایی به وی می دهد تا آنکه به جایگاه حساب و کتاب می رسد و هنگامی که راهی بهشت می شود به او می گوید: «بشارت باد تو را که خداوند دستور داد تو را به بهشت ببرند» مؤمن می پرسد: «تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خداوند به من خبر می دادی؟ آن شخص می گوید:

«من آن شادی هستم که در دل فلان برادر مؤمن خود ایجاد کردی، خداوند در دنیا مرا از آن شادی آفرید که بشارت دهنده تو ومونس تنهایی تو باشم». (1)

دیدار مؤمن و عیادت از بیماران

دیدار مؤمن

اهمیت دیدار مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای دیدن برادر مؤمن خود به خانه او برود، خداوند متعال خطاب به او می گوید: تو مهمان من هستی و به زیارت من آمده ای و حق میهمانی تو بر من آن است که چون برادر مؤمن خود را دوست داشتی بهشت را بر تو واجب کنم». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمن خود بیرون رود، به فرشته ای مأموریت می دهد که یک بالش را بر زمین بگذارد و با بال دیگرش سایه ای بر سرش بیفکند. و هنگامی که وارد خانه آن مؤمن شود، خداوند جبار ندا می کند: ای بنده ای که حق مرا بزرگ شمردی و از آثار پیامبر من پیروی کردی، بر من لازم است که تو را تعظیم و تکریم کنم. از من درخواست کن تا به تو عطا کنم و مرا بخوان تا دعایت را

1- کافی، ج 2، ص 191، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 177، ح 6.

ص: 548

اجابت نمایم. اگر بخواهی ساکت باش تا من (بدون درخواست تو) ابتدا به رحمت کنم. هنگامی که از خانه مؤمن بازگردد همان فرشته او را بدرقه می کند و بال خود را بر سر او می گیرد تا به خانه اش بازگردد. سپس خداوند متعال خطاب به وی می گوید: ای بنده من، حق مرا بزرگ شمردی، لازم است تو را گرامی بدارم. بهشت را بر تو واجب کرده و مقام شفاعت بندگانم را به تو عطا کردم». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس قادر نباشد بر ما احسان کند بر صالحان و شیعیان ما احسان کند، تا ثواب احسان بر ما در نامه اعمالش نوشته شود. و هر کس قدرت بر زیارت ما نداشته باشد به دیدار صالحان از شیعیان ما برود، تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود». (2)

پاداش دیدار مؤمن

1. در روایاتی معتبر می خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هر کس به خاطر رضای خدا به دیدن برادر مؤمن خود برود، خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت دهد تا هنگام بازگشت به خانه اش به وی گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارایت باد». (3)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل به من گفت: خداوند فرشته ای را به زمین فرستاد، آن ملک به مردی رسید که بر در خانه ای ایستاده بود و از صاحب خانه اجازه می گرفت تا وارد خانه شود. ملک پرسید: با صاحب این خانه چه کار داری؟ گفت: برادر مسلمان من است، برای رضای خدا به دیدنش آمده ام. فرشته پرسید: هیچ انگیزه دیگری جز دیدار او نداری؟ گفت :

1- کافی، ج 2، ص 178، ح 12.

2- ثواب الأعمال، ص 124.

3- کافی، ج 2، ص 175، باب زیاره الإخوان، ح 1.

ص: 549

نه. ملک گفت: من رسول پروردگار به سوی تو هستم. خداوند تو را سلام می رساند و می گوید: بهشت را بر تو واجب کردم. خداوند فرماید: هر مسلمانی که به دیدن مسلمان رود، گویا به زیارت من آمده و ثوابش بهشت است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدار برادر مؤمن به قصد قربت، بهتر از آزاد کردن ده برده است. و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال در مقابل هر عضوی از اعضای آن برده، عضوی از اعضای او را از آتش جهنم آزاد می کند.» (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «به شیعیانم از سوی من سلام برسان و بگو: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگری بنشیند و از احادیث ما یاد کند که نفر سوم آنها فرشته ای است که از برای آنها استغفار می کند.» (3)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوشا به حال آنان که به خاطر رضای خدا با یکدیگر دوستی کنند، زیرا خداوند متعال در بهشت ستونی از یاقوت سرخ خلق کرده که بر آن ستون هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه که خداوند آنها را برای کسانی که با یکدیگر دوستی کرده و برای رضای خدا به دیدار یکدیگر می روند آفریده است.» (4)

آثار دیدار مؤمن

1. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «با همنشینی و گفت و گو، مذهب و دین ما برایتان زنده می شود. بهترین مردم بعد از

1- کافی، ج 2، ص 176، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 178، ح 13.

3- بشاره المصطفی، ص 110؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 200، ح 8.

4- خصال، ج 2، ص 435، ح 12؛ بحار الأنوار، ج 18، ص 83، ح 1.

ما کسی است که ما را یاد کند و در مورد احادیث ما گفت و گو کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه های یکدیگر به دیدن هم بروید که دین ما به این کار زنده می ماند. خداوند رحمت کند کسی که مذهب ما را زنده نگه می دارد». (2)

عیادت بیماران

اعلان بیماری و اجازه ملاقات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که بیمار شود سزاوار است به برادران مؤمن خویش اعلان کند تا به عیادت او آیند، چرا که عیادت کنندگان ثواب می برند و بیمار نیز به سبب خبردار کردن آنها ثواب می برد؛ با این کار ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از نامه اعمالش محو و ده درجه بر درجاتش افزوده می شود». (3)

2. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «شخص بیمار به مردم اجازه دهد که به عیادت او بیایند (و برای او دعا کنند)، زیرا هیچ کس نیست مگر اینکه دعایی مستجاب دارد». (4)

آداب عیادت از بیمار

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در درد (بیماری های) چشم عیادت نیست. و در روزهای نخست باید سه روز پی در پی به عیادت بیمار رفت، پس از آن یک روز در میان و اگر بیماری طولانی شد عیادت

1- بحار الأنوار، ج 74، ص 354، ح 31.

2- خصال، ج 1، ص 74، ح 72؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 144، ح 6.

3- کافی، ج 3، ص 117، ح 1.

4- کافی، ج 3، ص 117، ح 2.

ص: 551

(پی در پی) لازم نیست». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید (هدیه ای مانند) سیب، یا به، یا ترنج، یا بوی خوش، یا عود همراه خود ببرید که بیمار با آن آرامش می یابد». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «عیادت کامل آن است که به هنگام دعا کردن برای بیمار، دست بر دستش بگذارید و زود از نزد او برخیزی که عیادت احمقان (که بسیار مزاحم بیمار می شوند) برای بیمار از تحمل درد دشوارتر است». (3)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیادت کننده ای که زودتر برخیزد ثوابش بیشتر است، مگر آنکه بیمار تقاضای نشستن او را کند». (4)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به عیادت برادر مؤمن خود می رود از بیمار بخواهد که برای او دعا کند که دعای او مانند دعای فرشتگان است». (5)

پاداش عیادت از بیمار

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به عیادت بیمار مسلمانی برود، در آن روز هفتاد هزار فرشته بر او صلوات می فرستند، اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیماری عیادت کند، هفتاد هزار ملک او

1- کافی، ج 3، ص 117، ح 1.

2- کافی، ج 3، ص 118، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 361.

3- کافی، ج 3، ص 118، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 360.

4- کافی، ج 3، ص 118، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 360.

5- مکارم الأخلاق، ص 361.

6- کافی، ج 3، ص 121، ح 8.

ص: 552

را مشایعت کرده و تا به خانه برگردد برایش استغفار می کنند». (1)

3. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به عیادت مؤمنی برود در رحمت الهی فرو رود، هنگامی که نزد او بنشیند رحمت خداوند او را احاطه کند و هنگامی که بازگردد خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت می دهد که برای او طلب آمرزش کرده و بر وی رحمت فرستند و به او بگویند: خوشا به حال تو! بهشت گوارایت باد تا روز دیگر در چنین وقتی. و خداوند مکانی از بهشت را به او عطا می کند که سوارکار چهل سال در آن بتازد (تا به انتهای آن برسد)». (2)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به عیادت بیمار مؤمنی رود، خداوند متعال به فرشته ای مأموریت می دهد که در قبر به دیدار وی رود و تا قیامت برایش استغفار کند». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیمار عیادت کند، خداوند هفتاد هزار ملک را مأمور می سازد که همواره به خانه او رفت و آمد کرده و در آن خانه تا قیامت، تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی به جا آورند و نصف ثواب فرشتگان برای او باشد». (4)

اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک ها به مؤمنان

اطعام کردن مؤمنان

اهمیت اطعام کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که سیر بخوابد

1- کافی، ج 3، ص 120، ح 2.

2- کافی، ج 3، ص 120، ح 3.

3- کافی، ج 3، ص 120، ح 4.

4- کافی، ج 3، ص 120، ح 5.

ص:553

در حالی که برادر مسلمانش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین اعمال نزد خداوند متعال سه چیز است : سیر کردن شکم مسلمان گرسنه، پرداخت بدهی مسلمان، برداشتن غمی از

دل او». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از مخلوقات پروردگار ثواب سیر کردن شکم مؤمن را نمی داند، نه ملک مقرب و نه پیامبر مرسل، بلکه فقط پروردگار جهانیان ثواب آن را می داند». (3)

پاداش های دنیوی اطعام کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خیر وبرکت در خانه ای که در آن اطعام می شود از فرو رفتن کارد به کوهان شتر، سریع تر

وارد می شود». (4)

2. در روایتی آمده است: هر کس برادر مؤمن خود را برای رضای خدا اطعام کند، گویا صد هزار تن از دیگر انسان ها را غذا داده است. (5)

3. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام خطاب به سدیر صرّاف فرمود: «چرا هر روز یک برده آزاد نمی کنی؟» عرض کرد: توانایی مالی ندارم. حضرت فرمود: «برای تحصیل این ثواب کافی است روزی یک مسلمان را سیر کنی». عرض کرد: مسلمان فقیر یا مالدار؟ فرمود: (تفاوتی نمی کند) «مالدار هم گاه نیازمند غذاست». (6)

1- محاسن، ص 98، ذیل حدیث 62.

2- محاسن، ص 294، ح 457.

3- کافی، ج 2، ص 201، ح 6.

4- محاسن، ص 390، ح 25.

5- کافی، ج 2، ص 202، ح 11.

6- کافی، ج 2، ص 202، ح 12.

ص: 554

4. در حدیثی دیگر فرمود: «غذایی که برادر مسلمان نزد من بخورد، از آزاد کردن یک بنده برای من بهتر است». (1)

5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس مؤمن ثروتمندی را غذا دهد، گویی یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است. و هر کس مؤمن نیازمندی را طعام دهد، گویی صد برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است». (2)

پاداش های اخروی اطعام کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می شود و هر کس کافر(ی را که با مسلمانان دشمنی دارد) سیر کند، بر خداوند لازم است شکم او را از زقوم جهنم پر کند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سه تن مسلمان را سیر کند، خداوند متعال به او از سه قسمت بهشت غذا می دهد: جنة الفردوس، جنة العدن، و جنة طوبی». (4)

3. نیز در روایتی فرمود: «از جمله چیزهایی که آمرزش الهی را واجب می گرداند، غذا دادن به مسلمان گرسنه است». (5)

مجازات ترک اطعام کردن

از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سیر

1- کافی، ج 2، ص 203، ح 13.

2- کافی، ج 2، ص 203، ح 19.

3- کافی، ج 2، ص 200، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 200، ح 3.

5- کافی، ج 2، ص 201، ح 6.

ص: 555

بخوابد و مؤمن گرسنه ای نزدیک او باشد، خداوند متعال به فرشتگان گوید: شما را بر این بنده گواه می گیرم که من به او امری کردم و نافرمانی کرد و اطاعت دیگران نمود. بدانید که او را به سبب عمل خودش رها کردم و هرگز او را نمی بخشم». (1)

سیراب کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مسلمان تشنه ای را در جایی که آب باشد سیراب کند، خداوند متعال در مقابل هر جرعه ای هفتاد هزار حسنه به وی خواهد داد. و اگر در جایی که آب کمیاب باشد سیرابش کند، گویی ده برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار عمل است که هر کس یکی از آنها را به جا آورد وارد بهشت می شود: سیراب کردن تشنه، سیر کردن شکم گرسنه، پوشانیدن بدن عریان، آزاد کردن برده ای که در سختی و مشقت است». (3)

پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی خانمان ها

1. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس لباس اضافه ای داشته باشد و بداند که برادر مؤمنش به آن نیاز دارد و به وی ندهد، خداوند متعال او را در آتش جهنّم سرنگون خواهد کرد». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خانه ای داشته باشد و مؤمنی به آن نیاز داشته باشد و صاحب خانه راضی نشود که از خانه اش استفاده

1- محاسن، ص 97، ح 62.

2- کافی، ج 2، ص 201، ح 7.

3- محاسن، ص 294، ح 456.

4- محاسن، ص 98، ح 63.

ص: 556

کند، خداوند متعال فرماید: بنده من به سکونت بنده دیگر من در خانه اش بخل ورزید. به عزّتم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد». (1)

برطرف کردن مانع سر راه مردم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از سر راه مسلمانان چیزی که مزاحم عبور و مرور آنهاست بردارد، خداوند متعال ثواب خواندن چهارصد آیه قرآن برای او بنویسد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «(گاه) بنده ای از بندگان خدا با برداشتن یک خار از سر راه مسلمانان به بهشت می رود». (3)

هدیه دادن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هدیه فرستادن قبل از آنکه نیازمند حاجت خود را بگویند، کار بسیار خوب و نیکویی است». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «برای یکدیگر هدیه بفرستید که کینه ها را از سینه ها زایل می کند». (5)

3. در روایتی دیگر فرمود: «ظرف های هدیه را بازگردانید تا هدیه دادن ادامه داشته باشد». (6)

4. نیز در حدیثی فرمود: «هدیه بر سه قسم است: هدیه ای که در برابرش توقع

1- محاسن، ص 101، ح 75؛ کافی، ج 2، ص 367، ح 3.

2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 384، باب 19، ح 2.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 186.

4- خصال، ج 1، ص 77، ح 92؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 44.

5- خصال، ج 1، ص 77، ذیل حدیث 92؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 44.

6- امالی طوسی، ج 1، ص 310.

ص: 557

داشته باشی و هدیه ای که به عنوان رشوه بدهی و هدیه ای که برای رضای خدا وبدون چشمداشت بدهی». (1)

حقوق فقرا،ضعفا،مظلومان،پیران،دوستان وآداب معاشرت با آنان

فقرا ونیازمندان

حقیقت فقر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فقر ونداری امانتی است از سوی خدا، هر کس آن را پنهان کند خداوند متعال به او ثواب کسی را می دهد که روزها روزه باشد و شب ها به نماز ایستد و هر کس آن را نزد کسی که قادر بر برآوردن حاجت و نیازش باشد اظهار کند و شخص توانگر حاجتش را برآورده نکند، در حقیقت آن فقیر را به قتل رسانده است؛ البتّه نه با شمشیر و نیزه، بلکه بر اثر جراحی که بر قلب او وارد کرده است». (2)

طرز رفتار با نیازمندان

شخص ثروتمندی که لباس های پاکیزه (وگران قیمتی) پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و نشست. سپس مرد نیازمندی که لباس هایی مندرس و کهنه بر تن داشت خدمت آن حضرت رسید و کنار مرد ثروتمند نشست. آن شخص لباس خود را از زیر پای فقیر بیرون کشید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله (که متوجّه رفتار زشت مرد ثروتمند شد) فرمود: «ترسیدی چیزی از فقر او دامنگیر تو شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی لباس هایت چرکین شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «چرا چنین کردی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، همنشین بدی از نفس

1- خصال، ج 1، ص 114، ح 22؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 45، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 260، ح 3.

ص: 558

و شیطان دارم که کارهای بد را نزد من تزیین کرده و کارهای نیک را بد جلوه می دهد. اکنون برای جبران این خطا نصف اموال را به این مرد می بخشم. حضرت خطاب به فقیر فرمود: «قبول می کنی؟» عرض کرد: نه. مرد ثروتمند گفت: چرا؟ فقیر گفت: می ترسم مثل تو شوم. (1)

وضعیت فقرا در جهان آخرت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمنان فقیر (2) چهل

سال زودتر از ثروتمندان مؤمن از نعمت های بهشتی استفاده می کنند» سپس فرمود: «مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که به عشاری (مأمور أخذ عوارض) بگذرند. کشتی خالی را زود روانه می کنند و کشتی پر بار را برای حسابرسی

نگاه می دارند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت همانند کسی که پوزش می طلبد، به فقیران می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که شما را در دنیا برای خواری و ذلت فقیر نکردم و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد. هر کس در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرد و وارد بهشت کنید. فقیری گوید: خدایا، اهل دنیا در دنیا زنان خوشرو و زیبا داشتند و لباس های نرم و فاخر می پوشیدند و غذاهای لذیذ می خوردند و در خانه های خوب ساکن می شدند و بر مرکب های نفیس و راهوار سوار می شدند، پس امروز به ما نیز مانند آنان عطا فرما. خداوند می فرماید: به هر یک از شما همانند هفتاد برابر آنچه به جمیع اهل دنیا از اول دنیا تا آخر دنیا داده ام، می دهم». (4)

1- کافی، ج 2، ص 262، ح 11.

2- منظور از فقیر در این روایات کسی است که زندگی ساده و دور از زرق و برق دارد.

3- کافی، ج 2، ص 260، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 261، ح 9.

ص: 559

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روز قیامت گروهی از مردم به سوی بهشت حرکت می کنند. ملائکه به آنها می گویند: کیستید؟ فقرا هستیم. گویند: دوست دارید پیش از حساب و کتاب به بهشت بروید؟ جواب می دهند: چیزی به ما نداده اید که ما بر آن حساب کنیم. خداوند متعال فرماید: راست می گویند به بهشت بروید». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اغنيا را به سبب گرامی بودنشان نزد من، توانگر نگردانیدم و فقیران را به سبب خواریشان نزد من، بی چیز نکردم بلکه توانگران را با فقیران امتحان کرده ام و اگر فقیران نبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند». (2)

پاداش صبر بر فقر و مجازات بی حرمتی به نیازمندان

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی فقیر فرمود: «آیا اتفاق می افتد که به بازار بروی و میوه و چیزهای ارزشمند ببینی و قادر بر خریدن آن نباشی؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر چیزی که ببینی و قدرت بر خرید آن نداشته باشی حسنه ای برای تو نوشته می شود». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را به سبب فقر و نیازش حقیر و ذلیل بشمرد، خداوند او را در حضور همه مخلوقات در روز قیامت رسوا می کند». (4)

1- کافی، ج 2، ص 264، ح 19.

2- کافی، ج 2، ص 264، ح 20.

3- کافی، ج 2، ص 264، ح 17.

4- کافی، ج 2، ص 353، ح 9.

ص: 560

بنده مؤمن

مقام مؤمن

1. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می فرماید: هر که بنده مؤمن مرا آزار دهد، با من اعلان جنگ کرده است. و هر که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد، از خشم من در امان است. و اگر در میان شرق و غرب عالم جز یک مؤمن همراه با امام عادل نباشد، عبادتشان برای (هدف من از آفرینش) کافی است. و بی شک هفت آسمان وزمین به خاطر آنها برپاست و به سبب ایمانشان اُنسی برای آنها قرار دهم که محتاج به مونس دیگر نباشند». (1)
2. در احادیث معتبر آمده است که: «خداوند متعال فرمود: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار گرداند، گویی در برابر من به جنگ ایستاده است. و من دوستان خود را بسیار زود یاری می کنم». (2)
3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را ذلیل کند، خداوند او را خوار کند». (3)
4. در حدیثی دیگر فرمود: «ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند». (4)
5. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند متعال مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده، پس هر کس بر او طعنه زند، یا سخنش را رد کند، گویی سخن خدا را رد کرده است». (5)

1- کافی، ج 2، ص 350، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 351، ح 5.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 185.

4- معانی الأخبار، ص 195؛ امالی صدوق، ص 21.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 312.

ص: 561

6. نیز در حدیثی فرمود: «چه بسا ژولیده موی غبارآلوده ای که دو لباس کهنه پوشیده، اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند». (1)

چرا مؤمن را مؤمن گویند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مؤمن را از آن رو مؤمن گویند که مردم از نظر جان و مال خود از او درامانند. و مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند. و مهاجر کسی است که از گناهان، هجرت و دوری کند». (2)

ترسانیدن مسلمان و دشنام دادن مؤمن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست مسلمانی مسلمان دیگری را بترساند». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دشنام دادن مؤمن، گناهی بزرگ و جنگ با او کفر و غیبت کردن او، نافرمانی خداست». (4)

مجازات تحقیر کردن مؤمن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ضعیفان را برادران مؤمن خود بدانید و آنها را حقیر نشمارید که هر کس مؤمنی را حقیر بشمرد، خداوند او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند، مگر آنکه توبه کند». (5)

1- امالی طوسی، ج 2، ص 44.

2- بحار الأنوار، ج 75، ص 148، ح 2.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 70، ح 327.

4- کافی، ج 2، ص 359، ح 2.

5- خصال، ج 2، ص 405؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 93.

ص:562

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مردم را مسخره کند، امیدی به محبت آنها نداشته باشد». (1)

3. نیز در حدیثی فرمود: «مؤمن فقیر را حقیر نشمارید، چرا که هر کس مؤمن فقیری را حقیر بشمرد یا او را استخفاف کند، خداوند وی را حقیر می شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند». (2)

مجازات آزار دادن مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به آزار مؤمنی کمک کند، در روز قیامت جمله «ناامید از رحمت الهی» بر پیشانی اش نوشته شود». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به مؤمنی دست بزند که او را به سبب آن دلیل کند، یا سیلی بر صورت او بزند، یا چیزی که ناپسند است نسبت به او انجام دهد، ملائکه پیوسته او را نفرین کنند، تا او را راضی و از کارش توبه کند؛ بنابراین، در آزار و اذیاء مردم عجله نکنید که شاید او مؤمن باشد و شما ندانسته مؤمنی را آزار کرده باشید. و صبر و مدارا را پیشه خود کنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و مدارا نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سیلی بر صورت مسلمانی بزند، خداوند در روز قیامت استخوان هایش را از هم بپاشد و دست بر گردن در حالی که در زنجیر باشد محشور شود تا وارد جهنم شود، مگر آنکه توبه کند». (5)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را از

1- خصال، ج 2، ص 201، ح 14؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 67، ح 4.

2- ثواب الأعمال، ص 299.

3- محاسن، ص 103، ح 80؛ کافی، ج 2، ص 368، ح 3.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 523، باب 300، ح 2.

5- امالی صدوق، ص 430.

ص: 563

مردی که صاحب نفوذ است بترساند که وی به او آزار می رساند ولی آن مرد آزاری نرساند، در آتش است و اگر او را بترساند و آزاری به او برساند، با فرعون و خاندان فرعون در آتش دوزخ باشد». (1)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست، اگر اهل آسمان ها وزمین همگی بر قتل مؤمنی عزم خود را جزم کنند، یا راضی به کشته شدن او شوند، خداوند همه آنان را وارد جهنّم می کند. و به حقّ خداوندی که جانم به دست اوست، هیچ کس دیگری را به ناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنّم مثل آن تازیانه را می خورد». (2) و هر کس

نگاه کند به مؤمنی و با آن نگاه او را بترساند، خداوند در روزی که به جز او پناهی نباشد، او را به صورت مورچه ای محشور گرداند». (3)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام نگاه کردن به مؤمن به او طعنه زند، سزاوار بدترین مردن هاست و عاقبتش به خیر نباشد». (4)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «لعنتی که از دهان شخصی خارج می شود معلق و سرگردان است. اگر مستحقش را پیدا کند آنجا قرار می گیرد، و گرنه به گوینده اش بازمی گردد». (5)

مجازات ترک کردن یاری مؤمن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ظالمی کسی را بزند، یا بکشد، یا بر او ستم کند، اگر نمی توانید به او کمک کنید، کسی از شما در آن مکان

1- کافی، ج 2، ص 368، ح 2.

2- امالی مفید، ص 216، ح 3.

3- جامع الأخبار، ص 147.

4- کافی، ج 2، ص 361، ح 9.

5- کافی، ج 2، ص 360، ح 7.

ص: 564

حاضر نشود زیرا یاری مؤمن بر مؤمنی که حضور دارد واجب است». (1)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که برادر مؤمن خود را یاری نکند، در حالی که بر یاری وی توانایی دارد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری نکند». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شخصی از نیکان و خوبان را در قبرش نشانند و به او گفتند: صد تازیانه از عذاب بر تو می زنیم. گفت: طاقت ندارم. پس یکی کم کردند. گفت طاقت ندارم. یکی یکی کم کردند تا به یک تازیانه رسید. گفت طاقت ندارم.

گفتند: چاره ای نیست. پرسید به چه علت این تازیانه را بر من می زنید؟ گفتند: به این سبب که روزی بی وضو نماز خواندی و بر ضعیفی که بر او ظلم می شد گذشتی و یاریش نکردی. سپس تازیانه ای از عذاب خدا بر او نواختند که قبرش پر از آتش شد». (3)

پاداش گرامی داشتن مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را از روی لطف به یک کلمه گرامی بدارد، یا حاجت او را برآورد، یا غمی از غم های او را برطرف کند، تا زمانی که در حال کمک و مهربانی به برادر مؤمن خود باشد رحمت الهی بر سر او سایه اندازد». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت به چهار گروه نظر رحمت می افکند: فروشنده ای که به هنگام پشیمانی مشتری حاضر به فسخ معامله و دریافت جنس و بازگرداندن پول او شود. کسی

1- قرب الإسناد، ص 61، ح 171.

2- محاسن، ص 99، ح 66؛ امالی صدوق، ص 485، ح 16.

3- ثواب الأعمال، ص 267.

4- بحار الأنوار، ج 74، ص 299، ح 34.

ص: 565

که به فریاد مضطرب برسد. کسی که برده ای را آزاد کند. کسی که شخص مجرّدی را روانه خانه بخت سازد». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای کسی که به فریاد برادر مؤمن خود برسد و او را از ورطه غم یا اندوهی بیرون آورد، ده حسنه می نویسد و ده درجه بر درجاتش می افزاید و ثواب آزادی ده برده را به وی کرامت می فرماید و ده عذاب را از او برمی دارد و شفاعت ده تن را برای او در قیامت آماده می سازد». (2)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بیچاره ای را در راهی ببیند که بارش افتاده و کسی به او کمک نمی کند، به فریاد او برسد و او را بر مرکب خود سوار کند و بارش را از زمین بردارد، خداوند متعال خطاب به وی فرماید: خود را به مشقت انداختی و نهایت کوشش را در فریادرسی برادر مؤمن خود به کار بستی، پس عده ای از فرشتگان را که عددشان بیش از تمام انسان ها از اول دنیا تا آخر دنیا باشد و هر کدام از آنها چندان قوی است که برداشتن آسمان ها و زمین ها برایش آسان باشد، مأمور می کنم که در بهشت برای تو قصرها و خانه هایی بسازند و درجاتی بر درجاتت بیفزایند و هنگامی که وارد بهشت شوی از پادشاهان بهشت باشی. و هر که ضرر ظالمی را از مظلومی برطرف کند که می خواست به بدن یا مال او ضرر برساند، خداوند متعال به تعداد هر سخنی از گفته های او و به عدد هر حرکتی از حرکات او و به شمار هر درنگی از درنگ های وی، صد هزار فرشته خلق کند، تا شیطنت شیاطینی که قصد گمراهی او را داشته اند دور کنند...». (3)

1- خصال، ج 1، ص 211، ح 48؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 96، ح 24.

2- ثواب الأعمال، ص 178.

3- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 81، ح 43.

ص: 566

مجازات نپذیرفتن دیدارکننده

1. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چه می فرمایید در مورد مسلمانی که مسلمان دیگر به دیدن او می آید و او در خانه است و اجازه نمی دهد که وارد شود؟ حضرت فرمود: «هر مسلمانی که به دیدن مسلمانی رود، یا در پی کاری به سراغ او رود و او در خانه باشد و (بدون عذر) رخصت ندهد و از خانه بیرون نیاید، پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که میان او و مؤمن دیگر مانعی باشد که نتواند به او برسد، خداوند متعال در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که ضخامت هر دیواری هزار سال راه باشد.» (2)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار مؤمن در زمان بنی اسرائیل زندگی می کردند. سه تن از آنان برای گفت و گو در مورد موضوعی در خانه ای جمع شده بودند. نفر چهارم به در آن خانه آمد و در زد. غلام صاحب خانه بیرون آمد. پرسید: مولایت کجاست؟ گفت: در خانه نیست. آن شخص برگشت. و غلام جریان را به مولای خود گفت: مولایش اعتراض نکرد و غلام را در برابر این کار خلاف، سرزنش نکرد و هیچ یک از آن سه تن از بازگشت آن مؤمن آزرده خاطر نشدند. صبح روز بعد آن شخص نزد آنها آمد و دید آن سه تن از خانه بیرون آمده، به سمت مزرعه خود می روند. به آنها سلام کرد و گفت: با شما بیایم؟ گفتند: آری. اما نسبت به روز گذشته عذرخواهی نکردند چرا که آن مرد نیازمند بود. در اثنای راه ناگاه ابری در آسمان ظاهر شد، گمان کردند که باران خواهد آمد. حرکت خود را تند کردند. هنگامی که ابر به محاذی سر آنها رسید، منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش، آنها را بگیر! من

1- کافی، ج 2، ص 365، ح 4.

2- محاسن، ص 101، ح 74.

ص: 567

جبرئیل هستم و از جانب خدا آمده ام. ناگهان آتشی آمد و آن سه تن را ربود و نفر چهارم ترسان و حیران و متعجب ماند. پس به شهر بازگشت و به خدمت حضرت یوشع علیه السلام رسید و داستان را برای آن حضرت بیان کرد. حضرت یوشع علیه السلام فرمود: خداوند متعال به سبب کاری که با تو کردند بر آنها خشم گرفت پس از آنکه از آنها راضی بود. سپس قصه را برای آن مرد شرح داد. آن مرد پس از شنیدن داستان گفت: من آنها را حلال کردم و از خطای آنها درگذشتم. یوشع علیه السلام گفت: اگر پیش از آمدن عذاب گذشت می کردی به حال آنها سودی داشت، ولی اکنون که عذاب نازل شده سودی ندارد؛ شاید در قیامت برای آنها نفعی داشته باشد». (1)

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حرمت پیرمردی را بشناسد او را به خاطر سنّش تعظیم کند، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «تعظیم و تکریم مؤمن ریش سفید، تعظیم خداست». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که به پیران ما تعظیم و به کودکان ما رحم نکند، از ما نیست». (4)

کمک به نابینایان و ناشنوایان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن

1- کافی، ج 2، ص 364، ح 2.

2- نوادر راوندی، ص 141، ح 1.

3- ثواب الأعمال، ص 225.

4- جامع الأخبار، ص 92.

ص: 568

حاجتی از حاجات شخص نابینا قدم بردارد و تلاش کند که خداوند آن مشکل را حل کند، خداوند متعال او را از نفاق و آتش جهنّم دور کرده و هفتاد حاجت از حاجت های دنیوی او را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد». (1)

2. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می خوانیم که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به مقدار مسافت چهل گام بر روی زمین هموار، راهنمای نابینایی شود خداوند در مقابل هر قدم، قصری در بهشت به او می دهد که بسیار وسیع است. و اگر بر سر راهش خطری باشد او را از آن نجات دهد

آن را در ترازوی حسناتش بگذارند و آن را صد هزار بار وسیع تر از دنیا بیابد و همه گناهانش را محو کند و او را به اعلا غرفه های بهشت برساند». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناشنوایی کمک کند تا چیزی را به او بفهماند و از این کار خسته و دل‌تنگ نگردد، این کار صدقه ای آسان برای وی محسوب می شود». (3)

مبتلایان به بیماری های سخت

به اهل بلا زیاد نگاه نکنید

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به اصحاب بلا و مبتلایان به بیماری خوره زیاد نگاه نکنید که اندوهناک می شوند». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به اهل بلا (و بیماران و اگیردار) کم نگاه کنید و به

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 9؛ مکارم الأخلاق، ص 431.

2- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 81، ج 43.

3- ثواب الأعمال، ص 168، ج 5.

4- طبّ الأئمّه، ص 106.

ص: 569

نزد آنان نروید و هنگامی که از کنارشان عبور می کنید با سرعت حرکت کنید، تا آنچه به آنها رسیده به شما نرسد». (1)

اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی از مبتلایان به بلا را دیدی سه مرتبه آهسته، به گونه ای که او نشنود، بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا اَبْتَلَاکَ بِهٖ وَکُوْ شَاءَ فَعَلَ (2) و هر کس به این دستور عمل کند هرگز بلایی

به او نرسد». (3)

2. در روایتی دیگر، خواندن این دعا سفارش شده است: «اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَا اَسْخَرُ وَلَا اَفْخَرُ وَلَکِنِّ اَحْمَدُکَ عَلٰی اَعْظَمِ نِعْمٰتِکَ عَلٰیَّ». (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که اصحاب بلا را می بینید، خدا را حمد و سپاس گویند اما به گونه ای که آنها نشنوند، تا باعث اندوهشان نشود». (5)

آداب رفتار با مبتلایان به خوره

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از مبتلایان به بیماری خوره دوری کنید، همان گونه که از شیر درنده می گریزید. وبا آنها سخن نگویند،

1- طبّ الأئمّه، ص 106.

2- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا عافیت بخشید از آنچه که تو را به آن مبتلا ساختو اگر می خواست مرا نیز مبتلا می کرد».

3- امالی صدوق، ص 267، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 351.

4- ترجمه: «بار خدایا، کسی را استهزاء نمی کنم و بر کسی فخر نمی فروشم، ولی تو را به بزرگ ترین نعمت هاییکه بر من ارزانی داشته ای حمد و ستایش می کنم». کافی، ج 2، ص 98، ح 22.

5- مکارم الأخلاق، ص 351.

ص: 570

مگر اینکه بین شما و آنها (لااقل) یک ذراع (نیم متر) فاصله باشد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «پنج گروهند که در همه حال باید از آنها دوری کرد: مبتلایان به خوره، مبتلایان به پیسی، دیوانگان، اولاد زنا، اعراب بادیه نشین (ودور از شرع و آداب)». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مبتلایان به خوره را ببینید از خداوند عافیت بطلبید و از بیماری آنها غافل نشوید که مبادا به شما سرایت کند». (3)

رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان

غیبت

ماهیت غیبت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت زین العابدین امام سجاد علیه السلام عرض کرد: فلان کس شما را گمراه و مبتدع می داند. حضرت فرمود: «حقّ همنشینی را رعایت نکردی که سخن او را برای من گفتی. وحقّ مرا رعایت نکردی که آنچه را از او نمی دانستم به من رساندی. مرگ در کمین همگان است وپس از مرگ محشور خواهیم شد. ووعده گاه همه قیامت است و خداوند در میان ما حکم خواهد کرد. غیبت نکن که غذای سگان جهنّم است». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در حق برادر مؤمن خود چیزی بگوید که با چشمانش دیده و با گوش هایش شنیده، از کسانی خواهد بود که خداوند فرماید: به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 363، ح 1727.

2- خصال، ج 1، ص 260، ح 37؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 15، ح 4.

3- بحار الأنوار، ج 75، ص 15، ح 5.

4- احتجاج، ج 2، ص 45.

ص: 571

بایمان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است. (1) « (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غیبت آن است که در مورد برادر مؤمن خود عیب و گناهی را بگویی که خداوند بر او پوشانده است. و بهتان آن است که در مورد او چیزی بگویی که در او نباشد». (3)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غیبت از زنا بدتر است، زیرا زناکار توبه می کند و خدا توبه اش را می پذیرد، اما توبه غیبت کننده قبول نمی شود، مگر زمانی که آن شخص او را حلال کند». (4)

غیبت را ترک کنید

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به خدا و رسولش ایمان دارد، در مجلسی که به امامی دشنام دهند، یا غیبت مسلمانی کنند، توقّف نمی کند». (5)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که با چشمان خود گناهی از او ندیده باشی و دو شاهد عادل نیز بر دیدن گناه از وی گواهی ندهند، او عادل و گواهی اش قبول است؛ هر چند در واقع گناهکار باشد. و هر کس مسلمانی را غیبت کند به گناهی که در آن مسلمان باشد (و شنونده از آن خبر نداشته باشد)، از تحت سرپرستی خداوند خارج می شود و تحت سرپرستی شیطان درمی آید. پدرم از پدرانیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که فرمود: هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او باشد، خداوند در بهشت در میان آنها جمع

1- سوره نور، آیه 18.

2- کافی، ج 2، ص 357، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 358، ح 7.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 557، باب 345، ح 1؛ الاختصاص، ص 226.

5- تفسیر قمی، ج 1، ص 204؛ السرائر، ج 3، ص 639.

ص: 572

نکند. و هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او نباشد رابطه برادری آنها بریده شود و جای غیبت کننده در جهنم است». (1)

مجازات غیبت کننده

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی کند، ثواب روزه و وضویش از بین می رود و بویی از وی در روز قیامت برخیزد که از بوی مردار بدتر باشد، به گونه ای که موجب آزار همه اهل محشر شود. و اگر پیش از توبه بمیرد، چیزی را که خدا حرام کرده، حلال کرده است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سخنی در مذمت مؤمنی بگوید تا عیب او را آشکار کند و شخصیت او را درهم شکند و او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از تحت سرپرستی خود بیرون کرده و در سرپرستی شیطان وارد می کند». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس شخصی را در گناهی که کرده رسوا کند، گویا خودش آن گناه را مرتکب شده است. و هر کس مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، تا خود به آن آلوده نشود از دنیا نرود». (4)

4. در احادیث معتبر آمده است که: «هر کس دو چهره و دو زبان داشته باشد، (یعنی در حضور مردم مدح و تعریف و تمجیدشان کند و در غیبت آنها غیبتشان کند)، هنگامی که در روز قیامت محشور شود دو زبان از آتش خواهد داشت که یکی در پیش صورت و دیگری در پشت سر وی باشد و در محشر ندا کنند که

1- امالی صدوق، ص 102، ج 3.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 8؛ مکارم الأخلاق، ص 430.

3- کافی، ج 2، ص 358، باب الروایه علی المؤمن، ج 1.

4- کافی، ج 2، ص 356، ج 2.

ص: 573

این شخص در دنیا دو چهره و دو زبان داشت». (1)

5. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردمی که به زبان مسلمان شده اید و هنوز ایمان در دلتان رسوخ نکرده است، مسلمانان را مذمت نکنید و در مورد عیوب آنها جست و جو نکنید که هر که در جست و جوی عیوب دیگران باشد، خدا او را رسوا می کند، هر چند در خانه اش گناه کرده باشد». (2)

آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند، یعنی در مجلسی که او را غیبت می کنند مانع این کار شود و از او دفاع کند، خداوند متعال هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از او دور می کند. و اگر قدرت بر ردّ غیبت داشته باشد و این کار را نکند، هفتاد برابر گناه غیبت کننده در نامه اعمالش می نویسند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حرف بدی را که در مورد برادر مسلمانش گفته اند رد کند، البته بهشت را برایش می نویسند». (4)

3. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از برادر مؤمنش نزد او غیبت کنند و او را یاری کند، خداوند وی را در دنیا و آخرت یاری دهد. و اگر قادر بر ردّ غیبت باشد و او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت پست و خوار گرداند». (5)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در

1- خصال، ج 1، ص 81، ح 15؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 203، ح 5.

2- کافی، ج 2، ص 354، ح 2؛ امالی مفید، ص 23.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 8؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

4- ثواب الأعمال، ص 175.

5- محاسن، ص 103، ح 81؛ ثواب الأعمال، ص 178.

ص: 574

مجلسی حاضر باشد و شخصی همچون سگ در آن مجلس متعرض آبروی برادران مؤمن او شود و صاحب نفوذ باشد و بر آن ظالم رد کند و آبروی برادران مؤمن را نگاه دارد، خداوند متعال فرشتگانی را مأمور سازد که برای انجام دادن حج، پیرامون بیت المعمور اجتماع کنند در حالی که آنها نیمی از ملائکه آسمان هاینند به اضافه فرشتگان کرسی و عرش و آنها نصف ملائکه حجب هستند. و این فرشتگان همگی آن شخص را نزد خداوند مدح و ستایش کرده و برای او از خداوند تقاضای رفعت منزلت و بلندی مرتبت می کنند. و خداوند در پاسخ آنها فرماید: به تعداد هر یک از شما که به کمک او شتافته اید، مانند عدد تمام شما از درجات بهشت و قصرها و باغ ها و بوستان ها و درختان از آنچه خواهم که عقل هیچ مخلوقی به آن نرسد برای آن شخص واجب کردم». (1)

5. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را از بدگویی در مورد آبروی مسلمانان نگاه دارد، خداوند گناهانش را در قیامت بیامرزد». (2)

استثنائات غیبت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه فاسقی به طور آشکار گناه کند و پروایی از معصیت نداشته باشد، حرمت ندارد و غیبتش (درباره همان گناه) حرام نیست». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروه حرمت ندارند: بدعتگذاران، پیشوایان ظالم، فاسقانی که به طور آشکار گناه می کنند». (4)

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 82.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 85، ح 195.

3- امالی صدوق، ص 39، ح 7.

4- قرب الإسناد، ص 152، ح 632.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در مورد کسی چیزی بگوید که مردم آن را بدانند، غیبت محسوب نمی شود». (1)

حفظ الغیب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادران مؤمن شما غایب باشند از آنها یاد کنید به بهتر از آنچه دوست می دارید در غیبت شما یاد کنند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این سه خصلت را دارا باشد که هرگاه سخن گوید دروغ نگوید، در معاشرت با مردم به آنها ظلم نکند، چون وعده دهد به وعده اش وفا کند، چهار چیز درباره او لازم می شود: واجب است عدالتش در میان مردم آشکار گردد، مروّتش در میان مردم هویدا شود، غیبت او بر آن مردم حرام است، اخوت او بر آنها واجب است». (3)

برادر مؤمن را تصدیق کن

در حدیث است که محمد بن فضیل به حضرت امام کاظم علیه السلام عرض کرد: چیزی از یکی از برادران مؤمن در مورد من نقل می شود که مورد رضایت من نیست. حقیقت ماجرا را از وی جویا می شوم او انکار می کند. در حالی که گروهی از مردم مورد اعتماد آن مطلب را نقل کرده اند (چه کنم؟) حضرت فرمود: «در مورد حقّ برادر مؤمن ات چشم و گوش خود را تکذیب کن. اگر پنجاه نفر شهادت دهند و سوگند یاد کنند او انکار کند، سخن او را تصدیق کن و گفتار

آنها را نپذیر و در مورد او چیزی که موجب نقص و عیبش باشد فاش نکن (البته

2- امالی طوسی، ج 1، ص 229.

3- کافی، ج 2، ص 239، ح 28؛ خصال، ج 1، ص 197، ح 24.

ص: 576

این در مورد مسائل اخلاقی است، ولی در مسائل حقوقی اگر دو شاهد عادل بر چیزی گواهی دهند پذیرفته می شود». (1)

سرزنش کردن و شماتت مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در برابر بلایی که بر برادر مؤمن تو نازل شده، اظهار شادی و شماتت نکن که خداوند به او رحم کرده، بلا را از وی برطرف می کند و آن بلا را بر تو فرو می فرستد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را به مصیبتی که به آن مبتلا و گرفتار شده شماتت کند، از دنیا نرود تا به آن بلا مبتلا شود». (3)

3. در چندین حدیث معتبر آمده است که: نزدیک ترین حالت بنده به کفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزش ها و گناهانش را در خاطر بسپارد تا روزی او را به سبب آنها سرزنش کند. (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سرزنش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت سرزنش می کند». (5)

تهمت زدن و گمان بد بردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را متهم سازد، ایمان در دلش گذاخته شود، همان گونه که نمک در میان آب حل می گردد». (6)

1- ثواب الأعمال، ص 295.

2- کافی، ج 2، ص 359، باب الشماته، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 359، باب الشماته، ذیل حدیث 1.

4- کافی، ج 2، ص 355، ح 6.

5- کافی، ج 2، ص 356، باب التغییر، ح 1.

6- کافی، ج 2، ص 361، ح 1.

ص: 577

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گمان بد در حق مردم، بدترین دروغ هاست». (1)

سخن چینی

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «می خواهید به شما بگویم بدترین شما چه کسی است؟» عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: «کسانی که در میان مردم سخن چینی می کنند و در میان دوستان جدایی می اندازند و بر افراد پاک عیب می نهند». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهشت بر سخن چینان

حرام است». (3)

قهر و آشتی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو تن با آزرده‌گی و ناراحتی و قهر از هم جدا شوند، یکی از آنها مستحقّ بیزاری و لعن الهی است. و چه بسا هر دو چنین استحقاقی داشته باشند». شخصی پرسید: اگر یکی از آنها مظلوم باشد چرا مستحقّ نفرین است؟ فرمود: «زیرا برای آشتی قدم بر نمی‌دارد. چرا به نزد دیگری نمی‌رود و به او هدیه ای نمی‌دهد و از خطای او نمی‌گذرد؟» (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «قهر بیش از سه روز (در اسلام) نیست». (5)

1- مستدرک الوسائل، ج 9، ص 147، ح 13.

2- کافی، ج 2، ص 369، باب النمیمه، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 369، باب النمیمه، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 344، باب الهجره، ح 1.

5- کافی، ج 2، ص 344، باب الهجره، ح 2.

ص: 578

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا زمانی که دو مسلمان از یکدیگر آزرده خاطر و با هم قهر باشند، پیوسته شیطان شادی می‌کند و هنگامی که کدورت‌ها برطرف شود و با همدیگر آشتی کنند، زانوهای شیطان می‌لرزد و بندهایش از هم جدا شده و فریاد می‌زند: واولیاء، چه بلایی بر سر من آمد». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مسلمان از هم دوری کنند و سه روز بگذرد و با هم آشتی نکنند از اسلام خارج می شوند و رابطه ایمانی آنها قطع می شود. و هر کدام زودتر برای آشتی اقدام کند، در جهان آخرت زودتر به بهشت می رود». (2)

آداب رفتار با ظالمان

وضعیت حاکمان ظالم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ بنده ای به فرمانروایی نزدیک نمی شود، مگر آنکه از خدا دور می شود. و هیچ بنده ای مالش افزوده نمی شود، مگر آنکه حسابش دشوارتر می شود. و پیروان هیچ بنده ای بیشتر نمی شوند، مگر اینکه شیاطین او بیشتر می شوند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «صلاح دو صنف از امت من موجب صلاح تمام امت و فساد آنان موجب فساد همه امت است: فقها و فرمانروایان». (4)

3. در روایتی دیگر فرمود: «فرمانروایان از همه مردم بی وفاتر و کم محبت ترند». (5)

1- کافی، ج 2، ص 346، ح 7.

2- کافی، ج 2، ص 345، ح 5.

3- ثواب الأعمال، ص 310.

4- خصال، ج 1، ص 81، ح 11؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 336، ح 1.

5- امالی صدوق، ص 21.

ص: 579

جایگاه حاکمان عادل

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر مردم حکومت کند و عدالت را پیشه خود سازد و در خانه خود را به روی مردم بگشاید و موانع ملاقاتش را برای مردم مرتفع کند تا همه به او دسترسی داشته باشند و به احوال مردم برسد، بر خداست که ترس او را در قیامت به ایمنی مبدل گردانیده و او را وارد بهشت کند». (1)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در میان فرمانروایان گروهی هستند که خداوند متعال دین حق را به ایشان عطا کرده و آنان را بر شهرها مسلط گردانده، تا به سبب آنها ستم ها و ضررها را از دوستانش دور کند و به برکت آنان امور مسلمانان را اصلاح نماید و مؤمنان در سختی ها و گرفتاری ها به ایشان پناه برند و نیازمندان و شیعیان ما به آنان متوسل شوند و به سبب آنان، خداوند ترس مؤمنان را به ایمنی مبدل کرده است. این دسته از حاکمان در مملکت ظالمان، مؤمنان حقیقی و امینان خدا در زمین اند و نور آنها به اهل آسمان روشنی می دهد، همان گونه که ستاره به اهل زمین روشنی می دهد. و در قیامت نور آنها عرصه محشر را روشن می کند. آنها برای بهشت خلق شده اند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند متعال خیر مردمی را بخواهد، حاکم مهربانی بر آنان مسلط کرده و برای او وزیر عادل فرستد». (3)

کیفیت رفتار با حاکمان

اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام به شیعیان خود فرمود: «با ترک

1- امالی صدوق، ص 245، ح 2.

2- منیه المرید، ص 164 و 165.

3- امالی صدوق، ص 245، ح 3.

اطاعت از حاکم، خود را خوار نکنید؛ پس اگر عادل باشد از خداوند بقا و دوامش را تقاضا کنید و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بخواهید که اصلاحش کند که صلاح شما در صلاح حاکم شماست. و حاکم عادل به منزله پدری مهربان است. آنچه را برای خود می خواهید برای او نیز طلب کنید و آنچه را برای خود نمی خواهید برایش آرزو نکنید». (1)

2. در حدیثی به سند معتبر آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرمانروای خود را بر نیکی کردن به او یاری کند». (2)

تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس (بی جهت) متعرض فرمانروای ظالم شود واز او آزاری ببیند، خداوند او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر را روزیش نکند». (3)

2. در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به هنگام شهادت به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین سفارش کرد: «صالحان را برای صلاحشان دوست بدار و با فاسقان به ظاهر مدارا کن و در دل، دشمن آنها باش». (4)

بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بقای ظالمان را دوست داشته باشد، گویی دوست دارد که خدا را معصیت کنند. و هر کس دوست داشته باشد که خدا را معصیت کنند، آشکارا با خدا دشمنی کرده است». (5)

1- امالی صدوق، ص 338، ح 21.

2- ثواب الأعمال، ص 221.

3- ثواب الأعمال، ص 296.

4- امالی مفید، ص 129؛ امالی طوسی، ج 1، ص 6.

5- معانی الأخبار، ص 253.

ص: 581

2. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل می گفت: ظالم را بر ظلمش یاری نکنید که ارزش شما باطل می شود». (1)

3. در حدیث صحیح و معتبر دیگری فرمود: «هر کس ظالمی را بر ضدّ مظلوم یاری دهد، خداوند متعال پیوسته بر او خشمگین باشد تا دست از یاری او بردارد». (2)

به در خانه ظالم نرو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که دل را فاسد می کند و نفاق را در دل می رویاند همان گونه که آب درخت را می رویاند: شنیدن ساز و آواز، یاوه سرایی کردن و دشنام دادن، به در خانه حاکمان ظالم رفتن، به شکار (برای تفریح) رفتن». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به در خانه حاکمان (ظالم) و آنها که با حاکمان هستند نروید که نزدیک ترین شما به آنها دورترین شما از خداوند است. و هر کس حاکمی ظالم را بر خدا ترجیح دهد، خداوند پرهیزگاری را از او برداشته و او را سرگردان می کند». (4)

3. در حدیث است که عبد الغفار بن القاسم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام پرسید: در مورد رفتن نزد حاکم ظالم چه می فرمایید؟ فرمود: «این کار را برای تو خوب نمی دانم». عرض کرد: بسیار اتفاق می افتد که در سفر به شام مرا نزد

ابراهیم پسر ولید می برند. حضرت فرمود: «رفتن نزد شاهان و حکام سه پی امد منفی به دنبال دارد: محبت دنیا، فراموشی مرگ، راضی نبودن به آنچه خداوند

1- معانی الأخبار، ص 196.

2- ثواب الأعمال، ص 323.

3- خصال، ج 1، ص 214، ح 56؛ بحار الأنوار، ج 89، ص 73، ح 43.

4- ثواب الأعمال، ص 310.

ص: 582

روزی تو کرده است». عرض کرد: ای پسر رسول خدا، من اولاد بسیار دارم و برای تجارت به شام می روم. حضرت اجازه داد.
(1)

همکاری با ظالمین

1. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه می کنی؟» عرض کردم: متکفل کارهایی هستم که مردم از جانب فرمانروایان (ظالم) انجام می دهند. حضرت فرمود: «مداخله کردن در کارهای آنها ویاری کردنشان و تلاش در برآورده شدن حوائجشان معادل کفر و نگاه کردن به آنها از روی عمد، گناه کبیره است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که صفوان جمال (شتردار) خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «همه چیز تو خوب است، جز آن که شتران خود را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می دهی». صفوان عرض کرد: والله که شتران خود را برای کار بد یا شکار لهوری و مانند آن به او کرایه نداده ام، بلکه برای سفر حج بوده است. علاوه بر اینکه خودم همراه شتران با او به مکه نمی روم، بلکه غلامان و کارکنانم را می فرستم. حضرت فرمود: «آیا دوست داری آن قدر زنده باشد که کرایه شتران تو را بدهد؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر کس بقای آنان را بخواهد از ایشان است و هر که از ایشان باشد اهل جهنم است». (3)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالم راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود». (4)

1- بحارالأنوار، ج 75، ص 377، ح 32.

2- بحارالأنوار، ج 75، ص 374، ح 25؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 238، ح 110.

3- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 238، ح 110؛ رجال کشی، ص 373.

4- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 17.

ص: 583

4. در حدیثی دیگر فرمود: «ظلم کننده ویاری کننده او بر ظلم و کسی که راضی به آن ظلم باشد، هر سه شریک در گناهند». (1)

جبران کردن همکاری با ظالم

1. در حدیث است که مفضل بن مزید که کاتب و نویسنده خلفا و در عین حال از شیعیان بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: از خدماتی که به خلفا می کنم اطلاع دارید؟ حضرت فرمود: «درآمدی که از این راه کسب می کنی به شیعیان (فقیر) بده، زیرا خداوند متعال فرماید: حسنات و کارهای نیک، گناهان و سیئات را از بین می برد». (2)

2. در حدیث است که علی بن حمزه می گوید: دوستی داشتم که از نویسندگان بنی امیه بود. همراه من خدمت امام صادق علیه السلام رسید. عرض کرد: من در دیوان بنی امیه کار می کردم و از این راه ثروت فراوانی گرد آورده ام. حضرت فرمود: «اگر مردم برای بنی امیه کتابت نمی کردند و برای آنها غنیمت جمع نمی کردند و برایشان به جنگ نمی رفتند و نزد آنها حاضر نمی شدند، آنها حق ما را غصب نمی کردند». آن شخص گفت: آیا چاره ای برای جبران اشتباهات گذشته وجود دارد؟ حضرت فرمود: «اگر بگویم به آن عمل می کنی؟» عرض کرد: آری، عمل می کنم. حضرت فرمود: «آنچه را در دیوان

بنی امیه به دست آورده ای، اگر صاحبانش را می شناسی به آنها بازگردان واگر آنها را نمی شناسی (به نیت صاحبان اصلی) به نیازمندان صدقه بده؛ اگر به این دستور عمل کنی بهشت را برای تو ضمانت می کنم». آن شخص ساعتی سر به زیر افکند و به فکر فرو رفت. سپس سر بلند کرد و عرض کرد: این کار را انجام می دهم. علی بن ابی حمزه

1- خصال، ج 1، ص 126، ح 63؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 332، ح 67.

2- رجال کشی، ص 374، ح 702؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 376، ح 33.

ص:584

می گوید: آن جوان همراه ما به کوفه آمد و تمام دارایی اش، حتی لباس هایی را که به تن داشت، به گفته امام، هزینه کرد. ما در میان دوستان خود مالی جمع کرده و لباس هایی برایش خریده و پولی برایش فرستادیم. پس از آن، چند ماه بیمار شد. به دیدنش رفتم. در حال جان دادن بود. چشم گشود و گفت: حضرت صادق علیه السلام به ضمانتی که وعده کرده بود وفا کرد. این سخن را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. او را دفن کردیم، سال بعد که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: «به خدا سوگند نسبت به رفیقت به ضمانتی که کردم

وفا نمودم». (1)

منزعه با حاکم و استفاده از اموال وی

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای هر کس که اعتقاد به امامت ما داشته باشد امید نجات دارم، مگر سه گروه: حاکمی که بر رعیت خود ظلم کند، کسی که در دین بدعت بگذارد، کسی که آشکارا گناه کند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: سه گروهند که هر کس با آنها منازعه کند خوار و بی ارزش شود: پدر، پادشاه (ظالم که توان مقابله با او را ندارد)، طلبکار». (3)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حمیری خدمت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نامه ای به این مضمون نوشت: شخصی متصدی اوقاف است و تصرف در موقوفات را حلال دانسته و بی پروا در آن تصرف کرده و گاه هدیه ای برای من می فرستد (آیا می توانم از هدایای او استفاده کنم؟) حضرت در پاسخ نوشتند: «اگر این مرد مال و ثروتی غیر از درآمد موقوفات در اختیار دارد از

1- کافی، ج 5، ص 106، ح 4؛ تهذیب، ج 6، ص 380، ح 41.

2- خصال، ج 1، ص 135، ح 90؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 337، ح 6.

3- خصال، ج 1، ص 188، ح 233؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 338، ح 10.

ص: 585

غذایش بخور و احسانش را بپذیر و اگر به غیر از آن مال حرام چیزی ندارد از غذایش نخور و مالش را قبول نکن». (1)

نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس نزد حاکم ظالمی برود و او را امر به پرهیزگاری کند و پندش دهد، ثوابش همانند ثواب جنّ و انس خواهد بود». (2)

2. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که حضرت کاظم علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس حاجت کسی را به حاکم برساند و مشکل او را حل کند، خداوند متعال قدم هایش را در قیامت بر پل صراط ثابت گرداند». (3)

مجازات مدح یا راهنمایی ظالم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم ظالمی را مدح و ستایش و به خاطر طمع در دنیا در نزد او اظهار شکستگی و خضوع کند، در جهنم با او باشد زیرا خداوند متعال فرماید: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس ظالمی را بر ظلمش راهنمایی کند، در جهنم با همامان وزیر فرعون باشد. (5) و هر کس از سوی ظالمی خصومت و دشمنی

1- احتجاج، ج 2، ص 572.

2- السرائر، ج 3، ص 634.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 206 و 207.

4- ترجمه: «بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می شود آتش شما را فرو گیرد». (سوره هود، آیه 113) امالی صدوق، ص 426.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 6؛ مکارم الأخلاق، ص 428.

ص: 586

کند، یا در آن خصومت به آن ظالم کمک کند، هنگامی که ملک الموت نزدش آید او را به نفرین خدا و آتش جهنم بشارت دهد. (1) و هر کس تازیانه ای در دست

گرفته و نزد پادشاه یا حاکم جباری بایستد، خداوند متعال آن تازیانه را در قیامت همچون اژدهایی از آتش جهنم کند که بلندای آن هفتاد ذراع باشد و آن را در جهنم بر او مسلط گرداند». (2)

مجازات درخواست از حاکم ظالم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با پرهیز از محرّمات و تقیّه از مخالفان و مستغنی شدن به خدا از طلب حاجت کردن از پادشاهان تقویت کنید. و بدانید هر مؤمنی که نزد سلطانی یا کسی که با او در دینش مخالف باشد، به منظور طلب مال دنیا خضوع کند خداوند او را گمنام کند و او را دشمن دارد و به خود واگذارد و اگر چیزی از دنیای او به دستش برسد برکت آن را بگیرد و اگر آن را در راه حج یا عمره یا آزاد کردن بردگان هم هزینه کند، ثوابی به او ندهد.» (3)

گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت منادی از سوی خداوند ندا کند: کجایند ظالمان و کسانی که به آنها کمک کرده اند؟ کجایند آنان که دوات ظالمان را لایقه گذاشته (4) ، یا سر کیسه (محصولات) آنها را

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 428.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 10؛ مکارم الأخلاق، ص 432.

3- ثواب الأعمال، ص 294.

4- «لیقه» تکه نخ یا ابریشم (یا قطعه پنبه) به هم پیچیده ای است که در دوات می گذارند و مرکب روی آن می ریزند (تا اگر دوات واژگون شود جوهر نریزد و به هنگامی که قلم وارد آن می شود جوهر زیادی بر نوک قلمنشیند) لایقه هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

ص: 587

بسته، یا قلمی به آنها داده اند؟ آنها را با ظالمان محشور کنید.» (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالمی راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود (وسرنوشت او را خواهد داشت)». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند بهشت را آفرید... فرمود: به عظمت و بزرگواریم سوگند که این افراد را وارد بهشت نکنم: کسانی که مداومت بر شرب خمر داشته باشند، خودفروشان، سخن چینان، بی غیرت ها (در مورد همسر)، مأموران نظامی حکومت طاغوت، همجنس بازان، کسانی که نبش قبر می کنند و کفن می دزدند، مأمور وصول عوارض مالیات حکومت ظالم، کسانی که صله رحم را ترک کنند، کسانی که قائل به جبر باشند». (3)

مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور

1. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ظالمی را در ظلمش معذور بدارد (وظلم او را توجیه کند)، خداوند ظالم دیگری را بر او مسلط گرداند تا بر وی ظلم کند. سپس اگر دعا کند دعایش مستجاب نخواهد شد و خداوند او را بر تحمل آن ستم ثواب نخواهد داد». (4)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس نزد توانگر (مغروری) برود و برای او خضوع و اظهار شکستگی کند، دوسوم دینش از بین می رود». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 309.

2- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 17؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 377، ح 33.

3- خصال، ج 2، ص 202، ح 16؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 343، ح 31.

4- کافی، ج 2، ص 334، ح 18.

5- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 120، ح 379.

مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناحق حاکم بر گروهی شود و بر آنان مسلط گردد، خداوند در مقابل هر روز حکومتش هزار سال او را در کنار جهنم نگاه می دارد و هنگامی که محشور شود دست هایش در گردنش بسته باشد، سپس اگر به امر خداوند در میان آنها عمل کرده باشد او را رها می کند و اگر بر آنها ظلم کرده باشد او را به جهنم می اندازد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم بر مسلمانان شود و حق آنها را تباه کند و به احوال آنان نپردازد، خداوند وی را ضایع کرده، (او را به حال خود رها می سازد) و رحمتش را از او بازمی گیرد». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر حاکمی که مردم را از عرضه مشکلاتشان به خود ممنوع سازد، خداوند در قیامت حاجت او را برآورده نکند. و اگر چیزی به رسم هدیه (به صورت هدیه و در واقع رشوه) بگیرد، گویی از غنایم جنگی دزدی کرده که بدترین دزدی هاست. و اگر رشوه بگیرد گویی به خدا شرک ورزیده است». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش که در کشوری می زیست که حاکمش ظالم و جبار بود، مأموریت داد که به آن حاکم بگوید: تو را حاکم نکرده ام که خون مردم را بریزی و اموالشان را بگیری، بلکه تو را حکومت بخشیدم که صدای مظلومان را از من بازگیری. بی شک ستم هایی که بر آنها شود را بازخواست می کنم، هر چند ستمدیدگان کافر باشند». (4)

1- امالی صدوق، ص 433.

2- ثواب الأعمال، ص 309.

3- ثواب الأعمال، ص 310.

4- کافی، ج 2، ص 333، ح 14.

مجازات جباران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در جهنم کوهی است که آن را «سعدا» می گویند. ودر آن کوه وادی ای هست که نام آن «سقر» است. ودر آن وادی، چاهی است که آن را «ههب» می گویند. هرگاه در آن چاه را بردارند جهنمیان از گرما وحرارت آن فریاد می کشند. آن چاه جای جباران است». (1)

مجازات ظالمان

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دعای سه کس از درگاه خدا رد نمی شود: دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرینش بر فرزند بدکردار، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن برای مؤمنی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او کمک مالی کند و نفرین مؤمن بر کسی که علی رغم توانایی مالی اش به آن مؤمن نیازمند کمک نکند». (2)
2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند فرماید: خشم من بر ظالمی که به مظلومی ظلم کند که یآوری جز من ندارد، سخت و شدید است». (3)
3. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند فرماید: دعای شخصی را که مظلومه ای از کسی نزد او باشد مستجاب نمی کنم». (4)
4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر دیگری ظلم کند، خداوند متعال کسی را مأمور کند که همانند آن ظلم را نسبت به او یا فرزندان وی، یا فرزندان فرزندانش (هرگاه راضی به فعل پدر باشند) انجام دهد». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 324.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 286 و 287.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 19.

4- ثواب الأعمال، ص 321؛ فلاح السائل، ص 38.

5- کافی، ج 2، ص 332، ح 13.

ص: 590

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حقّ مؤمنی را حبس کند، خداوند متعال او را (در عرصه محشر) پانصد سال سر پا نگاه دارد... و منادی ندا کند که این ظالمی است که حقّ خدا را حبس کرده است، در نتیجه چهل روز او را سرزنش کنند، سپس دستور می دهد او را به جهنّم ببرند». (1)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین جهادها آن است که صبح هنگام، فکر ظلم بر کسی را در ذهن نداشته باشد». (2)

آداب معاشرت با کافران ومخالفان

معاشرت با کافران

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیر مسلمانی را ببیند و (آهسته) بگوید: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ فَضَّلَنی عَلَیْکَ بِالْاِسْلَامِ دِیْنًا وَّ بِالْقُرْآنِ کِتَابًا وَّ بِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَّ بِعَلِیٍّ اِمَامًا وَّ بِالْمُؤْمِنِیْنَ اِخْوَانًا وَّ بِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً** (3) ، خداوند میان او و آن کافر در جهنّم جمع نمی کند». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با غیر مسلمانان مصافحه می کنی از زیر لباس مصافحه کن و اگر دستت با دست آنها تماس پیدا کرد آن را بشوی». (5)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: برای غیر مسلمانان چگونه دعا کنیم؟ حضرت فرمود: «بگوئید: بَارَكَ اللهُ فِي دُنْيَاكَ». (6)

1- کافی، ج 2، ص 367، ح 2.

2- محاسن، ص 292، ح 449.

3- ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که مرا به سبب اینکه اسلام دین من و قرآن کتاب من و محمد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام امام من و مؤمنان برادران و کعبه قبله من است بر تو برتری داد».

4- ثواب الأعمال، ص 44.

5- کافی، ج 2، ص 650، ح 10.

6- ترجمه: «خداوند به دنیای تو برکت دهد». کافی، ج 2، ص 650، ح 9.

ص: 591

4. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مسلمان نباید با یهودی در یک ظرف غذا بخورد، یا با او بر یک فرش بنشیند، یا همنشین او شود». (1)

5. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مؤمنان سزاوار نیست که با کافران اهل ذمه شراکت داشته، یا امانتی به آنها بسپارند که چیزی برای آنها بخرند، یا چیزی به آنها بسپارند، یا با آنها دوستی کنند». (2)

6. نیز در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: به کشورهای غیر مسلمان سفر می کنم. مردم می گویند اگر آنجا بمیری با آنان محشور خواهی شد. حضرت فرمود: «چنین نیست، بلکه تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود». (3)

معاشرت کردن با مخالفان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه سپر ایمان است و کسی که تقیّه نمی کند ایمان ندارد».

(4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نه دهم دین در تقیّه است». (5)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر تقیّه کند». (6)

1- قرب الإسناد، ص 216، ح 1077.

2- قرب الإسناد، ص 146، ح 599.

3- رجال کشی، ص 343، ح 635؛ امالی طوسی، ج 1، ص 44؛ بحار الأنوار، ج 68، ص 201، ح 1.

4- قرب الإسناد، ص 46، ح 107.

5- کافی، ج 2، ص 217، ح 2.

6- محاسن، ص 258، ح 302.

ص: 592

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که تقیّه را ترک کند، گویا نماز را ترک کرده است». (1)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه در بلاد مخالفان واجب است. و کسی که از روی تقیّه قسم

بخورد تا ضرری را از خود دور کند، مرتکب گناهی نشده و کفاره ندارد». (2)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با تقیه از گزند مخالفان حفظ کنید. بی شک شما در میان مخالفان همچون زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان می دانستند که درون شکم زنبور عسل، عسل هست حتی یکی از آنها را زنده نمی گذاشتند. اگر مخالفان بدانند که محبت ما در سینه شماست، شما را راحت نمی گذارند.» (3)

توجه: «تقیه» در بلاد مخالفان متعصب و کینه توز که با اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها دشمنی دارند واجب است، مشروط بر اینکه بیم ضرر باشد که در این صورت نباید دین و عقیده اش را ابراز کند بلکه باید وانمود کند که معتقد به عقاید آنهاست. وهنگامی که آنها مطلع باشند و نتوان وضو و نماز و سایر عبادات را دور از چشم آنها انجام داد، باید به روش آنها به جا آورد. و تشخیص خوف و ضرر و موارد لزوم تقیه بر خود انسان است. تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که انسان ظن ضرری داشته باشد لازم است، مگر در مورد جان دیگر انسان ها که در آن نمی توان تقیه کرد؛ مثل اینکه بگویند فلان کس را بکش و گرنه تو را می کشیم که در این مورد نمی تواند از باب تقیه آن شخص را بکشد؛ هر چند خودش کشته شود.

1- السرائر، ج 3، ص 583.

2- خصال، ج 2، ص 394 از امام صادق علیه السلام؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 394، ح 10.

3- محاسن، ص 257، ح 300.

ص: 593

حقوق مردگان بر زندگان

وظیفه محتضر

هنگامی که محتضر آثار و علائم مرگ را مشاهده کرد، خود او اول کسی است که باید به احوال شخصی اش رسیدگی کند که سفری ابدی به سوی جهان آخرت در پیش دارد و توشه مناسبی متناسب با آن سفر برگیرد؛ بنابراین، نخستین کاری که ضروری و لازم است اقرار کردن به گناه و اعتراف به تقصیر و کوتاهی در انجام دادن تکالیف و پیشمانی از گذشته و توبه کامل است. به درگاه عظمت پروردگار تضرع و گریه وزاری کند تا خداوند از گناهان گذشته اش درگذرد و در احوال و سختی هایی که در پیش دارد او را به خود و دیگران واگذار نکند.

در گام دوم به وصیت کردن بپردازد و آنچه از حقوق خدا و خلق خدا بر ذمه دارد ادا کرده و این کار را به دیگران واگذار نکند که پس از مرگ اختیار از کفش می رود و با حسرت در اموالش می نگردد و شیاطین جن و انس، ورثه و وصی او را وسوسه کرده، تا به وصایای او عمل نکنند و میت چاره ای (جز حسرت و اندوه) نخواهد داشت و فریاد می زند که مرا برگردانید تا کاری شایسته و نیک در اموالم به جا آورم، ولی کسی به سخن او گوش نمی دهد و حسرت و ندامت و پشیمانی در آن روز فایده ای نخواهد داشت. پس به مقدار یک سوم از اموال خود را برای بستگان و نیازمندان و کارهای خیر و آنچه برای خود مناسب می دانی وصیت کن و بیش از یک سوم اختیاری نداری و وصیت نافذ نیست.

در گام سوم از برادران مؤمن خود حلالیت بطلب. اگر غیبت کسی را کرده ای، یا اهانتی به او روا داشته ای، یا آزاری به او رسانده ای، چنانچه دسترسی به وی داری خواهش کن که تو را حلال کند و اگر دسترسی نداری از برادران دینی ات خواهش کن که از طرف تو رضایت وی را جلب کنند.

در گام چهارم، امور فرزندان و همسرت را پس از توکل بر خداوند متعال به

ص: 594

شخص امینی بسپار و برای فرزندان صغیر خود قیّم تعیین کن.

در گام پنجم، کفن خود را مهیا کن و از کسی بخواه که شهادتین و عقاید حقّه و اذکار و ادعیه و آیات مناسب را (در صورت امکان) با تربت امام حسین علیه السلام بر روی آن بنویسد. البته این در صورتی است که قبلاً کفن خود را آماده نکرده باشی، وگرنه سزاوار است مؤمن همواره کفنش آماده و در دسترس وی باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس کفنش آماده و نوزد

او حاضر باشد، نام او را جزء غافلان ننویسند» (1) و گاه به کفنش نگاه کند که

ثواب دارد.

در مرحله بعد، دیگر در فکر زن و فرزند و مال و ثروت نباشد و توجه به پروردگار پیدا کرده و به یاد او باشد و اندیشه کند که این امور فانی زودگذر فایده ای برایش ندارد و به غیر از لطف حق و رحمت پروردگار، چیزی در دنیا و آخرت به فریاد او نمی رسد. و بی شک اگر توکل بر خدا کند امور بازماندگانش به صورتی نیکو به انجام خواهد رسید.

و به این نکته توجه داشته باشد که اگر خودش زنده می ماند بدون مشیت و اراده الهی نمی توانست سودی به آنها رسانده، یا زبانی را از آنها دور کند؛ خدایی که آنها را آفریده، از او به آنها مهربان تر است.

و سرانجام در آن حال در مقام رجا و امید باشد. به رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و به شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید بسیار داشته باشد و منتظر قدم شریف آن بزرگواران باشد. و بداند که همگی آن بزرگواران در آن زمان حاضر شده و به شیعیان خود بشارت ها داده و سفارش هایی به ملک الموت در مورد آنها خواهند کرد.

1- کافی، ج 3، ص 256، ح 23.

ص: 595

وصیت کردن نیکو

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «هر کس در وقت مرگ وصیت نیکو نکند، نشانه کمبود عقل و مروّت اوست. گفتند: ای رسول خدا، چگونه وصیت کند؟ فرمود: هنگامی که وفات او نزدیک شود و مردم نزد او جمع شوند، بگوید: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ

وَرَسُولِكَ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبْعَتْ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْأِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَأِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ: أُمَّتِي. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعِدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَإِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَنْسُ فِي قَبْرِي وَحُشْتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْفَاكِ مَنْشُورًا. (1) سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: این

1- ترجمه: «بار خدایا، ای آفریننده آسمان ها وزمین، ای دانای پنهان و آشکار، ای بخشنده مهربان، من با تو عهد می بندم و گواهی می دهم که جز تو معبودی نیست. یگانه ای و شریک نداری و محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است و قیامت می آید و شکی در آن نیست و تو زنده می کنی کسانی را که در گورها خفته اند و حساب و بهشت حق است و آنچه را که خداوند از نعمت خوردنی ها و آشامیدنی ها و همسران بهشتی در آن وعده داده حق است و دوزخ حق است و ایمان (به آنها) حق است و دین همچنان است که تو بیان کرده ای و اسلام همچنان که تو دستور داده ای و سخن همان است که تو گفته ای و قرآن چنان است که تو فرستاده ای و تو خداوند حق آشکاری و من در دنیا با تو پیمان می بندم که راضی ام تو پروردگار من باشی و اسلام دین من و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و علی علیه السلام امام من و قرآن کتاب من و خاندان پیامبر تو امامان من باشند. بار خدایا، تو در هر سختی پشت و پناه من و در هر گرفتاری امید من و در هر پیشامدی ذخیره منی و تو ولی نعمت و معبود من و پدران منی. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا هرگز به خودم وانگذار، حتی به مقدار یک چشم بر هم زدن و در تنهایی قبرم انیس من باش و در نزد خود برای روزی که تو را در قیامت ملاقات کنم عهد و پیمانی برابم قرار ده.»

ص: 596

عهد و پیمان میّت است از روزی که می خواهد وصیّت کند و وصیّت بر هر مسلمانی لازم و واجب است.»

حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود: «تصدیق این سخن در سوره مریم آمده است، آنجا که فرماید: (لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا) (1) آنان هرگز مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند

رحمان، عهد و پیمانی دارد». (2)

2. در حدیث است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این وصیت را فراگیر و به اهل بیت و شیعیان نیز تعلیم بده، همان گونه که جبرئیل به من تعلیم داد. اگر قبلاً صحیفه خود را تنظیم نکرده است، جمعی از مؤمنین را حاضر کند و بر اعتقادات خود گواه گیرد و سپس بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اَتِيَتْهُ

لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ، سپس بر پارچه یا کاغذ چنین بنویسد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسْمُوْنَ فِيْ هَذَا الْكِتَابِ، اَنَّ اَخَاهُمْ فِي اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (و به جای فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ نام خود و پدرش را بنویسد) اَشْهَدُهُمْ وَاِسْتَوْدَعَهُمْ وَاَقْرَأَهُمْ اَنْهٗ يَشْهَدُوْنَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ وَاَنَّهُ مُقَرَّبٌ بِجَمِیْعِ الْاَنْبِیَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَاِمَامُهُ وَاَنَّ الْاَلِیْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ (هَمْ) الْاَلِیْمَةُ وَاَنَّ

1- سوره مریم، آیه 87.

2- مصباح المتهدّج، ص 30؛ مصباح کفعمی، ص 7.

ص: 597

اَوْلٰئِهِمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ اَتِيَتْهَا وَاَنَّ اللّٰهُ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ رَسُوْلُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَالْخَلِيْفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاِسْتَخْلَفَهُ فِي اُمَّتِهِ مُوَدِّيًّا لِاِمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَبْنِيْهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ اَبْنَاءَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسِبْطَاهُ وَاِمَامَا الْهُدَى وَقَائِدَ الرَّحْمَةِ وَاَنَّ عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اُمَّتَهُ وَقَادَهُ وَدَعَاهُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةً عَلَيَّ عِبَادِهِ (1) ، سپس به گواهان و شهودی که نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد بگوید: اَثْبَتُوْا اِلَيَّ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكُمْ حَتّٰی تَلْقَوْنِيْ بِهَا عِنْدَ الْحَوْضِ (2) ، سپس

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست. او یکتاست و شریکیندارد و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست و اینکه بهشت و جهنم حق است و قیامت بدون شک خواهد آمد (و محقق خواهد شد) و خداوند کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده خواهد کرد. سپس برپارچه یا کاغذی چنین بنویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. کسانی که نامشان در این نامه آمده است شهادت دادند که برادر دینی آنها آقای فلان فرزند فلان از آنها طلب شهادت کرده و در نزد آنها اقرار کرده است که او گواهی می دهد معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریک ندارد و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و به همه پیامبران و رسولان : اقرار می کند. و علی علیه السلام ولیّ خدا، امام او و امامان از فرزندان امامان اویند. اول ایشان حسن و سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسیبن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حضرت حجت: می باشند و اینکه بهشت و دوزخ حق است و قیامت خواهد آمد و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در گورها هستند برمی انگیزاند و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست و حق را آورده است و علی ولیّ خدا و خلیفه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، او را در امت جانشین قرار داده تا امر و فرمان پروردگار را برساند و فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو فرزندش حسن و حسین فرزندان رسول خدایند و دو سبط او و دو امام هدایت و پیشوای رحمت اند و اینکه (حضرات معصومین) علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت :، امامان و رهبران و دعوت کنندگان به سوی خداوند و حجت بر بندگان اویند».

2- ترجمه: «این شهادت و اقراری را که نزد شما کردم به امانت نزدتان نگاه دارید، تا زمانی که شما را کنار حوض کوثر ملاقات کنم».

ص: 598

گواهان به او بگویند: ای فلانی فرزند فلانی، نَسْتُوْدِعُكَ اللهُ وَالشَّهَادَةَ وَالْأَقْرَارَ وَالْإِحْثَاءَ وَمَوْعُودَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَقَرْنَا عَلَيْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتِهِ (1) ،

سپس صحیفه را به مهر آن شخص و مهر گواهان مهر کنند و آن را ببندند و پس از مرگ در جانب راست میت همراه جریده بگذارند». (2)

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از انصار که در حال جان دادن بود حاضر شد و از او پرسید: «در چه حالی هستی؟» عرض کرد: امید به رحمت خدا دارم و از گناهان خود می ترسم. حضرت فرمود: «این دو حالت در حال احتضار در دل کسی به وجود نمی آید، مگر آنکه خداوند امیدش را عملی می کند و او را از آنچه می ترسد در امان می دارد.» (3)

2. در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دیدار کسی که در حال احتضار بود رفت و به او فرمود بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ.» (4)

وظیفه اطرافیان محتضر

(مقدمه:) بستگان و مؤمنان نباید محتضر را در حال احتضار تنها بگذارند و باید نزد او قرآن و دعا بخوانند. و اعتقاد به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامت امامان معصوم علیهم السلام و سایر اعتقادات حق، از قبیل بهشت

1- ترجمه: «ما، تو و شهادت و اقراری را که کردی و رابطه اخوت و برادری مان را به خدا سپردیم و وعده ما (در کنار حوض کوثر) خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله. بر تو سلام و درود می فرستیم و رحمت و برکات خدا بر تو باد.»

2- مصباح المتهجد، ص 16 و 17؛ بحار الأنوار، ج 82، ص 59، ح 1.

3- امالی مفید، ص 138، ح 1.

4- ترجمه: «پروردگارا، گناهان بسیار من را بیامرزد و طاعت اندک مرا بپذیر.» طبّ الأئمه، ص 80.

ص: 599

وجهنم و صفات پروردگار را مکرر برای او بگویند تا تکرار کند. و اگر قادر بر تکرار کردن نباشد، برایش بخوانند. دعای عدیله (1) را نیز بر او بخوانند و اگر عربی

نمی فهمد ترجمه اش را برایش بخوانند. وپایش را به سمت قبله دراز کنند. ودر آن هنگام شخص حائض وجنب در نزد او حاضر نشود که فرشتگان از آنها فرار می کنند. وچنانچه کس دیگری نباشد می توانند از روی ناچاری نزد محتضر باشند، ولی به هنگام جان دادن از آنجا خارج شوند. به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید :

محتضری که جان کندنش دشوار است

1. در روایات آمده است که اگر جان کندن بر محتضر دشوار شد او را به جایی که همیشه نماز می خوانده ببرند، یا او را روی سجاده ای که بر آن نماز می گزارده بخوابانند که اگر امید شفا باشد شفا پیدا می کند، وگرنه به آسانی جان می دهد.
(2)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب که در حال احتضار بود وارد شد. فرمود: «پاهای او را رو به قبله کنید تا ملائکه به او روی آورده ورحمت الهی متوجه وی شود». (3)

دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید

1. در حدیث است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام در حال احتضار بود. جدش امام باقر علیه السلام در کنار خانه او نشسته بود وبه هر کس که نزد او می رفت می فرمود: «دست بر او نگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است. وهر کس دست بر او بگذارد گویی او را کشته است». (4)

1- این دعا را می توانید در مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ص 161، قبل از دعای جوشن کبیر، مطالعه فرمایید.

2- طبّ الأئمّه، ص 79.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 79، ح 252؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 219.

4- تهذیب، ج 1، ص 305، ح 841.

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا دست بر بدن محتضر بگذارید و اگر دست و پا می زند مانعش نشوید، آن گونه که جاهلان این کار

را می کنند. و در نزد او قرآن بخوانید و خدا را یاد کنید و بر پیامبر و خاندانش درود بفرستید». (1)

تلقین

تلقین لا إله إلا الله

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به مردگان خود

«لا إله إلا الله» را تلقین کنید که هر کس آخرین سخنش «لا إله إلا الله» باشد، وارد بهشت می شود». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «به آنها «لا إله إلا الله» تلقین کنید که گناهان را در هم می شکنند». (3)

تلقین کلمات فرج

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی را در وقت جان کندن دیدید این کلمات را به وی تلقین کنید تا او بگوید: لا إله إلا الله الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لا إله إلا الله الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (4)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 165.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 78، ح 348؛ امالی صدوق، ص 540، ح 5.

3- ثواب الأعمال، ص 16، ح 3.

4- ترجمه: «هیچ معبودی جز خداوند دارای حلم و کرم نیست. هیچ معبودی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگنیست. منزّه

است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه در میان آنهاست و منزّه است پروردگار عرش بزرگ و حمد و ستایش ویژه خدایی است که پروردگار جهانیان است». کافی، ج 3، ص 122، ح 3؛ تهذیب، ج 1، ص 304، ح 839.

ص:601

2. در حدیثی دیگر می خوانیم: «هر یک از اعضای خانواده حضرت علی علیه السلام در حال احتضار قرار می گرفت، حضرت کلمات فرج را به او تلقین می کرد تا بخواند. و هنگامی که آن را می خواند می فرمود: (به ملاقات خدا) برو که دیگر باکی بر تو نیست». (1)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از بنی هاشم که در حال جان کنده بود حاضر شد و به او سفارش کرد کلمات فرج را بخواند. هنگامی که وی آن را خواند فرمود: «الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد». (2)

تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی در آستانه مرگ قرار می گیرد ابلیس به جمعی از شیاطین مأموریت می دهد که او را گرفتار شک و تردید کنند، تا به هنگام جان دادن بی ایمان از دنیا برود. اگر کسی مؤمن کامل باشد نمی توان او را به شک انداخت، بدین سبب به آنها که در حال احتضارند کلمات فرج و شهادتین و اقرار به یک یک ائمه علیهم السلام را تلقین کنید، تا از سخن گفتن باز نایستند». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بت پرست به هنگام مردن، به امامت حضرات ائمه علیهم السلام (از صمیم قلب) اقرار کند و معتقد به مذهب تشیع شود، آتش جهنم به هیچ عضوی از اعضای او آسیب نمی رساند». (4)

1- کافی، ج 3، ص 124، ح 7؛ تهذیب، ج 1، ص 305، ح 804.

2- کافی، ج 3، ص 124، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 346.

3- کافی، ج 3، ص 123، ح 6.

4- کافی، ج 3، ص 124، ح 8.

ص: 602

تلقین دعای خاص

1. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «مرگ شخصی نزدیک شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله با گروهی از اصحاب بر بالینش حاضر شدند. آن شخص بی هوش بود. حضرت به ملک الموت فرمود: دست از او بردار، تا از وی سؤالی کنم. آن شخص به هوش آمد. حضرت پرسید: چه می بینی؟ گفت: سفیدی بسیار و سیاهی فراوانی می بینم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سیاهی. فرمود بگو: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ (1)** آن

شخص دوباره بی هوش شد. حضرت به فرشته مرگ فرمود: او را رها کن. دوباره به هوش آمد. فرمود: چه می بینی؟ عرض کرد: سفیدی و سیاهی فراوانی مشاهده می کنم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سفیدی. حضرت فرمود: او را آمرزیدند». امام صادق علیه السلام فرمود: «بر بالین هر کس که چنین حالتی داشت حاضر شدید سفارش کنید که این دعا را بخواند». (2)

2. در حدیث است که جوانی در حال احتضار بود «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» را به او تلقین کردند، زبانش بند آمده بود و نمی توانست آن را بگوید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد او حاضر شد و از زنی که بر بالینش نشسته بود پرسید: «این جوان مادر دارد؟» پاسخ داد: من مادر او هستم. فرمود: «از او راضی هستی؟» گفت: شش سال است که با وی سخن نگفته ام. حضرت فرمود: «از او راضی باش». گفت: راضی شدم. سپس حضرت به آن جوان فرمود: «**بگو لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» زبان جوان گشوده شد

وآن را تکرار کرد. حضرت پرسید: «چه می بینی؟» عرض کرد: مرد سیاه بدبوی زشت رویی را که جامه ای چرکین به تن دارد در نزدیکی خود می بینم که گلوی مرا گرفته است. حضرت فرمود: «بگو: یا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُوا عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلُ

1- ترجمه: «بار خدایا، گناهان فراوانم را ببخشای و طاعات اندکم را بپذیر».

2- کافی، ج 3، ص 124، ح 10.

ص:603

مِنِّي الْيَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (1) پس از آنکه جوان این

دعا را خواند، حضرت پرسید: «اکنون چه می بینی؟» گفت: مرد سفیدروی خوشبویی که لباس خوشی به تن کرده نزدیک من است وآن مرد سیاه بدبو می رود. فرمود: «بار دیگر این دعا را بخوان». هنگامی که دعا را خواند حضرت پرسید: «چه می بینی؟» گفت آن مرد سیاه بدبو را نمی بینم و مرد سفید خوشبو نزدیک من است. این را گفت واز دنیا رفت. (2)

پس از مرگ

هنگامی که شخصی می میرد مستحب است دهانش را ببندند وچشمانش را بر هم گذارند و دستانش را در کنار پهلوهایش بگذارند وپارچه ای بر رویش بیندازند و نزدش قرآن بخوانند و جنازه اش را زود بردارند.

آداب تشییع جنازه

خبردار کردن مؤمنان

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است به مؤمنان خبر دهند تا در تشییع جنازه میت حاضر شوند و بر او نماز بخوانند وبرایش استغفار کنند، تا هم میت ثواب ببرد وهم مؤمنان حاضر در آنجا». (3)

ثواب حضور در تشییع جنازه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مؤمنی را داخل

1- ترجمه: «ای خدایی که (طاعت) اندک را می پذیری و از (گناه) بسیار درمی گذری! طاعات اندک مرا بپذیر و از گناهان فراوان من درگذر که تو آمرزنده و مهربانی».

2- امالی مفید، ص 287، ح 6.

3- کافی، ج 3، ص 166، ح 1.

ص: 604

قبر می گذارند ندا می کنند: نخستین هدیه ای که به تو دادیم بهشت و نخستین هدیه ای که به تشییع کنندگان جنازه تو دادیم، آمرزش گناهان است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین تحفه ای که در قبر به مؤمن می دهند، آمرزش تمام کسانی است که همراه جنازه اش بوده اند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در تشییع جنازه ای حاضر شود، در برابر هر قدمی که برمی دارد صد هزار حسنه برایش می نویسند و صد هزار سیئه از او محو می کنند و صد هزار درجه به وی عطا می شود. و اگر بر جنازه اش نماز بخواند، خداوند پس از مرگش به صد هزار فرشته مأموریت می دهد که بر جنازه اش نماز بخوانند و تا هنگام دفن برایش استغفار کنند. و اگر تا هنگام دفن میّت بماند به همان صد هزار فرشته مأموریت داده می شود که تا هنگامی که در روز قیامت از قبرش بیرون آید برای او استغفار کنند». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای را تا دفن آن همراهی کند، خداوند در قیامت هفتاد ملک را مأمور می کند که او را همراهی کنند و از قبر تا زمان حساب برایش استغفار کنند». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یک طرف جنازه را بگیرد، بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده می شود. و اگر چهار طرف جنازه را بگیرد، همه گناهانش بخشوده می شود». (5)

1- کافی، ج 3، ص 172، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 99 ذیل ح 460.

2- کافی، ج 3، ص 173، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 99 ذیل ح 460.

3- بحار الأنوار، ج 78، ص 384، ح 44.

4- کافی، ج 3، ص 173، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 99، ح 458.

5- کافی، ج 3، ص 174، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 99، ح 462.

ص: 605

آداب شرکت جستن در تشییع جنازه

بهتر است که اول دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میّت را به دوش راست بردارد، بعد پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد و دست چپ میّت را به دوش چپ بردارد. و اگر خواست این کار را تکرار کند از جلوی جنازه به سوی نقطه آغاز نرود، بلکه از پشت جنازه به آن سمت برود. (1)

و بهتر است در قسمت پشت جنازه یا در دو سمت آن حرکت کند و پیشاپیش آن حرکت نکند. ظاهر روایات این است که اگر جنازه مؤمن باشد پیشاپیش

آن حرکت کردن خوب است، ولی در تشییع جنازه مخالفان این کار کراهت دارد، زیرا ملائکه عذاب از او استقبال می کنند. (2) و نیز سواره تشییع کردن مکروه

است. (3)

دعای هنگام دیدن جنازه

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای ببیند و این دعا را بخواند الله اکبر، هذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ (4) ، تمام فرشتگان آسمان از روی ترحّم با صدای بلند برایش گریه می کنند». (5)

1- کافی، ج 3، ص 168، باب السنّه فی حمل الجنازه.

2- کافی، ج 3، ص 169، ح 3.

3- کافی، ج 3، ص 170، ح 1 و 2.

4- ترجمه: «خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. این است آنچه را که خدا ورسولش به ما وعده داده اند و خدا ورسولش راست می گویند. خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیفزای. سپاس مخصوص خداوندی است که قادر و شکست ناپذیر است و بندگانش را با مرگ مقهور ساخت.»

5- کافی، ج 3، ص 167، ح 3؛ تهذیب، ج 1، ص 479، ح 1471.

ص: 606

آداب غسل دادن میت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگام غسل دادن جمله «رَبِّ عَفْوِكَ» را تکرار کند، خداوند او را می آمرزد». (1)

2. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: هنگامی که دست بر شکم میّت می کشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ سَلَكْتُ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ فِیْ بَطْنِهِ، فَاسْئَلُكَ بِهٖ سَبِيْلَ رَحْمَتِكَ. (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگامی که او را از این پهلو به آن پهلو می کند این دعا را بخواند، خداوند گناهان یک سال او را می آمرزد؛ البتّه به جز گناهان کبیره. و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا،

فَعَفُوْكَ عَفُوْكَ». (3)

4. در حدیث است که: «حضرت موسی علیه السلام از پروردگار پرسید: ثواب کسی که میّتی را غسل دهد چیست؟ وحی آمد که همانند روزی که از مادر متولد شده، او را از گناهان می شویم». (4)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس میّتی را غسل دهد و آنچه از عیب های میّت بر وی آشکار شود برای کسی نقل نکند، گناهانش آمرزیده می شود». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 85، ح 393؛ الاختصاص، ص 26.

2- ترجمه: «بار خدایا، تقاضا می کنم محبت محمد و خاندان محمد را که درود تو بر آنان باد، در وجود او وارد کنی، و او را در راه رحمت خویش داخل کن». فقه الرضا علیه السلام، ص 166.

3- ترجمه: «بار خدایا، این بدن بنده مؤمن تو است که روحش را خارج کرده و بین جسم و روحش جداییافکنده ای. خدایا، عفو و بخشایش تو را برایش طلب می کنم». کافی، ج 3، ص 164، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 85، ح 392.

4- کافی، ج 3، ص 164، ح 4؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 85، ح 390.

5- کافی، ج 3، ص 164، ح 2.

ص: 607

کفن کردن میت

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را کفن کند، گویی ضامن پوشش او تا روز قیامت شده است. و هر کس قبری برای مؤمنی حفر کند، گویی او را در خانه مناسبی تا روز قیامت جای داده است». (1)

نماز خواندن بر میت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر جنازه میتی نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بگذارند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود. و اگر جنازه را تا هنگام دفن همراهی کند، در برابر هر قدمی که برمی دارد مقداری از ثواب به وی می دهند که هر مقدار مانند کوه احد است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که بر جنازه ای نماز بخواند، بهشت بر او واجب می شود، مگر اینکه عاق پدر و مادر یا منافق باشد». (3)

آثار شهادت دادن برای میت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمنی بمیرد و چهل تن از مؤمنان بر جنازه اش حاضر شوند و بگویند: اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا (4) خداوند می فرماید: من شهادت شما را قبول کردم

و گناهانی را که می دانم و شما نمی دانید آمرزیدم». (5)

2. نیز در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «اول چیزی که در

1- کافی، ج 3، ص 65، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 92، ح 419.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 10؛ مکارم الأخلاق، ص 432.

3- امالی صدوق، ص 195.

4- ترجمه: «بار خدایا، ما جز خوبی چیزی از او سراغ نداریم و تو از حالات او آگاه تری».

5- کافی، ج 3، ص 254، ح 14؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 102، ح 472.

ص:608

سرلوحه نامه عمل مؤمن پس از مرگش می نویسند، چیزی است که مردم در حق او می گویند؛ اگر نیک بگویند نیک می نویسند و اگر بد بگویند بد می نویسند». (1)

آداب دفن کردن میت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه میت را به قبر رساندی او را از جانب پایین پای قبر وارد کن و چون در قبر گذاری آیه الکرسی بخوان، سپس بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ اَفْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَالْحِفَةَ بِنَبِيِّهِ. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَرِّدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَاَرْحَمَهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ (2) وبرایش بسیار استغفار کنید». (3)

2. در حدیث است که امام سجّاد علیه السلام هنگامی که میت را وارد قبر می کرد، این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را در قبر می گذارند باید نزدیک ترین مردم به میت بالای سرش باشد و نام خدا را ببرد و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و از شر شیطان به خدا پناه ببرد و سوره های حمد، ناس، فلق و توحید و آیه الکرسی را بخواند. و اگر بتواند، صورتش را برهنه کند و بر خاک بگذارد و در آن حال، شهادتین و اقرار به امامت ائمه علیهم السلام و سایر

1- امالی صدوق، ج 1، ص 45.

2- ترجمه: «به نام خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا (آغاز می کنم.) بار خدایا، قبر او را وسیع گردان و او را به پیامبرش ملحق کن. بار خدایا، اگر نیکوکار است بر نیکوکاریش بیفزای و اگر گناهکار است او را بیامرز و به او رحم کن و از وی درگذر.»

3- کافی، ج 3، ص 194، ح 1؛ تهذیب، ج 1، ص 334، ح 915.

4- ترجمه: «بار خدایا، قبر را بر او گشاده گردان و عملش را بالا بر و از او خشنود باش.» بحار الأنوار، ج 82، ص 41.

ص: 609

اعتقادات حق را به او تلقین کند». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که خاک بر قبر می ریزید بگوئید: ایماناً بِکَ وَتَّصَدِيقاً بِبِعْثِكَ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ (2) تا به عدد هر ذره آن خاک،

حسنه ای در نامه اعمال نوشته شود. و هنگامی که قبر پر شد و مردم بازگشتند، نزدیک ترین مردم به میت بالای سرش بنشینند و با صدای بلند او را تلقین کنند که این تلقین باعث می شود منکر و نکیر (دو فرشته مأمور سؤال و جواب) از او سؤال نکنند. و مستحب مؤکد است که پس از دفن در کنار قبر او را تسلیت گویند و پیش از دفن هم مستحب است». (3)

تسلّی دادن صاحبان عزا

در روایتی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس اندوهگینی را تسلیت گوید، در روز قیامت لباسی نو بر او بپوشانند و همانند ثواب صاحب عزا به وی داده می شود، بی آنکه چیزی از ثواب وی کسر شود». (4)

زیارت اهل قبور

مردگان خبردار و شاد می شوند

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به زیارت اموات بروید که خبردار می شوند و از رفتن شما شاد و خوشحال شده و به شما انس می گیرند. هنگامی که به نزدیک قبرشان رفتید بگویید: اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ

1- کافی، ج 3، ص 195، ح 4؛ تهذیب، ج 1، ص 336، ح 922.

2- ترجمه: «(این کار را در حالی انجام می دهم که) ایمان به تو دارم و معتقدم که روزی همه مردگان را زنده می کنی و این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند».

3- کافی، ج 3، ص 198، ح 2؛ تهذیب، ج 1، ص 338، ح 926.

4- کافی، ج 3، ص 227، ح 2 و 4.

ص: 610

جَنُوبِهِمْ وَصَاعِدُ الْيَكِّ اُرْوَاهَهُمْ وَلَقِيَهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنِ الْيَهُمُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ وَتَوْنِسُ بِهِ وَخَشْتَهُمْ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستاد و این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحَدَّتَهُ وَأَنْسُ وَحَشَّتَهُ وَأَمِنْ رَوْعَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ وَالْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ». (2)

3. در روایات آمده است که مستحب است به هنگام زیارت قبور هر یک از سوره های حمد، ناس، فلق، توحید و آیه الکرسی سه مرتبه و سوره قدر هفت مرتبه خوانده شود. (3)

ثواب زیارت اهل قبور

1. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به زیارت قبر مؤمنی رود و رو به قبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) را بخواند، از ترس و وحشت عظیم روز قیامت در امان خواهد بود. (4)

2. و در روایتی دیگر آمده است که خداوند او و صاحب قبر هر دو را بیمارزد. (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، قبر آنان را گشاده گردان و روحشان را به درگاه خود بالا ببر و رضوان و خشنودی خود را شامل حالشان کن و رحمت خود را مونس آنان ساز، تا تنهاییشان را جبران کنی و ترس آنها را به آرامش مبدل سازی؛ زیرا تو بر هر چیزی توانایی». کتاب من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 115، ح 540.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر غربتش رحم کن و تنهایی اش را از بین ببر و مونس وحشت او و امان از هراسش باش و رحمت خود را همنشین او گردان تا از رحمت غیر تو بی نیاز شود و او را به موالیانش ملحق گردان». کامل الزیارات، ص 321، باب 105، ح 12.

3- کامل الزیارات، ص 322 ذیل حدیث 12.

4- رجال کشی، ص 564، ح 1066.

5- ثواب الأعمال، ص 236؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 115، ح 541.

ص: 611

3. نیز در حدیثی می خوانیم که هر کس بر سر قبر مؤمنی هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، خداوند متعال به فرشته ای مأموریت می دهد که در کنار قبر آن میت عبادت کند و ثواب عبادت او را برای آن میت بنویسند و هنگامی که از قبر محشور شود، به هر صحنه وحشتناکی از صحنه های قیامت برسد خداوند متعال با آن ملک، صحنه وحشتناک را از او دور می کند تا وارد بهشت شود. (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر قبرستانی بگذرد و یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) بخواند و ثوابش را به مردگان آن قبرستان هدیه کند، به تعداد مرده های آن گورستان اجر و ثواب می برد.» (2)

(توجه:) از آنجا که این کتاب مناسب ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن میت نبود، بخش کمی از آداب آن را ذکر کردیم، تا از این جهت خالی از فایده نباشد و تفصیل آن در بحار الأنوار آمده است. (3)

1- شبیه این روایت در کافی (ج 3، ص 229، ح 9) آمده است.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 46، ح 27.

3- ر.ک: بحار الأنوار، ج 82.

ص: 612

ص: 613

فصل یازدهم: آداب مجالس

اشاره

1. فضیلت سلام کردن و آداب آن

2. فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن

3. آداب نشستن در مجالس

4. آداب ملاقات میزبان با میهمان

5. مجالس مناسب و همنشینان شایسته

6. آداب عطسه زدن

7. مزاح کردن، خندیدن، سخن در گوشه، رازداری، آداب سخن گفتن

8. آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر

9. فضیلت یاد خدا در مجالس

10. رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مجالس

11. مشورت و آداب آن

12. نامه نگاری

ص: 614

ص: 615

فضیلت سلام کردن و آداب آن

اهمیت سلام کردن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحابش را به هفت چیز امر کرد: تشییع جنازه، عیادت بیماران، دعا کردن برای کسی که عطسه کند، یاری کردن مظلوم، آشکارا سلام کردن، پذیرفتن دعوت دیگران، راستگویی

در قسم. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نشانه فروتنی آن است که با هر کس ملاقات کردی سلام کنی».

(2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس قبل از سلام سخن بگوید، پاسخش را ندهید و کسی را بر سر سفره نخوانید پیش از آنکه سلام کند».

(3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد».

(4)

1- خصال، ج 2، ص 93، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 212، ح 1 و 2.

2- کافی، ج 2، ص 646، ح 12.

3- خصال، ج 1، ص 72، ح 62؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 3، ح 6.

4- امالی مفید، ص 317؛ امالی طوسی، ج 1، ص 87.

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به گروهی

از مؤمنان سلام کند، ملائکه در پاسخش می گویند: سَلَامٌ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ أَبَدًا». (1)

حکم سلام کردن و پاسخ آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی بر گروه دیگری می گذرد اگر یکی از آنها سلام کند کافی است، چنانکه اگر یک تن از گروه مقابل پاسخ دهد کافی است و بر دیگران لازم نیست پاسخ دهند». (3)

به چنین کسانی سلام نکنید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به سه کس نباید سلام کرد: کسی که همراه جنازه می رود، کسی که به نماز جمعه می رود، کسی که در

حمام باشد». (4)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه داخل مسجد شدی که مردم مشغول نمازند بر آنها سلام نکن، بلکه بر حضرت رسول سلام کن و به نماز بپرداز و اگر داخل مجلسی شدی که مردم با هم سخن می گویند بر آنها

سلام کن». (5)

1- کشف الغمّه، ج 2، ص 730؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 6، ح 18.

2- کافی، ج 2، ص 644، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 645، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 645، ح 11.

5- قرب الإسناد، ص 93، ح 304.

ص: 617

در روایات متعددی آمده است که بر عده ای از مرتکبان گناه کبیره که نام گناهانشان در آن احادیث برده شده، سلام نکنید. (1)

بعید نیست بیشتر این روایات بدان معنی باشد که سلام کردن به این افراد فضیلت ندارد و به خاطر راضی بودن به گناه آنها به آنها سلام نکنید، زیرا احادیث فراوانی داریم که سلام کردن به همه کس خوب است.

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به زنان سلام می کرد و آنها پاسخ می گفتند. و حضرت علی علیه السلام به پسرزنان سلام می کرد و از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت و می فرمود: می ترسم از (صدای) آنان لذت ببرم و بیش از ثوابی که از سلام کردن می برم گناه کنم». (2)

نکته: این مطلب و شبیه آن به منظور تعلیم به پیروانشان است و گرنه آن بزرگواران از گناه پاک و مبراً هستند.

آداب سلام کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که جواب سلام می دهد، بلند پاسخ بدهد تا سلام کننده نگوید سلام کردم و جوابم را ندادند». (3)
 2. در حدیثی دیگر فرمود: «با سه کس باید به صیغه جمع سخن گفت: در پاسخ کسی که عطسه می کند بگو: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» هر چند شخص دیگری با او نباشد، به کسی که سلام می کنی بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»، برای کسی که دعا می کنی بگو: «عافاكمُ اللَّهُ» هر چند یک نفر باشد، زیرا ملائکه همراه این افراد هستند (علاوه بر اینکه) در نیت، مؤمنان غایب را می توان قصد کرد». (4)
- 1- خصال، ج 2، ص 254، ح 9؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 9.
- 2- کافی، ج 2، ص 648، باب التسليم على النساء، ح 1؛ وج 5، ص 535، ح 3.
- 3- کافی، ج 2، ص 645، ح 7.
- 4- کافی، ج 2، ص 645، ح 10.
- ص: 618
3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است کسی «حَيَّاكَ اللَّهُ» بگوید، مگر آنکه (سلام را هم به آن بیفزاید؛ مثل اینکه) «حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَام» بگوید». (1)
 4. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه کسی به تو «حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَام» گفت، در جواب بگو: «فَحَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ وَأَحَلَّكَ دَارَ الْمُقَامِ»». (2)

5. نیز در روایتی فرمود: «هر کس وارد خانه اش می شود بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد بگوید: اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ رَبِّنا». (3)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که وارد خانه خود می شود سلام کند که باعث برکت می شود و ملائکه به آن خانه انس می گیرند». (4)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگام ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه کنید و چون جدا می شوید برای یکدیگر طلب آمرزش کنید». (5)

8. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی از مجلسی برمی خیزد اهل مجلس را با سلام دادن وداع کند که در این صورت اگر بعد از او سخن نیکویی بگویند در ثواب آنها شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بزنند بر او گناهی نوشته نخواهد شد». (6)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که زنی بر جماعتی

1- کافی، ج 2، ص 646، ح 15.

2- ترجمه: «خداوند تو را با سلامتی زنده بدارد». جواب: «خداوند تو را نیز با سلامتی زنده بدارد و در بهشت جای دهد». خصال، ج 2، ص 431، ح 350؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 113.

3- خصال، ج 2، ص 419؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 4، ح 10.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 583، ح 23.

5- کافی، ج 2، ص 181، ح 11.

6- قرب الإسناد، ص 54، ح 142.

وارد شود «عَلَيْكُمْ السَّلَام» و اگر مردی بر جماعتی وارد شود «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» بگوید». (1)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «کوچک تر به بزرگ تر، رهگذر به نشسته و جمعیت کمتر بر جماعت بیشتر سلام کنند». (2)

11. نیز در روایتی فرمود: «سواره بر پیاده، استرسوار بر الاغ سوار، اسب سوار بر استرسوار و ایستاده بر نشسته سلام کند». (3)

سلام رخصت

(مقدمه:) از جمله اقسام سلام، سلام رخصت است و آن در جایی است که بخواهد وارد خانه کسی شود که در بیرون خانه سه مرتبه سلام می کند. اگر از داخل خانه جواب دادند وارد می شود، وگرنه سلام کننده بازمی گردد و پاسخ این سلام واجب نیست. (4)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رخصت طلبیدن سه مرتبه است: در مرتبه اول می شنوند و در مرتبه دوم حذر می کنند و در مرتبه سوم اگر خواستند رخصت می دهند وگرنه ساکت می مانند تا او بازگردد و خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید، در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید (استیناس کنید) و بر اهل آن خانه سلام کنید». (5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «استیناس، کفش بر زمین زدن و سلام کردن است، تا صاحب خانه خبردار شود». (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 301، ح 1439.

2- کافی، ج 2، ص 646، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 646، ح 2.

4- مشکاه الأنوار، ص 194 و 195.

5- سوره نور، آیه 27.

6- معانی الأخبار، ص 163.

ص: 620

پاداش سلام کردن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت چند غرفه هست که درونش از بیرون و بیرونش از درون نمایان است. کسانی از امت من در آن سکونت خواهند داشت که به زبان نیک با مردم سخن گویند و به مردم غذا بخوراند و آشکارا سلام کنند و هنگامی که مردم در خوابند آنها نماز شب بخوانند». و فرمود: «منظور از آشکارا سلام کردن آن است که در سلام کردن به کسی از مسلمانان بخل نوزند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر ده تن از مسلمانان بگذرد و به آنان سلام کند، ثواب آزاد کردن یک برده در نامه عملش نوشته می شود». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب کسی که «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» بگوید، ده حسنه است و اگر «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» بگوید، سی حسنه ثواب می برد». (3)

فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن

اشاره

فضیلت مصافحه (4) و معانقه و روبوسی کردن

اهمیت مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصافحه کردن با مؤمن بهتر از مصافحه کردن با ملائکه و فرشتگان است». (5)

2. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمال

1- معانی الأخبار، ص 251.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 186.

3- کافی، ج 2، ص 645، ح 9.

4- «مصافحه»، به معنای دست یکدیگر را گرفتن، در هنگام دیدار دوستان سنت است و باید با هر دو دست باشد (لغت نامه دهخدا).

5- کافی، ج 2، ص 183، ح 21.

ص: 621

تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن (ودست دادن) و کمال تحیت و سلام کسی که از سفر آمده باشد، دست در گردن یکدیگر انداختن است». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «حدّ مصافحه آن است که چنانچه دور درخت خرما بگردند (وبار دیگر یکدیگر را ملاقات کنند)، پس از آن مصافحه کنند». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مؤمن از یکدیگر پنهان شوند، هر چند به سبب درختی باشد که در میان آنها فاصله انداخته باشد، هنگامی که همدیگر را می بینند مصافحه کنند». (3)

آداب مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکرد، مگر اینکه طرف مقابل دستش را می کشید و آن حضرت شروع به این کار نمی کرد». (4)

2. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «هر کس دستش را دیرتر بردارد، ثوابش بیشتر است». (5)

آثار دنیوی مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با یکدیگر مصافحه کنید که کینه ها را از سینه ها می برد». (6)

1- کافی، ج 2، ص 646، ح 14.

2- کافی، ج 2، ص 181، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 181، ح 9.

4- کافی، ج 2، ص 181، ح 15.

5- کافی، ج 2، ص 181، ح 13.

6- کافی، ج 2، ص 183، ح 18.

ص: 622

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد، زیرا خداوند چنین دستور داده است و این کار باعث جلوگیری از دشمنی او می شود». (1)

پاداش آخروی مصافحه کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که ابوعبیده گوید: همسفر امام باقر علیه السلام بودم. نخست من سوار شدم بعد آن حضرت سوار شد. هنگامی که هر دو در کجاوه نشستیم حضرت با من سلام واحوالپرسی کرد، همانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده اند، سپس با من مصافحه کرد. هنگام پیاده شدن، نخست حضرت پیاده شد بعد من. ایشان سلام کرد واحوال مرا پرسید، مانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده اند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این چه کاری است که انجام می دهید؟ در محلّ ما چنین نمی کنند. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی مصافحه کردن چقدر ثواب دارد؟ هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند، گناهان آنها می ریزد همان گونه که برگ درخت ریزش می کند و خداوند متعال تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده اند با نظر رحمت به آنها می نگرد». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحزمه گوید: در سفر با امام باقر علیه السلام هم کجاوه بودم. هنگامی که از کجاوه پایین آمد و بارها را به زیر آوردیم، حضرت اندکی راه رفت، سپس دست مرا گرفت و به سختی فشرد. عرض کردم: من اکنون در کجاوه با شما بودم. فرمود: «مگر نمی دانی که هرگاه مؤمن اندکی حرکت کند، سپس دست برادر مؤمنش را بگیرد (و با وی مصافحه کند) خداوند به آنها نظر لطف کرده و رحمتش را به سوی آنها روانه می گرداند و به گناهانشان دستور

1- خصال، ج 2، ص 428؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 111.

2- کافی، ج 2، ص 180، ح 1.

ص: 623

می دهد که از آنان فرو ریزد، به گونه ای که وقتی از هم جدا می شوند هیچ گناهی برایشان باقی نمی ماند». (1)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که با برادران مؤمن ملاقات می کنید با آنها مصافحه کرده و خوشحالی و سرور خود را برای آنها ابراز کنید. در این صورت، وقتی که از همدیگر جدا شوید هیچ گناهی برای شما نمی ماند». (2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «ثواب شما در مصافحه کردن، همانند ثواب جهاد در راه خداست». (3)

معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)

1. در حدیث است که اسحاق بن عمار صیرفی می گوید در کوفه ساکن بودم و شیعیان بسیاری نزد من می آمدند. از شهرت و عواقب آن ترسیدم. به خادم دستور دادم که هر کس به سراغ من آمد بگو اینجا نیست. همان سال به حج مشرف شدم. هنگامی که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم آن حضرت را ناخشنود یافتم. عرض کردم: فدایت شوم چه چیز باعث ناراحتی شما شده است؟ فرمود: «آنچه که باعث تغییر رفتار تو (با مؤمنین) شده است». عرض کردم: فدایت شوم از شهرت و عواقب آن ترسیدم؛ خدا می داند که چقدر مؤمنین را دوست می دارم. حضرت فرمود: «ای اسحاق، از رفت و آمد مؤمنان ناراحت نباش، زیرا هنگامی که مؤمنی با مؤمن دیگر برخورد کند و به او مرحبا بگوید، خداوند تا روز قیامت برایش مرحبا می نویسد و چون با او مصافحه کند، خداوند متعال میان دو انگشت

1- کافی، ج 2، ص 180، ح 7.

2- خصال، ج 2، ص 427؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 111.

3- ثواب الأعمال، ص 218.

ص: 624

ابهام آنها صد رحمت می فرستد که نودونه تایی آن از آن کسی است که دیگری را بیشتر دوست می دارد. سپس رحمت الهی به سوی آنها روی می آورد و هر کس دیگری را بیشتر دوست داشته باشد سهم بیشتری از رحمت الهی نصیبش می شود. و هنگامی که دست در گردن یکدیگر اندازند، غرق رحمت الهی می شوند. و چنانچه برای جلب رضایت خدا با یکدیگر باشند و غرض دنیوی نداشته باشند، به آنها خطاب می رسد که شما را آمرزیدم، اعمالتان را از نو شروع کنید. و چون احوال یکدیگر را بپرسند و با هم سخن گویند، ملائکه به هم می گویند: دور شوید، می خواهند از حال یکدیگر جويا شوند که خداوند بر ملائکه پوشانیده است. اسحاق می گوید: از حضرت پرسیدم بنابراین، سخنانی که با هم می گویند ملائکه نمی

نویسند؟ حضرت آه بلندی کشید و گریست. چندان گریه کرد که آب دیدگان مبارکش بر روی محاسنش روان شد و فرمود: «ای اسحاق، خداوند به ملائکه دستور داده است هرگاه دو مؤمن یکدیگر را

ملاقات کنند به احترامشان از آنها دور شوند. واگرچه ملائکه نمی نویسند اما خداوندی که از احوال آنها خبر دارد واز پنهان و آشکار و حتی آنچه در سینه ها و ذهن آنها خطور می کند باخبر است و می داند که آنان چه می گویند. ای اسحاق، از خداوند بترس چنان که گویی او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. واگر گمان کنی که او تو را نمی بیند کافر شده ای واگر می دانی که او تو را می بیند و گناهان را از مردم پنهان و نزد او آشکار می کنی، او را از همه کس بی ارزش تر شمرده ای». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمنش از خانه خارج شود و حق او را بشناسد، خداوند متعال در مقابل هر گامی، حسنه ای در نامه اعمالش نوشته و گناهی از گناهانش را محو کرده

1- ثواب الأعمال، ص 176.

ص: 625

و درجه ای بر درجاتش می افزاید. و هنگامی که به در خانه او برسد و در خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برای او گشوده می شود. و زمانی که با یکدیگر ملاقات و مصافحه کرده و دست در گردن یکدیگر کنند، خداوند متعال رحمتش را به سوی آنها روانه می کند و به سبب آنها بر ملائکه مباحثات می کند و به آنها می فرماید: «به این دو بنده من که به دیدار یکدیگر شتافته و برای رضای من با یکدیگر دوستی برقرار کرده اند، نگاه کنید. بر من لازم است پس از این، آنها را عذاب نکنم». و هنگامی که از ملاقات دوست مؤمنش بازگردد، به تعداد نفس ها و گام ها و سخنانش، فرشتگانی مأمور محافظت از وی می شوند تا او را از بلاهای دنیا و آخرت تا روز بعد در همین ساعت حفظ کنند. واگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات پیدا می کند. و چنانچه مؤمنی که به ملاقات او رفته نیز حق او را بشناسد و حرمت او را نگاه دارد، همین ثواب را خواهد داشت». (1)

روبوسی کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شما شیعیان نوری در پیشانی دارید که به سبب آن، شما را در دنیا می شناسند. هنگامی که با یکدیگر ملاقات کنید محلّ آن نور از پیشانی یکدیگر را ببوسید». (2)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خویشان خود را به سبب خویشاوندی ببوسد اشکالی ندارد. ونسبت به برادر مؤمن، دو طرف صورت آنها را ببوسد. ودر مورد امام، میان دو چشمش را ببوسد». (3)

3. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: «بوسیدن دهان شایسته نیست، مگر

1- کافی، ج 2، ص 183، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 185، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 185، ح 5.

ص:626

نسبت به همسر و فرزندان». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود: «بوسیدن دست کسی شایسته نیست، مگر پیامبر یا وصیّ پیامبر». (2)

5. نیز در حدیثی فرمود: «سر و دست کسی را نباید بوسید، مگر سر و دست رسول خدا صلی الله علیه و آله یا کسی که منظور از بوسیدن سر و دستش، حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد». (3)

نکته: احتمال دارد که ذیل روایت مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد، ولی احتمال قوی تر آن است که شامل سادات و علما هم بشود، زیرا این دو گروه را از آن رو تعظیم می کنند که فرزندان آن حضرت یا حافظ علوم و مروّج دین او هستند.

آداب نشستن در مجالس

رفتن به مجلسی بدون دعوت

در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: هشت گروه اگر خوار شوند، جز خود نباید کسی را سرزنش کنند:

کسی که بر سر سفره ای حاضر شود که دعوت نشده است.

میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید.

کسی که از دشمنانش طلب خیر کند.

هر که از لئیم و بخیل طلب خیر کند.

کسی که خود را وارد رازی کند که میان دو تن پنهان است؛ بدون رضایت آنها.

هر که به حاکمی توهین کند.

1- کافی، ج 2، ص 186، ح 6.

2- کافی، ج 2، ص 185، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 185، ح 2.

ص: 627

کسی که در مکانی از مجلس بنشیند که سزاوار او نباشد.

هر که با کسی سخن گوید که به سخن او گوش نمی کند». (1)

آداب ورود به مجلس و نشستن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیشتر اوقات رو به قبله می نشست». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد مجلس می شد، هر جا که به درگاه نزدیک تر بود می نشست». (3)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام در منزل خود نزدیک درگاه رو به قبله می نشست. (4)

4. در حدیثی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی به خانه دیگری برود، هر جا که صاحب خانه تعیین می کند بنشیند، زیرا صاحب خانه نیک و بد خانه اش را بهتر می شناسد». (5)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از نشانه های فروتنی آن است که انسان راضی شود به نشستن در جایی که پایین تر از جایگاه شایسته اوست و به هر کس برسد سلام کند و مجادله را ترک گوید - هر چند حق با او باشد - و دوست نداشته باشد او را به پرهیزگاری ستایش کنند». (6)

6. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس راضی

1- خصال، ج 2، ص 175، ح 9؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 371، ح 12.

2- کافی، ج 2، ص 661، ح 4؛ بحار الأنوار، ج 16، ص 240.

3- مکارم الأخلاق، ص 26.

4- کافی، ج 2، ص 662، ح 9.

5- قرب الإسناد، ص 73، ح 212؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 465، ح 5.

6- الجعفریات، ص 149.

ص: 628

شود به نشستن در جایی که مناسب شرف او بالاتر از آن باشد، خدا و ملائکه پیوسته بر او درود می فرستند تا برخیزد». (1)

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان وارد مجلسی شود که مردم در جای خود نشسته اند، اگر کسی از جای خود برخاست و به او تعارف کرد که در جایش بنشیند اجابت کند که آن کرامتی است که به او شده است. و اگر کسی برای او جا باز نکرد، هر جا که وسیع تر است بنشیند». (2)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست مؤمن بنشیند مگر پایین تر از گروهی که نشسته اند، زیرا ایجاد مزاحمت برای مردم نشانه سبکی عقل است». (3)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا بر سر راه بنشینید». (4)

جایگاه صدر مجلس

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند، نادان است: هر چه بپرسند بتواند پاسخ دهد، هنگامی که دیگران در اظهار نظر ناتوان شوند او قادر بر بیان حق باشد، بتواند هر کس را به آنچه صلاح اوست راهنمایی کند». (5)

آداب و روش های نشستن

1. در روایت است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سه روش می نشست: گاه

1- تحف العقول، ص 486؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 466، ح 12.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 7؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 464، ح 3.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 310؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 464، ح 2.

4- امالی طوسی، ج 1، ص 7؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 465، ح 6.

5- تحف العقول، ص 389؛ اصول کافی، ج 1، ص 19.

ص: 629

زانوها را از زمین برداشته، دست ها را بر پایین زانوان گذاشته و مچ یک دست را با دست دیگر می گرفت، گاه دو زانو می نشست، گاه یک پا را بر پای دیگر می نهاد و هرگز چهار زانو نمی نشست». (1)

2. در حدیث است که ابو حمزه می گوید: امام زین العابدین علیه السلام در حالی که یک پا را بر بالای ران دیگر گذاشته بود فرمود: «مردم این گونه نشستن را خوب نمی دانند و می گویند: این نشستن پروردگار است». حضرت فرمود: «من برای ناچاری چنین نشسته ام و خداوند ناچار نیست، همان گونه که کسالت و خواب بر او عارض نمی شود، زیرا جسم نیست و نشستن در مورد خدا تصور نمی شود». (2)

3. در روایتی دیگر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام پای راست را بر روی ران پای چپ گذاشته بود. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی را که در جای تنگ چهارزانو بنشیند انسان نشمار». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان جماعتی می نشیند، نباید لباسش را از ران خود دور کند». (5)

6. در چندین حدیث آمده است که: «احتبا دیوار عرب هاست. (6)» (7)

1- کافی، ج 2، ص 661، ح 4.

2- کافی، ج 2، ص 661، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 661، ح 5؛ بحار الأنوار، ج 48، ص 47، ح 72.

4- محاسن، ص 11، ح 35.

5- خصال، ج 2، ص 423؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 108.

6- منظور این است که عرب در مواردی که کنار دیوار نمی نشیند و نمی تواند برای تکیه زدن از دیوار استفاده کند، به روش خاصی می نشیند که او را از تکیه زدن بر دیوار بی نیاز می کند و آن روش را احتبا می گویند. بدینصورت که ساق دو

پا را به شکم نزدیک می کند و پیراهن را روی بدن وساق پاها می کشد و می نشیند. و بدین ترتیب از تکیه زدن به دیوار بی نیاز می شود (اصول کافی، ج 2، ص 662، پاورقی).

7- کافی، ج 2، ص 662، ح 2 و 3.

ص: 630

7. در حدیثی موثق می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: احتیاج چه حکمی دارد؟ فرمود: «اگر عورت نمایان نشود اشکالی ندارد». (1)

8. در روایتی دیگر فرمود: «جایز نیست مرد در برابر کعبه احتیاج کند». (2)

9. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است بین کسانی که در تابستان در مکانی نشسته اند به مقدار یک وجب فاصله باشد، تا از گرما اذیت نشوند». (3)

آداب ملاقات میزبان با میهمان

اهمیت میهمان داری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش میهمانش شود و او را گرمی بدارد، گویی خداوند را گرمی داشته است». (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گونه ملاطفت و مهربانی که انسان با برادر مؤمنش کند، خداوند آن را از خدمه بهشت کرامت فرماید». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به سبب سخنی که از روی لطف به برادر مؤمنش می گوید به او اکرام کند و غمی از وی برطرف کند، تا زمانی که مشغول این اکرام است پیوسته در سایه رحمت الهی باشد». (6)

1- کافی، ج 2، ص 663، ح 4.

2- کافی، ج 2، ص 663، ح 5.

3- کافی، ج 2، ص 662، ح 8.

4- کافی، ج 2، ص 206، ح 3.

5- کافی، ج 2، ص 206، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 206، ح 5.

ص: 631

وظایف میزبان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ میهمان آن است که میزبان به هنگام ورود و خروج، مقداری او را همراهی (و بدرقه واستقبال) کند». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که میهمان داخل خانه شود حاکم بر صاحب خانه است تا زمانی که بیرون رود. (بنابراین) آنچه می گوید صاحب خانه باید بپذیرد». (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «برخاستن برای تعظیم مکروه است، مگر برای کسی که برای دین - مانند علم و صلاح و نیکی (وایمان و تقوا) - او را تعظیم کنند». (3)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اکرام نکن کسی را به چیزی که بر او دشوار باشد». (4)

گرامیداشت بزرگسالان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروهند که - جز منافق - کسی جاهل به حق آنها نیست: کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد (بزرگسالان)، کسی که حامل لفظ یا معنای قرآن بوده باشد، امام عادل». (5)

2. در حدیثی فرمود: «تعظیم پیران، تعظیم خداوند است». (6)

1- کافی، ج 2، ص 659، باب حقّ الدخل، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 659، باب حقّ الدخل، ح 2.

3- محاسن، ص 233، ح 186.

4- تحف العقول، ص 489؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 141، ح 6.

5- کافی، ج 2، ص 658، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 658، ح 6.

ص: 632

ردّ احسان ممنوع

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که دو تن به خانه حضرت علی علیه السلام رفتند. حضرت برای هر کدام از آنها بالشی نهاد. یکی بر روی آن نشست و دیگری خودداری کرد. حضرت فرمود: «بر روی آن بنشین که کرامت را جز درازگوشان رد نمی کند». سپس به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که نزد قوم خود گرامی است مهمان شما شود او را گرامی بدارید». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که را اکرام کنند و مقدمش را گرامی دارند، نباید اکرام را رد کند که کرامت را رد نمی کند مگر درازگوش». (2)

3. در چندین حدیث آمده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: اینکه کرامت را نباید رد کرد منظور چه اموری است؟ فرمود: در مجلسی جایی برایش بگشایند، یا عطر خوشی برایش بیاورند، یا بالشی برایش بگذارند و مانند این موارد از کرامت ها. (3)

پاداش پذیرایی از مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان به او خدمتکار بهشتی کرامت می فرماید». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که تحفه ای برای مؤمنی بیاورد، مثل بالش یا متکا، یا غذا، یا لباس، یا سلامی به او کند، بهشت آماده

1- کافی، ج 2، ص 659، ح 1.

2- قرب الإسناد، ص 91، ح 294؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 140، ح 1.

3- معانی الأخبار، ص 163.

4- کافی، ج 2، ص 206، ح 4.

ص: 633

می شود که پاداشش دهد. خداوند متعال وحی کند که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام، مگر نسبت به پیامبر یا وصی پیامبر. اما هنگامی که روز قیامت فرا رسد خداوند به بهشت خطاب می کند: «امروز پاداش تحفه های آنها را بده!» سپس غلامان و کنیزانی با طبق هایی که دستمال هایی از مروارید بر روی آن کشیده شده از بهشت بیرون آمده، نزد آنان می روند. اما هنگامی که آنها به جهنم و عذاب های آن و بهشت و آنچه در آن است نگاه می کنند (از شدت وحشت) هوش از

سرشان می رود و چیزی از آن غذاها نمی خورند. پس منادی آنها را از زیر عرش ندا کند که خداوند جهنم را بر کسی که از طعام های بهشتی بخورد حرام کرده است. در این هنگام دست دراز می کنند و از غذاهای بهشتی می خورند». (1)

مجالس مناسب و همنشینان شایسته

همنشینی

اهمیت همنشین

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «انسان بر دین دوست و همنشین خود است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «اخلاق همنشین بد به انسان سرایت کرده و او را هلاک می کند. پس مراقب باش که با چه کسی همنشین می شوی». (3)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کنید با چه کسی سخن می گوید و مصاحبت می کنید که همنشینان هر کس را به هنگام مرگ به او نشان می دهند، اگر انسان های صالح و خوبی باشند از همنشینی آنها شاد می شود

1- کافی، ج 2، ص 207، ح 7.

2- کافی، ج 2، ص 375، ح 3؛ امالی طوسی، ج 2، ص 132.

3- کافی، ج 2، ص 640، ح 4.

ص: 634

و اگر بد باشند غمگین می گردد». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوستی نیکان با نیکان، ثوابی است برای نیکان. وعلاقه انسان های بد به نیکان، فضیلتی برای نیکان است. ودشمنی بدان با نیکان، زینتی برای نیکان محسوب می شود. ودشمنی نیکان با بدان، موجب خفت و خواری بدان است». (2)

همنشینان خوب

هر که عیب تو را گوید

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کسی که تو را (با نصایح لازم) می گریاند پیروی کن که خیرخواه تو است و از کسی که تو را (با تملق و چاپلوسی) می خندانند و درصدد فریب دادن تو است دوری کن». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین برادران دینی نزد من کسی است که عیوب مرا به من هدیه کند». (4)

همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با افراد کهنه کار و پرتجربه مصاحبت و مجالست کن و از همنشینی با افراد تازه کار بپرهیز که برای آنها عهد و امانت و وفایی نیست. و از همه کس حذر کن، هر چند به آنها اعتماد بسیار داشته باشی». (5)

1- کافی، ج 2، ص 638، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 640، ح 6.

3- محاسن، ص 603، ح 32؛ کافی، ج 2، ص 638، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 639، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 638، ح 4

ص:635

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حواریون به حضرت عیسی علیه السلام گفتند: با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: با کسی که دیدنش خدا را به یاد شما آورد و سخن گفتنش بر علم شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت سوق دهد». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در مجالسی شرکت کن که در آن مجالس یاد خدا شود». (2)

4. در حدیثی آمده است که حضرت لقمان به پسرش گفت: «فرزندم، با دیده بصیرت به مجالس نگاه کن. اگر جماعتی در آن مجلس بودند که یاد خدا می کنند با آنها مصاحبت کن، زیرا اگر تو عالم باشی از همنشینی آنها بهره علمی خواهی برد و بر علم تو افزوده خواهد شد. و اگر جاهل باشی به تو علم می آموزند. و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرستد و تو را هم فرا گیرد». (3)

همنشینی با اهل دین و معرفت

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جلسه همنشینی با کسی که به او اعتماد داشته باشم، از یک سال عبادت برای من بهتر است». (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همنشینی با مردم دیندار، شرف دنیا و آخرت است». (5)

3. در حدیثی است که امام زین العابدین علیه السلام به فرزندان می فرمود: «با اهل دین و معرفت همنشینی کنید و اگر چنین همنشینانی نیابید، تنهایی مونس

1- کافی، ج 1، ص 39، ح 3؛ اعلام الدین، ص 272.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 7.

3- کافی، ج 1، ص 39، ح 1؛ علل الشرایع، ج 2، ص 394، ح 9.

4- کافی، ج 1، ص 39، ح 5.

5- کافی، ج 1، ص 39، ح 4.

ص:636

مناسب تر وسالم تری است واگر ناچار باشید از همنشینی با مردم، با انسان های بامروّت نشست و برخاست کنید که آنان در مجالس خود بدگویی نمی کنند». (1)

همنشینان بد

اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با اهل بدعت همنشینی نکنید که در نزد مردم همانند آنها خواهید بود». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مبادا با احمق همنشین شوی، زیرا هنگامی که از او راضی تری، خطر رنجاندن و ضررش بیشتر است». (3)

3. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصاحبت با عالم در زمین آلوده، از همنشینی با جاهل بر روی فرش های نیکو بهتر است». (4)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حکیم ترین مردم کسی است که از همنشینی با جاهلان بپرهیزد». (5)

زینت دهنده گناه وانسان های بد

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدترین همنشینان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «همنشینی با بدان، موجب گمان بد بردن در حق نیکان است». (7)

1- بحار الأنوار، ج 71، ص 196، ح 27.

2- کافی، ج 2، ص 642، ح 10.

3- کافی، ج 2، ص 642، ح 11.

4- کافی، ج 1، ص 39، ح 2.

5- معانی الأخبار، ص 196؛ امالی صدوق، ص 21.

6- معانی الأخبار، ص 198؛ امالی طوسی، ج 2، ص 50.

7- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 53، ضمن حدیث 204.

ص: 637

توانگران خدانشناس

1. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مراقب باش با کسی که منفعت دینی برای تو ندارد همنشینی نکن و در سخن گفتن با وی رغبت نکن». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با توانگران همنشینی نکن، زیرا انسان پیش از مجالست با آنان تصوّر می کند که خداوند نعمت فراوانی به او داده، اما قبل از برخاستن گمان می کند که خدا هیچ نعمتی به او نداده است». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می میراند: گناه بعد از گناه، بسیار سخن گفتن با زنان، مجادله کردن با احمق به گونه ای که تو گویی وا گوید و به حق بازنگردد، همنشینی با مردگان. پرسیدند: ای رسول خدا، مردگان کیانند؟ فرمود: هر توانگری که خدا را فراموش کند». (3)

فاجر و پست

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند». (4)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «همنشینی با سه کس دل را می میراند: نشستن با مردم پست، سخن گفتن (زیاد) با زنان، نشستن با توانگران». (5)

1- قرب الإسناد، ص 58، ح 157؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 191، ح 5.

2- امالی صدوق، ص 253، ح 3؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 194، ح 21.

3- خصال، ج 1، ص 214، ح 58؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 128، ح 10.

4- کافی، ج 2، ص 375، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 641، ح 8.

دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم

1. از زین العابدین امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پنج گروه مصاحبت نکن وهم کلام نشو :

دروغگو که با دروغ هایش همچون سراب دور را برای تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می کند.

فاسق که تو را به طعامی وحتی کمتر از آن می فروشد.

بخیل که به هنگام نیاز وواج احتیاج، کمک مالی به تو نمی کند.

احمق که اگر بخواهد سودی به تو برساند ضرر می زند.

قاطع رحم که خداوند متعال در سه جای قرآن او را نفرین کرده است: (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ. (1) وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ

اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (2) الَّذِينَ

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ). (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سزاوارترین مردم به متهم شدن، کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد». (4)

1- ترجمه: «اگر (از این دستورها) رویگردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آنها کسانی اند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش هایشان را کروچشمانشان را کور کرده است».
سوره محمد، آیات 22 و 23.

2- ترجمه: «آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست ؛ و بدی (ومجازات) سرای آخرت». سوره رعد، آیه 25.

3- ترجمه: (فاسقان) کسانی (هستند) که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند؛ اینها زیانکارانند». (سوره بقره، آیه 27) کافی، ج 2، ص 376، ح 7.

4- معانی الأخبار، ص 196؛ امالی صدوق، ص 21.

ص: 639

بی وفا، ناسپاس، رازدار، قدرشناس علم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز ضایع می شود : محبت به انسان بی وفا، نیکی به انسان ناسپاس، آموزش دادن علم به کسی که گوش فرا ندهد، سپردن راز به کسی که رازدار نیست». (1)

همنشینان پدر

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است انسان دوستان پدر را نگاه دارد که نیکی به آنها همانند نیکی به پدر است». (2)

حدّ همنشینی وحقّ آن

1. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با آشنایان زود نزدیک (و خودمانی) نشو که منتهی به جدایی می گردد واز آنها نیز دوری نکن که خوار می شوی. به کسانی نیکی کن که خواهان نیکی باشند. و همان گونه که میان گرگ و میش دوستی تصوّر نمی شود میان نیک کردار و بدکردار دوستی نیست. هر کس نزدیک غیر رود حتماً با او مرتبط می شود، همان گونه که هر کس با شخص بدکردار مصاحبت کند بدی های او را فرا می گیرد. و هر کس با مردم مجادله و پرخاش کند، دشنام می شنود. و هر کس داخل مجالس بد شود به او تهمت می زنند. و هر کس با همنشین بد بنشیند از بدی سالم نمی ماند. و هر کس زبانش را کنترل نکند همواره پشیمان می شود». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مؤمنش را بر

1- خصال، ج 1، ص 240، ذیل ح 128؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 67، ح 10.

2- بحار الأنوار، ج 71، ص 195، ح 26.

3- کافی، ج 2، ص 642، ح 9.

ص: 640

امری که مورد کراهت و تنفر اوست ببیند و توانایی داشته باشد که مشکل او را حل کند و نکند، در ادای حقّ برادری خیانت کرده است. و هر که از همنشینی با احمق دست بکشد، به زودی اخلاق نیک او بازمی گردد». (1)

مجالس خوب و بد

مجالس شایسته

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «داناان در زمان گذشته می گفتند سزاوار است رفت و آمد به یکی از ده منظور باشد: 1. رفتن به خانه خدا برای ادای حجّ و عمره. 2. رفتن به خانه حاکمان متدین که پیروی از آنها متصل به اطاعت خداست و حقّشان واجب و نفعشان عظیم و ضرر مخالفت کردن با آنها سخت است. 3. رفتن به خانه دانشمندی که

از آنها در علوم دین یا دنیا بتوان استفاده کرد. 4. رفتن به خانه اهل بخشش که اموال خود را به امید ثواب آخرت می دهند. 5. رفتن به خانه بی خردان که مردم در حوادث روزگار به آنها محتاج شده و به ایشان پناه می برند. 6. رفتن به خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج به آنان. 7. رفتن به خانه کسانی که برای مشورت و تقویت عزم و اراده به افکار آنها نیاز است. 8. رفتن به خانه برادران مؤمن دینی برای ارتباط با آنها واجب و رعایت کردن حق ایشان لازم است. 9. رفتن به خانه دشمنانی که با مدارا کردن با آنها می توان از ضررها و دشمنی شان در امان بود. 10. رفتن به خانه جمعی که از دیدار آنها می توان آداب حسنه آموخت و با آنها انس گرفت». (2)

مجالس ناشایست

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت فرمود: «از رفتن به

1- امالی صدوق، ص 270.

2- خصال، ج 2، ص 192، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 62، ح 1.

ص: 641

مکان هایی که محلّ تهمت اند اجتناب کن و از شرکت کردن در مجلسی که گمان بد به انسان ببرند بپرهیز که همنشین بد، همنشین خود را فریب می دهد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس خود را در محلّ تهمت قرار دهد، کسی را که به او گمان بد می برد سرزنش نکند». (2)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از مواضع شک و تهمت بپرهیزید و (بدین رو حتی) با مادر خود در میان راه نایستید، زیرا همه کس نمی داند که او مادر شماست». (3)

آداب عطسه زدن

اهمیت عطسه زدن و فلسفه آن

1. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خمیازه کشیدن از شیطان و عطسه زدن از سوی خداوند جهانیان است». (4) (خمیازه

کشیدن سبب کسالت می شود و عطسه زدن مایه نشاط است).

2. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند نعمت های فراوانی بر بنده اش ارزانی داشته، ولی بنده به هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح، این نعمت ها را فراموش کرده و خدا را شکر نمی کند. از این رو، خداوند به بادی که در بدنش وجود دارد دستور می دهد که جولان پیدا کرده و از بینی اش خارج شود (و عطسه کند)، به همین علت دستور داده شده که در این حال حمد خدا گوید که این حمد، جبران شکر آن نعمت های فراموش شده است». (5)

1- امالی طوسی، ج 1، ص 6.

2- کافی، ج 8، ص 133، ح 137.

3- السرائر، ج 3، ص 579.

4- کافی، ج 2، ص 654، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 654، ح 6.

ص: 642

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن چیز خوبی است، زیرا انسان را به یاد خدا می اندازد و برای بدن سودمند است». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن بیمار، نشانه عافیت وی و راحتی بدن اوست». (2)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زند، تا هفت روز از مردن در امان است». (3)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «عطسه متعدد انسان را در برابر پنج بیماری ایمن می کند: خوره، لقوه (4) ، آبریزش چشم، خشونت پره‌های بینی، روییدن مو

در چشم». (5)

آداب عطسه زدن

ذکر عطسه کننده

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که انسان عطسه زد این ذکر را بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ». (6)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام عطسه کرد، سپس فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (7)

3. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که در حاجتگاه عطسه

2- کافی، ج 2، ص 654، ذیل حدیث 19؛ مکارم الأخلاق، ص 356.

3- کافی، ج 2، ص 657، ذیل حدیث 23.

4- «لَقْوَه» یک نوع بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و (بر اثر آن) لب و دهان یا فک به طرفی کج می شود (فرهنگ عمید).

5- مکارم الأخلاق، ص 355.

6- کافی، ج 2، ص 654، ح 9.

7- کافی، ج 2، ص 655، ح 14.

ص: 643

کند، حمد الهی را از قلب خود بگذرانند (یعنی آهسته بگویند)». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در نماز عطسه کند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بعد از عطسه کردن بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ» به گوش درد و دندان درد

مبتلا نشود». (3)

6. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که عطسه کرد، برای امان از دندان درد و گوش درد، حمد خدا گویند». (4)

7. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام عطسه زدن و کشتن حیوانات، صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله لازم است». (5)

ذکر شنونده عطسه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد او را دعا کنید، هر چند فاصله بسیاری در میان شما باشد». (6)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در حال خواندن نماز متوجه عطسه زدن کسی شدی بگو: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هر چند در میان تو و شخصی که عطسه زده فاصله بسیاری باشد». (7)

1- قرب الإسناد، ص 77، ح 229؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 53، ح 2 و 6.

2- کافی، ج 3، ص 366، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 655، ح 15؛ مکارم الأخلاق، ص 354.

4- کافی، ج 2، ص 656، ح 16.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 124.

6- کافی، ج 2، ص 653، ح 2.

7- کافی، ج 3، ص 366، ح 3.

ص: 644

3. در حدیث است که مردی مسیحی عطسه زد، حضرت صادق علیه السلام به او «يَرْحَمَكَ اللَّهُ» گفت. (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه زد و گفت: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، حضرت به او فرمود: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ». (2)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و بر محمد و اهل بیتش صلوات بفرستد، به چشم درد و دندان درد مبتلا نمی شود». (3)

پاسخ عطسه کننده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که هنگام ملاقات به او سلام کند و هنگام بیماری از او عیادت کند و در غیاب وی خیرخواه او باشد و هرگاه عطسه زند او را دعا کند. کسی که عطسه زد بگوید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران به او بگویند: «رَحِمَكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ». (4)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زد بگوید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران در جوابش بگویند: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ وَ لَنَا». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مسلمانی عطسه زند و به علتی ساکت بماند (و ذکر نگوید)، ملائکه از جانب او

1- کافی، ج 2، ص 656، ح 18.

2- کافی، ج 2، ص 655، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 656، ح 17؛ مکارم الأخلاق، ص 353.

4- ترجمه: «خداوند شما را هدایت و قلبتان را اصلاح کند». کافی، ج 2، ص 653، ح 1.

5- کافی، ج 2، ص 655، ح 14.

می گویند: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و اگر این ذکر را بگویند ملائکه می گویند: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ». (1)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد به او بگویید: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» و او در جواب بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ». (2)

تکرار عطسه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه بار عطسه زدن برای بدن مفید است و اگر بیش از سه بار باشد، نشانه بیماری است». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه عطسه تا سه بار تکرار شود برای عطسه کننده دعا کن و اگر بیشتر شود او را رها کن». (4)

حدیث جامع آداب عطسه

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است کسی که عطسه زد انگشت شهادت بر روی بینی بگذارد و بگوید: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، رَغْمَ أَنْفِي لِلَّهِ رَغْمًا دَاخِرًا صَاغِرًا، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

وَلَا مُسْتَحْسِرٍ. (5) و چنانچه دیگری عطسه زند تا سه بار يَرْحَمَكَ اللَّهُ بگوید و اگر

بیش از سه بار شود شفاکَ اللَّهُ بگوید. و اگر عطسه زننده مرد مؤمن باشد يَرْحَمَكَ اللَّهُ

1- کافی، ج 2، ص 656، ح 19.

2- خصال، ج 2، ص 427؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 111.

3- کافی، ج 2، ص 656، ح 20.

4- کافی، ج 2، ص 657، ح 27؛ مکارم الأخلاق، ص 354.

5- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است. و درود خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاکش باد. بینی ام برای رضای خدا به عنوان تسلیم بر خاک است، در حالی که از این مطلب استنکاف ندارم و پشیمان نیستم».

ص: 646

واگر زن باشد عافاک الله و اگر بچه باشد زرَعَكَ اللهُ (1) و اگر بیمار باشد شَفَاكَ اللهُ

واگر کافر ذمی باشد هَدَاكَ اللهُ و اگر پیامبر یا امام باشد صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ بگویند و در جواب بگویند: يَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَلَكُمْ». (2)

مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن

آداب سخن گفتن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید، گویی خراشی بر صورت او وارد

کرده است». (3)

2. در حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام و در حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام آمده است: «هرگاه سه تن در مجلسی باشند و دو تن از آنان با یکدیگر درگوشی سخن گویند، موجب اندوه و اذیت نفر سوم است». (4)

رازداری مجالس

1. در چندین حدیث آمده است: مجالس (خصوصی) امانت است. (5) یعنی

آنچه در آن اتفاق افتاده نباید در جای دیگر بیان شود، مگر اینکه علم به رضایت صاحبان آن داشته باشد.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ کس حق ندارد سخنی را که دوستش پنهان داشته نقل کند، مگر اطلاعات و علمی که اظهار آن

1- ترجمه: «خداوند تو را رشد دهد».

2- مکارم الأخلاق، ص 355.

3- کافی، ج 2، ص 660، باب فی المناجات، ح 3.

4- کافی، ج 2، ص 660، باب فی المناجات، ح 1 و 2.

5- کافی، ج 2، ص 660، باب المجالس بالأمانه، ح 1 و 2.

ص: 647

لازم باشد، یا ذکر نیکی های آن شخص باشد». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «مجالس امانت است، مگر مجالسی که در آن خون حرامی ریخته شود، یا به ناموس کسی

تجاوز کنند، یا مالی را به ناحق ببرند». (2)

مزاح و شوخی کردن

اهمیت شوخی کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه در وجود او مزاح و شوخ طبعی هست». (3)

2. در حدیث است که آن حضرت از کسی پرسید: «مزاح و شوخی شما با یکدیگر در چه حدی است؟» عرض کرد: اندک است. حضرت فرمود: «با یکدیگر مزاح کنید که نشانه خوش اخلاقی است و موجب خوشحالی برادر مؤمن می شود و بسیار اتفاق می افتاد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شخصی مزاح می کرد تا او را شاد گرداند». (4)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان مردم مزاح کند، خداوند او را دوست می دارد؛ البته تا زمانی که سخن خلاف نگوید». (5)

شوخی های ناروا

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد شوخی نکنید که آبروی انسان را می برد». (6)

1- کافی، ج 2، باب المجالس بالأمانه، ح 3 از امام صادق علیه السلام.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 53.

3- کافی، ج 2، ص 663، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 663، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 21.

5- کافی، ج 2، ص 663، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 664، ح 8.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با کسی که دوستش داری مزاح و مجادله نکن». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح نکنید که دشنام کوچک و موجب بروز کینه هاست». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح کردن آبروی انسان را می برد واز مهابت مردان می کاهد». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «مجادله نکن که خوبی هایت را می برد و خوش طبعی و شوخی نکن که باعث جرأت (وجسارت) مردم بر تو می شود». (4)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی نکن که نور ایمان را می برد و شخصیت تو را سبک می کند». (5)

نکته: با توجه به روایاتی که امر به مزاح می کند روشن می شود که منظور از روایات بالا، افراط در شوخی و شوخی های همراه با بی بندوباری است).

خنده های ناروا

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خنده مؤمن باید به صورت تبسم باشد، نه قهقهه». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خنده زیاد دل را می میراند و دین را از بین می برد همان گونه که آب، نمک را ذوب می کند».
(7)

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 9.

2- کافی، ج 2، ص 664، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 665، ح 16.

4- کافی، ج 2، ص 665، ح 17.

5- کافی، ج 2، ص 665، ح 19.

6- کافی، ج 2، ص 664، ح 5.

7- کافی، ج 2، ص 664، ح 6.

ص: 649

3. در روایتی دیگر فرمود: «خنده بسیار آبرو را می برد». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت داوود به حضرت سلیمان گفت: فرزندم، مبادا زیاد خنده کنی که بسیار خندیدن، انسان را در روز قیامت حقیر می کند». (2)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خندیدن بی علت (بدون آنکه جنبه معقولی داشته باشد) از نادانی است». (3)

6. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «حضرت یحیی می گریست و نمی خندید و حضرت عیسی بن مریم می خندید و گریه می کرد و کار حضرت عیسی بهتر از کار حضرت یحیی بود». (4)

7. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «تعجب می کنم از کسی که ایمان به جهنم دارد چگونه می خندد». (5)

8. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بسیار کسانی که خنده آنها در دنیا از روی لهو و لعب است، در روز قیامت گریه بسیار در پی دارند. و چه بسیار کسانی که گریه فراوان آنها در دنیا بر گناهانشان، باعث خوشحالی و خنده آنان در بهشت می شود». (6)

قهقهه زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قهقهه زدن به هنگام

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 10 و 11.

2- قرب الإسناد، ج 72، ح 211؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 35، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 664، ح 7.

4- کافی، ج 2، ص 665، ح 20.

5- الجعفریات، ص 237.

6- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 3، ح 6.

ص: 650

خندیدن از کارهای شیطان است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان قهقهه زدی، پس از فراغت از آن بگو: اللَّهُمَّ لَا تَمَقُّتْنِي.»

(2)

توضیح: از روایات بالا و دیگر احادیث استفاده می شود که مؤمن نباید عبوس باشد، بلکه باید خندان و گشاده رو باشد. و اندکی مزاح کردن اشکالی ندارد، اما شوخی فراوان و خنده بسیار کردن مطلوب نیست و کار سفیهان و بی خردان است.

آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر

اهمیت همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با همسایگان خود نیکو مجاورت کن تا مؤمن باشی و با همنشینان خود نیکو مصاحبت کن تا مسلمان باشی». (3)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که با دوستانش همنشینی نیکو نداشته باشد و با رفقای خود رفاقت نیکو نکند و با کسانی که به او مهربانی کرده اند مهربانی نکند از ما نیست». (4)
3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با منافق به زبان خوش، مدارا کن. و محبت قلبی ات را برای مؤمنان خالص گردان. حتی اگر یک فرد غیر مسلمان با تو مجالست کرد، با او نیکو مجالست کن». (5)

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 11 و 12.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر من خشم نگیر». کافی، ج 2، ص 664، ح 13.

3- امالی صدوق، ص 201، ح 13.

4- السرائر، ج 3، ص 578.

5- امالی مفید، ص 185، ح 10.

ص: 651

حقّ مصاحبت

در حدیث است که مفضل می گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه کسی در مسیر سفر مصاحب و همسفر تو بود؟» عرض کردم: شخصی از برادران مؤمن. فرمود: «چه شد؟» عرض کردم: داخل مدینه شد، ولی جایش را نمی دانم. فرمود: «مگر نمی دانی کسی که چهل قدم با کسی مصاحبت کند، خداوند در روز قیامت از حقّ او سؤال می کند؟» (1)

پرسش از نام وقبيله

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مسلمان خود را دوست می دارد باید نام او و نام پدر و قبيله و خویشاوندانش را بیپرد که این از جمله حقوق لازم برادری و دوستی است. وگرنه آن دوستی، آشنایی جاهلان خواهد بود.» (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ناتوانی در سه چیز است: شخصی برای دیگری طعامی آماده سازد و میهمان تخلف کند و به میهمانی نرود و غذا را نخورد، شخصی با کسی همنشینی کند و معلوم نکند که کیست و از کجاست تا از یکدیگر جدا شوند، کسی که با همسرش پیش از آنکه او آمادگی لازم را پیدا کند آمیزش کند، بلکه باید صبر کند و پس از آمادگی طرفین این کار انجام شود.» (3)

ترک مجادله و فراموش کردن کینه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم منازعه نکنید که کرامت را از بین می برد و مروت را زایل می کند. پیوسته جبرئیل نهی می کرد از

1- امالی طوسی، ج 2، ص 27.

2- کافی، ج 2، ص 671، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 671، ح 4

ص:652

مجادله کردن با مردم، همان گونه که از شراب خوردن و بت پرستی نهی می کرد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کینه مؤمن در همان مکانی است که نشسته و هنگامی که از برادر دینی اش جدا شود، کینه او در سینه اش نمی ماند. و کینه کافر در تمام عمر همراهش خواهد بود». (2)

رفتار نیکو با همنشین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حدّ نیکی اخلاق آن است که با مردم مهربانی کنی و سخن نیک بگویی و با روی خوش با آنها رفتار کنی». (3)

2. در حدیث است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کن. حضرت فرمود: «با برادر دینی ات با روی گشاده ملاقات کن». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پرده را از میان خود و برادر مؤمن ات زیاد برندار که باعث برطرف شدن حیاست». (5)

روش های همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که محبت انسان را برای برادر مسلمانش خالص می گرداند: هنگام ملاقات با وی با خوشرویی و خوشحالی رفتار کند، هنگامی که نزد او می نشیند برایش جای نشستن بگشاید، به هر نامی که بیشتر دوست دارد او را بخواند». (6)

1- امالی طوسی، ج 2، ص 125 و 126.

2- السرائر، ج 3، ص 634.

3- کافی، ج 2، ص 103، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 103، ح 3.

5- کافی، ج 2، ص 672، ح 5.

6- کافی، ج 2، ص 643، ح 3.

ص: 653

2. در حدیثی صحیح از حضرت کاظم علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هنگامی که شخصی حاضر است با کنیه صدایش بزن و اگر غایب باشد نامش را بگو». (1) (باید توجه داشت که صدا زدن با کنیه در عرف عرب نوعی احترام است، مانند صدا زدن با نام فامیل در عرف ما).

فواید و آثار همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم مهربانی کن تا تو را دوست بدارند». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برخورد خوب و خوش با مردم، کینه را از

بین می برد». (3)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرو برد، خداوند در دنیا و آخرت بر عزت او می افزاید». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از صورت برادر مؤمن خود گرد و غبار و خاشاکی برطرف کند، خداوند ده حسنه در نامه عملش می نویسد. و هر کس در چهره برادر مؤمن خدا تبسم کند، خداوند برایش حسنه ای می نویسد». (5)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاشاک و مانند آن را از برادر مؤمن خود دور کند، او در برابر آن عمل بگوید: أَمَاطَ اللَّهُ عَنْكَ

مَا تَكْرَهُ». (6)

1- کافی، ج 2، ص 671، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 642، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 103، ح 6.

4- کافی، ج 2، ص 110، ح 5.

5- بحار الأنوار، ج 75، ص 140، ح 4.

6- ترجمه: «خداوند آنچه را دوست نداری از تو دور کند». خصال، ج 2، ص 430؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 113.

ص: 654

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرود برد در حالی که قادر بر انتقام باشد، خداوند متعال در روز قیامت دلش را مملو از آرامش و ایمان می کند». (1)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز از فضایل اخلاقی دنیا و آخرت محسوب می شود: بخشیدن کسی که بر تو ظلم کرده است، پیوند برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، بردباری در برابر کسی که با تو بی خردی کرده است.» (2)

اظهار محبت کردن و رعایت عدالت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اظهار دوستی و مهربانی با مردم، نصف عقل است.» (3)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کسی را دوست داری دوستی ات رابه او اظهارکن که باعث دوام محبت میان شما می شود.» (4)

3. نیز در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله حتی نگاه خود را در میان اصحابش تقسیم می کرد و به یک نفر بیش از دیگری نگاه نمی کرد و هرگز پای خود را در حضور اصحاب دراز نمی کرد.» (5)

همنشینان بد

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بدترین امت من

1- کافی، ج 2، ص 110، ح 6 و 7.

2- کافی، ج 2، ص 107، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 643، ح 4 و 5.

4- کافی، ج 2، ص 644، ح 2.

5- کافی، ج 2، ص 671، ح 1.

ص:655

کسانی اند که مردم از ترس بدی و شرارتشان آنها را گرامی بدارند؛ چنین کسانی از من نیستند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزند نامشروع چند نشانه دارد: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، علاقه به زنا، سبک شمردن دین، مردم را در حضورشان آزار دادن». (2)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردم یا مؤمن اند و یا جاهل، مؤمن را نباید اذیت کرد و یا جاهل نباید ستیزه جویی کرد، و گرنه مثل او خواهی بود». (3)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همین عیب برای انسان بس که از مردم عیوبی ببیند که از آنها نسبت به خودش چشم پوشی کند و مردم را بر چیزی سرزنش کند که خودش توان ترک آن را نداشته باشد و همنشین خود را به چیزی آزار دهد که سودی برای او نداشته باشد». (4)

این گونه سخن نگو

در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی بگوید :

«لا وَحَیَاتِكَ وَحَیَاهِ فُلَانٍ». (5)

فضیلت یاد خدا در مجالس

اهمیت یاد خدا

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «به سوی باغ های بهشت

1- خصال، ج 1، ص 69، ح 44؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 279، ح 1.

2- معانی الأخبار، ص 400.

3- خصال، ج 1، ص 89، ح 50؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 158، ح 7.

4- خصال، ج 1، ص 128، ح 71؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 158، ذیل حدیث 9.

5- ترجمه: «قسم به جان تو و جان فلانی». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 427.

ص:656

بشتابید!» پرسیدند: باغ های بهشت کدام است؟ فرمود: «مجالس و حلقاتی که در آن یاد خدا شود». (1)

2. در چندین حدیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که در میان غافلان، یاد خدا را زنده

کند مانند مجاهدی است که به هنگام گریختن دیگران، در راه خدا جهاد کند و ثواب چنین کسی بهشت است». (2)

یاد خدا در همه جا

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خدا را در همه جا یاد کنید که او با شماست». (3)

2. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «در تورات اصیل آمده است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید: خداوندا، مجالسی بر من می گذرد که تو را گرامی تر از آن می دانم که در چنان مجالسی ذکر تو را گویم. خداوند فرمود: ای موسی، بردن نام من و ذکر یاد من در هر حالی شایسته است». (4)

ذکر پایان مجالس

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی خاست مگر اینکه بیست و پنج مرتبه استغفار می کرد. (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دوست دارد در قیامت

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 293.

2- کافی، ج 2، ص 502، ح 2.

3- خصال، ج 2، ص 403، ح 46؛ بحار الأنوار، ج 93، ص 154، ح 16.

4- کافی، ج 2، ص 497، ح 8.

5- کافی، ج 2، ص 504، ح 4.

ص: 657

به ثواب کامل دست یابد، هنگام برخاستن از مجلس بگوید: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)». (1)

3. در روایتی دیگر آمده است که این ذکر، کفاره گناهان آن مجلس است. (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند متعال فرمود: «ای فرزند آدم، در مجالس مردم مریاد کن، تادرمجلسی که بهتر از محفل تو باشد تو را یاد کنم». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در محفلی از مجالس مؤمنین یاد کند، من او را در جمع ملائکه یاد می کنم». (4)

حسرت ترک کردن ذکر خدا

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مجلسی که نیکوکاران و بدکاران در آن جمع شوند و مجلس تمام شود و برخیزند در حالی که در آن مجلس یاد خدا را نکرده باشند، آن مجلس در روز قیامت باعث حسرت و پشیمانی آنها خواهد بود». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی در مجلسی گرد هم آیند و در آن مجلس خدا را یاد نکنند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستند، آن مجلس در روز قیامت موجب حسرت آنها و وبال گردنشان خواهد بود». (6)

1- ترجمه: «منزه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (وقدرت)، از آنچه آنان توصیف می کنند و سلام بر رسولان و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». (سوره صافات، آیات 180 - 182) کافی، ج 2، ص 496، ح 3.

2- بحار الأنوار، ج 86، ص 23، ح 23.

3- کافی، ج 2، ص 498، ح 12.

4- کافی، ج 2، ص 498، ح 13.

5- کافی، ج 2، ص 496، ح 1.

6- کافی، ج 2، ص 497، ح 5.

ص:658

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و خدا را ذکر نکنند، آن مجلس در روز قیامت مایه حسرت آنها خواهد شد». (1)

رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمه علیهم السلام در مجالس

اهمیت ذکر محمد و آل محمد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ملائکه آسمان نسبت به یک یا چند تن از شیعیان که فضیلت آل محمد را ذکر می کنند نظر دارند، سپس به یکدیگر می گویند: آیا این گروه کوچک را نمی بینید که با تعداد اندکشان و تعداد بسیار دشمنانشان، فضایل آل محمد را ذکر می کنند؟ بعد طایفه دیگری از ملائکه در جوابشان می گویند: این فضل الهی است که به هر کس بخواهد می دهد و خداوند، صاحب فضل بزرگ است». (2)

2. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از میسر پرسید: «شما شیعیان که با یکدیگر خلوت می کنید، آیا آنچه را از علوم اهل بیت علیهم السلام و فضایل آنان بخواهید می گوید؟» عرض کرد: آری به خدا قسم. امام فرمود: «والله دوست دارم در

چنین مجالسی با شما باشم. به خدا سوگند، بوی شما ونسیم شما را دوست می دارم. بی شک شما بر دین خدا و ملائکه هستید؛ بنابراین، با پرهیز از محرّمات و تلاش برای انجام دادن طاعات و عبادات، برای شفاعت خودتان به ما کمک کنید». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مجالس خود را به ذکر

1- کافی، ج 2، ص 496، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 187، ح 4.

3- کافی، ج 2، ص 187، ح 5.

ص: 659

فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام زینت دهید (1) که هفتاد خصلت از خصلت های پیامبران در او هست». (2)

فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما یاد خدا و یاد دشمن ما یاد شیطان است». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال فرشتگانی دارد که در زمین گردش می کنند. هرگاه بر جماعت و گروهی بگذرند که یاد محمد و آل محمد می کنند به یکدیگر می گویند: توقف کنید که به هدف خود رسیدیم. سپس می نشینند و با آنان در اذکار آن مجلس همراه می شوند و پس از پایان جلسه و خروج حاضران، اگر شخصی از آنها بیمار شود ملائکه به عیادت او می روند و چون بمیرد در تشییع جنازه اش حضور پیدا می کنند و اگر گم شود در جستجوی او خواهند بود». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز مانند ملاقات و دیدار مؤمنین از یکدیگر به خاطر رضای خدا، شیطان و لشکریان وی را آزرده نمی کند. هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کرده و خدا را یاد کنند و در پی آن از فضایل ما یاد می کنند، هیچ گوستی بر صورت شیطان باقی نمی ماند مگر آنکه فرو می ریزد، تا آنجا که روحش از شدت ناراحتی به استغاثه و طلب کمک برمی آید. و بر اثر آن، ملائکه آسمان ها و خازنان بهشت اطلاع پیدا کرده و او را

2- الأنوار اللامعه فی شرح الزیاره الجامعه، ص 61.

3- کافی، ج 2، ص 496 ذیل حدیث 2.

4- کافی، ج 2، ص 186، ح 3.

ص: 660

لعنت می کنند. وهیچ ملک مقربّی باقی نمی ماند، مگر اینکه شیطان را نفرین می کند، در نتیجه ناامید و محروم و مطرود بر زمین می افتد». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام فضیلت هایی قرار داده است که از کثرت و فزونی نمی توان آنها را شماره کرد؛ بنابراین، هر کس یک فضیلت از فضایل او را از روی اعتقاد و باور قلبی بیان کند، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود... و هر کس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، تا زمانی که نشانی از آن کتاب باشد ملائکه برای وی استغفار می کنند. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرا دهد، خداوند گناهان او را که با گوش مرتکب شده، بیامزد. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت - که نوشته شده - نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم مرتکب شده، بیامزد». (2)

همکاران فرشتگان و همکاران شیطان

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه سه تن از مؤمنین یا بیشتر در مکانی جمع شوند، به تعداد آنها فرشتگان نیز اجتماع می کنند. اگر آن مؤمنان چیزی از خداوند طلب کنند ملائکه آمین می گویند. و چنانچه به خداوند از شرّ چیزی پناه ببرند، ملائکه از خداوند می خواهند که آن را از آنها دور کند. و اگر تقاضای حاجتی داشته باشند ملائکه از خداوند می خواهند که حاجتشان را برآورده کند. و چنانچه سه تن یا بیشتر از انکارکنندگان حقّ اهل بیت علیهم السلام در جایی جمع شوند، ده برابر آنها از شیاطین نیز حاضر می شوند، سخنانی که می گویند شیاطین همانند آن را تکرار می کنند. و اگر بخندند شیاطین با آنها می خندند. و اگر

1- کافی، ج 2، ص 188، ح 7.

2- کشف الغمّه، ج 1، ص 125؛ بحار الأنوار، ج 26، ص 229، ح 10.

ص: 661

دوستان خدا را مذمت کنند با مذمت کنندگان رفیق و دوست می شوند. واگر مؤمنی همنشین چنین افرادی شود، هنگامی که شروع به مذمت دوستان خدا کنند، (باید) از آن مجلس برخیزد و شریک و همنشین شیطان نشود که هیچ کس تاب مقاومت خشم خدا را ندارد و نفرین خدا را هیچ چیز دفع نمی کند. و چنانچه نتواند مجلس را ترک کند، به دل انکار کند و اندکی برخیزد و باز گردد». (1)

تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در راه تحصیل علم گام بردارد، خداوند راهی به سوی بهشت برایش می گشاید و بی شک، فرشتگان با کمال خشنودی بال های خود را در مسیر عبور طالب علم می گشایند و تمام ساکنان آسمان وزمین و حتی ماهیان دریا برای وی استغفار می کنند. و فضیلت عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهاردهم بر سایر ستارگان است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «أف بر مردمی که هر جمعه کارهای دنیایی را برای یادگیری مسائل دینی خود تعطیل نمی کنند». (3)

3. نیز در روایتی فرمود: «خداوند می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان من، دل های مرده را زنده می کند». (4)

4. در سخنی دیگر فرمود: «با یکدیگر مذاکره علمی کرده و حدیث نقل کنید که حدیث، دل ها را جلا می دهد. و بی شک دل ها زنگار می گیرند، همان گونه که

2- کافی، ج 1، ص 34، ح 1.

3- کافی، ج 1، ص 40، ح 5.

4- کافی، ج 1، ص 40، ح 6.

ص:662

شمشیر زنگ می زند و جلای دل ها به حدیث است». (1)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مذاکره علم، ثواب نماز مقبول را دارد». (2)

مشورت و آداب آن

اهمیت مشورت

(مقدمه:) در فضیلت و اهتمام مشورت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید پیامبر خود را که عاقل ترین مخلوقات جهان بود، امر به مشورت کرد، آنجا که فرمود: (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ). (3)

1. در حدیث است که بسیار اتفاق می افتاد که امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل با غلامان سیاه مشورت می کرد و می فرمود: «چه بسا خداوند خیر ما را بر زبان آنها جاری کند». (4)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که خود را از رأی و نظر دیگران بی نیاز بداند و مشورت نکند، جان خود را به خطر می اندازد». (5)

با چه کسانی مشورت کنیم

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «با کسانی که خداترس هستند و برادران مؤمن خود را به مقدار پرهیزگاریشان دوست دارند، مشورت

1- کافی، ج 1، ص 41، ح 8.

2- کافی، ج 1، ص 41، ح 9.

3- ترجمه: «ودر کارها با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن.» سوره آل عمران، آیه 159.

4- محاسن، ص 602، ح 23.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 54؛ امالی صدوق، ص 447.

ص: 663

کن واز زنان بد بپرهیز...» (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان آنها کسی باشد که نامش محمد یا احمد یا حامد یا محمود باشد، بی شک آنچه خیرشان در آن باشد بر آنها آشکار می شود.» (2)

3. در احادیثی معتبر می خوانیم که: «با عاقل دیندار پرهیزگار مشورت کن و هنگامی که نظری داد (بی دلیل) خلاف آن عمل نکن که نتیجه آن فساد دنیا و آخرت تو می شود.» (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مشورت شرایط و حدودی دارد که هر کس واجد آن نباشد، ضررهای مشورت برای او بیش از منافع آن خواهد بود: کسی که با او مشورت می کند عاقل و خردمند باشد، آزاد و متدین باشد، برادر و دوست و یار او باشد، او را بر تمام اسرار خود (در موضوع مورد مشورت) باخبر سازد به گونه ای که همان طور که خودش اطلاع دارد مشاور هم خبر داشته باشد، ولی بر مشاور لازم است اسرار او را پنهان کند زیرا اگر (شرط اول را داشته باشد و) عاقل باشد از مشورت با وی سود خواهی برد. و اگر واجد شرط دوم (آزاد و دین دار) باشد تمام تلاش خود را برای خیرخواهی تو به کار خواهد بست. و اگر یار و دوستدار تو باشد (شرط سوم)، هنگامی که راز خود را به او گفتی آن را افشا نمی کند.» (4)

وظیفه مشاور

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش با او

1- امالی صدوق، ص 304، ح 8.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 30. در مصدر محمد و حامد وجود ندارد.

3- محاسن، ص 602، ح 24.

4- محاسن، ص 602، ح 28.

ص: 664

مشورت کند و آنچه به مصلحت و خیر اوست نگوید، خداوند عقل و هوشش را زایل می کند.» (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ببزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و آنچه را که خیر او در آن است به او نگوید.» (2)

فایده مشورت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، کسی که از خداوند طلب خیر کند سرگردان نمی ماند. و کسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمی شود». (3)

2. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مشورت کند هلاک نمی شود». (4)

کسانی که نباید با آنها مشورت کرد

1. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام به عمار سباطی فرمود: «اگر می خواهی نعمت الهی بر تو استمرار داشته و شخصیت تو کامل و زندگانی ات نیکو باشد، در امور خود با مردم پست مشورت نکن». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با افراد ترسو مشورت نکن که راه رهایی را بر تو تنگ می کنند. و از مشورت با افراد بخیل بیرهیز که مانع

1- محاسن، ص 602، ج 27.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 66، ج 296.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 135.

4- خصال، ج 2، ص 412، ج 156؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 99.

5- کافی، ج 2، ص 640، ج 5؛ علل الشرایع، ج 2، ص 558، باب 349، ج 1.

ص: 665

رسیدن به هدف می شوند و با کسانی که حرص دنیا دارند مشورت نکن که بدی ها را برای تو زینت می دهند». (1)

نامه نگاری

اهمیت نوشتن نامه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهربانی و دوستی بین برادران دینی، در وطن به دیدار یکدیگر رفتن و در سفر به نامه نوشتن برای یکدیگر است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «از چگونگی نامه نگاری هر کس می توان بر میزان عقل و دانایی اش استدلال کرد. واز نماینده و پیک هر شخص می توان به مقدار فهم و زیرکی او پی برد». (3)

آداب نامه نگاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را ترک نکن و آن را از سایر چیزهایی که می نویسی بهتر بنویس». (4)

2. در حدیث است که امام هادی علیه السلام در ابتدای نامه می نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَذْکُرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (5)

3. در روایتی موثق می خوانیم که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آغاز کردن

2- کافی، ج 2، ص 670، ح 1.

3- محاسن، ص 195، ح 20.

4- کافی، ج 2، ص 672، ح 1.

5- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. إن شاء الله خدا را به خاطر دارم». تحف العقول، ص 483؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 50، ح 6.

ص: 666

نامه به نام مخاطب، پیش از نام نویسنده چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد. این کار نوعی احترام به طرف مقابل است». (1)

4. در حدیث است که امام صادق علیه السلام دستور داد نامه ای به جایی بنویسند. هنگامی که نامه آماده شد و به دست آن حضرت دادند فرمود: «چگونه امید به تحقق مضمون نامه دارید، در حالی که در پایان جملات مناسب، إن شاء الله نوشته نشده است؟» سپس دستور داد در جاهای مناسب، جمله إن شاء الله

را بنویسند. (2)

5. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که نامه ای برای طلب حاجتی می نویسی و دوست داری آن حاجت برآورده شود، با قلم بدون جوهر در بالای ورقه بنویس: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. إِنَّ اللّٰهَ وَعَدَ الصّٰبِرِیْنَ الْمَخْرَجَ مِمَّا یَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُونَ، جَعَلْنَا اللّٰهَ وَآیَاكُم مِّنَ الَّذِیْنَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ». (3) راوی گوید: هر زمان به این دستور عمل کردم حاجتم برآورده شد. (4)

جواب نامه و روش های از بین بردن نامه

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «جواب نامه همچون پاسخ سلام، واجب است». (5)
2. در روایتی صحیح آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چنانچه در نامه هایی که نزد ما جمع می شود نام خدا باشد، آیا می توان آنها را آتش زد؟

1- کافی، ج 2، ص 673، ح 5.

2- کافی، ج 2، ص 673، ح 6.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بی شک خداوند به صابران، راه خروج از آنچه را که دوست ندارند و روزی را از آنجا که گمان ندارند وعده داده است. خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که ترسی (از آینده) ندارند و نسبت به گذشته محزون نمی شوند».

4- کشف الغمّه، ج 2، ص 698؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 50، ح 8.

5- کافی، ج 2، ص 670، ح 2.

ص: 667

فرمود: «نه، بلکه اول با آب بشویید (تا نام خدا محو شود، سپس آن را آتش بزنید)». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید کتاب خدا و نام خدا را با پاک ترین چیزها محو کرد». ونهی کرد از اینکه قرآن را بسوزانند و با قلم محو کنند (در برخی نسخه ها به جای قلم، قدم آمده است). (2)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کاغذها را نسوزانید، بلکه محو و پاره کنید». (3)

5. در روایتی دیگر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان نامی را که از نام های خداست با آب دهان محو کرد؟ فرمود: «باید با پاک ترین چیز ممکن آن را محو کرد». (4)

1- کافی، ج 2، ص 673، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 674، ح 4.

3- کافی، ج 2، ص 674، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 674، ح 3.

ص:668

ص:669

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه

اشاره

1. خانه گشاده

2. مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه

3. مجسمه سازی و کشیدن نقاشی

4. آداب فرش کردن خانه

5. آداب عبادت کردن در خانه

6. نگهداری حیوانات در خانه

7. اهمیت دامداری

8. نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر

9. نگهداری سگ در خانه

10. آداب خانه خریدن

11. سایر آداب خانه

12. آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه

ص: 670

ص: 671

خانه گشاده

خانه وسیع

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه وسیع از سعادت انسان است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نشانه های سعادت انسان آن است که فرزندش شبیه او باشد وزن خوشروی دیندار و مرکبی راهوار و خانه ای وسیع داشته باشد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «چهار چیز نشانه سعادت است: زن نیکوکار، خانه وسیع، همسایه شایسته، مرکب سواری نیکو. و چهار چیز نشانه شقاوت است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ، مرکب نامناسب». (3)

4. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز موجب راحتی و آسایش مؤمن است: خانه وسیع که عیب ها و امور پنهانی او را از مردم مخفی نگاه دارد، زن شایسته که او را بر امور دنیا و آخرت یاری کند، دختر یا خواهری که با ازدواج کردن، یا با پایان یافتن عمرش از خانه او برود». (4) (اشاره به اینکه

1- محاسن، ص 610، ح 19 و 20 و 21.

2- قرب الإسناد، ص 79، ح 237.

3- مکارم الأخلاق، ص 126.

4- محاسن، ص 610، ح 18؛ کافی، ج 5، ص 327، ح 6؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 148، ح 2، وج 103، ص 217، ح 5.

ص: 672

دختر نباید خودسرانه از خانه به هر کجا که می خواهد برود).

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نیکی زندگانی در وسعت خانه و خدمتکار خوب است». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «لذت دنیا در وسعت خانه و دوستان فراوان است». (2)

خانه کوچک و تنگ

1. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه تنگ، موجب مشقت و سختی زندگانی است». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شومی خانه در تنگی آن، بدی همسایگان و عیب های زیاد آن است». (4)

3. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام خانه ای خرید و به یکی از دوستدارانش فرمود: «خانه تو تنگ است، برو در این خانه ساکن شو!» آن شخص گفت: این خانه را پدرم ساخته است نمی توانم از آن دل بکنم. حضرت فرمود: «اگر پدرت نادان باشد تو هم باید نادان باشی». (5)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی از انصار از تنگی خانه اش به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. حضرت فرمود: با صدای بلند از خدا بخواه که به خانه ات وسعت بدهد». (6)

مذمت خانه به خانه شدن

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه به خانه شدن (ومرتباً تغییر دادن منزل مسکونی) و خریدن نان از بازار از تلخی زندگانی است». (7) (در آن زمان مردم نان را برای اطمینان خاطر در خانه خود تهیه می کردند).

1- محاسن، ص 611، ح 25؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 4.

2- محاسن، ص 611، ح 24؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 5.

3- محاسن، ص 611، ح 28؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 6.

4- امالی صدوق، ص 239، ح 7.

5- محاسن، ص 611، ح 27.

6- محاسن، ص 610، ح 17؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 8.

7- کافی، ج 6، ص 531، ح 1.

مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه

ساختن بنای اضافه بر نیاز

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساختن هر بنایی که اضافه بر مقدار نیاز باشد، در قیامت وبال صاحب آن خواهد بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس اضافه بر نیاز، ساختمانی بسازد در روز قیامت مکلف می شود که اضافه را بر دوش بگیرد». (2)

مجازات کسب پول حرام

1. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از غیر راه حلال مالی به دست آورد، خداوند بناسازی و خاک و آب را بر او مسلط می گرداند، تا آن مال حرام را در آنجا تباه کند». (3)

2. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر روی زمین مکان هایی قرار داده که آن را «مرحومات» می نامند. خدا دوست می دارد نامش را در آن مکان ها ببرند و او را بخوانند تا دعایشان را اجابت کند. و مکان هایی قرار داده که آن را «منتقمات» می نامند و کسی که مالی از غیر راه حلال کسب کند،

1- محاسن، ص 608، ج 3؛ کافی، ج 6، ص 531، ج 7.

2- محاسن، ص 608، ج 4.

3- محاسن، ص 608، ج 1؛ کافی، ج 6، ص 531، ج 2.

ص: 674

خداوند قطعه ای از آن مکان ها را بر او مسلط می گرداند تا آن مال حرام را در آنجا هزینه کند». (1)

بناهای گران قیمت و خانه های ریایی

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام از در خانه شخصی عبور کرد که خانه اش از مصالح گران قیمت ساخته شده بود. پرسید: «این خانه کیست؟» گفتند: از فلان مرد مغرور است. سپس به در خانه دیگری رسید که (آن نیز) با مصالح گران قیمت ساخته شده بود. فرمود: «این خانه از مغرور غافل دیگری است». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای ریا و خودنمایی خانه ای بسازد که مردم آن را ببینند و در مورد آن گفت و گو کنند، در روز قیامت آن خانه را تا هفت طبقه از زمین تبدیل به آتش افروخته ای می کنند و بر گردن او می افکنند، سپس او را به جهنم می برند. و هیچ چیز او را از خشم و قهر جهنم حفظ نمی کند، مگر اینکه در دنیا توبه کرده باشد. پرسیدند: ساختن خانه برای ریا یعنی چه؟ فرمود: اضافه بر نیاز خانه بسازد تا با آن بر همسایگانش غالب شود و بر برادران دینی اش فخر و مباهات کند». (3)

ساختن سقف های بلند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرشته ای را مأمور کرده است که هر کس سقف خانه اش را بیشتر از هشت ذراع (چهارمتر) بسازد، به او بگوید: ای فاسق، تا کجا می خواهی بروی». (4) و در روایت دیگری آمده

1- کافی، ج 6، ص 532، ح 15.

2- محاسن، ص 608، ح 2.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 6؛ مکارم الأخلاق، ص 628.

4- محاسن، ص 608، ح 6؛ کافی، ج 6، ص 528، ح 1.

است: «ای فاسق ترین فاسقان تا کجا می خواهی بروی». (1)

2. در چندین روایت معتبر آمده است: «هر که سقف خانه اش را اضافه بر هشت ذراع کند، جنیان و شیاطین در آن خانه جا خوش می کنند». (2)

3. در روایات می خوانیم که: «هر کس ارتفاع خانه اش بیش از هشت ذراع باشد، بر سر هشت ذراع، آیه الکرسی بنویسد». (3)

(انتخاب چهار متر برای سقف هر اتاق برای این است که در آن زمان ارتفاع بیش از آن، نشانه زندگی اشرافی بوده است).

4. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحدیجه می گوید: در منزل امام صادق علیه السلام دیدم که بر دور حجره و در سمت قبله نمازخانه آن حضرت، آیه الکرسی نوشته شده بود. (4)

مجسمه سازی و کشیدن نقاشی

اشاره

(مقدمه: ساختن مجسمه حیواناتی که روح دارد، طبق نظر مشهور علما، حرام است و نقاشی کردن چنین حیواناتی بر دیوارها و لباس ها کراهت دارد و بعضی معتقد به حرمت آن شده اند. و احتیاط آن است که طلاکاری نکنند و مطلقاً نقاشی نکنند، حتی نقاشی درخت و امثال آن، مخصوصاً نقاشی صورت کامل انسان. و اگر مجسمه ای ساخته اند بهتر است آن را ناقص کنند؛ مثل اینکه چشمش را کور کنند، یا عضوی از اعضایش را محو نمایند.

2- محاسن، ص 609، ح 9 و 10.

3- کافی، ج 6، ص 529، ح 4 و 7.

4- محاسن، ص 609، ح 13.

ص:676

مجسمه سازی

1. در احادیث معتبر آمده است: «هر کس مجسمه ای بسازد، در قیامت او را عذاب می کنند که به آن مجسمه روح بدمد و قادر بر این کار نخواهد بود». (1)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «در خانه ای که مجسمه ای در برابر تو باشد نماز نخوان، مگر اینکه چاره ای نباشد که در این صورت سر آن مجسمه را قطع کن و نماز بگزار». (2)

نقاشی های ممنوع

1. در حدیث است که جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای محمد، پروردگارت سلام می رساند و تو را از کشیدن تصویر در خانه نهی می کند». (3)

2. در احادیث معتبر می خوانیم که: «جبرئیل گفت: ما فرشتگان به خانه ای که در آن سگ یا تصویر ذی روح، یا ظرفی که در آن بول کرده اند باشد، داخل نمی شویم». (4)

نقاشی های مجاز

1. در روایتی معتبر می خوانیم که از امام صادق علیه السلام در مورد بالش و فرشی که در آن تصویر باشد پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویری که پامال شود و روی آن بنشینند یا راه روند، اشکالی ندارد که در خانه باشد». (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر سر نقاشی و تصویر را

1- محاسن، ص 615، ح 42 و ص 616، ح 43 و 44؛ کافی، ج 6، ص 528، ح 10.

2- محاسن، ص 620، ح 57؛ کافی، ج 6، ص 527، ح 9.

3- محاسن، ص 614، ح 37؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 1.

4- محاسن، ص 615، ح 39؛ کافی، ج 6، ص 528، ح 12.

5- کافی، ج 6، ص 527، ح 6.

ص: 677

تغییر دهند و سایر بدنش به حال خود باشد، مانعی ندارد که در خانه باشد». (1)

3. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام در مورد نقاشی درخت و آفتاب و ماه پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویر موجودات بی روح اشکالی ندارد». (2)

آداب فرش کردن خانه

فرشی که بدان نیاز است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان فرشی برای خود و فرشی برای زوجه و فرشی برای میهمانش نیاز دارد و اضافه بر آن از شیطان است». (3)

فرش جهیزیّه همسران

1. در حدیث است که جمعی به خانه امام سجّاد علیه السلام رفته و بالش ها و فرش های نفیسی دیدند. عرض کردند: در خانه شما چیزهایی می بینیم که خوش نداریم در خانه شما باشد. حضرت فرمود: «ما همسرانی می گیریم و مَهْرشان را می پردازیم، آنچه از برای خود می خردند از ما نیست (بلکه تعلق به خودشان دارد و آنچه می بینید از این قبیل است)». (4)

2. در حدیثی دیگر آمده است که شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید مشاهده کرد آن حضرت در خانه مزینی نشسته که فرش های زیبایی در آن گسترده اند. روز دیگر خدمت حضرت رسید دید در خانه ای نشسته که جز حصیر چیزی در آن نیست و پیراهنی ساده و گشاد پوشیده است (گفت: از آنچه روز گذشته

1- محاسن، ص 619، ج 56؛ کافی، ج 6، ص 527، ح 8.

2- محاسن، ص 619، ج 54؛ مکارم الأخلاق، ص 132.

3- کافی، ج 6، ص 479، ح 6.

4- کافی، ج 6، ص 476، ح 1.

ص: 678

و امروز دیدم متعجب شدم) حضرت فرمود: «آنچه دیروز دیدی خانه من نبود، بلکه متعلق به همسر من بود و دیروز نوبت او بود». (1)

چگونگی فرش

فرش حضرات معصومین علیهم السلام

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس (2) می نشست و در خانه لباس گشاد می پوشید،

اما در بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (3)

2. در حدیثی معتبر آمده است: هنگامی که حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کرد روپوش آنها عبا و فریشان پوست گوسفند و بالیشان پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند. (4)

3. در حدیث است که در خانه امام زین العابدین علیه السلام بالش ها و نمدهایی

بود که در آن صورت ها و شکل هایی نقش بسته بود و آن حضرت بر روی

آن می نشست. (5)

فرش ابریشم و فرش های دارای نقش

1. در روایتی صحیح می خوانیم که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: آیامی توان بر فرش ابریشمین خوابید و بر آن تکیه زد و نماز خواند؟ حضرت فرمود: «می توانی به زیر پا بیندازی و بر روی آن بایستی، ولی بر روی آن (بدون مهر) سجده نکن.» (6)

1- کافی، ج 6، ص 477، ح 5.

2- گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، باب 44، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 117.

4- مکارم الأخلاق، ص 131.

5- کافی، ج 6، ص 477، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 477، ح 8.

ص: 679

2. در روایتی صحیح آمده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد : استفاده کردن از فرشی که تصویر دارد چگونه است؟ فرمود: «عجم ها به چنین فرش هایی اهمّیت می دهند، ولی ما آن را دوست نداریم». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیار اتفاق می افتد که به هنگام نماز در جلوی من بالشی وجود دارد که در آن عکس پرندگان به تصویر کشیده شده است، بر روی آن چیزی می اندازم و مشغول نماز می شوم و چندین فرش از شام برای من هدیه آورده اند که عکس پرندگان در آن نقش شده است، دستور دادم سرهای آنها را تغییر داده و به صورت درخت درآوردند». (2)

4. در روایتی دیگر می خوانیم که از آن حضرت پرسیدند: گاه بالش هایی برای ما می گذارند که در آن تصویری وجود دارد و ما بر روی آن می نشینیم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «آنچه را که فرش کرده و بر روی زمین بگسترند و بر روی آن راه می روند اشکالی ندارد، اما تصویری که بر دیوار و تخت نصب می شود کراهت دارد». (3)

آداب عبادت کردن در خانه

محلّ ویژه عبادت

1. در روایتی صحیح می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حضرت علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که جز فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری در آن نبود و در آن نماز می خواند». (4)

2. نیز در حدیثی موثق آمده است که فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

1- کافی، ج 6، ص 477، ح 7.

2- مکارم الأخلاق، ص 132.

3- مکارم الأخلاق، ص 132 و 133؛ بحار الأنوار، ج 79، ص 288 و 324.

4- محاسن، ص 612، ح 29.

ص: 680

خانه خود حجره ای قرار داده بود که نه کوچک بود و نه بزرگ و از آن به عنوان نمازخانه استفاده می کرد. شب هنگام (برای اینکه تنها نباشد) طفلی را با خود به آن حجره می برد و در آنجا نماز می خواند». (1)

3. در روایتی موثق می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام به مسمع نوشت: «دوست دارم که در خانه ات نمازخانه ای برای خود قرار دهی و دو لباس بلند بپوشی و به نمازخانه ات بروی و از خداوند درخواست کنی که تو را از آتش دوزخ آزاد و وارد بهشت کند. و دعای نامشروع و نفرین بر کسی نکن». (2)

فلسفه عبادت در خانه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن را همچون گور نسازید، همان گونه که یهود و نصاری کردند که نماز را در معابدشان خوانده و خانه های خود را معطل می گذاشتند، زیرا در خانه ای که قرآن بسیار تلاوت شود خیر آن بسیار می شود و اهلش به رفاه و نعمت می رسند و آن خانه به اهل زمین روشنی می دهد». (3)

2. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اهل آسمان خانه ای را که مسلمانی در آن قرآن می خواند به یکدیگر نشان می دهند، همان گونه که زمینیان ستارگان آسمان را به یکدیگر نشان می دهند». (4)

1- علامه مجلسی در ذیل حدیث مزبور می گوید: «از آنجا که مستحب است انسان در خانه تنها نباشد (اگرچه در حال نماز باشد)، حضرت کسی را همراه خود به آن اتاق می برد. وعلت آنکه کودک به همراه می برد این بوده که حمل بر ریا نشود؛ چون ممکن است با بودن افراد بزرگ تر چنین حالتی به وجود آید؛ البته در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین چیزی متصور نیست ، ولی برای دیگران تذکر محسوب می شود». محاسن، ص 612، ح 30؛ بحارالأنوار، ج 8، ص 366.

2- محاسن، ص 612، ح 31.

3- کافی، ج 2، ص 610، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 610، ح 2.

ص: 681

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برکت خانه ای که در آن قرآن خوانده و خداوند یاد شود، بسیار زیاد می گردد. و فرشتگان در چنین خانه ای حاضر و شیاطین از آن دور می شوند. و چنین خانه ای به آسمانیان روشنایی می دهد، همان گونه که ستارگان آسمان به زمینیان روشنی می دهند. و برکت خانه ای که در آن قرآن نخوانند و خداوند یاد نشود، کم شده و فرشتگان از آن دوری کرده و شیاطین در آن خانه حاضر می شوند». (1)

نگهداری حیوانات در خانه

فضیلت نگهداری کبوتر

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر از مرغان پیامبران است». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «کبوتران حرم، نسل چند کبوترند که حضرت اسماعیل علیه السلام نگهداری می کرد و با آنها انس می گرفت». (3) بنابراین، مستحب است

چند کبوتری که بالشان چیده باشد در خانه نگاه دارید و به آنها اُنس بگیرید.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جفت کبوتر سرخ در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود». (4)

4. در حدیث است که شخصی به نام عبدالکریم می گوید: به خانه امام کاظم علیه السلام رفتم، در آنجا سه کبوتر سبز دیدم. عرض کردم اینها خانه را کثیف می کنند. فرمود: «نگاه داشتن اینها در خانه مستحب است». (5)

1- کافی، ج 2، ص 610، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 546، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 546، ح 3.

4- کافی، ج 6، ص 548، ح 16.

5- کافی، ج 6، ص 548، ح 15.

ص: 682

5. در حدیثی دیگر می خوانیم که راوی گفت آن حضرت را دیدم که برای چند کبوتری که در خانه اش بود نان خرد می کرد. (1)

6. در حدیث است که محمد بن کرامه می گوید: یک جفت کبوتر در خانه امام کاظم علیه السلام دیدم. کبوتر نر سبزرنگ بود و نقطه های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه رنگ بود و حضرت برای آنها نان خرد می کرد. حضرت فرمود: «اینها در شب حرکت کرده و مونس من اند». (2)

فواید نگهداری کبوتر

1. در چندین روایت آمده است که: کبوتران خانگی یا کبوتران یاهو (3) ، بسیار یاد خدا می کنند و اهل بیت را دوست می دارند و دعا می کنند که خداوند صاحب خانه را برکت دهد. (4)
2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه کبوتر نگاه دارید که دوست داشتنی و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مانند کبوتر باعث اُنس نمی شود». (5)
4. در حدیث است که شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از تنهایی شکایت کرد. حضرت فرمود: «یک جفت کبوتر در خانه نگهداری کن». (6)
5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بالی که کبوتر می زند باعث نفرت و گریختن شیاطین می شود». (7)

1- کافی، ج 6، ص 548، ح 14.

2- طبّ الأئمّه، ص 111.

3- «کبوتر یاهو» نوعی از کبوتر است که صدای یاهو می دهد (فرهنگ متوسط دهخدا).

4- کافی، ج 6، ص 550، باب الورشان.

5- کافی، ج 6، ص 546، ح 7.

6- کافی، ج 6، ص 546، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 547، ح 9.

6. در چندین حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر را که به جای دور می فرستند تا سی فرسخ پرواز می کند و از روی دانایی برمی گردد. و مسافتی را که بیش از این می رود از روی دانایی و معرفت نیست، بلکه برای یافتن غذا می آید». (1)

(البته باید توجه داشت که نگهداری کبوتر در خانه به معنای کبوتربازی نیست و مرحوم صاحب جواهر در کتاب مشهور فقهی خود نگهداری کبوتر را سه گونه می شمارد: اول نگهداری برای انس که می فرماید جایز است. دوم نگهداری برای فال نیک و بد زدن که این کار را مکروه می داند. سوم نگهداری به منظور برد و باخت و می گوید این کار حرام است). (2)

نگهداری خروس

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به خروس ناسزا نگوئید که مردم را برای نماز بیدار می کند». (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فریاد خروس نماز اوست و بال زدنش، رکوع و سجود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خروس سفید یار من و یاور هر مؤمنی است». (5)

(چون از وقت نماز خبر می دهد).

1- کافی، ج 6، ص 549، باب ارسال الطیور، ح 1 و 2.

2- جواهر الکلام، ج 41، ص 55.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 3؛ مکارم الأخلاق، ص 425.

4- کافی، ج 6، ص 550، ح 6.

5- کافی، ج 6، ص 550، ح 4.

ص:684

اهمیت دآمداری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوسفند نگه دارید و شتر نگه ندارید». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گوسفند خوب

مالی است». (2)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که یک گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آن گوسفند را به آنها می دهد و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر، یک منزل از ایشان دور شود. و اگر دو گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آنها را برساند و روزی اهل خانواده را زیاد کند و پریشانی، دو منزل از ایشان دور شود. و اگر سه گوسفند نگهداری کند خداوند روزی گوسفندان را برساند و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر و پریشانی آنها از ریشه برطرف گردد». (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر خانواده ای که گوسفند شیردهی داشته باشد، هر روز فرشتگان دو بار به آنها گویند: خدا شما را برکت دهد». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند سه برکت فرستاده است: آب و آتش و گوسفند». (5)

6. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که در

1- محاسن، ص 640، ح 150؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 1.

2- محاسن، ص 640، ح 149؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 2.

3- محاسن، ص 641، ح 154؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 4.

4- محاسن، ص 643، ح 168؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 5.

5- کافی، ج 6، ص 545، ح 8.

ص: 685

هر شب سی گوسفند نزد آنها باشد، ملائکه تا صبح از آنها نگهبانی می کنند». (1)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که گوسفندی را نگاه می دارید خوابگاهشان را پاکیزه و خاک از نشان پاک کنید». (2)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که در خانه اش یک بز شیرده داشته باشد، هر روز فرشته ای صبح هنگام او را این گونه دعا کند: «پاک و مطهر باشید، خداوند به شما برکت دهد. احوال شما و نانخورش شما نیکو باد» و اگر دو بز شیرده داشته باشد، هر روز آن فرشته آن دعا را تکرار می کند». (3)

9. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عمّه خود فرمود: «چرا در خانه ات برکتی نگهداری نمی کنی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، برکت کدام است؟ فرمود: «گوسفندی که شیر دهد». سپس فرمود: «هر کس در خانه اش گوسفند شیرده، یا بز شیرده، یا گاو شیرده داشته باشد، باعث برکت خانه

او می شود». (4)

نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر

پرندگان

فاخته

فاخته (5)

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که: فاخته ای در خانه امام باقر علیه السلام بود. روزی

1- محاسن، ص 643، ح 161؛ کافی، ج 6، ص 545، ح 9.

2- کافی، ج 6، ص 544، ح 3.

3- محاسن، ص 640، ح 152؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 6.

4- محاسن، ص 641، ح 155؛ کافی، ج 6، ص 545، ح 7.

5- «فاخته» پرنده ای است خاکی رنگ شبیه کبوتر، کمی کوچک تر از آن. دور گردنش طوقی سیاه دارد، درعربی نیز فاخته (به کسر خا) گفته می شود (فرهنگ عمید).

ص: 686

آن حضرت شنید که آن پرنده چیزی می خواند. فرمود: «می دانید چه می گوید؟» گفتند: نه. فرمود: «می گوید: فَقَدْتُكُمْ فَقَدْتُكُمْ؛ نیست شوید، نابود شوید». سپس فرمود: «ما آن را دور می کنیم پیش از آنکه او ما را دور کند». (1)

2. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام به خانه پسرش اسماعیل رفت، مشاهده کرد که فاخته ای در قفس کرده و آن حیوان می خواند. حضرت به فرزندش فرمود: «فرزندم، چه چیز باعث شده است که این فاخته را نگهداری کنی؟ مگر نمی دانی که این حیوان صاحب خانه را نفرین می کند؟» (2) (شاید این

حیوان منشأ بیماری هایی است که آمدن آن در داخل زندگی انسان خطرآفرین باشد).

پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه

1. در حدیثی معتبر آمده است که: روزی حضرت صادق علیه السلام در جایی نشسته بود. شخصی از آنجا عبور کرد در حالی که پرستوی کشته ای در دست داشت. حضرت برخاست و آن حیوان را از دست او گرفت و بر زمین زد و فرمود: «آیا عالم شما دستور ذبح این حیوان را داده، یا فقیه شما چنین سفارشی کرده است؟ پدرم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که از کشتن شش حیوان نهی کرد: زنبور

عسل، مورچه، قورباغه، هدهد، صرد، پرستو. اما زنبور عسل، از آن رو که پاکیزه می خورد و پاکیزه دفع می کند و این چیزی است که خداوند به او وحی کرده که نه از جن است و نه از انس، آنجا که فرماید: (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ) (3) واما

مورچه، زیرا در زمان حضرت سلیمان علیه السلام قحطی شد، آن حضرت همراه یارانش

1- کافی، ج 6، ص 551، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 551، ح 2.

3- ترجمه: «وپروردگار تو به زنبور عسل وحی (والهام غریزی) کرد». سوره نحل، آیه 68.

برای طلب باران به خارج شهر رفتند. ناگاه آن حضرت مورچه ای را دید که بر روی پاهای خود ایستاده و دستانش را به سمت آسمان بلند کرده و می گوید: «پروردگارا، ما از جمله مخلوقات تو هستیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم، پس به ما روزی بده و ما را به گناهان بی خردان از فرزندان آدم مجازات نکن!» حضرت سلیمان علیه السلام با مشاهده این صحنه به اصحابش گفت: بازگردید که خداوند به سبب دعای دیگران (مورچه) باران می فرستد. و اما قورباغه، هنگامی که نمرود برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آتش افروخت، حیوانات زمین از خداوند اجازه خواستند که آب بر آتش بریزند. خداوند متعال به هیچ یک از آنان جز یک سوم شان چنین رخصتی نداد که در نتیجه دوسوم از آنها بر اثر آتش سوخته و یک سوم شان باقی ماند. و اما هدهد، از آن رو که دلیل و راهنمای حضرت سلیمان علیه السلام به سوی بلقیس بود. و اما سرد (مرغی که سری بزرگ دارد و گنجشک شکار می کند) از آن رو که راهنمای حضرت آدم علیه السلام از بلاد «سراندیب» تا «جده» بود. و اما پرستو، زیرا... و ذکر تسبیحش سوره حمد است...» (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حرمت پرستو را نگاه دارید که بیش از دیگر پرندگان با انسان انس می گیرد و ذکرش سوره حمد است.» (2)

هدهد و چکاوک

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در هر بال هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ خاندان محمد، بهترین مخلوقات خدا هستند.» (3)

1- خصال، ج 1، ص 290، ح 16؛ بحار الأنوار، ج 64، ص 265، ح 20.

2- کافی، ج 6، ص 223، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 224، ح 1.

ص: 688

2. در حدیثی است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن هدهد پرسیده شد؟ فرمود: «آزارش نرسان و آن را ذبح نکن که مرغ نیکویی است.» (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گوشت چکاوک را نخورید و به آن دشنام ندهید و آن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا بسیار تسبیح خدا می گوید و تسبیحش چنین است: لَعْنُ اللَّهِ مُبَغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ». (2)

طاووس

1. در حدیث است که در محضر امام رضا علیه السلام سخن از حُسن طاووس به میان آمد. حضرت فرمود: «حُسن هیچ حیوانی بهتر از خروس سفید نیست، چرا که خروس سفید آوازش خوش تر و برکتش بیشتر و تو را بر وقت نمازها آگاه می کند...». (3)

2. در حدیث است که طاووس یمانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از او پرسید: «طاووس یمانی تو هستی؟» عرض کرد: آری. فرمود: «طاووس

مرغ شومی است، وارد بر هیچ جمعیتی نمی شود، مگر اینکه آنها را

آواره می کند». (4)

گنجشک

1. در حدیث است که سالم خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. هنگامی که نشست جمعی از گنجشک ها صدا کردند. حضرت فرمود: «می دانی چه می گویند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «می گویند: خداوندا، ما مخلوقاتی از

1- قرب الإسناد، ص 225، ح 1146 و 1147.

2- ترجمه: «خداوند دشمنان آل محمد را از رحمت خود دور کند». کافی، ج 6، ص 225، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 550، ح 3.

4- تنبیه الخواطر، ص 15.

ص: 689

آفریده های تو ومحتاج روزی تو هستیم، غذا وآب ما را برسان». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام سخنانشان را چنین تفسیر کرد: «آنها تسبیح پروردگار می گویند ورویشان را از خدا طلب می کنند». (2)

وقت شکار پرندگان

در چندین حدیث آمده است که جوجه پرندگان را (قبل از فراگیری پرواز) شکار نکنید، بلکه اجازه دهید پرواز کنند سپس شکار نمایید. و شب برای شکار به آشیانه مرغان نروید که آنها شب در امانند. (3)

کشتن، آتش زدن وشکنجه حیوانات

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مورچه سؤال کردند. حضرت فرمود: «آن را نکشید، مگر اینکه باعث آزار

شما شود». (4)

2. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مار پرسیدند. حضرت به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است از من نیست، اما اگر برای این نکشد که حیوانی است که به وی آزاری نرسانیده اشکالی ندارد». (5)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مار (خطرناکی) را

1- بصائر الدرجات، ص 345، ح 20.

2- الإختصاص، ص 293.

3- کافی، ج 6، ص 216، ح 2 و 3.

4- قرب الإسناد، ص 225، ح 1146 و 1147.

5- معانی الأخبار، ص 173.

ص: 690

بکشد گویی کافر (حربی) را کشته است». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان (2) نهی کرد: صُرَد (کرکس) (3) و صوآم، هدهد، زنبور، مورچه، قورباغه و دستور کشتن چند حیوان را صادر کرد:... مار، عقرب، سگ درنده». (4)

5. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند. (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال زنی را به جرم اینکه گربه ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، عذاب کرد». (6)

نگهداری سگ در خانه

کراهت و مجازات نگهداری سگ

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است مسلمان در خانه اش سگ نگه دارد». (7) (مگر در مواردی که خواهد آمد).
 2. نیز در روایتی موثق فرمود: «هر کس در خانه اش سگ نگه دارد، هر روز مقداری از ثواب اعمالش کاسته می شود». (8)
 - 1- الجعفریات، ص 245.
 - 2- قابل ذکر اینکه از کلام دمیری و بیشتر علمای لغت استفاده می شود که «صرد» و «صوام» یک حیوان است که به ضمیمه چهار حیوان دیگر، پنج حیوان محسوب می شوند. (بحار الأنوار، ج 64، ص 264، ح 19).
 - 3- «صرد» مرغی است بزرگ سر که گنجشک شکار می کند و به آن شیرگنجشک نیز می گویند (فرهنگ عمید).
 - 4- خصال، ج 1، ص 266، ح 59؛ بحار الأنوار، ج 64، ص 264، ح 19.
 - 5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 3؛ مکارم الأخلاق، ص 425.
 - 6- ثواب الأعمال، ص 327، ح 6.
 - 7- کافی، ج 6، ص 552، ح 1.
 - 8- کافی، ج 6، ص 552، ح 2.
- ص: 691

موارد مجاز نگهداری سگ

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عده ای که خانه هایشان از شهر دور بود اجازه داد (که برای حفاظت) سگ نگاه دارند. (1)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیری در (نگهداری) سگ ها نیست، مگر سگ شکاری یا سگ گله (وسگ پاسبان)». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سگ شکاری را در خانه نگهداری نکن، مگر اینکه بین تو و آن دری باشد که بر روی سگ بسته شود». (3)

4. در حدیثی موثق و معتبر آمده است که: حیوانات را به جنگ همدیگر انداختن کار خوبی نیست، مگر سگی که برای شکار حیوانات بفرستند. (4)

5. در چندین روایت معتبر آمده است که: هرگاه حیوانی را سگ شکاری تعلیم دیده شکار کند، اگر هنگامی به آن بررسی که هنوز جان در بدن دارد آن را ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلال است؛ مشروط بر اینکه به هنگام فرستادن سگ به سوی شکار، بسم الله گفته باشی و آنچه را حیوانات دیگر یا سگی که برای شکار تعلیم داده نشده شکار کنند، اگر زمانی به آن بررسی که هنوز جان دارد و آن را ذبح کنی حلال است؛ در غیر این صورت حرام است و هر حیوانی را که با تیر (پیکان) دار یا بی پیکان) شکار کنی به گونه ای که تیر در بدنش فرو رود، چنانچه هنگامی به او بررسی که جان داشته باشد آن را ذبح کن و اگر جان داده باشد در صورتی که به هنگام انداختن تیر، نام خدا را برده باشی حلال است. و اگر با شمشیر و نیزه و سلاح های دیگر (از این قبیل) شکار کرده باشی همین حکم را دارد. و چنانچه با سنگ یا تفنگ یا کمان یا گلوله و سایر چیزهایی که از

1- کافی، ج 6، ص 552، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 553، ح 11.

3- کافی، ج 6، ص 552، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 552، ح 5.

جنس آهن نیست وشکار بر اثر سنگینی آن چیز از پا بیفتد، چنانچه زمانی به آن برسی که جان داشته باشد وآن را ذبح کنی حلال است وگرنه حرام است». (1)

چیزهایی که حیوانات می فهمند وما نمی فهمیم

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از پی شکار نروید که بیم ضرر برای شما می رود وهنگامی که صدای سگ وفریاد الاغ را می شنوید از شرشیطان رانده شده به خداپناه ببرید، زیرا آنهاچیزی می بینند که شما نمی بینید». (2)

آداب خانه خریدن

ولیمه خریدن وساختن خانه

1. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خانه بخرد، مستحب است ولیمه ومیهمانی دهد». (3)

2. نیز در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خانه ای بسازد، گوسفندی چاق قربانی کند وگوشتش را به مردم فقیر نیازمند اطعام کند، سپس این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ اَدْحِرْ عَنِّيْ مَرَدَّةَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِيْنَ وَبَارِكْ لِيْ فِيْ بِنَائِيْ (4) ، آنچه را بخواهد خداوند به او می دهد». (5)

آداب چراغ افروختن

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که

1- کافی، ج 6، ص 203، ح 4 و 5 و ص 205، ح 14.

2- علل الشرایع، ج 2، ص 582 و 583، باب 385، ح 23.

3- کافی، ج 6، ص 281، ح 3.

4- ترجمه: «بار خدایا، دیوان متمرّد و آدمیان نافرمان و شیاطین (رانده شده) را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان».

5- ثواب الأعمال، ص 221.

ص: 693

کسی از آن نفعی نمی برد و تباه می شود، یکی از آنها روشن کردن چراغ (به هنگام روشنی هوا) در ماهتاب است». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز تباه می شود: چراغی که هنگام آفتاب روشن کنند نور آن ضایع شده و از روشنایی اش بهره ای برده نمی شود، بارانی که بر زمین شوره زار ببارد تباه شده و از آن نفعی برده نمی شود، غذایی که تهیه کننده آن خود را به زحمت بیندازد و آن را به کسی دهد که سیر باشد و از آن استفاده نکند، زن زیبا و خوشرویی که عروسش کند و نزد شوهر عینین ببرند، نیکی به شخصی که شکر نکند». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روشن کردن چراغ (اندکی) پیش از غروب آفتاب، پریشانی را برطرف و روزی را فراوان می کند». (3)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد شدن به خانه تاریک کراهت دارد، مگر اینکه چراغی یا آتشی افروخته باشند». (4)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که چراغی به داخل خانه می آورند این دعا را بخوان:
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُورًا نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُورًا، إِنَّكَ نُورٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (5) و هنگامی که

چراغ را خاموش کند بگوید: اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». (6)

1- خصال، ج 1، ص 240، ح 128؛ بحار الأنوار، ج 66، ص 332، ح 10.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 291.

3- کافی، ج 6، ص 532، ح 13.

4- کافی، ج 6، ص 534، ح 6.

5- ترجمه: «بار خدایا، برای ما نوری قرار ده که با آن در بین مردم رفت و آمد کنیم (و دوست را از دشمنبشناسیم) و در روزی که تو را ملاقات می کنیم از نور خود ما را محروم نکن واز برای ما (در آن روز) نوری قرارده، زیرا تو نوری و معبودی جز تو نیست».

6- ترجمه: «خدایا، ما را از تاریکی ها به سوی نور هدایت کن». مکارم الأخلاق، ص 288.

ص: 694

سایر آداب خانه

مکروهات

سکونت در خانه بی در و پرده

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خوابیدن در اتاقی که در و پرده ندارد مکروه است».

(1)

تنها خوابیدن

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس بر روی قبری ادرار یا مدفوع کند، یا ایستاده ادرار کند، یا در خانه تنها بخوابد، یا با دست آلوده به غذا بخوابد، شیطان بر او مسلط شود و عقلش را بگیرد». (2)
2. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت از شخصی پرسید: «در کجا ساکن شده ای؟» گفت: در فلان مکان. فرمود: «آیا در آنجا کسی با تو هست؟» گفت: نه. فرمود: «در آن خانه تنها نباش و از آنجا به خانه دیگر برو که شیطان هیچ گاه مانند وقتی که انسان در خانه تنهاست بر وی جرأت ندارد». (3)

نگهداری خاکروبه و دستمال آلوده در خانه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خاکروبه خانه را شب در خانه نگذارید و بیرون بگذارید که شیطان در آن جای می گیرد». (4)
2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «دستمال گوشت را شب در خانه نگذارید که آن خوابگاه شیطان است. و خاکروبه را در پشت در

1- کافی، ج 6، ص 533، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 533، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 534، ح 8.

4- کافی، ج 6، ص 531، ح 6.

خانه جمع نکنید که آن لانه شیطان است. وهنگامی که به در اتاق می رسید بسم الله بگویید که شیطان می گریزد وهرگاه وارد اتاق شوید سلام کنید که برکت نازل می شود وملائکه انس می گیرند». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خاکروبه را شب در خانه نگذارید وروز بیرون ببرید که لانه شیطان است». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «دستمالی که با آن دستانتان را پاک کرده اید وآلوده به غذا وچربی است، شب نشسته در خانه نگذارید که خوابگاه شیطان است». (3)

نگاه کردن به خانه همسایه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی به خانه همسایه خود نگاه کند. (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند شش خصلت را برای من نخواست ومن آنها را برای امامان از فرزندانم وشیععیانشان نمی خواهم: بازی کردن با دست وریش ولباس در حال نماز، دشنام دادن (به ویژه با زبان روزه)، منت گذاشتن بعد از صدقه دادن، رفتن به مسجد در حالت جنابت، خندیدن در قبرستان، نگاه کردن از پشت بام به خانه های مردم». (5)

3. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در اتاق یکی از همسرانش بود که شخصی از سوراخ در به آن اتاق نگاه کرد. حضرت فرمود: «اگر نزدیک بودم به چشمت آسیب می رساندم». (6)

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 3.

3- کافی، ج 6، ص 499، ح 18.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 6؛ مکارم الأخلاق، ص 429.

5- محاسن، ص 10، ح 31؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 120، ح 575.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 74، ح 226.

ص: 696

مستحبات خانه داری

جاروب کردن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جاروب کردن خانه پریشانی را برطرف می کند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن ظرف ها و جارو کردن خانه ها (اعم از اتاق ها و حیاط) روزی را زیاد می کند». (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حیاط خانه های خود را جاروب کنید و شبیه برخی بیگانگان از اسلام نشوید که جاروب نمی کنند». (3)

پاک کردن تار عنکبوت ها

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید که باقی ماندن آن در خانه باعث فقر و پریشانی می شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «تارهای عنکبوت وماندن خاکروبه در خانه باعث فقر وپریشانی می شود». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خانه شیطان در خانه های شما جایی است که عنکبوت می تند». (6)

بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان

1. در حدیثی مؤثق می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در ظرف های آب

1- محاسن، ص 624، ح 77؛ کافی، ج 6، ص 531، ح 8.

2- خصال، ج 1، ص 93، ح 63؛ بحار الأنوار، ج 64، ص 404، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 531، ح 5.

4- محاسن، ص 624، ح 78.

5- خصال، ج 2، ص 277؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 176، ح 6.

6- کافی، ج 6، ص 532، ح 11.

ص: 697

و غذا و در خانه ها را ببندید که شیطان در بسته و ظرف سربسته را نمی گشاید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ظرف های خود را بدون سرپوش نگذارید، زیرا شیطان در ظرف بی سرپوش آب دهان می اندازد و از آنچه در آن است می خورد». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از چهارپایان، اطفال و باران خود پس از غروب آفتاب تا هنگام خوابیدن محافظت کنید که در این اوقات شیاطین بر آنها مسلط می شوند». (3)

آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه

آداب وارد شدن به خانه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان می خواهد وارد خانه اش شود بر اهل خانه سلام کند. و اگر خانواده ای ندارد بگوید: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا وَهَنگام وارد شدن به خانه سوره توحید بخواند که فقر و پریشانی را برطرف می کند. (4) و هرگاه بخواند به دنبال کار (مهمی) برود

روز پنجشنبه را انتخاب کند و آیات سوره آل عمران از (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (5) تا (إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ) (6) و همچنین آیه الکرسی و سوره انا أنزلناه

و سوره حمد را بخواند». (7)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام وارد شدن به خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

1- کافی، ج 6، ص 532، ح 12.

2- محاسن، ص 584، ح 75.

3- علل الشرایع، ج 2، ص 582، ح 21.

4- خصال، ج 2، ص 419، بحار الأنوار، ج 76، ص 166، ح 1.

5- سوره آل عمران، آیه 190.

6- سوره آل عمران، آیه 194.

7- خصال، ج 2، ص 415؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 166، ح 1.

ص: 698

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (1) ، سپس

بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد، پس از این دعا بگوید: أَسَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، أَسَلَامٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْمُهَدِيِّينَ، أَسَلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ (3) ، سپس هر یک از سوره های

حمد و توحید و ناس و فلق و آیه الکرسی را از جانب جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین بخواند». (4)

دعای هنگام بیرون رفتن از خانه

1. در حدیث است که هرگاه امام باقر علیه السلام از خانه خارج می شد چنین دعا می کرد: «بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (5)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به هنگام بیرون رفتن از خانه چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَبِكَ أَسَلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَأَرْزُقْنِي فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهْرَهُ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ. بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

- 1- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم.) شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست».
- 2- ترجمه: «سلام بر محمد بن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام بر امامان هدایت شده هدایت کننده، سلام بر ماویندگان صالح و شایسته خدا». مکارم الأخلاق، ص 345.
- 3- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم.) هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خداوند نیست. بر خدا توکل می کنم».
- 4- مکارم الأخلاق، ص 345.
- 5- ترجمه: «به نام خداوند خارج شدم و بر خدا توکل کردم، (و) هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خداوند نیست». کافی، ج 2، ص 543، ح 10.
- ص: 699

خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَأَنْفَعْنِي بِهِ». (1)

3. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هنگام بیرون رفتن از خانه این دعا را بخوان : بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَأَسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَأَجْعَلْنِي رَاغِبًا فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَقَّئِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که پدرم (امام کاظم علیه السلام) از خانه بیرون می آمد این دعا را می خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِي وَقُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأَتَيْتَنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ». (3)

فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی هنگام بیرون رفتن از

1- ترجمه: «بار خدایا، به کمک تو خارج شدم و در برابر تو تسلیم هستم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کردم. بار خدایا، این روز را بر من مبارک گردان و پیروزی و گشایش و یاری و پاکی و هدایت و برکتش را روزی ام کنوشر آن و شر آنچه در آن است را از من بازگردان. به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می کنم). خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید. و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، بیرون آمدم، پس خروج مرا مبارک کن و از این رهگذر سودی عایدم کن». کافی، ج 2، ص 542، ح 6.

2- ترجمه: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. آنچه خداوند بخواهد انجام می شود. هیچ پناهگاه و قدرتی نیستمگر به ذات خدا. بار خدایا، خیر آنچه را که برای آن خارج شده ام از تو می خواهم و به تو پناه می برم از شر آنچه به سوی آن خارج شده ام. بار خدایا، فضل و کرمت را بر من بگستران و نعمت خود را بر من تمام کن و برابر طاعت خود وادار و مرا نسبت به آنچه در نزد تو است راغب گردان و در راهت و بر آیین خود و آیینرسولت 9 بمیران». محاسن، ص 351، ح 38؛ کافی، ج 2، ص 542، ح 5.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به حول و قوه الهی خارج شدم، نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه تو ای پروردگار من، در حالی که خواهان روزی تو هستم، آن را با عافیت به من عطا کن». محاسن، ص 352، ح 39؛ کافی، ج 2، ص 542، ح 7.

خانه «بسم الله» بگوید، ملائکه به او می گویند: سلامت ماندی. وهنگامی که «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، فرشتگان گویند: کارهایت انجام شد. وهرگاه «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» بگوید، ملائکه گویند: از بلاها ننگه داشته شدی». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه نگین انگشترش را به سمت کف دست برگرداند ودر آن نظر کند، سپس سوره انا انزلناه را بخواند ودر پایان بگوید: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ (2) در آن روز چیز ناخوشایندی نبیند». (3)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند گناهایش را بیامرزد و توبه اش را قبول کند و کارهایش را آماده سازد و او را از بدی ها و شرور محافظت نماید: اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ، الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، أَجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ». (4)

4. در حدیثی موثق می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند کارهای دنیا و آخرت او را برآورده سازد: بِسْمِ اللَّهِ. حَسْبِيَ اللَّهُ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا

1- قرب الإسناد، ص 201؛ ثواب الأعمال، ص 195.

2- ترجمه: «به خداوند یکتا که شریکی ندارد ایمان آوردم. به امور پنهان و آشکار آل محمد (نیز) ایمان آوردم».

3- مکارم الأخلاق، ص 325.

4- ترجمه: «پناه می برم به آنچه که ملائکه وفرستادگان خداوند به آن پناه می برند، از شرّ این روز جدید، هنگامی که خورشید آن غروب کند باز نمی گردد واز شرّ نفسم واز شرّ دیگران واز شرّ شیاطین واز شرّ دشمنان اولیاء الله واز شرّ جنّ و انس واز شرّ درندگان وگزندگان واز شرّ ارتکاب گناهان، از تمام بدی ها به خداوند پناه می برم». محاسن، ص 350، ح 340؛ کافی، ج 2، ص 541، ح 4.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره توحید بخواند، پیوسته در حفظ و حمایت پروردگار باشد تا به خانه اش بازگردد». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «چنانچه انسان وقت بیرون رفتن از خانه الله اکبر بگوید و پس از آن سه مرتبه بِالله أَخْرَجُ وَبِاللهِ أَدْخُلُ وَعَلَى اللهُ أَتَوَكَّلُ (3) بگوید،

سپس سه مرتبه این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (4) پیوسته در حفظ الهی باشد، تا زمانی که او را به مکانی که حرکت کرده بود برگرداند». (5)

7. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که از خانه بیرون می روی بگو: بِسْمِ اللهِ اَمَنْتُ بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، مَا شَاءَ اللهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ». (6)

طلب حاجت کردن

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان برای حلّ مشکلی از خانه بیرون می روید در روز خارج شوید، چراکه در شب مشکلات حل نمی شود». (7)

1- ترجمه: «به نام خدا. خدا مرا کافی است. بر خدا توکل کردم. بار خدایا، خیر تمام کارهایم را از تو می خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم». محاسن، ص 351، ح 37؛ کافی، ج 2، ص 549، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 542، ح 8.

3- ترجمه: «به کمک خداوند از منزل خارج می شوم و به کمک خداوند به منزل بازمی گردم و بر خداوند توکل می کنم».

4- ترجمه: «بار خدایا، درهای خیر را در این مسیر به روی من بگشا و آن را ختم به نیکی کن و مرا از شر هرجنبنده ای که زمامش به دست تو است حفظ کن. همانا (امر) پروردگرم بر صراط مستقیم است».

5- کافی، ج 2، ص 540، ح 1.

6- ترجمه: «به نام خدا. به خدا ایمان آوردم، بر او توکل کردم، آنچه او بخواهد می شود، هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خدا نیست». کافی، ج 2، ص 543، ح 12.

7- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 370، ح 66.

ص: 702

ص: 703

فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت

اشاره

1. سوار شدن چهارپایان
2. آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
3. آداب زین کردن ولجام زدن
4. دعاها و آداب سواری
5. آداب پیاده روی
6. بهترین اموال
7. آداب خریداری و نگهداری حیوانات
8. بخشی از احوالات و اقسام حیوانات
9. فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن

10. آداب تجارت

11. فضیلت زراعت و درختکاری

12. آداب زراعت و درختکاری

ص:704

ص:705

سوار شدن چهارپایان

(مقدمه : با توجه به اینکه بسیاری از مباحث این فصل در عصر ما مورد نیاز مردم نیست و جز در برخی روستاها کاربرد ندارد، از ذکر تمام روایات آن خودداری کرده و به بیان چند روایت کوتاه در هر مورد بسنده می کنیم).

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «داشتن چهارپا (مرکب) راهوار از سعادت انسان است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت مؤمن آن است که چهارپایی داشته باشد تا برای نیازهای خود و برطرف کردن حوائج مؤمنین از آن بهره ببرد». (2)

3. در روایات معتبر آمده است که: خیر و نیکی تا روز قیامت بر پیشانی اسب ها نقش بسته است. (3)

آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان

(اشاره : روایات این فصل هر چند در زمان ما مورد نیاز بسیاری از مردم نیست، ولی

1- محاسن، ص 625، ح 87؛ کافی، ج 6، ص 536، ح 8.

2- محاسن، ص 626، ح 88؛ کافی، ج 6، ص 536، ح 7.

3- ثواب الأعمال، ص 226، ح 2.

ص: 706

از آن رو که نشان از گستردگی و جامع نگری اسلام و توجه به حقوق حیوانات می دهد، قابل ذکر است).

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهارپای (سواری) شش حق بر صاحبش دارد: هنگامی که در جایی فرود می آید نخست به علف دادن به او بپردازد، هرگاه در مسیر به آب برسد آب را بر آن عرضه کند تا اگر تشنه است بنوشد، بر سر و صورتش تازیانه نزند که حیوان ذکر خدا می گوید، به هنگام توقف حیوان بر آن سوار نباشد مگر در جهاد، بیش از توان و قدرتش بر آن بار نکند، به مقدار توانایی اش از آن کار بکشد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بر یک چهار پا سه تن با هم سوار نشوند که یکی از آنها ملعون است». (2)

3. در احادیث معتبر آمده است که: امام سجّاد علیه السلام با یک شتر بیست بار به حج مشرف شد، ولی یک تازیانه بر آن نزد. (3)

4. در احادیث معتبر آمده است که: بر صورت هیچ موجود ذی روح شلاق نزنید که تسبیح پروردگار می گوید و هر چیزی حرمتی دارد و حرمت حیوان در صورت آن است. (4)

5. در حدیث است که ابوذر غفاری می گوید چهارپایان می گویند: خداوندا، مالک نیکویی به ما کرامت فرما که با ما مدارا کند و به ما علف و آب دهد و بر ما تعدی نکند. (5)

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حیوانات از چهار چیز غافل

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 187، ح 841؛ خصال، ج 1، ص 293، ح 25.

2- محاسن، ص 627، ح 95؛ کافی، ج 6، ص 541، ح 19.

3- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 155.

4- محاسن، ص 633، ح 116.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 189، ح 854.

ص: 707

نیستند: پروردگار خود را می شناسند، مرگ را می دانند، نر و ماده را می شناسند، چراگاه خوب را بلد هستند». (1)

آداب زین کردن ولجام زدن

1. در احادیث معتبر آمده است: از جمله نشانه های بدی که در آخرالزمان آشکار می شود آن است که زنان بر زین (اسب) سوار می شوند. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زین برای زنان، مرکب ملعونی است». (3)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «جایز نیست زنان بر زین سوار شوند، مگر در سفر یا به هنگام ضرورت». (4)

دعاها و آداب سواری

ادعیه هنگام سوار شدن

1. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی سوار بر مرکبی (چهارپایی) شود و بسم الله بگوید، فرشته ای همسفر پشت سر او سوار شده و او را از خطرهای سفر تا رسیدن به مقصد حفظ می کند. و اگر بسم الله نگوید، شیطان پشت سر او سوار شده و او را به خوانندگی تشویق می کند. و اگر خوانندگی بلد نباشد به وی سفارش می کند آرزوهای باطل محال در سر بپروراند و راننده پیوسته در این آرزوها غوطه ور است تا به مقصد برسد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 539، ح 9.

2- مختصر البصائر، ص 143.

3- کافی، ج 6، ص 541، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 375؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 300، ح 2.

5- محاسن، ص 634، ح 128؛ کافی، ج 6، ص 540، ح 17.

ص:708

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سوار شدن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) (1)

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (2) ، تا به مقصد برسد خود و مرکبش

محفوظ بماند». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس سوار بر مرکب خویش شود و آیه الکرسی بخواند، سپس بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. (4) خداوند به

فرشتگان خطاب کند: بنده من می داند که گناهانش را کسی غیر از من نمی آمرزد، شاهد باشید که گناهانش را آمرزیدم». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام سوار شدن بر چهارپایان به یاد خدا باشید و بگویید: (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ)». (6)

آداب سواری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر راننده لازم است به

- 1- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت ها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم.» سوره اعراف، آیه 43.
 - 2- ترجمه: «پاک و منزّه است خدایی که این (مركب) را مسخّر ما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن رانداشتیم؛ و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.» سوره زخرف، آیات 13 و 14.
 - 3- محاسن، ص 628، ذیل حدیث 103؛ کافی، ج 6، ص 540، ذیل حدیث 17.
 - 4- ترجمه: «طلب مغفرت و آمرزش می کنم از خداوندی که جز او معبود نیست و حیّ و قیوم است و به سوی او باز می گردم. بار خدایا، گناهانم را ببخش و بیامرز، چرا که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد».
 - 5- محاسن، ص 352، ح 40؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 178، ح 795. در هر دو مصدر به جای آیه الکرسی آیه سُخْره ذکر شده است.
 - 6- ترجمه آن در پاورقی حدیث دوم همین فصل گذشت. خصال، ج 2، ص 429، ح 336؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 112.
- ص: 709

هنگام سوار شدن بر مرکب به پیاده هایی که در مسیر او قرار دارند هشدار دهد تا آسیبی به آنها نرسد.» (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «روزی حضرت علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و جمعی پیاده همراه حضرت حرکت کردند. حضرت فرمود: کاری با من دارید؟ گفتند: نه، ولی می خواهیم در رکاب شما باشیم. فرمود: بازگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور سواره و موجب خواری و ذلّت پیاده است.» (2)

3. نیز در روایتی فرمود: «آیا شرم نمی کنید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی کنید و آن حیوان در زیر پای شما تسبیح پروردگار خود را می گوید!» (3)

آداب پیاده روی

چگونه باید راه رفت؟

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «(بسیار) تند راه رفتن آبهت مؤمن را از بین می برد». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر روی زمین از روی تکبر راه برود، زمین و آنچه بر روی زمین و آنچه در زیر آن است او را نفرین می کنند». (5)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه شخصی از مسلمانان به هنگامی که نیازمندی از او تقاضای کمک کند خود را به نشنیدن بزند و از روی تکبر و غرور راه برود، خداوند به عزت خود سوگند خورده که آنها را به وسیله یکدیگر عذاب کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 540، ح 15.

2- کافی، ج 6، ص 540، ح 16.

3- محاسن، ص 627، ح 97.

4- خصال، ج 1، ص 67، ح 25؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 302، ح 5.

5- ثواب الأعمال، ص 324.

6- بحار الأنوار، ج 76، ص 302، ح 7.

ص: 710

آداب راه رفتن

1. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت زین العابدین علیه السلام چنان آرام راه می رفت که گویی پرنده ای بر سر آن حضرت نشسته و بییم دارد پرواز کند. و دست راست آن حضرت بر دست چپش سبقت نمی گرفت. (1)

2. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زنان باید در کنار راه حرکت کنند و در وسط جاده راه نروند».
(2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سواره سزاوارتر است در وسط جاده حرکت کند از پیاده و پابرهنه سزاوارتر است در میان راه حرکت کند از کسی که کفش به

پا دارد».(3)

4. نیز در روایتی فرمود: «هر کس از روی تواضع و فروتنی در سفر و حضر با عصا راه رود، به هر گامی هزار حسنه برایش می نویسند و هزار گناه از وی محو می کنند و هزار درجه بر درجاتش می افزایند».(4)

5. در سخنی دیگر فرمود: «عصا به دست گیرید که از سنت های پیامبران است و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، عصا به دست می گرفتند تا در راه رفتن تکبر نکنند».(5)

6. و در گفتاری دیگر فرمود: «عصا به دست گرفتن پریشانی را برطرف و شیطان را دور می کند».(6)

1- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 162.

2- مکارم الأخلاق، ص 259.

3- مکارم الأخلاق، ص 258.

4- جامع الأخبار، ص 147.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 176، ح 788.

6- جامع الأخبار، ص 141؛ ثواب الأعمال، ص 222.

سفارش های جامع امام صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر عاقل هستی به هر مقصدی که می روی نخست نیت خود را درست کن وهدف صحیحی برای حرکت در نظر بگیر و نفس خود را از اهداف نامشروع نهی کن ودر مسیر راه، پیوسته در فکر واندیشه باش ودر هر گامی از عجایب خلقت و آفرینش های پروردگار عبرت بگیر ودر رفتار خویش تکبر و غرور نداشته باش واز چیزی که در دین خدا پسندیده نیست چشم بیوش و همواره مشغول ذکر خدا باش، زیرا مکان هایی که در آن ذکر خدا گفته می شود در روز قیامت برای ذکر گوینده شهادت می دهند و تا زمانی که وارد بهشت شود برایش استغفار می کنند. ودر راه با مردم سخن نگو که خلاف ادب است واکثر راه ها کمینگاه شیطان است، پس از مکر او غافل نباش. چنان رفتار کن که رفت و بازگشت تو در راه اطاعت خدا باشد. و رفتار تو برای چیزی باشد که موجب خشنودی خداست، چرا که تمام حرکات تو در نامه عمل تو ثبت می شود.» (1)

بهترین اموال

1. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین مال کدام است؟ فرمود: زراعتی که انسان به هنگام برداشت محصول، حق خداوند را از آن بپردازد. عرض کردند: پس از زراعت کدام مال بهتر است؟ فرمود: کسی که چند گوسفند داشته باشد و هر جا که آب و علفی بیابد آنها را بچراند و نمازش را بخواند و زکات مالش را بپردازد. عرض شد: بعد از گوسفند کدام مال بهتر است؟ فرمود: گاو که در صبح و شام شیر می دهد. پرسیدند: پس از گاو بهترین مال چیست؟ فرمود: درخت خرما که ریشه در گل فرو برده و در

1- مصباح الشریعه، ص 24.

ص: 712

خشکسالی و کم آبی میوه دهد. سپس فرمود: درخت خرما سرمایه خوبی است و هر کس (بدون ضرورت) آن را بفروشد، پولش همچون خاکستری است که بر سر کوه بلندی در مسیر تندباد رها شده باشد، مگر اینکه به جای آن، درخت خرمای دیگری بخرد. سپس پرسیدند: بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است؟ حضرت سکوت کرد و جوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفرمودید؟ فرمود: شترداری موجب مشقت و سختی و دوری از خانه می شود و هزینه آن سنگین است.» (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نه دهم روزی در تجارت و یک دهم آن در نگهداری گوسفندان است». (2)

آداب خریداری و نگهداری حیوانات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خریدن حیوانات این دعا را بخوانید: **اللَّهُمَّ قَدِّرْ لِي أَطْوَلَ هُنَّ حَيَاةً وَأَكْثَرَهُنَّ مَنَفَعَةً وَخَيْرَهُنَّ عَاقِبَةً**». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام دوشیدن شیر حیوانات، مقداری شیر در پستان حیوان (برای فرزندش) بگذارید، تا زودتر شیر جمع شود زیرا اگر تمام شیر را بدوشید شیر دیرتر جمع می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوابگاه گوسفندان را پاکیزه کنید و آنچه را که از بینی آنها می آید تمیز نمایید». (5)

1- کافی، ج 5، ص 260، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 190، ح 865.

2- خصال، ج 2، ص 212، ح 33؛ بحار الأنوار، ج 64، ص 118، ح 1.

3- ترجمه: «بار خدایا، حیوانی نصیب من کن که طولانی ترین عمر و بیشترین منفعت و بهترین عاقبت را داشته باشد». محاسن، ص 628، ح 99.

4- معانی الأخبار، ص 284.

5- محاسن، ص 642، ح 160.

بخشی از احوالات واقسام حیوانات

سر تنوع وجدایی حیوانات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تمام حیوانات وحشی و مرغان و درندگان و سایر مخلوقات پروردگار با یکدیگر زندگی می کردند، تا آنکه قابیل برادرش هابیل را کشت. پس در این زمان از یکدیگر نفرت پیدا کردند و گریختند و هر حیوانی به شکل خود درآمد». (1)

حیوانات و تسبیح خدا

1. در احادیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مرغ و حیوانی در دریا و صحرا شکار نمی شود، مگر اینکه تسبیح خدا را ترک گوید». (2)

2. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که کرکس فریاد زند می گوید: ای فرزند آدم، به هر روشی که بخواهی زندگی کن ولی بدان پایانش مرگ است.

سپس برای هر یک از پرندگان تسبیح یا نصیحتی بیان کرده، آنگاه حضرت فرمود: هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه او را تسبیحی است همان گونه که خداوند فرمود: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (3) « (4)

1- علل الشرایع، ج 1، ص 4، باب 5، ح 1.

2- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 294، ح 83.

3- ترجمه: «وهر موجودی تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید». سوره اسراء، آیه 44.

4- بحار الأنوار، ج 64، ص 27 - 29، ح 8.

فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن

تجارت و کار و تلاش کردن

ارزش و فضیلت تجارت

1. در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «تجارت کردن بر عقل (و تدبیر) می افزاید و ترک کردن تجارت از عقل (و تدبیر) می کاهد». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که دنیا را طلب (و تحصیل مال) کند تا دستش را پیش مردم دراز نکند و روزی عیالات خود را وسعت دهد و به همسایگانش احسان کند، صورت او در روز قیامت همچون ماه شب چهاردهم می درخشد». (2)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از حال عمر بن مسلم پرسید، گفتند: تجارت را ترک کرده است. حضرت سه مرتبه فرمود: «عمل شیطان است! مگر نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تجارت می کرد؟ و خداوند متعال فرماید: (رِجَالٌ

لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ) (3) آنان جماعتی بودند که تجارت می کردند و به وقتش مشغول نماز می شدند. و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و به وقتش نماز بخواند». (4)

4. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا کنید خداوند به راحتی به من روزی دهد. حضرت فرمود: «من برای تو دعا نمی کنم، بلکه چنانکه خداوند به تو دستور داده است برای به دست آوردن روزی تلاش کن». (5)

1- کافی، ج 5، ص 81، ح 4 و ص 148، ح 1 و 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 119، ح 505 و 506.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 5؛ تهذیب، ج 6، ص 371، ح 11.

3- ترجمه: «مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند». سوره نور، آیه 37.

4- کافی، ج 5، ص 75، ح 8.

5- کافی، ج 5، ص 78، ح 3.

ص: 715

تجارت کردن یا عبادت کردن

1. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض کردند شخصی می گوید: در خانه می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گیرم و پروردگار خود را عبادت می کنم خداوند روزی ام را می رساند. امام فرمود: «این شخص یکی از سه کسانی است که دعایشان مستجاب نیست». (1)

2. در روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از احوال شخصی پرسید، گفتند: نیازمند شده است. حضرت پرسید: «به چه کاری مشغول است؟» گفتند: در خانه نشسته و عبادت می کند. حضرت پرسید: «زندگی اش چگونه تأمین می شود؟ گفتند: برخی برادران مؤمن هزینه او و خانواده اش را تأمین می کنند. حضرت فرمود: «کار کسی که روزی او را تأمین می کند از عبادت او ارزشمندتر است». (2)

سربار مردم نشوید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از دنیا برای آخرت کمک بگیرید و سربار مردم نشوید». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که هزینه خانواده خود را بر دوش دیگران بیندازد ملعون است». (4)

3. در حدیث است که یکی از علمای اهل سنت در روز بسیار گرمی خدمت امام باقر علیه السلام رسید، دید آن حضرت با تکیه بر دو تن از خادمانش راه می رود. به

1- کافی، ج 5، ص 77، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 371، ح 8.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 72، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 375، ح 23.

4- کافی، ج 4، ص 12، ح 9، و ج 5، ص 72، ح 7.

ص: 716

حضرت گفت: شما پیرمردی از بزرگان قریش هستید، مناسب نیست در این شدت گرما برای طلب دنیا از خانه بیرون روید. اگر در این وقت بمیرید چه خواهید کرد؟ حضرت فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت و اطاعت پروردگار خواهم بود، زیرا کاری می کنم تا خود و خانواده ام را از تو و دیگران بی نیاز کنم. من از آن می ترسم که مرگم فرا رسد و بر معصیت خدا باشم». آن مرد گفت: راست گفتی، می خواستم تو را پند دهم، تو به من پند دادی. (1)

طلب کردن دنیا یا آخرت

در حدیث است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم مال دنیا به ما رو کند. حضرت فرمود: «مال دنیا را برای چه می خواهی؟» عرض کرد: برای هزینه خود و خانواده و صلّه رحم و کمک کردن به نیازمندان و تأمین هزینه حج و عمره و مانند آن. حضرت فرمود: «کسب مال برای این امور، طلب کردن دنیا نیست بلکه طلب آخرت است». (2)

استفاده نکردن از بیت المال

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام فرمود: اگر از بیت المال استفاده نمی کردی و به دست خود کسب روزی می کردی، بنده نیکوتری بودی. حضرت داوود علیه السلام

چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو! آهن در دست داوود نرم شد و آن حضرت روزی یک زره با دستان خود می ساخت و به

1- کافی، ج 5، ص 73، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 373، ح 15.

2- کافی، ج 5، ص 72، ح 10؛ تهذیب، ج 6، ص 376، ح 24.

ص: 717

هزار درهم می فروخت، تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از بیت المال بی نیاز شد». (1)

توانگری

1. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «توانگری یار و یاور خوبی برای پرهیز از گناه و معصیت است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ثروتی که تو را از ظلم حفظ کند، بهتر از فقری است که تو را وادار بر گناه کند». (3)

وقت تجارت

1. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به تاجری فرمود: «بامداد به سمت چیزی که موجب عزت تو است (بازار) حرکت کن». (4)

2. نیز در احادیث آمده است که: «بامدادان برای طلب روزی بروید». (5)

شرح بیشتر را در کتاب عین الحیاه (6) مطالعه فرمایید.

کسب روزی حلال

اشاره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیری نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع و با آن مال آبروی خود را حفظ و قرض خود را ادا

1- کافی، ج 5، ص 74، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 98، ح 381.

2- کافی، ج 5، ص 71، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 72، ح 11.

4- کافی، ج 5، ص 149، ح 7.

5- خصال، ج 2، ص 154، ح 53؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 49، ح 3.

6- عین الحیاه، ص 278، لمعه پنجم.

ص: 718

وبه خویشان خود احسان کند». (1)

2. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین آن طلب حلال است». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که بر اثر تلاش برای طلب حلال خسته سر بر بالین بگذارد، چون صبح شود آمرزیده است». (3)

4. در روایاتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع به نقل از جبرئیل علیه السلام فرمود: «هیچ جاننداری نمی میرد مگر آنکه رزق و روزی معین شده خود را به طور کامل خورده باشد؛ بنابراین، تقوای الهی پیشه کنید و در طلب روزی زیاده روی نکنید و اگر روزی شما دیر رسید با معصیت خدا آن را طلب نکنید، زیرا خداوند متعال روزی خود را در میان خلق خود به گونه حلال قسمت کرده و روزی حرام به کسی نداده است. پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد و صبر را پیشه خود سازد، روزی او از حلال می رسد. و هر کس پرده دری و عجله کند و از حرام روزی بخورد از روزی حلالش به همان مقدار کم می شود و در روز قیامت به خاطر استفاده کردن از روزی حرام از او حساب می کشند». (4)

روزی رسان خداست

1. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند روزی مؤمنان را (گاه) از جایی که گمان نمی برند می رساند و این بدان است که هرگاه انسان راه روزی را پیدا نکند بسیار دعا می کند». (5)

1- کافی، ج 5، ص 72، ح 5.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 372، ح 12.

3- امالی صدوق، ص 289، ح 9.

4- کافی، ج 5، ص 80، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 368، ح 1.

5- کافی، ج 5، ص 84، ح 4؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 101، ح 395.

ص: 719

2. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بنده خدا (حتی) در سوراخی باشد، خداوند روزی او را می رساند، پس در طلب روزی زیاده روی نکنید». (1)

3. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که در مغازه را گشودی و کالای

خود را برای فروش عرضه کردی، وظیفه خود را انجام داده ای و بقیه را به

خدا بسپار». (2)

آداب تجارت

فراگیری احکام تجارت واهمیت آن

1. در حدیث است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر می فرمود: «ای تاجران، اوّل مسائل واحکام شرعی تجارت را فرا گیرید بعد مشغول تجارت شوید». حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد. سپس فرمود: «به خدا سوگند، ربا در این امت از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت پنهان تر است. و قسم دروغ نخورید، به درستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنّم، مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «جز کسانی که مسائل خرید و فروش را می دانند در بازار نشینند، (زیرا) هر کس بدون اطلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می رود». (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خطرناک ترین نقطه زمین بازار است. آنجا میدان شیاطین است. شیطان هر روز صبح پرچم خود را در بازار می زند و بر صندلی خود می نشیند و فرزندان خود را در آن پخش

1- کافی، ج 5، ص 81، ح 4.

2- کافی، ج 5، ص 79، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 100، ح 394.

3- کافی، ج 5، ص 150، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 121، ح 519.

4- کافی، ج 5، ص 154، ح 23؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 120، ح 513.

ص:720

می کند، تا یکی را فریب دهند که از ترازو بکاهد و دیگری کیل و پیمانہ را کم کند، و دیگری ذرع (1) را بدزد و دیگری رأس المال و سرمایہ را دروغ بگوید. سپس

خطاب به فرزندانیش می گوید: شما که پدرتان زنده است و وظیفه دارید کسانی را که پدرشان (حضرت آدم) مرده است، رها نکنید و فریب دهید؛ بنابراین، شیطان با اول کسی که وارد بازار می شود وارد و با آخرین نفر خارج می شود. و بهترین نقطه روی زمین نزد خدا مساجد است. و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر به مسجد رفته و دیرتر بیرون آید».

(2)

کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد

1. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که داد و ستد می کند از پنج چیز بپرهیزد: رباخواری، قسم خوردن، پنهان کردن عیب کالا، مدح و ستایش کالایی که می فروشد، مذمت چیزی که می خرد».

(3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را (در معامله) فریب دهد از ما نیست».

(4)

3. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: «در تاریکی و زیر سقف، کالای خود را نفروش که (ممکن است) متاع خوب جلوه کند (و عیوب آن مخفی بماند) و این غش در معامله است که حلال نیست». (5)

4. در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آب کردن در شیر نهی کرد. (6)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که خرید

1- «ذرع» مقیاس اندازه گیری طول و عرض اشیاست و کمی بیشتر از یک متر است.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 124، باب السوق، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 150، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 120، ح 515.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 26.

5- کافی، ج 5، ص 160، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 172، ح 770.

6- کافی، ج 5، ص 160، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 172، ح 770.

ص: 721

و فروش می کند، روزی خود را به دست می آورد. و کسی که کالای (مورد نیاز مردم) را برای گران شدن نگه می دارد ملعون است». (1)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به هنگام خرید و فروش همواره قسم می خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند». (2)

7. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می رساند اما برکتش را می برد». (3)

8. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به استقبال کاروان های تجارتی در خارج از شهر نروید، بلکه اجازه دهید وارد شهر شوند و کالاهایشان را به عموم مردم عرضه کنند. و در خرید و فروش، شهرنشین و کیل روستایی و بادیه نشین نشود، زیرا خداوند برخی مسلمانان را به سبب برخی دیگر روزی می دهد». (4)

9. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس تمام شب برای کسب و کار بیدار باشد و بهره چشمانش را از خواب ندهد، کسبش حرام است». (5)

آداب تجارت

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هر روز صبحگاهان تازیانه (کوتاهی) بر دوش خود گذاشته، در بازار کوفه می گشت و می فرمود: «هنگامی که مشغول خرید و فروش می شوید نخست خیر خود را از خداوند طلب کنید و خرید و فروش را به آسانی انجام دهید و کار را بر یکدیگر سخت نگیرید تا برکت پیدا

1- کافی، ج 5، ص 165، ح 6.

2- کافی، ج 5، ص 162، ح 3.

3- کافی، ج 5، ص 162، ح 4.

4- کافی، ج 5، ص 168، باب التلقی، ح 1.

5- بیشتر علما این روایت را حمل بر کراهت کرده اند. کافی، ج 5، ص 127، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 422، ح 180.

ص: 722

کند. با مشتریان مهربانی کنید، صبر و بردباری را زینت خود قرار دهید و از قسم خوردن و دروغ گفتن بپرهیزید و بر مردم ستم نکنید و با مظلومان از در انصاف وارد شوید و به ربا نزدیک نشوید و پیمانانه و وزن را کامل کنید و از ترازو دزدی نکنید.» (1)

2. در روایتی دیگر آمده است: «هنگامی که قصد داری به دنبال کاری بروی و آفتاب طلوع کرده و اندکی بلند شده و سرخی شعاعش برطرف شده است، دو رکعت نماز بگزار و در رکعت اول پس از حمد، سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون و پس از سلام نماز این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ، أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَسَنًا وَاسِعًا، حَلَالًا طَيِّبًا وَأَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ، غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ، فَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ.» (2)

دعای هنگام وارد شدن به بازار

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح وشام به بازار رود و هنگام ورود به بازار بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا.» (3)

1- کافی، ج 5، ص 151، ح 3؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 120، ح 514.

2- ترجمه: «بار خدایا، شب را به صبح رساندم در حالی که خواستار فضل تو هستم آن گونه که به من فرماندادی. پس، از فضل خود روزی نیکو و وسیع و حلال و پاکیزه ای روزی ام کن و در آنچه روزی ام می کنی عافیتم ده. (خدایا) به قدرت و توانایی تو صبح کردم نه به قدرت و توانایی خودم و بلکه به قدرت و توانایی تو و این که بر قدرت و توانایی خودم تکیه کنم به سوی تو بیزاری می جویم. بار خدایا، برکت امروز را از تومی خواهم، پس تمام کارهایم را برای من مبارک بگردان، ای مهربان ترین مهربانان و درود خداوند بر محمد و آل پاکش باد.» مکارم الأخلاق، ص 256.

3- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاهای بازار و (معامله با) بهترین ساکنان آن را طلب می کنم.»

خداوند متعال به فرشته ای مأموریت می دهد که تا هنگام بازگشت به خانه اش از او و کالایش محافظت کند. و آن فرشته به او گوید: امروز از شرّ این بازار و اهل آن امان یافتی و امروز به امر خداوند، خیر این بازار و اهل آن روزی تو شد. و هنگامی که در مغازه اش بنشینند بگویند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَيَمِينٍ كَاذِبَةٍ. (1)

و هنگامی که

این دعا را بخواند فرشته مأمور محافظت از او و اموالش به وی می گوید: بشارت می دهم به تو که امروز بهره هیچ کس در بازار بیشتر از تو نیست، چرا که در جمع آوری ثواب ها و محو گناهان از دیگران سبقت گرفتی. به زودی آنچه خداوند روزی تو گردانیده به صورت حلال و طیب و مبارک نصیبت می شود». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس داخل بازار شود و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ (3) خداوند به تعداد آنچه در آن بازار است از سخنگو و غیر سخنگو، به او ثواب می دهد». (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس هنگام وارد شدن به بازار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

1- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز الله که یگانه است و شریک ندارد نیست. و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست. بار خدایا، از تو روزی حلال و پاکیزه درخواست می کنم و به تو پناه می برم از اینکه به کسی ستم کنم (یا به من ستم شود) و پناه می برم به تو از خرید و فروش زیان آور و سوگند دروغ».

2- کافی، ج 5، ص 155، باب من ذکر الله تعالی فی السوق، ح 1؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 124، ح 542.

3- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد نیست. و گواهی می دهم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. بار خدایا، از ظلم و گناه و غرامت و خسارت به تو پناه می برم».

4- امالی طوسی، ج 1، ص 144.

ص: 724

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1) ،

خداوند به تعداد تمام مخلوقاتش تا قیامت به او ثواب می دهد». (2)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مردم مشغول دنیا هستند شما در بازار بسیار یاد خدا کنید تا کفاره گناهانتان باشد و باعث افزایش حسنات شما شود و شمارا در زمره غافلان ننویسند. (3) و هر زمان بخواهید

اجناس مورد نیاز خود را از بازار تهیه کنید به هنگام وارد شدن به بازار بگویید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةِ خَاسِرَةٍ وَيَمِينِ فَاجِرَةٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بُوَارِ الْأَلِيمِ». (4)

خواندن دعا در بازار

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که وارد بازار می شوی این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَبْغَى أَوْ يُبْغَى عَلَيَّ، أَوْ أُعْتَدَى أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». (5)

1- ترجمه: «منزه است خداوند. و حمد و ستایش مخصوص اوست. و هیچ معبودی جز الله، که یگانه است و شریکی ندارد، نیست. بزرگی و حکومت و حمد و ستایش از آن اوست. زنده می کند و می میراند، در حالیکه او زنده ای است که نمی میرد. کلید تمام خیرات در دست قدرت اوست و او توانا بر همه چیز است».

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 31، ح 42.

3- خصال، ج 2، ص 403؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 172، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 403؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 172، ح 1. ترجمه مشابه آن گذشت.

5- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاها و بهترین فروشندگان بازار را طلب می کنم. واز شرّ وبدی های بازار به تو پناه می برم. بار خدایا، به تو پناه می برم از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم. ستم کنم یا به من ستمشود. به حقوق دیگران تجاوز کنم یا به حقوقم تجاوز شود. بار خدایا، از شرّ شیطان و لشکریانش واز شرّ بدکاران عرب و عجم به تو پناه می برم. و خداوند برای من کافی است و معبودی جز الله نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.» کافی، ج 5، ص 156، ح 2؛ تهذیب الأحکام، ج 7، ص 12، ح 32.

ص: 725

2. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «هر کس وارد بازار یا مسجدی شود و یک مرتبه بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (1) این کار برابر با یک حجّ مقبول است.» (2)

3. در حدیثی معتبر آمده است که هر کس در بازار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» خداوند هزار حسنه برای او می نویسد.» (3)

دعای هنگام خرید و پس از آن

1. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که بخواهی کالا یا چیز دیگری بخری سه مرتبه الله اکبر بگو، سپس سه بار این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتَهُ، أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتَهُ، أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتَهُ، أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا.» (4)

1- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد. و خداوند بزرگ تر از آناست که به وصف درآید. وستایش فراوان مخصوص اوست. و در هر صبح و شام تسبیح خدا می گویم. و هیچپناهگاه و قدرتی جز به واسطه قدرت خداوند بزرگ و الامر تبه نیست. و درود خدا بر محمد و آلش باد».

2- محاسن، ص 40، ح 48؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 124، ح 541.

3- محاسن، ص 40، ح 47. در مصدر هزار هزار حسنه آمده است.

4- ترجمه: «بار خدایا، آن را خریدم و خیر از سوی تو در آن درخواست می کنم. پس در آن خیری برای من قرارده. بار خدایا، آن را خریدم و فضل تو را در آن درخواست می کنم، پس در آن فضلی برای من قرار ده. بار خدایا، آن را خریدم و روزی تو را در آن درخواست می کنم، پس روزی مرا در آن قرار ده». کافی، ج 5، ص 156، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 125، ح 545.

ص: 726

2. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که فرمود: «هنگامی که بخواهی چیزی بخری این دعا را بخوان: یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا دَائِمُ یا رَوْفُ یا رَحِیمُ، أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، أَنْ تُقَسِّمَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ الْيَوْمَ أَعْظَمُهَا رِزْقًا وَأَوْسَعُهَا فَضْلًا وَخَيْرُهَا عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ». (1)

3. در حدیثی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر زمان بخواهی مرکبی (چهارپایی) بخری سه مرتبه این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ عَظِيْمَةُ الْبِرْكَهٖ، فَاضِلُهُ الْمُنْفَعَةُ، مَيْمُوْنَةُ النَّاصِيَةِ، فَيَسِّرْ لِي سِرَائِهَا وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْنِي عَنْهَا اِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهَا، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ». (2)

4. در روایتی آمده است: امام رضا علیه السلام بر روی کالایی که می خرید می نوشت بَرَكَةٌ لَنَا؛ خدایا آن را بر ما مبارک گردان». (3)

5. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگامی که (کالایی خریدی و) بخواهی آن را ببندی و نگاه داری، آیه الکرسی بخوان و بنویس و در میان آن کالا بگذار و این دعا را نیز به همراه آیه الکرسی بنویس: وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. لَا ضَيْعَةَ عَلَيَّ مَا حَفِظَ اللَّهُ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (4) اگر این کار را انجام دهی

1- ترجمه: «ای حی قیوم، ای همیشه پایدار، ای مهربان، ای رحیم، به عزت و قدرتت و به آنچه که علم تو آن را در بر گرفته، از تو می خواهم امروز از تجارت بالاترین روزی و وسیع ترین فضل و بخشش و بهترین آن را از نظر عاقبت نصیبم کنی ؛ زیرا چیزی که عاقبت ندارد خیری هم ندارد». کافی، ج 5، ص 157، ح 3.

2- ترجمه: «بار خدایا، اگر برکتش زیاد و سودش بسیار و خوش قدم است خریدن آن را بر من آسان گردان، و اگر غیر از این است مرا از آن منصرف و به سوی بهتر از آن هدایت فرما، زیرا تو می دانی و من نمی دانم، تو توانایی و من توانایی ندارم و تو عالم به اسرار غیب هستی». کافی، ج 5، ص 157، ح 4.

3- احتمالاً حضرت این جمله را با انگشت می نوشت. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 125، ح 546.

4- ترجمه: «و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی ؛ و چشمانشان را پوشانده ایم ؛ لذا نمی بینند. آنچه را که خداوند برای من حفظ کند ضایع نمی شود. اگر آنها (آن ظالمان و مفسدان از حق) رویگردانند، نگران نباش) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست ؛ بر او توکل کردم ؛ و او پروردگار عرش عظیم است».

ص: 727

آن کالا از هر بلایی حفظ می شود». (1)

و فرمود: «اگر مال تو تلف شد این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ وَأَبْنُ أُمَّتِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، تَحْكُمُ فِيمَا تَشَاءُ وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ فَلِكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ وَبِلَائِكَ. اللَّهُمَّ هُوَ مَالِكٌ وَرِزْقُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ، خَوْلَتْنِي حِينَ رَزَقْتَنِي. اللَّهُمَّ فَأَلْهِمْنِي شُكْرَكَ فِيهِ وَالصَّبْرَ عَلَيْهِ حِينَ أَصَبْتُ وَأَخِذْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَصَبْتَ. اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَهُ وَلَا تَنْسِنِي مِنْ خَلْفِهِ فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ. اللَّهُمَّ أَنَا لَكَ وَبِكَ وَإِلَيْكَ وَمِنْكَ

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا». (2)

با چنین کسانی معامله نکنید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسانی که کار برایشان بسته شده، معامله نکنید که معامله با آنها برکت ندارد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با مردم پست که از دشنام دادن و شنیدن آن پروا ندارند، داد و ستد نکنید». (4)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 400.

2- ترجمه: «بار خدایا، من بنده تو و فرزند بنده و فرزند کنیز توأم. وزمام امر من به دست تو است. آن طور که می خواهی فرمان می دهی و آن طور که اراده کنی انجام می دهی. بار خدایا، بر قضا و آزمایش نیکویت سپاس. بار خدایا، آن، مال و رزق تو بود و من بنده توأم که به هنگام روزی دادن به من عطا کردی. بار خدایا، شکر خود را به من الهام کن و صبر را به هنگام مصیبت و گرفتن آن. بار خدایا، تو عطا کردی و تو گرفتی. بار خدایا، از پاداش آن مرا محروم نکن و پس از آن، چه در دنیا و چه در آخرت مرا فراموش نکن ، زیرا تو بر آن توانایی. بار خدایا، من از برای تو و به سوی تو واز آن توأم واز برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیستم».

3- کافی، ج 5، ص 157، ح 1؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 1.

4- کافی، ج 5، ص 158، ح 3 و 6؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 2.

ص: 728

3. نیز در روایتی فرمود: «با نوکیسگان معامله نکنید، بلکه با کسانی معامله کنید که در میان مال و نعمت بزرگ شده باشند». (1)

برخی معاملات مکروه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای فرزندت شغل صرافی در نظر نگیر که صراف (غالباً) از ربا سالم نمی ماند. او را به کفن فروشی تشویق نکن که کفن فروش آرزوی مرگ مردم می کند واز مرگ ومیر فراوان خوشحال می شود. وسفارش به تجارت گندم وجو نکن که از احتکار ونگهداری به منظور گران شدن آن در امان نیست. وشغل قصابی وسلاخی (2) برایش انتخاب نکن که

رحم از دلش می رود وسنگدل از خدا دور است». (3)

2. در احادیث آمده است که: اگر مزد حجامت را اول شرط نکنند وآنچه بعد از حجامت به وی می دهند قبول کند، اشکال ندارد. (4)

3. در برخی روایات از بافندگی (به سبک قدیم) نیز نهی شده است. (5)

درآمد واجرت معلّم قرآن

1. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: تعلیم دادن اطفال وکودکان چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، ولی دستمزد نگیرید». عرض کرد: اگر کتاب های شعر ومانند آن بخوانند واز اول اجرت را معین کنم چطور؟ فرمود: «اشکال ندارد، مشروط بر اینکه بچه ها نزد تو برابر باشند وبرخی را بر

1- کافی، ج 5، ص 158، ح 5؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 2.

2- «سلاخ» پوست کن، کسی که در کشتارگاه حیوانات را پوست می کند (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 5، ص 114، ح 4؛ علل الشرایع، ج 2، ص 530، باب 314، ح 1.

4- کافی، ج 5، ص 115، ح 1.

5- ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 324.

ص: 729

برخی دیگر برتری ندهی». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: برخی می گویند کسب معلّم حرام است؟ فرمود: «این دشمنان خدا دروغ می گویند تا اطفال مردم قرآن فرا نگیرند. اگر کسی به مقدار دیه فرزند خود را به معلّم بدهد بر وی حلال است، ولی بهتر است اول شرط مزد نکند و هرچه دادند بگیرد». (2)

خرید و فروش و دستمزد کتابت قرآن

1. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که قرآن می فروشید قصد فروش کاغذ و جلد آن را داشته باشید، نه نوشته های آن». (3)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزد گرفتن برای نوشتن قرآن مانعی ندارد». (4)

فضیلت زراعت و درختکاری

ارزش و فضیلت زراعت

1. در حدیث است که علی بن ابی حمزه می گوید: حضرت کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین (کشاورزی) خود کار می کرد و پاهایش در عرق فرو رفته بود. عرض کردم: فدایت شوم خدمتکاران کجا رفته اند که خودتان چنین فعالیت می

کنید؟ فرمود: «کسی که بهتر از من و پدرم بوده با بیل در زمین کار کرده است». سپس فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و تمام پدران من با دست خود روی زمین کار کرده اند و این کار پیامبران و جانشینان آنان و صالحان است». (5)

1- کافی، ج 5، ص 121، باب کسب المعلم، ح 1.

2- کافی، ج 5، ص 121، باب کسب المعلم، ح 2.

3- کافی، ج 5، ص 121، باب بیع المصاحف، ح 1.

4- قرب الإسناد، ص 212، ح 1054؛ السرائر، ج 3، ص 573.

5- کافی، ج 5، ص 75، ح 10؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 98، ح 380.

ص: 730

2. در احادیث معتبر آمده است که: «حضرت علی علیه السلام با بیل روی زمین کار می کرد و مزارع را آباد می ساخت و آن حضرت از زحمت بازو، هزار برده را خرید و آزاد کرد». (1)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال

شغل زراعت را برای پیامبرانش اختیار کرد، تا از بارش باران کراهت نداشته باشند». (2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند روزی پیامبران را در زراعت و شیر حیوانات قرار داد، تا از بارش باران آسمان کراهت نداشته باشند». (3)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «بهترین کارها زراعت است که انسان های خوب و بد از آن می خورند؛ آنچه شخص نیکوکار می خورد برای تو استغفار می کند و آنچه را فاسق می خورد او را نفرین می کند. و حیوانات و مرغان نیز از آن بهره می گیرند». (4)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زراعت کنید و درخت بنشانید. به خدا قسم، مردم کاری حلال تر و پاکیزه تر از آن نمی کنند. به خدا سوگند که پس از خروج دجال نیز زراعت و درختکاری خواهید کرد». (5)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «زراعت کردن کیمیای بزرگ است». (6)

8. نیز در روایتی فرمود: «زارعان گنج های مردم هستند، زراعت می کنند و خداوند روزی نیکوی پاکیزه کرامت می کند و در قیامت جایگاه آنها از سایر

1- کافی، ج 5، ص 74، ح 2.

2- کافی، ج 5، ص 260، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 260، ح 2.

4- کافی، ج 5، ص 260، ح 5.

5- کافی، ج 5، ص 260، ح 3.

6- کافی، ج 5، ص 261، ذیل حدیث 6.

ص: 731

مردم نیکوتر و منزلتشان از دیگران نزدیک تر است و در آن روز آنها را مبارک می نامند». (1)

9. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر گروهی از زارعان عبور کرد که زمین را شخم می زدند. به آنها فرمود: «زراعت کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند همان گونه که با باران زراعت را می رویاند، با باد هم می رویاند». (2) (بادهایی که

حامل بخار آب هستند).

فضیلت درختکاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شش ویژگی است که انسان مؤمن پس از مرگ هم از آن سود می برد: فرزند نیکوکار که برای او استغفار کند، قرآنی که از او بماند و تلاوت شود، چاهی که باقی بماند، درختی که بکارد، آبی که جاری سازد، سنت نیکی که در میان مردم بگذارد و مردم پس از وی به آن عمل کنند». (3)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارکش مرطوب می کرد و آن را در زمین فرو می برد و همان لحظه سبز می شد. (4)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، دید آن حضرت مقدار زیادی هسته خرما بر دوش گرفته و می برد. پرسید: اینها چیست؟ فرمود: «این شاء الله صد هزار درخت خرما است». سپس آنها را کاشت و حتی یکی از آنها خطا نرفت (و همه آنها بارور شد). (5)

1- کافی، ج 5، ص 261، ح 7.

2- کافی، ج 5، ص 262، ح 1.

3- خصال، ج 1، ص 288، ح 7؛ بحار الأنوار، ج 6، ص 293، ح 2.

4- کافی، ج 5، ص 74، ح 2.

5- کافی، ج 5، ص 74، ح 6.

ص: 732

باغ و باغداری

1. در روایتی معتبر می خوانیم که ابی عمرو می گوید حضرت صادق علیه السلام را که لباسی گشاد پوشیده بود و بیلی در دست داشت و در باغ خود کار می کرد و عرق از پشت مبارکش می ریخت، دیدم. عرض کردم: فدایت شوم اجازه بده من کارها را انجام دهم. فرمود: «دوست دارم انسان برای طلب روزی در زیر آفتاب عرق بریزد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از اموالی که پس از مرگ انسان باقی می ماند دشوارتر از طلا نیست». راوی پرسید: چه کند؟ فرمود: «باغ و خانه بخرد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «در تورات نوشته شده است که هر کس زمین یا آب بفروشد و در مقابل آن زمین و آب دیگر نخرد، ارزش کار او باطل و از آن سودی نخواهد برد». (3)

آداب زراعت و درختکاری

آداب زراعت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین آمد تشنه و گرسنه شد. به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل گفت: زراعت کن. آدم علیه السلام گفت: دعایی به من تعلیم کن. جبرئیل گفت: این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْنَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَالْبِسْنِي الْعَافِيَةَ، حَتَّى تُهَيِّئَنِي الْمَعِيشَةَ». (4)

1- کافی، ج 5، ص 76، ح 13.

2- کافی، ج 5، ص 91، باب شراء العقارات وبيعها، ح 2؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 104، ح 429.

3- کافی، ج 5، ص 91، ح 3؛ تهذیب، ج 6، ص 446، ح 276.

4- ترجمه: «بار خدایا، هزینه های زندگی ام را تأمین و هر ترسی که به خاطر بهشت است از من دور کن (لباس) عافیت را بر من بپوشان تا زندگی را بر من گوارا کنی». کافی، ج 5، ص 260، ح 4.

ص: 733

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که می خواهی زراعت کنی یک مشت از بذر را بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: (أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (1) سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُّبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ

السَّلَامَةَ (2) آن گاه بذری که در کف دست داری بیاش». (3)

3. نیز در روایتی فرمود: «هنگامی که دانه را می پاشی بگو: اَللّٰهُمَّ قَدْ بَدَرْتُ وَأَنْتَ الزَّارِعُ، فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُّتْرَاكِمًا». (4)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک قبضه از بذر را در دست بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: (ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (5)

سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَرَثًا مُّبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُّتْرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا ابْتَغَى وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا مَتَّعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، آن گاه بذر را بیاش». (6)

آداب درختکاری

دعای هنگام درختکاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به هنگام کاشتن درخت و پاشیدن دانه، جمله «سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ» را بر هر درخت و دانه ای بخوان که

1- ترجمه: «آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟» سوره واقعه، آیات 63 و 64.

2- ترجمه: «بار خدایا، این بذر را بذر پربرکتی قرار ده و در آن سلامتی را روزی ما گردان.»

3- کافی، ج 5، ص 262، باب ما یقال عند الزرع والغرس، ح 1.

4- ترجمه «بار خدایا، من بذر را پاشیدم، اما زارع حقیقی تو هستی، پس محصول آن را انبوه و فراوان قرار بده.» کافی، ج 5، ص 263، ح 2.

5- سوره واقعه، آیه 64.

6- ترجمه: «بار خدایا، این زراعت را زراعت مبارکی گردان و سلامتی و کمال را در آن روزی ما کن و آن را دانه انبوه و فراوان قرار ده و آنچه را می طلبم محروم نکن و در آنچه که به من داده ای مرا آزمایش (طاقت فرسا) نکن، به محمد و خاندان پاکش.» مکارم الأخلاق، ص 353.

ص: 734

إن شاء الله خطأ نخواهد کرد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت کاشتن درخت و زراعت، بگو: وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ

بِإِذْنِ رَبِّهَا». (2)

بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد درخت خرما خوب میوه دهد و خرمایش نیکو شود، ماهی های کوچک خشک را بگیرد و آن را نیمکوب کند و در هر شکوفه ای اندکی بپاشد و بقیه آن را در کیسه پاکیزه ای قرار داده، در میان درخت خرما جای دهد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس درخت سدر را آب دهد، گویی مؤمن تشنه ای را سیراب کرده است». (4)

فلسفه درختان بدون میوه و درمان میوه های کرم زده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال هیچ درختی را نیافرید مگر آنکه میوه داشت و قابل خوردن بود. اما هنگامی که مردم برای خداوند فرزند قائل شدند میوه نصف درختان از بین رفت و هنگامی که برای خدا شریک قائل شدند درختان خار رویید». (5)

1- کافی، ج 5، ص 263، ح 5.

2- ترجمه: «مَثَل کلمه طیبه (وگفتار پاکیزه) همانند درخت پاکیزه ای است که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است. و هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد». کافی، ج 5، ص 263، ح 6.

3- کافی، ج 5، ص 263، ح 3.

4- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 86، ح 44.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 573، باب 374، ح 1.

2. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد که در میوه های آن شهر کرم فراوان بود. آنان به حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: شما که درخت می کارید اول خاک می ریزید و بعد آن را آب می دهید از این رو میوه های آن درخت کرم دارد. پس از این، اول آب بدهید سپس خاک بریزید. به این دستور عمل کردند و مشکل حل شد». (1)

بریدن درخت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «درخت میوه دار را هرگز قطع نکنید که عذاب بر شما نازل می شود». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بریدن درخت خرما کراهت دارد». پرسیدند: بریدن درختان دیگر چگونه؟ فرمود: «اشکال ندارد». پرسیدند: درخت سدر چگونه؟ فرمود: «بریدن درخت سدر در بیابان خوب نیست زیرا در آنجا کم است، اما در شهر اشکالی ندارد». (3)

3. در حدیث است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: بریدن درخت سدر چگونه است؟ فرمود: «پدرم درخت سدر را برید و به جای آن درخت انگور کاشت». (4)

1- علل الشرایع، ج 2، ص 574، باب 376، ح 1.

2- کافی، ج 5، ص 264، ح 9.

3- کافی، ج 5، ص 264، ح 8.

4- کافی، ج 5، ص 263، ح 7.

ص: 737

فصل چهاردهم: آداب سفر

اشاره

1. سفر کردن، روزها وساعت های خوب وبد

2. اموری که نحوست های سفر را از بین می برد

3. آداب غسل کردن ونماز ودعا خواندن به هنگام رفتن به سفر

4. آنچه مسافر باید همراه داشته باشد

5. توشه سفر

6. آداب معاشرت با همسفر

7. سایر آداب سفر

8. آداب راه رفتن و فرود آمدن

9. دعاهای مسیر راه و منازل

10. آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها

11. آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر

12. آداب اسب سواری و تیراندازی

ص:738

ص:739

سفر کردن، روزها وساعت های خوب وبد

هدف از سفر کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حکمت آل داوود نوشته است که هیچ کس سفر نکند، مگر برای سه هدف: سفری که توشه آخرت در آن حاصل شود، سفری که موجب گشایش امور زندگی گردد، سفری که برای تفریح و سرگرمی حلال باشد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کنید تا بدن های شما سالم شود و جهاد کنید تا به غنایم دنیا و آخرت دست یابید و حج بروید تا بی نیاز شوید». (2)

سفر کردن به مقدار ضرورت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سفر قطعه ای از عذاب دوزخ است، هنگامی که کارتان در سفر تمام شد زود به سوی خانواده خود بازگردید». (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی به سرزمینی سفر می کند که جز برف و یخ چیزی در آنجا نیست (برای

- 1- محاسن، ص 345، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 763.
- 2- محاسن، ص 345، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 764.
- 3- محاسن، ص 377، ح 147؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 197، ح 894.

ص:740

وضوی نماز چه کند؟) حضرت فرمود: «چون مضطرّ است تیمّم کند و دیگر به چنین سرزمینی که دینش در آنجا به خطر می افتد نرود». (1)

روزهای نیک برای سفر کردن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و عرض کرد: می خواهم به سفر بروم، تقاضا می کنم برای من دعا کنید. امام فرمود: «چه روزی عازم هستی؟» گفت: با توجه به اینکه روز دوشنبه روز مبارکی است، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز متولّد شده، در آن روز سفر را آغاز می کنم. حضرت فرمود: «دروغ می گویند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله جمعه متولّد شده و هیچ روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست، زیرا در آن روز حضرت رسول وفات کرد و وحی آسمان قطع شد و حقّ ما را غصب کردند. می خواهی به تو خبر دهم از روز سهل و آسانی که خداوند در آن روز آهن را برای حضرت داوود علیه السلام نرم کرد؟» عرض کرد: آری. فرمود: «آن، روز سه شنبه است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد روز شنبه سفر کند که اگر سنگی در روز شنبه از کوهی حرکت کند خداوند آن را به جای خود بازمی گرداند. و هرگاه کارها بر کسی دشوار شود روز سه شنبه طلب کند که در آن روز آهن برای حضرت داوود علیه السلام نرم شد». (3)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به منظور ردّ عقیده گروهی که فال بد می زنند چهارشنبه آخر ماه سفر کند، از هر بلائی حفظ می شود و حاجتش روا می گردد». (4)

1- کافی، ج 3، ص 67، ح 1؛ تهذیب، ج 1، ص 202، ح 553.

2- قرب الإسناد، ص 229، ح 1163؛ خصال، ج 2، ص 148، ح 48.

3- کافی، ج 8، ص 125، ح 109؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 766.

4- خصال، ج 2، ص 150، ح 50؛ بحار الأنوار، ج 59، ص 43، ح 4.

ص: 741

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه به سفر می رفت و می فرمود: «خدا ورسولش و فرشتگان، روز پنجشنبه را دوست دارند». (1)

(این روایات مختلف دلیل بر این است که سفر کردن در همه این چند روز مناسب است).

روزهای نامیمون برای سفر کردن

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سفر کردن و تلاش برای برطرف کردن نیازها، در پیش از ظهر روز جمعه کراهت دارد زیرا ممکن است از نماز جمعه باز بماند. اما پس از نماز از برای تبرک جستن خوب است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کردن در شب جمعه اشکال ندارد». (3)

3. در برخی روایات آمده است که: «در روز سوم، چهارم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیستم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم ماه، سفر نکن». (4)

4. در روایتی دیگر می خوانیم که: «هشتم و بیست و سوم ماه برای سفر کردن خوب نیست». (5)

توجه: اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود، رعایت روزهای هفته سزاوارتر است (6) ، زیرا احادیث معتبر در مورد آیام هفته بیشتر است.

1- مکارم الأخلاق، ص 240؛ الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 17.

2- خصال، ج 2، ص 154؛ بحار الأنوار، ج 59، ص 33، ح 6.

3- محاسن، ص 347، ح 17؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 767.

4- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 19.

5- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 20.

6- محاسن، ص 347، ح 20؛ مکارم الأخلاق، ص 242.

ص: 742

5. در روایتی معتبر آمده است: «هر کس زمانی که ماه در برج عقرب است سفر کند، یا ازدواج کند، عاقبت خوبی نخواهد داشت». (1)

اموری که نحوست های سفر را از بین می برد

صدقه دادن

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صدقه بده و هر روز که می خواهی سفر کن». (2)
2. نیز در حدیثی صحیح آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا سفر کردن در روزی از روزها، مثل چهارشنبه و غیر آن کراهت دارد؟ حضرت فرمود: «سفر خود را با دادن صدقه آغاز کن و هر وقت می خواهی سفر کن». (3)
3. در روایتی صحیح می خوانیم که ابن ابی عمیر می گوید: من در علم نجوم مهارت داشتم و طالع را می شناختم، بدین رو هنگامی که به علم نجوم می نگریستم در برخی ساعت ها از برخی کارها کراهت داشتم و از این مطلب به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: «هر زمان چیزی به دلت افتاد به اوّل فقیری که برخورد می کنی صدقه بده، تا خداوند ضرر آن کار را از تو برطرف کند». (4)
4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در اوّل روز صدقه دهد، خداوند نحوست آن روز را از او برطرف می کند». (5)
5. در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام می خواست به بعضی از مزارع خود برود، سلامتی خود را - به مقدار ممکن - با دادن صدقه از

1- محاسن، ص 347، ح 20؛ مکارم الأخلاق، ص 242.

2- محاسن، ص 348، ح 23؛ کافی، ج 4، ص 283، ح 4.

3- کافی، ج 4، ص 283، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 175، ح 782.

4- محاسن، ص 349، ح 26؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 175، ح 783.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 176، ح 784.

خداوند می خرید و صدقه را زمانی می داد که پا در رکاب مرکب می گذاشت. وهنگامی که خداوند او را به سلامت بازمی گرداند، شکر و حمد الهی به جا می آورد و به مقدار ممکن صدقه می داد». (1)

خواندن دعا به هنگام سفر

1. در روایتی آمده است: «قبل از رفتن به سفر هنگام دادن صدقه این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِيَ، فَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ (2) وبعد از

دادن صدقه بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيَّ نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي. بِسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا، ذَكَرْتُهُ أَمْ نَسِيتُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَأَطْوِلْنَا الْأَرْضَ وَسَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنَّا أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَنَاصِرِي. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بَعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَأَصْحَبْنِي فِيهِ وَأَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (3)

1- محاسن، ص 348، ح 25؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 176، ح 785.

2- ترجمه: «بار خدایا، با این صدقه سلامتی خود و سلامتی سفرم و آنچه را که با من است خریدم (تضمین کردم). پس خودم و آنچه را که با من است به سلامت بدار و مرا و آنچه را که با من است به شایستگی به مقصد برسان».

3- ترجمه: «معبودی جز خداوند یگانه نیست که دارای حلم و کرم است. معبودی جز خداوند یگانه نیست، همو که والا و بزرگ است. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار هفت زمین و آنچه در آنها و آنچه در بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است. و درود بر پیامبران و سپاس از آن خدا که پروردگار جهانیان است و درود و رحمت بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد. بار خدایا، در برابر هرستمگر ستیزه جو و هر شیطان سرکش پناه من باش. به نام خدا داخل و به نام خدا خارج شدم. بار خدایا، منپیش از آنکه در این سفر فراموشی یا شتاب کنم (و بسم الله و ماشاءالله را ترک کنم) بسم الله و ماشاءالله را ازپیش می گویم ؛ خواه بعداً به یادم بیاید و جبران کنم و خواه فراموش کنم. بار خدایا، تو کمک

کننده در کارها و همراه در سفر و جانشین در خانواده ای. بار خدایا، سفر را بر ما آسان و راه را بر ما کوتاه گردان و ما را با پیروی از خود و رسولت در آن مسیر پیش ببر. بار خدایا، امور ما را در وطن به هنگام سفر ما اصلاح کن و آنچه را به ما داده ای مبارک گردان و ما را از عذاب جهنم نگاه دار. بار خدایا، از سختی سفر و پریشانی به هنگام بازگشت و حوادث بد در خانواده و مال و فرزندان به تو پناه می بریم. بار خدایا، تو یار و یاور منی. بار خدایا، دوری ورنج آن را از من جدا کن و در آن یار من باش و در خانواده من با خیر و نیکی جانشین من باش. هیچ پناهگاه و قدرتی نیست مگر به واسطه خدای والا و بزرگ مقام. «الأمَان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 25 و 26.

ص: 744

2. سید بن طاووس رحمه الله روایت کرده است که هرگاه در وقتی که سفر کردن کراهت دارد بخواهی سفر کنی، قبل از رفتن به سفر سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، آیه الکرسی، (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) و آیه 190 سوره آل عمران (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ)، تا پایان سوره را بخوان، سپس بگو: اَللّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَبِكَ يَطْوِلُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِزَّتِهِ وَسَلَاتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَأَكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَضَرَّهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيَمْنَهُ وَأَفْضَلِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْإِئْمَانِيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْعَوِيَّةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَدْبِيهِ حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةِ وَعِصْمِهِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنَقْمَةٍ وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِيفِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحِلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

(1)

1- ترجمه: «بار خدایا، هر بزرگی به وسیله تو بزرگی می کند و هر فخرکننده ای به وسیله تو افتخار می کند و هر صاحب قدرتی جز به وسیله تو قدرت ندارد و هیچ قدرتمندی را جز قدرت تو ممتاز نکند. به حق برگزیده ات از مخلوقات و انتخاب شده ات از مردم، محمد پیامبر تو 9 و عترت و خاندانش:، بر او و بر ایشان درود فرست و شر امروز و زیانش را از من برطرف کن و خیر و برکتش را روزی من گردان و در تمام تصرفات منحسن عاقبت و رسیدن به محبت و امنیت و کفایت در برابر طغیانگر گمراه کننده و هر صاحب قدرتی که قصد ادبیت دارد نصیبم کن تا از هر بلا و کینه ای در امان باشم. ترس ها را به امن و مشکلات را به آسانی مبدلگردان، تا هیچ کس مانع مراد من نشود و آزار هیچ کس مرا فرا نگیرد، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و کارهابه سوی تو بازمی گردد. ای کسی که هیچ چیز مانند او نیست و او شنوا و بیناست». الأمَان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 29.

ص: 745

کتاب های نجوم را بسوزان

در حدیثی آمده است که عبدالملک به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به علم نجوم و طالع بینی سخت معتقد شده ام، تا آن پایه که هرگاه بخواهم کاری کنم به طالع خود نظر می افکنم، اگر طالع خود را نیک ببینم به سراغ آن کار می روم و اگر شرّ باشد آن را ترک می کنم. حضرت فرمود: «حاجتت برآورده می شود؟» گفت: آری. امام فرمود: «کتاب های مربوط به این موضوع را بسوزان». (1)

آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر

غسل کردن پیش از سفر

در روایتی که سید بن طاووس نقل کرده است، بر کسی که قصد سفر دارد مستحب است قبل از رفتن به سفر غسل کند و پیش از غسل کردن این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَأَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَنَوِّرْ بِهِ قَبْرِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَافِهِ وَعَاهِهِ وَسُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَدَمِي

1- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 175، ح 779.

ص: 746

وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَمَخْيِي وَعَصْبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1)

نماز خواندن پیش از سفر

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ جانشینی برای مسافر در بین خانواده، بهتر از این نیست که به هنگام سفر دو رکعت نماز بگزارد و سپس بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ وَذُرِّیَّتِیْ وَدُنْیَایْ وَاٰخِرَتِیْ وَاَمَانَتِیْ وَخَاتِمَهٗ عَمَلِیْ. (2)

سید بن طاووس؛ گوید: در رکعت اول (قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ) و در رکعت دوم (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را بخوان (3) و بعد از نماز این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ

نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ وَوَلَدِیْ وَمَنْ كَانَ مِنِّیْ بِسَبِیْلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَاَلْغَائِبِ. اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا وَاَحْفَظْ عَلَیْنَا. اَللّٰهُمَّ اجْمَعْنَا فِی رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ، اِنَّا اِلَیْكَ رَاغِبُونَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبِهِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوْءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَلْهَلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا وَاَلْاٰخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوْجِّهْ اِلَیْكَ هَذَا التَّوْجِیْهِ طَلَبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا اِلَیْكَ، فَبَلِّغْنِیْ مَا اُوْمَلُّهُ وَاَرْجُوْهُ فِیْكَ وَفِیْ اَوْلِیَائِكَ، یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. (4)

1- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به سبب خدای والا و بزرگ نیست، و بر آیین رسول خدا و راستگویان از جانب خدا هستم. پروردگارا، به وسیله آن قلبم را پاکوسینه ام را گشاد و قبرم را نورانی گردان. بار خدایا، آن را برای من نور و پاکیزگی و دعا و شفای از هر درد و آفت و رنج و بدی از آنچه می ترسم و بر حذر هستم قرار ده. پروردگارا، قلب و اعضا و جوارح و استخوان ها و خون و موم و مغز و اعصابم و آنچه را که زمین از من دربر گرفته پاک گردان. بار خدایا، ای پروردگار جهانیان، آن را برای من در روزیکه نیاز به تو دارم گواه قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.» الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 20.

2- ترجمه: «بار خدایا، خود و خانواده و مال و فرزندان و دنیا و آخرت و پایان کارم را به تو می سپارم.» محاسن، ص 349، ح 29؛ کافی، ج 4، ص 283، ح 1.

3- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 27.

4- ترجمه: «بار خدایا، امروز خود و خانواده و مال و فرزندان خویش و همراهانم در این سفر، حاضر و غایب از آنان را به تو می سپارم. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. خدایا، ما را در رحمت خویش گرد آور و فضل خود را از ما نگیر که ما به سوی تو رغبت داریم. بار خدایا، از رنج سفر و پیریشانی بازگشت و بد دیدن در خانواده و مال و فرزندان در دنیا و آخرت به تو پناه می

بریم. بار خدایا، من با این توجّه به تو خواهانخشنودی و تقرب به سوی تو هستم، پس مرا به آنچه که آرزوی من است و امیدوار به آن نسبت به تو و دوستان تو هستم برسان، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 28.

ص: 747

واگر بخواهی این دعا را هم بخوان: اَللّٰهُمَّ خَرَجْتُ فِي وَجْهِ هَذَا، بَلَا تَقَهِّ مَنِّي لِغَيْرِكَ وَلَا رَجَاءٌ يَأْوِي بِي اِلَّا اِلَيْكَ وَلَا قُوَّةٌ اَتَكِلُ عَلَيْهَا وَلَا حِيلَةَ اَلْجَأِ اِلَيْهَا، اِلَّا طَلَبَ رِضَاكَ وَابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَتَعَرُّضًا لِثَوَابِكَ وَسُكُونًا اِلَى حُسْنِ عَائِدَتِكَ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي وَجْهِ، مِمَّا اَحَبُّ وَاَكْرَه. اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَمَقْضِي كُلِّ لَا وَاٍ وَاَبْسُطْ عَلَيَّ كَنَفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وُلُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَسَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَتَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجَمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ وَوَقِّقْ لِي فِيهِ يَا رَبِّ جَمِيعَ قَضَائِكَ عَلَيَّ مُوَافَقَةَ هَوَايَ وَحَقِيقَةَ عَمَلِي وَاَدْفَعْ عَنِّي مَا اَحْذَرُ وَمَا لَا اَحْذَرُ عَلَيَّ نَفْسِي، مِمَّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَاَجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي لِاٰخِرَتِي وَدُنْيَايَ، مَعَ مَا اَسْئَلُكَ اَنْ تُخَلِّفَنِي فِيْمَنْ خَلَّفْتُ وِرَائِي، مِنْ وُلْدِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَاِخْوَانِي وَجَمِيعِ حُرَاتِنِي، بِاَفْضَلِ مَا تَخَلَّفَ فِيهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَحِفْظِ كُلِّ مَضِيْعَةٍ وَتَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وَدِفَاعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَكِفَايَةِ كُلِّ مَحْذُوْرٍ وَصَرْفِ كُلِّ مَكْرُوْهِ وَكَمَالِ مَا يَجْمَعُ لِي بِه الرِّضَا وَالسَّرُوْرَ فِي الدُّنْيَا وَاَلْاٰخِرَةِ، ثُمَّ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتُوْدِعُكَ اَلْيَوْمَ، دِيْنِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَدَّرِيْتِي وَجَمِيعِ اِخْوَانِي. اَللّٰهُمَّ اِحْفَظْ اَلشَّاهِدَ مِنَّا وَاَلْغَائِبَ. اَللّٰهُمَّ اِحْفَظْنَا وَاِحْفَظْ عَلَيْنَا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَعَافِيَةِ وَفَضْلِ». (1)

1- ترجمه: «بار خدایا، خارج شده ام در این مسیر در حالی که به غیر تو اعتماد ندارم و امیدوی نیست که پناهگاهی جز به سوی تو بیابم و نه نیرویی که به آن تکیه کنم و نه چاره ای که به آن پناه برم، مگر درخواستخشنودی و رحمت تو و در پی پاداش و امیدواری به بخشش تو و تو می دانی چه چیز را دوست دارم و چه چیزی را خوش ندارم. بار خدایا، تقدیر هر بلا و قضای هر سختی را از من دفع کن! گوشه ای از رحمتت و احسانی از بخشش تو و گشایشی از روزی تو و کمالی از نعمت تو و عافیت فراوانی را بر من گسترش ده! تقدیرات خود را طبق نیازهای من قرار ده و آنچه را که بر خود بیم دارم یا بیم ندارم، از آن چیزهایی که تو از من داناتری از من دفع کن و آن را خیر و نیکی برای آخرت و دنیای من قرار ده، اضافه بر این، از تو می خواهم که جانشین من باشی در آنچه که از خود (در وطن) به جای گذاردم از فرزندان و خانواده و مال و برادران و هر کسی که اندوه او را می خورم، به بهترین وجهی که نسبت به مؤمنین قائم مقام آنها می شوی، در پوشیدن هربدی (عورت) و نگهداری هر مال و کامل کردن هر نعمت و دور کردن هر گناه و بازداشتن هر ترس و حفظ از هر بدی و کامل کردن آنچه که خشنودی دنیا و آخرت را برای من در بر خواهد داشت. سپس یاد و سپاس و اطاعت و عبادت خود را روزی من کن، تا تو از من به طور کامل راضی شوی. بار خدایا، من امروز دین و جان و خانواده و مال و فرزندان و همه برادرانم را به تو می سپارم.

بار خدایا، حاضر و غایب ما را حفظ کن. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خود جای ده و نعمت خود را از ما نگیر و نعمت و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده.»

ص: 748

دعا خواندن پیش از رفتن به سفر

1. در روایتی آمده است: هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آماده حرکت برای سفر می شد چنین دعا می کرد:
 اللَّهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، أَنْتَ ثِقَّتِي وَرَجَائِي. اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا أَهْمَ لَهُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَأَغْفِرْ لِي وَوَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ. (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی برای سفر از خانه بیرون می رود بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ». (2)

سپس دعاهایی را که هنگام بیرون رفتن از خانه و سوار شدن - در فصل های سابق گذشت - بخواند و آن گاه که سوار شد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ

1- ترجمه: «بار خدایا، به یاری تو می روم و به تو روی می آورم و به دامن لطف تو چنگ می زنم؛ چون تو پناهگاه و امید من هستی. خداوندا، آنچه را در نظر دارم و ندارم و آنچه را تو از من بهتر می دانی، کفایت کن. بار خدایا، توشه ام را تقوا قرار ده و مرا بیامرز و به هر جا که رو کنم مرا به خیر رهنمون باش». مکارم الأخلاق، ص 446.

2- ترجمه: «بار خدایا، تو رفیق در سفر و حمل کننده بر مرکب و جانشین در خانواده و مال و فرزندانم هستی».

ص: 749

وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى خَيْرٍ، بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ. اللَّهُمَّ لَا ضَيْرَ إِلَّا ضَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرُكَ». (1)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه امام باقر علیه السلام می خواست به سفر برود، خانواده اش را در اتاقی دور جمع می کرد و این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ الْغَدَاهُ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَالشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ. اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ. (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه حضرت صادق علیه السلام عزم سفر می کرد، این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَأَعْظِمْ عَافِيَتَنَا. (3)

5. در روایت دیگری آمده است که آن حضرت به هنگام رفتن به سفر چنین دعا می کرد: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ، بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ. اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حَزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي

1- ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به اسلام هدایت کرد و به نبوت محمد صلی الله علیه و آله بر مامنت گذاشت. منزّه است خدایی که این (مركب) را مسخر ما کرد و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگاران بازمی گردیم و حمد و ستایش مخصوص خداوند دو جهان است. بار خدایا، تو حمل کننده بر مركب و کمک کننده بر کارها هستی. خداوندا، ما را به گونه ای به مقصد برسان که به سبب آن به همه خیرات و رحمت و رضوان و مغفرت تو برسیم. بار خدایا، هیچ ضرری جز به اراده تو نیست و هیچ خیر و نیکویی از سوی تو نمی باشد و هیچ کس جز تو حافظ ما نیست». خصال، ج 2، ص 429؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 112.

2- ترجمه: «بار خدایا، از آغاز صبح خودم و مال و خانواده و فرزندانم از حاضر و غایب را به تو می سپارم. خداوندا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خویش قرار ده! خدایا، نعمتت را از ما سلب نکن و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده». محاسن، ص 350، ح 30؛ کافی، ج 4، ص 283، ح 2.

3- ترجمه: «خداوندا، راه را بر ما باز کن و مسیر ما را نیکو ساز و عافیت ما را کامل کن». محاسن، ص 350، ح 22؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 177، ح 791.

ص: 750

كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَأَصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَحْذَرُ فِي عَافِيَةٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

واین دعا را نیز می خواند: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَجَلَّ، بِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ، أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي سَفَرِنَا أَمْنًا وَآيْمَانًا وَسَلَامَةً وَإِسْلَامًا وَفَقْهًا وَتَوْفِيقًا وَبَرَكَهً وَهُدًى وَشُكْرًا وَعَافِيَةً وَمَغْفِرَةً وَعِزْمًا، لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا. (2)

6. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد هنگامی که در خانه از جای برمی خیزد و قصد حرکت به شهر مقصد می کند سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و چپ بخواند، سپس آیه الکرسی را هم به همین صورت تلاوت کند، پس از آن بگوید: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ». (3)

7. سید بن طاووس؛ روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و چپ، سپس آیه الکرسی را به همین صورت تلاوت کند، سپس بگوید: اللَّهُمَّ

1- ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه را که با من است حفظ کن و من و آنچه را که با من است به صورتی نیکو و زیبابه مقصد برسان. به کمک خداوند سفر را آغاز می کنم. از خدا یاری می جویم و از او کمک می طلبم. و به محمد صلی الله علیه و آله روی می آورم. بار خدایا، هر مشکلی را بر من آسان و هر سختی را هموار گردان و تمام خیرونیکمی ها را بیش از آنچه که امید دارم عطایم کن. و تمام شرور و بدی ها را بیش از آنچه که واهمه دارم از مندور کن، در حالی که در عافیت باشم. ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص 246 و 247.

2- ترجمه: «از خدایی که روزی هر موجود کوچک و بزرگ و روزی فرشتگان به دست اوست، می خواهم که در این سفر به ما امنیّت و ایمان و سلامت و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت و بخششواراده عنایت کند و هیچ گناهی را برای ما باقی نگذارد». مکارم الأخلاق، ص 246 و 247.

3- ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه تعلق به من دارد را حفظ کن. و من و آنچه همراه من است را به سلامت بدار. و خود و همراهانم را به بهترین صورت ممکن به مقصد برسان». کافی، ج 2، ص 543، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 246.

ص: 751

إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي، قَدْ وَثَقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَبَّبْ لِي الْمُرَادَ وَسَخِّرْ لِي عِبَادَكَ وَبِلَادَكَ وَأَرْزُقْنِي زِيَارَةَ نَبِيِّكَ وَوَلِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلِيمَةَ مِنْ وُلْدِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُدِّنِي مِنْكَ بِالْمَعُونَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَلَا إِلَى غَيْرِي فَأَكِلُ وَأَعْطِبُ وَزَوِّدْنِي التَّقْوَى وَأَغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ. (1)

واین دعا را نیز بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَاللَّجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ. رَبِّ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَهِي إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَضْرِبُ السُّوءَ إِلَّا أَنْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ تَنَاوُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ أَلْوَاكُ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ. (2)

در روایتی آمده است که هر کس صبح از خانه بیرون آید و دعای بالا را

1- ترجمه: «بار خدایا، رو به سوی تو آوردم و تو را جانشین خود در مورد اهل و مال و تعهداتی که به منسپرده ای قرار دادم. به تو اعتماد کردم پس ناامیدم نکن. ای کسی که ناامید نمی کنی شخصی را که به سویتو آمده و ضایع نمی کنی کسی را که به یاد تو است. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا نسبتبه آنچه که از آن غفلت کردم حفظ کن و به خود وانگذار، ای مهربان ترین مهربانان. بار خدایا، مرا در این سفر به مقصد برسان و اهداف سفر را بر من آسان بگردان و بندگان و شهرهایت را با من همراه ساز و زیارتحضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم از فرزندان علی و تمام اهل بیت علیهم السلام را روزی امگردان. و در تمام احوال کمک من باش و مرا به خودم یا دیگری وامگذار تا بخورم و به زحمت بیفتم. و تقوا را توشه ام کن و در دنیا و آخرت مرا بیامرزد. بار خدایا، مرا جزء کسانی قرار ده که بیشترین توجه را به تو دارند».

2- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع کردم). و بر خدا توکل کردم و از خدا کمک جستیم و بر خداتکیه نمودم و کار خود را به خدا واگذار کردم. پروردگارا، به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادیایمان آورده ام، زیرا جز تو نیکی نیاورد و جز تو بدی را باز ندارد. کسی که در جوار تو است عزیز و سربلندوثنای تو بزرگ و نام های تو مقدس و نعمت های تو بزرگ است و معبودی جز تو نیست».

ص: 752

بخواند، تا شب هنگام که به خانه بازمی گردد بلایی به او نخواهد رسید. و هر کس شب به هنگام بیرون رفتن از خانه آن را بخواند، تا صبح که به خانه بازمی گردد بلایی به او نرسد. (1)

دعای سفر

اشاره

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سفر کند و این آیات را بخواند، خداوند متعال او را از دزد و حیوان درنده و زهردار تا زمانی که به سوی خانواده اش بازگردد حفظ می کند. و تا زمانی که بازگردد فرشتگان بسیاری همراهش باشند و برایش استغفار کنند: (وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ * وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي

عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَلْمِينُ * قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجِرَنِي ثَمَانِي حَجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْلَيْنِ فَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ». (2)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 94 و 95.

2- ترجمه: «وهنگامی که به سوی مدین حرکت کرد گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند». وهنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را آب می دهند؛ ودر کنار آنان دو زن را دید که از گوسفندان خویش مراقبت می کنند (وبه چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) بهآن دو گفت: «منظور شما (از این کار) چیست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند؛ وپدر ما پیرمرد کهنسالی است (قادر بر این کارها نیست)». - موسی برای (گوسفندان) آن دو آبکشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا، به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم». ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوتی کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد». هنگامی که موسی نزد او [=شعیب] آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ستمکار نجات یافتی». - یکی از آندو (دختر) گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است کهنیرومند ودرستکار باشد (و او همین مرد است)». - (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را بههمسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی ؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، (محببتی) از ناحیه تو است ؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم ؛ و اگر خدا بخواهد مرا از صالحان خواهی یافت». - (موسی) گفت: «(مانعی ندارد)، این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دومت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (ومن در انتخاب آن آزادم)؛ و خدا بر آنچه ما می گوئیم گواهاست». (سوره قصص، آیات 22 - 28) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 176، ح 876.

ص: 753

همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر

1. از چیزهایی که باید در سفر به همراه خود داشت، تسبیح تربت امام حسین علیه السلام است. هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق آمد مردم نزد آن حضرت جمع شدند و پرسیدند: می دانیم تربت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است، اما آیا باعث ایمنی از بیم و خوف هم می شود؟ حضرت فرمود: «هرگاه کسی بخواهد از هر بیم در امان باشد،

تسبیحی از تربت آن حضرت در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند: أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيِّ
الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنْهِ مَنْ
كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبَسُ سَابِغَهُ وَإِلَى أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدْيِيهِ، بِجِدَارِ حَصِينِ الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ
بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُولَى مَنْ وَالُوا وَأَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ
شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَجَزْتَ الْأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيْعِ

ص: 754

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (1) إِنَّا (جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) (2) سپس تسبیح را
ببوسد و بر روی هر دو چشم بگذارد و بگوید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أُخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ (3) اگر صبح این عمل را به جا آورد تا شب در امان باشد و اگر شب به
این دستور عمل کند تا صبح در امان باشد». (4)

2. در روایتی دیگر آمده است: هر کس از سلطان یا شخص دیگری بترسد و هنگام خارج شدن از خانه به سفارش بالا عمل
کند، از شرّ او در امان باشد. (5)

انگشتر به دست کردن در سفر

در فصل دوم همین کتاب، انگشترهای مناسب سفر بیان شد.

1- ترجمه: «بار خدایا، در حالی شب را به صبح رساندم که به جوار منیع تو که دست هیچ کس به آن نمی رسد و مورد
تجاوز واقع نمی گردد پناه آورده ام. از شرّ هر ستمگر و هر راهزنی، از تمام کسانی که آفریده ای و چیزهای دیگری که خلق

کرده ای، چه (آنها که) خموش (اند) و چه گویا، (خود را) در سپری از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته شده از دوستی خاندان پیامبرت و خود را می پوشانم از هر کس که قصد آزارم کند به سنگر محکم اخلاص، با اعتراف به حق آن بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان، در حالیکه یقین دارم حق مخصوص آنها و نزد آنها و پیش آنها و به وسیله آنهاست. دوست دارم هر کسی را که آنها دوست دارند و دوری می جویم از هر کس که آنها از او دوری جویند. پس خدایا به حق آنان مرا از شر هر آنچه از آن می ترسم پناه ده! ای خدای بزرگ، من دشمنان را به وسیله خدای پدیدآورنده آسمان ها و زمین از خود دور ساختم».

2- ترجمه: «(بی شک ما) در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند». سوره یس، آیه 9.

3- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم به حق این تربت مبارک و به حق جد و پدر و مادر و برادر و فرزندان پاکش که آن را برای هر دردی شفا و برای هر ترسی امان و برای هر بدی وسیله محافظت قرار دهی».

4- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 33 و 34. در مورد دعای اول فقط اشاره شده که چنین دعایی هست.

5- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 34.

ص: 755

خواندن سوره عبس در سفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره عبس را در کاغذی سفید بنویسد و به هر کجا سفر کند آن را همراه خود ببرد، در آن سفر به جز نیکی نبیند و از خطرهای آن راه محفوظ بماند». (1)

به همراه بردن تعویذ در سفر

از جمله تعویذهایی که مناسب سفر است تعویذی است که در روایتی در قبضه شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله جاسازی شده بود که به این شرح است :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَسْأَلُكَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، الْأَوَّلِ، الْقَدِيمِ الْأَبَدِيِّ، الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ، أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ، الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ. اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ، الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، الصَّمَدِ الَّذِي

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. وَاحْجِبْ شُرُورَهُمْ وَشُرُورَ الْأَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسَيُوفِيهِمْ وَبِأَسْمِهِمُ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ. اللَّهُمَّ احْجِبْ عَنِّي شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي بِحِجَابِكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَمِنْ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يَتَخَوَّفُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ، أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا». (2)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 76.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. یا الله یا الله یا الله، از تو درخواست می کنم ای پادشاه پادشاهان، کهنخست و قدیم و همیشگی هستی و نابود نمی شوی و تغییر نمی پذیری. تو آن خدایی هستی که بزرگیو برای هر چیز کافی و بر هر چیز احاطه داری. بار خدایا، به نام بزرگ و یگانه و یکتا و بی نیازت که نه کسی از او متولد شده و نه او از کسی و برای او ماندنی نیست، مرا کفایت کن. خدایا، شرّ آنان و شرّ تمام دشمنانوشمشیرها و هرگونه سلاح آهنین (از ناحیه) آنان را از ما باز دار. خداوند بر همه آنها احاطه دارد. بار خدایا، شرّ کسانی را که قصد بدی به من دارند به حجاب خود که با آن نگاه می داری واحدی نسبت به آن نگاه بدنمی کند از من بازدار؛ شرّ فاسقان جنّ و انس و شرّ سلاح هایشان، به ویژه سلاح های آنان و از هر چیز خوفناکومورد حذر و شرّ هر سختی و بلا و شرّ هر چیزی که تو به آن داناتری و بر (دفع) آن تواناتر، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و اهل بیتش». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 76.

ص: 756

وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارشات لقمان

1. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت شیشه روغن (برای چرب کردن بدن)، سرمه دان، قیچی، آئینه، مسواک، شانه، سوزن، طناب، چیزی که با آن کفش را وصله می کنند و نعل حیوان را به همراه می برد. (1)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت لقمان به پسرش گفت: فرزندم، هنگامی که قصد سفر داری شمشیر، کمان، اسب، کفش، عمامه، طناب های

لازم، ظرف آب، سوزن خیاطی و داروهای مورد نیاز خود و همراهانت را همراه داشته باش. (2)

توشه سفر

اهمیت به همراه بردن توشه سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «آبروی انسان در این است که برای سفر توشه مناسبی بردارد». (3)

2. در حدیثی می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام هرگاه به سفر حج یا عمره می رفت از بهترین توشه ها - مانند بادام، شکر، قاووت ترش و شیرین - برمی داشت و به همراه می برد. (4)

1- مکارم الأخلاق، ص 35.

2- کافی، ج 8، ص 252، ح 466؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 185، ح 834.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 830.

4- محاسن، ص 360، ح 83؛ کافی، ج 8، ص 252، ح 468.

ص: 757

توشه لازم برای سفر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که به سفر می روید سفره ای با خود ببرید و غذاهای خوب را در آن سفره بگذارید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در میان توشه ات نان بگذار که باعث برکت می شود». (2)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از یکی از یارانش پرسید: «به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «سفره ای (طعام، توشه مسافر) با خود می برید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «اگر به زیارت قبر پدر یا مادر خود بروید چنین نخواهید کرد». گفتند: پس چه بخوریم؟ فرمود: «نان با شیر یا ماست». (3) (و در این سفر زیارتی غذای شما ساده باشد).

اعتدال و میانه روی در هزینه های سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین روش هزینه کردن در نزد خدا میانه روی است و خداوند هزینه بسیار را دشمن می دارد، مگر در راه حج یا عمره». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به من خبر رسیده که عده ای چون به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روند با خود سفره ای برمی دارند که در میان آن غذاهای مطبوع و گوناگون است؛ اگر به زیارت قبر دوستان خود بروند چنین کاری نمی کنند». (5)

1- محاسن، ص 360، ح 82؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 826.

2- محاسن، ص 360، ح 84.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 828.

4- محاسن، ص 359، ح 77، مکارم الأخلاق، ص 251.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 829.

ص: 758

مراقبت از توشه سفر

1. در حدیث است که صفوان از امام صادق علیه السلام پرسید: من خانواده ام را همراه خود به حج می برم و پول خود را بر کمرم می بندم. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد. پدرم می فرمود: توانایی مسافر در این است که نفقه خود را حفظ کند».

(1)

2. در روایتی دیگر آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دراهمی را که صورت هایی در آن نقش کرده اند همراه خود دارم و آنها را در همیان می گذارم و در حال احرام به کمر می بندم، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». آن پول خرجی تو است و تکیه تو پس از (لطف) خدا بر

آن است». (2)

آداب معاشرت با همسفر

آداب سفر

تنها سفر نکن

1. در چندین حدیث آمده است که هر که تنها سفر کند ملعون است. (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرد: «ای علی، هرگز تنها به مسافرت نرو که شیطان با انسان تنهاست و از دو نفر دورتر است. ای علی، هر که تنها به سفر رود گمراه است و دو نفر که می روند دو گمراهند و سه نفر مسافران (در طریق هدایت) اند». (4)

1- محاسن، ص 358، ح 74.

2- مکارم الأخلاق، ص 266.

3- محاسن، ص 356، ح 57؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 181، ح 810.

4- محاسن، ص 356، ح 56؛ کافی، ج 8، ص 251، ح 465.

ص: 759

3. در روایتی دیگر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، حضرت از او پرسید: «چه کسی در راه همسفر تو بود؟» عرض کرد: تنها بودم. فرمود: «اگر جلوتر تو را می دیدم به تو می آموختم که چگونه باید سفر کرد». سپس فرمود: «یک نفر شیطان است دو نفر شیطان اند، سه نفر مصاحب اند و چهار نفر رفیقان اند». (1)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس به سفر می رود بگوید: ما شاء الله، لا حولَ ولا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ اَنْسِ وَحْشَتِيْ وَاعِنِّيْ عَلٰی وَحْدَتِيْ وَادِّ غَيْبَتِيْ». (2)

حقّ همسفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسافر بر همسفرانش آن است که هر زمان بیمار شود سه روز برای او توقّف کنند». (3)

هزینه های سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحبّ است همه همسفران هزینه های خود را روی هم بگذارند که این کار باعث خشنودی خاطر و نیکی اخلاقتان می شود». (4)

1- محاسن، ص 356، ح 58؛ کافی، ج 8، ص 251، ح 463.

2- ترجمه: «آنچه را خداوند اراده کند تحقق می یابد. هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خدا نیست. بار خدایا، تو مونس تنهایی ام باش، بر تنهایی ام کمک کن و کمبودهای زمان غیبتم را جبران کن». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 181، ح 807.

3- محاسن، ص 358، ح 72؛ کافی، ج 2، ص 670، ح 4.

4- محاسن، ص 359، ح 76؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 815.

ص: 760

2. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: گروهی با هم دوست می شوند و در میان آنها غنی و فقیر وجود دارد، آیا غنی می تواند به هزینه های فقیر کمک کند؟ فرمود: «اگر قلباً راضی باشند اشکالی ندارد». (1)

همسفران

اهمیت و تعداد همسفر

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اول همسفر (خوبی) پیدا کن، سپس به سفر برو». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «دو نفر با هم همسفر نمی شوند مگر اینکه محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که با رفیقش بیشتر مدارا کند و او ثوابش بیشتر است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی بیش از هفت نفر نمی شوند مگر اینکه سر و صدایشان بسیار خواهد بود». (4)

نکته: از روایات بالا معلوم می شود که حداقل همسفر سه نفر و حداکثر آنها هفت نفر و بیش از آن مناسب نیست.

ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی دوستی کن که به

1- محاسن، ص 357، ح 66؛ مکارم الأخلاق، ص 251. روایت مزبور در هر دو مصدر از امام صادق علیه السلام است.

2- محاسن، ص 357، ح 61 و 68؛ مکارم الأخلاق، ص 251.

3- محاسن، ص 357، ح 61 و 68؛ مکارم الأخلاق، ص 251.

4- کافی، ج 8، ص 251، ح 464؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 183، ح 820.

ص:761

سبب او زینت یابی و با کسی که او به وسیله تو زینت یابد سفر نکن.» (1)

یعنی با کسی همسفر شو که علم و کمالات او از تو بیشتر باشد.

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت

او بر خود می دانی سفر نکن.» (2)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با مثل خود رفاقت کن و با کسی رفیق نشو که خرج تو را بدهد که

موجب خواری و ذلت مؤمن است.» (3)

4. در حدیث است که شخصی به نام شهاب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شما می دانید که من انسان توانگر و ثروتمندی هستم و به برادران دینی خود احسان می کنم. گاه با گروهی از آنان در راه مکه رفیق و همسفر شده و برایشان بسیار هزینه می کنم. این کار چه حکمی دارد؟ فرمود: «ای شهاب، چنین کاری نکن زیرا اگر دست به جیب شوی و هزینه کنی و آنها هم بخواهند مانند تو هزینه کنند متضرر می شوند و اگر خرج نکنند باعث خواری آنها می شود؛ پس با کسانی که از نظر مالی مثل تو هستند مسافرت کن». (4)

5. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی با گروهی ثروتمند رفیق و همسفر می شود، آنها سهم خود را از هزینه های سفر می پردازند

و این شخص نمی تواند مانند آنها هزینه کند چه حکمی دارد؟ فرمود: «دوست ندارم چنین شخصی خود را خوار کند، پس با کسی رفیق شود که مانند او باشد». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 816.

2- محاسن، ص 357، ح 62؛ کافی، ج 4، ص 286، ح 5.

3- کافی، ج 4، ص 286، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 818.

4- کافی، ج 4، ص 287، ح 7؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 817.

5- محاسن، ص 359، ح 79؛ کافی، ج 4، ص 287، ح 8.

ص: 762

سایر آداب سفر

سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت لقمان به فرزندش نصیحت کرد که در سفر این امور را مراعات کند :

1. در سفرهای گروهی در مورد کارهای خودت و آنها با ایشان مشورت کن.
2. در برخورد با آنان بسیار تبسم کن.
3. در توشه راه وهزینه کردن در میان همسفرانت، کرامت و بزرگواری داشته باش.
4. هنگامی که تو را به میهمانی دعوت کنند بپذیر.
5. اگر از تو کمک خواستند آنها را کمک کن.
6. در سه چیز بر آنها سبقت بگیر: در سکوت بسیار، در نماز فراوان، در سخاوت وجوانمردی نسبت به آنچه با خود همراه داری از توشه ومركب.
7. اگر از تو طلب شهادت کردند، یا بر امر حقی بخواهند گواه باشی قبول کن.
8. هنگامی که با تو مشورت کردند سعی کن نظر خوبی به آنها ارائه دهی.
9. زود تصمیم نگیر ونظر خود را به آنها نگو، تا در آن اندیشه وتفکر کنی.

10. در هنگام مشورت پاسخ ایشان را نده، تا در آن فکر برخیزی و بنشیننی و بخواهی و چیزی بخوری و نماز بخوانی و در اثنای این امور فکر و حکمت خود را در مشورت آنها به کارگیری، زیرا هر کس خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت می کند خالص نگرداند، خداوند عقل ورأی او را می گیرد و امانت را از او برمی دارد.

11. هنگامی که همسفرانت پیاده می روند تو هم با آنها پیاده برو.

12. هنگامی که دوستان همسفر تو کاری انجام می دهند به آنها کمک کن.

ص: 763

13. اگر همسفران تو صدقه یا قرضی می دهند، تو هم همراه آنها این کار را انجام بده.

14. سخن کسی را که از تو بزرگ تر است گوش کن.

15. هرگاه همسفرانت کاری از تو می خواهند یا سؤالی می پرسند (حتی الامکان) پاسخ مثبت بده و نه نگو که نه گفتن، نشانه عجز و موجب سرزنش است.

16. هنگامی که در سفر راه را گم کردید و حیران شدید، فرود آیید (وبه راه ادامه ندهید).

17. اگر در مسیری که به سمت محلّ مورد نظر می روید تردید دارید توقّف کنید و با همدیگر مشورت نمایید و مصلحت خویش را بیابید.

18. اگر یک نفر را در بیابان و بین راه دیدید خبر راه را از وی نپرسید که وجود یک انسان تنها در بیابان انسان را به تردید می اندازد که شاید جاسوس دزدان یا شیطان باشد که می خواهد شما را سرگردان کند. و از دو نفر نیز بپرهیزید مگر اینکه نشانه های مثبتی در آنها ببینید که من (شخص غایب) نبینم، زیرا انسان عاقل هنگامی که با چشمان خود به چیزی نظر کند آنچه را حق است تشخیص می دهد و حاضر چیزی می بیند که غایب متوجه آن نمی شود.

19. فرزندم، هنگامی که وقت نماز فرا می رسد آن را تأخیر نینداز و با خواندن به وقت نماز احساس راحتی کن، زیرا نماز بدهی است (که هر چه زودتر ادا کنی سبک بارتر می شوی).

20. نماز را با جماعت به جای آور، هر چند بر سر نیزه باشی.

21. بر روی چهار پا خواب که به سرعت باعث زخم پشت آن می شود. و این کار انسان های عاقل نیست، مگر اینکه در کجاوه باشی که بر اثر سستی مفاصل

ص: 764

ممکن است انسان بخوابد.

22. هنگامی که به محل استراحت نزدیک می شوی از مرکب پیاده شو که آن چهارپا یار و یاور تو است و اوّل علف او را بده بعد خودت غذا بخور.

23. هنگام فرود آمدن مکانی را انتخاب کنید که زیباتر و خاکش نرم تر و پرگیاه تر باشد.

24. هنگامی که فرود آمدی دو رکعت نماز بخوان.

25. چنانچه خواستی قضای حاجت کنی، به جای دوردستی برو.

26. هنگام سوار شدن بر مرکب نیز دو رکعت نماز بخوان.

27. آن گاه از آن زمین خداحافظی کن و بر آن زمین واهل آن سلام کن، زیرا در هر قسمتی از زمین چند فرشته وجود دارد.

28. اگر بتوانی هر غذایی که می خوری مقداری از آن را صدقه بده.

29. مادام که سوار هستی کتاب خدا را قرائت کن.

30. به هنگام کار، یاد و تسبیح خدا را فراموش نکن.

31. به هنگام تنهایی و بیکاری دعا کن.

32. در اوّل شب راه نرو، بلکه در ابتدای شب فرود آی و در نیمه آخر شب حرکت کن.

33. به هنگام سفر صدایت را بلند نکن». (1)

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مروّت در حضر (وطن) عبارت است از: قرائت قرآن، همنشینی با علما، تفکّر در فقه و سایر علوم،

1- محاسن، ص 375، ح 145؛ کافی، ج 8، ص 287، ح 547.

ص:765

محافظت بر نماز جماعت. و مروّت در سفر عبارت است از: هزینه کردن توشه خود، مخالفت نکردن با همسفران، یاد کردن خدا در هنگام بالا رفتن از بلندی ها و فرود آمدن از پستی ها و ایستادن و نشستن». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مروّت در سفر عبارت است از: توشه فراوان برداشتن (که در صورت لزوم به دیگران کمک کند)، پاکیزه گرداندن توشه، بخشش به همسفران، پوشاندن رازهای همسفران، شوخی و مزاح بسیار، البته بدون معصیت و گناه». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «مروّت نیست که انسان تمام آنچه را در سفر دیده نقل کند». (3)

کمک کردن به مسافران

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به مؤمن مسافر کمک کند، خداوند متعال هفتاد و سه مشکل از مشکلات دنیوی او را برطرف و او را از اندوه رها می کند. و به هنگامی که از شدت احوال قیامت نفس های مردم می گیرد، خداوند هفتاد و سه غم و شدت را از او برمی دارد». (4)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «توشه مسافر حُدی

1- خصال، ج 1، ص 92، ح 61؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 266، ح 1.

2- معانی الأخبار، ص 258.

3- محاسن، ص 358، ح 70؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180، ح 801.

4- محاسن، ص 363، ح 95؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 192، ح 875.

ص:766

خواندن است (1). همچنین خواندن اشعاری که مشتمل بر حرام و باطل نباشد». (2)

همراهی با همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با گروهی همسفر شدی نگو اینجا توقف کنیم و آنجا توقف نکنیم، زیرا در میان آن گروه کسی هست که این کار را بکند اگر تو اجازه بدهی». (3)

(این گونه کارها را به دست یک نفر بسپارید تا اختلافی پیدا نشود).

آداب راه رفتن و فرود آمدن

اشاره

آداب پیاده روی در سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کمر و روی شکم را محکم ببندید، تا پیاده رفتن بر شما آسان شود». (4)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد به حرکت در شب که زمین در شب پیچیده می شود». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمین در آخر شب پیچیده می شود». (6) اشاره به اینکه انسان آمادگی زیادی در آن هنگام برای پیمودن راه دارد.

1- «حُدی» آوازی بود که در سفر می خواندند.

2- محاسن، ص 358، ح 73؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 183، ح 823.

3- محاسن، ص 364، ح 102؛ مکارم الأخلاق، ص 267.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 193، ح 882؛ تهذیب، ج 5، ص 13، ح 27.

5- محاسن، ص 346، ح 10؛ کافی، ج 8، ص 260، ح 489.

6- محاسن، ص 346، ح 12؛ کافی، ج 8، ص 261، ح 491.

ص: 767

4. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که عزم سفر داشت، آخر شب حرکت می کرد». (1)

5. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که از پیاده رفتن خسته شدید تند حرکت کنید که واماندگی را برطرف می کند». (2)

آداب فرود آمدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمانی که در شب فرود می آید بر سر راه فرود نیایید. و در درّه ها نیز فرود نیایید که محلّ درندگان و مارهاست». (3)

2. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در میان درّه ها فرود نیایید که مبادا سیلاب بیاید و به شما زبانی برسد». (4)

مدارا کردن با مرکب

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مدارا کردن را دوست می دارد و بر آن یاری می کند؛ بنابراین، چون بر حیوانات لاغر سوار می شوید در منازل توقف کنید. اگر زمین خشک باشد و گیاهی نداشته باشد تند حرکت کنید و اگر پرگیاه باشد منزل به منزل فرود آید». (5) (تا حیوان به قدر کافی سیر شود).

1- محاسن، ص 346، ح 11.

2- محاسن، ص 377، ح 150؛ مکارم الأخلاق، ص 258.

3- محاسن، ص 346، ح 103؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 193، ح 878.

4- محاسن، ص 361، ح 89؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 190، ح 859.

5- محاسن، ص 361، ح 87؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 189، ح 857.

ص: 768

دعاهای مسیر راه و منازل

دعاهای واذکار سفر

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگام سفر بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِيْ عِبْرًا وَصَمْتِيْ تَفَكُّرًا وَكَلَامِيْ ذِكْرًا». (1)

2. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به هنگام عبور از بلندی

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، آنچه در پیش روی اوست تا انتهای زمین، همه آن ذکر را می گویند». (2)

3. سید بن طاووس؛ چنین روایت کرده است: هر کس بر تپه یا بلندی یا پلی بالا رود، این ذکر را بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ. (3)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سفرها هرگاه در سراسیمگی قرار می گرفت «سُبْحَانَ اللَّهِ» و چون به سربالایی می رسید «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گفت». (4)

5. در حدیثی معتبر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در حال وارد شدن به دره ای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، خداوند آن دره را برای او از حسنات پر می کند». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، سفرم را عبرت و سکوت را فکر کردن و سخنم را ذکر قرار بده». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 179، ح 797؛ الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 101.

2- محاسن، ص 353، ح 44.

3- ترجمه: «خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و خداوند بزرگ تر از آن است که بهوصف آید. و حمد

وستایش مخصوص پروردگار دو جهان است. (خداوندا) شرافت از آن تو است و بر هر شرفی برتری داری». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 101.

4- کافی، ج 4، ص 287، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 261.

5- محاسن، ص 33، ح 24.

ص: 769

6. در حدیث است که وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت و شب می شد این دعا را می خواند: یا اَرْضُ، رَبِّي وَرَبِّكَ اللهُ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَسَوْءِ مَا خُلِقَ فِيكَ وَسَوْءِ مَا يَدْبُ عَلَيْكَ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ اَسَدٍ وَاَسْوَدٍ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ وَاِلِدٍ وَمَا وَكَدَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَيْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا اَضَلْنَ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَخَيْرَ هَذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَاَهْلِهِ وَخَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَاَهْلِهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّيْ اَخِذْ بِنَاصِيَتَيْهَا، اِنَّ رَبِّيْ عَلَيَّ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ. (1)

7. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیاطین در لابه لای محمل ها و کجاوه ها آمده و شتران رارم می دهند. برای دور کردن آنها آیه الکرسی بخوانید». (2)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در سفر از دزدان یا درندگان بترسد، بر یال اسبش آیه شریفه (لَا تَخَافُ دَرَكَوَالَاتِ خَشْيَ) (3) را بنویسد تا زیان آنها به اذن الهی

از وی برطرف شود. راوی گوید: من به سفر حج رفتم و در میان بیابان جمعی

1- ترجمه: «ای زمین، پروردگار من و تو خداست. از شرّ تو و آنچه در تو است و بدی هایی که در تو خلق شده و بدی جنبندگانی که بر روی تو حرکت می کنند و از شرّ شیران درنده و مار و عقرب گزنده و از شرّ ساکنان این شهر و از شرّ زاینندگان

و آنچه زابیده اند به خدا پناه می برم. خداوندا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده اند و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه بر روی آنها قرار دارد و ای پروردگار بادهای آنچه بر آن می وزند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و از تو درخواست می کنم که خیر امشب و امروز و این ماه و این سال و این شهر و اهل آن و این آبادی ساکنان آن را نصیب کنی و به تو پناه می برم از شر آن و شر آنچه در آن است و از شر هر جنبنده ای که سرنوشت آن به دست تو است، بی شک (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». مکارم الأخلاق، ص 247؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 251.

2- محاسن، ص 380، ح 159.

3- ترجمه: «(به موسی وحی کردیم...) که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا». سوره طه، آیه 77.

ص: 770

از دزدان به قافله ما زدند. آیه مزبور را بر یال اسبم نوشتم. به حق خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به رسالت فرستاد و حضرت علی علیه السلام را به امامت مشرف گردانید، خداوند آنها را نسبت به من کور کرد و زبانی از آنها به من نرسید». (1)

دعای ایمنی از دشمنان و دزدان

1. در ادعیه سر آمده است که هرگاه در مسیر سفر از دشمنان و دزدان بترسد این دعا را بخواند: یا آخِذاً بِنَوَاصِي خَلْقِهِ
وَالسَّابِقِ بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ وَالْمُنْفِذِ فِيهَا حُكْمُهُ وَخَالِقِهَا وَجَاعِلُ قَضَائِهِ لَهَا غَالِباً، إِنِّي مَكِيدٌ وَلِقَوَّتِكَ عَلَيَّ مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ، فَإِنْ
حُلْتُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيْرُوا مَا بِي مِنْ نِعْمَتِكَ، يَا خَيْرَ الْمُنْعَمِينَ، لَا تَجْعَلْ أَحَدًا مُغَيَّرًا
نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ سِوَاكَ

وَلَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ رَبِّي وَقَدْ تَرَى الَّذِي نَزَلَ بِي، فَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَرِّهِمْ، بِحَقِّ مَا بِهِ اسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (2)

2. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام برای در امان ماندن از دشمنان این دعا را سفارش کرد: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضَامَ فِيْ سُلْطٰنِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضِلَّ فِيْ هٰدَاكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُفْتَقِرَ فِيْ غِنَاكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضَيِّعَ فِيْ سَلَامَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُغْلَبَ وَالْاَمْرُ لَكَ. (3)

1- طبّ الأئمّه، ص 36 و 37 از امام کاظم علیه السلام.

2- ترجمه: «ای کسی که زمام خلقش را به دست گرفته و قدرتش بر آن پیشی گرفته و حکمش در آن نفوذ دارد. ای خالق آنچه که قدرتش بر آن تعلق گرفته، من در معرض خطر قرار گرفته ام و به خاطر توانایی تو در برابر به خطر آفرین به در خانه ات آمده ام. اگر میان من و آنها حایل شوی این همان چیزی است که می خواهی مرا تسلیم آنان کنی نعمت را در مورد من تغییر خواهند داد. ای بهترین نعمت دهندگان، اجازه ندهی کسی نعمت را بر من تغییر دهد. تو پروردگار منی و آنچه را که بر من نازل شده می بینی. بین من و شرّ آنان حایل شو، به حقّ آن کسی که دعا به وسیله او مستجاب می شود ای خدا، ای پروردگار جهانیان». الأمان مناخطار الأسفار والأزمان، ص 112.

3- ترجمه: «بار خدایا، به تو پناه می برم که در حکومت تو به من ستم شود. خداوندا، به تو پناه می برم که در تیررس هدایت تو گمراه شوم، بار خدایا، به تو پناه می برم که با بی نیازی تو فقیر شوم. بار خدایا، به تو پناهی برم که با سلامتی تو هلاک شوم. بار خدایا، به تو پناه می برم که مغلوب واقع شوم، در حالی که فرمان از برای تو است». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 114 و 115.

ص: 771

دعای منازل بین راه

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، چون در منزلی فرود آیی بگو: اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ (1) تا خوبی آن منزل روزی تو شود و شرّ آن از تو دور شود». (2)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد در منزلی فرود آید که ترسی از آن دارد این آیه شریفه را بخواند: (رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا)». (3)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در سفر و منزلی فرود آید که از درندگان بترسد این دعا را بخواند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعٍ (4) اگر این دعا را بخواند تا زمانی که در آن منزل باشد

از شرّ درندگان در امان است». (5)

4. سید بن طاووس روایت کرده است که هرگاه در منزل خود از جانوران زمین خوف داری این دعا را در مکان مورد خوف بخوان که از جمله دعاهای سرّ است : يَا ذَارِي مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا، لِعِلْمِكَ بِمَا يُكُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى

1- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور و تو بهترین فرودآورندگانی».

2- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 195، ح 887.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود حجتیاری کننده برای من قرار ده». (سوره اسراء، آیه 80) محاسن، ص 367، ح 118.

4- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی نیست جز الله، که یگانه است و شریک ندارد. حکومت و ستایش مخصوص اوستوخیر و نیکی به دستش و توانا بر هر چیزی است. بار خدایا، از شرّ هر درنده ای به تو پناه می برم».

5- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 193، ح 879.

ص: 772

كُلِّ مَنْ دُونِكَ، إِنِّي أَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الضَّرِّ فِي بَدَنِي، مِنْ سَبْعِ أَوْهَامِهِ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، يَا خَالِقَهَا بِقُدْرَتِهِ وَفَاطِرَهَا بِفِطْرِيهِ اِدْرَأْهَا عَنِّي وَاحْجِزْهَا عَنِّي وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبَاسِهَا يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، حُطِّنِي بِحَيَاتِكَ وَأَحْمِنِي بِحِمَايَتِكَ وَأَكْفِنِي بِكَفَايَتِكَ أَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَأَجْنِبْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي مِنْ مَخَافِي يَا رَحِيمٌ». (1)

5. در روایتی معتبر می خوانیم که دو برادر خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: قصد داریم برای تجارت به شام برویم. حرزی به ما تعلیم ده که در سفر از آن استفاده کنیم. حضرت فرمود: «هنگامی که شب در منزلی فرود می آید و نماز مغرب و عشا می خوانید، پس از نماز پهلوی را بر رختخواب گذاشته و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگویید (2) ، سپس آیه الکرسی بخوانید. با این کار تا صبح محفوظ خواهید ماند». هنگامی که عازم سفر شدند، دزدان به تعقیب آنان پرداختند. شب هنگام که در منزلی فرود آمدند به دستور حضرت عمل کردند و خوابیدند. دزدان غلام خود را به آن منزل فرستادند تا اوضاع را بررسی کند، هنگامی که به آنجا آمد اثری از آن دو نفر ندید، بلکه دو دیوار مشاهده کرد. جریان را به دزدان گفت و آنها هم جز همان چه او مشاهده کرده بود چیزی ندیدند. صبح هنگام که نزد آن دو نفر رفتند واز آنها پرسیدند: شب گذشته کجا بودید؟ گفتند: در همین منزل. دزدان گفتند: ما در پی شما آمدیم، اما جز دو دیوار

1- ترجمه: «ای آفریننده تمام موجودات زمین، به سبب علمی که به آفریدگانت داری بر غیر خود سلطه داری. (بار خدایا) به خاطر قدرت تو بر هر چیز از وارد شدن زیان در بدنم به تو پناه می برم، از درنده و جنبندهمتعرض شونده از بقیه جنبندگان. ای خالق آنها به قدرت خویش و ای آفریننده آنها به آفرینش خود، آنها را از من دور کن و بر من مسلط نکن و از شر آنها مرا رهایی ده! ای خدای والای بزرگ مرا با احاطه خود احاطه کن و به حمایت فرما و از شر (هر ذی شری) کفایت کن و به حفظ خود محفوظ دار و با پوششنگهدارنده خود از آنچه موجب خوف است مستور فرما، ای رحیم و مهربان» الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 126.

2- از این روایت استفاده می شود که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در آن زمان مشهور بوده است.

ص: 773

چیزی نیافتیم. قصه شما چیست؟ آنها دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کردند. دزدان گفتند: بروید که هیچ دزدی بر شما دست نخواهد یافت. (1)

6. سید بن طاووس؛ روایت کرده است: هنگامی که مسافر در منزلی فرود آید بگوید: اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (2) ، سپس دو رکعت نماز

بگزارد و در هر رکعت پس از حمد هر یک از سوره های کوچک را که بخواهد بخواند وبعد بگوید: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَاَعِدْنَا مِنْ وَاَهَا وَحَبِّبْنَا اِلَى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي اَهْلِهَا اِلَيْنَا (3) ، سپس

بگوید: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنْ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِمْ اِئِمَّةً، اَتَوَلَّاهُمْ وَاَتَبَرَّءُ مِنْ اَعْدَائِهِمْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ دُخُوْلِنَا هَذَا صِلٰحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ نَجٰحًا. (4)

7. شیخ طبرسی رحمه الله می گوید: هنگامی که قصد حرکت از استراحتگاه داری دو رکعت نماز بگزار و از خدا طلب محافظت و حمایت کن و با آن مکان و اهل آن وداع کن که در هر مکانی فرشتگانی هستند؛ پس بگو: اَلسَّلَامُ عَلٰی مَلَائِكَةِ اللهِ الْحَافِظِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِيْنَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ. (5)

1- محاسن، ص 368، ح 120؛ مکارم الأخلاق، ص 225؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 246، ح 34.

2- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور که تو بهترین فرودآوردگانی».

3- ترجمه: «بار خدایا، خیر و برکت این مکان را روزی ما گردان و شر آن را از ما بازدار. بار خدایا، از میوه های آن به ما بخوران و از بیماری های آن ما را حفظ کن و ما را محبوب اهالی آن گردان و صالحان آن را محبوب ما قرار ده».

4- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. او یگانه است و شریکی ندارد و محمد بنده رسول اوست و علی علیه السلام و امامان از فرزندانش امامان (ما) هستند. ولایت ایشان را دارم و از دشمنانشان بیزاری می جویم. بار خدایا، خیر و نیکی این مکان را از تو می خواهم و از شر آن به تو پناه می برم. بار خدایا، ابتدای ورود ما را صلاح و راستی و میانه آن را رستگاری و انتهای آن را پیروزی قرار ده».

الامان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 125.

5- ترجمه: «درود و سلام بر فرشتگان خداوند که وظیفه حفاظت (از ما) را بر عهده دارند. درود و سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند و رحمت و برکات خدا بر ما و آنان باد».

مستدرک الوسائل، ج 8، ص 240، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 253 و 265.

دعا به هنگام رسیدن به مقصد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که بر شهری مشرف شدی و نگاهت به آن شهر افتاد، این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَتُ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَتُ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَمَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا».

(1)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به شهر یا روستایی وارد شدی و نگاهت بر آنجا افتاد، بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اَللّٰهُمَّ اطْعِمْنِيْ مِنْ جَنَّاها وَاَعِزَّنَا مِنْ وِبَاها وَحَبِّبْنَا اِلَى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْ اَهْلِهَا اِلَيْنَا».

(2)

آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها

سفر دریا

حکم سفرهای دریایی

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «سفر دریایی به منظور تجارت کراهت دارد». (3)

1- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده، ای پروردگار زمین هایهفتگانه و آنچه بر روی آن وجود دارد و ای پروردگار باها و آنچه را پراکنده می کند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می کنند، از تو می خواهیم بر محمد و آلش درود فرستی و از تو خیر این آبادی و آنچه در آن استرا می خواهیم و از شر آن و شر آنچه در آن است به تو پناه می برم». محاسن، ص 374، ح 143.

2- ترجمه: «خداوندا، خیر و نیکی این آبادی را از تو خواهانم و از شر آن به تو پناه می برم. بار خدایا، از میوه هایش به ما بخوران و از بیماری های آن ما را پناه ده و ما را در نزد اهل آن و نیکان آن را در نزد ما محبوبگردان». مکارم الأخلاق، ص 260.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1333.

ص: 775

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برای تجارت

سوار بر کشتی شود، به روش مناسبی طلب روزی نکرده است». (1)

3. در روایات معتبر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از سوار شدن بر کشتی به هنگام تلاطم و هیجان دریا. (2)

(این روایات اشاره به زمانی است که کشتی ها بادبانی و کوچک و غیر مطمئن بود).

آداب و دعای سوار شدن کشتی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سوار بر کشتی می شوی بگو: (بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (3) و چون دریا متلاطم

شود بر جانب چپ تکیه و با دست راست به سوی موج اشاره کن و بگو: قَرِّ بِقَرَارِ اللَّهِ وَأَسْكِنِي بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (4)

و در برخی روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگو: «بِسْمِ اللَّهِ، أَسْكُنُ بِسَكِينِهِ اللَّهُ وَقَرُّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَأَهْدَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (5)

راوی گوید: من مکرر سوار بر کشتی شدم و در وقت تلاطم امواج دریا به این دستور عمل کردم و تلاطم دریافرونشست به گونه ای که گویی هرگز متلاطم نبود. (6)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هنگام سوار شدن

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1336.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1335.

3- ترجمه: «به نام خدا سوار بر آن شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد او کنید، که پروردگرم آمرزنده و مهربان است».
سوره هود، آیه 41.

4- ترجمه: «قرار گیر به قرار خدا و آرام شو به آرامش الهی و هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به واسطه خدای الوابزرگ نیست».
کافی، ج 3، ص 471، ح 5.

5- شبیه ترجمه سابق است.

6- تفسیر قمی، ج 2، ص 282؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 243، ح 25.

ص: 776

بر کشتی صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه ظالمان آل محمد را به این ترتیب «اللَّهُمَّ الْعَنُ مَنْ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ» لعنت کند. سپس این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى الصَّادِقِينَ مِنْ آلِهِ. اللَّهُمَّ أَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَعَظِّمْ أَجُورَنَا. اللَّهُمَّ بِكَ أَنْتَشَرْنَا وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْنَا وَبِكَ آمَنَّا وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْنَا وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَائُنَا وَنَاصِرُنَا، لَا تَحِلَّ بِنَا مَا لَا نُحِبُّ. اللَّهُمَّ بِكَ نَحِلُّ وَبِكَ نَسِيرُ. اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَعْظِمْ

عَافَيْتَنَا، أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْأَمَالِ وَأَنْتَ الْحَامِلُ فِي الْأَمَاءِ وَعَلَى الظُّهْرِ (وَقَالَ أَرْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (1) «وَمَا

قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ). (2) اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرٌ مَنْ وَقَدَّ إِلَيْهِ الرَّجَالُ، فَأَنْتَ سَيِّدِي

أَكْرَمُ مَرْوَرٍ وَأَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَاغِدٍ تُحْفَهُ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَشْكُرُ سَعْيِي وَأَرْحَمُ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي بَغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ أَنْ جَعَلْتَ لِي سَبِيلًا إِلَى زِيَارَةِ وَلِيِّكَ وَعَرَفْتَنِي فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، حَتَّى بَلَّغْتَنِي هَذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَمْلُتْكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَاجْعَلْ مَسِيرِي هَذَا كَفَّارَةً لِذُنُوبِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (3)

1- سوره هود، آیه 41.

2- سوره زمر، آیه 67.

3- ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). درود بر محمد رسول خدا و بر راستگویان از آلشباد. بار خدایا، مسیر ما را نیکو و مزد ما را بزرگ گردان. بار خدایا، به یاری تو می رویم و به تو روی می آوریم و بهتو ایمان داریم و به ریسمان تو چنگ زدیم و بر تو توکل کردیم. بار خدایا، تو محلّ اعتماد و امیدواری و یاورمایی، آنچه را خوش نداریم بر ما روا مدار، به امید تو بیرون آمده ایم و با کمک تو سفر می کنیم. بار خدایا، راه را بر ما آسان گردان و عافیت ما را بزرگ بدار که تو جانشین ما در خانواده و مال ما هستی و تو ما را در دریا و خشکی حمل می کنی و او (نوح) گفت: «به نام خدا بر کشتی سوار شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد او کنید که پروردگار آمرزنده و مهربان است. آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناخته اند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمان ها پیچیده در دست اوست. خداوند منزّه و برتر است از شریک هایی که برای او می پندارند. خدایا، تو بهترین کسی هستی که مردم به سوی او کوچ می کنند. تو ایاقای من، بهترین زیارت شده و بهترین مقصدی و برای هر زیارت کننده ای کرامت و بزرگواری قرار داده ای و برای هر واردشونده هدیه ای، از تو می خواهم که هدیه مرا آزادی از آتش جهنّم قرار دهی. تلاش من را جبران کنی و در مسیرم به من رحم کن، در حالی که منّتی بر تو ندارم؛ و تو بر من منّت داری که مرا به زیارتت خود توفیق دادی و فضیلت او را به من شناساندی و در شب و روز مرا حفظ کردی، تا اینکه مرا به اینمکان رساندی. به تو امیدوارم، امید مرا قطع نکن. آرزومندم، آرزویم را به نومیدی نکشان و این سفر را کفّار هگناهمم قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 103 و 104.

سید بن طاووس گوید: اگر هدفش از سفر، غیر زیارت باشد عبارات را به گونه ای تغییر دهد که مناسب سفرش باشد. (1)

دعا به هنگام ترس از غرق شدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از غرق شدن بترسد این دعا را بخواند: (بِسْمِ اللَّهِ
مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (2) بِسْمِ اللَّهِ

الْمَلِكِ الْحَقِّ (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که از غرق شدن بترسد بگوید: (اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (4) وَمَا قَدَرُوا
اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ

يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ). (5) « (6)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 104.

2- سوره هود، آیه 41. ترجمه آن در دعای قبل گذشت.

3- سوره زمر، آیه 67. ترجمه آن در ضمن دعای قبل گذشت. خصال، ج 2، ص 410؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 243، ح 24.

4- ترجمه: «ولیّ و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می کند». سوره اعراف، آیه 196.

5- ترجمه آن گذشت.

6- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 110.

ص: 778

ذکر ودعای عبور کردن از پل

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «بر روی هر پلی شیطانی است، چون به آن نقطه رسیدید بسم الله بگوئید تا از شما دور شود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که بر پل قدم می گذارید بگوئید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ». (2)

آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر

خواندن دعای سفر

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مؤمنان وداع می کرد می فرمود: زَوَّدَكُمْ التَّقْوَى وَوَجَّهَكُمْ إِلَى كُلِّ

خَيْرٍ وَقَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى سَالِمِينَ». (3)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مسافری وداع می کرد دست او را گرفته، می فرمود: أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ الْحُزُونََ وَقَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَكَفَاكَ أَلْمَهُمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ، عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، سِرُّ عَلَى بَرَكَهِ اللَّهِ». (4)

1- محاسن، ص 373، ح 138؛ کافی، ج 4، ص 287، ح 3.

2- ترجمه: «به نام خدا. خدایا، شیطان رانده شده را از من دور کن». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 102.

3- ترجمه: «خداوند تقوا را توشه سفرتان سازد و شما را به سوی هر خیری رهنمون کند و همه حاجاتتان را برآورده گرداند و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را به سلامت به سوی خانواده و دوستانتان در حالیکه آنها نیز سالم باشند بازگرداند». محاسن، ص 354، ح 46؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180، ح 805.

4- ترجمه: «خداوند دوستانت را نیکو قرار دهد و یاری تو را کامل گرداند و سختی را بر تو آسان و دور را بر تو نزدیک و مشکلات تو را کفایت و دین و امانت تو را حفظ و پایان کار تو را به خیر کند و تو را به هر خوبیرهمنمون سازد. تو را به تقوای الهی سفارش می کنم. تو را به خدا می سپارم. با برکت از سوی خدا حرکت کن». محاسن، ص 354، ح 47؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180، ح 806.

ص: 779

3. در روایتی دیگر آمده است که در این وقت می فرمود: «أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجْهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَدَكَ التَّقْوَى وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ». (1)

4. جمعی برای خداحافظی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدند، حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَدْنَبْنَاهَا وَنَحْنُ مُذْنِبُونَ وَتَبَّتْنا وَأَيَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْأَخْرَةِ وَالْدُنْيَا وَعَافِنَا وَأَيَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ فِي سَتِّينَا هَذِهِ وَالْمُسْتَقْبَلَةِ وَعَجَّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِيَّيْهِمْ وَأَخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا». (2)

مشایعت کردن و استقبال از مسافر

1. در احادیث معتبر آمده است که: «مشایعت کردن و استقبال از مؤمنان مستحب است و برای این منظور، مؤمنین می توانند به مقداری بروند که نمازشان شکسته و روزه آنها افطار شود (به مقدار 21/5 کیلومتر که مسافت شرعی است)». (3)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسی

1- ترجمه: «دین و امانت و پایان کار تو را به خدا می سپارم، هر جا که روی می آوری خداوند تو را به کار خوب رهنمون سازد و تقوا را توشه تو قرار دهد و گناهان تو را بیامرزد». محاسن، ص 354، ح 49.

2- ترجمه: «بار خدایا، گناهان ما را بیامرز در حالی که ما گناهکاریم. وما و آنان را در دنیا و آخرت به گفتار ثابت و پابرجا ثابت قدم گردان و ما و ایشان را از شری که در میان بندگان و در شهرهایت و در این سال و در سال آینده مقدر کرده ای حفظ کن و در یاری خاندان محمد و دوستانش تعجیل کن و دشمنانشان را به زودیرسو گردان». محاسن، ص 355، ح 52.

3- کافی، ج 4، ص 129، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 285، ح 1299.

ص:780

که از مکه بازمی گشت می فرمود: قَبِلَ اللهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَعَفَرَ ذَنْبَكَ». (1)

3. در حدیث است هنگامی که جعفر طیار از حبشه بازگشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به سینه چسبانید و میان دو چشمش را بوسید. وزمانی که اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یکدیگر می رسیدند مصافحه می کردند. و هنگامی که کسی از آنان از سفر می آمد، دیگران دست در گردنش می انداختند. (2)

4. در حدیثی دیگر می خوانیم: «هر کس دست در گردن حاجی کند، در حالی که هنوز گرد راه را از خود نشسته، گویی حجرالأسود را بوسیده است». (3)

سوغاتی آوردن و آداب پس از سفر

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که از سفر بازمی گردد برای خانواده اش سوغاتی بیاورد، اگر چه قطعه سنگی باشد». (4)

2. در حدیث است که: «هرگاه مسافر از سفر برگشت سزاوار است قبل از هر کاری غسل کند و دو رکعت نماز بخواند، سپس به سجده رود و صد بار شکر الهی را به جا آورد». (5)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که بر مسافر مستحب است پس از بازگشت از سفر، برادران مؤمن خود را به میهمانی بخواند. (6)

1- ترجمه: «خداوند (اعمال و عبادات تو را) قبول کند و هزینه هایی را که در سفر متحمل شدی جایگزین فرماید و گناهانت را ببخشد». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 196، ح 891.

2- مکارم الأخلاق، ص 261 و 262.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 196، ح 892؛ مکارم الأخلاق، ص 261.

4- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 277، ح 279؛ مکارم الأخلاق، ص 266.

5- مکارم الأخلاق، ج 1، ص 555، ح 1917.

6- محاسن، ص 417، ح 181؛ کافی، ج 6، ص 281، ح 3.

ص: 781

آداب اسب سواری و تیراندازی

مسابقات

اسب سواری

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب خود دستور داد مسابقه اسب سواری برگزار کنند و جایزه آن را از مال خود قرار داد. (1)

2. در روایتی دیگر آمده است که بر صد و پنجاه مثقال نقره شرط بندی کردند. (2)

3. در روایات معتبر آمده است که حضرت در مسابقه اسب سواری شرکت کردند که مبلغ جایزه آن حدود بیست و یک مثقال نقره بود. (3)

تیراندازی

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مسابقه اسب سواری و تیراندازی برگزار کنید و اگر مسابقه تیراندازی برگزار کنید آن را بیش از مسابقه اسب سواری دوست می دارم. (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر نوع بازی و سرگرمی و لپهوی که مؤمن انجام دهد باطل است، مگر در سه چیز: تعلیم و تربیت اسب (برای مسابقه)، تعلیم و فراگیری تیراندازی، ملاعبه با همسر که اینها باطل نیست. و بی شک هر تیری که در راه خدا انداخته شود، خداوند سه کس را می آمرزد: کسی که آن تیر را ساخته، کسی که آن تیر را به مجاهد رسانده، مجاهدی که از آن تیر استفاده کرده است.» (5)

1- قرب الإسناد، ص 88، ح 277.

2- در حدیث آمده است هفت «اوقیه» که هر اوقیه بیست و یک مثقال است و مجموعاً حدود صد و پنجاه مثقالی شود. قرب الإسناد، ص 122 ذیل حدیث 455.

3- کافی، ج 5، ص 49، ح 7.

4- کافی، ج 5، ص 50، ح 13.

5- کافی، ج 5، ص 50، ذیل حدیث 13.

شترسواری

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از جنگ تبوک با اسامه بن زید مسابقه شترسواری گذاشت. (1)

توضیح: البته روشن است که ساحت مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بازی و مسابقه و شرط بندی پاک و مبراست، ولی برای تقویت دین و تشویق مسلمانان به جهاد و دفاع از کیان اسلام و جلوگیری از تسلط اشرار و کفار و مشرکان و منافقان بر جان و ناموس و مال مسلمانان و دفع خطر بیگانگان و اثبات مشروعیت مسابقه اسب سواری و تیراندازی این کار را انجام می داد.

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که ملائکه به هنگام شرط بندی از آن محل گریخته و کسانی را که شرط بندی می کنند نفرین می کنند، مگر در مورد مسابقه حیوانات و تیراندازی. (2)

کشتی

در حدیثی معتبر می خوانیم که: «شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خانه حضرت فاطمه علیها السلام به نوه های عزیز خود فرمود: برخیزید و کشتی بگیرید آنها مشغول کشتی شدند و حضرت فاطمه علیها السلام برای انجام دادن کاری از اتاق بیرون رفت. هنگام بازگشت متوجه شد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول تشویق امام حسن علیه السلام است. فاطمه علیها السلام گفت: پدر، کار عجیبی می کنید که بزرگ تر را تشویق می کنید. حضرت فرمود: دخترم، جبرئیل مشغول تشویق حسین است و من حسن را تشویق می کنم». (3)

1- قرب الإسناد، ص 122، ح 455.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 42، ح 136.

3- امالی صدوق، ص 445 و 446.

ص: 783

دفاع و جهاد

1. در احادیث معتبر آمده است: کسی که برای دفاع از آبرو یا مال خود کشته شود شهید است. (1)
2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جهاد باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما می شود». (2)
3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال جهاد را (با شرایطش) واجب کرده و بزرگ شمرده و آن را عامل یاری گردانیده است. به خدا قسم، دین و دنیا (ی شما) جز با جهاد اصلاح نمی شود». (3)
4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس پیغام جهادکننده را به اهلش برساند، گویی برده ای را آزاد کرده و در ثواب جهاد آن رزمنده شریک است». (4)
5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تمام خیرها در شمشیر وزیر سایه شمشیر است (به هنگام جهاد با دشمن) و شمشیر اهل حق، کلید بهشت و شمشیر اهل باطل، کلید جهنم است». (5)
6. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «یکی از درهای بهشت «باب المجاهدین» نام دارد. آنها که در راه خدا جهاد کرده اند به سوی آن رفته، آن در به روی آنها گشوده می شود و ملائکه به آنها خوشامد می گویند». (6)
7. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که خبر تجاوز لشکر معاویه به شهر «انبار» را دریافت کرد خطبه ای به شرح زیر ایراد فرمود :

1- کافی، ج 5، ص 52، ح 1 - 5.

2- کافی، ج 5، ص 8، ح 13.

3- کافی، ج 5، ص 8، ح 11.

4- کافی، ج 5، ص 8، ح 9؛ تهذیب، ج 6، ص 134، ح 9.

5- کافی، ج 5، ص 2، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 134، ح 6.

6- کافی، ج 5، ص 2، ح 2.

ص: 784

«جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. مردمی که از جهاد روی برگردانند خداوند لباس ذلت بر تن آنها می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد، کوچک و خوار می شوند، عقل و فهمشان تباه می گردد، و به سبب تزییع جهاد، حق آنها پایمال می شود و نشانه های ذلت در آنها آشکار می گردد و از عدالت محروم می شوند.

آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار شما را به مبارزه با این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم: پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان

نبرد کنید.

به خدا سوگند، هر ملتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً دلیل خواهد شد (و تنها جمعیتی در نبرد با دشمنان پیروز می شود که به استقبال آنها بشتابد)، ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری من برداشتید و هر یک به دیگری واگذار کردید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.

اکنون بشنوید: (یکی از فرماندهان لشکر غارتگر معاویه از) بنی غامد به (شهر مرزی) انبار حمله کرده و نماینده و فرماندار من، حسان بن حسان بکری را کشته و سربازان و مرزبانان شما را از آن سرزمین بیرون رانده است.

به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و غیر مسلمانی که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبد و گوشواره های آنها را از نشان بیرون آورده است... .

در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته اند، آنها با غنیمت فراوان برگشته اند، بدون اینکه حتی یک تن از آنها زخمی و یا قطره ای خون از آنها ریخته شود.

ص: 785

اگر بر اثر این حادثه، مسلمانی از روی تأسف بمیرد سرزنش نخواهد شد و از نظر من سزاوار و به جاست.

شگفتا! شگفتا! به خدا سوگند، این حقیقت قلب انسان را می میراند و اندوه می آفریند که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند و شما در راه حق این چنین پراکنده و متفرق.

روی شما زشت باد! و همواره غم و غصه قرینتان باد که شما هدف حملات دشمن قرار گرفته اید. پی در پی به شما حمله می کنند و شما به حمله متقابل دست نمی زنید. با شما می جنگند و شما نمی جنگید. این گونه معصیت خدا می شود و شما (با عمل خود) به آن رضایت می دهید.

هرگاه در ایام تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن دادم، گفتید: اندکی ما را مهلت ده تا سوز گرما فرو نشیند. و اگر در سرمای زمستان این دستور را به شما دادم، گفتید: اکنون هوا فوق العاده سرد است بگذار سوز سرما آرام گیرد. همه این بهانه ها برای فرار از سرما و گرما بود.

شما که از سرما و گرما (وحشت دارید) و می گریزید، به خدا سوگند از شمشیر (دشمن) بیشتر فرار خواهد کرد.

ای کسانی که به مردان می مانید ولی مرد نیستید! ای کودک صفتان بی خرد! وای عروسان حجله نشین! (که جز عیش و نوش به چیزی نمی اندیشید) چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی دیدم و نمی شناختم، همان شناسایی که سرانجام مرا این چنین ملول و ناراحت ساخت. خدا شما را بکشد که این قدر خون به دل من کرده و سینه ام را مملو از خشم ساخته و کاسه های اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید. با سرپیچی و یاری نکردن، طرح های مرا (برای سرکوبی دشمن و ساختن یک جامعه آباد اسلامی) تباه کردید، تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابوطالب مردی است شجاع، ولی از فنون جنگ آگاه نیست... .

ص: 786

خدا خیرشان دهد! آیا هیچ یک از آنها از من با سابقه تر و پیشگام تر در این میدان ها بوده است؟ من آن روز گام در میدان نبرد گذاشتم که هنوز بیست سال از عمرم نگذشته بود و هم اکنون از شصت گذشته ام، ولی آن که فرمانش را اجرا نکنند، طرح و نقشه ای ندارد (و هر اندازه فکر او بلند و نقشه اش دقیق باشد هرگز به جایی نمی رسد)». (1)

تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری و تیراندازی

جایزه دهندگان و جایزه گیرندگان

1. در مسابقات تیراندازی و اسب سواری که شرط بندی جایز است، باید جایزه را برای کسی قرار دهند که برنده می شود؛ پس اگر برای کسی قرار دهند که عقب مانده جایز نیست.

2. همچنین جایز نیست برای کسی که در مسابقه شرکت ندارد جایزه قرار داده شود؛ بنابراین، اگر دو تن از تماشاگران در مورد مسابقه اسب سواری یا تیراندازی شرط بندی کنند جایز نیست.

3. اگر رئیس حکومت اسلامی از بیت المال مسلمین شرط کند که هر کس در مسابقه اسب دوانی یا در مسابقه تیراندازی برنده شود فلان مقدار جایزه می دهد، این کار جایز است.

4. همچنین اگر شخص سومی (غیر از رئیس حکومت اسلامی) بگوید: این مبلغ از اموالم برای کسی است که در مسابقه اسب سواری یا تیراندازی برنده شود، اشکالی ندارد.

5. در صورتی که مسابقه دهندگان هر کدام مبلغی بگذارند و شرط کنند که هر کس در این مسابقه برنده شد تمام این مبلغ مال او باشد، این کار جایز است.

1- نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ص 117، خطبه 27.

ص: 787

شرایط مسابقه اسب سواری

مطابق نظر مشهور علما، در مسابقه اسب سواری ده چیز شرط است :

1. ابتدا وانتهای مسیر مسابقه معلوم باشد تا هر اسبی که در آن مسیر از همه پیشی گرفت برنده باشد.

2. مقدار و نوع جایزه معلوم و مشخص باشد و هیچ ابهامی نداشته باشد.

3. حیواناتی که قرار است در مسابقه شرکت کنند با دیدن مشخص شوند.

البته برخی علما معتقدند که اگر اوصاف و ویژگی های آن نیز معین شود کافی است و رؤیت لازم نیست.

4. احتمال بُرد هر یک از حیوانات شرکت کننده وجود داشته باشد و به بیان دیگر، همه اسب ها در شرایط مساوی باشند؛ بنابراین، اگر اسب بسیار ضعیف و لاغر با اسب بسیار تندرو و قوی مسابقه دهد که معمولاً نمی تواند بر آن پیشی بگیرد جایز نیست.

5. حیواناتی که در مسابقه شرکت می کنند از یک جنس باشند. مثلاً هر دو اسب یا استر باشند. پس اگر اسب را با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازانند جایز نیست؛ البته در این شرط اختلاف نظر وجود دارد و نزد فقیر ثابت نیست.

6. طبق نظر مشهور علما هر دو باید همزمان حرکت کنند، پس اگر شرط کنند که یکی زودتر حرکت کند جایز نیست.

7. اسب ها باید با سوارکار در مسابقه شرکت کنند، پس اگر بدون سوارکار شرکت کنند جایز نیست.

8. مسافت مسابقه به قدری باشد که قبل از رسیدن به خطّ پایان، چهارپایان از ادامه دادن مسیر ناتوان نباشند.

9. سوارکاران باید مرد باشند، نه زن.

10. هر دو به هنگام تاختن مساوی یکدیگر ایستاده باشند؛ البته در این شرط

ص:788

اختلاف نظر وجود دارد و اظهر آن است که اگر یکی پیش تر از دیگری ایستاده باشد اشکالی ندارد.

نام اسب های مسابقه

در لغت عرب برای هر یک از اسب هایی که رتبه اول تا دهم را کسب کرده اند، نام خاصی وجود دارد :

1. مُجَلِّي: اسبی که مقام اول را کسب کرده است.

2. مُصَلِّي: اسبی که به مقام دوم دست یافته است.

3. تالی: اسبی که در جایگاه سوم قرار گرفته است.

4. بارع: اسبی که به مقام چهارم رسیده است.

5. مُرْتاح: اسبی که مقام پنجم را کسب کرده است.

6. حَظِّي: اسبی که ششم شده است.

7. عاطف: اسبی که به مقامی بهتر از هفتمی نرسیده است.

8. مُؤَمِّل: اسبی که حائز رتبه هشتم شده است.

9. لطیم: اسبی که در جایگاه نهم قرار گرفته است.

10. فِشکِل: اسبی که از همه عقب تر بوده است. (1)

برای مقام های اول تا نهم می توان جایزه قرار داد اما برای اسبی که آخر از همه قرار گرفته جایز نیست. بنابراین، اگر همه اسب ها همزمان به خطّ پایان برسند به هیچ کدام جایزه ای تعلق نمی گیرد.

شرایط تیراندازی

مسابقات شمشیرزنی ونیزه پرانی وتیراندازی، هر سه جایز است ودر

1- عِلّت نامگذاری اسب های دهگانه را به این نام ها در کتاب جواهر الکلام (ج 28، ص 213 و 214) مطالعه فرمایید.

ص:789

تیراندازی مطابق نظر مشهور چند چیز شرط است :

1. از ابتدا مشخص کنند که چند تیر به هدف بخورد برنده است.

2. نیز مشخص شود تیرهایی که به هدف می خورد از میان پرتاب چند تیر باشد (مثلا بگویند: هر کس پنج تیر از میان ده تیری که پرتاب می کند به هدف بزند برنده است).

3. چگونگی و کیفیت اصابت تیر به نشانه را که شرحش خواهد آمد، مشخص کنند.

4. مقدار مسافت تیرانداز از نشانه مشخص شود.

5. اندازه نشانه و محلی که تیر باید به آن موضع اصابت کند نیز مشخص شود.

6. کمان و تیر هر دو از یک جنس باشد؛ البته فقها در این شرط اختلاف نظر دارند واقوی آن است که چنین شرطی معتبر نیست. اما اتّفاقی در کار نیست

که کمان و تیر معینی را شرط کنند، بلکه بعضی گفته اند اگر شرط تعیین نکنند باطل است.

7. مسابقه به شکل «مبادرت» یا به روش «محاطه» صورت گیرد. منظور از «مبادرت» آن است که شرط کنند هر کس از مجموع بیست تیری که دو تیرانداز پرتاب می کنند پنج تیرش به هدف اصابت کند برنده است، پس اگر نفر اول پنج تیر از ده تیر و نفر دوم چهار تیر از ده تیر را به هدف بزند، نفر اول برنده است و اگر هر یک از آنها پنج تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نخواهد بود و منظور از «محاطه» آن است که شرط کنند هر کس پنج تیر از دیگری بیشتر به هدف بزند برنده است؛ بنابراین، اگر هر کدام بیست تیر پرتاب کند و نفر اول پانزده تیر به هدف بزند و نفر دوم ده تیر، نفر اول که پنج تیر بیشتر به هدف زده برنده است و اگر یکی چهارده تیر و دیگری ده تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نیستند. احتیاط آن است که از ابتدا مشخص کنند که به کدام یک از دو روش بالا مسابقه خواهند داد تا به فتوای همه فقها صحیح باشد.

ص: 790

اقسام نشانه گیری

در مسابقه تیراندازی زدن به نشانه انواع واقسامی دارد :

1. حابی، یعنی ابتدا تیر به زمین بخورد، سپس کمانه کند و به نشانه اصابت کند.

2. خاصر، یعنی تیر بر یکی از دو طرف سیل متصل شود.

3. خازق، یعنی تیر نشانه را زخمی کند، ولی در آن فرو نرود.

4. خاسق، منظور از آن این است که نشانه را سوراخ کند و تیر در آن بماند.

5. مارق، یعنی تیر نشانه را سوراخ کند و از آن عبور نماید.

6. خارم، بدین شکل که پهلوهای نشانه را بدرد، ولی در میان نشانه

فرو نرود. (1)

با توجه به اقسام ششگانه هدف گیری، باید از اول معین کنند که به چه شکلی نشانه را هدف بگیرند و اگر شرط کنند که تیر بر نشانه فرو رود و چنان بزند که تیر نشانه را سوراخ کرده و از سمت دیگر آن عبور کند برنده است. همچنین هر مرحله پست تری شرط شود، ولی تیرانداز به شکل بهتری بزند برنده است. اما در صورت عکس (یعنی مرحله عالی تر شرط شود و تیرانداز مرحله پایین تر را بزند) برنده نخواهد بود.

و احتیاط آن است که در ابتدا صیغه عقد مسابقه جاری شود. یعنی یکی از مسابقه دهندگان این عقد را با شرایطی که ذکر شد بر زبان جاری کند و دیگری قبول کند و مستحب است به هنگام تیراندازی واسب سواری هدف فقط بازی و گذراندن

وقت نباشد، بلکه هدف ورزش در راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت از شیعیان در مقابل ظالمان باشد، تا ثوابی عظیم ببرد.

1- علت نامگذاری اقسام ششگانه هدف گیری به نام های مزبور را در کتاب جواهر الکلام (ج 28، ص 216 و 217) مطالعه فرمایید.

ص: 791

خاتمه: برخی آداب متفرقه و فواید سودمند

اشاره

1. آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*

2. علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه

3. عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه

4. عوامل فقر و غنی

5. اشعار ممدوح و مذموم

6. مجازات لواط در دنیا و آخرت

7. پندهای امام صادق علیه السلام

8. برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

9. محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت

10. «مساحقه» (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن

11. مسلمانان کافر!

12. مست همچون بت پرست است

13. موسیقی و قمار

14. مناهی النَّبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

ص:792

ص:793

آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن *إِنْ شَاءَ اللهُ*

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیاری از اوقات اتفاق می افتد که برخی شیعیان ما به هنگام شروع کارهایشان *«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»* را فراموش می کنند، بدین سبب خداوند متعال آنها را به مشکلی گرفتار می سازد تا متنّبّه شوند و شکر و ثنای الهی را به جای آورند و با این کار، آن مشکل برطرف و کوتاهی شان بخشوده می شود؛ بنابراین، انسان باید هر کاری را با *«بِسْمِ اللهِ»*

آغاز کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را از خوردن میوه درخت ممنوعه بهشتی منع کرد، وی بدون گفتن ان شاءالله گفت: این کار را نخواهم کرد. سپس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون رانده شد. بدین رو، خداوند به پیامبرش فرمود: (وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ اِنِّيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا * اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ) (2) یعنی هرگاه ان شاءالله

را فراموش کردی هر زمان یادت آمد بگو، اگرچه بعد از یک سال باشد». (3)

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 22، ح 7.

2- ترجمه: «هرگز در مورد کاری نگو: فردا آن را انجام می دهم. مگر اینکه خدا بخواهد و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور». سوره کهف، آیات 23 و 24.

3- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 324، ح 15.

ص: 794

علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «نه عمل موجب غلبه فراموشی می شود، از جمله آنها خوردن سیب ترش و خوردن پنیر و گشنیز فراوان و حجامت کردن در گودی پشت گردن است». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز باعث تقویت حافظه می شود: مسواک کردن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن». (2)

عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه

1. در حدیث است که: «روزی حضرت علی علیه السلام غمگین شد. فرمود: نمی دانم به چه علت غمگین شده ام، در حالی که در آستانه ودرگاه در ننشسته ام واز میان گله گوسفندان عبور نکرده ام وزیر جامه را ایستاده نپوشیده ام ودست وصورت خود را با لباسم خشک نکرده ام». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ده چیز اندوه را برطرف می کند: پیاده روی، سوارکاری، سر زیر آب بردن، نگاه کردن به سبزه زار، غذا خوردن ونوشیدن آب، آمیزش، مسواک زدن، شستن سر با گل خطمی، نگاه کردن به زوجه مقبول، سخن گفتن با افراد باشخصیت». (4)

عوامل فقر وغنی

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چند چیز باعث فقر وپیشانی وچند چیز موجب توانگری وغنی می شود. چیزهایی که باعث فقر

1- خصال، ج 2، ص 189، ح 18؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 319، ح 1.

2- سفینه البحار، ج 4، ص 340. ولی به جای صیام (روزه) لبان (کندر) آمده است.

3- خصال، ج 1، ص 212، ح 52؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 321، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 210، ح 27؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 322، ح 3.

ص:795

می شود: وجود تار عنكبوت در خانه، ادرار کردن در حمام، خوردن چیزی در حال جنابت، خلال کردن با چوب گز، ایستاده شانه کردن، نگهداری خاکروبه در خانه، قسم دروغ، زنا کردن، اظهار حرص کردن، خوابیدن بین نماز مغرب وعشا، خوابیدن پس از نماز صبح وقبل از طلوع آفتاب، دروغ گفتن، بسیار گوش دادن موسیقی، کمک نکردن به مردی که در شب تقاضای کمک می کند، زیاده روی کردن در مخارج، قطع صلہ رحم با خویشاوندان.

و آنچه باعث توانگری و بی نیازی می شود: نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواندن، خواندن تعقیبات بعد از نماز صبح و عصر، صلّه رحم، جاروب کردن حیاط منزل، کمک مالی به برادر مؤمن، صبحگاهان به طلب روزی رفتن، استغفار بسیار، خیانت نکردن در مال مردم، سخن حق و راست گفتن، تکرار جملات مؤذن به هنگام گفتن اذان، سخن نگفتن در حاجتگاه، حرص نداشتن در طلب دنیا، قدردانی و تشکر از کسی که نعمتی بر گردن انسان دارد، اجتناب از قسم دروغ، وضو گرفتن قبل از غذا، خوردن ریزه نان هایی که از سفره می ریزد، روزی سه مرتبه سبحان الله گفتن. با این کار خداوند هفتاد نوع بلا را دور می کند که کمترین آن فقر و پریشانی است». (1)

(ممکن است منظور از جمع بین صلاتین این باشد که وقتی نماز مغرب را خواند در مسجد بنشیند و مشغول ذکر و دعا و قرآن باشد تا وقت فضیلت نماز عشا برسد، سپس نماز عشا را بخواند، آن گونه که برخی اهل تسنن انجام می دهند).

اشعار ممدوح و مدموم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در مدح اهل بیت علیهم السلام بیت شعر بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا می کند». (2)

1- خصال، ج 2، ص 276 - 278، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 76، ص 314، ح 1.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 1.

ص: 796

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در مدح ما اهل بیت بییتی شعر بگوید، از جانب روح القدس تأیید می شود». (1)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید، خداوند متعال برای او در بهشت شهری بنا کند که بزرگ تر از هفت برابر دنیا باشد. و هنگامی که وارد آن شهر شود هر ملک مقرب و هر پیامبر مرسلی به دیدن او می آیند». (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شکم کسی پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد». (3)

توجه: منظور از شعر در این روایت، اشعار مبتذل و عاشقانه و فسادانگیز و یا اشعار مدح و تملق گویی از ستمگران است.

مجازات لواط در دنیا و آخرت

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواهر و مادر لواط دهنده بر لواط کننده حرام می شود و در روز قیامت گلوی او را گرفته، به کنار جهنم می کشند تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود، سپس او را در آتش می اندازند و در هر طبقه از طبقات جهنم وی را عذاب می کنند تا به آخرین طبقات جهنم برسد. و لواط از زنا بدتر است، زیرا خداوند متعال هیچ امتی را به خاطر زنا نابود نکرد، ولی به خاطر لواط چند شهر را نابود کرد». (4)

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 2.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 3.

3- السرائر، ج 3، ص 633.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 278.

ص: 797

پندهای امام صادق علیه السلام

در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از حضرت درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود: «اگر خداوند عهده دار روزی مردم است، پس غم و غصه برای چیست؟ و اگر روزی ات از سوی خدا قسمت شده، پس حرص برای چیست؟ و اگر حساب قیامت حق است، مال اندوزی بی حساب برای چیست؟ و اگر آنچه را در راه خدا انفاق می کنی

خداوند عوض آن را می دهد، پس بخل ورزیدن چه جایگاهی دارد؟ واگر مجازات خدا به وسیله آتش جهنم است، نافرمانی خدا برای چیست؟ واگر مرگ حق است، شادی بیجا برای چیست؟ واگر همه چیز بر خدا عرضه می شود، مکر برای چیست؟ واگر شیطان دشمن تو است، غفلت از او برای چیست؟ واگر همه کس باید از صراط عبور کنند، عجب و خودستایی برای چیست؟ واگر همه چیز به قضا و قدر الهی است، اندوه برای چیست؟ واگر دنیا فانی است، دل به دنیا بستن برای چیست؟» (1)

برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «عابدترین مردم کسی است که آنچه را خدا بر او واجب کرده به جا آورد. وسخی ترین مردم کسی است که زکات مال خود را بپردازد. وزاهدترین مردم کسی است که آنچه را خدا حرام کرده ترک کند. وپرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق را بگوید، خواه به نفع او باشد یا به ضرر او. وعادل ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می پسندد برای مردم هم بیسندد و آنچه برای خود نمی پسندد برای دیگران هم نپسندد. وزیرک ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مرگ باشد.

1- امالی صدوق، ص 7، ح 5.

ص: 798

وحسودترین مردم کسی است که به زیر خاک رفته واز عقاب الهی ایمن شده وامید ثواب خدا داشته باشد. وغافل ترین مردم کسی است که از حوادث ودگرگونی های دنیا پند نگیرد. وقدرتمندترین مردم کسی است که دنیا نزد او ارزشی نداشته باشد. وداناترین مردم کسی است که علم مردم را با دانش خود جمع کند. وشجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. وبارزش ترین مردم کسی است که اعمال نیکش فراوان تر باشد. وکم بهاترین مردم کسی است که عملش کمتر باشد. وکم لذت ترین مردم کسی است که بر مردم حسد ورزد. وناراحت ترین مردم شخصی است که بخل ورزد. وبخیل ترین مردم کسی است که به آنچه خداوند بر او واجب کرده، بخل ورزد. وسزاوارترین مردم به حق کسی است که بیشتر به حق عمل کند. وبی حرمت ترین مردم انسان فاسق است. وفاسق ترین مردم پادشاهان ظالم اند. وپایین ترین مردم از نظر محبوبیت حاکمان ستمگرند. وفقیرترین مردم انسان طمعکار است. وبی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد. وبایمان ترین مردم کسی است که اخلاق نیکوتری داشته باشد. وگرامی ترین مردم پرهیزگارترین آنهاست.

وکسی قدرتش عظیم تر است که به سراغ کارهای بیهوده نرود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند، هر چند حق با او باشد. و بی مروت ترین مردم شخص دروغگوست. و شقی ترین مردم سلاطین ستمکارند و دشمن ترین مردم نزد خدا و خلق خدا متکبرانند. و کسی در طاعت الهی تلاش بیشتر کرده است که گناهان را ترک کرده باشد. و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد. و سعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان معاشرت کند. و عاقل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند. و سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند. و یاغی ترین مردم کسی است که شخصی که قصد کشتن او را نداشته به قتل

ص: 799

برساند و کسی که قصد زدن او را نداشته کتک بزند. و سزاوارترین مردم به عفو و بخشایش کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد و آلوده ترین مردم به گناه کسی است که در حضور مردم کارهای سفیهانه و در پشت سر آنها غیبت کند. و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند. و دوراندیش ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد. و بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند شوند». (1)

محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت بر سه گروه با نظر رحمت نمی نگرد و اعمالشان را قبول نمی کند و آنها را به عذابی دردناک دچار می سازد: منافقان (دوچهرگان)، کسانی که از فحش دادن و فحش شنیدن پروا نکنند، کسانی که خود چیزی داشته باشند ولی از مردم تقاضا کنند». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهشت بر هر دشنام دهنده کم حیایی که از آنچه می گوید و آنچه درباره اش می گویند پروا نکند، حرام است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می رسد، اما عاق والدین و کسی که به ناموس خود بی اعتناست آن را استشمام نمی کند». (4)

- 1- امالی صدوق، ص 20 و 21، ح 4.
- 2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 178، ح 67.
- 3- کافی، ج 2، ص 323، ح 3.
- 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 281، ح 1343.

ص: 800

مساحقه (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «زنان مساحقه گر را در روز قیامت حاضر می کنند، لباسی از آتش بر اندامشان پوشانده... و آنها را در جهنم می اندازند. و اول کسی که این عمل زشت را مرتکب شد از قوم لوط بود.»

(1)

مسلمانان کافر!

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ده گروه از امت من به خدای بزرگ کافرند: قاتل به ناحق (2)، جادوگر، دیوث (3)، هر که از پشت با زنی زنا کند، هر که با حیوان آمیزش کند، کسی که با محارمش نظیر مادر و خواهر جماع کند، هر که برای فتنه و فساد تلاش کند، کسی که به کفار سلاح بفروشد، هر که زکات مال خود را ندهد، کسی که حج بر او واجب شود و توانایی رفتن به حج را دارد و نرود». (4) (منظور از کافر در اینجا کفر ایمان نیست، بلکه کفر در عمل است).

مست همچون بت پرست است

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شراب مست شود و تا چهل روز پس از آن بمیرد، در پیشگاه خدا همچون بت پرست باشد». (5)

موسیقی و قمار

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس چهل روز در

1- کافی، ج 5، ص 551 و 552، ح 2.

2- در نسخه بحار الأنوار به جای «قتال»، «قتات» به معنای «بهتان زن، تهمت زن» آمده است.

3- مردی که نسبت به رابطه جنسی زن خود با مردان دیگر تعصب و غیرت نداشته باشد. مردی که براید ریافت پول، زن خود را به همخوابگی با مردان دیگر وادار کند (فرهنگ متوسط دهخدا، ج 1، ص 1408).

4- خصال، ج 2، ص 217، ح 43؛ بحار الأنوار، ج 72، ص 121، ح 18.

5- بحار الأنوار، ج 79، ص 127؛ قرب الإسناد، ص 155.

ص: 801

خانه اش طنبور بنوازند، خداوند متعال شیطانی بر وی مسلط می کند و هیچ عضوی از اعضای او باقی نمی ماند مگر اینکه شیطان بر آن بنشیند و در این صورت حیا از وی رخت برمی بندد و نسبت به آنچه می گوید و می شنود پروا نمی کند و غیرت از وی زایل می گردد...». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کیوتر در آواز خود بر کسانی که ساز می زنند و کنیزان خواننده را نگهداری می کنند و عود و نی می نوازند نفرین می کند». (2)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس چهل روز در خانه اش طنبور، عود، یا یکی دیگر از آلت های ساز یا نرد یا شطرنج نگهداری کند، مستحقّ خشم الهی می شود. و اگر در این چهل روز بمیرد، فاجر و فاسق از دنیا می رود و جای او در جهنّم خواهد بود.» (3)

4. در حدیث است که در مورد تفسیر آیه شریفه (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) (4) از امام صادق علیه السلام پرسیدند. فرمود: «منظور از اوثان (بت ها)

شطرنج و منظور از قول زور (گفتار باطل) غنا و خوانندگی است و نرد از شطرنج بدتر است. اما شطرنج، نگهداری آن کفر، بازی کردن با آن شرک و تعلیم دادنش به دیگران گناه کبیره هلاک کننده و سلام کردن بر کسی که با آن بازی می کند گناه است. و کسی که دست در صفحه شطرنج بگرداند گویا دست در میان گوشت خوک کرده،... و کسی که با نرد قمار بازی کند مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسی که قمار و برد و باخت مالی کند، گویی دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته است. و انگشتر بازی و بازی با تخته ای که بر رویش

1- کافی، ج 6، ص 433، ح 14.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 246.

3- فقه الرضا علیه السلام، ص 282.

4- ترجمه: «از بت های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید». سوره حج، آیه 30.

ص: 802

ریگ هایی می چینند و بازی می کنند و امثال آن جایز نیست. و تمام اینها حتی گردوبازی کودکان (که در آن برد و باخت مالی بوده باشد) قمار محسوب می شود.» (1) (آنچه در بالا درباره شطرنج آمد مربوط به زمانی است که جزء آلات قمار

محسوب شود و یا با آن برد و باخت مالی کنند).

مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله از خوردن در حال جنابت نهی کرد و فرمود: «این کار فقر و پریشانی در پی خواهد داشت».

واز گرفتن ناخن با دندان و مسواک کردن در حمام و انداختن آب بینی در مساجد و خوردن نیم خورده موش نهی کرد و فرمود: «مساجد را محلّ رفت و آمد خود قرار ندهید، بدین گونه که از دری وارد واز در دیگر خارج شوید، مگر اینکه دو رکعت نماز (تحیّت) در آن بخوانید».

واز ادرار کردن زیر درخت میوه دار، یا در میان راه نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه با دست چپ، یا در حالی که بر پهلو تکیه کرده، چیزی بخورند.

واز گچ کردن بر قبور و نماز خواندن در قبرستان نهی کرد.

و فرمود: «هر کس که در فضای باز غسل می کند مراقب باشد عورتش آشکار نشود».

ونهی کرد از آب خوردن از کناره دسته کوزه که محلّ اجتماع چرک هاست.

واز ادرار کردن در آب راکد (ایستاده) که باعث زوال عقل می شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه کسی با یک لنگه نعلین (کفش) راه برود، یا ایستاده نعلین بپوشد.

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 41 و 42، ح 135.

ص: 803

واز اینکه کسی روبه روی خورشید یا ماه ادرار کند نهی کرد و فرمود: «هنگامی که داخل حاجتگاه می شوید رو به قبله یا پشت به آن ننشینید».

ونهی کرد از گریه بلند ونوحه (شیون) کردن در مصیبت ها.

وزنان را از رفتن به تشییع جنازه نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه چیزی از قرآن را با آب دهان محو کنند، یا چیزی از آیات قرآن را با آب دهان بنویسند.

واز خواب دروغ نقل کردن (به منظور آزار دادن مردم یا غیر آن) نهی کرد و فرمود: «هر کس چنین کند، خداوند متعال او را در قیامت موظف می کند که دانه جوی را گره بزند و او قادر بر این کار نخواهد بود و به همین سبب عذاب می شود».

واز مجسمه سازی نهی کرد و فرمود: «هر کس مجسمه ای بسازد، خداوند متعال در روز قیامت به او دستور می دهد که در آن مجسمه روح بدمد و قادر نخواهد بود».

ونهی فرمود از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند.

واز دشنام دادن به خروس نهی کرد، زیرا مردم را برای نماز صبح بیدار می کند.

ونهی کرد از داخل شدن در معامله دیگران؛ مثل اینکه مؤمنی بخواهد چیزی بفروشد یا بخرد و دیگری بگوید من کالای بهتری دارم از من بخر، یا من این کالا را از تو گران تر می خرم.

از سخن گفتن زیاد به هنگام آمیزش نهی کرد و فرمود: این کار سبب لال شدن فرزند می شود.

و فرمود: خاکروبه را شب در خانه نگذارید و همان روز بیرون ببرید که شیطان در آن لانه می کند.

ص: 804

واز اینکه در شب کسی با دست آلوده به غذا بخوابد نهی کرد که اگر چنین کند و شیطان دیوانه اش کند، جز خود کسی را سرزنش نکند.

ونهی کرد از استنجا با سرگین و استخوان.

واز اینکه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود نهی کرد که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان ها و هر کس از جنیان و انسان ها که بر او بگذرند نفرین اش کنند.

ونهی کرد از اینکه زن برای غیر شوهرش خود را زینت کند و اگر چنین کند، بر خداوند لازم است که او را به آتش جهنم بسوزاند.

ونهی فرمود از اینکه زن نزد غیر شوهرش و نامحرمان، بیش از پنج کلمه ضروری سخن بگوید (در آنجا که احتمال انحراف از جاده عفاف می رود).

ونهی کرد از اینکه زنی نزد زن دیگر بخوابد و لباس یا ملحفه ای در میان

آنها نباشد.

ونهی کرد از اینکه زن آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته را برای زنی دیگر نقل کند.

ونهی فرمود از اینکه کسی با همسر خود رو به قبله آمیزش کند.

ونهی کرد از اینکه در کنار جاده ای که محل رفت و آمد است با همسرش آمیزش کند و اگر چنین کند، خدا و ملائکه و همه مردم بر او نفرین کنند.

واز رفتن نزد کسانی که مدعی خبر دادن از آینده هستند، مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب نهی کرد و فرمود: «هر که نزد اینان برود و آنها را تصدیق کند، از آنچه بر من نازل شده بیزاری جسته است».

واز بازی با نرد و شطرنج و استفاده از طبل و تنبک و طنبور و عود نهی کرد.

واز غیبت کردن و گوش دادن به آن و سخن چینی کردن و گوش دادن به آن نهی کرد و فرمود: «سخن چین وارد بهشت نمی شود».

واز رفتن به میهمانی انسان های فاسق و قسم دروغ نهی کرد و فرمود: «قسم دروغ، شهرها را ویران می سازد». و فرمود: «هر کس برای آنکه مال مسلمانی را ببرد قسم دروغ بخورد، خداوند در قیامت با او در غضب باشد، مگر آنکه توبه کند و مال آن کس را پس بدهد».

واز نشستن بر سر سفره ای که بر آن شراب می خورند نهی کرد.

ونهی کرد از داخل شدن به حمام بدون لنگ و سیلی بر صورت زدن به هنگام مصیبت و سخن گفتنی که انسان را از یاد خدا غافل سازد.

واز آشامیدن در ظروف طلا و نقره (و خوردن غذا در آنها) واز فروختن خرما بر روی درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه مردان لباس ابریشمین بپوشند، ولی برای زنان اشکالی ندارد.

ونهی کرد از اینکه رطب را بر درخت به عنوان خرما وانگور را بر درخت به عنوان مویز بفروشند.

واز فروختن آلت نرد و شطرنج نهی کرد.

ونهی فرمود از خریدن و خوراندن شراب و فرمود: «شراب و کسی که درخت انگور را به قصد شراب می کارد و آن کس که انگور را برای تهیه شراب می فشارد و هر که آن را می خورد و آن کس که ساقی می شود و هر که آن را می فروشد، و کسی که آن را می خرد و کسی که پول آن را مصرف می کند و آن کس که آن را حمل و نقل می کند و کسی که برای او حمل و نقل می شود، همه ملعون پروردگارند و فرمود: «هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز قبول نمی شود و اگر بمیرد و چیزی از آن در شکمش باشد بر خداوند لازم است که او را مجازات کند».

واز رباخواری وشهادت به ناحق ونوشتن سند ربا نهی کرد. و خداوند

ص:806

گیرنده، دهنده، نویسنده، وگواه بر رباخواری را نفرین کرده است.

واز مصافحه کردن با کفار اهل ذمه وخواندن شعر در مسجد واعلان گمشده در مسجد نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه در مسجد شمشیر را برهنه کنند ونیز چیزی (مانند سنگ) بر صورت جانوران بزنند.

ونهی کرد از نگاه به عورت مسلمان وفرمود: «هر کس عمداً به عورت مسلمانی نگاه کند، هفتاد هزار فرشته او را نفرین کنند».

وحتی نهی فرمود از اینکه زنی به عورت زنی نگاه کند.

واز فوت کردن بر غذا وآب ومحلّ سجده نهی کرد.

واز نماز خواندن در قبرستان ودر راه وآسیاب ها ورودخانه ها ودر محلّی که شتران را می بندند وبر بام کعبه معظمه نهی کرد.

واز کشتن زنبور عسل وداغ نهادن بر صورت چهارپایان نهی کرد.

واز اینکه کسی به غیر خدا قسم بخورد نهی کرد و فرمود: «هر کس به غیر خدا قسم بخورد از رحمت خدا بیزار شده است».

واز قسم خوردن به سوره قرآن نهی کرد و فرمود: «هر کس به سوره ای از قرآن قسم یاد کند، باید در مقابل هر آیه آن سوره یک کفاره بدهد، خواه قسم راست باشد یا دروغ». (علما این کفاره را حمل بر استحباب کرده اند).

ونهی فرمود از اینکه قسم بخورد و بگوید: به جان تو و جان فلان شخص.

واز نشستن جنب در مسجد و برهنه شدن در شب و روز و حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه نهی کرد.

ونهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه هنگامی که خطیب جمعه خطبه می خواند که اگر چنین کند ثواب نماز جمعه اش کامل نیست.

ونهی فرمود از اینکه انگشتر ساخته شده از فلز زرد یا آهن در انگشت کند.

ص: 807

ونهی کرد از اینکه تصویر حیوان در نگین انگشتر باشد.

واز خواندن نماز نافله به هنگام غروب آفتاب و به هنگام ظهر نهی کرد.

واز روزه گرفتن در عید فطر و قربان و سه روز بعد از عید قربان (برای کسانی که در منی هستند) و یوم الشک به نیت ماه رمضان، نهی فرمود.

ونهی کرد از اینکه همانند چهارپایان دهان بر آب بگذارد و بنوشد. و فرمود: «با دستان (تمیز و غیر آلوده خود در کنار چشمه و آنجا که ظرفی نباشد) آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرف های شماست».

ونهی کرد از انداختن آب دهان در چاهی که از آن آب می خورند.

واز به کار گرفتن کارگر قبل از تعیین اجرتش نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه دو مسلمان با هم قهر کنند و اگر ناچار باشند، بیش از سه روز طول ندهند که هر کس چنین کند سزاوار آتش جهنم است.

ونهی فرمود از اینکه طلا را به طلا و نقره را به نقره با اضافه وزن بفروشند (که ربا محسوب می شود).

واز مدح و تمجید مردم در پیش روی آنان نهی کرد.

و فرمود: «هر کس قرآن را فرا گیرد و از روی بی اعتنایی فراموش کند، روز قیامت دست هایش در گردنش بسته باشد و خداوند به تعداد هر آیه ای ماری را بر وی مسلط گرداند، مگر اینکه خداوند او را بیامزد».

و فرمود: «هر کس قرآن را بیاموزد و پس از آن حرامی بخورد، یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بر قرآن مقدم دارد، مستحق غضب الهی گردد، مگر اینکه توبه کند. و اگر بدون توبه بمیرد قرآن با او دشمنی کند».

وهر کس با زن مسلمان یا مسیحی یا یهودی یا زرتشتی زنا کند و بی توبه بمیرد، خداوند متعال درهای بسیاری از جهنم به قبرش می گشاید که حیوانات مودی از جهنم وارد قبرش می شود و او تا روز قیامت در آتش می سوزد.

ص: 808

وهنگامی که از قبرش مبعوث می شود مردم از بوی متعفن وی اذیت می شوند وهمه او را به این کار زشت می شناسند تا به جهنم برود.

و فرمود: «هر کس به خانه مؤمنی نگاه کند تا از اسرار درون خانه اش باخبر شود، خداوند وی را با منافقینی که از عیب های مسلمانان جست و جو می کردند محشور می کند ونمیرد تا خدا او را رسوا سازد مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس به آنچه خداوند روزی وی کرده راضی نباشد واز خدا شکایت کند و صبر نکند، هیچ حسنه ای از او بالا نمی رود (وقبول نمی شود) و خداوند در قیامت از وی خشمگین خواهد بود، مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس بر زنی ظلم کند و مهرش را نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود و خداوند در قیامت او را سرزنش می کند که من کنیز خود را به مهر مخصوص به عقد تو در آوردم و تو بر پیمان خود وفا نکردی و به آن زن ستم کردی. از حسنات وی بگیری و به جای مهر آن زن به وی بدهی و اگر حسناتش تمام شود خداوند دستور می دهد وی را به جهنم ببرند».

واز کتمان شهادت نهی کرد و فرمود: «هر کس شهادتی نزد او باشد و آن را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت در حضور مخلوقات، گوشت بدن وی را به خودش می خوراند».

و فرمود: «جبرئیل پیوسته به من در مورد حق همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم سهمی از ارث برای آنان قرار خواهد داد...» .

و پیوسته مرا به مسواک زدن امر می کرد تا آنکه گمان کردم واجب خواهد شد. و پیوسته مرا به نماز شب سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم نیکان امّتم شب ها نخواهند خوابید».

و فرمود: «هر کس مسلمان تهیدستی را سبک بشمارد، حقّ خدا را سبک شمرده است و خداوند متعال او را در قیامت سبک می شمارد، مگر آنکه توبه کند.

و هر کس مسلمان تهیدستی را گرامی بدارد، خداوند در روز قیامت از وی

ص: 809

راضی و خشنود شود.

و هر کس از ترس خدا از گناه و خواهش نفسانی حرامی خودداری کند، خداوند جهنّم را بر او حرام می کند و او را از وحشت هولناک روز قیامت در امان نگاه می دارد و دو باغ بهشتی که در قرآن مجید (1) وعده فرموده به او عطا می کند.

و هر کس دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد در قیامت حسنه ای که به وسیله آن از جهنّم نجات پیدا کند نخواهد داشت.

و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، خداوند از وی خشنود شود و گناهانش را بیامرزد.

و هر کس چشمش را از نگاه به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت دیده اش را از آتش پر می کند، مگر آنکه توبه کند.

وهر کس با زن بیگانه ای مصافحه کند، خداوند از وی خشمناک می شود.

وهر کس زنی را به طور نامشروع در بغل گیرد، او را با شیطانی در یک زنجیر کرده وهر دو را به جهنم می برند.

وهر کس مسلمانی را در خرید و فروش فریب دهد از ما نیست ودر روز قیامت با یهودیان (ستمکار) محشور می شود».

و فرمود: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند تا آنکه شوهر را از خود راضی سازد، هر چند روزها روزه باشد و شب ها به نماز بایستد و برده گانی در راه خدا آزاد کرده و بر اسبان جنگی سوار کرده و به جهاد بفرستد، همچنین اگر مردی به زن خود ستم کند.

وهر که خشمی از کسی فرو برد که توانایی انتقام از وی را دارد، خداوند ثواب شهید به او کرامت می کند».

واز خیانت کردن در اموال مردم نهی کرد و فرمود: «هر کس در امانتی خیانت

1- سوره الرحمن، آیه 46.

ص: 810

کند و تا قبل از مرگش آن را به اهلش نرساند، مسلمان از دنیا نرفته و خداوند در روز قیامت از او خشمگین باشد.

وهر که در مورد دیگری شهادت به ناحق بدهد، خداوند وی را در پایین ترین نقطه جهنم با منافقان بر زبانش آویزان کند.

وهر کس مال خیانتی را بخرد، گویی خود خیانت کرده است.

وهر کس حق برادر مؤمن خود را حبس کند، خداوند برکت روزی را بر وی حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.

وهر کس از گناه دیگران باخبر شود و آن را اشاعه دهد، گویی خود مرتکب آن شده است.

وهر کس برادر مسلمانش در رابطه با وامی به او نیازمند باشد و او قادر بر پرداخت باشد و ندهد، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می کند.

وهر کس برای رضای خدا بر اخلاق بد زوجه اش صبر کند، خداوند ثواب شاکران را به وی می دهد.

وهر زنی که با شوهرش مدارا نکند و با او سازگار نباشد و او را وادار بر کارهایی کند که از قدرتش خارج است، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند و در روز قیامت از او خمشگین خواهد بود.

وهر کس برادر مسلمان خود را گرامی دارد، گویی خدا را گرامی داشته است.»

و نهی کرد از اینکه شخصی امام جماعت گروهی شود که به امامت وی راضی نباشند و فرمود: «هر کس با رضایت جمعی، امامت جماعت آنها را بر عهده گیرد و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را به خوبی برگزار کند، مانند ثواب آن جمع را می برد، بی آنکه از ثواب آنها کاسته شود.

وهر کس برای صله رحم، یا به منظور کمک مالی به نزد یکی از بستگانش برود، خداوند متعال ثواب صد شهید به وی کرامت می کند و در مقابل هر قدمی که در این راه برمی دارد، چهل هزار حسنه برای او می نویسد و چهل هزار گناه از

وی محو می کند و چهل هزار درجه بر درجاتش می افزاید و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد.

و هر کس حاجتی از حوائج دنیوی نایینی را برآورده سازد و برای این کار گام بردارد و تلاش کند، خداوند متعال بیزاری از نفاق و آتش جهنم را روزی اش گرداند و هفتاد حاجت از حاجات دنیوی اش را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا باز گردد.

و هر کس بیماری را یک شبانه روز تحمل کند و به عیادت کنندگان خود شکایت نکند، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم علیه السلام مبعوث گرداند، تا همچون برقی درخشنده از پل صراط عبور کند.

و هر کس در راه برآورده شدن حاجت بیمار گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان پاک می شود.

یکی از انصار پرسید: اگر آن بیمار از اهل خانه اش باشد ثوابش بیشتر است؟ فرمود: «آری». سپس فرمود: «هر کس مشکل و غم و اندوهی از غم های دنیوی مؤمنی را برطرف سازد، خداوند متعال هفتاد و دو غم از غم های آخرت و هفتاد و دو بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان ترین آنها درد شکم باشد».

و فرمود: «هر شخصی که از وی حقی طلب شود که قادر بر دادن آن باشد و تأخیر کند، هر روز گناه باج گیر (عشار) برای او نوشته می شود».

و هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند ولی بر وی منت بگذارد، خداوند عملش را حبط و نابود کرده و ثوابی به او نمی دهد. خداوند متعال فرماید: «من بهشت را بر منت گذارنده و بخیل و سخن چین حرام کردم».

و هر کس در راه خدا صدقه ای دهد، در مقابل هر درهمی به وزن کوه احد از نعمت های بهشتی به او داده می شود.

وهر کس واسطه صدقه ای به شخص نیازمندی شود، مانند ثواب کسی که آن صدقه را پرداخته به او می دهند، بی آنکه از ثواب صدقه دهنده کاسته شود.

وهر کس از ترس خدا گریه کند، خداوند به هر قطره اشکی که از چشمانش

ص: 812

جاری شود قصری در بهشت به وی می دهد که با مروارید وسایر جواهرات تزیین شده باشد، به گونه ای که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده باشد.

وهر کس برای نماز جماعت به سوی مسجد برود، در مقابل هر گامی که برمی دارد هفتاد هزار حسنه برایش می نویسد و هفتاد هزار درجه بر درجاتش می افزاید و اگر در این حال مرگش فرا رسد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند که در قبر از وی دیدن کنند و در تنهایی مونس او باشند و تا هنگام مبعوث شدن از قبر برایش طلب آمرزش کنند.

وهر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید، خداوند ثواب فوق العاده ای برای او می نویسد. و هنگامی که مؤذن «أشهدُ أن لا إله إلا الله» می گوید، هفتاد هزار فرشته صلوات می فرستند و برایش استغفار می کنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود. و ثواب گفتن «أشهدُ أن مُحَمَّدًا رَسُولُ الله» را چهل هزار فرشته می نویسند.

و اگر در نماز جماعت بر صف اوّل و تکبیر اوّل محافظت کند و به مسلمانان آزار نرساند، خداوند متعال همانند ثواب مؤذنان، در دنیا و آخرت به او کرامت فرماید.

و فرمود: «هیچ بدی را کوچک نشمرید، هر چند در نظر شما کوچک آید...، زیرا گناه کبیره با استغفار باقی نمی ماند. و گناه صغیره باقی نمی ماند با اصرار (زیرا هنگامی که بر گناه صغیره اصرار کردی و از آن توبه نکردی کبیره می شود)». (1) (2)

1- امالی شیخ صدوق، مجلس 66، ص 433؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 11؛ مکارم الأخلاق، ص 433.

2- این نوشتار - بحمدالله - در ساعت هفت صبح 1386/12/29 و خواندن آن در محضر حضرت استاد در 1388/3/14 و اصلاحات نهایی آن در 1388/12/3 به پایان رسید. والحمد لله رب العالمین.

ص: 813

فهرست منابع

1. القرآن الکریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، 1389ش.

2. الإحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، انتشارات أسوه، تهران، چاپ سوم، 1422ق.

3. الإختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413ق.

4. الإستبصار، محمد بن الحسن الطوسی، دارالکتب الاسلامیّه، تهران، چاپ سوم، 1390ق.

5. الأصول من الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی، دار صعب ودار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، 1401ق.
6. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، انتشارات مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول، 1408ق.
7. اقبال الأعمال، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، 1367ش.
8. امالی صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ هفتم، 1380ش.
- ص:814
9. امالی طوسی، شیخ طوسی، انتشارات دارالثقافه، قم، چاپ اول، 1414ق.
10. امالی مفید، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413ق.
11. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی، مکتبه الاندلس، بغداد، چاپ اول، 1385ق.
12. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، سید بن طاووس، مکتبه المفید، قم، چاپ اول.
13. الأنوار اللّامعه فی شرح الزیاره الجامعه، السید عبدالله الشبر، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ اول، 1403ق.

14. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، 1403ق.
15. برگزیده حلیه المتقین، حاج شیخ عباس قمی، کانون انتشارات ناصر، قم، چاپ اول، 1375ش.
16. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، 1416ق.
17. بشاره المصطفی، عماد الدین طبری، چاپ کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اول، 1383ق.
18. بصائر الدرّجات، محمد بن حسن بن فروخ صفّار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، 1404ق.
19. تاریخ العلامه ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، دارالکتاب اللبنانی ومکتبه المدرسه، بیروت، چاپ اول.
20. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ هشتم، 1429ق.
21. التفسیر المنسوب إلى الإمام أبي محمد الحسن بن علیّ العسكري، مؤسسه الإمام المهدي، چاپ اول، 1409ق.
- ص: 815
22. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، بی تا.
23. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم القمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ اول، 1404ق.

24. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی وهمکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367ش.
25. تفسیر نورالثقلین، علامه حویزی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، 1415ق.
26. تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم، چاپ اول، بی تا.
27. تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن بن علی الطوسی، مکتبه الصدوق، تهران، چاپ اول، 1417ق.
28. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، شیخ صدوق، مکتبه الصدوق، تهران، چاپ اول، 1391ق.
29. جامع احادیث الشیعه، حسین طباطبائی بروجردی، چاپ مهر، قم، چاپ اول، 1410ق.
30. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، 1363ش.
31. الجعفریات، (الاشعثیات) محمد بن محمد بن اشعث کوفی، مکتبه نینوی الحدیث، تهران، چاپ اول، بی تا.
32. جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، 1981م.
33. حلیه المتقین، علامه مجلسی، تحقیق عبدالمجید شفقت، انتشارات جلوه کمال، قم، چاپ اول، 1386ش.

34. الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی، قم، چاپ اول، 1409ق.

35. الخصائص الفاطمیة، محمد باقر کجوری، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، 1380ش.

36. الخصال، محمد بن علی بن الحسین، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ دوازدهم، 1385ش.

37. الخصال، محمد بن علی بن الحسین، با ترجمه: سید احمد فهری زنجانی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، چاپ اول، بی تا.

38. الدروس الشرعیة، محمد بن مکی العاملی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، 1417ق.

39. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دارالمعارف مصر، چاپ اول، 1385ق.

40. الدعوات، قطب الدین راوندی، چاپ مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اول، 1407ق.

41. رجال کشی، محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اول، 1348ش.

42. روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیور، قم، چاپ اول، بی تا.

43. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن منصور بن احمد ابن ادريس حلی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، 1410ق.

44. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالأسوه للطباعة والنشر، ایران، چاپ اول، 1414ق.

45. السنن الكبرى، احمد بن الحسين بن علی البيهقي، دار صادر، بيروت، چاپ اول، 1344ق.

ص: 817

46. شرح نهج البلاغه، میثم بن علی بن میثم البحرانی، مؤسسه النصر، تهران، چاپ اول، 1378ق.

47. صحیفه نور، امام خمینی، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، 1361ش.

48. صحیفه الرضا، منسوب به امام رضا علیه السلام، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، 1406ق.

49. طبّ الائمه :، عبدالله وحسین ابنا بسطام، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، 1411ق.

50. عدّه الدّاعی، ابن فهد حلی، مکتبه وجدانی، قم، چاپ اول، بی تا.

51. العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، بی تا.

52. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه داورى، قم، چاپ اول، بی تا.

53. عین الحیاه، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی گرگان، قم، چاپ اول، 1382ش.

54. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، انتشارات جهان، چاپ اول، 1378ق.

55. الفتوحات المکیه، ابن العربی، دار صادر، بیروت، چاپ اول، بی تا.

56. فرحه الغری، سید عبدالکریم بن طاووس، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، بی تا.

57. الفروع من الکافی، محمد کلینی، دارصعب ودارالتعارف، بیروت، چاپ سوم، 1401ق.

58. فرهنگ عمید، حسن عمید، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران، چاپ پنجم، 1350ش.

59. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، 1360ش.

ص:818

60. فرهنگ متوسط دهخدا، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، 1385ش.

61. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش ؛ آذرنوش، نشر نی، تهران، چاپ هفتم، 1385ش.

62. فقه الرضا، امام رضا علیه السلام، کنگره امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، 1406ق.
63. الفقه، سیّد محمد حسین شیرازی، دارالعلوم، بیروت، چاپ دوم، 1408ق.
64. فلاح السائل، سیّد بن طاووس، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، بی تا.
65. الفوائد الرضویّه، حاج شیخ عباس قمی، تحقیق: ناصر بیدهندی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، 1385ش.
66. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری، مؤسسه الثقافه الاسلامیه لکوشانپور، قم، چاپ اول، 1417ق.
67. قصص الانبیاء، قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، 1409ق.
68. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، 1356ق.
69. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین، دار صعب ودارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1401ق.
70. كشف الغمّه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، چاپ اول، 1427ق.
71. کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ اول، 1395ق.

72. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیّه قم زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، قم، چاپ دوم، 1382ش.

ص: 819

73. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ سیروس، تهران، چاپ اول، 1335ش.

74. مجله مبلّغان (دوماهنامه)؛ معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیّه، قم، چاپ اول، 1388ش.

75. مجمع البیان، فضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1415ق.

76. مجمع البحرین، شیخ فخرالدین الطریحی، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، 1415ق.

77. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، بی تا.

78. مختصر البصائر، الحسن بن سلیمان الحلی، تحقیق مشتاق المظفر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، 1379ش.

79. مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مکرم المعروف بابن منظور، دارالفکر، دمشق، چاپ اول، 1404ق.

80. مرآه العقول، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1404ق.

81. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، 1407ق.

82. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، مؤسسه البعثه، مشهد، چاپ اول، 1409ق.

83. مشکاه الأنوار، علی بن حسن الطبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اول، 1385ق.

84. المصباح، ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد العاملی الکفعمی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، 1403ق.

ص: 820

85. مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه السلام، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1400ق.

86. مصباح المتهدّد، شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، 1411ق.

87. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، چاپ اول، 1385ش.

88. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، چاپ اول، 1361ش.

89. المغنی والشرح الکبیر، ابنی قدامه، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، 1404ق.

90. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ سوم، 1380ش.

91. مفاتیح نوین، آیة الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سوم، 1385 ش.

92. مفتاح الكرامه، سیّد محمد جواد حسینی العاملی، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، بی تا.

93. المقنع، شیخ صدوق، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، چاپ اول، 1415 ق.

94. مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل الطبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، 1412 ق.

95. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، چاپ اول، 1379 ق.

96. منیه المرید، شهید ثانی، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، 1409 ق.

97. مهج الدعوات، سیّد بن طاووس، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ اول، 1411 ق.

ص: 821

98. مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام، سیّد عبدالأعلى موسوی سیزواری، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، 1413 ق.

99. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، 1422 ق.

100. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، زیر نظر آیة الله مکارم شیرازی، به قلم محمد رضا آشتیانی و محمدجعفر

امامی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دهم، 1375 ش.

101. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، ایران، چاپ اول، 1374ش.

102. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، 1391ق.

سایت جامع سربازان اسلام

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم

لیبیک یا خامنه ای ، لیبیک یا حسین(ع) است